Bia2book.blogfa.com

دولت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

نویسنده : صالح احمد علی

مترجم "هادی انصاری

تهیه نسخه الکترونیکی :امیرحسین موسوی

برگرفته از سایت غدیر

PHOTO-ART.ONLINES.IR

Bia2book.blogfa.com

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام

این کتاب توسط وبلاگ

Bia2book.blogfa.com

تهیه شده است

جهت دانلود باقی کتابها به وبلاگ بیا تو بوک سر بزنید

جهت انتقاد و پیشنهاد به

Amirhossein.moosavi@yahoo.com

ایمیل بزنید

Bia2book.blogfa.com

سخن پژوهشکده

پژوهش کار آمد در جامعه ایرانی ، ناگزیر مستلزم شناخت فرهنگ ایرانی است . اسلام مولفه اصیل واصلی فرهنگ ایرانی است ، که به مثابه عنصر ذاتی در اندیشه و رفتار ایرانی تجلی پیدا می کند. بنابر این ، شناخت اسلام و بررسی نسبت به آن با علوم انسانی و تبیین قلمروهای مشترک و حاصل این مطالعات ، به عنوان هدفی راهبردی ، نقش تعیین کننده ای در بومی .ویژه ای می یابد سازی علوم انسانی دارد.

به منظور تحقق این مهم ، در سال ۱۳۶۱ با راهنمایی و عنایت حضرت امام خمینی رحمهٔ الله علیه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به همت استادان حوزه و دانشگاه شکل گرفت و در سالیان فعالیت خود، برای رسیدن به ان هدف بستر مناسبی فراهم آورد و فعالیت های موثری صورت داد. در ادامه راه ، گسترش و تعمیق کار، جایگاه و دامنه کاری بالاتری را برای این مجموعه اقتضا می کرد. از این رو شورای گسترش آموزش عالی در تاریخ ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۷۷ تاسیس پژوهشکده حوزه و دانشگاه را تصویب کرد.

پژوهشکده حوزه و دانشگاه با بهره گیری از استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه به پژوهش

Bia2book.blogfa.com

های تطبیقی و تحقیقات علوم انسانی از منظر اسلامی ، به منزله مقدمه ای ضروری برای بومی سازی علوم انسانی می نگرد و حاصل این پژوهش ها را در اختیار جامعه دانشگاهی و دیگر علاقه مندان قرار می دهد.

یکی از وظایف این پژوهشکده ، تدوین متون و منابع آموزشی دانشگاهی در قلمرو علوم اسلامی و علوم انسانی ، متناسب با نظام آموزش عالی ایران است ؛ از این رو پژوهش هایی را در این موضوعات صورت می دهد. که حاصل آن ها، به عنوان متون و منابع آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته های تاریخ و تاریخ تمدن اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، تهیه شده است امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی ، دیگر علاقه مندان نیز از آن بهره مند گردند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری ، راهنمایی و پیشنهادهای خود، این پژوهشکده را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشکده لازم می داند از مترجم گرامی ، جناب آقای دکتر هادی انصاری و تلاش حجت الاسلام و المسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولت های مسلمان و زمینه سازی ترجمه این اثر تشکر و قدردانی کند.

Bia2book.blogfa.com

پیشگفتار

دو نیاز، پژوهشکده حوزه و دانشگاه را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه تاریخ دولتهای مسلمان عرضه کند: نخست آن که در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته های تاریخ و تاریخ تمدن اسلامی ، عناوینی چند درباره شناخت تاریخ دولتهای مسلمان وجود دارد که در خصوص بنابراین ، عرضه کتابهای مناسب برای پر کردن این . بسیاری از آن ها کتابی تالیف نشده است خلا، ضروری به نظر می آمد. دوم آن که امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران ، این خلا، ضروری به نظر می آمد. دوم آن که امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران ، شناخت پیشینه دولتهای بزرگ اسلامی ، در طول تاریخ ، بسیار سودمند و راهگشاست . دولت اسلامی ایران ، که در امتداد دولت های بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است ، باید بر تجربه های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره مند گردد. بر این اساس لازم بود تا فهرستی از

Bia2book.blogfa.com

.این دولتها تهیه ، و برای هر یک کتابی مناسب تالیف یا ترجمه شود

گزینش این دولت ها بر اساس دامنه نفوذ آن ها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است ؛ چنان که گاه برخی از آن ها در شرق و برخی در غرب ، سال ها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده اند

پژوهشکده حوزه و دانشگاه

گروه تاریخ

Bia2book.blogfa.com

مقدمه مترجم

تردیدی نیست که هدف غایی رسول خدا صلی الله علیه و آله هدایت مردم به صراط مستقیم بوده و در این راه ، از ابزارهای گوناگون و شیوه های متفاوتی استفاده جسته است . اما در مورد این که پیامبر صلی الله علیه و آله برای پیشبرد هدف خود در به دست گرفتن قدرت سیاسی و داشتن دولت با مشخصه های مورد نظر خویش در مکه تلاش می نمود، دلیلی در دست نداریم . در مجموعه آموزه های اسلام ، آیات قرآن ، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره و رفتار عملی ایشان در مکه ، نشانی از این هدف نمی یابیم . تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره مکه ، ارشاد مردم به آموزه های قرآن و تلاش برای آگاه نمودن آنان به مبانی توحید و بطلان شرکت و بت پرستی و اخلاق ها و آموزه های زاییده از آیین جاهلی بود. پیامبر صلی الله علیه و

Bia2book.blogfa.com

آله حتی در سخت ترین شرایط و بحران هایی که گریبان گیر خود و قوم اش بنی هاشم شد، مثل محاصره ؛ شعب ابی طالب ، هرگز برای برهم زدن نظم اجتماعی مکه از راه ایجاد شورش توسط گروه هایی از مردم هم قبیله یا هم پیمان و یا حتی مسلمانان ، علیه صاحبان قدرت ، اقدامی نکرد. حتی هنگامی که قریشیان ، یاران نزدیک او تازه مسلمانان را مورد شکنجه و اذیت قرار دادند، برای وادار کردن یاران خود به واکنش های شدید از قبیل ترور سران مکه یا ضربه زدن به استقرار و امنیت شهر مکه و یا شکستن بت های مکه و هتک حرکت آنان رفتاری که در میان برخی از پیامبران پیشین مثل حضرت ابراهیم علیه السلام سابقه داشت ، تلاشی ننمود؛ بلکه همواره مومنان را به صبر و شکیبایی دعوت می نمود و برای دشمنان و کافران ، هدایت و بصیرت طلب می کرد. این وضعیت تا هنگام هجرت هم چنان برقرار بود و پیش از هجرت در ملاقات هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله ، مخفیانه ، با سران مدینه ، در عقبه اولی و عقبه دوم داشت ، هرگز سخنی از برقراری دولت به میان نیامد. حضرت در این ملاقات ها و در متن عهدنامه ها، جز بر ایمان به خدا و وفاداری به پیامبر صلی الله علیه و آله و این که او را یکی از خود بدانند، تاکید نکرد.

پس از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به یثرب و استقرار در این سرزمین ، به تدریج نشانه هایی از توافق قبایل ساکن در مدینه و اطراف آن برای اطاعت مطلق از رسول خدا صلی الله علیه و آله پدیدار شد. از این زمان است که قبایل مسلمان و غیر مسلمان ، در مدینه بر پذیرفتن رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نظر پیدا می کنند و به تدریج تصرفات و رفتارهای آن حضرت

Bia2book.blogfa.com

در برخورد با مسلمانان بومی و مهاجر و یهودیان و پیش آمدهای مدینه و اطراف آن تفاوت پیدا می کند و دارای جنبه های آمرانه و الزام آور و در نهایت سیاسی و حکومتی می شود.

این موضوع ، به تدریج گسترش می یابد و حضرت صلی الله علیه و آله آشکارا متصدی مهم ترین جنبه های حکومت ، یعنی در اختیار داشت قدرت تصمیم گیری سیاسی و اعمال سیاست ها، از راه جنگ ، صلح نامه ، پیمان نامه و جز آنها می گردد.

کتابی که پیش روی خواننده گرامی قرار دارد، به تفصیل به موضوع یاد شده و پی آمدهای تشکیل حکومت پیامبر پرداخته و آن را از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار داده است .

اهمیت این نوشتار، که مورد توجه اهل نظر قرار گرفت و مترجم را به برگردان آن تشویق نمود، از چند جهت است :

نخست آن که نویسنده با اعتراف به اهمیت موضوع و سختی بررسی آن ، با وسواس فراوان به مراحل تشکیل دولت اسلامی پرداخته و برای پروراندن موضوع و نتیجه گیری ، به زمینه ها و عوامل روی آوردن اهل یثرب به اسلام و پذیرفتن آن ، از هنگام پیمان عقبه نخست تا هنگام تشکیل حکومت در مدینه می پردازد.

دوم آن که نویسنده اگر چه سنی مذهب است و روایت تاریخ ها و سیره های حکومتی مدون همچون سیره ابن اسحاق ، سیره ابن هشام و طبقات ابن اسعد و ... را به عنوان نمایانگر حقایق و وقایع صدر اسلام می پذیرد و اشاره ای به دخالت حکومت های بنی امیه و بنی عباس در تدوین تاریخ و سیره تحریف شده پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام ندارد، هنگام

Bia2book.blogfa.com

بررسی وقایع ، اشارات صریح و غیر صریحی به رقابت قبایل عرب و خانواده های مسلمان به دروغ گویی یاگزافه گویی و مبالغه در انتساب به شرکت در وقایع و جنگ ها و غزوات صدر نویسندگان سیره هر کدام تمایلات فکری و قبیله ای خود و نه حقیقت را .اسلام به خود، می کند منعکس کرده اند و نویسنده با توجه به این واقعیت ، در یافتن حقیقت از دیدگاه خود از میان روایت های مختلف و گاه متضاد، وسواس فراوانی به خرج داده ، که در جای خود بسی ارزشمند به نظر می رسد.

سوم آن که نویسنده سال های متمادی سرپرست یکی از مهم ترین و کهن ترین فرهنگستان های جهان عرب ، یعنی المجمع العلمی العراقی بوده و سال های متمادی تدریس تاریخ اسلام در دانشگاه های مختلف را به عهده داشته است و علاوه بر آن ، در زمینه بررسی ها و تحقیقات تاریخ صدر اسلام ، نوشته های فراوانی از خود بر جای گذاشته است که کتاب حاضر، به عنوان یکی از نوشته های سال های پایانی عمر او، چکیده ده ها سال مطالعه و تحقیقات او را در این زمینه در بر دارد.

چهارم آن که نویسنده در بخش های مختلف کتاب ، وقایعی را مورد بررسی و تدقیق و تحلیل قرار داده است که در نظر نخست ، از دیدگاه کارشناسانه ، عادی جلوه می نماید؛ اما با پروراندن موضوع و توجه دادن به زمینه فراهم آمدن و نتایج و آثار آن ها، به اهمیت و نقش آن ها پی برده می شود.

پنجم آن که نویسنده با تلفیقی از موضوع های متنوع ، توانسته است ماده ای تاریخی ، شیرین و

Bia2book.blogfa.com

خواندنی ارایه نماید. وی در این کتاب ، به موضوع هایی پرداخته است که معمولا کمتر به آنها توجه شده و یا می شود. موضوع هایی مثل : نظم زندگی در یثرب پیش از هجرت ، نظم زندگی و تنظیمات اداری در مدینه پس از هجرت ، وضعیت مخالفان یعنی منافقان و یهودیان ، چگونگی بسیج نیروها در هنگام جنگ و جهاد و راه های تامین نیازمندی های یک ارتش در حال جنگ ، سیاست مداری پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتارهای دور اندیشانه خود با طبقات گوناگون مردم مسلمانان مدینه ، مسلمانان مهاجر مکه ، مسلمانان قبایل اطراف مدینه ، کفار مکه ، کفار مدینه و رفتارها و سیاست های ...اطراف آن ، یهودیان درون مدینه ، یهودیان ساکن در شهرک های خیبر دور اندیشانه پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ هنگام بستن پیمان و هنگام تقسیم غنایم جنگی ، توجه به حساسیت های روسای قبایل عرب و بر آوردن آن ها و موضوع های فراوان دیگر.

از دیگر نکات مهمی که نویسنده در این کتاب به آن پرداخته و حق آن را ادا نموده است ، چگونگی گسترش اسلام در بخش های شمالی ، شرقی و جنوبی جزیرۀ العرب است که به مطالب ارزشمند دیگر کتاب ، افزوده شده است .

در پایان خداوند بزرگ را سپاسگزارم که توفیق تلاش در راه شناساندن سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را، در سالی که منسوب به جانشین و برترین اصحاب آن بزرگوار یعنی حضرت علی بن ابی طالب امیر المومنین علیه السلام است ، به این کمترین عطا فرمود.

ضروری است از مسئولان محترم پژوهشکده حوزه و دانشگاه که برای فراهم آوردن مقدمات چاپ و نشر این اثر تلاش نموده اند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم ، و کتاب را، با احترام تقدیم

Bia2book.blogfa.com

نمایم به پدر بزرگوار و اسیرم ، حضرت آیۀ الله حاج شیخ احمد انصاری قمی ، که سالهاست در بند اسارت رژیم عراق به سر می برد. هم چنین از برادر ارجمندم حضرت حجۀ الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد انصاری قمی نیز که در رفع پاره ای مشکلات یاری ام نمودند، سپاسگذاری نمایم .

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

هادی انصاری

رجب ۱۴۲۲ قمری 13

نهم مهر ۱۳۸۰

Bia2book.blogfa.com

بخش نخست : یثربیان و ندای اسلام

فصل اول : یثرب و نظم زندگی در آن به هنگام هجرت

زمین

مدینه در ۲۵۰ کیلومتری شمال مکه و ۷۰ کیلومتری ساحل دریای سرخ قرار دارد. سرزمین مدینه در منطقه آتشفشانی واقع شده است و در نزدیکی آن ، آتشفشان های خاموشی قرار دارد که در دوران های اسلامی ، چندین بار فعالیت نموده اند و از مشهورترین آنها می توان به آتشفشانی که پیش از هجرت صورت گرفت و نیز آتشفشانی که در سال ۶۵۳ ه. ق فوران کرد و در نتیجه آن اشاره [1]مواد گداخته آتشفشانی بسیاری به صورت مواد مذاب گداخته سرزمین آن را پوشانید، نمود. به دلیل وجود این آتشفشان ها، سرتاسر سرزمین مدینه پوشیده از سنگ های سیاه است ؛

Bia2book.blogfa.com

همچنان که موجب حاصلخیزی و باروری خاک آن شده است . مدینه شامل سرزمین گسترده ای بوده که در شمال از کوه احد آغاز و در جنوب به کوه عیر منتهی شده است . طول این محدود، در حدود دوازده میل و عرض آن در حدود ده میل می باشد. دشت بطحان که از جنوب شرقی شمال غربی امتداد دارد، این سرزمین را می شکافد و به دشت عقیق که از نیمه های ادامه یافته ، سپس به سوی غرب منحرف می شود و در نزدیکی ینبع ، به دریا متصل وجود دارند که مهم ترین آنها، رانونا، مذینیب و مهزور است . آب هایی که در این دشت ها جریان داشته ، مزارع و کشتزارهای بسیاری را سیراب می ساخته است . علاوه بر آن ، مدینه دارای چاه های پر آب فراوانی بوده که از آب آن برای نوشیدن و کشاورزی استفاده می شده است .

آب و هوای مدینه و اطراف . آن ، موجب شده بود کشتزارها چنان وسعت یابند که بین بخش های مسکونی آن ، که به هنگام پیدایش اسلام به صورت مجموعه هایی مسکونی ، شبیه دهکده بودند، فاصله ایجاد شود. از مشهورترین این دهکده ها، می توان به قبا در جنوب ، زهره در شرق و یثرب و زباله ها و راتج در شمال اشاره نمود.[2]

مدینه دارای پیشینه ای کهن در تاریخ است و به نظر می رسد نام قدیم و مشهور آن همان یثرب آمده ؟ ؛ هم چنان که قرآن کریم نیز این Ithrittبوده که در برخی از مصادر جغرافیایی افریقا، نام را به آن نهاده است :

و نیز به خاطر آورید زمانی را : ؛ یعنی[3]واذ قالت طائفة منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا اینجا جای توقف شما نیست ، به خانه !ای اهل یثرب ای مردم مدینه :که گروهی از آنها گفتند

Bia2book.blogfa.com

احزاب / ۱۳ !های خود بازگردید.[4]

البته نام مشهور آن به هنگام ظهور اسلام ، همان مدینه بوده که در قرآن ، احادیث نبوی و کتابهای تاریخ و ادبیات نیز همواره از آن به این نام یاد شده است .

یثرب و نظم زندگی در آن

اساس زندگی در یثرب ، نظام قبیله ای بود؛ بدین ترتیب که همه افراد یک قبیله ، به صورت دسته جمعی در یک منطقه ، که مزارع و کشتزارهای آنان نیز در آن واقع شده بود، زندگی می کردند در عاقله ، که دیه قتل غیر عمد است ، شریک و در سختی ها و مشکلات زندگی ، کمک یکدیگر بودند.

یثرب به هنگام هجرت ، دارای ۷۸ اطم بود که برخی از آنها از آن افراد و برخی دیگر از آن اطم ساختمانی بلند از سنگ بود که معمولا به عنوان برج دیده بانی و دفاعی مورد استفاده قرار می گرفت و شاید در آن روزگار، از آن استفاده های دیگری نیز می شده است . قبایل بود ساختن اطم تا آغاز هجرت همواره ادامه داشته ، اما پس از هجرت ، از بنای ان دست کشیدند و این خود می تواند دلیلی بر به وجود آمدن امنیت کامل پس از هجرت باشد. بدون تردید اطم های برخی افراد، می تواند نشانه ای از جایگاه و شخصیت آنان و ضعف و ناپایداری و وابستگی های در آن روزگار، همبستگی قبیله ای از قدرت ارزشمندی برخوردار .قبیله ای در آن دوران باشد نبود؛ از این رو، گاه ازدواجهایی که میان افراد قبایل مختلف صورت می گرفت ، موجب کاهش عزت و گوشه گیری قبیله می شد و از شک و دشمنی که لازمه عزت قبیله بود، جلوگیری می

Bia2book.blogfa.com

البته گزارشی از ازدواج مردم مدینه با غیر مدنیان - آنگونه که میان مکیان متداول بود- در .نمود دست نیست و ازدواج های آنان همواره محدود به درون مدینه بود؛ گو این که دیگر عشیره های مدینه را نیز شامل می شد. تاریخ نگاران ، نام تعدادی از افراد را که دارای جایگاه ویژه و بلندی در میان قبیله های یثرب بوده اند، آورده اند که از آن میان از براء بن معرور به عنوان آقا و بزرگ ما می توان [6]و عبد الله بن عمرو بن حزم به عنوان بزرگی از بزرگان ما و شریفی از اشراف ما [5] .یاد کرد

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پیمان عقبه از مردم یثرب درخواست نمود که دوازده نفر را به عنوان نماینده و نقیب از میان خود معرفی نمایند که از آن پس ، از سوی پیامبر بر قبیله خود این حرکت نشان می دهد که نقیبان انتخاب شده ، دارای جایگاه ویژه ای در قبیله [7] .نقیب باشند خود بوده اند و تایید آنان از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، به تثبیت بیشتر آنان انجامیده است . افراد یاد شده ، این جایگاه را به سبب داشت توانایی های خاص و ویژگی خویش به دست می آورده اند و هیچ گاه از راه انتخاب نبوده است . لازم به ذکر است که بسیاری از آنان ، حتی پس از هجرت نیز جایگاه خود را نزد قبیله حفظ کردند؛ به خصوص آنان که به یاری اسلام .شتافتند

در آن هنگام ، زن ، دارای جایگاه مستقلی برای خود بوده است ؛ به طوری که خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نموده و شروطی را که ناشی از طبیعت زنان بود در آن متعهد گشتند. دیدگاه زنان ، هیچ گونه ارتباطی با دیدگاه پدر یا همسر یا فرزندان آن ها نداشت ؛ به طوری که

Bia2book.blogfa.com

جایگاه آنان ، مهاجرین به یثرب را تحت تاثیر قرار داده و از نفوذ زنان در مدینه شگفت ساخته بود. معروف است که عمرو بن خطاب پس از مهاجرت به مدینه ، گفته است هنگامی که در میان قریش بودیم بر همسران خود چیرگی داشتیم ، تا این که بر انصار وارد شدیم و مشاهده کردیم که زنان این قوم بر آنان چیرگی دارند و از این پس بود که زنان ما نیز این شیوه و سنت را از انصار آموختند.[8]

گزارش ها، نشان از وجود حکومتی در یثرب ، که بر کارهای عمومی مردم نظارتی داشته باشد، ندارد؛ همچنان که فاقد موسسه سیاسی مانند دارالندوه در مکه و مجالس مردمی و عمومی بود که در آن هنگام در برخی شهرها و دولت های کهن برقرار بود. در منابع تاریخی ، هیچ گونه اشاره ای هم به وجود انجمن و مجلس قبیله ای نشده است . تنها نامی از سقیفه بنی ساعده به میان آمده است که در آن ، گروهی اجتماع کرده و در پایان ابوبکر را به عنوان خلیفه انتخاب کردند. البته منابع هیچ گونه ذکری از این که این محل ، پیش از آن مرکزی برای اجتماعات عمومی بوده باشد، به میان نیاورده اند.

این ویژگی ، تنها شامل عرب های یثرب نبوده ، بلکه یهودیان ساکن در آن را نیز شامل می شده است . سیره نگاران ، برای یهودیان یک بیت مدارس را گزارش کرده اند که جایگاهی برای انجام امور دینی و فرهنگی بوده و هیچ گونه فعالیتی در زمینه سیاسی نداشته است . شاید علت نبودن این گونه موسسات ، وسعت زیاد شهر یثرب و دوری محله های آن از هم و اشتغال مردم به امر زراعت ، بدون آن که فعالیتی در تجارت و بازرگانی داشته باشند، باشد، که موجب عزلت و گوشه

Bia2book.blogfa.com

گیری آنان از جهان خارج می شد.

در واقع ، اعراب یثرب ، همانند مکیان ارتباطات سیاسی عمیقی با سایر قبایل و یا شهرهای دیگر حجاز و غیر از آن نداشتند که شاید عامل آن ، ضعف فعالیت های اقتصادی بود که به ضعف ارتباط با همسایگان می انجامید؛ اما از سوی دیگر این ضعف ارتباط، از درگیری و جنگ و منازعات میان یثربیان - چنان که شیوه مکیان بود- و قبایل و گروه هایی که خارج از یثرب سکونت داشتند، جلوگیری می نمود.

یثرب در این دوره ، از امنیت کاملی برخوردار نبود و همواره میان قبایل درگیری و کشمکش هایی وجود داشت و فقدان قدرت مرکزی و نیرویی که بتواند مانع از درگیری ها شود و یا پناهگاهی که آن ها در آن بتوانند به طرح شکایت پرداخته و تقاضای تحکیم نمایند، به فزونی این منازعات دامن می زد.

این درگیری ها و کشمکش ها، گاه در نتیجه برخورد منافع قبیله ای و طغیان عواطف آنان بود، که معمولا نقطه نظرهای دینی و اعتقادات قبیله ای نیز در آن بی تاثیر نبود. احتمالا یهودیان نقش مهمی در توسعه این گونه اختلافات داشته اند. تا آنجا که چندین جنگ میان یهودیان نقش مهمی در توسعه این گونه اختلافات داشته اند. تا آنجا که چندین جنگ در میان آنان رخ داد و موجب ریخته شدن خون های بسیاری گردید. مشهورترین جنگ آنان حرب بعاث یا جنگ بعاث بوده که اندکی پیش از هجرت رخ داد و عرب های یثرب را خسته نمود.[9]

کم کم مردم یثرب به زیان های ناشی از این دشمنی ها آگاه شده و به فکر ایجاد قدرت مرکزی

Bia2book.blogfa.com

برای جلوگیری از آن افتادند؛ از این رو تصمیم به ریاست عبد الله بن ابی بر خویش گرفتند. اما این تصمیم هرگز به وقوع نپیوست و شاید علت آن ، ضعف و کوته اندیشی عبد الله از سویی و عمق شکاف و دشمنی های موجود میان مردم یثرب ، از سوی دیگر بود.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قدم به مدینه گذاشت ، با استفاده از جایگاه مذهبی خویش روی گشاده و تدبیر و دور اندیشی و جایگاه احکام شریعت اسلام ، کمال استفاده را کرد و در از میان بردن ریشه اختلافات و جانشینی علاقه و دوستی در میان مردم مدینه ، از هیچ کوششی دریغ ننمود. پیامبر صلی الله علیه و آله در این مهم ، مهاجرین را که یاران و حامیان او بودند و روز به روز بر شمار آنها افزوده می شد و پیشتر با مدنیان روابطی نداشته و در منازعات و اختلافات آنها نقشی نداشتند، پشتوانه نظر خویش قرار داد. از این رو، آن ها در رفع کدورت و دشمنی میان مردم مدینه ، با پیامبر هم آهنگ شدند.

ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه ، تمامی آثار گذشته را پاک ننمود؛ زیرا از سویی روح قبیله ای ، تاثیر عمیق خود را بر مردم گذاشته و از سوی دیگر عوامل بروز درگیری و برخورد در این اجتماع ، هم چنان بر جا بود؛ به ویژه تشویق و تحریک برخی یهودیان ، در به وجود آمدن اختلافات بی تاثیر نبود.

سمهودی می گوید: با تحریک شاس بن قیس که یکی از یهودیان بود کینه عمیقی از اسلام داشت ، اشعاری درباره جنگ بعاث سروده شد که در صورت عدم دخالت پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجرین ، به فتنه ای عظیم میان اوس و خزرج منتهی می شد.

Bia2book.blogfa.com

: قرآن نیز به احتمال بروز این جنگ ها و چگونگی رفتار مسلمانان در مورد آن اشاره نموده است

و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احداهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفی ء الی امر الله فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین انما

و هر گاه دو گروه از : المومنون اخوۀ فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون ؛ یعنی مومنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن ها را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو به دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، و هر گاه بازگشت و زمینه صلح فراهم شد، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد. مومنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید باشد که مشمول رحمت او شوید حجرات / ۱۰.

زندگی اقتصادی

کشاورزی ، به آن روزگار، تنها حرفه اساسی مردم یثرب به شمار می رفت و مهم ترین محصولات آنها خرما و جو بود که در کنار آن ، برخی میوه ها مانند کدو و خیار به مقدار بسیار کم نیز کاشته می شد. مالکیت فردی امری مشروع و پابر جا بود و بیشتر مردم مالک زمین های کشاورزی خویش بودند. البته برخی افراد دارای زمین های کشاورزی وسیعی بوده و چون به تنهایی نمی توانستند از عهده کشت آن برآیند، دست به استخدام کارگرانی زده و آنان نیز با کار کردن بر روی زمین ، بر اساس قرار داد و با توجه به وضعیت زمینی به مقدار خمس یا ثلث و یا نیمی از محصول را به عنوان دستمزد، دریافت می کردند. در کشاورزی ، تنوع و ویژگی های

Bia2book.blogfa.com

زمینی و روش های آبیاری آن و نیز چگونگی کار کشاورزی بر روی آن ، خود موجب به وجود آمدن قوانین خاصی شد که پس از ظهور اسلام نیز مورد تایید قرار گرفت و حتی جزئی از ابواب فقه اسلامی مانند مزارعه ، مزانبه ، محاقله ، کراء الارض به شمار آمد [10].

با توجه به خشکی هوا و کمبود باران در این منطقه ، کشاورزی عمدتا به آب های دره های که در زمستان و بهار پس از ریزش باران در آن جمع گردیده و در تابستان خشک می شد، تکیه داشت ؛ اما در مناطق دور از دره ها، آب کشاورزی از چاه ها تامین می شد. سمهودی در این باره به وصف تعدادی از چاه های مدینه پرداخته که آب برخی از آنها را تا بیست هزار درهم معامله می کرده اند. [11]

محصولات کشاورزی یثرب نمی توانست تمامی نیازهای ساکنان آن را بر آورده سازد؛ به همین جهت ، این شهر حبوبات مورد نیاز خویش مانند باقلا، نخود و کنجد را از سایر که آنان کنگر را و گندم مورد نیاز خویش را از سرزمین شام وارد ساخته و به وسیله آن از مناطق بیرون مدینه [12] نان سفیدی به نام درمک را می پختند. [13]

مردمان یثرب به استثنای تعداد اندکی از آنان که در خانه های خویش دام داشتند، فعالیتی در زمینه دامداری نداشتند و به همین دلیل ، فرآورده های حیوانی مورد نیاز خویش ، شامل روغن ، ماست چکیده و پشم را از اعراب و دامدارانی که در نزدیکی یثرب زندگی می کردند، به دست می آوردند. به نظر می رسد اسب در یثرب بسیار کم وجود داشته و به همین دلیل پیامبر در غزوات نخستین خود، تعداد بسیار اندکی اسب داشته است . در جنگ بدر و احد، تنها دو راس اسب به

Bia2book.blogfa.com

همراه مسلمانان بود، از این پس بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اهمیت اسب پی برده و ان الخیل معقود فی :مردم را به نگهداری و پرورش آن ترغیب نمود و روایت شده است که فرمود ایشان زمینی را نیز در مدینه .نواصیها الخیر یعنی بر پیشانی اسب ، خیر و برکت رقم خورده است برای مسابقه اسب دوانی فراهم نمود.

اغلب صنایع یثرب ، صنایع دستی بود. در خانه ها، بانوان پشم ریسی و ریسندگی و دوختن لباسها را به عهده داشته و تمامی احتیاجات خانواده را خود بر آورده می ساختند؛ اما دیگر صنایع مورد نیاز مردم یثرب ، از قبیل وسایل کشاورزی ، نجاری ، آهنگری و زرگر معرفی کرده اند. به نظر می رسد که این صنایع ، نیاز به غلامانی نیز داشته که در آن کارگاه ها مشغول به کار بوده اند؛ گو این که دلیلی بر وجود فراوان غلامان نیز داشته که در آن کارگاه مشغول به کار بوده اند؛ گو این که دلیلی بر وجود فراوان غلامان در یثرب نیست .

به هنگام هجرت ، مدینه مرکز اقتصادی مهمی از لحاظ مصرف و یا تولید صادرات به شمار نمی بوده که تنها نیاز ساکنان آن و نیز [14]آمده است . محصولات اساسی آن شامل انواع خرما و جو برخی از اعراب مجاور مدینه را بر آورده می ساخته است . در این باره گفته نشده است که این محصولات به مقدار فراوان به خارج از مدینه صادر گردیده است . هم چنان که در سیره ها، به وارد کردن مواد غذایی مورد نیاز مردم مکه از مدینه ، که در آن هنگام نیاز فراوانی نیز داشته اند، اشاره نشده است . یکی از نشانه های ظاهری ضعف فعالیت اقتصادی در مدینه ، عدم وجود بازاری بزرگ در آن بوده است . مردم معاملات خویش را، اغلب در خانه ها و گاه در فضاهای باز

Bia2book.blogfa.com

گسترده ای که بازاری کوچک به شمار می آمده ، انجام می داده اند.[15]

گذشته از آن ، مدینه در موقعیت جغرافیای بسته ای قرار داشت و از شاهراه های تجارتی میان جزیرۀ العرب و سواحل دریای سرخ یا میان یمن و سرزمین شام دور بود. تجارت میان یمن و سرزمین شام ، از شاهراه ساحلی المعرفه و یا از راهی که واقع در مناطق شرقی مدینه بوده و از درون شهر مدینه عبور نمی کرده صورت می گرفته است که این وضعیت ، خود عاملی نسبی برای عزلت و گوشه گیری یثرب به شما می آمده است .

تمامی عوامل یاد شده ، موجب ضعف فعالیت اقتصادی یثرب و پایین آمدن سطح زندگی مردم و دلیل روشن این وضعیت ، آن که بیشتر مسلمانان در اوایل هجرت ، هر یک بیش از یک پیراهن برای خود، لباس دیگری نداشتند.[16] کمبود نقدینگی متداول آن روز می شد و زنان نیز به علت ضعف اقتصادی خانواده ، هر یک مسئول کش حبوبات و پختن آن بوده ، و برای ازدواج مجبور به عاریه گرفتن لباس بودند.

فرهنگ و اعتقادات مذهبی

خواندن و نوشتن در میان یثرب رایج نبود و شاید یکی از عوامل آن ، جامعه یثرب بود که اعراب جامعه کشاورزی راکد و در عزلتی برای خود به وجود آورده بود و هیچ گونه ارتباط مستحکم بازرگانی و سیاسی با دیگران نداشتند. بنابر این ، به علت کمی افراد باسواد، مردم یثرب به اشخاص باسواد با دیده احترام نگاه می کردند. در جاهلیت و آغاز اسلام در مدینه ، مردم ، فرد کامل را شخصی می پنداشتند که بتواند عربی را بنویسد و در شناگری و تیر اندازی مهارت داشته

Bia2book.blogfa.com

ابن سعد در بخش دوم از جلد سوم طبقات ، نام ده نفر از مردم مدینه را که دارای سواد .باشد خواندن و نوشتن بودند، آورده است . این افراد عبارت اند از: ابی بن کعب ، سعد بن ربیع ، عبد الله بن رواحه ، بشیر بن سعد، عبد الله بن زید، اوس بن خولی ، منذر بن عمرو، اسید بن حضیر، سعد بن عباده ، و رافع بن مالک ، که چهار تن آخر در شنا و تیر اندازی نیز مهارت کاملی داشته اند و به همین مناسبت به آنان کمله یا افراد کامل گفته می شد.

هم چنین افرادی در یثرب ظهور نمودند که به فرهنگ عمومی اهمیتی ویژه می دادند. به روایت ابن اسحاق از آنانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از هجرت در مکه با آنان ملاقات نمود، سوید بن صامت بوده است ، او از قبیله عمرو بن عوف است که قوم اش او را به جهت صبر و استقامت و شرافت خانوادگی و نسب کامل نامیده بودند.

سوید در جواب عرض کرد: .رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به توحید و اسلام دعوت نمود رسول خدا صلی الله علیه و . شاید آنی که تو دارای آن هستی ، مانند همانی باشد که نزد من است رسول خدا .آله به او فرمود: چه چیزی همراه تو است ؟ گفت مجله لقمان یعنی حکمت لقمان صلی الله علیه و آله فرمود: آنها را بر من عرضه کن ، پس او آنها را عرضه داشت . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این سخنان نیکوست ؛ اما آن چه همراه من است از آن نیکوتر است . آن اما [17] . قرآن است که پروردگار آن را بر من نازل گردانیده که تمامی آن هدایت و نور است سوید دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را نپذیرفت و اسلام نیامده ، بلکه به نظر می رسد پاره ای سخنان حکیمانه باشد و نیز آن چنان نبوده که تنها سوید بدان معرفت داشته و به آن اهتمام ورزد

Bia2book.blogfa.com

.و دیگرانی نیز بوده اند که به گفته ها و امثال او با دیده احترام می نگریسته اند

اعتقادات اهالی یثرب

در منابع عرب اشاره های پراکنده ای به برخی رسوم مذهبی و معتقدات عرب های یثرب شده است . از جمله گفته اند که مردم یثرب حج می گزاردند، اما سعی میان صفا و مروه را انجام نمی داده اند و به هنگام بازگشت از حج از در خانه های خود به درون نمی رفته اند، بلکه از روی دیوارهای خانه به درون می رفته اند؛ هم چنین آنان به هنگام انجام حج در مکه ، به همراه سایر حاجیان در تمامی مواقف وقوف می کردند، ولی حلق یا تراشیدن سر را انجام نمی دادند.[18] بنابر این ، آشکار می شود که آنان دارای روش ها و تقالید ویژه در انجام فریضه حج برای خویش بوده اند. نکته قابل توجه آنکه ، در منابع و آیات قرآن اشاره ای به تطابق اعتقادات و عبادات مدنیان با مشرکان مکه نشده است .

اوس :ابن کلبی می گوید . بت منات نیز نزد مردم یثرب از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است و خزرج و دیگرانی که در یثرب یا مکه و اطراف آن زندگی می کردند، آن را تعظیم نموده و نزد او قربانی کرده و هدیه هایی به آن تقدیم می داشتند و هیچ کس به اندازه اوس و خزرج به آن احترام نمی گذاشتند. آنان پس از مراجعت از حج ، به سوی آن آمده و سرهای خود را تراشیده و نزد آن اقامت می کردند. و هنگامی حج خویش را کامل می پنداشتند که نزد آن رفته و اعمال یاد شده را به انجام رسانند.

: عبد العزی بن ودیعهٔ مزنی یا فرد دیگری ، درباره بزرگی و اعزاز منات این گونه سروده است

Bia2book.blogfa.com

انی حلفت یمین صدق برۀ

بمناۀ[19] عند محل آل الخزرج

جایگاه منات در قدید واقع در مشلل در نزدیکی دریا و تقریبا در میانه راه بین مکه و یثرب بوده است . سیره نویسان به داشتن معبدی برای منات در یثرب اشاره ای نکرده اند؛ هم چنان که پیش از ظهور اسلام ، افرادی از مردمان یثرب که خود را به منات تسمیه کرده باشند بسیار اندک بوده است.

ابن سعد نام افرادی را آورده است که پس از اسلام آوردن قبیله خود، بت های قبیله را شکسته اند. نام این افراد عبارت است از عمارۀ بن حزم ، عوف بن عفراء و اسعد بن زراره که اقدام به شکستن بت های بنی مالک بن نجار [20]نمودند.

سلیط بن قیس و ابو صرمه بت های بنی عدی بن نجار [21]، ثعلبۀ بن عتمه و معاذ بن جبل و عبد الله بن انیس بت های بنی سلمه [22]، زیاد بن لبید بیاض و فروۀ بن عمرو بت های بنی بیاضه ، سعد بن عبادۀ و منذر بن عمر و ابو دجانه بت های بنی ساعده [23]، سعد بن معاذ و اسید بن حضیر، بت های بنی عبد الاشهل [24]و ابو عیسی بن جبیر و ابو بردۀ بن نیار نیز بت های بنی حارثه [25]را شکستند.

از آنچه گذشت ، آشکار می گردد که قبایل بزرگ در یثرب - چه آن قبایلی که از اوس بودند و یا از خزرج - هر یک و یا بیشتر آن ها، دارای بت های ویژه ای برای خویش بوده اند، و بت های یاد شده ، مجسمه های مادی قابل شکستن بوده است . نیز هر قبیله دارای تعدادی بت بوده

Bia2book.blogfa.com

است ؛ زیرا کار شکستن بت ها به یکباره صورت نگرفته ، بلکه مدتی ادامه پیدا کرده است.

در این میان برخی افراد نیز دارای بت شخصی برای خود بوده اند .ابن اسحاق می گوید :عمرو بن جموح بزرگی از بزرگان بنی سلمه و شریفی از از اشراف آنان ، بتی از چوب را که بدان منات گفته می شد، در منزل خود قرار داده بود؛ همانند سایر اشراف که این عمل را انجام می دادند. آنان برای خود الهه الی ساخته و آن را تعظیم و تکریم می کردند[26] .

این گفته دلالت بر آن دارد که بت انتخاب شده از سوی عمرو بن جموح تمثالی از منات بوده است . و جایگاه منات نزد مردم یثرب را تایید می کند. منابع از الهه دیگری که بت هایی از آن در یثرب و یا معبد یا معابد و خانه های ویژه ای برای خود در یثرب باشد، ذکری به میان نیاورده اند و عدم وجود آگاهی در این زمینه ، وجود این گونه خانه ها را نفی نمی کند. اما مطمئنا آن خانه ها مراکز بزرگی نبوده اند؛ زیرا منابعی که خانه های مقدس در سرزمین جزیرۀ العرب را ذکر کرده اند، خانه ای در یثرب یاد نکرده اند و شاید بیشتر این بت ها، مجسمه ها و تمثال هایی از صورتی بوده است که آن را می پرستیدند؛ اما منابع تنها بر جایگاه منات نزد مردم یثرب تاکید دارند.

مردمان یثرب قطع درختان را حرام می دانستند و این سنت هم چنان باقی بود تا این که اسلام آن را در غزوه جنگ بنی نضیر مباح دانست . خداوند می فرماید:

ما قطعتم من لینۀ او ترکتموها قائمۀ علی اصولها فباذن الله و لیخزی الفاسقین ؛ یعنی : هر درخت با ارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه به فرمان خدا بود، و برای این بود

Bia2book.blogfa.com

که فاسقان را خوار و رسوا کند.

روایت ابن سعد این چنین دلالت دارد که برخی از بت ها از چوب تراشیده می شده است . او می گوید ام سلیم به ابو ظلمه گفت ای ابو ظلمه ! آیا نمی دانی بتی را که تو می پرستی درختی است که از زمینی می روید و سیاهی حبشی از بنی فلان آن را تراشیده ؟ گفت بلی و ام سلمه گفت : خجالت نمی کشی بر چوبی سجده می کنی که از زمین روییده و به دست نجاری حبشی از بنی فلان تراشیده شده است ؟.!

در این میان نیز برخی در جاهلیت از عبادت و پرستش بت ها سر باز زده اند که منابع نیز به آنها اشاره نموده است . از آن میان ابو الهیثم بن تیهان بوده که در جاهلیت ، بت ها را کراهت داشت و آنها را سبک می پنداشته و همواره خود و اسعد بن زراره به یگانگی و توحید زبان می گشودند . دیگر از میان آنها صرمۀ بن ابی انس را می توان بر شمرد. وی از بنی غنم بن عدی بن نجار بود که اسلام آورد در حالی که پیری کهنسال بود. او نیز در جاهلیت از سجده بر بت ها سر بر تافته بود .منابع درباره او این چنین گفته اند :در جاهلیت راهب گردیده و مسوح [27]به تن کرده و از بت ها دوری گزیده و غسل جنابت می نمود. او از زنان در حالت حیض دوری کرده و قصد مسیحی شدن را داشت . نامبرده یکی از اتاق های خانه اش را مسجد کرده و زن ناپاک و جنب را از ورود به آن منع می کرد. هنگامی که دست از بت ها کشید گفت خدای ابراهیم را ستایش می کنم [28]تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد گردید و او اسلام آورد و اسلامی نیکو داشت .

Bia2book.blogfa.com

از این افراد می توان به ابو عامر راهب نیز اشاره کرد.

بدون تردید وجود یهودیان در یثرب سبب آگاهی ساکنین آن از تاریخ بنی اسراییل و اخبار آنان بوده و یثربیان درباره قیامت و برانگیخته شدن و حساب و نیز از ظهور پیامبری نوین برای نجات بشریت اطلاعاتی داشته اند

که زمینه مساعد و استعداد خاصی را برای پذیرش اسلام در دل مردم یثرب به وجود آورده بود.

امام نباید در نفوذ این افکار مبالغه گردد؛ زیرا پذیرش ندای رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی مردم مدینه و در مراحل نخستین ، بیشتر تحت تاثیر عوامل سیاسی ، سپس روحی بود و هیچ گونه ارتباطی با یهودیان نداشت.

فصل دوم : عشایر عرب در مدینه

کهن ترین قبیله عرب ؛ بلی

به هنگام ظهور اسلام ، بیشتر مردمان مدینه از تیره های عرب به شمار می آمدند. آنان دارای قبایل متعددی بودند. به گفته ابن زباله کهن ترین قبیله از قبایل عرب که در مدینه ساکن گردیده ، بنو انیف بوده که شاخه ای از بلی به شمار می آیند و بنو مرید که شاخه ای از بلی ، و بنو معاویۀ بن حارث بن بهثۀ بن سلیم ، و بنو جذما که شاخه ای از یمن بودند[29] .

در گزارش حوادث و اتفاقات دوره اسلامی ، هیچ گونه اشاره ای به بنی معاویه و بنی جذما نشده است که خود دلیلی بر بی اهمیت بودن این دو قبیله است.

قبیله بلی که بنو انیف و مرید و دیگر عشایر از آن به شمار می آیند، به هنگام ظهور اسلام در

Bia2book.blogfa.com

بخش های شمالی حجاز، در کنار مرز بلاد الشام [30]زندگی می کردند.

به گفته ابن زباله ، بنو انیف بیش از انصار [31]مدینه بوده اند و به هنگام ظهور اسلام ، خانه های ایشان در قبا قرار داشته و دارای اطم الاجش در کنار چاه لاوه ، و دو اطم در دو کشتزار المائه و القائم و اطم های دیگری در اطراف چاه عذق بوده اند[32] .

از دیگر عشایر وابسته به بلی در مدینه ، بنو غصینه بوده که از هم پیمانان بنی سالم به شمار آمده و در کنار مسجد بنی غصینه [33]فرود آمده بودند. هم چنین بنو ضبیعه از دیگر عشایر بلی در مدینه بوده که برخی از آنان به جندل و سقیا [34]نقل مکان کرده بودند. تعدادی از عشیره فران نیز جزء قبیله بلی به شمار می آمدند که هشت نفر از مردان آنها، در جنگ بدر شرکت نمودند. هم چنین از عشیره هنی که پنج نفر از مردان آن در جنگ بدر شرکت جستند. یکی از معادن حجاز نزدیک به مدینه نیز، معدن فران است ، اما منابع ، از ارتباط آن با عشیره ای که به این نام در مدینه سکونت کرده و احتمال آن که مالک آن بوده و در آن مشغول به کار بوده اند، سخنی به میان نیاورده اند. به طور کلی سیره نویسان تعداد بیست و یک نفر مرد از قبیله بلی را ذکر کرده اند که در جنگ بدر شرکت نموده اند. این تعداد، تقریبا یک دهم شرکت کنندگان از انصار در آن جنگ به شمار می آیند که این نسبت بالا، نشان دهنده تعداد فراوان آنان در مدینه است.

در مراحل نخستین ظهور اسلام در مدینه ، تعدادی از بنی انیف به اسلام گرویدند و در غزوات و جنگ ها شرکت جستند. از بلی ابو الهیثم بن تیهان را می توان نام برد که یکی از شش نفر نخستین مسلمان مدینه بوده که در پیمان عقبه اول و دوم [35]حضور داشته است . هم چنین از

Bia2book.blogfa.com

قبیله بلی می توان نام عبید بن تیهان [36] و ابو بردهٔ بن نیار [37] و معن بن عدی بن عجلان [38] را ذکر نمود.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جنگ بدر عزیمت کرد، عاصم بن عدی بلوی [39] را سرکرده اهل قبا قرار داد.

پیش از این یاد آوری کردیم که تعداد ۲۱ نفر از مردان بلوی در جنگ بدر شرکت نمودند که این تعداد غیر از آن گروه از بلوی ها بودند که پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه سکونت گزیده و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنان محله و مسجدی به همراه جهینه تعیین نمود [40] .با توجه به قدمت سکونت بلوی ها در مدینه و تعداد بسیارشان و نیز با وجود محله های مسکونی ویژه برای آن ها و این که آنان جزء نخستین قبیله های تسلیم شده در برابر اسلام بوده و شرکت فعالی در پیروزی آن داشته اند، منابع سیره برای هر کدام از عشیره های وابسته به بلی ، نقش جداگانه و مستقلی را ذکر نکرده اند؛ بلکه از گفته های آنان ، چنین آشکار می شود که اغلب مردان آنان به هنگام ظهور اسلام ، هم پیمان سایر عشایر متفرقه دیگر بوده اند. در همین راستا، بیشتر فرانی ها که در جنگ بدر شرکت نمودند، از هم پیمانان قواقله به شمار می آمدند و تنها تعداد اندکی از آنان ، هم پیمان بنی ظفر و حججبا بودند؛ اما بیشتر مردان هنی ، هم پیمانان بنی عبید و معاویه به شمار می آمدند، به هر صورت در آن هنگام بیشتر آنها، هم پیمانان عشایر وابسته به اوس بودند و تنها تعداد اندکی از آنان ، خود را در پیمان عشایر خزرج در آورده بودند. سیره نویسان ، عشیره ای از بلوی ها را ذکر نکرده اند که در پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله

Bia2book.blogfa.com

باشند؛ هم چنان که در دیوان عطاء نیز نامی از آنان به میان آورده نشده است.

نسل بیشتر آنان ، پس از اسلام منقرض گردیده و جانشین از آنان باقی نماند. این مطب نشان دهنده این حقیقت است که بلوی ها دارای همبستگی لازم میان خود و تعاون عشیره ای نبوده اند و در نتیجه ، تفرقه و جدایی بین آنان وجود داشته و رو به سوی عشایر دیگر نهاده و با حفظ نسب خویش ، با آنان هم پیمان می گردیده اند.

اوس و خزرج

قرآن کریم مسلمانان عرب اهل مدینه را انصار [41]نامیده است ؛ زیرا آنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اسلام را نصرت دادند. این نام تعبیری از پایمردی های دینی و سیاسی آنان بوده و هیچ گونه ارتباطی به اصول یا تنظیم های آنان در مدینه نداشت . نسب شناسان و تاریخ نگاران ، اغلب مردم مدینه را از تیره ازد به شمار آورده اند که این گروه ، پس از انهدام سد مارب از یمن مهاجرت کرده و رو به سوی مدینه آمده و در آن مسکن گزیدند؛ تا آنجا که اکثریت را از آن خود نمودند. به هنگام ظهور اسلام ، لهجه سخن آنان و نیز نام مشهورین و بزرگان آنها و اغلب مظاهر فرهنگی این قوم ، با دیگرانی که در سرزمین حجاز و سایر مناطق شمالی جزیرۀ العرب زندگی می کردند. اختلافی نداشت و این امر نشان دهنده آن است که استقرار و سکونت این گروه به زمان های بس طولانی و پیشین باز می گشته که در نتیجه گذشت زمان ، آثار فرهنگ یمنی کهن آنان تغییر کرده و فرهنگ سرزمین حجاز را پذیرفته بودند.

با این که منابع یاد شده بر نسبت آنان به یمن تاکید دارند، مطمئنا این نسبت و علاقه به زمانی بس

Bia2book.blogfa.com

کهن باز می گردد و چندان آشکار و واضح نیست . نسب شناسان و تاریخ نگاران در کتاب های خود آورده اند که هنگامی که ازد در مدینه مستقر گردید، از دو گروه بزرگ سرکرده آنان مالک بن عجلان بوده که به کمک اسعد تبع آنها را از یوغ پادشاه یهود خارج گردانیده است . (42)

هم چنین گفته شده است که میان این دو گروه ، پس از استقرار در مدینه جنگ های فراوانی پدید آمد که هرگز در هیچ قومی بیشتر و طولانی تر از آن شنیده نشد.

این جنگ ها تا نزدیکی هجرت ادامه داشت . آخرین جنگ آنان یوم بعاث نام داشته و در زمان آن ، رییس خزرج عمرو بن نعمان بیاضی [43] و رییس اوس حضیر کتائب بوده اند. در این درگیری ها با کشته شدن رییس اوس ، خزرجیان به پیروزی رسیدند و با وجود اختلافی که در روایات ، نسبت به سال وقوع آن وجود دارد، برخی آن را پنج سال و برخی دیگر چهل سال پیش از هجرت یاد کرده اند. منابع ، پس از جنگ بعاث ، جنگ دیگری را میان اوس و خزرج ذکر نکرده اند، بلکه تنها آورده اند که به هنگام هجرت رسول خدا ص به مدینه ، ساکنین آن به ریاست عبدالله بن ابی [44] بر خود اتفاق کرده بودند.

گزارش های گسترده نشان می دهد که درگیری های آنان برخوردی بسیار اندک بوده و کشته شدگان نیز آن قدر نبوده اند که موجب نابودی عرب های اهل مدینه شود. در واقع می توان گفت که میان دو گروه اوس و خزرج جدایی کامل وجود نداشته ، هم چنان که ارتباط کامل هم نبوده است . در این باره آگاهی هایی وجود دارد که پیمان های نه چندان اندکی میان عشایر دو گروه

Bia2book.blogfa.com

برقرار بوده و ازدواج های فراوانی نیز میان افراد دو گروه صورت گرفته است . اضافه بر آن ، درگیری هایی نیز میان عشایر این دو گروه وجود داشته است . مطلب دیگر این که در برخی از مناطق مدینه ، عشایری که از نظر نسب از هم دور بودند، زندگی می کردند که نزدیکی محل سکونت میان آنان مصالح مشترکی را به وجود آورد و در نتیجه ، آنان روحیه تعاون نسبت به یکدیگر پیدا کرده و خود را یک واحد به آورد و در نتیجه ، آنان روحیه تعاون نسبت به یکدیگر پیدا کرده و خود را یک واحد به شمار می آوردند .مثال واضح این مسئله ، منطقه راتج بود که در آن ، بنی زعورا و گروهی از بنی اسو الات و برخی که منسوب به یمن بودند با هم زندگی کرده و در مواقع حساس ، همانند یک واحد عمل می نمودند و منابع از آنان به نام اهل راتج [45]یاد کرده اند.

بنابراین آشکار می شود که میان دو گروه اوس و خزرج همبستگی یا جدایی کامل وجود نداشته و دشمنی میان آنان ، هم چنان که برخی منابع تصور کرده اند، با شدت و سختی نبوده است. هر یک از دو قبیله اوس و خزرج ، دارای تعدادی عشیره و تیره بودند و در واقع اجتماع عشایری ، اساس روابط و تنظیم های شهری در مدینه بود. افراد یک عشیره دارای روابط مستحکمی از قبیل : ارث ، عاقله [46]، خویشاوندی و... بودند و این روابط، در تعیین محل زندگی آنان موثر بود. همکاری و تعاون عشایری ، اهمیت خاصی در مدینه داشته است . در آن روزگار مدینه فاقد هر گونه موسسه عمومی یا قدرت مرکزی بود که بتواند امنیت و نظم را حاکم نماید .استقرار عشایر به مدت طولانی و کار کشاورزی ، وضعیت ویژه و خاص دیگری را به وجود می آورد که بر

Bia2book.blogfa.com

زندگی در صحرا مزیت داشت . در مدینه ، عشایر و افراد گوناگون با هم روابط دوستانه ای پیدا کرده و در نتیجه افراد با خارج از عشیره خود ازدواج می نمودند و همین داد و ستدها، موجب ایجاد روابط عمیق تری میان عشایر می شد.

روابط میان عشایر

روابط به وجود آمده میان عشایر، موجب آن می شد که داد و ستد میان آنها، پیش از اسلام رونق یابد و پس از ظهور اسلام نیز، به دلیل شرایط ویژه به خصوص تنظیم دیوان عطاء، این ارتباطات عمیق تر شود. برخی از منابع این معاشرت ها را بدون هیچ شگفتی شرح داده است که نشان دهنده عادی بودن این امور، پیش از اسلام است . این تداخل ها و معاشرت ها نیز تنها در یکی از دو عشیره نبود، بلکه در هر دو عشیره اوس و خزرج وجود داشت . ابن سعد گفته است که از اوس ، حریش بن عدی بن جدعۀ بن حارثه گردهمایی ها و تجمع خویش را در خانه بنی عبد الاشهل قرار می دادند. البته اینان در آغاز اسلام منقرض شده و کسی از آنها باقی نماند[47] .

ابن حزم آورده است فرزندان حارث بن عوف ، برادر عمرو بن عوف ، به بنی امیۀ بن زید ملحق شدند[48] .

هم چنین گفته است که بنی حنش بن عوف بن عمرو بن عوف در بنی ضبیعه بن زید وارد شدند[49]در جای دیگر آورده است که حنش بن عوف بر ضبیعه وارد شدند[50] .

ظاهرا ضبیعه یکی از تیره های عمروبن عوف به شمار آید.

در خزرج نیز بنابر قول ، ابن حزم :ربیعۀ بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه در بنی عبید بن عدی

Bia2book.blogfa.com

وارد گردید[51] .

میان عشایر اوس و خزرج ، پیمان های محلی بسته می شد که منابع سیره برخی از آنها را ذکر کرده و به علت انعقاد آنها نیز بدون آنکه زمان آنها را مشخص نماید اشاره کرده اند .اما بنظر می رسد که این پیمان پیش از اسلام در زمانی که یثرب دارای هیچ گونه حکومت مرکزی قدرتمندی برای حفظ امنیت و استقرار نبود منعقد گردیده است . از پیمان هایی که میان عشایر اوس [52] ذکر شده ، موارد زیر را می توان نام برد:

-1بنی سلم هم پیمانان بنی عمرو بن عوف بودند و تعداد مردان جنگجوی آنان در جاهلیت به هزار نفر می رسید[53] .

سمهودی به اعتماد گفته ابن زباله در این باره آورده است : بنی واقف و سلم فرزندان امرو القیس بن مالک بن الاوس بودند که هر دو در کنار مسجد فضیخ سکونت داشتند. در آن هنگام میان سلم و واقف مشاجره ای در گرفت و واقف که بزرگ تر بود مشتی بر چشم سلم که مردی شرور بود کوبید. پس سلم قسم یاد نمود که در کنار او زندگی نکند. بنابر این سلم بر بنی عمرو بن عوف وارد شد که تا کنون فرزندانش در این عشیره وجود دارند و از باقی مانده های آنان سعد بن خیثمۀ بن حارث است . آن ها در سال ۱۹۹ هجری منقرض گردیدند. بر اساس گفته ابن زباله بنی سلم دارای قلعه ای در شرق مسجد قبا بوده اند[54] .

-2جعادره که از اوس به شمار می آمدند از ساکنین راتج بودند. آنان با بنی زعورا بن جشم هم پیمان گردیده بودند [55] .جعادره همان بنی مرۀ بن مالک بودند که به آنها اوس الله گفته می شد،

Bia2book.blogfa.com

زیرا کوتاه قد بودند [56] .جعادره همان بنی مرۀ بن مالک بودند که به آنها اوس الله اگفته می شد، زیرا کوتاه قد بودند [57] .آنها دارای سه شاخه بودند:

بنی وائل و امیه و عطیۀ بنی زید بن قیس بن عامر بن مرۀ [58] .ابن حزم می گوید سعد بن مرۀ بن مالک اهل راتج [59]بوده است.

هم چنین میان برخی از عشایر خزرج پیمان هایی منعقد گردیده بود .ابن حزم می گوید: هر یک از عبد حارثه بن مالک بن غضب بن جشم بن خزرج و حارث بن زید مناۀ بن حبیب هم پیمانان بنی بیاضه به شمار می آمدند. وی هم چنین می گوید مالک بن زید مناۀ بن حبیب با بنی زریق هم پیمان شده بودند.[60]

پیمان هایی نیز میان عشایر اوس و خزرج بسته می شد. به گفته ابن حزم ، کعب بن مالک بن جشم بن خزرج با بنی عمرو بن عوف هم پیمان بودند [61]و به نقل ابن سعد، قوافل که همان بنی غنم بن سالم باشند، با بنی عبد الاشهل اوسیان هم پیمان بودند [62] .و به نقل ابن سعد، قوافل که همان بنی غنم بن سالم باشند، با بنی عبد الاشهل اوسیان هم پیمان بودند [63] .سمهودی نیز می گوید بنی عذاره ساکن قبا شده و با عمرو بن عوف هم پیمان گردیدند.

در برابر پیمانهای یاد شده ، درگیرهای سختی نیز میان عشایر و شاخه های نسبی نزدیک به هم اتفاق افتاد. بر طبق گزارشات موجود، درگیری های میان عشایر خزرج به این قرار بوده است:

1.درگیری هایی میان بنی زریق و بنی بیاضه که برادران بنی زریق بودند، و بنی حبیب که عموزادگان بیاضه بودند با زریق اتفاق افتاد .این درگیری ها ان قدر ادامه یافت که بنی زریق خانه

Bia2book.blogfa.com

های خود را رها ساخته و در مناطق متعددی از ناحیه غربی مدینه به صورت پراکنده مسکن گزیدند و برخی از آنها نیز به سوی شام مهاجرت کردند. سپس درگیری هایی میان بنی بیاضه و بنی حبیب آغاز شد که در پایان ، بنی حبیب خانه های خویش را رها ساخته و به سوی مناطق دیگر مدینه کوچ کردند[64] .

2.درگیری هایی میان بنی بیاضه و بنی عذاره که در کنار هم زندگی می کردند، رخ داد و در نتیجه ، بنی عذاره به سوی قبا رفته و با ساکنین آن - بنی عمرو بن عوف - هم پیمان شدند. آنان تا سال ۱۶۰ هجری هم چنان در آن منطقه زندگی کردند و در سال یاد شده دیوان خویش را به بنی بیاضه منتقل کرده و از آن پس مستمری خود را با آنان یکجا دریافت می کردند[65] .

3.جنگ و خونریزی هایی نیز میان شاخه های بنی مالک در گرفت که به نابودی دو طرف منجر شد[66] .

4.دشمن هایی هم میان شاخه های بنی سلمه آغاز گردید[67] .

منابع ، از درگیری هایی میان بنی عبد الاشهل و برادرانشان بنی حارثه اتفاق افتاد که بر اثر آن ، بنی حارثه مجبور به ترک منازل خود در شرق مدینه شده و به سوی منطقه ای در شمال غربی مدینه کوچ نمودند. با وجود آن ، جنگ و خونریزی هم چنان ادامه داشت ، طوری که بنی حارثه مجبور به ترک مدینه به صورت موقت شدند. آنها سپس به مدینه بازگشته و در قسمتی از ناحیه شرقی آن مسکن گزیدند[68] .

2.میان برخی از شاخه های بنی عمیرو بن عوف اختلافاتی بروز نمود که در نتیجه آن ، بعضی از

Bia2book.blogfa.com

شاخه ها مجبور به ترک قبا که در آن بنی عمرو بن عوف و بنی معاویهٔ بن مالک زندگی می کردند، گردیدند. این گروه به منطقه بقیع الغرقد و بنی سمیعه به منطقه ای در شمال مسجد الرسول نقل مکان کردند.[69]

اصولا جایگزینی و استقرار تعداد فراوانی از عشایر در منطقه ای محدود و نزدیک به هم ، نوعی توازن را بوجود می آورد و مصالح مشترک میان آنان ، اقتضا می کرد که امنیت و استقرار را بوجود آوردند و پاسدار آن باشند. بدین ترتیب ترس از اضطراب و آشوب ، به علت فقدان سلطه مرکزی ، اقتضا می نمود که استقرار و آرامش رشد نماید. شاید این نکات موجب شده بود که جنگ ها و دشمنی های بالفعل در دوران نزدیک به هجرت در یثرب کاهش یابد.

شرایط یاد شده کم کم بر نیروی همبستگی میان شاخه ها و خانواده های یک عشیره تاثیر گذارد، طوری که تغییراتی را در میان این تجمع ها بوجود آورد. در نتیجه شاخه ها به خانواده ها و یا تعدادی خانواده ، شاخه ای را تشکیل داده و نیز شاخه ها و عشایر نزدیک هم ، بدون اشتراک در نسب و تنها به دلیل مجاورت در سکونت ، با هم همکاری و مساعدت می نمودند. نیرویی که در ساکنین راتج تنها به دلیل اشتراک در نسب ، این همکاری را به وجود آورده بود.

لازم به ذکر است که روابط قبیله ای بر کلیه جنبه های زندگی افراد قبیله حاکم نبود؛ زیرا در آن دوران ، مالکیت زمین کشاورزی ، شخصی و وراثتی به شمار می آمد؛ هم چنان که تعدادی نه چندان اندک از افراد، دارای اطم های شخصی بودند. زن نیز دارای جایگاهی ویژه و آزادی خاص خود بود، طوری که این مطلب در بیعه النساءمتجلی شد.

Bia2book.blogfa.com

نام گذاری عشایر عرب

در کتاب های نسبت و کتاب هایی که به سیره رسول خدا(ص) و تاریخ اسلام و رجال آن پرداخته شده است ، به نام مجموعه هایی از عرب اهل مدینه و ارتباط نسبی آنان با هم و نیز مردان سرشناس و معروف آن ها، به ویژه به هنگام هجرت پیامبر (ص) اشاره رفته است ؛ امام این نوشته ها، عشایر و شاخه ها و خانواده ها را به طور مستقل نام گذاری نکرده ، آن ها را از یکدیگر مجزا ننموده و تنها برای شرح حوداث اتفاق افتاده و توضیح شرکت کنندگان در آن حوادث ، مجبور به ذکر برخی مجموعه ها گردیده اند. در واقع اختلاف در نام گذاری این مجموعه ها، به شرکت آنان در حوادث بر می گردد. به عنوان مثال ، افراد بسیاری از یک عشیره و شاخه ، در حادثه ای شرکت کرده اند؛ در حالی که دیگران در آن حادثه به علت های خاص زمانی ، یا شرکت نکرده و یا شرکت اندکی داشته اند. در این حالت ، نام عشایری که مردان آن سهمی نداشته اند، ذکر نمی گردد. از سوی دیگر، علت اختلاف نام ها به وسیله سیره نویسان را می توان به نبود حدود قانونی برای تشکیل گروه ها و تشخیص دقیق و واضح حدود عشیره و شاخه و خانواده نسبت داد. به همین سبب ، این تعابیر همواره انعطاف پذیر بوده و از دقت آشکاری برخوردار نبوده اند. در نام گذاری ها، گاه از خانواده به شاخه و از شاخه به عشیره تعبیر می شده است که این امر یا بر اساس قدرت و جایگاه اجتماعی و سیاسی آنان و یا فراوانی تعداد افراد آنها بوده است . این فراوانی نیز عوامل مختلفی داشته است . بنابراین ذکر نام گروه های بزرگ ، تنها به دلیل شرکت منحصر به فرد آنان در حادثه ای خاص نبوده است ، بلکه دلیلی بر جایگاه مشخص

Bia2book.blogfa.com

آنان در یک حادثه و وقوع آن بوده است . بدون شک ، استقرار دولت اسلامی در مدینه ، پیشرفت هایی در تنظیم جمعیت نیز در پی داشته است ؛ زیرا اسلام به فرد عنایت و توجه خاصی داشت و آن را در مکان ویژه ای قرار می داد؛ خصوصا وقتی ایمان آورده و در تثبیت اسلام و توسعه دولت آن نیز همکاری نموده باشد. بنابراین ، اسلام جایگاه عشایری را که مردانش نقش بیشتری در استقرار و تثبیت اسلام داشتند بالا برد. در نتیجه خانواده ها به شاخه و برخی شاخه ها به عشایر تغییر شکل یافتند.

هم چنین ، پیامبر صلی الله علیه و آله در تنظیم مدینه قوانین و مقرارت سخت و خشکی را برای ساختار، مجموعه های مسکونی قرار نداد و این وضعیت هم چنان برقرار بود تا این که عمر بن خطاب در حدود سال ۲۰ هجری ، تشکیلات دیوان را به وجود آورد و شهروندان را بر اساس عشایر در آن تنظیم نمود.

هم چنین ، پیامبر صلی الله علیه و آله در تنظیم مدینه قوانین و مقررات سخت و خشکی را برای ساختار مجموعه های مسکونی قرار نداد و این وضعیت هم چنان برقرار بود تا این که عمر بن خطاب در حدود سال ۲۰ هجری ، تشکیلات دیوان را به وجود آورد و شهروندان را بر اساس عشایر در آن تنظیم نمود.

البته آگاهی های ما از دیوان مدینه ، تنها محدود به ذکر نام افراد و مقدار بذل و بخشش به آن ها است و در منابع ، تنها به تنظیم توزیع بر پایه های قبیله ای اشاره شده است ؛ بدون آنکه نامی از یکایک قبایل که دیوان بر اساس آنها تنظیم شده است ، برده شده باشد. هم چنین از چگونگی

Bia2book.blogfa.com

تنظیم پرداخت دیه در مدینه ، در منابع ذکری به میان نیامده است ؛ در صورتی که منابع از تنظیم آن در عراق یاد کرده و گفته اند افراد هر عشیره ، هر یک به مدت چهار سال ، سه درهم از مبلغ دیه را که بالغ بر دوازده هزار درهم بوده است پرداخت می کرده اند. بر این اساس عشیره باید دارای افراد محدودی ، نزدیک به هزار مرده بوده باشد.

منابع سرشماری : محله ها

یکی از خصوصیات ویژه مدینه ، وجود محله ها و مسجدهای آن بوده است که در سرشماری و تعیین مجموعه های مسکونی در مدینه ، می توانسته مورد استفاده قرار گیرد. ساکنان مدینه ، مجموعه هایی بودند که هر یک در بخش معینی از زمین زندگی می کردند که به آن محله گفته می شد. محله ها نیز معمولا به نام ساکنان آن نام گذاری می شد. هنگامی که اسلام در مدینه ظهور کرد، در هر یک از مجموعه ها مسجدی بنا شد. که افراد یک عشیره ، نمازها، دیدارها و اجتماعات خویش را در آن مسجد انجام می دادند. وجود محله ها و وسعت هر یک از آن ها، نشان از وجود مجموعه ای از افراد بود که در همسایگی یکدیگر و بدون در نظر گرفتن جایگاهشان در اسلام و پیشرفت آن ، زندگی می کردند. بدون شک ، محله ها با داشتن این گونه خصوصیات ، هم چنان تا پس از ظهور اسلام باقی مانده اند و با وجود آن که ایجاد امنیت و استقرار و افزایش هجرت به مدینه ، موجب اختلاط و آمیزش بیشتری شده است ، طوری که در محله یک عشیره ، مردانی از دیگر عشیره همانند زندگی می کرده اند، اما با تمام این ویژگی ، چهره عمومی و نام محله ها، در دو قرن اول و دوم تغییر نیافت.

Bia2book.blogfa.com

سمهودی به تفصیل درباره محله های مدینه سخن گفته و به حوادث اتفاق افتاده در برخی از آنها و تغییراتشان در قرن اول و دوم اشاره نموده است . وی گفته های خویش را بر اساس آگاهی های عده ای از انصار اهل مدینه مانند ابن زباله و یحیی بن محمد که هر دو از مورخان مورد اعتماد به شمار آمده و در اواخر قرن دوم هجری زندگی می کرده اند، آورده است.

کتاب های این دو از میان رفته است ، اما شرحی که سمهودی به پشتوانه آن ، این اطلاعات را در کتاب خود آورده است ، نشان از این امر دارد که وی تمامی معلومات آنها را در دست داشته است . لازم به ذکر است که سمهودی ، اطلاعات خود درباره محله های مهاجرین قریش و حجاز به مدینه را، با اعتماد بر گفته های ابن شبه که اخیرا به چاپ رسیده به دست آورده است . با مطالعه این کتاب می توان به دقت او در بازگو کردن مطالب پی برد. بنابراین شاید به همین سبب سمهودی بر ابن زباله و یحیی اعتماد نموده و محله های انصار شهر مدینه را از کتاب آنان بازگو کرده است.

سمهودی ، محله های مدینه را شمارش کرده و محدوده هر یک از آنها را نیز مشخص نموده است .وی در ضمن سخن خود از محله ها، به برخی از ظواهر عمرانی آنها مانند اطم و کشتزارها و خانه های بعضی از افراد سرشناس نیز اشاره کرده است.

به گفته سمهودی ، عموما در هر محله افراد عشیره ای که محله به آن نامیده شده بود، سکونت داشتند و به احتمال قوی ، هم پیمانان آن عشیره نیز با آنان در آن محله زندگی می کرده اند.

بدون شک ، شرح سمهودی از محله های مدینه ، بر آن چه در قرن دوم هجری وجود داشته ،

Bia2book.blogfa.com

منطبق است ، اما اساس به وجود آمدن این محله ها، به آغاز اسلام و پیش از آن باز می گردد، بدون آن که بتوان زمان دقیق آن را تعیین نمود.

سمهودی به برخی تغییرات و جابه جایی محله ها، به دلیل حرکت عشایر از منطقه مسکونی خود به جای دیگر نیز اشاره نموده است:

1.بنی جحجبا، که از قبا به العصبه در غرب قبا منتقل شدند. این انتقال به دلیل درگیری های آنان با بنی عمرو بن عوف [70]بود.

2.بنی حارثه ، که از خانه های بنی عبد الاشهل به دلیل زد و خوردهایی که میانشان پدید آمده به سوی یثرب نقل مکان کردند[71] .

3.بنی سلم ، که از مسجد فضیخ به خانه عمرو بن عوف منتقل شدند[72] .

4.عتبه بن عمرو بن خدیج ، که از خانه خود نقل مکان کردند و سپس به السنح مراجعت نمودند . (73)

5.بنی زریق ، که به سمت قبله مصلی جنوب نقل مکان کردند[74].

6.عذره ، که به قبا منتقل و با عمرو بن عوف هم پیمان شدند[75].

سمهودی هم چنین گفته است که بنی خطمه پراکنده بودند و پس از اسلام در یک منطقه جمع شدند و بنی ساعده [76]و بنی مالک بن نجار [77]نیز دارای محوطه مسکونی مجزا بودند.

منابع نخستین اسلامی

نخستین اشاره به نظم و هماهنگی عشایر در مدینه ، همان نقیبان دوازده گانه به شمار می آیند که

Bia2book.blogfa.com

رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را در پیمان عقبه دوم تعیین نمود .از این عده ، سه نفر از اوس و نه نفر از خزرج بودند. بر عشیره عبد الاشهل ، اسید بن حضیر و بر عشیر مالک بن اوس ، سعد بن خیثمه و بر عشیره عمرو بن عوف ، رفاعهٔ بن عبد المنذر نقیب شدند.

در خزرج نیز بر عشیره بنی کعب بن خزرج ، سعد بن ربیع و عبد الله بن رواحه ، بر عشیره بنی ساعده ، سعد بن عباده و منذر بن عمرو؛ بر عشیره غنم بن مالک بن نجار، براء بن معرور؛ بر عشیره بنی حرام ، عبد الله بن عمرو و بر عشیره غنم بن سالم ، عبادهٔ بن صامت به عنوان نقیب تعیین گردیدند[78].

بدون شک تعیین نقیب برای عشایر، بیشتر به تعداد افراد مسلمان شده هر عشیره بستگی داشت ، تا نظام های قبیله ای.

سمهودی پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در تنظیم مدینه را در مورد، چند گروه ذکر کرده است که عبارت اند از: خزرج ، بنی عوف ، بنی حارث ، بنی ساعده ، بنی جشم ، بنی نجار، از اوس نیز، بنی عمرو بن عوف ، بنی حارث ، بنی ساعده ، بنی جشم ، بنی نجار، از اوس نیز، بنی عمرو بن عوف و بنی نبیت و بنی اوس و بنی ثعلبه و بنی شطیبه را نیز ذکر کرده است[79] .

ابن هشام نام عشایر ساکن در مدینه را به هنگام تقسیم غنیمت های جنگ خیبر، این چنین آورده است : حرث بن الخزرج [80]، بیاضه ، عبیده ، حرام از سلمه ، ساعده و نجار، که همگی از قبیله خزرج بودند و حارثه و الاوس که از قبیله اوس محسوب می شدند.

ابن سعد در فتح مکه ، از پنج پرچمدار اوس و چهار پرچمدار خزرج نام برده است .از اوس ، نام

Bia2book.blogfa.com

عشیره بنی حارثه که پرچمدار آنها ابن بردهٔ بن نیار [81]عشیره ظفر که پرچمدار آنها قتاده بن نعمان ، عشیره عمرو بن عوف که پرچمدار آنها ابی لبابهٔ بن عبد المنذر [82]عشیره معاویهٔ بن مالک که پرچمدار آنها جبیر بن عتیک [83]و عشیره خطمه که پرچمدار آنها خزیمهٔ بن ثابت [84]، عشیره حارث بن خزرج که پرچمدار آن عبد الله بن زید، [85]عشیره ساعده که پرچمدار آنها ابی اسید ساعدی [86]و عشیره سلمه که پرچمدار آن قطبهٔ بن عامر بوده است ، نام برده شده است

.

کتاب های سیره و شرح حال نگاری

اطلاعات وسیع به دست آمده از مجموعه های مسکونی عرب در مدینه ، به اوایل قرن دوم هجری باز می گردد؛ زیرا گزارش هایی از نام شرکت کنندگان در جنگ بدر، که هر کدام دارای جایگاه ویژه ای در دولت اسلامی بوده اند، در دست نیست ؛ آن گونه آگاهی ها و کتاب هایی در علم انساب در دست است که در آن نام قبایل وعشایر، شاخه های آنها و نیز نام تعدادی از مردان مشهور و معروف آنها را آورده است.

از شرکت کنندگان در جنگ بدر، غیر از نوشته هایی که ابن اسحاق در سیره و ابن سعد در طبقات دارند، اطلاعاتی نداریم و سیره نویسان بعدی ، بر نوشته های این در اعتماد نموده و کتاب های خود را به رشته تحریر در آورده اند.

ابن سعد ، فهرست خویش را با اعتماد به گفته های ابن اسحاق ، و هشام بن محمد کلبی ، موسی بن عقبه و عبد الله بن محمد بن عماره انصاری نگاشته است و فهرست نام افراد او، تفاوت اندکی با

Bia2book.blogfa.com

ابن اسحاق و ابن سعد هر کدام فهرست نام انصار مدنی شرکت کننده در .فهرست ابن اسحاق دارد جنگ بدر را بر اساس عشایر آنها ذکر کرده اند، اما اختلاف آن دو در ذکر نام و تعداد مجموعه هایی است که بر پایه ای خاص آن را تنظیم کرده اند. به عنوان مثال ، ابن اسحاق نام تعداد بیشتری از مجموعه ها را آورده ، است ؛ امام از مبنا و پایه اطلاعات او، مدرکی در دست نداریم . این که آیا اختلاف در نام مجموعه های مسکونی ، به تغییراتی که در اوایل قرن دوم هجری به سبب مهاجرت یا مرگ افراد و تداخل عشایر و شاخه ها رخ داد، بر می گردد، یا مربوط به اجتهاد شخصی آنان است ، یا نظرات هشام بن کلبی مطابقت دارد. وی در کتاب نسب خود، بخشی را به ارتباط نسبی و خویشاوندی عشایر و شاخه ها و بزرگان آنها اختصاص داده و ضمن دادن اطلاعات ابن سعد به هنگام سرشماری . فراوان ، به ماهیت دقیق این مجموعه ها اشاره ای نکرده است عشایر، اطلاعات خویش را با اعتماد بر دفاتر ثبت دیوان ها کسب کرده و گفته است ، بنی غنم و بنی سالم دو فرزند عوف از خزرج معروف به قواقله بودند. هم چنین در دیوان از آنها به بنی قوقل و بنی حریش ابن عدی بن مجدعۀ بن حارثه ، خانه و گرد همایی آنان در بنی [87]یاد شده است ، سمهودی گفته است که بنی خطمه پراکنده بودند و پس از اسلام گرد [88] . عبد الاشهل بوده است و ابن سعد گفته است که عمرو بن حکم از بنی عمرو بن عامر فطیون بوده که هم [89] .هم آمدند پیمانان اوس به شمار می آمده اند و از انصر بوده و مکان تجمع آنان در دیوان بنی امیۀ بن زید . بوده است

[90] .غضب بن جشم بن خزرج هم محل تجمع خود را در بنی زریق قرار می دادند

Bia2book.blogfa.com

بدون شک تنظیم دیوان در حدود سال بیستم هجری اتفاق افتاد و در آن ، مجموعه های عشایری به ثبت رسید. این تنظیم ، تا دورانی بس طولانی مورد اعتماد بود. البته در طول دوران یاد شده ، به دلیل تغییرات و تحولات عشایر، تعدیل هایی در دیوان رخ داد، اما منابع مورد اعتماد ما، به چگونگی این تغییرات و زمان آن اشاره ای نکرده اند. تنها ابن سعد در این باره به هنگام سخن از مردان انصار شرکت کننده در جنگ بدر، به یکی از علل آن تغییرات اشاره کرده است و آن انقراضی بوده که پس از اسلام در تعدادی از عشایر و نسل برخی از افراد شرکت کننده در جنگ بدر، اتفاق افتاده است .

در ذکر نام مجموعه های عشایری وابسته به اوس از سوی ابن اسحاق و ابن سعد تفاوت چندانی وجود ندارد. هر دو نام عبد الاشهل ، ظفر و عمرو بن عوف را ذکر کرده و شاخه های عبد عوف را: ضبیعه ، امیه ، عبید بن زید، ثعلبه ، ججبا، معاویۀ بن مالک و غنم بن سلم معرفی کرده اند؛ تنها ابن اسحاق نام بنی عجلان و حنش را نیز به تنهایی آورده است .

اما در مورد عشایر خزرج و شاخه های آن ، ابن اسحاق و ابن سعد دیدگاه های بسیار متفاوتی دارند. ابن اسحاق به هنگام سخن گفتن از شرکت کنندگان در جنگ بدر می گوید مردانی از بنی مالک بن نجار که از آنان است بنی عامبر بن مالک مبذول و عمرو بن مالک حدیله که شامل قیس بن عبید؛ مغاله ، عدی بن نجار که شامل عدی بن عامر و حرام بوده ، مازن بن نجار که شامل عوف و خنساء از مبذول ، و ثعلبه ، و دینار بن نجار که شامل مسعود بن عبد الاشهل و قیس بن مالک بوده ؛ اما ابن سعد تنها به نام مالک بسنده کرده که شامل عدی ، مازن ، دینار، غنم ، عمرو،

Bia2book.blogfa.com

. مغاله و مبذول بوده و از ذکر شاخه های عشایر سرباز زده است

جداره ، ابجر، خذره : ابن اسحاق به هنگام سخن از بنی خزرج آنان را اینگونه شمارش نموده است ، امری ء القیس ، عدی بن کعب ، احمر بن حارثه ، جشم و زید دو برادر همزاد، عبید الحلبی ، جزؤ ، سالم بن عوف ، ذعد، مرضخه و لوذان دو فرزندان غنم ؛ اما ابن سعد، از بنی حارث بن خزرج نام کعب بن حارث و جشم بن زید دو برادر همزاد را آورده ، و عوف بن خزرج ، که شامل سالم بن غنم الحبلی بوده ، را نیز نموده است .

ابن اسحاق از بنی ساعده یاد کرده و به شاخه های آن ثعلبه ، البدی و طریف اشاره کرده است ، اما ابن سعد تنها به ذکر نام بنی ساعده اکتفا نموده ، بدون آنکه ذکری از شاخه های آن به میان آورد.

ابن اسحاق از جشم بن خزرج یاد کرده که شامل عشایر سلمه ، حرام ، سواد و عبید و شاخه های آن خنساء و خناس ، و النعمان ، و عدی بوده است ، اما ابن سعد تنها نام عشایر سه گانه را آورده و به شاخه های آن اشاره ای نکرده است .

ابن اسحاق به هنگام سخن از بنی زریق آنها را به مخلد، خالد، خلده و بیاضه به عنوان واحدهای مستقلی تقسیم کرده ، بدون آن که نامی از عشایر آن ها به میان آورد.

هم چنین به غنم اشاره کرده و از عشایر آن عمرو بن عوف ، عبید بن ثعلبه ، عائذ، زید بن ثعلبه وسواد بن مالک را معرفی نموده است .

اما ابن سعد، جشم را ذکر کرده که شامل سلمه ، حرام ، عبید بن عدی ، سواد بن غنم بن کعب بن

Bia2book.blogfa.com

. سلمه و سائر سلمه بوده است

باید توجه داشت که ابن حزم ، پنج عشیره از خزرج را به نام های تیم الله ، جشم ، الحارث ، عوف و ساعده ذکر کرده است . و این ، دلیلی بر ان است که اوس دارای ده عشیره بوده است . اما خزرج ، که مهم ترین مجموعه های بزرگ آنان شامل بنی مالک ، بنی حارث بن خزرج ، جشم و زریق بوده است ، شاخه های حیرت آور و ناهماهنگی داشته و این خود دلیلی بر تغییرات وسیع در تنظیم های آن است .

انقراض

ابن سعد در بخش دوم از جلد سوم کتاب خود، که ویژه شرح حال اصحاب بدر از اوس و خزرج است ، به انقراض تعدادی از عشایر و شاخه ها و نسل برخی افراد اشاره کرده است . از عشایر و شاخه هایی که منقرض شده اند و هیچکس از آن باقی نماند، از بنی عبد الاشهل ، بنی وقش بن ، و بنی حریش بن عدی که در [92]بنی زعورا بن عبد الاشهل [91]زغبه بن زعورا بن عبد الاشهل و [93]خانه بنی عبد الاشهل بوده و در آغاز اسلام منقرض شده اند و هیچ کس از آنان باقی نمانده به شمار آمده و سالها پیش منقرض [94]عمرو بن جشم بن حارث بن خزرج که از ساکنان راتج .گردید بودند، نام برده شده است . از نسل اخیر، تنها مالک بن تیهان و برادرش بازمانده بوده اند

(95)

.منقرض شده اند [97]و بنی معاویۀ بن مالک به استثنای نسل جبر بن عتیک [96]نسل مربن ظفر

ابن زباله می گوید: بنی سلم در سال ۱۹۹ هجری منقرض شدند، در حالی که ابن حزم در این باره

Bia2book.blogfa.com

می گوید، آنان همگی منقرض شدند، در حالی که در جاهلیت تعدادشان به هزار مرد جنگجو می رسید.[98]

از خزرج نیز بنی عائذ بن ثعلبهٔ بن غنم همگی منقرض شدند، طوری که یک نفر از آنان باقی نماند و نسل ضمضم بن زید بن ثعلبهٔ بن غنم نیز همگی از بین رفتند و کسی از آنان باقی نماند.[99]

(100)

قیس بن [102]عباد بن ابجر، [101]از خزرجیان هم چنین می توان به نسل عدی بن امیه بن جداره ، و [105]حبیب بن حارث بن ثعلبهٔ بن مازن ، [104]خالد بن زید بن حرام ، [103]خلدهٔ از بنی زریق ، حارثهٔ بن امری ء القیس بن اغر، [106]بنی دینار بن نجار که تنها سلیم بن حارث از آنان باقی ماند، و [110]لوذان بن سالم بن عوف ، [109]حارث بن عبید، [108]حارثهٔ بن ثعلبهٔ بن کعب ، [107] [111]حبیب بن عبد حارثهٔ بن مالک بن غضب اشاره کرد که به استثناء فرزندان هلال بن معلی همگی منقرض شدند.

نسل خالد بن [113]بنی اصرم بن زید بن ثعلبه ، [112]از آنها، هم چنین بنی عائذ بن ثعلبهٔ بن غنم ، بنی دینار که تنها نسل سلیم بن [115]نسل حبیب بن حارث بن ثعلبهٔ بن مارن ، [114]زید بن حرم ، بنی عجلان و نسل لوذان [117]از آنان باقی ماند، نسل عمرو ابن ابی زهیر بن مالک ، [116]حارث بن سالم بن عوف ، [118]بنی عجلان و نسل لوذان بن سالم بن عوف منقرض شد.[119]

نیز گفته شده است که معاویه ، سلیمان و بشیر، فرزندان ابی عیاش از بنی خلدهٔ ابن عامر بن زریق همگی منقرض شده و کسی از آنان باقی نماند.[120]

Bia2book.blogfa.com

ابن سعد می گوید: تعداد شرکت کنندگان از اوس در جنگ بدر، ۶۱ نفر و از خزرج ، ۱۷۰ نفر بوده است . در نسخه چاپی طبقات ، شرح حال ۴۷ نفر از اوس آمده که بیست نفر جزو [121] منقرضین ذکر شده اند که یا منقرض شده اند و یا نسلی از آنان باقی نمانده است . هم چنین شرح حال ۱۷۷ نفر از خزرج آمده و گفته شده است که تعداد ۱۴۲ نفر از آنان دارای نسلی باقی مانده ابن سعد در جلد پنجم کتاب خود، از آنانی که دارای نسل پس از خود نبوده اند این .نبوده اند عبد الله بن زید بن ثابت ، [122]عمرو و محمد و یزید بنی ثابت از ظفر، : گونه یاد کرده است [125]و محمد بن نبیط از مالک بن نجار، حجاج بن عمرو از مبذول ، [124]عمارۀ بن عقبه ، [123] عبد الرحمن بن زید از [127]ایوب بن بشیر از عمرو بن عوف ، [126]عبید الله بن مجمع ازبلی ، . یاد کرده است [128]مالک بن نجار و عبد الرحمن ابن ابی قتادۀ ازسلمه

است و تعدا مهاجرین از [129]مدینه هیچ گاه در معرض اپیدمی یا بیماری های فراگیر قرار نداشته مدینه به سایر سرزمین های اسلامی نیز زیاد نبوده است . این عوامل و شهدای اندکی که در جنگ ها و غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله و جنگهای رده و فتح های نخستین از میان رفته اند، نمی تواند باعث شده باشد که عشایر و شاخه ها و خانواده ها و نسل افراد سرشناس ، این گونه منقرض .شده و از میان برود

به نظر می رسد کاهش تعداد انصار، همچنان ادامه داشت تا آنجا که به ندرت ، در مدینه ، فردی از مقری از ابن سعید روایت می کند از ازد که همگی آنها منسوب به انصار .انصار دیده می شد بودند، گروه بسیاری در اندلس وجود دارد. ابن سعید می گوید: شگفت آنکه این نسب در مدینه از

Bia2book.blogfa.com

میان رفته ، در صورتی که در اندلس و سایر شهرهای آن تعداد بسیاری از آنها را می یابی که از شمارش خارج هستند به من خبر داد شخصی که به دنبال این نسب در مدینه بود و تنها پیر مردی از خزرج و پیرزنی از اوس را یافت.[130]

فصل سوم : ارتباط یثربیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله

آغاز تماس میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و مردم یثرب ، به آن هنگام که حضرتش در مکه دعوت خویش را بر هر تازه واردی از عشایر و افراد عرضه می نمود، باز می گردد ابن اسحاق می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن ورود هر شخصی از عرب که دارای اصل و نسب و شرف و بزرگی بود، او را رها نمی ساخت مگر آنکه آن شخص را دعوت به پروردگار کرده و اسلام را بر او عرضه می نمود.[131] بدون شک این گونه تماس شخصی با افراد، آسان تر از تاثیر شخص پیامبر بر عشایر بود؛ زیرا هر یک از آن ها، به ویژه افرادی که از جایگاه بلندی در عشیره خود برخوردار بودند، می توانست تاثیر فراوانی از اسلام و آنچه شنیده بود بر عشیره و یا خانواده خود گذارد. این مطلبی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اهمیت آن پی برده بود. منابع به یکی از نخستین تماس ها که بی نتیجه نیز بود، اشاره می کند رسول خدا با سوید صامت از بنی عمرو بن عوف ملاقات نمود. در آن روزگار، قومش او را به جهت صبر و تحمل و شرف و نسبش ، کامل می نامیدند. او برای حج وارد مکه شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله با وی دیدار نمود و او را به پروردگار و اسلام دعوت نمود. سوید به ایشان عرض کرد شاید آنچه همراه شماست مانند آن باشد که نزد من است . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه چیزی همراه

Bia2book.blogfa.com

تاریخ ، پیروان و انصاری را برای سوید مرعفی نکرده [132] . توست ؟ سوید گفت سخنان لقمان است و نامبرده پس از آن نیز چندان عمر نکرد؛ زیرا پیش از روز بعاث کشته شد. این که سوید سخنان و گفته های لقمان را نزد خود داشته ، دلیلی بر اهمیت دادن وی به مطالب فکری و فلسفی بوده است . وی اطلاعاتی در مورد برخی فرهنگ های کهن داشته و می توان گفت که در آن هنگام از سطح فرهنگی بالایی برخوردار بوده است . به همین علت تمامی گفته های پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیده ؛ ولی دعوت اسلام را نپذیرفته است . هم چنین نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با گروهی از بنی عبد الاشهل که به مکه آمده و به مکیان التماس می کردند که با آنها علیه خزرج هم پیمان شوند، ملاقات نمود. اما آن هیات ، دعوت مذهبی پیامبر را نپذیرفته و گفتند برای غیر از این به اینجا آمدیم [133]. -به بیان دیگر، آنان منظوری سیاسی محلی داشتند؛ چیزی که هدف و خواسته رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود.

نخستین ملاقات با ارزش میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و مردم یثرب ، هنگامی روی داد که گروهی از آنان به مکه آمده و پیامبر صلی الله علیه و آله با شش نفر از آنان دیدار کرد و آنها را به اسلام دعوت نمود و همگی دعوت پیامبر را اجابت نمودند. این افراد عبارت بودند از اسعد بن زریق ، عوف بن حارث بنی نجار رافع بن مالک زریق ، عقبهٔ بن عامر سواد، قطبه بن [134] زراره واقدی علاوه بر افراد یاد شده ، ابوالهیثم بن تیهان هم پیمان [135] عامر سلمه و جابر بن عبد الله عبد الاشهل را نیز نام می برد و می گوید او در جاهلیت ، بت پرستی را مردود می داشت و از آن اکراه داشت و قائل به توحید بود. وی جزء هشت نفر از گروهی که در مکه به عنوان انصار پیش

Bia2book.blogfa.com

ابوالهیثم جزء گروه .از قوم خود به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آوردند به شمار می آید شش نفری انصار بود که با رسول خدا در مکه ملاقات کرده و پیش از قوم خود ایمان آورده و سپس رو به سوی یثرب گزارده و اسلام را در آن منتشر نمودند.

واقدی هم چنین می گوید: روایت شش نفر نزد ما محکم تر و قوی تر است . آنان نخستین افراد انصار بودند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات کرده و حضرت آنان را به اسلام دعوت نمود و ایمان آوردند. وی می گوید، نخستین ایمان آورندگان از شش نفر ابوالهیثم بن تیهان و اسعد بن زراره[136] بودند که منابع به استثنای ابوالهیثم بن تیهان اشاره ای به اندیشه های این گروه شش نفری نکرده اند. این گروه وابسته به تعدادی از عشایر بودند که هر کدام دارای جایگاه بلندی نزد قوم خویش بوده اند. آنان به قصد حج به مکه سفر کرده و هیچ گونه منظور سیاسی نداشتند؛ اسلام آوردن آنها نیز دارای هیچ جنبه مصلحت شخصی و یا استفاده مادی نبود. هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هیچ شخصی از مسلمانان قریش را به همراه آنان به مدینه گسیل نداشت . این گروه در ملاقات کوتاه خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله اصول کلی اسلام را درک نموده و پذیرفته اند.

ابن اسحاق روایت می کند هنگامی که گروه شش نفری به مدینه مراجعت کردند، هر یک نزد عشیره خود وارد شده ورسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان معرفی کرده و همه را دعوت به اسلام نمودند. از این پس بود که اسلام در میان آنان منتشر گردید، و خانه ای از خانه های انصار فعالیت گروه شش نبود[137] که در آن نام رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سر زبان ها نباشد

Bia2book.blogfa.com

نفره در مدینه موجب شد که عشایر متعددی دعوت اسلام را بپذیرند و این مطلب محصور در عشیره ای معین و یا جماعتی محدود نبود. بدون شک ، سخنان و آرای این گروه شش نفره ، آنچنان مستدل و قانع کننده بود که مردم مدینه را آماده پذیرش اسلام کرد.

منابع در این مورد هیچ گونه اختلافی ندارند؛ زیرا پذیرش اسلام در یثرب ، بر پایه هیچ گونه نظام عشایری وی یا طبقاتی نبود. منابع به گسترش اسلام در یثرب ، رنگ سیاسی نداده و این پذیرش را تنها بر اساس پایه های فکری و روحی حاکم بر آن دانسته اند. شاید نبود همبستگی سیاسی در یثرب و نیز فقدان مرکزی دینی و مذهبی در آن و ضعف تماس خارجی ، از عواملی باشد که موجب پذیرش اسلام در آن شد؛ البته شرایط داخلی یثرب نیز؛ این پذیرش همگانی بی تاثیر نبود. با توجه به آنکه منابع هیچ گونه تماسی با پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مراجعتشان به یثرب ذکر نکرده اند، آشکار می شود که موفقیت این شش نفر در انتشار پیام اسلام در یثرب ، به تلاش شخصی و فعالیت پیروزمندانه آنها باز می گردد.

پیمان نخست عقبه[138]

سال بعد، دوازده نفر از کسانی که اسلام را پذیرفته بودند و درمیان آنان ، شش نفر نخستین نیز قرار داشتند، به سوی مکه رهسپار شدند. اضافه شدگان به گروه ، عبارت بودند از ذکوان بن عبد بن عبد القیس بنی زریق ، عویم بن ساعده اوس ، ابو عبد الرحمن ، عبادة بن صامت ، ابو الهیثم بن تیهان[139] بلی و عباس بن عباده ، که دو نفر از آنان از اوس به شمار آمده و یکی هم پیمان با اوس بوده است[140] . این گروه ، اسلام آورده و بر بیعة النساء پیمان بستند که : بر پروردگار

Bia2book.blogfa.com

یکتا شیئی را شریک قرار ندهیم ، و راهزنی نکنیم ، و زنا نکنیم و فرزندان خود را نکشیم و از در این پیمان ، [141] . دروغ و کارهای ناشایست پرهیز کرده و خداوند را معصیت آشکار نکنیم تعهدی که بر توحید و اجرای احکام اخلاقی معین شد، هیچ گونه تعارضی با عرف عمومی متداول نداشت .

ماموریت مصعب بن عمیر

بیعت کنندگان عقبه ، پس از مراجعت به مدینه ، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست نمودند که شخصی را برای آموزش احکام دین به سوی آنان گسیل دارد. ابن اسحاق اساس این تقاضا را جنبه سیاسی دانسته و در این باره می گوید: اوس و خزرج اکراه داشتند که شخصی از میان آنها عهده دار این امر گردد؛ [142] اما پسندیده تر آن است که بگوییم آنان مردی از مسلمانان نخستین را می خواستند که با آگاهی او به مبانی و تعالیم اسلام ، دعوت اسلامی آنان را را برای این امر مهم [143] در یثرب هدایت نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله مصعب بن عمیر مصعب از بنی عبد الدار به شمار می آمد و عموزاده عبد الله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بود. او در جوانی دارای لباس های فاخر فراوان و همواره معطر و خوشبو بود. وی انتخاب کرد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه ارقم مشغول به دعوت مخفیانه اسلام بود، مسلمان شد و سپس به حبشه مهاجرت کرده و پس از مراجعت از آن جا رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به یثرب گسیل داشت. مصعب یکسال در یثرب توقف نمود و سپس به مکه مراجعت کرد . وی با رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرده و سرانجام در جنگ احد به شهادت

Bia2book.blogfa.com

او هیچ گونه ارتباط خویشاوندی و یا منافع خصوصی با مردم مدینه نداشت و انتخاب [144] .رسید قرآن را برای آنان تلاوت نماید، اسلام را : او، بر پایه توانایی های شخصی اش بود. یعنی این که با توجه به مطالب یاد شده ، مصعب بن [145] .بدانان بیاموزد و احکام شریعت را به آنان بشناساند عمیر به عنوان فردی آزاد و مستقل و نه به عنوان پناهنده ، و با هدفی دینی و عقیدتی و بدون هیچ گونه غرض سیاسی به یثرب وارد شد. گواه این سخن ، آنکه گفته شده است نامبرده هرگز ریاستی سیاسی بر گروهی از مسلمانان را به عهده نداشت و بدون شک دعوت اسلام در یثرب ، از تلاش های تازه مسلمانان یثرب سود فراوانی برد.

وارد شد و فعالیت خویش را در میان مردم یثرب که [146]مصعب در مدینه بر اسعد بن زراره اسلام در آن با همت و فداکاری تازه مسلمانان منتشر می شد، آغاز نمود. وی دستورات اسلامی را برای مردم بازگو می نمود و بدون شک ، از جایگاه و نفوذ اسعد بن زراره نیز استفاده می جست . البته او تنها بر اسعد تکیه نکرده بود، بلکه شخصیت فکری خود و چگونگی برخوردش با مردم نیز در پیروزی و رسیدن به هدفش سهم مهمی داشت . گرچه منابع در مورد چگونگی برخورد او و کیفیت صحبت و گفتگوی او با مردم ، که نشان از موفقیت او در این باره باشد فکری به میان نیاورده اند؛ اما به هر صورت اسلام به تدریج در یثرب منتشر می شد و افراد یکی پس از دیگری اسلام را می پذیرفتند. [147]

نفوذ اسلام در میان آحاد مردم یثرب ، محصور به قبیله ای خاص نبود؛ بلکه در تمامی خانه های به طوری که خانه ای از انصار باقی نمانده بود مگر آنکه در آن مردان [148]انصار منتشر می شد،

Bia2book.blogfa.com

باشند.[149] و زنانی مسلمان شده

مهم ترین افرادی که به دست مصعب بن عمیر اسلام آوردند، سعد بن معاذ و اسید بن حضیر، اسلام آوردن سعد بن معاذ، موجب انتشار آن .سعد فرزند رییس اوس در جنگ بعاث بود .بودند در میان عبد الاشهل به صورت گسترده شد، طوری که پس از اسلام وی ، کسی از بنی عبد الاشهل به صورت گسترده شد، طوری که پس از اسلام وی ، کسی از بنی عبد الاشهل باقی نماند، مگر آنکه اسلام آورده بود. در آن هنگام ، خانه عبد الاشهل ، نخستین خانه انصار بود که تمامی در حالی که اسلام تنها منحصر به آنان نبود و بیشتر عشایر آنان [150]افراد آن مسلمان شده بودند؛ . را فرا گرفت [151]مثل بنی عبد الاشهل ، ظفر، حارثه ، معاویه و عمرو بن عوف

بنی : اسلام هم چنین در میان طایفه های اوس نیز نفوذ پیدا کرد؛ اما برخی از عشایر آنها شامل .[152] وائل ، خطمه ، واقف و امیۀ بن زید اسلام نیاوردند

در میان آنان ابوقیس بن .ابن اسحاق تاخیر اسلام این عشایر را به ابو قیس بن اسلت نسبت می دهد اسلت وجود داشت . نامبرده شاعر و رهبر آنها بوده که همگی از او اطاعت نموده و سخنان او را قبول داشتند. او مانع از اسلام آوردن عشایر خود گردیده و هم چنان بود تا اینکه رسول خدا صلی ابن سعد [153] .الله علیه و آله به مدینه هجرت فرموده و جنگ بدر و احد و خندق را سپری کردند ابو قیس بن اسلت تصمیم داشت اسلام آورد، اما عبد الله بن ابی مانع گردید. وی در ماه :می گوید [154] . دهم از نخستین سال هجرت در گذشت

چنان که ملاحظه می شود، خانه های این عشایر، میان بنی نضیر و بنی قریظه واقع گردیده بود و

Bia2book.blogfa.com

شاید یهودیان در این میان بی تاثیر نبوده اند؛ گرچه منابع به این مطلب اشاره ای نکرده اند. البته عشایر یاد شده ، پس از اسلام آوردن ، در میان خود منافقی نداشتند و هیچ گونه مشارکتی نیز در ساختمان مسجد ضرار ننمودند.

فرستادن مصعب بن عمیر به یثرب ، نمودار آشکاری در تاریخ انتشار اسلام به شمار می آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی وی را به یثرب اعزام نمود که آگاهی های لازم را از این شهر در اختیار وی قرار داد. حضرت در این باره ، وضعیت شهر یثرب و نشر آرام اسلام در آن آمادگی پذیرش اسلام به وسیله مردم و مخالفت ضعیف در آن را به او گوشزد نمودند. هم چنین وجود قبایل درگیر با هم و نبودن گروهی متحد و هم پیمان از متنفذین که انتشار اسلام ، مصالح آنان را مورد تهدید قرار دهد، از عواملی بود که به پیشروی اسلام در یثرب کمک می نمود.

رهبران عشایر، با رقابت و هم چشمی میان خود و عدم اتحاد با هم ، و نیز موقعیت یثرب به عنوان مرکزی غیر بازرگانی و تجارتی ، موجب می شد که مردم آن ، واهمه ای از به هم خوردن فعالیت های آن به وسیله اسلام نداشته باشند. یثرب دارای کشاورزی با محصولی اندک بود که با فراخوانی اسلام در آن مغایرتی نداشت و مرکزی مذهبی و یا حرم امنی نیز به شمار نمی آمد که بر اساس آن ، دین در آن حکومت کرده و امنیت و استقرار را حاکم نماید. بنابر این احتمال جنگ داخلی و خطر آن همواره وجود داشت ؛ اما از سوی دیگر، به دلیل فقدان قدرت مرکزی ، احتمال به خطر افتادن امنیت در آن وجود داشت .

عوامل یاد شده موجب شد اعراب ساکن یثرب ، به امید آنکه اسلام بتواند در اوضاع داخلی و

Bia2book.blogfa.com

مضطرب جاری در یثرب اثر گذاشته و آن را درمان نماید، بر آن گردن نهاده و آن را پذیرا می شدند. از سوی دیگر، یثربیان ، بت پرستان سختی نبودند و افکار خاصی مانند مکیان نداشتند که موجب معارضه و دشمنی با اسلام شود؛ به ویژه آنکه وجود یهودیان در یثرب و اعتقاد آنان به بعثت پیامبر آخر الزمان ، این تاثیر و ذهنیت را در مردم یثرب به وجود آورده بود. یثربیان اسلام را برای بهبود اوضاع داخلی خود و ایجاد امنیت و استقرار در آن و هم چنین به وجود آوردن آرامش روحی پذیرا شدند؛ چیزی که سرشت اعراب یثرب به آن نیزا داشت و سایر ادیان منتشر در میان عرب یثرب آن زمان ، توانایی فراهم ساختن آن را نداشتند. بنابر این نفوذ اسلام در یثرب دلیل روشن این گفته آن که .امری ذاتی بود و یثربیان آن را بر اساس میل باطنی خویش پذیرفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه از میل باطنی یثربیان به اسلام آگاه شد و زمینه را .برای پذیرش آن با افزایش تعداد مسلمانان دید، نمایندگان خویش را به سوی آنان گسیل نمود

ابن اسحاق به روایت از عبد الرحمن بن کعب بن مالک نقل می کند که نخستین بار در مدینه در سوال . حزم النبیت واقع در حرۀ بنی بیاضه که بدان نقیع الخضمات گفته می شد، گرد هم آمدیم نمودم در آن هنگام چند نفر بودید؟، گفت چهل مرد؛ اما از زمان اقامه نماز جمعه یادی نمی کند. به نظر می رسد این چهل مرد، تنها از بنی بیاضه بوده و تمامی مسلمانان یثرب از همه عشایر نبوده .اند

پیمان عقبه دوم

در سال بعد، تعداد ۷۳ نفر مرد به همراه دو زن از یثربیان ، که از عشایر گوناگون بودند، برای

Bia2book.blogfa.com

ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله و بیعت با وی ، رو به سوی مکه نهادند. یازده نفر از مردان این گروه ، وابسته به سه عشیره اوس و شصت نفر دیگر از سایر عشایر خزرج به شمار می آمدند. بنابر این تعداد مردان شرکت کننده از عشایر مختلف در این پیمان ، با هم متفاوت بوده است .

بیشترین تعداد، همان یازده نفر مرد بوده که از هر یک نبی نجار و عبید، سپس هفت مرد از بنی حارث و حرام ، و پنج مرد از بنی غنم ، و نابی ، و عمرو بن عوف ، و چهار مرد از زریق و قواقل و سه مرد از عبد الاشهل ، و حارثه ، و بیاضه ، و دو مرد از سالم و ساعده و یکی از بنی کعب بن سواد به شمار می آمدند.

بیشتر شرکت کنندگان از یک عشیره ، برادر یا فرزندان یا پدران و فرزندانشان بودند. بدین ترتیب که برادران و عمویشان از بنی غنم و سواد، و برادران و برادر زادگانشان از سلمه و پدر و فرزندش از حرام و سلمه ، و دو برادر از غنم ، و نابی بن عمرو، ودو عموزاده از بنی نابی بن عمرو، یعنی نوزده نفر از آنان با هم خویشاوند بودند. در حالی که بسیاری از آنان از نظر نسبی از هم دور بوده اند. با توجه به ترکیب افراد یاد شده و نبودن نظم خاصی از افراد عشایر گوناگون ، آشکار می گردد که آنان در این مجموعه ، قصد نمایندگی عشایر خویش را نداشته اند.

شرکت کنندگان در عقبه دوم ، از عرب های اصیل به شمار می آمده اند. همگی دارای اراده تصمیم گیری مستقلی بوده و هیچ یک از آنان برده نبوده اند. لازم به یاد آوری است که تنها در میان گروه یاد شده ، شش نفر هم پیمان وجود داشته است . تمامی شرکت کنندگان در پیمان عقبه نخست به استثنای عقبه بن عامر از سلمه و یزید بن ثعلبه از قواقل در آن شرکت داشتند. البته

Bia2book.blogfa.com

اسعد بن زراره نیز که دارای نقش مهمی در نشر اسلام در یثرب بود شرکت نداشت . از بنی عبد الاشهل تنها سه نفر در این پیمان شرکت داشتند، در حالی که منابع ، مکرر از انتشار اسلام در آنان پیش از پیمان عقبه یاد کرده اند. تمامی این مطالب ، دلیل آن است که شرکت کنندگان در پیمان عقبه دوم ، گروهی از مسلمانان و نه تمامی مسلمانان یثرب آن دوره بوده اند. متاسفانه هیچ منبعی اشاره به تعداد مسلمانان یثرب در آن هنگام نکرده است . اما کثرت شرکت کنندگان از میان عشایر خزرج در پیمان ، نشان دهنده آن است که اسلام در میان عشایر آنان بیش ازاوس نفوذ داشته است . به گفته منابع ، رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفر نقیب را به عنوان ضامن و وکیل آنان تعیین نمود که این نقیبان در عشایر مختلف تقسیم شدند. طوری که برخی عشایر بدون نقیب بودند حارثه ، و کعب و غنم فرزندان سواد، و نابی ، و بیاضه ، برخی دارای دو نقیب بلحارث و عمرو بن عوف بودند و از بنی ساعده دو نفر شرکت کرده بودند که هر دو به عنوان نقیب انتخاب شدند. از نقیبان تعیین شده ، تنها اسید بن حضیر الکتائب را می شناسیم . وی دارایا جایگاه والایی بوده و رهبر اویسان در یوم بعاث به شمار می رفته است ؛ اما از جایگاه و منزلت سایر نقیبان در میان قومشان پیش از اسلام اطلاعی در دست نداریم ؛ اگر چه انتخاب آنان ، نشان از جایگاه و ویژگی آنان در قوم خود و اسلامیت آنان دارد. هم چنین نمی دانیم آیا نقیبان انتخاب شده ، ارتباطی به تعداد مسلمانان یثرب داشته اند یا نه ؟ یعنی آیا انتخاب دو نفر نقیب از بنی ساعده ، نشان از تعداد بیشتر مسلمانان در این بوده است ، با وجود آنکه در پیمان حضور نداشتند؟ نیز نمی دانیم آیا اختیار نقیبان از میان رهبران و گروندگان پیشین به اسلام ، به هدف

Bia2book.blogfa.com

ترغیب و راضی نمودن آنان بوده تا به اسلام تمکین نمایند، یا به فعالیت و شدت علاقه آنان به اسلام بستگی داشته است ؟

بی تردید شرکت کنندگان در پیمان عقبه ، مسلمانان و یا افراد مستعد به پذیرش اسلام که دارای اندیشه های موافق با اصول اسلام و یا با آمادگی بر پذیرش آن بوده اند، به شما می آمدند.

پیمان عقبه با هدف تفهیم اصول و مبانی اسلام برای شرکت کنندگان تشکیل نگردید، بلکه هدف از آن تنظیم ارتباط قانونمند پیامبر صلی الله علیه و آله با مسلمانان اهل یثرب بود.

مسلمانان یثرب در آغاز ورود به مکه ، جلسه اجتماع خویش را مخفیانه و دور از چشمان مشرکین یثرب و قریش تشکیل می دادند؛ زیرا بیم آن داشتند که کسانی آن ها را بر هم زنند. عاقبت جلسه برگزار و پیمان شبانه منعقد گردید، که خود دلیلی بر عدم وجود اختلافات و کشمکش های طولانی در این زمینه بوده است .

قریش پس از پایان پیمان عقبه ، از آن اطلاع یافت ؛ اما هیچ گونه پاسخ قوی یا عکس العمل فوری و جدی به آن نشان نداد. به گفته ابن اسحاق ، قریش تنها به این گفته بسنده نمود که ای گروه خزرجیان ، به ما اطلاع رسیده که شما نزد این خویشاوند آمده اید تا او را از میان ما بیرون برده و با او پیمان بر جنگ با ما ببندید؛ به خدا سوگند جنگیدن با هیچ آبادی از عرب ، برای ما منفورتر از آغاز جنگ با شما نمی باشد.

از این گفته ، آشکار می شود که مشرکین قریش ، جبهه گیری جدی در منع و یا ابطال پیمان عقبه ، از خو نشان ندادند و نتوانستند تمامی جنبه ها و آثار پیمان را ارزیابی نمایند. آنها تنها اثر

Bia2book.blogfa.com

پیمان را آغاز جنگ میان خود و مردمان یثرب پنداشتند؛ واقعه ای که هیچ گاه آن را نمی خواستند و پیش از آن هم میان آنان اتفاق نیفتاده بود.

به نظر می رسد قریش اقدام به جلوگیری از فعالیت های دینی پیامبر صلی الله علیه و آله ننمود و به او فشاری وارد نکرد تا او را وادار به توقف تبلیغات دینی و یا هجرت از مکه نماید و قریشیان را از پریشان خاطری و گرفتاری هایی که دعوت اسلام برای شهر آنان ایجاد کرده بود، رهایی دهد. پس از پیمان عقبه نیز آنها به مقابله با پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان نپرداخته و دست به آزارهای فوق العاد و سخت نزدند؛ زیرا این پیمان بر اساس همان اصول پایه های مورد قبول و آشنای عرب ، که همانا پشتیبانی و حمایت از مظلومی که مورد ظلم دیگری قرار گرفته باشد، منعقد گردیده بود. علاوه بر این ، پیمان جنبه توسعه طلبانه و جنگ طلبانه هم نداشت و آنچه ظاهر پیمان نشان می داد مسلمانان را با داشتن پشتوانه مردمی در یثرب ، تشویق به هجرت کرده بود؛ گو این که در اصل ، پیمان به هجرت تصریح نشده بود.

پیمان عقبه دوم ، حادثه مهمی در تاریخ صدر اسلام به شمار می آید که اهمیت آن تنها به استقرار اسلام و نشر آن در یثرب باز نمی گردد؛ زیرا این مهم پیش از تشکیل پیمان عقبه به انجام رسیده بود. اهمیت عقبه دوم به عزم و اراده مسلمانان یثرب بر حمایت و پشتیبانی از مسلمانان مکه باز می گردد. این حمایت و پشتیبانی ، تنها به عنوان پشتوانه دینی و مذهبی بود و هیچ گونه هدف توسعه طلبانه در آن وجود نداشت ؛ زیرا آنان تعهدی به شرکت همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ های توسعه طلبانه ندادند.

Bia2book.blogfa.com

پیمان عقبه ، قرار دادی اختیاری و ناشی از رضایت طرفین بود که شرکت کنندگان در آن ، گروه بسیاری از اهل یثرب از مردان عشایر متعدد بودند. برخی از عشایر شرکت کننده ، دشمنی هایی نیز با هم داشتند که از آن میان مردانی از عشیره عبد الله بن ابی بودند که یثربیان قصد ریاست او را بر خود داشتند. پای بندی به این قرار داد، که مورد رضایت طرفین بود از نظر قانونی ، عرفی و اجتماعی ضروری به نظر می رسید. از این رو، ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با مسلمانان مدینه ، در چهارچوبی قانونی و الزام آور، ناشی از رضایت درونی و اعتقاد قلبی آنان و به دور از اکراه و یا فشار نیرویی خارجی بود.

پیمان عقبه ، عمق نفوذ و گسترش اسلام در مدینه را در این دوره نخستین آشکار می سازد؛ زیرا تعداد شرکت کنندگان در آن ، زیاد بود و مطمئنا آنان نمایندگان تعداد بسیار دیگری بوده اند. در صورتی که بگوییم تعداد مهاجران مکه در حدود هشتاد نفر بوده اند، می توانیم به اهمیت این پیروزی بزرگ به دست آمده در این دوره آغازین از دعوت اسلامی در میدنه پی ببریم ؛ به ویژه آن که مردم یثرب که اسلام را پذیرفتند، با شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات نکرده و ملاقات کنندگان با حضرت نیز تنها تماس کوتاهی را داشته اند.

ویژگی حقوقی پیمان و الزامات آن

به رابطه حقوقی میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان یثرب اصطلاحا بیعت گفته می شود. این کلمه در اصل برگرفته از بیع یا فروش بوده که در آن فروشنده در برابر کالایی که به خریدار می فروشد، چیزی را به دست می آورد. این اصطلاح در زمان رسول خدا صلی الله علیه و

Bia2book.blogfa.com

آله ، بر هر پیمانی که میان او و هرشخصی که اسلام آورده و التزام به شروط پیمان را متعهد می گردید، قرار داده می شد.

التزام در پیمان ، محدود به شخصی که در آن شرکت کرده بود نبود، بلکه شامل انتخاب کنندگان آن شخص نیز می شد؛ اما از محدوده این دو گروه تجاوز نمی کرد و برای دیگران الزام آور نبود. از این رو، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه برخی از انصار بر عبد الله بن ابی وارد شد، او عرض کرد به سوی آنانی که تو را دعوت کردند برو نزد آنان فرود آی.[155]

بیعت ، عقدی یک سویه است ؛ بدین صورت که هر کس اسلام را پذیرا بوده ، ملزم به انجام آن می گردیده است . بیعت تنها بر مردان نبوده و شامل زنان نیز می شده است . منابع در این باره نام زنانی را اوردند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نمودند و متن بیعت زنان را نیز آورده اند، که نشان دهنده استقلالی بود که زن از آن بهرهمند بوده است . اسلام مرد یا قبیله ، هیچ گاه ضرورتا شامل بیعت همسرانشان نبوده است . بیعت تنها شامل اشخاص آزاد بوده و بردگان دارای وضعیت خاصی در این زمینه بودند. جابر بن عبد الله روایت می کند برده ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و با وی بر هجرت بیعت نمود، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از برده بودن وی آگاه نبود. پس ارباب او نزد حضرت آمده و او را طلب نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود او را به من بفروش ، پس او را در مقابل دو برده سیاه خریداری نمود، از آن پس بود که حضرت با کسی بیعت نمی کرد تا اینکه از او سوال می کرد که برده است یا خیر.[156]

بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله با بردگان بر هجرت شرط نمی کرد؛ زیرا می دانست که

Bia2book.blogfa.com

علاوه بر آن ، .معامله با بردگان ، همانند افراد آزاد موجب تحریک اربابان و سایر اعراب می شود رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد نداشت اسلام را بر پایه بردگان استوار نموده یا موجب اخلال عمیقی در نظم اجتماعی آن روز گردد. به ویژه آن که تعداد بردگان فراوان نبوده و دادن حقوق بسیار به بردگان ، موجب تحریک و قیام اربابانی می شد که ستون های اجتماع از نظر تعداد و قدرت به شمار می ا مدند و در نتیجه آنان را در پذیرفتن اسلام مردد می ساخت .

نخستین بار کلمه بیعت در پیمان عقبه نخست به کارگرفته شد. از آن پس ، از این کلمه مکرر استفاده شد؛ اما شرایط آن با گذشت زمان دگرگون گردید. در پیمان عقبه نخست ، زنان در بیعهٔ النساء متعهد گردیدند بر پروردگار یکتا شریکی قرار ندهیم ، دزدی نکنیم ، مرتکب زنا نشویم ، فرزندان خود را به قتل نرسانیم ، از تهمت و افترا و گناه آشکار پرهیز کنیم . پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند، در صورتی که به پیمان خود وفا کردید، بهشت از آن شما است و هر کس راه فریب را پیش گرفت ، جزای او با خداست ، که او را مجازات نموده یا از او در گذرد.[157]

همچنین در برخی از .سوره ممتحنه ۱۲ .این شروط با آنچه در قرآن نیز آمده است انطباق دارد منابع حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان شرط نمود نوحه گری برای کشته شدگان دوره جاهلی نکرده و خود را همانند دوران جاهلیت در معرض دید مردان قرار ندهند.[158]

در بیعهٔ النساء زنان نیازی به قرار دادن دست خود در دست پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتند و این نشان می دهد که پیمان عقبه نخست ، بیشتر بر جنبه های اخلاقی تاکید داشته تا جنبه های

Bia2book.blogfa.com

نظامی و سیاسی . از آن پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، حکم بیعت زنان هم چنان باقی ابن .و پایدار بود؛ اما شروط پیمان تغییر یافته و در عقبه دوم شرط جنگ به آن اضافه شده بود اسحاق می گوید هنگامی که پروردگار به پیامبر خود اجازه جنگ داد و او با مسلمانان پیمان جنگ را بست ، شروطی جز شروط پیمان عقبه نخست را شرط نمود. در پیمان عقبه نخست که بیعة النساء بود، خداوند متعال در آن هنگام اجازه جنگ را به پیامبر صلی الله علیه و آله نداده بود و پس از صدور اجازه جنگ ، رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان در عقبه دوم بر جنگ تمام عیار پیمان بست و از سوی پروردگار تعهد نمود که در ازای وفای به آن بهشت را به آنان ارزانی روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود با من بیعت می کنید، بر [159] .دارد پیروی بدون شرط از من در شکست و پیروزی ، بخشش مال در گشاده دستی و تنگدستی ، بر امر به معروف و نهی ازمنکر و نیز بر گفتن حق در هر کجا که بودیم به جز خداوند، واهمه ای از هیچ کس به دل راه ندهیم و در صورتی که نزد شما آمدم ، همانند خود و همسرانتسان و فرزندانتان از من دفاع کنید؛ در آن صورت بهشت از آن شما خواهد بود. پس بلند شدیم و با او [160] .بیعت کردیم

بلاذری از عبادة بن صامت روایت می کند: با رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پیروی کامل از او در پیروزی و شکست ، قدرت و ضعف ، عدم منازعه با صاحبان شریعت بیعت کرده و پیمان بستیم که همواره آنچه را حق است بگوییم و جز از پروردگار، از هیچ کس بیم و هراسی به دل [161] .راه ندهیم

Bia2book.blogfa.com

موسی بن عقبه روایت می کند که زبیر از جابر بن عبد الله سوال کرد چگونه با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردید.

آیا بر مرگ ؟ ، گفت خیر، اما با او بیعت کردیم که نگریزیم. [162]

عامر شعبی در روایتی از ابی امامه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود از شما می خواهم که خداوند عزوجل را پرستیده و برای او شریکی قرار ندهید و از شما برای خود و اصحابم می خواهم که فرمان ما را اطاعت کرده و ما را یاری دهید و هم چنان که از زن و فرزند خود دفاع می کنید، از ما نیز دفاع کنید. آنان گفتند در صورتی که آنها را انجام دهیم ، چه پاداشی خواهیم داشت ؟ فرمود: بهشت از آن شما. گفتند پس پذیرفتیم. [163]

تا کنون متن کاملی از پیمان عقبه به دست ما نرسیده است و شاید علت آن به شفاهی بودن پیمان بازگردد. شروط پیمان عقبه نوشته و مدون نبوده است و شاید علت آن به شفاهی بودن پیمان بازگردد. شروط پیمان عقبه نوشته و مدون نبوده است ، اما بی تردید پیمان عقبه بر جنبه های نظامی و سیاسی تاکید داشته است . اما بخش نظامی آن ، همان تعهدی بود که یثربیان به رسول خدا صلی الله علیه و آله دادند که او را یاری داده و همان طور که از خود و زن و فرزندانشان دفاع می کنند به دفاع از وی برخیزند و همواره در کنار او بوده و ایشان را تنها نگذارند. تا آنجا که برای تحقق آن ، دست به جنگ تمام عیاری بزنند؛ یعنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله حمایت کرده و به هنگام بروز هر خطری از وی دفاع نمایند. البته این یاری فقط جنبه دفاع داشته و هیچ گونه جنبه تهاجمی را در آن نمی توان دریافت . در پیمان ، گفته مستقیم و صریحی بر شرکت در

Bia2book.blogfa.com

جنگ تهاجمی را در آن نمی توان دریافت . در پیمان ، گفته مستقیم و صریحی بر شرکت در

جنگ تهاجمی را در آن نمی توان دریافت . در پیمان ، گفته مستقیم و صریحی بر شرکت در

جنگ تهاجمی و توسعه طلبانه وجود ندارد؛ از این رو هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی بدر عزیمت کرد و با مشرکین قریش رو به رو شد، فرمود ای مردم نظر و رای خود را به من ارزانی دارید، که منظور ایشان به انصار بود؛ زیار در آن هنگام ، اکثر مسلمانان را تشکیل می

یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما هیچ گونه ضمانتی :دادند و به هنگام بیعت در عقبه گفتند نسبت به شما نداریم ، تا اینکه به خانه های ما برسی . در آن هنگام که بر ما وارد شدی پس در ذمه و ضمانت ما هستی و از شما دفاع خواهیم کرد همانند دفاعی که از فرزندان و همسران خود

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بیم آن داشت که پیمان انصار با او اختصاص به .می کنیم شهر مدینه داشته و آنان تعهدی نسبت به دشمنان او در بیرون شهر نداشته باشند.[164]

ابن سعد می گوید اجماع بر این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ کس از انصار را پیش از جنگ بدر به درگیری و جنگی نفرستاد؛ زیرا آنان به هنگام پیمان عقبه شرط کرده بودند

. از او در خانه هایشان دفاع و پشتیبانی کنند و ثابت و مسلم نزد ما همین است[165]

با این جنگ دفاعی ، بیم آن می رفت که آنها به جنگی تمام عیار کشیده شوند؛ گو این که در این مرحله هم حمایت پیامبر پس از هجرت ، آنها را از تمامی عرب جدا ساخته بود و به جنگی

.تمام عیار کشانیده بود

بیعت کنندگان در عقبه ، بیشتر به جنبه های سیاسی مصالح خود اهمیت می دادند و به انجام منافع

Bia2book.blogfa.com

خود تاءکید داشتند. (ابن اسحاق) روایت می کند که ابوالهیثم بن تهیان گفت : جدا می سازیم . مبادا پس از آن که خداوند شما را پیروز گرداند، به میان قوم خود باز گردی خون با خون ، و ویرانی با ویرانی . من از شمایم و شما از من هستید، می جنگم با آنکه می جنگید و در صلح هستم با آنکه در صلح هستید. (166)

پیمان عقبه جایگاه و پایگاه تازه ای را برای رسول خدا ص به وجود آورد که بستر آن ، مجموعه ای از افراد عشایر متعدد ولی جدا از هم نداشتند تا پراکنددگی آنان را از میان برداشته و کارها را منظم سازد. این پیمان در حالی به وقوع پیوست که رسول خدا ص به دور از خصومت های آنها قرار داشت و از این رو، بالاتر از درگیری ها و کشمش های قبیله های قرارگرفت .جایگاه جدید، مرکزی کشاورزی به شمار می آمد که از راه قافله های تجارتی قریش بس دور و در نتیجه از نفوز اقتصادی و اجتماعی میکان در امان بود. علاوه بر دوری شهر از دیدگاه و نظارت قریشان ، یثربیان دارای رابطه خصمانه ای با آنان نیز نبودند و از سیاست های ، توسعه طلبانه پیروی نکرده و با مردم مکه هیچ گونه جنگ و درگیری نداشتند. شاید همین ، علتی باشد که مردم مکه دست به اقداماتی نزدند که در نتیجه آن ، مردم مدینه را برای ابطال و از میان بردن پیمان عقبه تحت فشار قرار داده و یا آنها را وادار سازند که مسلمانان را در شهر خود نپذیرفتند.

پایگاهی که پیمان عقبه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمانت نمود، موجب می شد در یثرب جایگاه امنی برای او بوجود آید که در آن آزادانه و بدون درگیری با مخالفان یا آنچه او را از هدفش باز دارد، به فعالیت خویش پرداخته و برای استقرار اصول اسلام و تحکیم پایه های آن و

Bia2book.blogfa.com

انتشار دعوت تلاش کند.

شرط پشتیبانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در پیمان عقبه ، نشان دهنده آن است که این شرط جنبه دفاعی داشته ؛ اما این به آن معنی نیست که تعهدات آنان سبک و ساده بوده است ؛ زیرا این پشتیبانی جنگ وسیع و دامنه داری را می طلبید؛ به ویژه با مشرکین قریش که همواره به دنبال راه هایی برای مقابله با اسلام و چیره شدن بر آن بودند.

سعد بن عبادهٔ و هل بن صامت در کرده بودند که پیمان عقبه ، تعهدات سنگینی را بر عهده آنان قرار داده است . از این رو گفتند شما با او در جنگی تمام عیار با مردم پیمان می بندید؛ پس اگر می بینید روزی اموال خود را در این راه از دست داده و مصیبتی است برای شما، و یا اشراف و بزرگان خود را کشته ببینید و او راتسلیم می نمایید، پس از هم اکنون به خدا سوگند اگر آن را انجا دادید بدنامی دنیا و آخرت را به همراه خواهید داشت . و در صورتی که می بینید شما برادرانی برای او بوده و او را دعوت کرده اید برای از دست دادن اموال و کشته شدن اشراف ، پس برگیرید آن پیمان را پس به خدا سوگند خوشبختی دنیا و آخرت از آن شما خواهد بود.

گفتند ما این پیمان را به رغم آگاهی از دست دادن اموال و مرگ بزرگان می پذیریم ؛ اما یا رسول الله صلی الله علیه و آله ! در صورتی که بدان وفا نماییم چه پاداشی را در برابر آن خواهیم داشت ؟ فرمود: بهشت . گفتند: دست خود را پیش آورد. پس دست مبارک خود را باز کرده و همگی با ایشان بیعت کردند.

در پیمان عقبه به اختیارات وسیعی که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده ، تصریحی نگردیده

Bia2book.blogfa.com

است ؛ اما تنها، لازمه اقرار به اسلام ، اختیارات فراوانی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله به اثبات می رسانید. حساسیت زمانی شرایط پیمان عقبه ، نمی توانست به تمامی مسایل به ویژه پیامبر با یثربیان :در این باره می گوید [167]ابن عمر .اختیارات پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازد تاکید بر اطاعت کامل ، [168] .بر اطاعت کامل بیعت کرده و سپس می فرمودند: در حد توانایی در آن هنگام امر بسیار مهمی بوده است ؛ زیرا در آن جامعه فردگرا، کسی حاضر به سر فرود آوردن در برابر قدرت خارجی نبود. این ویژگی ها بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش بر زدودن آن داشت ؛ زیرا با وجود آن ، نمی توانست نظام سیاسی ثابت و پایداری را به وجود آورد.

از سوی دیگر، اطاعت همواره دارای حد و حدودی است که نمی تواند مطلق باشد از همین رو، پیامبر بر آن قید توانایی را قرار دادند.

فصل چهارم : هجرت به مدینه و استقرار در آن

زمینه های هجرت

منظور از پیمان عقبه ، ایجاد پایگاهی امن برای اسلام بود که مسلمانان بتوانند با آزادی کامل به ابراز عقیده خود پرداخته و به دستورات آن عمل نمایند. هم چنین مسلمانان از امکان پذیرایی از هر آنکس که به آنها پناه می آورد، اطمینان داشته باشند. این به مسلمانان نشان می داد که هر گاه به مدینه هجرت نمودند، به چه امتیازاتی دست می یابند. با آنکه بر کلمه هجرت در پیمان تصریح نشده ، اما احکام آن ، موجب تشویق مسلمانان به هجرت شد.

Bia2book.blogfa.com

تاکید بر هجرت در پیمان های بعدی آمده است ؛ اما نمی دانیم چه هنگام کلمه هجرت در شروط پیمان وارد شده است . البته از وجود آن در سال چهارم به هنگام آغاز جنگ خندق اطمینان داریم ، بطوری که از حرث بن زیاد ساعدی روایت می شود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز خندق وارد شد، در حالیکه پیامبر با مردم بر هجرت بیعت می کردند.

به نظر می رسد احتمالا شرط هجرت پیش از تاریخ این جنگ نهاده شده باشد و شاید پس از جنگ احد این اتفاق افتاده باشد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از آن درگیر تنظیم کارهای داخلی مدینه بود؛ زیرا زمین های کشاورزی آن محدود بود و بخش اعظم آن در اختیار یهودیان قرار داشت . هم چنین زمان طولانی از نشر و توسعه دعوت پیامبر در خارج از مدینه نگذشته بود. به . هجرت ، یا سکونت در مدینه ، اهمیت فراوانی در مرحله نخستین حیات دولت اسلامی داشت ویژه در آن هنگام که تعدا مسلمانان بسیار اندک و منحصر به مدینه و پیرامون آن بود، آنها با خطرهای فراوانی تهدید می شدند. بنابراین ، ضروری به نظر می رسید که مسلمانان در مدینه مستقر شده و اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله باشند تا به هنگام بروز شرایط اضطراری ، هم چون جنگ ، برای دفاع از اسلام و خدمت به آن آماده شوند.

از سوی دیگر، سکونت در مدینه در کنار پیامبر و مسلمانان ، موجب آشنایی تازه مسلمانان به اصول احکام اسلامی و لوازم آنش ده ، و به تنظیم اندیشه اسلامی آنان که پایه و اساس اسلام به شمار می آید، نیز کمک می نمود.

بدیهی است شرط هجرت در بیعت ، متوجه افرادی بوده است که از اهل مدینه به شمار نمی آمدند.

Bia2book.blogfa.com

بنابراین ضرورتی نداشت که این شرط بر تازه مسلمانانی که اهل مدینه بودند گذاشته شود. بدون شک ، این شرط اجتماع مدینه را در معرض بحران های اقتصادی و اجتماعی قرار می داد؛ زیرا تعدا فراوانی عناصر گوناگون و متنوع با فرهنگی احتمالا متفاوت را به مدینه جلب می کرد که این می توانست برخوردهایی را، به ویژه از نظر فرهنگی با ساکنان اصلی مدینه به وجود آورد. افزایش تعداد مهاجران به مدینه نیز نیازمند ایجاد کار و امکانات زندگی برای آنان بود؛ زیرا تعداد فراوانی از این مهاجران ، اطلاعی از صنعت نداشته و مجبور بودند در بازرگانی و یا کشاورزی فعالیت داشته باشند. رشد و شکوفایی تجارت و بازرگانی در این مرحله نیز، با توجه به دشمنی مشرکان قریش که بر بازرگانی ، قدرتی را به وجود آورده به ضرر آنان قد علم کنند. کشاورزی نیز در درجه نخست نیاز به زمین های فراوان قابل کشت داشت ؛ چیزی که پس از رفتن یهودیان از مدینه ، کم کم گسترش یافت . به نظر می رسد نخستین بار، یهودیان پس از جنگ بدر مجبور به ترک مدینه شدند. در آغاز بنی قینقاع و بعد از جنگ احد، بنی نضیر از مدینه اخراج شده و زمین های آنان میان تعدادی از مهاجران تقسیم شد.

شرط هجرت ، هم چنان در همه بیعت ها تا هنگام فتح مکه باقی ماند و از آن پس ملغی گردید. از میان برداشتن شرط هجرت پس از فتح مکه ، امری طبیعی به نظر می رسید؛ زیرا اسلم به مکه دست یافته و آن را که پایگاهی اساسی بر ضد اسلام بود، ضمیمه خود گردانیده بود. از این پس اصرار، بر هجرت مسلمانان به مدینه مری دشوار به نظر می رسید؛ زیرا موجب نگرانی و به سختی افتادن تعدادی از تازه مسلمانان می گردید و آنها را مجبور به ترک دیار خود می کرد و (169)

Bia2book.blogfa.com

. سکونت آنها در مدینه را که گنجایش آنان را نداشت با مشکلاتی روبرو ساخت

در برخی کتاب ها آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله گاه در بعضی از بیعت ها شرط و در بعضی دیگر شرط [171]هم چنان که در برخی شرط شهادت [170]جهاد را قرار می دادند؛ بدیهی است این شروط، خارج از خواسته اسلام [172].نصیحت به دیگر مسلمانان را می گذاشتند . نبوده است . در این میان ، تنها شرط جهاد است که به نظر می رسد شرطی خاص بوده است

هجرت

هجرت مسلمانان از مکه به مدینه ، به صورت تدریجی انجام پذیرفت . نخستین هجرت کننده پس از پیمان عقبه نخست مصعب بن عمیر بود که برای آموزش قرآن به مسلمانان به سوی مدینه آمد. هجرت ابو سلمۀ بن عبد الاسد پیش از مصعب بن عمیر بوده است . وی که از مهاجران حبشه بود، به مکه بازگشت و با دیدن آزار و اذیت قریش به یثرب پناه برد. چندی بعد همسر او ام سلمه - که چندی بعد از شهادت شوهرش به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد- همراه پیامبر و فرزندش به یثرب رفتند. بنا به اظهار ابن هشام و ابن سعد، وی نخستین مهاجری بود که یک سال بلاذری وی را سومین مهاجر پس از مصعب بن عمیر و . پیش از پیمان عقبه به یثرب رفته است ابن ام مکتوب دانسته است ؛ اما عقیده نخست درست تر می نماید. سیره ابن هشام ، ج ۲ ص ۴۶۸؛ از آن پس ، مسلمانان از .مترجم .طبقات ابن سعد ج ۱، ص ۲۲۶؛ سیره ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۱۵ پیشگامان خود تبعیت کرده و به صورت تک تک و یا گروه های کوچکی از مکه بیرون آمده و به سوی مدینه به حرکت در آمدند. بیشتر هجرت ها، مخفیانه صورت می پذیرفت ؛ ولی با گذشت

Bia2book.blogfa.com

زمان و فزونی مهاجران ، توجه قریشیان را جلب نموده بود. برخی از هجرت ها به صورت علنی بود که به همراه بیست سوار در حالی [173]صورت می گرفت و از جمله هجرت عمر بن خطاب در منابع ، اشاره ای به بازگرداندن هیچ یک [174] .از مکه خارج شد که به قریش اعلان جنگ داد از مسلمانان مهاجر از میان راه نشده است و این می تواند دلیلی بر آن باشد که قریش هیچ گونه مخالفت و سرسختی با هجرت مسلمانان از خود نشان نداد. قریش در آغاز به خطری که در پایان متوجه آنان می گردید، واقف نبود؛ بلکه تصور می کرد که از این راه به صورت مسالمت آمیز از مسلمانان که موجب آشفتگی اجتماعی در مکه شده بودند رهایی می یابد. سپس هنگام آن رسید که رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصا مهاجرت نماید. روایات بسیاری اشاره به آن دارد که به ایشان اجازه هجرت داده شد. [175]

پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم به هجرت خویش را مخفی نگه داشت و در این مورد تنها خانواده وی و ابوبکر که سپس همراه ایشان هجرت کرد، از آن اطلاع یافتند. به نظر می رسد حضرت پس از اطمینان از این که بخش اعظم مسلمانان هجرت کرده و مسلمانان باقی مانده در مکه رغبتی به هجرت ندارند و پس از او ادعا نخواهند کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را رها ساخته است و نیز یثربیان از مهاجران استقبال گرمی کرده اند، تصمیم به هجرت گرفت . سیره نویسان روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابوبکر، مخفیانه از مکه خارج شده و به سوی غارثور که در نزدیکی مکه قرار دارد حرکت کردند. آنان سه روز در این غار مخفی شده و از شیر گوسفندانی که در آن نزدیکی مشغول به چرا بودند تغذیه نمودند. سپس از

Bia2book.blogfa.com

.مخفی گاه خارج شده و در حالی که قریش به دنبال آنان بودند، به حرکت خود ادامه دادند

ابن اسحاق مسیر هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله را به تفصیل شرح داده که بیشتر منابع تاریخ و جغرافیایی متاخر بود و آن را به نقل از وی آورده اند. این غیر از راه معمولی و آشنای آن هنگام بود و از میان دره ها و دشت های ساحالی عبور می کرد. گفته می شود که ابوبکر این راه و رسول [176] . ساکنان آن را به علت سفرهای سابق خود به سرزمین شام به خوبی می شناخته است خدا صلی الله علیه و آله بدون اعلام قبلی به یثرب رسیدند و یثربیان به محض شنیدن ورود حضرت [177] ،. همگی به استقبال آمده و با گرمی از ایشان پذیرایی کردند

املاک مهاجران در مکه

بیشتر املاک مسلمانان مهاجر در مکه ، مورد دستبرد و تعرض مکیان قرار گرفت ؛ گو این که :مصعب زبیری در این باره می گوید .مهاجران ، املاک خود را به ودیعه گذاشته بودند

هر شخصی از قریش و هم پیمانان آنها که هجرت نمود، خانه خویش را به مردی سپرد. گروهی هشام بن عمرو از اشخاصی بود که رعایت .امانت را محفوظ نگاه داشته و گروهی آن را فروختند [178] .امانت را نمود

زبیر بن بکار نقل کرده است که هشام بن حارث ابن حبیب از بنی عامر بن لوی خانه های تمام مهاجران قوم خود را نگاه داشت ؛ از این رو حسان بن ثابت او را مدح نمود و دیگرانی را که خانه :های مهاجران قوم خویش را فروختند، این گونه نکوهش نمود

Bia2book.blogfa.com

اخنی خلف و قنفذ خیانت کردند

هم چنین فرزند ربیع ، اما دامن هشام پاک ماند

از آنانی که به امنت خیانت نمی کنند

حارث بن حبیب بن شمام می باشد

ازرقی تعدادی از خانه های مهاجران را که از سوی برخی مشرکان قریش مصادره گردید نام برده است از آن میان خانه ابی العاص همسر زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

هنگامی که اسلام آورده و سپس مهاجرت نمود، عموزادگانش خانه او را به همراه تعدادی از خانه های مهاجران [179]و نیز خانه جحش بن رئاب اسدی مصادره کردند .عشیره جحش همگی هجر کردند. مردان و زنان به سوی مدینه هجرت کردند، در حالی که خانه خویش را رها ساختند. آنان هم پیمانان حرب بن امیۀ بن عبد شمس به شمار می آمدند. ابو سفیان بن حرب بر آنان هم پیمانان حرب بن امیۀ بن عبد شمس به شمار می آمدند. ابوسفیان بن حرب بر آنان خشمگین شده و خانه آنان را به چهار صد دینار به عمروبن علقمه عامری فروخت [180]و خانه عتبۀ بن غزوان را یعلی بن امیه در اختیار گرفت . و این در حالی بود که پیش از هجرت آن را به امانت بدو سپرده بود . [181]خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز که در آن متولد شده بود، بعد از هجرت ، در اختیار عقیل بن ابیطالب قرار گرفت.

معتب بن ابولهب خانه حضرت خدیجه س را که نزدیک ترین همسایه به او به شمار می رفت در

Bia2book.blogfa.com

اختیار گرفت . سپس آن را به معاویه به یکصد هزار درهم فروخت [182] . عقیل بن ابیطالب خانه پیامبر و نیز خانه برادران و خواهران خود را و نیز خانه همه مهاجران بنی هاشم را به هنگام هجرت خود فروخت [183] . هم چنین خانه آل جذیم را که از آن آل مظعون بود و به هنگام مهاجرت آن را رها ساخته و آل جذیم [184] بر آن دست یافته بودند، فروخت.

هنگام فتح مکه ، بعضی از مهاجران خانه های خویش را طلب کردند، اما پیامبر با استرداد آنها موافقت نکرد[185] .

مسلمانانی که از مکه مهاجرت نکردند

با توجه به شرایط مناسبی که برای مسلمانان در مدینه هموار شده بود و قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مسلمانان را تشویق به مهاجرت می کردند، تعدادی از مسلمانان با حفظ عقیده دینی خود، هم چنان در مکه باقی ماندند. بدون شک ، وابستگی آنان به عقیده دینی خود، متفاوت بود؛ برخی آن چنان سست ایمان بودند که با کمترین آزاری که به آنان وارد می گردید، دست از اسلام می شستند. قرآن کریم در اشاره به این افراد می فرماید :ننن و من الناس من قول آمنا با لله فاذا اوذی فی الله جعل فتنة الناس کعذاب الله ؛ یعنی : و از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا ایمان آورده ایم ! اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می شمارند و از آن سخت وحشت می کنند .عنکبوت ، ۱۰ برخی با استقامت و پایداری و با قلبی سرشار از ایمان و نور، آزار و سختی ها را به جان خریده و هیچ گونه خللی در عقیده آنها نفوذ نکرد و هم چنان با قلبی مالامال از عشق به اسلام باقی ماندند. بعضی اولین فرصت

Bia2book.blogfa.com

به دست آمده را غنیمت شمرده و هجرت را بر ماندن ترجیح دادند. قرآن در اشاره به امثال آنها این گونه می فرماید :والذین هاجروا فی الله من بعد ماظلموا؛ یعنی : آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند نحل ۴۱ .قرآن هم چنین به افرادی که در مکه باقی مانده و مهاجرت نکردند، این چنین اشاره می نماید:

ان الذین توفاهم الملائکهٔ ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعهٔ فتهاجروا فیها فاولئک ماواهم جهنم و ساءت مصیرا الا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حیلُهٔ و لا یهتدون سبیلا، فاولئک عسی الله ان یعفو عنهم و کان الله عفوا غفورا؛

یعنی : آنها فرشتگان گفتند :مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ آنها عذری نداشتند، و جایگاهشان دوزخ است ، و سرانجام بدی داردند .مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که به راستی تحت فشار قرار گرفته اند و حقیقتا مستضعف اند نه چاره ای دارند و نه راهی برای نجات از آن محیط آلوده می یابند. ممکن است خداوند، آنها را مورد عفو قرار دهد، وخداوند، عفو کننده و آمرزنده است نساء ۹۷.

از این آیه ، آشکار می شود که تعدادی از مسلمانان با وجود توانایی بر هجرت ، در مکه باقی ماندند که خداوند آنان را به جهنم که شدیدترین مجازات است ، وعده داده است ؛ اما دیگران را آشکارا مورد عفو قرار نداده ، بلکه آنان را بدون تکلیف رها ساخته است.

برخی از مهاجرین از سوی نزدیکان خود که در مکه باقی مانده بودند، حمایت می شدند .به عنوان

Bia2book.blogfa.com

مثال حاطب بن ابی بلتعه هنگامی که پیامبر قصد حمله به قریش را داشت ، در نامه ای این خبر را به آنان رسانید و پیامبر صلی الله علیه و آله از این نامه آگاه گردیده و از رسیدن آن به مقصد جلوگیری نمود .حاطب در دفاع از خود، این گونه به رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ داد: من در میان قریش زندگی می کردم ، در حالی که جزو آنان به شمار نمی آمدم ، اما برخی از مهاجرینی که به همراه شما هستند دارای خویشاوندی با قریش هستند و خانواده آنها و اموالشان در مه مورد حمایت آنها قرار گرفت . پس مایل بودم کاری کرده باشم که آنها به عنواان خویش خود، از فامیل من حمایت نمایند و این کار را از روی کفر و یا برگشتن از عقیده دینی خود انجام ندادم .رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند او به شما راست می گوید. سپس این آیه شریفه نازل گردید :یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء؛ [186]یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید!

ممتحنه ، ۱

تعدادی از مسلمانان که در مکه باقی مانده بودند، به خدمت مهاجرین در آمدند. آنان از خانواده های مهاجرین حمایت کرده ، از اموال آنها نگهداری و از منافعشان پشتیبانی می کردند. آنان به عنوان جاسوسان بر قریش عمل کرده و هر حرکتی را که بر علیه مسلمانان بود، شناسایی و برای خنثی کردن آن تدابیری می اندیشیدند. در این باره ابن شبه روایت می کند:

نعیم بن عبد الله نحام ، خانواده بنی عدی را زیر پوشش خود قرار داده و اداره می نمود. پس تصمیم به هجرت و رفتن به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفت . قومش از او خواستند که در

Bia2book.blogfa.com

میان آنها بماند و گفتند تا هنگامی که یک نفر از ما زنده باشد اجازه نخواهیم داد به تو گزندی وارد شود[187] .

باقی ماندن تعدادی از مسلمانان در مکه ، دارای علل متفاوتی بود. برخی از آنان ، شرایط ویژه ای داشتند که آنان را از هجرت باز می داشت . برخی دیگر ضعیف و ناتوان بودند و از قوم خویش می هراسیدند. تعدادی سست عقیده بودندو دست از دین خود شسته و ترک اسلام نمودند؛ در مقابل بعضی که نور ایمان در قلب آنان جای گرفته بود، بر اسلام ایستادگی و پایداری می نمودند. قرآن کریم خطاب به آنان که بدون علت مهاجرت نکرده و در نتیجه دست از اسلام برداشتند می فرماید:

ان الذین توفاهم الملائکۀ ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعۀ فتهاجروا فیها فاولئک ماواهم جهنم وساءت مصیرا الا المستضعفین من الرجال والنساء والولدان لا یستطیعون حیلۀ و لا یهتدون سبیلا، فاولئک عسی الله ان یعفو عنهم و کان الله عفوا غفورا؛

یعنی : کسانی که فرشتگان روح آنها را گرفتند، در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند به آنها گفتند: شما در چه حالی بودید: و چرا با این که مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟ گفتند ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم .آنها فرشتگان گفتند :ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم .گفتند: مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید، آنها عذری نداشتند و جایگاهشان دوزخ است ، و سرانجام بدی دارند. مگر آن دسته از مردان و زنان و

Bia2book.blogfa.com

کودکانی که به راستی تحت فشار قرار گرفته اند؛ نه چاره ای دارند و نه راهی می یابند. ممکن است خداوند آنها را مورد عفو قرار دهد و خداوند عفو کننده و آمرزنده است نساء ۹۹.97 - بخاری در تفسیر این آیه نام تعدادی را به عنوان مستضعف آورده که قادر به هجرت نبوده و در مکه باقی ماندند. این افراد عبارت اند از :عیاش بن ابی ربیعه ، سلمۀ بن هشام بن مغیره ، هشام بن عاص و ولید بن مغیره .[188]

بلاذری ، هم چنین نام ابو جندل ، [189]حارث بن حبیب ، [190]و سهل بن بیضاء [191]را نیز آورده است که تمامی آنان از هجرت کنندگان به حبشه بودند و سپس به مکه بازگشته و در آن باقی ماندند.

تعدادی از منابع آورده اند که برخی از این مستضعفین در میان سیاهی لشکر مشرکین در جنگ بدر بوده اند. از آن میان ، قیس بن فاکه بن مغیره ، و حارث بن زمعۀ بن اسود، قیس بن ولید بن مغیره ، ابی العاص ، [192]و ضمرۀ بن عیص بن زنباع ، [193]و ضمرۀ بن جندب [194]را می توان نام برد.

مشهورترین مسلمان در مکه ، عتبۀ بن اسید بود که به همراه هفتاد نفر، قریش را پس از صلح حدیبیه در تنگنا قرار داد؛ تا آنجا که قریش مجبورشد از رسول خدا صلی الله علیه و آله تقاضا کند آنان را بر خلاف پیمان خود در صلح حدیبیه بپذیرد[195] .

قرآن کریم به بعضی از همسران مسلمانان که بر کفر و در مکه باقی ماندند اشاره کرده و در آن خداوند متعال مسلمانان را امر به طلاق آنها داده است : ولا تمسکوا بعصم الکوافر؛ یعنی : هرگز

Bia2book.blogfa.com

زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید ممتحنه ۱۰ .قرآن در جای دیگر این گونه به آنان اشاره می فرماید :یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم ؛ یعنی : بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند. پس از آنها برحذر باشید تغابن ۱۴.

هم چنین تعدادی از زنان ، همسران کافر خویش را رها ساخته و به مدینه هجرت کردند، قرآن کریم در اشاره به آنان می فرماید :یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المومنات مهاجرات فامتحنوهن ؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما می آیند، آنها را آزمایش کنید .ممتحنه ۱۰.

ابن هشام نام زنان مهاجر را این گونه روایت کرده است : ام کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط [196]و امیمه دختر بشر [197] .مسلمانان پس از هجرت این زنان ، اقدام به دادن مهریه آنان به همسران کافر آنها نمودند که نام این کار العقب [198]می باشد.

سکونت دادن مهاجرین در مدینه

هجرت اختیاری مهاجرین به مدینه ، نشان می دهد که آنان بر اساس التزام خود به دین ، و ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اعتماد به او، برای حفظ و نگهداری عقیده ای که به آن ایمان آورده بودند، دست به این فداکاری عظیم زده و خانه ها و اموال و پیوندهای خود را که در آن نشوو نما کرده بودند، رها ساختند.

مهاجرین با هجرت خود، به عزلت و سختی و فشاری که در مکه به آنان وارد می شد، پایان دادند.

Bia2book.blogfa.com

مدینه نیز آنان را در پناه خویش قرار داده و جایگاه جدید ، امکان زندگی همراه با آرامش و آزادی را به آنان ارزانی داشت . مدینه اجتماعی را برای مهاجرین فراهم ساخت که در آن ، تعداد فراوانی از آنان با هم در یگانگی عقیده و استعداد برای پذیرش دستورات و راهنمایی های اسلامی مشترک بودند و در نتیجه ، موجب همبستگی آنان در پیوندهای عقیدتی و فکری شد و در پایان ، ارکان سیاسی اسلامی را تثبیت نمود.

تعدادی از مهاجرین ، به همراه خانواده خود و یا بعضی نزدیکان هجرت کردند. گروهی از آنان دارایی ها و پس انداز خویش از قبیل خانه ها و املاک را در مکه رها ساخته ، و تعدادی موفق شدند که برخی از ثروت خویش را به همراه ببرند. ابوبکر به هنگام هجرت ، پنج هزار درهم همراه خویش داشت ، و عثمان نیز در حالی هجرت کرد که هفت هزار درهم داشت[199] . این گروه ، بسیار اندک بودند و بقیه که اکثریت را تشکیل می دادند، بدون هیچ گونه مال و ذخیره ای دست به هجرت زدند[200]. آنان هیچ گونه زمینی در مدینه نداشتند که در آن سکونت کرده و زندگی نمایند.

نخستین نیاز در هجرت به مدینه ، وجود مناطقی برای سکونت مهاجرین متناسب با احوال و شرایط آنان بود. بر اساس دانسته ها برخی از آنان به صورت دسته جمعی مهاجرت کردند که از آن میان عمر بن خطاب را می توان نام برد که به همراه خانواده و قوم خود هجرت کرد. هم چنین بنی بکیر و بنی مضعون را می توان نام برد. بیشتر مهاجرین شامل افراد متاهلی بودند که بدون خانواده و به تنهایی مهاجرت کرده بودند[201].

Bia2book.blogfa.com

رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام ورود بر بنی عمرو بن عوف وارد شده ، و پس از چند روز به بنی سالم منتقل گردید. از آن پس به بنی مالک بن نجار منتقل شد و در پایان در خانه ابو اما بیشتر خطبه ها وموعظه های خویش را درخانه سعید بن [203]انصاری مسکن گزید؛ [202]ایوب ایراد می نمود [204]خیثمه.

رسول خدا صلی الله علیه و آله زمینی فراخ را که در آن ایام مربدی شترخانی بود که گاهی هم خرما در آن خشک می کردند بود از آن دو یتیم ، خریداری کرده و آن را مسجد خود قرار داده که با گل آن را بنا نمود. مسلمانان در بنای مسجد شرکت کردند. این مسجد بسیار ساده بود و هزینه فراوانی نیز نداشت . هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله اتاق های کوچکی را در کنار 60مسجد برای همسران خود در نظر گرفت . حدود مسجد در آن هنگام ، صد ذراع در صد ذراع مهاجرینی که پس از این به مدینه آمده و منزلی نداشتند، در صفه و در کنار [205] .متر بود 60 * مسجد اقامت می کردند . این گروه در منابع به اهل الصفه مشهورند. نزدیکی آنان به محل سکونت پیامبر، موجب می شد ارتباط نزدیک تری با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته و فمران های حضرتش را سریع تر اجابت نمایند . آنان همانند نگاهبان های ویژه حضرت به شمار آمده و از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر مسلمانان در حد توانایی ، غذای بسیار ساده ای در اختیار آنان قرار می گرفت .

هزینه زندگی مهاجرینی که بر انصار وارد شده بودند، در حدی نبود که آنها را به سختی اندازد و این ، به تعداد اندک آنان و پراکندگی و پایین بودن سطح زندگی ساکنان مدینه باز می گشت .

Bia2book.blogfa.com

گفته می شود کلثوم بن هدم از مهاجرین با خرمای ام جعران که نوعی خرمای غیر مرغوب بود .البته برخی از مهاجرین ، انصار را در مهمانخانه منازلشان یاری می دادند [206] .پذیرایی می کرد در آغاز هجرت ، بیشتر مهاجرین در بنی عمرو بن عوف در قبا منزل کردند. برخی از آنان در طوری که در نزد کلثوم بن هدم از عبید نوزده نفر که اغلب [207] .خانه های معینی جمع شدند آنان از بنی عبد المطلب و فهر و عامر بودند منزل نمودند. بر سعد بن خیثمه از غنم بن سلم سه نفر و گفته می شود چهار نفر از بنی تیم بن مره که از هم پیمانان موالی بنی عبد المطلب به شمار آمده مشهور [208]و بیشتر آنان عزب بوده اند وارد شدند. به همین مناسبت این خانه به دارالعزاب گردید. بر مبشر بن عبد المنذر از امیۀ بن زید شش نفر که همگی از مخزومی ها بودند وارد شده و بر رفاعۀ بن عبد المنذر از امیۀ بن زید ده نفر از بنی عدی و سهم و دو نفر دیگر و بر عبد الله بن .سلمه عجلانی از هم پیمانان امیۀ بن زید نیز نه قر از بنی نوفل و یک نفر از عبد الدار وارد شدند بر منذر بن محمد بن عقبه ازججبا سه نفر از بنی اسد بن عبد العزی و سه نفر بر عباد بن بشر و .سعد بن معاذ از عبد الاشهل وارد شدند

اما مهاجرینی که بر خزرج وارد شدند، همگی بر افرادی از بنی مالک بن نجار و کعب بن خزرج ، .و بلحبلی ، و ساعده ، و سلمه وارد شدند

امام مهاجرینی که بر خزرج وارد شدند، همگی بر افرادی از بنی مالک بن نجار و کعب بن خزرج .، و بلحبلی ، و ساعده ، و سلمه وارد شدند

اغلب میزبانان ، از غیر شرکت کنندگان در عقبه بودند. مبنای تقسیم مهاجرین ، عشایر آنان در

Bia2book.blogfa.com

نظر گرفته شد؛ بدین صروت که مجموعه افراد یک عشیره ، در یک مکان و بر یک شخص وارد گردیدند. نخستین اسکان مهاجرین به درازا نکشید؛ زیرا پس از مدتی کوتاه ، مسلمانان دچار تغییر و تحول گردیده و در مدینه منتشر شدند. شاید برادری و مواخاۀ ، آن تقسیم را به سرعت به انجا بلاذری روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشی از زمین هایی را که از .رسانید آن کسی نبود، برای اصحاب خویش معین نمود و این غیر از قسمت هایی بود که انصار از زمین های ، خود به مهاجرین بخشیده بودند.[209]

پیوند برادری

رسول خدا صلی الله علیه و آله سپس اعلان پیوند برادری نمودند. این پیوند با پیمان تفاوت داشت پیوند برادری ، که .، زیرا بر اساس آن ، روابط اجتماعی عمیق تری میان آنان بوجود می آمد فردی بود، التزام مالی به همراه داشت . این پیوند گاه میان دو نفر از مهاجرین و البته بیشتر میان انصار و مهاجرین صورت گرفت . ۴۵ مرد از مهاجرین و همین تعداد از انصار که در بین آنان ، هفده نفر از شرکت کنندگان پیمان عقبه به شمار می آمدند، این پیوند را بین خود بر قرار کردند. انصار از عشایر گوناگون بودند، اما بیشتر آنان از بنی نجار بودند. تعدادی از مهاجرین ، بر برادر خوانده های خود از انصار وارد شدند که در نتیجه آن ، خانه های مهاجرین پراکنده شد؛ در صورتی که پیش از آن ، همگی در خانه کلثوم بن هدم و سعد بن خیثمه که هر دو از بنی عمرو بن عوف بوده و در قبا زندگی می کردند، جمع بودند و گروهی نیز بر بنی عبد الاشهل و بنی حارثه وارد شده بودند.

Bia2book.blogfa.com

ریشه های پیوند برادری از دیر باز نزد عرب مشهور بوده است . و آنها آماده بستن پیمان با افراد و گروه هایی بودند که به آنان پناه می آوردند. این پیمان ، محدود به حمایت متقابل آنان از یکدیگر بودند که به آنان پناه می آوردند. این پیمان ، محدود به حمایت متقابل آنان از یکدیگر ابن حبیب ذکر کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله میان مهاجرین در مکه .می شد پیوند برادری و مساوات بوجود آورد و از هیجده نفر نام برده است : پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام ، حمزه و زید بن حارثه ، ابوبکر و عمر، عثمان و عبد الرحمن بن عوف ، زبیر بن عوام و عبد الله بن مسعود، عبیده بن حارث و بلال ، مصعب بن عمیر و سعد بن ابی وقاص[210] ، ابو عبیدهٔ بن جراح و سالم بنده ابی حذیفه ، سعید بن زید و طلحهٔ بن عبد الله و جز . ابن حبیب ، کسی از پیوند برادری در مکه یادی نکرده است

ابن سعد نیز از پیوند برادری میان علی بن ابیطالب علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله ، ابو بکر و عمر، حمزه و زید بن حارثه ، عثمان و عبد الرحمن بن عوف ، زبیر و ابن مسعود، سعد بن ابی وقاص[211] و مصعب و ابو عبیده و سالم بنده حذیفه یاد کرده ، اما گفته است که پیوند افتاده نه آنچنان که ابن حبیب گفته ، پیش از هجرت ، در مدینه اتفاق مهاجرین[212] پس از هجرت . در هر صورت ، این پیوند، پیش از پیوند برادری میان مهاجرین و انصار بوده است

به گفته سمهودی پیوند برادری در ماه های نخستین هجرت صورت گرفت و برخی آن را در فاصله ماه پنجم و هفتم ذکر کرده اند. سمهودی روایت دیگران را نقل کرد. اما به حادثه ای که

Bia2book.blogfa.com

او در این باره ، تنها به ذکر اهمیت . در نتیجه آن این پیوند به وجود آمد، اشاره ای ننموده است آن که همیاری است اشاره کرده است . [213]

طبیعی است که .بنابراین ، در پیوند برادری ، مسلمانان با وجود ارحام ، از یکدیگر ارث می بردند در این میان ، استفاده از میراث را مهاجرین می بردند، زیرا آنان دارای املاکی نبودند که از خود به ارث گذارند؛ در حالی که انصار دارای اموال بوده و مهاجر از برادر انصاری خود، در صورتی که وارث درجه اول و دوم نداشت ، ارث می برد.

با این که تطبیق عملی ارث ، محدود و کوتاه مدت بوده است ، اما روابط میان افراد را عمیق و پایدار ساخت و بدون شک قانون توارث موجب بوجود آمدن مشکلاتی در این زمینه گردید؛ به همین جهت پس از مدت کوتاهی نسخ گردید و یک آیه قرآن یعنی و الوالارحام اولی ببعض که بعد از جنگ بدر نازل گردید، آن را از میان برداشت . [214]

ابن سعد روایت کرده است که پیمان برادری میان مهاجرین و انصار، تنها منشا حق برادری و همیاری بوده و میان دو مهاجر، توارث ایجاد می کرده است . [215]

نظام پیمان برادری بر پایه فرد پی ریزی شده بود. بنابر این ، مجموعه را از هم جدا ساخته و به صورت افراد در می آورد و هر فرد، بدون در نظر گرفتن قبیله یا عشیره خود، با فرد دیگری مربوط می شد. در این پیوند، مسئولیت حمایت مهاجرین بر دوش اناصر قرار داده می شد و ارتباط تازه ای را اضافه بر پیوندی که در پیمان عقبه موجب گردیده بود، بوجود می آورد. این ارتباط تازه ، جایگاه فردی در میان مهاجرین بر دوش انصار قرار داده می شد و ارتباط تازه ای را اضافه

Bia2book.blogfa.com

بر پیوندی که در پیمان عقبه موجب گردیده بود، بوجود می آورد. این ارتباط تازه ، جایگاه فردی در میان مهاجرین را تقویت می نمود. در نتیجه ، آنان را از یکدیگر جدا ساخته و به هر یک آزادی و اختیار می داد. البته این به آن معنی نیست که آنها از یکدیگر پراکنده شوند، زیرا وابستگی و علاقه ریشه ای آنان نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اسلام باقی و پابرجا بود و پیوند برادری آن را مورد تهدید قرار نمی داد. از سوی دیگر تاثیر این پیوند بر انصار بسیار عمیق بود؛ زیرا بر هر یک از افراد آنان ، مسئولیتی اضافی در حمایت و پشتیبانی و همبستگی اسلامی قرار داده شد. هم چنین با وجود آنکه پیوند برادری ، مستلزم اشتراک در منزل نبود، موجب گستردگی روابط میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و انصار نیز می شد.

منظور از برادری ، به وجود آوردن ارتباطی اجتماعی و روحی بود و بر همین اساس ، هر یک از افراد مهاجرین ، ارتباط و همبستگی عمیقی با مردم مدینه پیدا می کرد، از عزلت و تنهایی خود می کاست و زمینه ارتباط میان خود و دیگران را گسترش داده ، پناهگاه روحی نوینی را برای خود ایجاد می نمود که بر اثر آن ، سختی ها کاهش و در نهایت اهداف اخلاقی اسلام عملی می گردید.

برخی منابع ، پیوند برادری را تا مرحله کمک اقتصادی نیز دانسته اند. روایت شده است که سعد بن ربیع -که شخصی ثروتمند بود- با عبد الرحمن بن عوف پیوند برادری بست و بخشی از ثروت خویش را بر او عرضه نمود؛ اما عبد الرحمن بن عوف به گرفتن مبلغی برای تجارت به عنوان قرض بسنده کرد. شاید این وضع ، به ندرت اتفاق افتاده باشد و مهاجرین اندکی از برادر خوانده

Bia2book.blogfa.com

های خود برای فعالیت در تجارت پول قرض کرده باشند؛ اما این کمک ها قطعا موجب به وجود آمدن شرکت های بازرگانی نشد. مهاجرین با داشتن سوابقی در زمینه تجارت ، فعالیت اقتصادی تازه ای را در مدینه آغاز نمودند که نه تنها برخوردی به منافع انصار که در این گونه معاملات یا آگاهی نداشته و یا کمتر داشت ، نمی کرد، بلکه موجب رونق و آسانی معاملات شد. ممکن است در این میان ، مهاجرین با پشتوانه پیوند برادری ، با یهودیان رقابت کرده و جایگاه آنان را تسخیر کرده و منبع زندگی و در آمد خود را تامین نموده باشند.

پیوند برادری موجب تحکیم ارتباط میان مهاجرین و انصار شد، اما این پیوند، ارتباط سنتی میان مهاجرین را تهدید نکرد و آنان را از هم نگسست ؛ زیرا نظم عمومی ، هرگز روابط خصوصی را مختل نمی کند. علاوه بر این ، پیوند برادری بیشتر مهاجرین را در برگرفت و در مقابل ، تعداد اندکی از انصار در آن شرکت نمودند. از این رو ضروری بود که بر رابطه برتر، بدون از میان بردن روابط شخصی تاکید شود.

هنگامی که پیامبر حکم خویش را در مورد تنظیم روابط اجتماعی در مدینه صادر نمود، مهاجرین را به عنوان واحدی مستقل در کنار مردم یثرب و هر کس که به آنها پیوست قرار داد. در نتیجه ، ارتباط گسترده و مهمی به وجود آمد؛ طوری که از یکی از مجموعه های سه گانه در مدینه ، این حکم ، بر تنظیم و ارتباط مستحکم میان گروههای مختلف تاکید داشت .

این حکم هم چنین بر و حدت و یگانگی عمومی اسلامی ، که قرآن کریم آن توصیه نموده بود مومنان برادر یکدیگرند حجرات ۱۰ فالف بین قلوبکم : انما المومنون اخوة ؛ یعنی : تاکید داشت

Bia2book.blogfa.com

او میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر : فاصبحتم بنعمته اخوانا یعنی شدید آل عمران ۱۰۳.

پیمان برادری بر تمام شخصیت ها و مشکلات پدید آمده بر مهاجرین در آغاز هجرت چیره نگشت . وحشت فراق از زادگاه خود مکه و خانواده و دوستان ، موجب یادآوری خاطرات گذشته مهاجرین می شد و در نتیجه ، ملال روحی را درمیان آنان به وجود می آورد.

آنان به هنگام اندیشیدن به آن خاطرات و یا شنیدن شعری سوزناک ، دچار ناراحتی روحی چنان که بلال ، به هنگام تاثر، این سروده را به زبان می آورد:

الا لیت شعری هل ابتین لیلة

بوادی الغضا وحولی اذخرو جلیل

چگونه می توانید، شبی را درک کنید

صبح کردم [216]که در وادی غضا در میان اذخرو جلیل .

در واقع ، این عاطفه سوزناک ، در یاد آوری مهاجرین و مسلمانان از مکه نقش به سزایی داشت . آنان نسبت به مردم مکه که آنها را رانده و از آن محروم ساخته بودند، کینه ای به دل گرفته بودند که شور و هیجان آنها را نسبت به تسخیر مکه و بازگرداندن آن به آغوش اسلام افزایش می داد.

پیوند برادری و تقویت ارتباطات میان اهل مدینه ، نتوانست مانع گسترش بیماری تب مالاریا شود؛ طوری که تعداد بسیاری از مهاجرین به آن مبتلا شدند و تاثیری در سلامتی و معنویات آنان به

Bia2book.blogfa.com

وجود آمد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله این مطلب را احساس نمودند و به درگاه پروردگار دعا نمودند که تب را از میان آنان بر طرف سازد.[217]

در واقع افزایش جمعیت و عمران و آبادی سرزمین ها، موجب شد که آبگیرهای راکد و آلوده کاهش یافته و در نتیجه ریشه تب از مدینه محو و نابود شود.

پیوند برادری تنها مهاجران نخستین قریش را در برگرفت و پس از آن تعداد رو به افزایش مهاجرین که به سوی مدینه سرازیر شده و در آن ساکن می شدند. مشکلاتی از نظر مسکن و استقرار و نیز تنظیم زندگی آنان بوجود آورد که نیاز به رسیدگی داشت در این باره در آینده سخن خواهیم گفت .

و بنابر این ضروری به نظر می رسید پیوند برادری[218] ، مشکل سرپرستی مهاجرین را حل نمود که راه های جدیدی برای رفع مشکلات عمومی بررسی شود. از این رو، حکم توارث میان برادر خوانده ها پس از جنگ بدر باطل گردید.[219]

و بنابر این ضروری به نظر می رسید که راه های جدیدی برای رفع مشکلات عمومی بررسی شود. از این رو، حکم توارث میان برادر خوانده ها پس از جنگ بدر باطل گردید.[220]

Bia2book.blogfa.com

	(غنم بن سلم)	
ابوسلمه بن عبدالاسد	سعید بن خیثمه	۳ـ ۱/۴۷، ۱۷۱
	(النجار)	
	غنم بن مالک	
محرز بن نضله	عماره بن حزم	۳ـ ۱/۶۷
ابوسلمه	سعید بن خیثمه	۳ـ ۱/۱۷۱، ۳ـ ۲/۴۸
طلحه بن عبدالله	ابی بن کعب	۳ـ ۱/۱۵۴
	(مغاله)	
ارقم بن ابی ارقم	ابوطلحه	۳ـ ۱/۱۷۱، ۳ـ ۲/۶۰
عثمان بن عفّان	اوس بن کاتب	۳ـ ۱/۳۸، ۳ـ ۲/۶۰
	(مازن)	
سائب بن عثمان بن مضعون	حارثة بن سراقه	۳ـ ۱/۲۹۲
	(مبذول)	
صهیب بن اسنان	ثابت بن صمه	۳ـ ۱/۱۶۳، ۳ـ ۲/۶۷
	(غنم)	
اربد بن حجیر	عماره بن حزم	۳ـ ۱/۶۷، ۳ـ ۲/۵۱
معتب بن عوف	ثعلبة بن حاطب	۳ـ ۱/۱۸۹
مصعب الخیر بن عمیر	ابوایوب	۳ـ ۱/۴۸، ۳ـ ۲/۵۱
	(کعب بن خزرج)	
عبدالرحمن بن عوف	سعد بن ربیع	۳ـ ۱/۸۸، ۳ـ ۲/۷۷
عمیر بن عمرو	یزید بن حرب	۳ـ ۲/۸۵
عامر بن ابی بکیر	ثابت بن شماس	۳ـ ۱/۲۸۳
	(قواقل)	
ابی مرثد غنوی	عباده بن صامت	۳ـ ۱/۳۲
مرثد بن ابی مرثد	اوس بن صامت	۳ـ ۱/۳۵
طفیل بن حارب	سفیان بن بشر	۳ـ ۱/۳۵
	(سالم بلحبلی)	
شجاع بن وهب	اوس بن خولی	۳ـ ۱/۶۶

مهاجر	برادرخوانده[1]	گفته ابن سعد
	(عبدالاشهل)	
زید بن حارثه	اسید بن حضیر	۳ـ ۱/۳۰
سعد بن ابی وقاص	عمر بن معاذ	۳ـ ۱/۴۴، ۳ـ ۲/۲
عمیر بن ابی وقاص	عمر بن معاذ	۳ـ ۱/۹۹، ۳ـ ۲/۲
زبیر بن عوام	ابو مسعود	۳ـ ۱/۷۱
عامر بن فهیره	حارث بن اوس بن معاذ	۳ـ ۱/۱۶۴، ۳ـ ۲/۲۱
ابو حذیفه بن عتبه	عباد بن بشر بن وقش (زعورا)	۳ـ ۱/۱۶، ۳ـ ۲/۵۹
ابو سبرة بن أبی رهم	سلمة بن سلامة بن وقش	۳ـ ۱/۱۴، ۳ـ ۲/۱۶
عثمان بن مضعون	ابوهیثم بن تیهان	۳ـ ۱/۲۹۰، ۳ـ ۲/۲۲
مسعود بن ربیع	عبیده بن تیهان	۳ـ ۲/۱۹
ابوعبیده بن جرّاح	محمد بن سلمه نبیت	۳ـ ۱/۶۹
خنیس بن حذافه	ابو عبس بن جبر	۳ـ ۱/۱۲۵
زید بن خطّاب	معن بن عدی بن عجلان	۳ـ ۱/۲۷۴
	(عمرو بن عوف)	
عمر بن خطّاب	عویم بن ساعده	۳ـ ۱/۱۹۵، ۳ـ ۲/۳۱
حصین بن حارث	رافع بن عنجده	۳ـ ۲/۳۶
عاقل بن ابی بکیر	مبشر بن عبدالمنذر	۳ـ ۱/۲۸۳، ۳ـ ۲/۲۸
خباب بن ارث	جبر بن عتیک	۳ـ ۱/۱۱۷
حصین بن حارث بن مطلّب	عبدالله بن جدیر	۳ـ ۱/۳۶، ۳ـ ۲/۳۲
مقداد بن عمرو	جبار بن محرز	۳ـ ۱/۱۱۴
	(جحجبا)	
طفیل بن حارث بن مطلب	منذر بن عقبة بن احیحه	۳ـ ۱/۳۵، ۳ـ ۲/۴۱
	(ضبیعه)	
عبدالله بن جحش	عاصم بن ثابت بن افلح	۳ـ ۱/۶۲، ۳ـ ۲/۳۲
	(حنش بن عوف)	
علی بن ابیطالب(ع)	سهل بن حنیف	۳ـ ۱/۱۴۰، ۳ـ ۲/۳۹

	(امیة بن زید)	
معتب بن عوف	ثعلبة بن حاطب	۳ـ ۱/۱۸۹، ۳ـ ۲/۳۲
	(جُشَم)	
صفوان بن بیضاء	رافع بن معلّی	۳ـ ۱/۳۰۳
عبدالله بن مضعون	سهل بن عبدالله	۳ـ ۱/۲۹
	ساعده	
عتبه بن غزوان	ابی دجّانه	۳ـ ۱/۶۹
طلیب بن عمیر بن وهب	مقداد بن عمرو	۳ـ ۱/۸۷
ابوذر	منذر بن عمرو	۳ـ ۲/۹۰
جعفر بن ابیطالب	معاذ بن جبل	۳ـ ۲/۱۲۱
	(زریق)	
سویبط بن سعد بن عمر	عائذ بن ماعص	۳ـ ۱/۸۶
سالم بندهٔ حذیفه	معاذ بن ماعص	۳ـ ۱/۶۱
سعید بن زید بن عمرو	مرثد بن عمرو	۳ـ ۱/۲۷۸
	(رافع بن مالک)	
صفوان بن بیضاء	افلح بن معلی	۳ـ ۲/۱۷۳
	(بیاضه)	
عبدالله بن مخرمه	فروه بن عمرو	۳ـ ۱/۲۹۴، ۳ـ ۲/۱۳۱
	(سلمه)	
عبیدةبن حارث بن مطلب	عمیر بن حمام	۳ـ ۱/۳۴
عبدالله بن مسعود	معاذ بن جبل	۳ـ ۱/۱۱۷
سعد بندهٔ عتبه	تمیم مولی خراشه	۳ـ ۱/۸۱
	(عبید بن عدی)	
مقداد بن عمرو	جبار بن محرز	۳ـ ۱/۱۱۴
واقد بن عبدالله	بشر بن براء	۳ـ ۱/۲۸۵، ۳ـ ۲/۱۱
عامر بن ربیعه عنزی	یزید بن منذر	۲ـ ۱/۲۸۲
	(حرام)	
عبیده بن حارث بن مطلب	عمیر بن حمام سلمی	۳ـ ۱/۳۵
	(حارثه)	
ابوبکر	خارجة بن زید	

Bia2book.blogfa.com

فصل پنجم : تنظیم اداری در مدینه

رسول خدا صلی الله علیه و آله ارتباط خود را با مسلمانان اهل مدینه با این شرط که به او وعده حمایت و پشتیبانی در برابر هر تجاوزی داده و از هر گونه رابطه ای با یهودیان خودداری نمایند برقرار نمود. ایشان نیز تاکید کردند در صورتی که پروردگار او را پیروز گرداند، به سوی قوم خویش باز نگشته و آنها را به حال خود تنها وامگذارد[221] .

مسلمانان مدینه وعده کردند که : در تنگدستی و گشاده دستی خود، به هنگام قدرت و ضعف ، بدون چون و چرا از ایشان اطاعت نموده و با صاحب شریعت جدال نکرده و در هر مکان که باشیم حق را به زبان جاری سازیم [222] .

هم چنین آنان پیمان بستند که از حضرت در خانه خود دفاع نمایند [223] .

در پیمان عقبه ، یازده نفر، از اوس شرکت نمودند، از بنی عبدالاشهل و حارثه هر کدام سه نفر، از بنی عمرو بن عوف پنج نفر، از خزرج ، پنجاه و نه نفر شرکت داشتند.

از بنی نجار و سلمه هر کدام یازده نفر، و از بنی حارث و حرام هر کدام هفت نفر، و از غنم و سواده هر کدام پنج نفر، و چهار نفر از زریق و سه نفر از بیاضه ، و از بنی حبلی و ساعده هر کدام دو نفر [224] .این تفاوت تنها جنبه اتفاقی داشته و هیچ گونه ارتباطی به شور اسلامی آنان و یا گستردگی افراد مسلمان در میان عشیره های یاد شده نداشته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نقیب را که از میان عشایر گوناگون تعیین کرده بود،

Bia2book.blogfa.com

نماینده خود بر بیعت کنندگان در عقبه قرار داد. از نقیبان انتخاب شده ، سه نفر از اوس) از عمرو بن عوف ، عمرو بن مالک و سلم بن امری القیس)، و نه نفر از خزرج ، دو نفر از حرث بن خزرج ، و جشم ، و ساعده ، و یک نفر از بنی زریق ، و بنی سالم بودند.

انتخاب نقیبان بر این پایه بود :در میان قوم خویش ضامن رفتار آنها بوده ، همانند ضمانت حواریون در برابر حضرت عیسی بن مریم ، ضامن قوم خویش هستم [225] .

از این جمله آشکار می گردد که مسئولیت نقیبان ، به صورت گروهی بر قومشان بوده ؛ اما به نظر می رسد هر یک از آنان ضامن عشیره خود بوده است . علاوه بر این که مردم مدینه را یک مجموعه قوم در مقابل مسلمانان مکه ، قوم من ، یعنی قوم رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار آورده است.

تنظیم در پیمان عقبه ؛ نقیبان

رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ شخصی را به عنوان رییس یا مرجع نقیبان جهت تنظیم کارهای آنان قرار نداد. هم چنان که هیچ گونه اشاره ای به نحوه برخورد آنان با دیگر مردم یثرب که در بیعت عقبه شرکت نداشته و یا روسای آنان ، همانند عبد الله بن ابی ، نکرده است . بنابراین ، به نظر می رسد این هماهنگی ، تنها برای مسلمانان یثرب و غرض آن استوار ساختن جایگاه اسلام و جامعه اسلامی بوده است . از این رو، یهودیان و مشرکین در آن جایی نداشته اند. فعالیت نقیبان ، تنها محدود به دوره پیش از هجرت و زمینه چینی برای آن بوده است ؛ زیرا پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و استقرار ایشان در آن ، هیچ گونه اشاره ای در منابع ، به دوره پیش

Bia2book.blogfa.com

از هجرت و زمینه چینی برای آن بوده است ؛ زیرا پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و استقرار ایشان در آن ، هیچ گونه اشاره ای در منابع ، به فعالیت رسمی آنان در زمینه نقابت نشده است.

نظام اجتماعی مردم یثرب هنگام هجرت

ساختار مردمی یثرب به هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن ، به شکل عشیره هایی بوده که هر یک از آنها، در حکم واحدی به شمار می آمده است . هر یک از واحدهای عشایری ، تابعی از نظام قبیله ای بوده که دارای ویژگی های معروف و خاص بوده است . برخی از افراد، دارای جایگاه ویژه ای نزد عشیره خود بوده اند که این منزلت بر اثر دارا بودن موهبت هایی خاص و یا کارها و خدمات ارایه شده از سوی آنان به وجود می آمده است . در نتیجه ، افراد یاد شده به عنوان آقا و بزرگ از سوی سایر افراد عشیره مورد قبول قرار می گرفتند .ابن اسحاق به ذکر برخی زا کارهایی که این افراد را برجسته می کرده پرداخته و گفته است : عمرو بن جموح بزرگی از بزرگان بنی سلمه و شریفی از اشراف آنان به شمار می آمد. او در خانه خود همانند سایر اشراف ، بتی از چوب قرار داده بود که به آن مناۀ گفته می شد و او را پشتیبان خود می دانستند. هنگامی که برخی از جوانان بنی سلمه هم چون معاذ بن جبل و فرزندش عمرو بن معاذ اسلام آورده و در پیمان عقبه حضور یافتند، از تاریکی شب استفاده کرده و بت عمرو را با خود برداشته و در گودال های بنی سلمه که از آن به عنوان آبریزگاه استفاده می شد، از سر واژگون نمودند.

Bia2book.blogfa.com

در آن روزگار، شرافت معنی والایی داشت و به بزرگواری شخص از نظر ویژگی های شخصی و نه شغلی وابسته بود و افرادی که به این نام شهرت داشتند، هیچ گاه مقید به تعداد معین یا حدود تعیین شده ای نبوده اند[226] .

اما سید و بزرگ همان رییس بود که جایگاه سیاسی و اداری ویژه ای داشت . غالبا هر مجموعه و گروهی دارای بزرگی بود. در احادیث نام بزرگ خندف ، بزرگ قاره بزرگ قیس و بزرگ حبشیان ذکر شده است . هم چنین در اخبار مدینه و سیره ، نام تعدادی از بزرگان عشایر مدینه آورده شده است[227] .

در قرآن کریم نیز از نام بزرگان و نفوذ آنان بر پیروانشان ای گونه یاد شده است : و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبراءنا فاضلونا السبیل ؛ یعنی : و می گویند پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند .!احزاب ۶۷.

گفته می شود مردمان یثرب قصد آن داشتند که عبد الله بن ابی را برای رهایی از آثار زیان باری که در نتیجه جنگ بعاث بر آنان سایه افکنده بود، رییس خود قرار دهند و در صورتی که این خواسته عملی می گردید، قدرت و نفوذ او بیشتر از قدرت روسای قبایل دیگر بود.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد و در آن مستقر شد، در آغاز سعی خود را در روشن ساختن اصول دین و نشر رسالت وافزایش تعداد مسلمانان قرار داد .از آن پس ، وضع اجتماعی نوین در مدینه ، ایشان را بر آن داشت که دست به اقدامات جدیدی زده و بر اساس آن ، امنیت مسلمانان و نظم اجتماعی و اداری آن را از راه به وجود آوردن دولتی که بر طبق

Bia2book.blogfa.com

اصول اسلام پایه ریزی شده و عمل نماید تضمین کند. امکان تحقق این موضوع ، تنها از راه نشان دادن مدینه به عنوان الگویی برای آشکار ساختن رسالت اسلام و تاثیر آن در به وجود آمدن اجتماعی خوشبخت و پیشرفته ممکن بود. از سوی دیگر، انتشار اسلام میان مردم ، تنها به ارزشمند بودن و استواری اصول آن وابسته نبود، بلکه برای انتشار آن می بایست اصول و احکام آن به مرحله اجرا در آمده و موفقیت آن در آن مرحله آشکار شود. بنابر این ، در این راستا جامعه اسلامی نیاز به پایگاهی مستحکم و پایه های اساسی داشت که بدون تکیه بر آن ، غلبه بر دشمنان و پیروزی بر آنان امکان پذیر به نظر نمی رسید.

اجرای این امر مهم در مدینه ، کار ساده ای به نظر نمی رسید، زیرا در آن هنگام روح و تعصب قبیله ای در میان همه مردم تا آنجا رسوخ کرده بود که بخشی از نهاد آنان به شمار می رفت . از سوی دیگر، دشمنی های سختی میان آنان وجود داشت که موجب درگیری های فراوان قبیله ای می شد، تا آنجا که افراد خود را وابسته به قبیله ای که از آنان دفاع و پشتیبانی کرده می دانستند. این وضع گذشته از روحیه افراد بود که در چنین اجتماعی و به دلیل قبیله گرایی ، جنبه های فرد گرائی و پرخاش گری نسبت به دیگران ، که آنان را به مقاومت در برابر هر نوع خضوع و تسلیم در برابر قدرت خارجی می کشانید، داشتند.

از سوی دیگر، تمامی خانه های مدینه نزدیک و متصل به یکدیگر نبوده ، بلکه از تعدادی مجموعه های مسکونی و یا دهکده هایی که مشهورترین آنها قبا، زهره ، زباله و یثرب بود تشکیل شده بود که کشتزارها و دشتهای گسترده ای آنها را از یکدیگر جدا می ساخت . در هر یک از مجموعه

Bia2book.blogfa.com

های مسکونی یاد شده ، عشیره و یا تعدادی از عشایر سکونت گزیده بودند .این عشایر، همواره روابط دوستانه و برادرانه ای نداشتند، بلکه گاهی در نتیجه اختلافات ، جنگ ها و درگیری های شدیدی رخ می داد که در پایان موجب سلب امنیت و آرامش آنان می گردید.

در بعضی از عشایر، افرادی بودند که در نتیجه فعالیت ها و داشتن ویژگی های خاص فردی ، دارای جایگاه خاصی در عشایر گردیده و افراد به آنان تکیه نموده و آنها را بزرگ خویش قرار می دادند. اما دلیلی نداریم که این افراد، دارای قدرت های سیاسی برگرفته از موسسه های قانونی در عشایر خود بوده اند. هم چنان که مدینه هم فاقد موسسه سیاسی واحدی همانند دارالندوه در مکه بوده که در آن مردم گرد هم آمده و به حل مشکلات خود و نظم اجتماع خویش می پرداختند.

جمعیت مدینه مرکب از تعداد نه چندان اندکی از مردم بود که دارای دیانت های دیگری به ویژه یهودیان بودند که این افراد هم ، هر کدام دارای نظم و دستورات دینی و اجتماعی خاصی برای خود بوده و مجموعه های مسکونی و عشایر متعددی را در میان خود به وجود آورده بودند. در برخی از این مجموعه ها، شخصیت های صاحب نام و با نفوذی بودند؛ اما این گروه نیز مانند سایر مردم ساکن مدینه ، دارای روح و تعصب قبیله ای بودند که موجب نفاق و دشمنی میان آنان می شد. البته در عین حال ، عقیده یهودیت آنان را در یک نقطه مشترک قرار داده و جمع آنان از نظم و تقلیدهای مذهبی مشترکی پیروی کرده ، دارای بیت مدراس واحدی بودند. علاوه بر آن که روحانیون یهودی ، نظم آنان را بارور کرده و مانع از پذیرش اسلام می شدند و هرگز، در برابر

Bia2book.blogfa.com

پرژم دولت اسلام ، سر فرود نیاوردند. حتی تعداد بسیاری از آنان به کارشکنی در برابر کوشش های رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخته و مردم را به عدم اطاعت از وی ترغیب می نمودند. علاوه بر این ، تعدادی از عشایر عرب ، نظیر خطمه و بنی واقف و بنی سلم ، تا پس از جنگ خندق سال چهارم هجری اسلام نیاوردند. این به آن معنی است که آنان به فرامین قرآن گردن ننهاده اند و به نظر می رسد این عشایر تا پیش از ورودشان به اسلام ، خارج از حیطه قدرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به شمار می آمده اند.

هم چنین اخباری که از منافقین آن هنگام ، که بیشتر از عرب بودند در دست است ، نشان می دهد که آنان با وجود اظهار مسلمانی ، تعالیم و دستورات اسلام را در قلب خود جای نداده و در برابر قدرت پیامبر صلی الله علیه و آله سر فرود نمی آوردند. بسیاری از آنان ، مخالفت خویش را در برخی از پیش آمدها تا مرزهای خطرناکی پیش بردند. برخی از آنان ، دارای جایگاه بلندی بودند و دیگران آنها را سرمشق خود قرار داده و از آنها پیروی می کردند.

ساختار تشکیلات اسلامی : اقتدار و حاکمیت

یکی از اصول اساسی نظم اداری و سیاسی اسلامی ، که قرآن آن را برقرار کرده است ، حاکمیت خداوند در قرآن است : هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن ؛ یعنی : او آغاز و پایان و آشکار و نهان است و یا وله ما فی السموات و الارض ، توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شی ء قدیر ؛ یعنی : آنچه در آسمان ها و زمین ها است از آن اوست ، هر آنکس را شاید ملک دهد و هر آن کس را که نشاید ملک بازستاند، و هر آنکس

Bia2book.blogfa.com

را که شاید عزت دهد، و هر آنکس را که نشاید ذلت دهد. اختیار در دست اوست و او قادر به انجام هر کاری است آل عمران ، ۲۶.

دادن حاکمیت به خداوند در اسلام ، موجب همبستگی و وقار حکومت اسلامی شده و آن را از بسیاری لغزش های اجتماعی که در جوامع کنونی ، اصل را بر حاکمیت ملت و مردم قرار داده اند، رهایی بخشیده است.

از آن جا که پروردگار جسم نبوده و دارای محدوده زمانی و مکانی خاصی نیست و هیچ دیده ای او را ندیده و تنها قلب ها او را حس می کنند، اداره و حکومت فعلی جامعه ، یعنی آنچه ما آن را حاکمیت می نامیم در دست رسول رسول خدا صلی الله علیه و آله است ؛ زیرا ایشان دارای جایگاه منحصر به فرد و ویژه ای بوده که بر پایه آن ، خداوند ایشان را به عنوان پیامبر برگزیده و وسیله ابلاغ رسالت خویش و امر و نهی های خود به مردم قرار داده است.

قرآن در این باره می فرماید :ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا؛ یعنی : آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید حشر ۷ .خداوند در بسیاری از آیات ، مسلمانان را این گونه به اطاعت از پیامبر فرا خوانده است : اطیعوا الله و الرسول ؛ یعنی : فرمانبردار خدا و رسول او باشید ال عمران آیه های ۳۲، ۱۳۲، انفال ۱، ۲۰، ۴۶، محمد ۱۳ و مجادله ۱۳ .و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله ؛ یعنی : ما پیامبری را برای شما نفرستادیم مگر آنکه به اجازه خداوند از اوپیروی کنیدنساء ۶۴ .من یطع الرسول فقد اطاع الله یعنی :سخن مومنان ، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها

Bia2book.blogfa.com

این است که می گویند :شنیدیم و اطاعت کردیم .نور ۵۱ .من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقیه فاولئک هم الفائزون ؛ یعنی و هر کس خدا و پیامبرش رااطاعت کند، به رستگاری واقعی رسیده است نور ۵۲ .و سیرحمهم الله ؛ و خداوند آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد .و من یطع الله و رسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار؛ یعنی : هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، خداوند او را در باغ هایی از بهشت وارد می کند .نساء، ۱۳، فتح ۱۷.

در همین راستا، اطاعت از اولی الامر اوصیای پیامبر لازم دانسته شده است : اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ؛ یعنی : اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر را .نساء ۵۹ .انما کان قول المومنین اذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم ان یقولوا سمعنا و اطعنا یعنی : بر مومنین است که هر گاه خداوند و پیامبرش حکمی بر آنها روا داشتند بگویند شنیدیم و اطاعت می کنیم .فلا و ربک لا یومنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما ؛ یعنی : به پروردگارت سوگند که آنها مومن نخواهند بود مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملا تسلیم باشند نساء ۶۵.

آنچه سبب تقویت جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله شد، اخلاق پسندیده ، گشاده رویی ، رسیدگی به اصحاب و یاران خود و پی جویی از وضعیت آنان ، ترحم بر فقیران و ضعیفان ، دوری از خودخواهی و جاه طلبی ، گذشت و بخشندگی ، بلاغت در سخن و گفتار، توانایی در گفتگو و اقناع دیگران بود و صفات نیکوی دیگر که در قرآن به برخی از آنها اشاره شده است:

Bia2book.blogfa.com

و انک لعلی خلق عظیم ؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری قلم .4

ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوۀ کانه ولی حمیم ؛ یعنی : بدی را با نیکی دفع کن ، ناگاه خواهی دید، همان کس که میان تو و او دشمنی است ، گویی دوستی گرم و صمیمی است .فصلت ۴۳.

و لو کنت فظا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک ؛ یعنی : و اگر خشن و سنگدل بودی ، از اطراف تو پراکنده می شدند آل عمران ۱۵۹.

اصول و پایه های نظم اجتماعی که به وسیله آن ، جامعه به سوی کمال هدایت شود، به وسیله آیات قرآن وضع گردیده است ، اما دسته بندی و اجرای آن از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله ، بر اساس مصالح و اولویت ها به مرحله عمل در می آمد. در آن هنگام دستگاه اداری بر سخن مشخص و معلوم و یا قرارهای مجالس عمومی و قانونگذار تکیه نداشت ، بلکه در اساس ، برگرفته از اصول اسلامی بود که به هنگام پیاده کردن آنها، خواسته ها و نیازها و مصالح عمومی در نظر گرفته می شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره اصحاب خویش را مورد مشورت قرار داده و هیچ گاه نظرات خویش را تحمیل نمی کرد. پروردگار متعال ، پیامبر را امر به مشورت نموده و می فرماید و شاورهم فی الامر :و در کارها با آنان مشورت کن آل عمران ۱۵۹ و نیز و امرهم شوری بینهم ؛ کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست .شوری ۳۸ .پیامبر به پیشنهادهای صحابه گوش فرا می داد، اما در این باره مجلسی ویژه برای مشورت به وجود نیاورده بود؛ همان طور که افرادی خاص را برای مشورت تعیین نفرموده بود. کلیه تصمیم ها، به نام ایشان

Bia2book.blogfa.com

صادر می شد و بدین ترتیب ، پایه های قدرت که خود از با اهمیت ترین عوامل نظم سیاسی و اداری نظام و مصلحت عمومی به شمار می آمد، شکل می گرفت.

از آنچه گذشت ، آشکار می گردد، قرآن کریم پیامبر را عالی ترین مرجع سیاسی و اداری قرار داد که مردم و گروه های مسلمان بدون هیچ واسطه ای با ایشان در ارتباط باشند. بدون شک قدرت و نفوذ ایشان ، تنها مهاجرین قریش و سایر قبایل حجاز را در برنگرفته بود، بلکه تناسب مستقیمی با فزونی مسلمانان و افزایش اعتقادات درونی آنان داشت.

جانشینان اداری

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام رفتن به جنگ ، شخصی را از میان مسلمانان ، به جای خود بر می گزید. این جانشینی ، تنها هنگام رفتن به جنگ های بیرون از مدینه نبود، بلکه در جنگ های احد و خندق و بنی نضیر و بنی قریظه که درون مدینه اتفاق افتاد نیز، افرادی برای جانشینی انتخاب شدند. پیامبر هنگام عزیمت به جنگ بدر، دو نفر را تعیین نمود که یکی ابولبابه بر مدینه و دیگری عاصم بن عدی بن عجلان بر عوالی بودند [228] .اما در سایر جنگ ها، حضرت تنها یک نفر را بر مدینه قرار می دادند. جانشینان پیامبر متعدد بوده اند. در جنگ ابواء پیامبر صلی الله علیه و آله سعد بن عباده و در غزوه بواط، سعد بن معاذ و در غزوه سویق ، ابولبابه بن عبد المنذر که همگی از انصار بودند، و در غزوه ذی العشیره ابو سلمه بن عبد الاسد مخزومی را تعیین نمودند. هم چنین ابن ام کلثوم را در یازده جنگ ، عثمان بن عفان را دو جنگ غطفان و ذات الرقاع ، سباع بن عرفطهٔ غفاری را در دو جنگ دومهٔ الجندل و خیبر، ابورهم غفاری را در جریان انجام سفر

Bia2book.blogfa.com

عمره ، عبد الله بن رواحه را در لشکرکشی دومین بدر مریسیع و محمد بن مسلمه را در غزوه تبوک جانشین گردانیدند.

از این گفتار چنین آشکار می گردد که پیامبر برای انتخاب جانشین ، قانون مشخصی قرار نداده بوده است ، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله ابن کلثوم را که شخصی نابینا بود، یازده بار و برخی رادوبار و تعدادی را یک بار انتخاب کردند .برگزیدگان ، از عشایر گوناگون بودند و از انصار و مهاجرین قریش و بعضی از مهاجرین حجاز به شمار می آمدند.

منابع به وظیفه جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله که اغلب کوتاه مدت بوده و پیامبر در بیشتر آنها از مدینه فاصله زیادی نداشتند، هیچ گونه اشاره ای نکرده اند .ابن هشام گفته است : رسول خدا صلی الله علیه و آله ابن ام کلثوم را در جنگ بدر جانشین خود بر اقامه نماز قرار داد.

شاید منظور نظارت بر کارهای اداری ، بدون دخالت در امور نظامی بوده است.

نظام اداری مدینه از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال های آغازین پس از هجرت و طی نظام نامه ای که درسال دوم هجری تنظیم گردید به وجود آمد. این نظام نامه ، بیان کننده اصول اساسی نظام دولت و جامعه و هماهنگی میان آن دو بود و [229]وضعیت جامعه نوینی را آشکار می ساخت که در آن مسلمانان به پروردگاری یگانه ایمان داشته و به دستورات دینی واحدی ، سرتعظیم فرود آورده و از پیامبری واحد پیروی می کردند.

امت

مسلمانان امتی یگانه غیر از همه مردم به شمار می آیند و گروهی هستند که اعضای آن ، به وسیله

Bia2book.blogfa.com

اعتقاد دینی به یکدیگر وابسته اند. بنابراین ، نظام اسلامی بر پایه های فکری اخلاقی و عقیدتی پی ریزی شده ، نه بر اساس هم خونی و یا رابطه نژادی . امت با گرویدن افراد به آن ، افزایش و با ترک اختیاری از آن ، کاهش می یابد .بنابر این ، در صورتی که افرادی به عقاید آن ایمان آورده و به آن بپیوندند، افزایش یافته و در صورتی که دست از آن اعتقاد بردارند، کاهش می یابد.

امت ، آغوش خود را همواره به روی افرادی که عقاید و دستورات آن را گردن می نهند، بازگزارده و با آنان صرف نظر از نژاد و خون و ثروت برقرار می سازد و از آن جا که پایه و اساس آن بر اشتراک عقیده قرار گرفته ، این ، باید تکیه گاه اصول و پایه های روحی و اخلاقی باشد. پس سیاست در اسلام ، آمیزه ای از عقیده و اخلاق بوده و رابطه امت ، بر سایر روابط برتری دارد.

امت گروه واحدی به شمار می آید که همبستگی آنان با هم ، آن را از دیگر گروه ها و مجموعه ها متمایز می سازد. در اساس نامه نظام نیز این گونه آمده است که ذمة الله واحدة ، یجبر علیهم ادناهم ؛ یعنی : عهد خداوند یکی است و شامل کمترین آنان نیز می گردد .و نیز مومنان هر یک پشتیبان دیگری هستند، آنان همه یکسان بوده و تفاوتی میان کوچک و بزرگ و ثروتمند و تهیدست وجود ندارد. هر شخص می تواند هر فردی را که بخواهد در پناه خود قرار دهد. این پناهندگی به نام اسلام بوده و بر تمام مسلمانان ، حمایت از این تحت حمایت قرار گرفته لازم است .و مسلمانان ، خونشان یکسان است و از این رو، دیه همگی برابر است.

هم چنین آمده است : المومنون بعضهم موالی بعض من دون الناس 15؛ یعنی مومنان هر یک

Bia2book.blogfa.com

جدای از دیگر مردم ، یاور و پشتیبان مومن دیگر می باشند .و لا یترکون مفرحا بینهم ان یعطوه بالمعروف و القسط بین المومنین 14؛ یعنی : مومنان هیچ فرصتی را برای امر به معروف و نیکی به یکدیگر از دست نمی دهند .آنان مجموعه ای یگانه به شمار می آیند که هر یک پشتیبان دیگری است . هر یک از آنان ، از پشتیبانی دیگر افراد امت برخوردار بوده و در هنگام نیاز، از کمک و یاری آنان برخوردار می گردد.

امنیت

وحدت و یکپارچگی و یگانگی امت و روح همبستگی آنان در راه استقرار آسایش و امنیت اجتماع ، به دفع مفسده جویان و آشوب طلبان از هر صنف و گروه ، گرچه فرزندان آنان نیز باشند، می انجامد. در نظام نامه تاکید شده است : المومنین المتقین ایدیهم علی کل من بغی او ابتغی ظلما او اثما او عداوانا او فساد بین المومنین ، و ان ایدیهم علیه جمیعا و لو کان ولد احدهم ؛ 13 یعنی : دستان مومنان و پرهیزگاران بر ضد هر کسی که از میان خودتان به آنان تجاوز کرده و یا کسی که در پس ظلم و دشمنی و ایجاد فساد در میان مومنان است با یکدیگر متحد خواهد بود؛ حتی اگر فرزند یکی از آنها باشد .و نیز آمده است : لا یحل لمومن اقر بما فی هذه الصحیفه و آمن الله و الیوم الاخر ان ینصر محدثا او یوویه ، و ان من نصره او آواه فان علیه لعنهٔ الله و غضبه یوم القیامه ، و لا یوخذ منه صرف و لا عدل 11؛ یعنی : ننن روا نیست بر مسلمانی که این پیمان نامه را پذیرفته است و به پروردگار و روز قیامت ایمان آورده است . به یاری بدعت گذار شتافته و یا او را پناه دهد. و هر آن کس که آو را یاری و پناه دهد پس بر او باد لعنت خداوند و خشم

Bia2book.blogfa.com

او تا روز قیامت . پس در این حال هیچ یک از اعمال او در درگاه خداوند پذیرفته نخواهد بود.

بنا براین ، امنیت و آسایش فرآیندی است مردمی ، نه ناشی از دستورات حکومتی و از این رو، تمامی افراد در تحقق و به وجود آمدن آن چه به صلاح خویش است سهم به سزایی دارند. بر این اساس ، پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز نیرو و قوه قهریه ای پلیس را جهت تعقیب مفسده جویان در مدینه تشکیل نداد؛ هم چنان که جایگاهی برای زندان آنان نیز در نظر نگرفت.

عدالت و قضاوت

نظام نام ، دل مشغولی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مساله عدالت و تنظیم قضاوت را آشکار می سازد؛ زیرا در نظام نامه ، به تعدادی از احکام قضایی اشاره شده است ؛ طوری که می توان گفت مهم ترین اهدافی هستند که نظام نامه بر تامین آنها تاکید نموده است . بدون شک ، این مطلب به درک اهمیت عدالت و قضاوت برای هر اجتماع سالمی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله باز می گردد. زیرا فقدان آنها در هر یک از دو جامعه مکی و مدنی ، یکی از مهم ترین عیب ها به شمار می آمد. همان طور که یکی از عمده ترین عوامل آشوب و نا امنی جزیرۀ العرب پیش از اسلام نیز بود.

قرآن کریم به حساسیت قضاوت در کارهایی که در ارتباط با امنیت عمومی بوده است اشاره دارد و آن را تنها در چارچوب اختیار و قدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده است .

پروردگار می فرماید فلا و ربک لا یومنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما ؛ یعنی : به پروردگارت سوگند که آنها مومن نخواهند بود، نگر

Bia2book.blogfa.com

این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند، و کاملا تسلیم باشند نساء ۶۵.

نظام نامه تاکید کرده است : انه ما کان بین اهل هذه الصحیفه من حدث او اشتجار یخاف فساده ، فان مرده الی الله و الی محمد رسول الله 42؛ یعنی : آنچه در میان پذیرندگان این عهدنامه از اختلاف و نزاع رخ می دهد که بیم از فزونی فتنه از آن باشد، مرجع حل آن حادثه ، خدا و و رسول او خواهد بود .رسول خدا صلی الله علیه و آله با این بند، قدرت قضایی را برقرار نمود که همه آحاد جامعه ملزم به روی آوردن به آن می باشند. این بند، بازگشت به سوی خدا و به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله را رنگ قدسی و الهی و بخشیده که دارای قدرت اجرایی است ؛ زیرا فرمان های پروردگار، واجب الاطاعه بوده و اجرای آنها ضروری به شمار می آید؛ چرا که پیش از این نیز یاد آوری کردیم دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله همه از سوی پروردگار بوده و پیروی از آنها واجب و لازم به شمار می آید. قدرت قضایی و داوری ، تنها به مسلمانان بر نمی گشته ، بلکه شامل مشرکین قریش و اهل یثرب و هر آنکسی که به آنان پیوسته و به همراه آنان پیکار کرده ، بوده نیز می شده است . احتمالا مقصود از عبارت : من تبعهم فلحق بهم وجاهد معهم 1؛ یعنی : هر آنکس که به آنان پیوسته و به همراه آنان پیکار می کند، عشایر از اهل مدینه اند که بر دین اسلام گردن ننهاده و آن را مورد پذیرش خویش قرار نداده بودند. بدین ترتیب رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بدون آنکه اجبار به پذیرش اسلام نماید،، در ضمن این احکام و دستورات اسلامی وارد ساخت.

Bia2book.blogfa.com

بدون شک قرار دادن این افراد در زیر سایه عدالت اسلامی ، موجب می شد که آنان به نقش اسلام در استقرار آن پی برده ، و این ، خود، انگیزه ای باشد که آنان را به سوی اسلام جذب نماید. البته فراگیری دستور این بند، گواه بر آن است که این احکام یهودیان را نیز شامل می شده است.

بنابر این ، آشکار می شود که مراجعه یهودیان برای داوری نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به معنای اعتراف آنان به قدرت متمرکز و فراگیر ایشان بوده که در نتیجه آنها را در جایگاه ثانوی نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اسلام قرار می داد. بدین ترتیب ، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرجع و داور آنان در اختلافاتی بود که باعث اخلال در نظم و امنیت عمومی می شد.

این مطلب ، نشان دهنده آن است که این نظام نامه پس از پیروزی گسترده رسول خدا صلی الله علیه و آله در بدر، که موجب قدرت و عزت مسلمانان و بیم و ترس دشمنان آن شد، محقق گردید. اضافه بر آن که ، گواه وجود انشعاب و دشمنی هایی در میان یهودیان مدینه نیز هست. رخدادهایی که قدرت را در دستان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد، تنها محصور و محدود به مواردی بود که در ارتباط با امنیت عمومی بود و حوادث و اختلافات در محدود اشخاص ، به ویژه آنچه امروزه آن را قانون مدنی نامیده و شامل ازدواج و طلاق و ارث و عقد و داد و ستدهای بازرگانی می شود، ضرورت مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله را نداشت نص قرآن کریم در این باره ، مراجعه یهودیان به رسول خدا صلی الله علیه و آله را اجازه داده است . پروردگار می فرماید :وان تعرض عنهم فلن یضروک شیئا و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب

Bia2book.blogfa.com

المقسطین ؛ یعنی : پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن ، یا اگر صلاح دانستی آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی ، به تو هیچ زیانی نمی رسانند، و اگر میان آنها داوری کنی ، با عدالت داوری کن ، که خدا عادلان را دوست دارد مائده ۴۲.

بدون شک داوری رسول خدا صلی الله علیه و آله براساس عرف ، که هم آهنگ و آمیخته با عدالت و احکام اسلامی بود پایه ریزی شده بود. قرآن در این باره می فرماید:

و ان احکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهواءهم واحذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک ؛ یعنی : پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده ، در میان آنها حکم کن ! از هوی و هوس های آنان پیروی نکن . و از آنها بر حذر باش ؛ مبادا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده ، منحرف سازند.

شرایط جنگ و صلح

یکی دیگر از نمونه های آشکار تنظیم اداره جامعه مدینه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله ، شرایط جنگ و صلح آن به شمار می آید که در نظام نامه ، بندهایی به آن اختصاص داده شده بود.

مطمئنا پشتوانه این مطلب ، به شرایط اسلام که در آن هنگام تنها به مدینه محدود بود، باز می گردد؛ زیرا در آن هنگام ، اسلام از سوی دشمنان و بدخواهان کینه توز، و آنانی که با قدرت و جنگ ، سعی در محو و نابود کردن آن داشتند، محاصره گردیده بود.

نظام نامه در این باره تصریح کرده است که : سلم المومنین واحدة ، لا یسالم مومن فی قتال فی سبیل الله الا علی سواء و عدل بینهم 17؛ یعنی : صلح از سوی مومنان ، قانونی یکسان است . اگر

Bia2book.blogfa.com

مومنان در مقام صلح ، هنگام جنگ در راه خدا برآمدند، تصمیم آنها تنها یکی خواهد بود و هیچ مومنی به تنهایی چنین اقدامی نخواهد کرد و در زمان جنگ همه مومنان ملزم به شرکت در جنگ می باشند .یعنی در واقع جنگ وظیفه همگان است نه گروهی خاص . بنابر این همه گروه ها به نوبت در آن شرکت خواهند کرد تا کسانی که در راه خدا خونشان ریخته می شود، در میان همه گروه ها باشند؛ نه این که بیشتر شهدا از یک گروه خاص باشند. بنابر این ، جنگ منحصر به یک گروه ویژه از مسلمانان نبود، در حالی که گروهی دیگر از آنان در حالت صلح و سلم با دشمن باشند. مسلمانان همواره پشتیبان یکدیگر بوده و همه مومنان باید حمایتگر خون کسی که از آنان در راه خدا کشته می شود، باشند.

احکام جنگ و صلح تنها مسلمانان و هر آنکس که از آنان پیروی می کرد را در بر نمی گرفت ، بلکه یهودیان را نیز شامل می شد. نظام نامه ، آزادی دین را تضمین نموده و گفته است : مسلمانان و یهودیان ، مردان آزاده و بندگان آنان ، هر کدام نیز دین خود را خواهند داشت .این امنیت عمومی در صورتی است که افراد دچار ظلم و خطایی نشوند، که در آن صورت جز خود و اهل بیت خویش را نابود نخواهند کرد .25هم چنین در نظام نامه تاکید شده است که من تبعنا من یهود فان له النصر و الاسوۀ غیر مظلومین ولا متناصر علهم 16؛ یعنی : و هر کس از یهودیان که از ما پیروی کند، از او یاری و پشتیبانی به تساوی خواهد شد و بر آنان ستم نخواهد رفت و بر ضد ایشان کسی را یاری نخواهند داد. این مطلب شامل دوستان و نزدیکان یهود و ثروت های آنان نیز می شد. اما نظام نامه تاکید دارد که هنگام جنگ مسلمانان بر ضد مهاجمین به مدینه ، سایرین نیز

Bia2book.blogfa.com

آنان را یاری دهند :و ان بینهم النصر علی من دهم یثرب 44؛ یعنی بر عهده همگان است که بر علیه هر کس که به مدینه حمله کند یکدیگر را یاری دهند .به عبارت دیگر، شرکت همه در پیکارهای دفاعی از مدینه ، واجب و ضروری به شمار آمده است . در بند دیگری از نظام نامه ، تاکید شده است که انبینهم النصر علی من حارب اهل هذه الصحیفه ، و ان بینهم النصح و النصیحۀ و البردون الاثم 37؛ یعنی : با هر کس که با اهل این نظام نامه جنگ کند، پیکار نمایند و میان خود خیر خواه باشند و نیکی و وفاداری مانع از گناه است .

بنابر این آشکار می شود که یهودیان موظف بوده اند در کنار مسلمانان علیه کسی که با مسلمانان پیکار می کند، ایستادگی نمایند، این بند، پشتیبانی و همکاری و عدم خیانت یهودیان را نسبت به مسلمانان تاکید می نماید. اما ترجیحا به نظر می رسد از آنها پیکار به همراه مسلمانان را درخواست نکرده ، بلکه در این هنگام ، آنان باید موضع گیری تاییدانه ای را در کنار مسلمانان اتخاذ نمایند.

به همین مناسبت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله موضع گیری بنی قریظه در جنگ خندق را سرزنش نمود و نکوهش پیامبر، به همبستگی آنان با قریش باز می گردد.

در نظام نامه ، بند دیگری وجود دارد که به یهودیان اجازه می دهد تا در پیکارهای دینی اسلامی شرکت نکنند :و اذا دعوا الی صلح صالحونه و یلبسونه ، فانهم یصالحونه و یلبسونه و انهم اذا دعوا الی مثل ذلک فان لهم علی المومنین الامن حارب فی الدین 45؛ یعنی : هر گاه مسلمانان آنان را برای صلح فراخواندند باید بپذیرند، مسلمانان هم تقاضای صلح آنان را مشروط به این که صلح با کسی که با دین سر جنگ داشته باشد نباشد، خواهند پذیرفت .

Bia2book.blogfa.com

این بند، در پایان بندهای متعلق به دفاع از مدینه قرار داده شده است . بنابر این به نظر می رسد اعتبار آن وابسته به آن و تکمیل کننده آن باشد. صلحی که در این بند از آن یاد شده است ، اشاره به خطرهایی دارد که در آن هنگام مدینه را تهدید می کرده است.

بند دیگر نظام نامه ، تاکید می نماید که : لا یخرج منهم احد الا باذن محمد 36؛ یعنی : هیچ کدام از ایشان بدون اجازه محمد صلی الله علیه و آله نباید به جنگی بپردازند .این مطلب ، نشان دهنده آن است که به یهودیان اجازه اعلام جنگ داده نشده است ، مگر آنکه به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

بند یاد شده تاثیر فراوانی در عدم همبستگی و هم پیمانی آنان با قریش داشت . ناگفته نماند که در حقیقت ، بند دیگری از این نظام نامه ، فراتر از این ، مقرر نموده است که : لا تجار قریش و لا من نصرها 43؛ یعنی : یهودیان حق مراوده با قریش و حمایت کنندگان آنها را ندارند.

هم چنین نظام نامه در اشاره به مسئولیت های مالی ناشی از جنگ که در آن دو گروه شرکت می کنند، اشاره نموده و گفته است : ان الیهود ینفقون مع المومنین ماداموا محاربین 38؛ یعنی یهودیان به همراه مسلمانان تا وقتی که در جنگ هستند مشترکا هزینه های خود را تامین خواهند کرد؛ اما وان علی الیهود نفقتهم و علی المسلمین نفقتهم 37؛ یعنی : هزینه یهود بر خودشان و هزینه مسلمانان بر خودشان است .

این بند، این گونه آشکار می سازد که هر گاه جنگی در گرفت و یهودیان در آن شرکت نمودند، خود هزینه مالی و نیازهای خویش را بر آورده می سازند.

Bia2book.blogfa.com

نظام نام تصریح کرده است که ان یثرب حرام جوفها لاهل هذه [230]الصحیفه 39؛ یعنی : درون یثرب برای اهل این صحیفه ، حرم خواهد بود .ذکر این مطلب ، به این منظور بود که مانع از جنگ و خونریزی میان قبایل و عشایر گردیده و امنیت و صلح را در مدینه مستحکم نماید. بدین ، سدی در برابر قوی ترین عامل به وجود آورنده آشوب و اضطراب و آنچه بدان سوق داده می شود، به وجود آمد. بدون شک ، استفاده از کلمه حرام ، دینی جلوه دادن امنیت و سلم بوده که مطمئنا دارای تاثیر قوی تری بوده است.

این بند نظام نامه ، چگونگی به وجود آمدن برخی از حرم های جزیره العرب را برای ما آشکار می سازد؛ زیرا هنگامی که محدود ساختن حرم مدینه ضروری به نظر رسید، حدود آن به وسیله برخی از نشانه های مشخص در پیرامون مدینه ، معین گردید [231] .این محدوده ، از چند میل تجاوز نمی کند و بدین ترتیب صلح و امنیت را تنها برای ساکنین داخل آن به ارمغان می آورد.

بدون شک ، مسلمانان در آن هنگام تنها در این منطقه بوده اند، اما به نظر می رسد آنانی که در خارج از آن زندگی می کردند، تا آن هنگام اسلام را نپذیرفته بودند.

جایگاه فرد

امت اسلام اعضای خویش را بر اساس رابطه عقیدتی به یکدیگر مربوط ساخته و آنان را با حقوق و واجباتی که نشان از یگانگی و قدرت همبستگی میان آنها دارد، شریک ساخته است . اما اسلام در این باره ، حقوق را از حد نگذرانیده و آزادی فرد را با توجه به منافع جامعه هدف قرار داده است.

Bia2book.blogfa.com

بنابر این وجود امت ، به معنای از میان رفتن شخصیت فرد و جایگاه او نیست . از این رو، مسئولیت مدنی ، اخلاقی و دینی فردی است و آیات متعددی به این امر اشاره دارد؛ هم چون :کل نفس بما کسبت رهینۀ ؛ یعنی : آری هر کس در گرو اعمال خویش است .مدثر ۳۸ .ولا تزر وازرۀ وزر اخری ؛ یعنی : و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل نمی شود .انعام ۱۶۴ .لا یجزی والد عن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شیئا؛ یعنی : نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل می کند، ونه فرزند چیزی از کیفراعمال پدرش را لقمان ۳۳ .فمن یعمل مثقال ذرۀ خیرا یره و من یعمل مثقال ذرۀ شرا یره ؛

یعنی : پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند! و هر کس ، هم وزن ذره ای کار بد کرده آن را می بیند زلزال ۸- ۷.

اسلام آزادی کار و پیشه دلخواه را برای فرد محترم دانسته و هنر و تجربه شغلی او را ارج نهاده است . هم چنان که انتقال پیوسته از مکانی به مکان دیگر یا از کاری به کار دیگر را به دلخواه او مباح دانسته است ؛ اما تمامی این آزادی ها درچهارچوب و حد و مرز امت قرار داده شده است . از این رو، دست زدن به کارهایی که به زیان مصلحت جامعه باشد، جایز نیست . البته امت نیز نمی تواند آزادی فرد را که زیانی برای مصلحت عمومی ندارد، محدود سازد.

نظام نامه تاکید کرده است که لا یکسب کاسب الاعلی نفسه 47؛ یعنی : در آمد هر شخصی از آن اوست ، اما انه لا یاتم امرو بحلیفه !37؛ یعنی : هیچ فردی حق تجاوز به حقوق هم پیمان خود را ندارد .سپس بر اهمیت پایه های اخلاقی در روابط اجتماعی تاکید نموده و در این باره گفته

Bia2book.blogfa.com

است : ان الله جار لمن برواتقی 47؛ یعنی : خداوند پناه دهنده نیکوکاران و مردان با تقوا است .

خداوند از مردمان نیکوکار و با تقوا و دارای اخلاق نیکو، حمایت و پشتیبانی می کند. اسلام آزادی فرد در جایگزینی و انتقال از مکانی به مکان دیگر و نیز از کاری به کار دیگر را، تا آنجا که این آزادی ، زیانی برای منافع عمومی در بر نداشته و اصول اخلاقی در رفتار فردی و ارتباطات اجتماعی را مراعات نماید، محدود نمی سازد.

عشایر و موالی [232]

امت واحده و تاکید بر منافع عمومی جامعه ، اصلی مهم و دارای اولویت است و همواره بر دسته بندی ها برتری دارد، اما آنها را از میان نمی برد .رسول خدا صلی الله علیه و آله نظام عشایری را پایه ای بر سکونت و پرداخت دیه و همکاری قرار داد. از این رو از تک تک آن عشایر یاد کرده و تاکید نموده است که هر یک از آنها علی ربهم یتعاقلون معاقلهم و یفدون عانیهم بالمعروف ؛ یعنی هر یک از قبیله ها مالک سکونت گاه خود بوده و بر پایه عرف ملزم به پرداخت خون بها و دیه و فدیه می باشند .نظام نامه به هنگام سخن از عشایر انصار، این گونه تاکید کرده است : و کل طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المومنین 10 -3؛ یعنی : هر طایفه ای بر پایه عرف و با رعایت عدالت در میان مسلمانان برای اسیر خود، فدیه خواهند پرداخت .اشاره به کلمه طایفه در این بندها، گواه آن است که در آن هنگام ، در هر عشیره ، تعدادی طایفه وجود داشته است . با این که منابع ، هیچ گونه اشاره ای به ماهیت این طایفه ها نمی کند.

Bia2book.blogfa.com

نظام نامه تاکید کرده است لا یحالف مومن مولی مومن من دونه 12؛ یعنی هیچ مسلمانی حق ندارد با مولای یک قوم ، بدون حضور مومن ، پیمانی با او بندد .به این ترتیب ، اسلام بر پایداری قانون ولاء موالی و ممنوعیت هم پیمانی مولی باغریبه بدون رضایت آقای خود، تاکید نمود. لازم به یاد آوری است که سازمان ولاء و مولی با غریبه بدون رضایت آقای خود، تاکید نمود. لازم به یاد آوری است که سازمان ولاء و مولی که دارای منافع متقابلی میان عشیره و موالی آن بود، از ریشه کهنی برخوردار بود. به این وسیله ، یک مولی می توانست در سایه حمایت قانون ولاء، به کار و فعالیت خود بپردازد. هم چنین ، عشیره نیز از وجود آنان در حیات خود که تعداد و نیروی آنان را افزوده و کمک های نه چندان زیادی به آنها می کرد استفاده می نمود. اما از آنجا که رابطه ولاء از عمق و نفوذ رابطه هم خونی برخوردار نبود، همواره نقل و انتقال موالی می توانست عامل نا آرامی و به هم خوردند ثبات گردیده و مشکلات اجتماعی ، سیاسی و اداری فراوانی را به وجود آورد. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله برای برطرف کردن این مشکل ، ممنوعیت هم پیمانی موالی بدون اجازه عشایر آنان را وضع نمود.

عامل مهمی که پیامبر را به پذیرفتن هم پیمان های میان عشایر واداشت ، همانا نفوذ عمیق و ریشه دار و جایگاه مهم این سنت در میان عرب ها بود، اما بسیار طبیعی به نظر می رسید که برای از میان برداشتن این تنظیم عشیره ای ، پس از ظهور اسلام و ریشه دوانیدن اسلام در دل مسلمانان ، تلاش شود؛ زیرا شریعت اسلام بر اساس مسئولیت پذیری فردی و جمع نمودند مردم بر اساس رابطه اعتقادی و کم اهمیت نمودن تفاوت ها و برتری های عشیره ای و جایگزین نمودن

Bia2book.blogfa.com

معیارهای نوینی بر پایه تقوا و دین داری و اخلاق نیکو استوار شده بود.

از این رو، باید هم پیمان های عشیره ای در رابطه با امت بوده و تابع قوانین آن گردد و با گذشت زمان به تدریج سست شود؛ زیرا هر کس که اسلام می آورد، ملزم بود رابطه نوینی را با تمام برادران ایمانی خود بر پایه مشارکت در انجام فرایض و مناسبت های دینی ، هم چون شادی ها و غم ها و دیگر فعالیت های عمومی برقرار نماید و به تدریج خود را از پیوندهای باقی مانده از دوران شرک دور نماید.

در نظام نامه ، نام شخص معینی به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله نیامده است و نیز به سروری بر هر یک از گروه های یاد شده اشاره ای نرفته است . این نشان می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله با گروه ها و افراد به طور مستقیم و بدون وساطت رییسی که دارای نفوذ باشد و موجب کندی رابطه او گردد، ارتباط برقرار می نموده است . آنچه عامل سرعت بخشیدن به این ارتباط می گردید، محدود بودن شهر مدینه و آسانی نقل و انتقال درون آن و تلاش شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ارتباط مستقیم با تمامی مسلمانان و غیر آنان بود. تمامی این رفتارها، نشان دهنده این واقعیت است که پیامبر به قبیله و عشیره ، در مدینه تنها به عنوان یک مجموعه در برگیرنده گروه های اجتماعی و نه یک تشکل سیاسی - اداری بها می داد. جایگاه افراد در آنها را با توجه به ویژگی های فردی هر فرد و پایگاه اجتماعی و نه سیاسی آنها ملاحظه می نمود .پیامبر صلی الله علیه و آله همواره با مردمان دارای موقعیت و اعتبار اجتماعی ، به عنوان افرادی از میان امت و نه رییس مجموعه ای سیاسی ، ارتباط برقرار می نمود. بنابراین طبیعی است که با نفوذ

Bia2book.blogfa.com

اسلام در وجدان مردم و برقراری قدرت مرکزی و گسترش صلح و امنیت و عدالت اجتماعی ، این هم پیمان های قبیله ای رو به ضعف نهاده و در پایان از میان برداشته شود؛ زیرا اسلام برای برتری مردم بر یکدیگر، ضوابط و معیارهای نوینی که بر پایه تقوا و اخلاق نیکو و رابطه با دیگر برادران مسلمان در انجام فرایض دینی و شعائر اسلامی و منافع عمومی بود، برقرار نمود. از این رو، مسلمانان به تدریج از دیگرانی که بر سنت های جاهلی خود باقی مانده بودند، جدا می شدند.

از آنچه گذشت ، آشکار می شود که هدف دولتمردی پیامبر درمدینه ، برقراری و ایجاد یک امت هم بسته بود که در آن ، افراد از آزادی کار و رفتار و نظم اجتماعی برخوردار بوده و دولت مرکزی وظیفه برقراری امنیت عمومی و عدالت و قضاوت و امور متعلق به صلح و جنگ را، بر پایه ای که عامل عمده تمامی رفتارها و تصمیم ها تقوا و اخلاق نیکوی اسلامی باشد، داشته باشد.

فصل ششم : فرایض اسلام

1-نماز

نماز یکی از ارکان پنج گانه اسلام و یکی از مهم ترین واجباتی است که انجام آن از هر دو و زن مسلمان خواسته شده است . رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همواره آن را در ضمن شروط خود به هر تازه مسلمان تاکید می نمودند[233] .

یاد فراوان از نماز، تاکید بر واجب بودند آن را بر مسلمانان آشکار می سازد[234] .

تکامل نماز

شافعی درباره تکامل نماز گفته است از کسی که به گفته و کردار و اطمینان دارم ، شنیدم که می

Bia2book.blogfa.com

گفت خداوند در آغاز، نماز را به گونه ای واجب ساخت ، سپس آن را به گونه ای دیگر تغییر داد، از آن پس دومی را با واجب کردن نمازهای پنج گانه از میان برداشت . او گفت این مطلب در تفسیر این فرموده خداوند است

یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا او زد علیه و رتل القرآن ترتیلا انا سنلقی علیک قولا ثقیلا ان ناشئة اللیل هی اشد وطئا و اقوم ان لک فی النهار سبحا طویلا و اذکر اسم ربک و تبتل الیه تبتیلا ؛ ترجمه : ای جامه به خود پیچیده ، شب را، جز کمی ، بپاخیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن.

یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقت و تامل بخوان . را که ما به زودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد. مسلما نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت . و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند.

مزمل .سپس پروردگار با فرموده خود در این آیات ، واجب پیشین را از میان برداشت می فرماید:

ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذین معک و الله یدقر اللیل و النهار علم ان لن تحصوه فتاب علیکم فاقرءوا ما تیسر من القرآن ؛ ترجمه:

پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزند. خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند. او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را به دقت اندازه گیری کنید، برای عبادت کردن ، پس شما را بخشید. اکنون

Bia2book.blogfa.com

آنچه بر شما میسر است قرآن بخوانید .مزمل ۲۰.

بنابر این پروردگار شب زنده داری و یا نیمی از آن و یا کمتر از آن را با نماز از میان برداشت.

گفته می شود که خداوند فرموده خویش را در سوره مزمل با این آیه تغییر داده است : اقم الصلاۀ لدلوک الشمس الی غسق اللیل ؛ یعنی : نماز را از زوال خورشید هنگام ظهر تا نهایت تاریکی شب نیمه شب بخوان . وقرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا؛ یعنی : وهم چنین قرآن فجر نماز صبح را چرا که قرآن فجر، مشهود فرشتگان شب و روز است . و من اللیل فتهجد به نافلۀ لک ؛ یعنی : و پاسی از شب را از خواب برخیز، و قرآن ونماز بخوان ، این یک وظیفه اضافی برای توست . بنابراین ، نماز شب ، نافله و مستحب است نه واجب.

از سخن شافعی این چنین آشکار می شود که مسلمانان شب را به عبادت سپری می کردند. به این عبادت قیام و شب زنده داری اطلاق می گردید که در آن به قرائت قرآن می پرداختند. این کار بخش وسیعی از شب در حدود ۲ / ۳ و یا ثلثی از شب یعنی تقریبا نیمی از شب را می گرفت و صحابه در آن شرکت می کردند. سپس این عبادت به اوایل شب و انتهای آن محدود گردید. به این صورت که تنها به صورت قیام و خواندن قرآن نبود، بلکه به ذکر پرودگار تغییر یافت.

به نظر می رسد احتمالا تمام آیاتی که ذکر تسبیح پروردگار را در آغاز شب و پایان آن تذکر داده اند، در این زمان نازل شده باشند.

صحبت کردن در بین نماز، پیش از هجرت به حبشه مباح بود. شافعی به روایت از ابووائیل عبد الله نقل می کند که : ما پیش از آنکه به سرزمین حبشه هجرت کنیم به رسول خدا صلی الله علیه و آله

Bia2book.blogfa.com

در حالیکه نماز می خواند، سلام می کردیم و ایشان جواب ما را می دادند در حالیه مشغول به نماز بودند. هنگامیکه از سرزمین حبشه مراجعت کردیم نزد ایشان آمده دیدم مشغول به نماز هستند پس به ایشان سلام کردم اما جواب مرا ندادند. در کنار ایشان نشستم تا این که نماز را به پایان بردند. نزد ایشان رفتم ، فرمودند: خداوند آنچه را که اراده کند تغییر می دهد و در این باره اراده الهی بر آن است که در نماز صحبت نکنید.

کتاب های [235]سیره و حدیث روایت کرده اند که خداوند نخست پنجاه نماز را واجب گردانید، سپس پیامبر از درگاه الهی درخواست کاهش آن را کرد و خداوند آن را به پنج نماز تقلیل داد . (236)

منابع یاد شده به روایت از انس آورده اند که کاهش تعداد نمازها در شب معراج صورت گرفت . پی مطلب را به گونه ای عجیب نقل کرده است [237]. شاید تغییر نماز از پنجاه به پنج بار در روز، در اصل این گونه باشد که در آغاز نماز طولانی و زیاد بوده و سپس به تدریج از آن کاسته شده تا به پنج بار نماز در روز ثابت گردیده است . قرآن نیز با اشاره به طولانی بودن نماز و این که در حدود نیمی از شب را به خود اختصاص می داده ، این گفته را تایید نموده که سپس به فرمان الهی از مقدار آن کاسته شده است.

طبری به سند خود از ابن جریح نقل می کند پروردگار بخشی از آیات خویش را در راه بیت المقدس در شب معراج به پیامبر نمایان گردانید. فریضه نماز در شب معراج که یکسال پیش از هجرت پیامبر اتفاق افتاد، نازل گردید[238] .

Bia2book.blogfa.com

از این روایت ، آشکار می شود که نماز در شب معراج ، نشان از جایگاه خاصی را داشته که با قیام شبانه و ذکر و تسبیح پروردگار متفاوت بوده است.

در آیه ای ، از نماز فجر و نماز عشاء این گونه یاد گردیده است : یا ایها الذین آمنوا لیستاذنکم الذین ملکت ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرات من قبل صلاۀ الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیرۀ و من بعد صلاۀ العشاء ثلاث عورات لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن طوافون علیکم بعضکم علی بعض کذلک یبین الله لکم الایات و الله علیم حکیم و اذا بلغ الاطفال منک الحلم فلیستاذنوا کما استاذن الذین من قبلهم کذلک یبین الله لکم آیاته و الله علیم حکیم ؛

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید، بردگان شما و هم چنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند. پیش از نماز صبح ، و نیمروز هنگامی که لباس های معمولی خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شماست . اما بعد از این سه وقت ، گناهی بر شما و بر آنانست که بدون اجازه وارد شوند و برگرد یکدیگر بگردید. این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند و خداوند دانا و حکیم است نور ۵۸.

در دو آیه ، به سه وقت برای نماز اشاره گردیده ؛ گر چه نمی توان به صورت قطعی گفت ، ولی این می تواند دلیلی باشد که نماز در یکی از مراحل آغازین اسلام سه بار در روز بوده است:

و اقم الصلاۀ طرفی النهار وزلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن السیئات ذلک ذکری للذاکرین ؛ یعنی :در دو طرف روز، و اوایل شب ، نماز را به پا دار، چرا که حسنات ، سیئات و آثار آنها را از بین می برند، این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند هود ۱۱۴.

Bia2book.blogfa.com

اقم الصلاۀ لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر کان مشهودا و من اللیل فتهجد به نافلۀ لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا یعنی : نماز را از زوال خورشید هنگام ظهر تا نهایت تاریکی شب نیمه شب بر پا دار و هم چنین قرآن فجر نماز صبح را، چرا که قرآن فجر، مشهود فرشتگان شب و روز است . پاسی از شب را از خواب برخیز، و قرآن و نماز بخوان ، این یک وظیفه اضافی برای توست ، امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند اسراء ۷۹- ۷۸.

در آیه ای نیز بدون اشاره به تعداد نمازها، تنها تاکید بر نماز وسطی نماز ظهر شده است حافظوا علی الصلوات و الصلاۀ الوسطی و قوموا لله قانتین ؛ ترجمه : در انجام همه نمازها به خصوص نماز وسطی نماز ظهر کوشا باشید، و از روی خضوع و اطاعت ، برای خدا بپاخیزید بقره .281

در برخی از منابع آمده است که خداوند فریضه نماز را نخست این گونه واجب گردانید :دو رکعت دو رکعت در حضور و سفر، آنگاه نماز سفر را ثابت گردانیده و نماز حضور را افزایش داد[239] .

طبری به هنگام سخن گفتن از وقایع سال دوم هجرت می گوید: در این سال نماز حضر دو رکعت افزایش یافت ، در حالی که پیش از آن ، یعنی یک ماه پس از ورود رسول خدا ص به مدینه در شانزدهم ماه ربیع الاخر، نماز حضر و سفر دو رکعتی بود .واقدی می گوید مردم حجاز در این باره هیچ اختلافی ندارند[240] .

طبری از ابن عباس روایت می کند که : پیامبر فرمود: خداوند عزوجل نماز را در حضر چهار رکعت و در سفر دو رکعت و نماز خوف را یک رکعت قرار داد[241] .

Bia2book.blogfa.com

سمهودی به نقل از ابوحاتم روایت کرده است که سپس دو رکعت به نماز حضر اضافه گردید، اما اکثریت بر آن هستند که نماز از آغاز کامل بوده است و خدا داناتر است .و نیز روایت کرده است که پیامبر در آخر سال دوم ، نماز عید را بپا داشته ، سپس گوسفند قربانی نمود[242] .

قرآن کریم به نماز جمعه اشاره کرده و می فرماید :یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاۀ من یوم الجمعۀ فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، که این برای شما بهتر است اگر می دانستید. و هنگامی که نماز پایان گرفت شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید جمعه ۱۰- ۹.

ویژگی نماز جمعه و واجب بودن آن ، تنها در اقامه آن به صورت جماعت است . در این نماز، مسایل اجتماعی به صورت خطبه ایراد می گردد. در آن هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله خود به ایراد خطبه نماز جمعه پرداخته و مردم را به آن هشدار می داد. از آن پس خلفا و والیان این مهم را انجام می دادند. بنابر این ، نماز جمعه تنها در مکانی که دارای والی بود اقامه می گردید. در دوره های اسلامی قرون اولیه ، نماز جمعه تنها در یک مسجد به این صورت که در هر شهری مسجدی ویژه به این نام قرار داشت که نماز جمعه فقط در آن اقامه می شد. سپس اقامه نماز جمعه در شهرها و مراکزی که دارای والی نبود نیز مباح شد و از آن پس بود که در هر شهری تعدادی مسجد تعیین شد که در آنها نماز جمعه بپا می شود.

Bia2book.blogfa.com

نمازهای ویژه یا خاص

قرآن کریم به ذکر نمازهای خاصی که در شرایط ویژه ای اقامه می گردد نیز پرداخته است . از نماز خوف ترس این گونه یاد شده است : و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاۀ ان خفتم ان فتنکم الذین کفروا ان الکافرین کانوا لکم عدوا مبینا و اذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلاۀ فتقم طائفۀ منهم معک ولیاخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فلیکونوا من ورائکم ولتات طافۀ اخری لم یصلوا فلیصلوا معک و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم ود الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میلۀ واحدۀ ولا جناح علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم و خذوا حذرکم ان الله اعد للکافرین عذابا مهینا فاذا قضیتم الصلاۀ فاذکروا الله قیاما وقعودا و علی جنوبکم فاذا اطمانتم فاقیموا الصلاۀ ان الصلاۀ کانت علی المومنین کتابا موقوتا؛ یعنی هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر از فتنه وخطر کافران بترسید؛ زیرا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند. هنگامی که در میان آنها باشی ، و در میدان جنگ برای آنها نماز را بر پا کنی ، باید دسته ای از آنها با تو به نماز برخیزند، و سلاح هایشان را با خود برگیرند، و هنگامی که سجده کردند و نماز را به پایان رساندند ، باید به پشت سر شما به میدان نبرد بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند و مشغول پیکار بوده اند بیایند و با تو نماز بخوانند. آنها باید وسایل دفاعی و سلاح هایشان را در حال نماز با خود حمل کنند، زیرا کافران آرزو دارند که شما از سلاح ها و متاع های خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آوردند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار و مجروح هستید، مانعی ندارد که سلاح های خود را بر زمین بگذارید،

Bia2book.blogfa.com

ولی وسایل دفاعی مانند زره و خود را با خود بردارید. خداوند، عذاب خوارکننده ای برای کافران فراهم ساخته است نساء ۱۰۲- ۱۰۱.

ابن هشام روایت می کند که نخستین بار رسول خدا صلی الله علیه و آله این نماز را در غزوه ذات الرقاع اقامه نمود. در آن هنگام مسلمانان به جمع بسیاری از غطفان برخورد نموده و آنان بدون ترس به یکدیگر نزدیک شدند؛ اما برخی از آنان از یکدیگر واهمه داشتند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خوف را اقامه کردند. وی درباره چگونگی این نماز می گوید :رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را در دو ردیف قرار داد. همگی با ایشان به رکوع رفتیم . سپس پیامبر به سجده رفته و ردیف اول نیز به همراه ایشان سجود کردند .هنگامی که از سجده برخاستند. ردیف دوم به سجده رفتند. آنگاه ردیف دوم پیش افتادند و از جای برخاسته ، سپس ردیف اول برخاستند و همگی با پیامبر به رکوع رفتند. از آن پس پیامبر به همراه ردیف اول به سجده رفته ، هنگامی که سر از سجده برداشتند ردیف دوم به تنهایی به سجده رفتند. بنابر این همگی با هم به همراه پیامبر به رکوع رفته و هر یک به تنهایی دوباره سجده کردند[243] .

قرآن به نماز میت نیز اشاره کرده است و این نشان می دهد که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله اقامه می گردیده است . خداوند پیامبر را عدم اقامه نماز میت بر منافقین امر کرده و می فرماید :و لا تصل علی احد منهم مات ابدا؛ یعنی : هرگز بر مرده هیچ یک از آنان ، نماز نخوان توبه ۸۴.

پیامبر نماز عید را در مسجد خود اقامه نمی کردند، بلکه در اماکن دیگری برگزار می نمودند .ابو

Bia2book.blogfa.com

هریره روایت می کند :رسول خدا صلی الله علیه و آله نخستین بار در مدینه نماز عید فطر و قربان را با مردم در فضای باز خانه حکیم بن عداء در کنار جایگاه شتربانان اقامه کردند.

ابن شبه به سند از ابن باکیه روایت می کند :رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عید را در کنار دارالشفاء به پای داشتند، سپس در حارۀ الدوس ، آنگاه در مصلی نماز عید را در کنار دارالشفاء آن را به جای آوردند که تا هنگام وفات ، حضرت نماز عید را در این مکان اقامه می کردند[244] .

در واقع ، اغلب شهرهای بزرگ اسلامی دارای مصلای ویژه ای برای نماز عید جدای از مسجد جامع بزرگ شهر که در آن نماز جمعه اقامه می گردید بود.

به هنگام خلافت عمر بن خطاب نخستین بار مسلمانان ، نماز تراویح را به وجود آوردند. این نماز پس از نماز عشاء در ماه رمضان آغاز می گردد. عمر برای اولین بار در سال چهاردهم هجری مردم را به امامت یک نفر در به جا آوردن نماز تراویح در ماه رمضان امر نمود. وی فرمان خویش را به سایر کشورهای اسلامی نیز ارسال کرد و آنان را به انجام آن امر نمود[245] .

نماز فرادی جایز به شمار می آید که در آن هر شخص می تواند آن را در هر کجا که مایل بود به جا آورد؛ اما برتری در نماز جماعت است که فردی به آنان امامت نماید. در نماز جمعه و نماز عید، جماعت واجب به شما آمده و نیت از ضروریات آنهاست.

مردان به هنگام اقامه نماز، نیاز به پوشش خاصی ندارند و تنها ستر عورتین کافی است ، اما بانوان باید تمامی بدن خویش به استثناء صورت و دو دست ، به هنگام نماز بپوشانند.

اذان

Bia2book.blogfa.com

در اسلام به هنگام حیات پیامبر، نمازهای دیگری نیز وجود داشته که مسلمانان آن را بپا می داشتند. از آن میان می توان به نمازهای دو عید عید فطر و قربان اشاره نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله این نمازها را در دو رکعت بدون اذان [246] و اقامه [247] به پا داشته و خطبه را پس از پایان نماز ایراد می کردند[248] .

هنگامی که مسلمانان در بخش های مختلف مدینه منتشر بودند و نماز به عنوان یکی از واجبات مهم و اساسی آنان در وقت های معینی باید اقامه می شد، ضروری به نظر می رسید که به گونه ای فرا رسیدن زمان آن ، به اطلاع کلیه مسلمانان مدینه برسد.

یهودیان پیروان خویش را برای دعوت به نماز با دمیدن در شاخ آگاه می ساختند. اسلام نیز به این منظور عباراتی را که در آن وحدانیت و یگانگی پروردگار و اقرار به رسالت پیامبر و تقوا پیشگی و دعوت مردم به اقامه نماز بود، به وجود آورده و آن را با صدای بلندی در میان مردم ندا داد.

این ندا، اذان بود که در ماه ششم هجری واجب گردید.

وضو

وضوء از ضروریات نماز به شمار می آید. قرآن کریم چگونگی انجام آن را در این آیه متذکر گردیده است : یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاُ فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برءو سکم و ارجلکم الی الکعبین و ان کنتم جنبا فاطهروا و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لا مستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیدا صیبا فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم

Bia2book.blogfa.com

تشکرون ؛ ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید، و سر و پاها را تا مفصل برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشویید و غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما از محل پستی آمده قضای حاجت کرده ، یا با زنان تماس گرفته و آمیزش جنسی کرده اید ، و آب برای غسل یا وضو نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید، و از آن بر صورت پیشانی و دست ها بکشید. خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را برشما تمام نماید. شاید شکر او را بجا آورید مائده ۶.

نماز تاثیر به سزایی در نظم افراد جامعه اسلامی دارد. مسلمانان که بر اساس دین و اخلاق و روح اسلامی گرد هم آمده و همگی فریضه اسلامی را به گونه ای واحد انجام می دهند، تاثیر فراوانی در اخلاق و برخورد میان یکدیگر داشته و موجب هوشیاری مذهبی میان مسلمانان خواهند شد. آنان در این حرکت دسته جمعی و یکپارچه ، ایمان مشترک خویش به پروردگار را به مرحله اجرا در می آورند و این تاثیر فراوانی در پاکی روح و گسترش تفکر و همبستگی اسلامی میان آنان خواهد داشت.

قبله و تغییر آن رو به سوی مکه

قبله نخستین

راویان در این که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز هجرت در مدینه رو به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند با یکدیگر اختلافی ندارند؛ اما در قبله ای که مسلمانان پیش از

Bia2book.blogfa.com

نمازگزاردن به سوی بیت المقدس ، برای خود اختیار کرده بودند با یکدیگر اختلاف نظر دارند و در مورد تغییر قبله به سوی بیت المقدس نیز با یکدیگر هم عقیده نیستند .طبری هنگام تفسیر آیه ۱۴۳ از سوره بقره که مربوط به قبله است ، روایات متعدد و بحث گسترده ای را در مورد قبله متذکر شده [249]و از ابو العالیه روایت کرده است : به رسول خدا اختیار داده شد که چهره خویش را به هنگام نماز به هر سویی که مایل است بگرداند و ایشان بیت المقدس را به جهت دوستی اهل کتاب انتخاب نمودند . بیت المقدس از آن پس به مدت شانزده ماه قبله پیامبر به شمار می آمد. در این حال ، همواره حضرت نگاه های انتظارآمیز خود را به سوی آسمان متوجه می کرد، تا این که پروردگار قبله را به سوی بیت الله الحرام تغییر دادند[250] .

نیز از ابن عباس روایت شده است هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرد، بیشتر ساکنین آن را یهودیان تشکیل می دادند. پس به فرمان خداوند بیت المقدس را قبله خویش قرار داد، از این کار یهودیان خوشنود گردیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله یک سال و اندی را به این سوی نماز گزاردند. از زید نیز روایت شده است که : پروردگار عزوجل به پیامبر خود فرمود :فاینما تولوا فثم وجه الله ان الله واسع علیم ؛ یعنی : به هر سو رو کنید، خدا آنجاست ، خداوند بی نیاز و داناست بقره ۱۵ .سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند این گروه یهود، خانه ای از خانه های پروردگار را قبله خویش قرار داده اند، پس ما نیز چنین می کنیم ؛ آنگاه پیامبر شانزده ماه بیت المقدس را قبله خویش قرار دادند[251] .

از این سه روایت آشکار می شود که بیت المقدس پس از هجرت به مدینه ، به عنوان قبله تعیین

Bia2book.blogfa.com

گردید. این تعیین برای جلب محبت قلبی یهودیان صورت گرفت . بنا به روایت زید، این تعیین ، تنها تقلیدی از یهودیان بود و در روایت ابو العالیه ، تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، برای جلب اهل کتاب به اسلام بود. اما از روایت ابن عباس این گونه آشکار می شود که تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، موجب شادمانی یهودیان گردید.

بنابر ادعای ابن عباس تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، به فرمان پروردگار بوده است ؛ در حالی که در قرآن هیچ آیه ای رسول خدا صلی الله علیه و آله را به این امر فرمان نداده است ؛ اما براساس روایت ابوالعالیه و زید این تعیین از سوی خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفته است.

روایات دیگری نیز در این باره وجود دارد که بیت المقدس پیش از هجرت به عنوان قبله تعیین شده بود .ابن عباس روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در مکه بودند، به سوی بیت المقدس نماز گزارد، در حالی که کعبه را در پیش روی خویش قرار می داد. این وضع هم چنان تا شانزده ماه پس از هجرت به مدینه ادامه داشت تا این که کعبه را به عنوان قبله پیش روی خویش قرار داد[252] .

قتاده نیز روایت می کند آنان رو به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند .وی هم چنین در این باره گفته است : انصار به مدت دو سال پیش از ورود پیامبر به مدینه ، رو به بیت المقدس نماز می گزاردند .رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز پس از ورود به مدینه مدت شانزده ماه رو به بیت المقدس نماز گزاردند[253] .سعید بن مسیب ، و ابن جریح نیز روایت کرده اند :انصار سه سال پیش از ورود پیامبر، رو به قبله نخستین نماز می گزاردند[254] .

Bia2book.blogfa.com

براساس این گفته ها، آشکار می شود که پیامبر پیش از هجرت ، به سوی بیت المقدس نماز می خوانده اند که بر اساس روایت قتاده ، این مدت دو سال و به گفته سعید بن مسیب سه سال به درازا کشیده است و این زمان با شب معراج مطابقت می کند. بنابراین ، به این نتیجه می رسیم که انتخاب بیت المقدس به عنوان قبله گاه از سوی پروردگار بوده است ، هم چنان که در شب معراج به سوی آن ، تعداد رکعت های نماز نیز تعیین شد.

اما در مورد نخستین قبله ای که پیش از بیت المقدس به سوی آن ، نماز گزارده شد، ابن جریح روایت می کند رسول خدا نخست نماز خویش را رو به سوی کعبه می گزاردند، سپس قبله را به سوی بیت المقدس تغییر داده و از آن پس به مدت سه سال پیش از ورود پیامبر به مدینه ، انصار رو به سوی بیت المقدس نماز می خواندند [255] .این گفته که نماز در آغاز اسلام رو به سوی مکه بوده است ، نمی تواند منطقی و صحیح به شمار آید؛ زیرا اسلام در اوایل ظهور خود تنها محدود به مکه بوده و نمی توان گفت که مسلمانان ساکن در آن رو به سوی مکه نماز می گزارده اند. پس این سخن به نظر منطقی تر به نظر می رسد که در اوایل ظهور اسلام ، هنگامی که مسلمانان در مکه سکونت داشتند، به هر سو که مایل بودند، نماز می گزاردند. موید این گفته ، آیه شریفه : فاینما تولوا فثم وجه الله ؛ است . هم چنین فرموده پروردگار تاییدی بر این سخن است که : واوحینا الی موسی و اخیه ان تبوا لقومکما بمصر بیوتا و اجعلوا بیوتکم قبلة و اقیموا الصلاة و بشر المومنین ؛ یعنی : و به موسی و برادرش وحی کردیم که : برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید، و خانه هایتان را مقابل یکدیگر و متمرکز قرار دهید. و نماز را بپا دارید! و به

Bia2book.blogfa.com

مومنان بشارت ده که سرانجام پیروز می شوند یونس ۸۷.

تعیین قبله به سوی مکه

مجموعه آیات مربوط به قبله و تغییر آن ، همگی در سوره بقره و به این شرح آمده است:

سیقول السفهاء من الناس ما ولاهم عن قبلتهم التی کانوا علیها قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم ؛ یعنی : به زودی سبک مغزان از مردم می گویند :چه چیز آنها مسلمانان را از قبله ای که بر آن بودند بازگردانید؟ بگو: مشرق و مغرب ، از آن خداست . خدا هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند بقره ۱۴۲.

کذلک جعلناکم امۀ وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا و ما جعلنا القبلۀ التی کنت علیها الا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقیبه و ان کانت لکبیرۀ الا علی الذین هدی الله و ما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس لروءف رحیم ؛ یعنی همان گونه که قبله شما یک قبله میانه است شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم در حد اعتدال تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است و ما آن قبله ای را که قبلا بر آن بودید، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت باز می گردند، مشخص شوند. و مسلما این حکم ، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده ، دشوار بود .ابن را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق ، صحیح بوده است و خدا هرگز ایمان نماز شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم رحیم و مهربان است بقره ۱۴۳.

کذلک جعلنا کم امۀ وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا و ما جعلنا القبلۀ

Bia2book.blogfa.com

التی کنت علیها الا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عبیه و ان کان لکبیرة الا علی الذین هدی الله و ما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس لرءوف رحیم ؛ یعنی همان گونه که قبله شما یک قبله میانه است شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم در حد اعتدال تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است و ما آن قبله ای را که قبلا بر آن بودید، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت باز می گردند، مشخص شوند. و مسلما این حکم ، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده دشوار بود.

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبلة ترضاها فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره و ان الذین اوتوا الکتاب لیعلمون انه الحق من ربهم و ما الله بغافل عما یعملون ؛ یعنی : نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان برای تعیین قبله نهایی می بینیم ! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خوشنود باشی ، باز می گردانیم . پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن ! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن گردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده ، به خوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگار صادر شده ، و در کتاب های خود خوانده اند که پیغمبر اسلام ، به سوی دو قبله ، نماز می خواند و خداوند از اعمال آنها در مخفی داشتن این آیات غافل نیست بقره ۱۴۴.

ولئن اتیت الذین اوتو الکتاب بکل آیة ما تبعوا قبلتک و ما انت بتابع قبلتهم و ما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت اهواءهم من بعد ما جاءک من العلم انک اذا لمن الظالمین ؛ یعنی : سوگند که اگر برای این گروه از از اهل کتاب ، هر گونه آیه و نشانه و دلیلی بیاوری ، از قبله تو پیروی

Bia2book.blogfa.com

نخواهند کرد، و تو نیز؛ هیچ گاه از قبله آنان پیروی نخواهی نمود .آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان پذیر است و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد و اگر تو پس از این آگاهی ، متابعت هوس های آنها کنی ، مسلما از ستمگران خواهی بود !و هم یعملون الحق من ربک فلا تکون من الممترین ؛ یعنی : آنان آگاهانه حق را کتمان می کنند. این فرمان تغییر قبله حکم حقی از طرف پروردگار توست ، بنابر این ، هرگز از تردیدکنندگان در آن

مباش بقره 146 -147

ولکل وجهۀ هو مولیها فاستبقوا الخیرات این ما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شی ء قدیر ؛ یعنی : هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است بنابر این ، زیاد درباره قبله گفتگو نکنید و به جای آن در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید. هر جا باشید، خداوند همه شما را برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز حاضر می

کند، زیرا او به هر کاری تواناست بقره ۱۴۸.

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و انه للحق من ربک و ما الله بغافل عما تعملون ؛ یعنی : از هر جا و از هر شهر و نقطه ای خارج شدی ، به هنگام نماز روی خود را به جانب مسجد الحرام کن ! این دستور حقی از صرف پروردگار توست ! و خداوند، از آنچه انجام

می دهید، غافل نیست بقره ۱۴۹.

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره لئلا یکون للناس علیکم حجۀ الا الذین ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشونی ولاتم نعمتی علیکم و لعلکم

Bia2book.blogfa.com

تهتدون ؛ یعنی : و از هر جا خارج شدی ، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن ! و هر جا بودید روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم ، جز ظالمان که دست از لجاجت بر نمی دارند دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ زیرا از نشانه های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده ، این است که او، به سوی دو قبله ، نماز می خواند از آنها نترسید! و تنها از من بترسید !این تغییر قبله ، به خاطر آن بود که نعمت خود را بر شما تمام کنم ، شاید هدایت شوید بقره ۱۵۰.

نکات قابل توجه در این آیات عبارت است از:

1.در تمامی آیات یاد شده به جز آیه ۱۴۳، به قبله تصریح شده است . در این آیه ، گرچه مستقیما در این باره تصریح نگردیده ، اما مضمون و محتوای آن با دیگر آیات یکسان است.

2.آیات یاد شده به ترتیب نزول منظم نشده است ، زیرا از مضمون دو آیه نخستین 142 -141به صراحت بر می آید که پس از تغییر قبله ، نازل شده اند. به ویژه آن که آشکار است که آیات قرآن بر اساس تاریخ نزول آنها تنظیم و جمع آوری نشده اند.

3.با توجه به این که بر اساس قاعده ، معمولا باید پس از تغییر و تحول قبله ، گفتگو و بحث هایی به وجود آمده باشد، بنابر این می بایست آیه ۱۴۴ که تغییر قبله و توجه به سوی مسجد الحرام در آن امر گردیده ، پیش از آیه ۱۴۲ که در آن نابخردان نسبت به تغییر قبله اعتراض کرده اند، نازل گردیده باشد. اما دو آیه ۱۴۹- ۱۵۰، با وجود این که عبارت و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام در هر دو تکرار شده است ، همزمان نازل نگردیده اند، بلکه میان آنها فاصله ای وجود داشته است ؛ اما نسبت به فاصله زمانی این دو آیه ، اطلاع و اشاره خاصی در

Bia2book.blogfa.com

دست نداریم.

4.در آیات سه گانه ۱۴۴ / ۱۴۹ / ۱۵۰، به قبله گاهی با عنوان مسجد الحرام تصریح شده که مقصود همان کعبه و مکه بوده ، با این که اشاره مستقیمی به آن نشده است.

5.از ظاهر آیه ۱۴۴ این گونه بر می آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره قبله همواره دچار ناراحتی فکری و روحی بوده و این تغییر به اراده پروردگار و بر اساس خواسته پیامبر صورت پذیرفته است ؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله آرزوی تغییر قبله به سوی مسجد الحرام را داشتند که آیه نشاندهنده برآورده شدن این خواسته از سوی پروردگار است.

6.آیات ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، از پیامبر می خواهد که رو به سوی مسجد الحرام کند؛ سپس دیگران را یعنی مسلمانان را مورد خطاب قرار داده که آنان نیز رو به سوی مسجد الحرام نمایند.

7.آیه ۱۴۵ گواهی می دهد که در آن هنگام قبله های متعددی وجود داشته است . به این صورت که هر گروهی دین قبله خاصی برای خود داشته که با قبله دیگری تفاوت داشته است ؛ یعنی هر گروهی پیرو قبله خویش بوده است ؛ هم چنان که مضمون آیه آشکار می کند نظر پیامبر به سوی پروردگار بوده و این با سایر ادیان تفاوت داشته است.

8.آیه های ۱۴۴ / ۱۴۹ و ۱۵۰ این حقیقت را نمایان می سازد که قبله تازه مسلمانان ، به امر پروردگار بوده است.

.آیه ۱۴۲ می گوید که تغییر قبله بر اساس اراده پروردگار صورت پذیرفته است ؛ زیرا او مالک همه جهت ها بوده و به اراده ذات الهی ، لزوم توجه به سمت معینی تعیین می گردد.

Bia2book.blogfa.com

9.آیه ۱۴۲ می گوید که تغییر قبله بر اساس اراده پروردگار صورت پذیرفته است ؛ زیرا او مالک همه جهت ها بوده و به اراده ذات الهی ، لزوم توجه به سمت معینی تعیین می گردد.

10.آیه های ۱۴۳ و ۱۴۴ می گوید که تعیین سمت قبله که به آن سو نماز گزارده شود، حقی از سوی پروردگار بوده و اوست که فرمان تغییر آن را داده است.

11.آیه ۱۴۶ اشاره به جدالی دارد که از سوی اهل کتاب دامن زده شد. آنان ایمان داشتند که این تغییر از سوی پروردگار انجام گرفته ، اما گروهی آگاهانه حق را کتمان می کردند؛ در حالی که خود به آن آگاه بودند. البته این گروه در اقلیت بودند و اکثریت آنان ، حق را پنهان نمی کردند. از این رو، اهل کتاب درباره تغییر قبله دو گروه شدند: گروهی آن را قبول کردند که قرآن به آنان اشاره ای نکرده است ، اما گروه دیگر این تغییر را نپذیرفته و به مغالطه درباره آن پرداختند که قرآن به آنان پاسخ داده است.

12.از ظاهر آیه ۱۴۲ این گونه آشکار می شود که بی خردان معترض که کلمه ای مبهم به شمار می آید، تنها بر پیروان اهل کتاب اطلاق نگردیده ، بلکه شامل پیروانی از ادیان دیگر نیز بوده است . اینان گروهی از مردم بوده اند که بر دینی واحد قرار نداشته اند.

13.برخی از آیات ، پس از استقرار قبله نوین نازل گردید و در آن اشاره ای به قبله نخستین نشده است . نزول آیات یاد شده با تاخیر زمانی ، نشان دهنده درجه پیروی یاران پیامبر از دستورات قرآن است و این که آنان تا چه مقدار بدون چون و چرا دستورات دین تازه را گردن می نهند و از دین پیشین خود دست بر داشته اند.

Bia2book.blogfa.com

هم چنین می توانیم حدس بزنیم که مقصود آیه متوجه مسلمانان از مهاجرین و انصار و یا مشرکینی که به تازگی مسلمان شده بودند، نیست ؛ بلکه مقصود گروهی از مردم است که تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه برای آنان گران آمده است . از آن جا که بیت المقدس قبله یهودیان به شمار می آمد، بنابر این طرف خطاب آیات گروهی بوده اند که در میان پیامبر و یهودیان قرار داشته و تغییر قبله آنان را بر آن می داشته که موضع خویش را روشن نمایند و یا با مسلمانان باشند و یا از یهودیان به شمار آیند؛ زیرا شرایط حساس آن هنگام ، اقتضا می کرده است که هر یک موضع خویش را نسبت به اسلام و مسلمانان واضح و آشکار سازند.

14. در آیه ۱۵۰ این گونه تصریح شده است که تغییر قبله ، حجت را بر مسلمانان به پایان رسانیده است . اما در این آیه هیچ گونه اشاره ای به ماهیت حجت نگردیده است و به نظر می رسد که در آن هنگام ، شخصی گمان داشته که اسلام مانند یهودیت است ، اما تغییر قبله ، اعلان جدایی کامل و تمام از آن به شمار آمده است . گذشته از آن ، آیه اشاره به گروه ظالمی دارد که بر آراء و عقاید پیشین خود پافشاری کرده و می توانستند کانون خطری یا از ناحیه عمق اندیشه و توان بحث و مناظره و یا از جهت تهدید به جدایی از اسلام به شمار آیند.

15. آیه ۱۴۵ اشاره به آن دارد که اهل کتاب ، هم چنان دست از عادات و رسوم خود بر نداشته و به آنها پایبند هستند. آنها اندیشه و خواسته های قلبی ای دارند که با دستورات خداوند در تضاد است . آنان در تلاش بودند که پیامبر را نیز پیرو اندیشه های خود کنند، اما این تلاش ها پس از نزول آیه قبله و ملزم نشدن پیامبر به سرپیچی از خواسته ای آنان ، به شکست انجامید.

Bia2book.blogfa.com

16.آیه ۱۴۳ اشاره به آن دارد که انتخاب قبله تازه برای شناسایی مسلمانان از دیگران بوده ، تا به این وسیله ، موجب هدایت دیگران به راه راست شوند.

پیش از این گفتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند. براء می گوید :یهودیان از این که رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به قبله آنان که بیت المقدس بود، نماز می گزارد خرسند بودند؛ اما همین که رو به سوی کعبه نمود، اظهار نارضایتی نمودند[256] .

ابن عباس نیز در این باره می گوید :هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی بیت المقدس نماز می خواند، یهودیان شادمان گردیدند، اما پس از تغییر قبله ، در پیامبری او تشکیک کردند[257] .

اهمیت تغییر قبله

قبله دارای اهمیت فراوانی است ؛ زیرا نماد استقلال امت اسلامی به شمار می آید. بیننده خارجی که به اصول و عقاید اسلامی آگاهی ندارد، در حکم خود تنها به مظاهر خارجی آن اعتماد می کند و در صورتی که قبله اسلامی همان قبله یهودیان باشد، اسلام را مانند یهودیت به شمار می آورد. بنابراین ، تغییر قبله و جدایی آن از قبله یهود، تمامی این برداشت های غلط را باطل می سازد. شاید شادمانی یهودیان گمان می بردند مردم میان دین اسلام که پیامبر منادی آن بود با دین آنان تفاوتی نیابند. تغییر قبله ، این آرزوی آنان را نقش بر آب کرد و به همین جهت ، یهودیان در برابر اسلام صف آرایی کردند .قرآن در این باره تصریح کرده و آراء و گفته های آنان را

Bia2book.blogfa.com

منعکس نموده است . گروهی از آنان در برابر پیامبر جبهه گیری کرده و گروهی دیگر از آنان از پیامبر درخواست می کردند که به قبله پیشین خود بازگردد تا او را تصدیق نمایند. آنان با این گفته ، جز فریب پیامبر هدف دیگری را دنبال نمی کردند. تغییر قبله ، نمادی از جدایی کامل از یهودیان به شمار آمد و راهی ویژه و متفاوت از دیگران را، که مظهر اسلام و خلاقیت های آن بود، آشکار می ساخت.

نماز خواندن پیامبر به سوی بیت المقدس ، می توانست در جذب یهودیان به اسلام موثر باشد، اما آنان از این حرکت پیامبر بهره برداری کرده و چنان وانمود می کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیرو آنان است . معاذ بن حنبل روایت می کند که پیامبر سیزده ماه رو به بیت المقدس نماز گزارد تا قلب یهودیان را به سوی خود جذب نماید. او به سوی قبله آنان نماز می خواند تا این که بتواند آنان را نسبت به دین خود جلب نماید. در همین حال ، پیامبر گفته های باطل آنان را درباره قبله زشت و ناپسند می شمرد.

انس بن مالک درباره تاریخ تغییر قبله روایت می کند که : تغییر در ماه نهم و یا دهم اتفاق افتاد [258]؛ اما بیشتر راویان تغییر قبله را دقیقا در آغاز ماه شانزدهم در خانه براء بن معرور دانسته اند . [259]

تغییر قبله ، ناگهانی اتفاق افتاد، در زمان تغییر قبله ، رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بنی سلمه مشغول به نماز بودند و از آن پس ، این مکان به مسجد القبلتین معروف گردید .بازگرداندن قبله به سوی مسجد الرحام ، نشان دهنده خط مشی سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا

Bia2book.blogfa.com

پیامبر به دعوت میان اعراب اهتمام می ورزیدند. ایشان با توجه به سرسختی یهودیان نسبت به گرویدن به اسلام و نیز عدم احتمال گسترش دعوت خود میان مسیحیان ، راه میانه ای را طی نمود که مستقل از یهودیان و مسیحیان باشد و آن گسترش دعوت خود میان اعراب بود. در آن هنگام ، کعبه دارای جایگاه ویژه و با اهمیتی در میان عقاید عرب های جاهلی بود و به همین منظور، پیامبر رو به سوی آن کرد تا از این راه بتواند دعوت خویش را این گونه میان آنان گسترش دهد.

در این مورد ذکر چند نکته مفید است:

1.اسلام با تمام اعتقادات اعراب نمی جنگید، بلکه بر عکس برخی از آنها را قبول داشت . از جمله این که کعبه را محترم می شمرد و آن را قبله خویش قرار می دهد. به این ترتیب ، شک و تردید اعراب نسبت به موضع اسلام در برابر آنان کاهش می یافت و در نتیجه آنان در برابر اسلم نه تنها مقاومت سختی از خود نشان نمی دادند، بلکه جلب می شدند.

2.با این کار از کینه و شک تردید قریش نسبت به اسلام کاسته می شد؛ زیرا برای آنان آشکار می شد که پیامبر کعبه را، که پایه و اساس قدرت آنان در میان عرب بوده ، محترم شمرده و قصد آن ندارد که قریش و عزت آنان را نابود سازد. نیز این حرکت موجب می شد آنان ناخود آگاه انتشار اسلام را کمت به تثبیت جایگاه شهرشان بدانند.

3.این تغییر موجب شد که قریش نتواند ادعای اساسی خود را که به وسیله آن عرب را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله می شورانید، یعنی این که پیامبر با تمامی اعتقادات و اصول آنان که قدرت و منزلت آنان را به وجود آورده است مخالف است ، مطرح کند .احترام کعبه ، نشان از بی

Bia2book.blogfa.com

اساس بودن ادعای قریش داشت . از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرصت گسترش دعوت خویش را میان اعراب به دست می آورد؛ هم چنان که ارتباط خود با مکه را مستحکم می نمود؛ بدون آنکه قریش بتواند او را از آن دور نگاه دارد؛ زیرا پیامبر آن را محترم شمرده بود. بر این اساس ، قریش نمی توانست هیچ گونه مانعی برای پیامبر به وجود آورد؛ در غیر این صورت قریش به عنوان نقض کننده اصول اساسی و جنگ طلب به شمار می آمد. شاید بتوان گفت که یکی از علل عدم پشتیبانی قبایل از دعوت مشرکین مکه برای جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله ، همین قبله شدن کعبه باشد. از سوی دیگر، توجه به مسجد الحرام ، موجب زنده نگاه داشتن خاطرات مهاجرین بد که در نتیجه ، عواطف و احساسات آنان نسبت به موطن و زادگاه خویش مکه ، هم چنان در قلبشان روشن و برافروخته نگاه داشته می شد و آنان را نسبت به بازگرداندن آن به آغوش اسلام و مسلمانان و رهایی از دست مشرکین ، تشویق می نمود. این احساسات ، عاطفه میهن دوستی ، آنان را بر افروخته و شور و هیجان آنان را در جنگ با قریش ، که آنها را از سرزمین مادری رانده و از دیدار مقدس ترین جایگاه نزد آنان که عزیزتر از جان آنان به شمار می آمد، محروم ساخته بودند، افزایش می داد.

طبری به روایت از قتاده و سدی آورده است که یهودیان پس از تغییر قبله گفتند :محمد به زادگاه خویش و پدرش اشتیاق پیدا نمود، و مشرکین مکه در این باره گفتند محمد در دین خود متحیر گشته ، پس با قبله خود متوجه آنان گردیده است[260] !

تاکید بر ارتباط اسلام باابراهیم خلیل علیه السلام

Bia2book.blogfa.com

انتخاب مسجد الحرام به عنوان قبله مسلمانان برای دعوت پیامبر، دارای اهمیت فراوانی بود. زیرا مسجد الحرام که همان فضای پیرامون کعبه به شمار آمده ، همان بیت الله است که به اتفاق همه ، از سوی حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بنا گردیده است . بنابراین ، توجه به آن نشان از تاکید رابطه اسلام با حضرت ابراهیم علیه السلام بنا گردیده است . بنابراین ، توجه به آن نشان از تاکید رابطه اسلام با حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام می باشد. او نخستین شخصی بود که به همراه فرزندان خود ساکن مکه شد.

و آن را از شرک پاک ساخته و امنیت ورفاه را برای آن از درگاه الهی تقاضا نمود [261] .اهل مکه نیز از او هستند و بنابراین ، او پدر عرب است . احترام و تاکید بر جایگاه حضرت ابراهیم از سوی اسلام ، به معنای احترام پدر و بزرگ عرب بوده و همبستگی با عرب را استحکام می بخشید. این عامل مهمی در ارضای غریزه احترام به بزرگان نزد اعراب بود.

حضرت ابراهیم علیه السلام از جایگاه ویژه و مستحکمی در اسلام برخوردار است . قرآن کریم در ۶۸ آیه نام او را آورده است . که بیش از سی آیه آن ، درباره علاقه وی به قوم خود و نارضایتی وی از معبود آنان و اقدام به شکستن بت های آنان و به جان خریدن خشم آنان و سپس مهاجرت او ازسرزمینشان نازل گردیده است . در آیات دیگر، ابراهیم علیه السلام از پیامبرانی دانسته است که به وسیله برهان [262]به میان قوم خویش فرستاده شده است ؛ او یکی از پیامبرانی دانسته است که خداوند او را ستوده است [263].و در جای دیگر، به عنوان شخصی که پروردگار او را هدایت نموده و کتاب و حکمت و پیامبری را به او ارزانی داشته از او یاد شده است[264] . در آیه ای نیز

Bia2book.blogfa.com

از او این گونه یاد شده است:

ما او را در این جهان برگزیدیم ، و او در جهان دیگر، از صالحان است [265]؛ و در آیات دیگر این گونه آمده است : خداوند آیین پاک را برای او برگزید [266]و او را امام و پیشوای مردم قرار داد؛ [267]او از پیامبرانی بود که خداوند او و فرزندانش را مشمول نعمت های خویش قرار داد؛ [268]و پرودگار او را به دوستی خود انتخاب کرد[269] .

در آیه دیگری از قران کریم ، درباره حضرت ابراهیم علیه السلام این چنین آمده است:

ابراهیم دارای آیین خالصی بوده و او هرگز از مشرکان نبود؛ [270]او یکتا پرست مسلمانانی بود :اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمین ، و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن الا و انتم مسلمون یعنی : در آن هنگام که پروردگارش به او گفت : اسلام بیاور و در برابر حق ، تسلیم باش او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت ، و گفت : در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم .و ابراهیم و یعقوب در واپسین لحظات عمر فرزندان خود را به این آیین ، وصیت کردند و هر کدام به فرزندان خویش گفتند :فرزندان من ! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است ، و شما جز به آیین اسلام تسلیم در برابر پروردگار از دنیا نروید !بقره ۱۳۲- ۱۳۱.

در آیه دیگری حضرت ابراهیم به درگاه پروردگار دعا کرده و گفت : ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امۀ مسلمۀ لک وارنا منا سکنا و تب علینا انک انت التواب ارحیم ؛ یعنی پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار داده ! و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور، و طرز

Bia2book.blogfa.com

عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی بقره ۱۲۸.

دین حضرت ابراهیم از کهن ترین و صحیح ترین ادیان به شمار می آید :یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابراهیم و ما انزلت التوراه و الانجیل الا من بعد افلا تعقلون یعنی : ای اهل کتاب چرا درباره ابراهیم گفتگو و نزاع می کنید و هر کدام ، او را پیرو آیین خودتان معرفی می کنید در حالی که تورات و انجیل ، بعد از او نازل شده است . آیا اندیشه نمی کنید؟ آل عمران ۶۵

دین حضرت ابراهیم (ع) اسلام بوده است : ما کان ابراهیم یهودیان و لا نصرانیا ولکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین یعنی : ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی ، بلکه موحدی خالص و مسلمان بود ، و هرگز از مشرکان نبود .آل عمران ۶۷.

دین اسلام که به پیامبر بشارت داده شد، همان دین ابراهیم علیه السلام بود :ثم اوحینا الیک ان اتبع ملۀ ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین ؛ یعنی سپس به - تو وحی می فرستادیم که از آیین ابراهیم - که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود -پیروی کن نحل ۱۲۳.

قل صدق الله فاتبعوا ملۀ ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین ؛ یعنی : بگو :خدا راست گفته و اینها در آیین پاک ابراهیم نبود است ، بنابراین از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت ، و از مشرکان نبود !ال عمران ۹۵.

قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما ملۀ ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین ؛ یعنی : بگو پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده ، آیینی پا برجا وضامن سعادت دین ودنیا ، آیین ابراهیم ، که از آیین ابراهیم ، که از آیین های خرافی روی برگرداند و از مشرکان نبود انعام ۱۶۱.

Bia2book.blogfa.com

وقالوا کونوا هودا او نصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین ؛ یعنی : اهل کتاب گفتند: یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید! بگو: این آیین های تحریف شده ، هرگز نمی تواند موجب هدایت گردد، بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود !بقره ۱۳۵.

و جاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة الیکم ابراهیم هو سماکم المسلمین ؛ یعنی : و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا کنید! او شما را برگزید، و در دین اسلام کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد، از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید، خداوند شما را در کتاب های پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید حج ۷۸.

و من احسن دینا ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع ملة ابراهیم حنیفا و اتخذ الله ابراهیم خلیلا ؛ یعنی : دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد نساء ۱۲۵.

تاکید قرآن بر ارتباط اسلام و ابراهیم خلیل الله علیه السلام و آیین پاک او، به این معنی است که دین اسلام دارای اصولی کهن و ریشه ای بس عمیق است . بنابر این ، اسلام آیینی بدعت گزار نبوده به عنوان احیا کننده اصول و عقاید کهن الهی قیام کرده است . به همین مناسبت ، اسلام به نگهداری آن رضایت داده و اصول پاک و منزه آیین کهن را احترام گزارده و تقالید قدیمی را که اعراب به آن معروف بودند، مورد قبول خویش قرار داده است . یکی از علل مقاومت اعراب در برابر اسلام این بود که آنان دین اسلام را بدعتی نو که مخالف با اصول و سنت های پدران

Bia2book.blogfa.com

آنهاست به شما می آوردند. بر این اساس ، آشکار می شود که دین اسلام ریشه ای کهن داشته و آیینی اصیل و پاک و منزه از هر گونه عیب است . بنابر این ، صحیح ترین آیین به شمار می آمده است.

تاکید اسلام بر ارتباط و همبستگی با حضرت ابراهیم علیه السلام ، یهودیان را نیز نسبت به مطالبی که بر علیه پیامبر اشاعه می دادند، خلع سلاح می نمود؛ زیرا یهودیان ادعا می کردند که دین آنها کهن تر و بنابر این صحیح تر است . آنان عقیده داشتند که آنچه مورد اعتقاد و ایمان آنان است ، شاخص و نموداری برای تشخیص صواب و حق است و چون اسلام دینی تازه است ، لازم است که از چهارچوب دین کهن و قدیمی آنان خارج نشود؛ در غیر این صورت بدعتی بیش نیست. اسلام بر کهن بودند دین ابراهیم تاکید داشت و به عبارت دیگر، نشان می داد که اصول و پایه های آن ، کهن تر و قدیمی تر از دین یهود است . بنابر این ، در صورتی که اختلافی میان دین ابراهیم و یهودیان به وجود آید، ریشه اختلاف به تحریف هایی است که در یهودیت وارد شده است . از این رو، با توجه به پیشینه اسلام که در واقع همان دین ابراهیم است ، ضروری به نظر می رسد که آن ، معیار و اساس قرار گیرد؛ زیرا آنچه از احکام یهود، مخالف با احکام اسلام باشد ناصحیح است ؛ زیرا پیامبر، دین ابراهیم را از راه وحی از خدا دریافت داشت و یهودیان نمی توانستند این مطلب را انکار نمایند؛ چون آنان در آغاز اقرار کردند که به رسول خدا صلی الله علیه و آله از جانب پروردگار وحی نازل می شود، بنابر این اگر آن را انکار می کردند، تناقض بود و خود را رسوا می نمودند.

Bia2book.blogfa.com

روزه

روزه خودداری واز خوردن و آشامیدن هر خوراکی و نوشیدنی در زمان و مدتی معین و با هدف انجام دستورات شریعت است . بنابر این ، امتناع از خوردن یک نوع غذا و تعداد کمی از غذاها و یا امتناع از خوردن بر اساس دلایل بهداشتی ، روزه به شمار نمی آید.

امتناع از خوردن غذا، برای مدتی ممکن است ؛ زیرا جسم انسان در این حال از غذای ذخیره درون خود استفاده می کند. انسان در حال عادی ، می تواند به مدت یک هفته بدون غذا به زندگی خود ادامه دهد. گاه حالت های خاصی از مردم نقل شده است که توانسته اند مدتی طولانی تر نزدیک به سه ماه نیز بدون غذا زندگی کنند.

روزه در اقوام کهن

روزه ، تنها امتناع از خوردن نیست ، بلکه نیاز به انگیزه هایی خاص دارد؛ زیرا مظهری است از خضوع ارادی انسان در برابر اهداف و خواسته های دینی و عقیدتی ، این حالت با اندک تفاوت هایی در میان بیشتر ملت ها به چشم می خورد. روزه به هنگام به وجود آمدن حادثه های اجتماعی از قبیل سیل ها و زلزله ها و زمین لرزه ها، ساختن بناهای تازه ، تاج گذاری پادشاهان ، مراسم روحانیون دین ، ازدواج دوشیزگان ، مرگ یکی از نزدیکان و یا زاده شدن مولودی تازه و یا کاشتن گیاهان و درو کردن آن ها، به جای آورده می شده ، است ؛ گرچه روزه در میان اقوام کهن معروف بوده است . یهودیان به صورت عادت در دهم از ماه تشرین [271]از غروب آفتاب تا غروب آفتاب روز دیگر روزه می گرفته اند؛ البته آنها در روزهای دیگری نیز روزه می گیرند.

Bia2book.blogfa.com

مسیحیان نیز چهل روز، روزه می گرفته اند که در این روزها، خوردن برخی غذاها ممنوع می باشد .مانویان [272]نیز یک روز از هر ماه را روزه می گیرند. روزه ، در میان مردم دوران جاهلیت مکه معروف بوده است . در سوره مریم که سوره ای مکی ، است ، این چنین آمده است : فکلی واشربی وقری عینا فاماترین من البشر احد فقولی انی نذرت للرحمان صوما فلن اکلم الیوم انسیا ، یعنی : از این غذای لذیذ بخور، و از آن آب گوارا بنوش ، و چشمت را به این مولود جدید روشن دار! و هر گاه کسی از انسانها رادیدی ، با اشاره بگو: من برای خداوند رحمان روزه ای نذر کرده ام ، بنابر این امروز با هیچ انسانی سخن نمی گویم ! و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد !مریم ۲۶.

روزه در این آیه ، به معنای امتناع از سخن گفتن است و آن گونه که در این آیه بیان شده است ، این گونه سکوت ، در میان عرب مرسوم بوده است.

روزه در اسلام

در سوره بقره ، دو آیه درباره روزه نازل گردیده است که محتوای آیه ها، به تایید راویان ، روزه را در مراحل آغازین و نخستین آن شرح می دهد:

.1یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ؛ یعنی : ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده ، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شده ، تا پرهیزکار شوید بقره .183

ایاما معدودات فمن کان منکم مریضا او علی سفر فعدۀ من ایام اخر و علی الذین یطیقونه فدیۀ طعام

Bia2book.blogfa.com

مسکین فمن تطوع خیرا فهود خیر له و ان تصوموا خیر لکم ان کنتم تعلمون ؛ یعنی : چند روز معدودی را باید روزه بدارید و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست ، همچون بیماران مزمن ، و پیرمردان و پیر زنان لازم است کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند، و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است ، و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید بقره ۱۸۴.

از این آیه آشکار می شود که روزه در روزهای معینی بر همه واجب است ، اما انجام این واجب به صورت های دیگری نیز امکان دارد. مثلا مریض و یا مسافر می توانند افطار کنند، به شرط آنکه به تعداد همان روزها در وقت مناسب دیگری روزه بگیرند. اما مردان و زنان سالخورده که بعلت کهنسالی خود نمی توانند روزه بگیرند، افطار کرده و در عوض مستمندی را اطعام نمایند؛ با این که بهتر آن است که روزه بگیرند.

بخاری به سند خود از عایشه روایت می کند: عاشورا روزی بوده است که قریش در دوران جاهلیت آن روز را روزه می گرفته است ، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مبعوث گردیدند، آن روز را روزه گرفته و مردم را امر به آن کردند، تا این که روزه ماه رمضان واجب شد، پس روزه ماه رمضان را که واجب بود گرفتند و روزه عاشورا را ترک کردند[273] .

بخاری به سندی از ابن عباس روایت می کند هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شدند، مردم مدینه و یهودیان ، روز عاشورا را روزه می گرفتند. پیامبر علت آن را سوال کردند. آنان گفتند، این روزی است که پروردگار موسی را بر فرعون ظاهر ساخت . پس پیامبر

Bia2book.blogfa.com

فرمودند: محمد نزدیک تر از موسی به آنان است پس آن روز را روزه بگیرید[274] .

طبری به روایت تعدادی از تابعین می گوید :پروردگار پیش از واجب کردن روزه ماه رمضان ، سه روز روزه از هر ماه را بر مردم نوشت و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شدند، عاشورا و سه روز از هر ماه را روزه گرفتند. سپس خداوند روزه رمضان را واجب گردانید .هم چنین طبری گفته ابن عباس را روایت کرده است که : این نخستین روزه از روزهایی است که شب های آن تاریک است و نیز نامبرده از تعدادی تابعین از قبیل حسن بصری و سلمۀ بن اکوع و ابن شهاب و ابن عباس روایت می کند :هر کس می توانست روزه می گرفت و دیگران که از قدرت مالی برخوردار بودند افطار کرده و نیم صاع به تهیدستان فدیه می دادند که روزه ماه رمضان آن رسم را از میان برداشت [275] .

2.احل لکم لیلۀ الصیام الرفث الی نسائکم هن لباس لکم و انتم لباس لهن علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفا عنکم فالان باشروهن و ابتغوا ما کتب الله لکم و کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر ثم اتموا الصیام الی اللیل و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد تلک حدود الله فلا تقربوها کذلک یبین الله آیاته للناس لعلهم یتقون ؛ یعنی : آمیزش جنسی با همسرانتان ، در شب روزهایی که روزه می گیرید، حلال است . آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید .خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید و این کار ممنوع را انجام می دادید پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب نمایید، و

Bia2book.blogfa.com

بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب ، تکمیل کنید، و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند؛ این چنین آیات خود را برای مردم روشن می سازد. باشد که پرهیزکار گردند بقره ۱۸۷.

از آیه این چنین آشکار می گردد که مسلمانان پیش از نزول این آیه ، از نزدیکی با همسران خود امتناع می کردند و این برای آنان امری دشوار بوده است . هم چنین روزه تا انتهای شب نه تا غروب ادامه داشته و آنها از خوردن غذا در شب نیز خودداری می کردند. کلمه لیلة الصیام خود گواه آن است که روزه در روز و یا روزهای متفرقه بود، نه به صورت مجموعه ای از روزها.

روزه رمضان

راویان بر این عقیده اند که نخستین آیه روزه با نزول این آیه نسخ گردید :شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فمن شهد منکم الشهر فلیصمه و من کان مریضا او علی سفر فعدة من ایام اخر یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و لتکلموا العدة و لتکبروا الله علی ما هداکم و لعلکم تشکرون ؛ یعنی : روزه ، در چند روز معدود ماه رمضان است ، ماهی که قرآن ، برای راهنمایی مردم ، و نشانه های هدایت ، و فرق میان حق و باطل ، در آن نازل شده است . پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است ، روزهای دیگری را بر جای آن ، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر این که

Bia2book.blogfa.com

شما را هدایت کرده ، بزرگ بشمرید، باشد که شکرگزاری کنید بقره ۱۸۵.

آیه نشان می دهد که پروردگار روزه ماه رمضان را برای مسلمانان واجب گردانیده است و رفتار مسلمانان نیز همین گونه بوده است . نام رمضان معمولا در فصل تابستان قرار داشته که روزه در آن بسیار دشوار بوده بوده است . این ماه ، به خاطر شرایط طبیعی هم چون کوتاهی روز و یا اعتدال هوا در آن انتخاب نگردیده ، هم چنان که به جهت سختی کشیدن مردم نیز واجب خداوند نشده است . خود می فرماید یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر؛ یعنی : خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت و سختی بر شما را .اختیار این ماه از سوی پرودگار، در ارتباط با رخدادی دینی بوده که لازم به نظر می رسیده است با داشتن سختی و مشقت ، در این ماه قرار داده شود. در این آمده است شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان ؛ یعنی : ماه رمضان ، ماهی است که قرآن ، با بهمراه داشتن نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل ، برای راهنمایی مردم نازل شده است .

بر اساس آنچه مشهود است قرآن یک جا به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده ، بلکه به صورت بخش بخش در زمان ها و ماه ها و روزهای نا متوالی نازل گردیده است . بنابر این ، منظور از نزول قرآن در این آیه ، اشاره به معنای دیگری دارد. برخی از مفسرین منظور از نزول قرآن در این آیه ، اشاره به معنای دیگری دارد. برخی از مفسرین می گویند مقصود آیه ، نزول قرآن از آسمان بالا به آسمان دنیا و تنزل به بیت العزۀ یا بیت المعمور در آسمان این جهان و یا آسمان چهارم و سپس نزول بر قلب پیامبر [276]است . اما هیچ آیه صریحی از قرآن ، این نظر را

Bia2book.blogfa.com

به اثبات نمی رساند؛ و بنابراین ترجیحا این بیان ، باید دارای معنای دیگری باشد.

لازم است توجه داشته باشیم که پیامبر در ماه رمضان و پیش از نزول وحی بر ایشان در مکه مشغول به عبادت می شوند. آغاز نزول وحی نیز در همان ماه صورت گرفت . بنابر این فریضه روزه در ماه رمضان ، در همراهی با عادت های پیامبر در مکه بوده است . این مطلب می تواند خود جزیی از سیاست عمومی اسلام در توجه به مکه بوده است . این مطلب می تواند خود جزیی از سیاست عمومی اسلام در توجه به مکه و پیروی از عادات و تقالید مذهبی کهن و سالم در آن ، پس از پاک شدن آن از مظاهر شرک و بت پرستی باشد، که در نهایت آن عادت ها بر پایه اعتقاد به خدای یگانه و بازگشت به دین ابراهیم علیه السلام نمودار گردید.

قرآن در شب قدر نازل گردید؛ شبی که بر هزار ماه برتری دارد. این شب مبارک ، مطمئنا بدون ارتباط با روزه نبوده ، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله در این ایام مقدس ، همواره به پیروی از سنتی کهن به اعتکاف می پرداخت . رمضان تنها ماهی است که در قرآن از آن یاد شده است . روزه ماه رمضان ، در سال دوم هجرت و پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر واجب شد. این ماه ، از دیرباز نزد مومنین به دین حنیف از تقدس برخوردار بوده است و علاوه بر آن ، جایگاه بلندی در میان مسلمانان دارد؛ زیرا در این ماه نزول وحی آغاز گردید و مسلمانان در این ماه در جنگ بدر [277] پیروز شدند.

قرآن انواع دیگری از روزه را نیز ذکر کرده که بر همه مسلمانان واجب نیست.

کفاره سوگند

Bia2book.blogfa.com

خداوند می فرماید :لا یواخذکم الله باللغو فی ایمانکم ولکن یواخذکم بما عقدتم الایمان فکفارته اطعام عشرة مساکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبة فمن لم یجد فصیام ثلاثة ایام ذلک کفارة ایمانکم اذا حلفتم و احفظوا ایمانکم کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تشکرون ؛ یعنی : خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده وخالی از اراده مواخذه نمی کند، ولی در برابر سوگندهایی که از روی اراده محکم کرده اید، مواخذه می نماید. کفاره این گونه قسم ها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که با خانواده خود می دهید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، و یا آزاد کردن یک برده ، و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می گیرد. این ، کفار سوگنده ای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید و مخالفت می نمایید و سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید و مخالفت می نمایید و سوگندهای خود را حفظ کنید و نشکنید .خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را به جا آورید مائده ۸۹.

کفاره کشتن صید به هنگام احرام

خداوند می فرماید :یا ایها الذین آمنوا لا تقتلوا الصید و انتم و من قتله منکم متعمدا متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم هدیا بالغ الکعبة او کفارة طعام مسکین او عدل ذلک صیاما لیذوق وبال امره عفا الله عما سلف و من عاد فینتقم الله منه و الله عزیز ذو انتقام یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام ، شکار نکنید، و هر کس از شما عمدا آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهار پایان بدهد؛ کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل

Bia2book.blogfa.com

بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به حریم کعبه برسد، یا به جای قربانی اطعام مستمندان کند، یا معادل آن ، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده ، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است مائده

95.

و اتموا الحج و العمرة لله فان احصرتم فما استسیرمن الهدی و لا تحلقوا رءو سکم حتی یبلغ الهدی محله فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی فمن لم یجد فصیام ثلاثة ایام فی الحج و سبعة اذا رجتم تلک عشرة کاملة ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام و اتقوا الله و اعلموا ان الله شدید العقاب ؛ یعنی : و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری ، اجازه نداد که پس از احرام بستن ، وارد مکه شوید آنچه از قربانی فراهم شود ذبح کنید، و از احرام خارج شوید و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد و در قربانگاه ذبح شود و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت ، و ناچار بود سر خود را بتراشد باید فدیه و کفاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفند بدهد! و هنگامی که از بیماری و دشمن در امان بودید، هر کس با ختم عمره ، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است ذبح کند و هر که نیافت ، سه روز در ایام حج ، و هفت روز هنگامی که باز می گردد، روزه بدارد! این ، ده روز کامل است . البته این برای کسی است که خانواده او، در مسجد الحرام نباشد اهل مکه و اطراف آن نباشد و از خدا بپرهیزید و بدانید او سخت کیفر است بقره ۱۹۶.

Bia2book.blogfa.com

کیفر شخصی که مردی از قبیله هم پیمان رسول خدا را به قتل رساند

و ما کان لمومن ان یقتل مومنا الا خطا و من قتل مومنا خطا فتحریر رقبهٔ مومنهٔ ودیهٔ مسلمهٔ الی اهله الا ان یصدقوا فان کان من قوم عدو لکم و هو مومن فتحریر رقبهٔ مومنهٔ و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیهٔ مسلمهٔ الی اهله و تحریر رقبهٔ مومنهٔ فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین توبهٔ من الله و کان الله علیما حکیما ؛ یعنی : هیچ فرد با ایمانی مجاز نیست مومنی را به قتل برساند، مگر این که این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند، و درعین حال کسی که مومنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مومن را آزاد کند و خون بهایی به کسان او بپردازد؛ مگر این که آنها خون بها را ببخشند. و اگر مقتول ، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند و کافرند ولی مقتول با ایمان بوده ، تنها باید یک برده مومن را آزاد کند و پرداختن خون بها لازم نیست .و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است ، باید خون بهای او را به کسان او بپردازد، و یک برده مومن نیز آزاد کند. و آن کس که دسترسی به آزاد کردن برده ندارد، دو ماه پی در پی روزه می گیرد این ، یک نوع تخفیف و توبه الهی است و خداوند، دانا و حکیم است

نساء ۹۲.

کیفر کسانی که همسران خود را ظهار [278] می کنند

والذین یظاهرون من نسائهم ثم یعودون لما قالوا فتحریر رقبهٔ من قبل ان یتماسا ذلکم توعظون به والله بما تعملون خبیرمجادله ۳ ، فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین من قبل ان یتماسا فمن لم یستطیع فاطعام ستین مسکینا ذلک لتومنوا بالله و رسوله و تلک حدود الله و للکافرین عذاب الیم ؛

Bia2book.blogfa.com

یعنی : کسانی که همسران خود را ظهار می کنند، سپس از گفته خود باز می گردند، باید پیش از آمیزش جنسی ، برده ای را آزاد کنند. این دستوری است که به آن اندرز داده می شوید، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است . و کسی که توانایی آزاد کردن برده را نداشته باشد، دو ماه پی در پی قبل از آمیزش ، روزه بگیرد، و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند. این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید، این ها مرزهای الهی است ، و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند!

بخش دوم : تشکیل حکومت در مدینه

فصل هفتم : مخالفان و نفاق یهودیان در مدینه پاکسازی مدینه از یهودیان قینقاع .نضیر. قریظه

تمایلات مردم مدینه هنگام هجرت

وضعیت حاکم بر مدینه ، زمینه را برای پذیرش اسلام از سوی مردم و تایید و پشتیبانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله فراهم ساخت . این پذیرش هیچ گونه ارتباطی به فشارهای سیاسی جاه طلبانه و یا عکس العمل های حرکت های دینی و یا تنش های سیاسی موجود در آن نداشت ؛ بلکه زمینه های عقیدتی درونی مردم مدینه ، آنان را به سوی اسلام پیش می برد. از جمله عواملی که از آغاز برخورد با پیامبر، زمینه گسترش دعوت اسلامی در مدینه را فراهم نمود، این بود که اعراب اهل مدینه ، با وجود آن که بیشتر آنان مشرک بودند؛ در این شهر هیچ گونه موسسه و یا بنیاد مذهبی و دینی وابسته به شرک نداشتند و در مدینه الهه شرک و یا مردان مذهبی وابسته به

Bia2book.blogfa.com

شرک نیز نبود.

آنان برای به جا آوردن حج ، مکه را زیارت می کردند هم چنان که در میانه راه تقریبا نزدیک مکه ، مناۀ را که در مشلل قرار داشت زیارت می کردند.

این مطلب به این معنا نیست که تمامی مردم مدینه اسلام را پذیرفتند، بلکه ، دلایل گواهی می دهد و منابع نیز آورده اند که اسلام به صورت تدریجی در میان مردم گسترش یافت . آشکار است که نفوذ روح اسلامی و اصول و عقاید آن در دل مردم ، نیاز به زمان داشته و قدرت و نفوذ پیامبر پس از گذشت زمان کم کم استقرار یافت . خرد و دانایی پیامبر و اخلاق نیکوی ایشان ، تاثیر فراوانی در چیرگی بر بسیاری از مشکلاتی که با آن برخورد می نمودند، داشت.

بدون شک ، طبیعت فردگرایی نزد اعراب و وجود افرادی جاه طلب و صاحب نام در میان عشایر و اقوام آنان از یک سو، و شکل گیری جریان های متعدد بر پایه های و سیاسی کهن حاکم در مدینه از سوی دیگر، بر موضع گیری برخی افراد مدینه در برابر اسلام بی تاثیر نبوده است . برخی از عوامل یاد شده ، در تاخیر پذیرش اسلام عده ای از مردم یا درنگ کردن در تایید اسلام و پذیرش خواسته های آن و یا رویارویی آشکار با دیدگاه ها و نظرهای اسلام تاثیر فراوانی داشته و در نتیجه صورت های متعددی به خود گرفته است . این مبارزه و رویارویی می توانست آشکار در به وجود آمدن حوادث و اتفاقات بر علیه اسلام موثر باشد.

مدینه به هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه ادیان و عقاید مختلفی بود که مشهورترین آنان را یهودیان و مشرکین تشکیل می دادند. هم چنان که در آن هنگام مدینه دارای

Bia2book.blogfa.com

تعدادی یکتا پرست بود که دارای افکار و عقایدی شبیه به افکار مسیحیان بودند .در مدینه ، برخی گروه های سیاسی نیز بودند که بر پایه های عشایری تکیه داشته و بیشتر با تکیه بر نیروی قبیله ای ، تاثیر فراوانی بر شکل گیری و دسته بندی های آن دوره داشتند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت نمود، میان اویا همراهانش از مهاجرین مسلمانان قریش و مردم مدینه ، روابط و مراودات ریشه دار و گسترده قبیله ای وجود نداشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه نظام قبیله ای را ابقا نمودند، اما برای ایجاد پایه های نظم اجتماعی ویژه ای تلاش نمود که بر اساس آن ، مسلمانان با داشتن روابط عقیدتی و فکری اسلامی بتوانند، گروه یکپارچه و متحدی را به وجود آورند که بتواند در برابر رخدادهای احتمالی که اسلام با آن مواجه می گردید، موضع گیری نماید. این روابط گسترده و نوین که بر پایه های اعتقاد مذهبی به وجود آمده بود، در گسترش نفوذ و قدرت و تحکیم جایگاه پیامبر در اداره و راهنمایی های سیاسی - عمومی و تعیین خط مشی آن نقش موثری داشت.

در این نظام ، برتری از آن کسی بود که به خدمت اسلام در آمده و آن را بر منافع و خواسته های شخصی خود ترجیح دهد. طبیعی به نظر می رسد که نظام نوین اسلامی ، از یک سو با برخی از عقاید و افکار گوناگون دیگر هماهنگ نباشد و از سوی دیگر، از گسترش درگیری های خود خواهانه افراد جلوگیری نماید.

مخالفان

با این وصف ، طبیعی بود که جنبش هایی برای سر بر تافتن از پذیرش اسلام و مخالفت و

Bia2book.blogfa.com

ایستادگی در برابر خواسته ها و اهداف نظام اجتماعی نوین به وجود آید. جنبش ها و تحرکات یاد شده ، همگی ریشه در شهر مدینه داشته و در هیچ یک از گزارش های تاریخی ، اشاره ای به وجود رابطه ای مستحکم میان آنان و خارج از مدینه نشده است . در همین رابطه ، قابل توجه است که پس از هجرت پیامبر، مردم مکه هیچ گونه حرکتی برای پشتیبانی مشرکین در مدینه و یا تشویق آنان به مقاومت در برابر گسترش اسلام در آن ، نکرده اند، بلکه تنها به هنگام حرکت به سوی جنگ احد و خندق ، تحرکات پراکنده و بسیار ضعیفی را در میان همفکران خود در مدینه برای پشتیبانی از نیروهای خود به عمل آوردند. هم چنین آنان نتوانستند پناهندگان از مدینه را تحریک نمایند. مخالفین مدینه ، هیچ گونه ارتباطی با مکه نداشتند، هم چنان که برای حفظ منافع مشرکین مکه ، هیچ گونه تلاشی ننمودند. این وضعیت بر یهودیان نیز منطبق بود، زیرا هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با تک تک عشایر آنان جنگید، هیچ گونه تلاشی برای یکپارچگی و پشتیبانی از یاران هم دین خود به خرج ندادند و هیچ کمک و مساعدتی از سوی یهودیان خارج از مدینه نیز به آنان نشد.

مشکل می توان صورت کاملی از چگونگی گسترش اسلام و نفوذ عقاید و روح آن در اجتماع و نیز حرکت آن به سوی راهیابی به قدرت مرکزی در دولت اسلامی ترسیم کرد؛ زیرا سیره نویسان و تاریخ نگاران ، همت خویش را بیشتر بر برخی از مسایل برجسته ، متمرکز نموده و کمتر در مورد سیر تحول اجتماع که به تشکیل دولت در دوران پیامبر انجامید اشاره کرده اند. به ویژه آن که ، موضع برخی افراد در زمان پیامبر ثابت نبود و دچار تغییرات و دگرگونی می شد؛ تا این که

Bia2book.blogfa.com

در پایان ، اسلام را به آغوش کشیده و از روح مذهبی آن برخوردار و تحت لوای دولت آن در آمدند. نوادگان برخی از آنان ، که موضع مخالف و یا جنگ طلبانه ای در آغاز اسلام داشتند، به مقام های بلندی دست یافتند. از این رو، سیره نویسان پرداختن به حوادثی را که سوء پیشینه آنان را بازگو می کند خوش نداشته اند[279] .

از کتاب های تاریخ و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار می شود که در زمان پیامبر، شرایط سیاسی در مدینه در نتیجه برخورد با تعدادی از رخدادهای سخت و موذیانه از سوی برخی گروه های مخالف ، دست خوش لغزش ها یی گردید. این وضعیت ، زمینه را برای ایجاد برخی رفتارهای مشکوک که نشان از برخی رخنه ها داشت ایجاد نمود که پیامبر بلافاصله با درایت و کاردانی بر آنان چیره گردیده و در نهایت به افزایش قدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تحکیم جایگاه دولت و هماهنگ کردن روح مردم با عقاید و آراء اسلامی انجامید. این کوشش ، همچنان ادامه داشت ، تا این که پیش از عروج روح پیامبر به ملکوت اعلی ، آیه شریفه ای که نشان از کامل گردیدن دین بود نازل گردید :الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا؛ یعنی : امروز، دین شما را کامل کردم ، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم ، واسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم [280] .

ابن سعد می گوید :سعد بن معاذ اشهلی پس از پیمان عقبه ولی به دست مصعب بن عمیر اسلام آورد. هنگامی که وی اسلام آورد از بنی عبد الاشهل کسی باقی نماند که تا آن روز اسلام نیاورده باشد. بنابراین ، خانه بنی عبد الاشهل نخستین خانه از انصار بود که تمامی مردان و زنان آن

Bia2book.blogfa.com

مسلمان گردیده بودند [281] و این به آن معنی است که خانه های انصار، همگی اسلام نیاورده بودند.

تاخیر مسلمان شدن برخی عشایر مدینه

ابن سعد هم چنین می گوید: اسلام پس از پیمان عقبه در مدینه ظاهر گردیده و در خانه های کلیه انصار و خانواده ها، به جز خانه هایی از اءوس الله که شامل خطمه ، وائل و واقف بودند، گسترش یافت [282] . ابن اسحاق می گویید: خانه ای از خانه های انصار باقی نمانده بوده مگر آنکه همه مسلمانان شده بودند، به جز خانه هایی از خطمه ، و وائل و امیه که همگی از اوس الله به شمار آمده که قومی از اوس بودند.

آنان هم چنان تا پس از بدر و احد و خندق بر شرک خود باقی بودند[283].

ابن حزم نیز می گوید: اسلام بیشتر بنی خطمه که از بنی جشم بن اءوس الله بوده و آنان از فرزندان مرۀ بن مالک بن اوس به شمار می آمدند تا جنگ خندق به تاءخیر افتاد[284].

نکته قابل توجه ، این است که تنها ابن اسحاق به اسلام نیاوردن بنی امیه اشاره کرده و ابن حزم نیز بنی اوس الله را از فرزندان مرۀ بن مالک به شمار آورده است.

از گفته ابن اسحاق این گونه آشکار می شود که هیچ یک از این عشایر، اسلام نیاورده بودند.

سمهودی می گوید بنی خطمه همگی در اطم های خود و نه در محله سکونت گاهشان پراکنده بودند. هنگام ظهور اسلام ، مسجدی برای خویش اختیار کرده و مردی از آنان در کنار مسجد سکونت گزید.

Bia2book.blogfa.com

آنان هر روز از بیم حمله درندگان ، حال او را جویا می شدند. کم کم تعداد آنان در اطراف مسجد فزونی یافت ، طوری که این تجمع را به شهر غزه در شام تشبیه نموده و به آن غزه می گفتند . (285)

خانه های بنی خطمه در دشت مذینیب در نزدیکی بنی قریظه قرار داشت [286]. آنان دارای اطمی بنام صع ذرع بودند که در آن خانه ای قرار نداشت ، و از آن همانند دژی جنگی استفاده کرده و در پناه آن قرار داشتند. این دژ از آن تمامی خطمه بود[287] .

آنان سه اطم دیگر نیز داشتند [288] .خانه های بنی امیه بن زید نیز در نزدیکی بنی خطمه در رفاعه دو فرزند عبدالمنذر، و ابولبابه و سعد بن عبد و عدیم بن ساعده [289]از بنی امیه در جنگ بدر شرکت داشتند.

اما بنی واقف و وائل هر دو در اطراف مسجد الشمس سکونت داشتند .بنی واقف دارای دو اطم [290]بودند و بنی وائل تنها یکی اطم [291]داشتند. به نظر می رسد آنان پیش از جنگ خندق اسلام آورده اند، زیرا در حصار خود در اطمشان با بنی عمرو ابن عوف و خطمه و امیه سنگر گرفته و سپس با بنی قریظه به جنگ پرداختند[292] .

هلال بن امیه پرچمدار بنی واقف در فتح مکه بود [293]و همو از بنی واقف بود که از جنگ تبوک بازماند[294] .

ابن اسحاق درباره اسلام نیاوردن این عشایر می گوید :زیرا قیس بن اسلت یعنی صیفی در میان آنان بود. او شاعر و فرمانده آنان به شمار آمده و گوش به فرمان او بودند و از وی اطاعت می

Bia2book.blogfa.com

کردند. پس وی مانع از اسلام آوردن آنان شد [295] .واقدی گفته است که ابو قیس در جستجوی دین حنیف بود و در این باره از یهودیان یثرب و مسیحیان شام و سپس از زید بن عمرو بن نفیل در مکه پرس و جو نمود. هنگامی که پیامبر به مدینه وارد شدند، در نظر داشت مسلمان شود، اما عبد الله بن ابی او را برانگیخت . پس سوگند یاد کرد که اسلام خویش را به تاخیر اندازد. آنگاه در ماه دهم از هجرت درگذشت [296]روایت واقدی درباره نفوذ فراوان ابن اسلت بر این عشایر با روایت ابن اسحاق هماهنگ و برابر است ، اما گفته واقدی علل و عوامل اسلام نیاوردن او و یا اجازه اسلام آوردن عشیره اش را ارایه نمی کند؛ به ویژه آنکه نامبرده نگفته است ابن اسلت در نظر داشت گروه خاصی را پیرامون خود گرد آورد. با توجه به آنکه اسلام دارای ارتباط عمیقی با یگانه پرستان حنیفی ها که او بدان اعتقاد داشت ، بود، بنابر این بهتر آن بود که مانع از اسلام آوردن قبیله خود نشود. گذشته از آن ، با مرگ ابن اسلت پیش از پایان سال اول هجرت ، مانع اسلام آوردن عشیره او نیز از میان رفت . بنابر این تاخیر اسلام آنان باید دارای علت دیگری باشد. بعید به نظر نمی رسد عصماء دختر مروان که از بنی امیۀ بن زید بود در این تاخیر نقشی داشته باشد. او با یزید بن زید خطمی ازدواج کرده بود .وی همواره اسلام را مسخره کرده و پیامبر را اذیت می نمود و با شعر مردم را علیه او تحریک می نمود؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله عمیر بن عدی خطمی را فرستاده و او را به قتل رسانید [297] .روز کشته شدن او، اسلام می آورد ورد عقیده خویش را مخفی نگاه می داشت . نخستین افرادی که از بنی خطمه اسلام آوردند، عمیر بن عدی که به او قاری ء خواننده گفته می شد، عبد الله بن اوس ، و خزیمۀ بن ثابت بودند .روزی

Bia2book.blogfa.com

که دختر مروان به قتل رسید و عزت اسلام میان آنان بازگشت ، مردانی از بنی خطمه اسلام آوردند[298] .

ابو عامر راهب

یکی دیگر از مخالفین که به مبارزه بر علیه اسلام اقدام نمود، ابو عامر عبد عمرو بن صیفی ابن نعمان بود. او از بنی ضبیعۀ بن زید یکی از عشایر عمرو بن عوف از اوس [299]به شمار می آمد. و پیش از اسلام دارای جایگاه ویژه ای در میان عشیره خود بود .عبد الله بن ابی ، کوشش نمود پسر خاله خویش [300]را به آقایی و بزرگی بر اهل مدینه برساند[301].

ابو عامر پیش از ورود پیامبر به مدینه با اهل کتاب مناظره می کرد و از رهبانان پیروی کرده و آنان را عزیز می داشت . او رفت و آمد فراوانی به شام [302]داشت و از این رو راهب نامیده می شد. سپس پیامبر او را فاسق [303]لقب دادند. فرزند او حنظله غسیل الملائکه مسلمان بود که در جنگ احد به شهادت رسید[304] .

هنگام هجرت پیامبر به مدینه ، ابو عامر برای جلوگیری از اسلام آوردن عشیره خود به تلاش ناموفقی دست زد؛ آنگاه به همراه پنجاه نفر از افراد عشیره خود به مکه رفته و با سپاه مشرکین که برای جنگ با مسلمانان به سوی احد آمدند، بازگشت[305] .

او نخستین کسی بود که آغاز به جنگ کرد و امید داشت که از سوی عشیره خود پشتیبانی شود؛ اما آرزوی او بر آورده نشد[306]. پس جنگ را با شور و هیجان دنبال نکرد و سپس به مکه مراجعت کرده و پس از فتح مکه به سوی طائف نقل مکان نمود [307] .هنگامی که پیامبر به طائف

Bia2book.blogfa.com

وارد شدند، ابو عامر به همراه تنی چند از یارانش به شام گریخته و در آنجا به هلاکت رسید [308] .

منابع تنها به نام یکی از پیروان او یعنی هوذة بن قیس وائلی اشاره کرده اند که از بنی خطمه به شمار آمده و به همراه ابو عامر راهب مشرکین را در جنگ خندق تحریک می کرد [309] .لازم به یاد آوری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و مهاجرین ، هنگامی که به مدینه رسیدند، بر بنی عمرو بن عوف وارد شدند و پیامبر میان تعدادی از آنان و مهاجرین پیوند برادری بست . از آنان تعداد ۲۶ نفر و از هم پیمانان آنها ۲۳ نفر از در جنگ بدر شرکت داشتند. هم چنان که تعدادی از آنان ، چهار نفر از مردان و سه نفر از هم پیمانان آنان شرکت کردند [310] .آنان در روز فتح ، دارای پرچم بودند[311] .

نیز بنی سلم بن امری ء القیس ، که برادران بنی وائل و بنی زید به شمار می آمدند، هم پیمانان بنی عمر و بن مالک بن اوس پیش از هجرت و در سال او هجرت ، اسلام آوردند[312] .

خانه های بنی سلم در شرق قبا [313]قرار داشت و سرشناس ترین مرد آنان ، سعد بن خیثمه بوده که عزب های مهاجرین در خانه وی وارد شدند [314] .بنی سلم در سال های پایانی قرن دوم هجری منقرض شدند.

پیامبر هنگامی که به سوی بدر حرکت کردند، حارث بن حاطب را از روحاء به سوی بنی عمرو بن عوف که سخنی از آنان به او رسیده بود، باز فرستادند؛ [315]احتمالا اطلاعاتی که به پیامبر در این باره رسیده بود، از کارهای تحریک آمیز ابو عامر راهب بوده است.

ابو عفک

Bia2book.blogfa.com

یکی از فتنه گران بر علیه پیامبر ابو عفک از بنی عمرو بن عوف بود .مردی کهنسال از بنی عمرو بن عوف که به هنگام ورود پیامبر به مدینه ، 120سال از عمر او سپری شده بود و با اشعار خود، مردم را به دشمنی بر علیه پیامبر تحریک می کرد. وی هرگز اسلام نیاورد .پیامبر به سرانجام تشویشی که با اشعارش خلق می کرد، پی برده و سالم بن [316]عمیر را برای کشتن او مامور ساخت . پس او نیز در کمین ابو عفک نشسته و سرانجام او را به قتل رسانید. این حادثه سه ماه پس از جنگ بدر [317]اتفاق افتاد .قتل ابو عفک لرزه بر اندام یاوه گویان انداخت ، تا آنجا که عصماء دختر مروان بر اثر کشته شدن [318]او، دست به ریاکاری و دورویی زده و تظاهر به اسلام نمود. لازم به یاد آوری است که مسجد ضرار، هنگامی که رسول خدا برای جنگ تبوک از مدینه خارج گردید، در بنی عمرو بن عوف ساخته شد، و این همان مسجدی است که قرآن کریم آن را این گونه نکوهش کرده است : و الذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المومنین و ارصاد لمن حارب الله ورسوله ؛ یعنی : گروهی دیگر از آنها کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان ، و تقویت کفر ، و تفرقه افکنی میان مومنان ، و کمین گاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود توبه ۱۰۷.

آنگاه به فرمان پیامبر، مالک بن دخشم و عاصم بن عدی مسجد را به آتش کشیدند[319] .

ابن صیاد

از افرادی که نام او در حوادث آشوب و فتنه در مدینه مکرر آمده است ، ابن صیاد است . کتابهای سیره از ذکر او غافل گردیده اند، اما در کتاب های حدیث معلومات کاملی از او آمده

Bia2book.blogfa.com

است.

بر اساس آنچه در کتاب های حدیث آمده است ، مادر ابن صیاد، یهودی [320]بوده است . نام اصلی او صاف بوده و [321]در آغاز در میان بنی مغالۀ بن نجار زندگی می کرد. از آن پس به مدینه آمده و ادعای پیامبری نموده و غیب گویی می کرد [322]و تعدادی جوان و نوجوان اطراف او گرد آمدند [323].وی سرانجام به نبوت پیامبر اقرار کرد، امام او را پیامبر بی سوادان [324]! شمرده و هرگز به رسالت جهانی او اقرار نکرد.

منابع هیچ گونه اشاره ای به تایید یهودیان از ابن صیاد و یا پشتیبانی از وی نکرده اند؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله مکرر با و سخن گفتند؛ [325]ولی به ادعاهای وی اهمیتی نمی داد؛ اگر چه او تاثیر ضعیف و نقش محدودی در حوادث داشت.

اشاره های قرآن به مخالفین

آیات بسیاری در قرآن کریم آمده است که از آنها به وجود دسته بندی ها و مجموعه هایی از افراد در مدینه که در برابر اسلام موضع گیری کرده و فتنه و آشوب می نمودند، پی می بریم .

سرآمدترین این مخالفین بیمار، منافقین و یهودیان می باشند.

1.آنان که دل بیمارند: الذین فی قلوبهم مرض.

قرآن کریم دوازده بار این جمله را تکرار کرده است که سه بار آن را همراه با منافقین آورده است ، اما میان آنان فرق گذارده است . اینان در ایجاد شک و شبهه نسبت به رفتار پیامبر، به منافقین شباهت داشتند [326].این گروه مسلمانان را به تعصب و اعتقاد مطلق در دین متهم می

Bia2book.blogfa.com

ساختند[327] .بنابراین ، سزاوار بود اقداماتی که بر علیه منافقین صورت می گیرد، درباره آنها نیز عملی گردد[328] .

در یکی از آیات ، میان این گروه و کافران تفاوت گذاشته شده است ؛ گو این که آنان با کافران در تشکیک به معانی آیات قرآنی ، یکسان بوده اند[329] .

در آیات دیگری از آنان به شکل گروهی با رفتار ویژه و موضع گیری های خاص یاد شده است ؛ مثلا آمده است : فاذا انزلت سورۀ محکمۀ و ذکر فیها القتال رایت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون الیک نظر المعشی علیه من الموت ؛ یعنی : اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می گردد که در آن سخنی از جنگ است ، منافقان بیمار دل را می بینی که هم چون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند محمد ۲۰ .و یا و اذا نزلت سورۀ زادتهم رجسا؛ یعنی : هنگامی که سوره ای نازل می شود، آنها که در دلهایشان بیماری است ، پلیدی بر پلیدشان افزوده می گردد .توبه ۱۲۵ .هم چنین در آیه دیگر از آنان این گونه یاد می گردد :کسانی که در دل هایشان بیماری است می بینی که در دوستی با کفار از یهود و مسیحیان پیشی گرفته و هیچ گاه از در جنگ با آنان در نمی آیند مائده ۵۳ .در آیه دیگری آمده است که آنان را مورد آزمایش قرار دادیم ، اما باز فتنه آنان تکرار گردید :اولا یرون انهم یفتنون فی کل عام مرۀ او مرتین ثم لا یتوبون و لا هم یذکرون ؛ یعنی : آیا آنها نمی بینند که در هر سال ، یک یا دوبار آزمایش می شوند؟ باز توبه نمی کنند و متذکر هم نمی گردند توبه ۱۲۶.

قرآن به منافقین اخطار کرده است در صورتی که دست از فعالیت کینه توزانه خود برندارند، در

Bia2book.blogfa.com

جای دیگر تبعید و یا کشتن در انتظار آنان خواهد بود :لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینۀ لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلا، ملعونین اینما ثقفوا اخذوا و قتلوا تقتیلا ؛ یعنی : اگر منافقین و بیمار دلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم ، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند! و از همه جا طرد می شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید احزاب ، ۶۰.۶۱ -

شش آیه از سوره بقره نیز حال بیمار دلان را توصیف کرده است:

و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الاخر و ما هم بمومنین ، یخادعون الله و الذین آمنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون ، فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون ، و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون ، الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون ، و اذا قیل لهم آمنوا کما آمن الناس قالوا انومن کما آمن السفهاء الا انهم هم السفهاء و لکن لا یعلمون ، و اذا لقوا الذین آمنوا قالوا آمنا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم انما نحن مستهزئون علیه السلام ؛ یعنی : گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم در حالی که ایمان ندارند. می خواهند خدا و مومنان را فریب دهند در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند اما نمی فهمند. در دل های آنان یک نوع بیماری است ، خداوند بر بیماری آنان افزوده و به خاطر دروغ هایی که می گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست . و هنگامی که به آنان گفته شود :در زمین فساد نکنید !می گویند ما فقط اصلاح کننده

Bia2book.blogfa.com

ایم !آگاه باشید! اینها همان مفسدانند، ولی نمی فهمند. و هنگامی که به آنان گفته می شود: همانند سایر مردم ایمان بیاورید، می گویند آیا هم چون ابلهان ایمان بیاوریم ؟ بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمی دانند! و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند، و می گویند ما ایمان آورده ایم ولی هنگامی که با شیطان های خود خلوت می کنند، می گویند :ما با شماییم ! ما فقط آنها را مسخره می کنیم بقره ۱۶- ۸.

از این آیات این گونه نتیجه گیری می شود:

1.آنان ایمان نداشتند، اما با فریب کاری آشکار، ادعای ایمان می کردند.

2.آنان در زمین فساد کرده و دست به کارهای خلاف مصلحت اسلام زده و از دستورات پیامبر سرپیچی می کردند و هنگامی که از آنان بازخواست می شد می گفتند ما فقط اصلاح کننده هستیم ! یعنی آنان دارای موضع گیری های خاصی بودند که با مصلحت نظام اسلام در تعارض بوده و سبب زیان و تباهی در آن می گردید.

3.آنان افرادی مغرور بودند و خود را از نخبگان اجتماع می پنداشتند و معتقد بودند مومنین پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله مردمانی با ارزش نیستند.

4.آنان از بزرگان و سرشناسان دشمن اسلام پیروی می کردند.

سیره نویسان و تاریخ نگاران آگاهی های بیشتری از کارها و کردارهای بیمار دلان به نگارش در نیاورده اند .طبری می گوید مقصود از آنان منافقین است . اما قرآن کریم آنان را از منافقین جدا ساخته و کارها و دخالت های آنان را به گونه ای تعبیر کرده است که نشان از گروه و جماعت

Bia2book.blogfa.com

ویژه ای دارد. تکرار یاد آنان در قرآن نشان دهنده خطر آفرین بودن آنان است.

نفاق

کلمه نفاق هرگز در شعر جاهلی نیامده و برای نخستین بار در اسلام از آن استفاده شده است .به نظر می رسد این کلمه بر گرفته از نفق باشد. نفق به معنای حفره ای است که حیوانات کوچک برای پنهان شدن در آن و یا انتقال از آن به سویی دیگر، آن را به وجود می آورند. کلمه نفق در فرهنگ لغت ها به همین معنی آمده است.

توصیف نفاق در قرآن کریم

کلمه منافقین در ۲۶ آیه از قرآن که بیشتر آنها در سه سوره توبه 7و احزاب 6و نساء 5می باشد، آمده است . دیگر آیات در هشت سوره دیگر پراکنده شده است . یکی از سوره های قرآن به نام آنان نام گذاری شده است ؛ گرچه در آن ، فقط یک بار به آنان اشاره رفته است ، اما در برخی آیات آگاهی های بیشتری در مورد آنان داده شده است.

از مجموع آیات آشکار می شود که منافقین گروهی از مردم با ویژگی خاصی غیر از کافران و مشرکان بوده اند، اما با کفار [330]و مشرکین [331]در عذاب الهی مشترک بوده و در قیامت پایانی جز آتش دوزخ نخواهند داشت.

منافقین مدعی ایمان به خدا بودند، و در ظاهر به رسالت پیامبر اقرار داشتند، اما ایمان آنان ظاهری بود و نه قلبی . آنان واجبات اسلامی را با سختی و کراهت انجام می دادند، نماز را با سستی و کسالت بپا می داشتند، در برابر مردم ریا کرده و خدا را یاد می کردند[332] .

Bia2book.blogfa.com

آنان آیات پروردگار را استهزاء می کردند :یحذر المنافقون ان تنزل علیهم سورة تنبهم بما فی قلوبهم قل استهزئوا ان الله مخرج ما تحذرون ، و لئن سالتهم لیقولن انما کنا نخوض و نلعب قل اباالله و آیاته و رسوله کنتم تستهزئون ؛ یعنی : منافقان از آن بیم دارند که سوره ای بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو :استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می سازد !و اگر از آنها بپرسی چرا این اعمال خلاف را انجام داده اید؟ می گویند: ما بازی و شوخی می کردیم ! بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟ نساء ۱۳۹.

منافقین از پذیرش دعوت الهی سرباز می زدند و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا؛ یعنی : و هنگامی که به آنها گفته می شود :به سوی آنچه خداوند نازل کرده ، و به سوی پیامبر بیایید منافقان را می بینی که از قبول دعوت تو، اعراض می کنند نساء ۶۱.

گرچه بیشتر آنان از تمکن مالی خوبی برخوردار بودند، اما بخیل بوده و هنگام نیاز مسلمانان و برای رضای الهی بخشش نمی کردند :و منهم من عاهد الله لئن آتانا من فضله لنصدقن و لنکو من الصالحین ، فلما آتاهم من فضله بخلوا به وتولوا و هم معرضون ، فاعقبهم نفاقا فی قلوبهم الی یوم یلقونه بما اخلفوا الله ما وعدوه و بما کانوا یکذبون ؛ یعنی : بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که : اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعا صدقه خواهیم داد، و از صالحان و شاکران خواهیم بود! اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و

Bia2book.blogfa.com

روی برتافتند! این عمل ، روح نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت . این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند، و بخاطر آن است که دروغ می گفتند توبه ۷۷- ۷۵.

هم الذین یقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفضوا ولله خزائن السموات و الارض و لکن المنافقین لا یفقهون یعنی : آنها کسانی هستند که می گویند :به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند غافل از آنکه خزاین آسمانها و زمین از آن خداست ، ولی منافقان نمی فهمند منافقون ۷.

المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یامرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون ایدیهم نسوا الله فنسیهم ان المنافقین هم الفاسقون ؛ یعنی : مردان منافق و زنان منافق ، همه از یک گروهند! آنها امر به منکر، نهی از معروف می کنند، و دستهایشان را از انفاق و بخشش می بندند، خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را فراموش کرد و رحمتش را از آنها قطع نمود، به یقین ، منافقان همان فاسقانند توبه ۶۷.

خطرناک ترین حالت منافقین ، تردید آنان در مشارکت در جنگ به همراه مسلمانان بود :و لیعلم الذین نافقوا و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لا تبعناکم هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان ؛ یعنی : و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند، آنهایی که به ایشان گفته شد: بیاید در راه خدا نبرد کنید! یا حداقل از حریم خود، شوند، آنهایی که به ایشان گفته شد: بیاید در راه خدا نبرد کنید! یا حداقل از حریم خود، دفاع نمایید! گفتند: اگر می دانستیم

Bia2book.blogfa.com

جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم .اما می دانیم جنگی نمی شود .آنها در آن هنگام ، به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان .

و لو انا کتبنا علیهم ان اقتلوا انفسکم او اخرجوا من دیارکم ما فعلوه الا قلیل منهم ؛ یعنی اگر همانند بعضی از امت های پیشین ، به آنان دستور می دادیم یکدیگر را به قتل برسانید و یا از وطن و خانه خود، بیرون روید، تنها عده کمی از آنها عمل می کردند نساء ۶۶ .موضع آنان نیز میان مسلمانان و مشرکین بی ثبات و ناپایدار بود :الذین یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا الم نکن معکم و ان کان للکافرین نصیب قالوا الم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المومنین ؛ یعنی : منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند، اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم ؟ پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مومنان ، تشویق نمی کردیم ؟ پس ما با شما شریکیم نساء ۱۴۱.

الم تری الی الذین نافقوا یقولون لاخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب لئن اخرجتم لنخرجن معکم و لا نطیع فیکم احدا ابدا و ان قوتلتم لننصرنکم و الله یشهد انهم لکاذبون ، لئن اخرجوا لا یخرجون معهم و لئن قوتلوا لا ینصرونهم و لئن نصروهم لیولن الادبار ثم لا ینصرون ؛ یعنی : آیا منفاقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می گفتند :هر گاه شما را از وطن بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد، و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود .!خداوند شهادت می دهد که آنها دروغ

Bia2book.blogfa.com

گویانند! اگر آنها را بیرون کنند، با آنان بیرون نمی روند، و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی کند حشر ۱۲- ۱۱.

منافقین از ایمانی سست برخوردار بوده و به سرعت رو به سوی کفار و فتنه گری می گزاردند : اتخذوا ایمانهم جنۀ فصدوا عن سبیل الله انهم ساء ما کانوا یعملون ، ذلک بانهم آمنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون ؛ یعنی : آنها سوگندهایشان را سپر ساخته اند تا مردم را از راه خدا باز دارند، و کارهای بسیار بدی انجام می دهند! این به خاطر آن است که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند؛ از این رو بر دل های آنان مهر نهاده شده ، و حقیقت را درک نمی کنند منافقون ۳- ۲.

و من الناس من یقول آمنا با لله فاذا اوذی فی الله جعل فتنۀ الناس کعذاب الله و لئن جاء نصر من ربک لیقولن انا کنا معکم اولیس باعلم بما فی صدور العالمین ، و لیعلمن الله الذین آمنوا و لیعلمن المنافقین ؛ یعنی : و از مردم کسانی هستند که می گویند به خدا ایمان آورده ایم اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می بینند، آزار مردم را هم چون عذاب الهی می شمارند و از آن سخت وحشت می کنند ، ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت برای شما بیاید، می گویند :ما هم با شما بودیم و در این پیروزی شریکیم !آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است آگاه تر نیست ؟ مسلما خداوند مومنان را می شناسد، و به یقین منافقان را نیز می شناسد عنکبوت ۱۱- ۱۰.

Bia2book.blogfa.com

در روز رستاخیز منافقین به مسلمانان ندا می دهند :الم نکن معکم قالوا بلی و لنکنکم فتنتم انفسکم و تربصتم و ارتبتم و غرتکم الامانی حتی جاء امر الله و غرکم بالله الغرور ؛ یعنی : مگر ما با شما نبودیم ؟ می گویند: آری ، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار مرگ پیامبر را کشیدند، و در همه چیز شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریب کار شما را در برابر فرمان خداوند فریب داد حدید ۱۴.

لا تعتذروا قد کفرتم بعد ایمانکم ان نعف عن طائفۀ منکم نعذب طائفۀ بانهم کانوا مجرمین ؛ یعنی : بگو عذر خواهی نکنید که بیهوده است ؛ چرا که شما پس از ایمان آوردن ، کافر شدید! اگر گروهی از شما را به خاطر توبه مورد عفو قرار دهیم ، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد، زیرا مجرم بودند توبه ۶۶.

و اذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول الله لووا رءوسهم و رایتهم یصدون و هم مستکبرون ؛ یعنی : هنگامی که به آنان گفته می شود بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند سرهای خود را از روی استهزا و کبر و غرور تکان می دهند، و آنها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند منافقون ۵.

قرآن کریم ابتدا از پیامبر خواست که به آزارهای منافقین توجه نکرده و به آنان جواب ندهد؛ سپس به ایشان امر کرد که با آنان بجنگد و لا تطع الکافرین و المنافقین ودع اذاهم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا ؛ یعنی : و از کافران و منافقان اطاعت مکن ، و به آزارهای آنها اعتنا منما، بر خدا توکل کن ، و همین بس که خدا حامی و مدافع تو است احزاب ۴۸.

Bia2book.blogfa.com

لئن لهم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلا ؛ یعنی : اگر منافقان و بیمار دلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم ، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند !احزاب ۵.

قرآن کریم در تعدادی از آیات مجازات سختی را برای منافقین خبر داده است ؛ از جمله آمده است که و عاقبت به جهنم [333]رهسپار می گردند، آنان در پایین ترین درکات دوزخ ، جاودانه قرار خواهند داشت[334] .

از این آیات ، آشکار می شود که منافقین تظاهر به اسلام کرده و برخی واجبات و فرایض را از روی ریا انجام داده و هیچ گاه ایمان قلبی به اسلام نداشتند. آنان از روی ترس و واهمه تظاهر به اسلام می نمودند، در حالی که به پروردگار گمان بد داشتند و آیات خداوند را به استهزاء گرفته و در راه خدا انفاق نمی کردند. پیامبر را آزار و اذیت نموده و در جنگها با مسلمانان شرکت می کردند، بر مسلمانان تکبر نموده و خود را برتر از آنان می پنداشتند و با کفار مهربانی و ادب کرده و آنان را کمک نموده و مورد تایید خویش قرار می دادند.

بسیاری از آنان ، اسلام خویش را تغییر داده و به فتنه گری و آشوب در جامعه پرداختند از آنها تعدادی از مردم مدینه بودند، اما بادیه نشینان - زنان و مردانشان - در کفر و نفاق شدیدتر بودند. آنان در شمار فاسقان بوده ، و عاقبت در روز رستاخیز در عذاب الهی قرار خواهند گرفت.

پروردگار در مورد منافقین به پیامبر خود فرمان داد که در برابر اذیت و آزار آنان صبر پیشه کند.

Bia2book.blogfa.com

سپس امر فرمود با آنان مقاطعه کرده و از آن پس ، از در جنگ با آنان در آید. از مضمون آیات قرآنی ، این گونه بر می آید که منافقین مجموعه ای ناهمگن بوده و رابطه قبیله ای کاملی ، میان آنان را جمع نمی کرد و رفتار آنان نشان گر خواسته قبیله معینی نبود. در به همین دلیل نام قبیله ای

که مجموعه تشکیل دهنده افراد آن همه منافق باشند، ذکر نشده است . آنان دارای نظم سیاسی جامع و کاملی نبودند و عقیده مذهبی معین یا جهان بینی ویژه ای که آراء و عقاید و اعمال آنان را تنظیم و توجیه نماید، نیز نداشتند. این گروه در نحوه برخورد و موضع گیری در برابر اسلام و دولت اسلامی ، یکتا و جدا بوده و با مشرکین و کافران تفاوت داشتند.

بنابراین ، منافقین گروه صنفی مستقلی بوده و با وجود یگانگی و اتفاق آنان در بسیاری از رفتارها و برخوردها و عقیده ها با مشرکان و کافران ، از آنان متمایز و جدا بوده اند.

آنان گروهی بوده اند که به اسلام تظاهر می کردند، اما اسلام به هیچ وجه در دل آنان نفوذ نکرده بود. اینان در پیش آمدهای اجتماعی و حوادث ، موضع گیری های خاصی داشتند که هیچ گاه با مصلحت جامعه و امت یگانگی نداشت . آنان گروهی بی طرف و گوشه گیر نبودند و گاه آراء و نظریات خویش را برملا ساخته و بر اساس آنها موضع گیری های خاصی را همراه با تشویش و ترس و مخالفت سیاسی با رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار می کردند و هیچ گاه در راستای آرامش و سلامت جامعه قدم بر نمی داشتند. از این رو، می توانستند موقعیت های خطرناکی را پیش آورده و قدرت مرکزی اسلام را در قوانین و کارها و دستورالعمل هایش مورد تهدید قرار

Bia2book.blogfa.com

دهند .نداشتن فلسفه خاص و فقدان آراء و نظریات معین برای این گروه ، که بتوان بر اساس خط مشی خاص آن ، به درمان و معالجه آنان پرداخت ، نیز خطر وجود آنان را افزایش می داد.

چهره منافقین در کتاب های حدیث و تاریخ

کتاب های حدیث ، برخی از صفات فرد منافق را ذکر کرده که مهم ترین آنها این صفات است : اگر به او اعتماد شود، خیانت کند، و اگر سخن گوید، دروغ گوید و اگر پیمان ببندد عهد شکنی کند [335] .تمامی این صفات نشان دهنده آن است که آنان عنصری غیر قابل اعتمادند. پس در حقیقت ، خطر آنان بیشتر ناشی از موضع گیری های اخلاقی و سیاسی آنان در جامعه بود، نه برگرفته از عقایدی که آنان به آن پای بند بودند.

در کتاب های تفسیر نام تعدادی از منافقین و برخی از کارهای آنان که بوسیله انجام آن به گروه منافقین پیوستند، آمده است . آگاهی های موجود از منافقین در این کتاب ها، بسیار اندک است و تنها به آنچه در قرآن به آن اشاره شده ، بسنده گردیده و تمامی رفتارهای ناشایست آنان را در بر نمی گیرد.

در برخی از کتاب های سیره ، فهرستی از نام تعدادی از منافقین با عشایری که به آن وابسته بوده اند آورده شده است . هم چنین برخی از کارهای منافقانه آنان نیز ذکر گردیده که به دلیل آن ها به نفاق بد نام گردیدند[336] .

آنچه سیره نویسان در این باره نوشته اند، حوادث و رویدادهای ساده و دارای تاثیر محدودی بوده که بسیاری از آنها، با وجود آن که کوشش های سخت و تلاش جدی بر علیه السلام بوده ، به

Bia2book.blogfa.com

رویدادها و حوادث انفرادی و لغزش های موقت نزدیک تر بوده و بدین ترتیب افراد اقدام کننده به آن کارها را نمی توان به گروه نفاق وارد ساخت . از این رو، مطمئنا آن افراد دارای کارهای سخت واقدامات جدی و موثر دیگری بوده اند که نام آنان در میان منافقین ذکر گردیده است . هم چنان که از سوی دیگر نمی توان ننگ نفاق بر این افراد را از سوی راویان و مورخان ، به علت دشمنی ها و غرض ورزی ها شخصی آنان پنداشت ؛ زیرا در مقابل نیز نمی توان غرض ورزی های شخصی در این میان را، که شاید تعدادی از آنان به علت ارتباط او و یا نسل او با منافق داشته اند، در کم جلوه دادن کار و اعمال آنان به اثبات رساندی . از نظر دور داشت.

در کتاب های سیره ، به برخی از خصوصیات فرد منافق ، اشاراتی شده است که این اشارات دارای اهمیت ویژه ای برای شناخت ماهیت نفاق و حدود آن است . برای نمونه می توان به گفته ابن اسحاق اشاره کرد که می گوید :قیس بن عمرو بن سهل جوانی کم سن و سال بود و در میان منفاقین جوانی جز او شناخته نمی شد [337] .ابن اسحاق پس از این هیچ گونه اشاره دیگری به خصوصیات و کارهای او نکرده است ، جز آن که گفته است قیس بن عمرو بن سهل ، از بنی غنم بن مازن بن نجار به شمار آمده و با زینب دختر حباب که او نیز از بنی مازن بن نجار است ، ازدواج نمود و قیس [338]را برای او به دنیا آورد. هم چنین وی با عمرۀ دختر حارثه از بنی غنم بن نجار [339]ازدواج کرد ونیز گفته است که ابا شیخ دایی قیس بن عمرو نجار بود و مادر او نیز از بنی ساعده [340]بوده است . قیس یکی از شرکت کنندگان در ساختن مسجد ضرار به شمار می آید که البته شاید بتوان انگیزه های روحی کهنسالان را با روحیه محافظه کاری و شک و تردید و

Bia2book.blogfa.com

تلاش برای حفظ جایگاه و دوری از بلندی پروازی و ناخوشایندی از هر پدیده نوی که قدرت و جایگاه آنان را تهدید می کند، درک نمود.

ابن اسحاق می گوید :در بنی عبد الاشهل هیچ منافق مرد یا زنی شناخته نمی شد، امام ضحاک بن ثابت یکی از افراد بنی کعب ، و از وابستگان سعد بن زیاد متهم به نفاق و دوستی با یهودیان بود [341]، و من هیچ گونه اطلاعاتی درباره در ضحاک بن ثابت به دست نیاوردم ؛ اما اخلاص و پایمردی بنی عبد الاشهل و شوق رییس آنان سعد بن عباده نسبت به اسلام ، نشانگر اقبال و روی آوردن سریع آنان به اسلام است.

ابن اسحاق چهار منافق از خزرج را نام آورده است که عبارت اند از :جد بن قیس از سلمه و عبد الله بن ابی از بنی حبلی ، و زید بن عمرو و رافع بن ودیعۀ و قیس بن عمرو سهل و عمرو بن قیس از بنی نجار؛ [342]بلاذری و ابن حبیب نام سعد بن زراره ، عقبه بن کدیم ، عدی بن ربیعه ، سوید بن عدی [343]را به آنان افزوده اند. درباره عبد الله بن ابی بعدها به تفصیل سخن خواهیم گفت و درباره قیس بن عمرو نیز پیش از این سخن به میان آوردیم.

در مورد جد بن قیس ، ابن سعد می گوید [344] :کنیه او اباوهب بود. اسلام خود را آشکار نمود و با رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ ها شرکت کرد؛ در حالی که منافق بود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در غزوه تبوک شرکت داشت ، این آیه درباره او نازل گردید : ومنهم من یقول ائذن لی و لا تفتنی الا فی الفتنۀ سقطوا؛ یعنی : بعضی از آنها می گویند :به ما اجازه ده تا در جهاد شرکت نکنیم ، و ما را به گناه نیفکن آگاه باشید آنها هم اکنون در گناه سقوط

Bia2book.blogfa.com

کرده اند توبه ۱۴۹.

هم چنین می گوید تمامی مسلمانان در حدیبیه به جز جد بن قیس در زیر درخت بیعت کردند .

(345)

ابن هشام می گوید که جد بن قیس بزرگ بنی سلمه بود. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به علت پستی و فرومایگی او، بشر بن براء بن معرور را رییس و بزرگ بر آنان قرار داد و بدون شک رانده شدن او از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای عوامل دیگری نیز بوده که نفاق او نیز می تواند جزو آن ها باشد.

ابن اسحاق از اوس ، ۲۲ نفر منافق [346]را نام می برد .بلاذری و ابن حبیب نیز با تکرار آن ، نام شش تن دیگر را به آنان افزوده اند. از این گروه ، دوازده نفر، از کسانی هستند که مسجد ضرار را بپا داشتند و همگی از بنی عمرو بن عوف بودند. هفت نفر آنان از بنی ضبیعه ، سه نفر از بنی عبید و ثعلبه ؛ دو نفر از ظفر و حبیب ، و از عبد الاشهل و نبیت و لوذان و امیهٔ بن زید نیز یک نفر در میان آنان بود .از این رو می توان گفت برخی از سازندگان مسجد ضرار از خانواده های معینی بوده اند که در میان آنان جاریهٔ ابن عامر و دو فرزندش مجمع و زید می باشند. بیشتر افرادی که نامشان در میان منافقین آمده است ، از بنی عمرو بن عوف و بیشتر آنان از ضبعه و عبید بوده اند؛ تنها در میان آنان دو نفر از بنی ظفر یعنی حاطب بن امیه ، و بشیر ابن ابیرق و یک نفر از نبیت یعنی مربع بن فیظی بوده اند.

حاطب بن امیه پیری کهنسال و نابینا بود. او فرزندی داشت که در جنگ احد به قتل رسید و از

Bia2book.blogfa.com

کشته شدن او اندوهگین شد و کینه مسلمانان را به دل گرفت [347] . بشیر بن ابیرق نیز فردی بود که اشعاری را می سرود و مردم را بر علیه مسلمانان می شورانید. مرگ او در سال چهارم هجری بود.[348]

از میان دیگرانی که به نفاق متهم گردیده اند، حارث بن سوید است . او در جنگ احد فرصت را غنیمت شمرد و مجذر بن زیاد را به خونخواهی پدرش کشت . پس پیامبر دستور داد که او را بقتل رسانند [349] .بدون شک عامل خونخواهی ، او را به قتل واداشت ، که این امر دلالت بر روح قبیله گرایی و عدم نفوذ روح اسلامی در قلب وی است . فرمان کشتن وی ، موجب آن شد که خطر خونخواهی جاهلی که عامل تزلزل وحدت مسلمانان بود، در نطفه خاموش شود.

یکی دیگر از منافقین ، جلاس بن سوید بود. او به علت ناسزاگویی به اسلام در تبوک در شما منافقین در آمد و این آیه درباره او نازل گردید :یحلفون بالله ما قالوا و لقد قالوا کلمۀ الکفر و کفروا بعد اسلامهم و هموا بما لم ینالوا ؛ یعنی : به خدا سوگند می خورند که درغیاب پیامبر، سخنان نادرست نگفته اند، در حالی که قطعا سخنان آمیز گفته اند؛ و پس از اسلام آوردنشان ، کافر شده اند و تصمیم به کار خطرناکی گرفتند، که به آن نرسیدند توبه ۷۴ .کلمات پایانی آیه نشان دهنده کارهای مفسده جویانه وی بوده است که قصد انجام آن را داشت ، اما فرصت انجام آن را به دست نیاورد. منابع هیچ گونه اشاره ای به کارهای او نکرده اند.

از سوی دیگر تعدادی از این افراد که نشان منافق بر پیشانی آنها بسته شده بود، به ایمان به اسلام شهرت داشتند. از آن جمله مجمع ابن جاریه بود که قرآن را به جز دو یا سه سوره جمع آوری

Bia2book.blogfa.com

نمود ابن مسعود که نود و چند سوره قرآن را جمع کرده بود باقی مانده سوره های قرآن را از مجمع فراگرفته بود [350] .او به علت آن که امامت نمازگزاران در مسجد ضرار را به عهده داشت ، از منافقین شمرده شد؛ گو آن که نامبرده عذرخواهی نمود که از نیت پلید آنان اطلاعی نداشته است.

حارث بن حاطب نیز یکی دیگر از منافقین بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بر بنی عمرو بن عوف قرار داده و در جنگ بدر سهمی نیز از آن وی قرار داد. وی در جنگ خیبر [351] به قتل رسید و منابع درباره علت شهرت به نفاق وی سخنی نگفته اند. یکی دیگر از منافقین ضحاک بن خلیفه بود، اما وی پیش از تبوک به منافقین ناسزا گفت [352] . از دیگر منافقین ، قزمان بود که در جنگ احد شرکت نمود گفته شده است پرچمدار قریش را به قتل رساند[353] . بر طبق گفته سیره نویسان ، نفاق در جنگ خندق ، [354]محاصره بنی قریظه [355]غزوه بئر معونه [356]و تبوک چهره خود را به صورت آشکار و قوی ظاهر ساخت با به گونه ای که در جنگ تبوک گفته اند :منافقین در هیچ غزوه ای همانند غزوه تبوک شرکت نکرده و چهر منافقانه خویش را آشکار نساخته و کلمات نفاق را بر زبان نیاوردند[357] .

نفاق هیچ گاه در عشیره خاصی ، منحصر و محدود نبود؛ بلکه در افرادی از عشایر گوناگون به ظهور رسید. نفاق در حقیقت رفتار و دیدگاه های شخصی افراد در برابر اوضاع سیاسی حاکم و برخی از عقاید است . منافقین همگی به اسلام تظاهر کرده و فرایض اسلامی را انجام داده و در

Bia2book.blogfa.com

جنگ ها و غزواتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را رهبری می کرد، شرکت می جستند؛ اما در انجام فرایض اسلامی از خود شوری نشان نمی دادند و به صورت کامل و بدون چون چرا از پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت نمی کردند. منافقین ، گاه موضع گیری های ویژه ای می کردند که این حرکت آنان در یگانگی و همبستگی عمومی و شور و هیجان جامعه اسلامی تاثیر منفی می گذارد. بدون شک ، موضع گیری آنان نشان از ضعف اسلام درونی آنان و خواسته های آنان داشته است . رفتار منافقانه آنان نیز از لحاظ شدت متفاوت بود؛ گاه در حد زمزمه بود و گاه رفتاری بود که همبستگی و اتحاد و یگانگی مسلمانان را مورد تهدید قرار می داد.

عبد الله بن ابی

منابع ، سر دسته منافقین را عبد الله بن ابی دانسته اند. او از بنی سالم بلحبلی از خزرج است که سکونت گاه آنان در سمت جنوب شرقی مسجد پیامبر و در نزدیکی محله های مسکونی قینقاع قرار داشت . از میان آنان ، یک نفر در پیمان عقبه حضور داشته و نقیب داشتند. در جنگ بدر، از آنان ، یک نفر در پیمان عقبه حضور داشته و نقیب داشتند. در جنگ بدر، از آنان پنج نفر شرکت داشت . برخی از زنان آنان ، با مردان خزرج ازدواج کردند و این نشانگر آن است که این عشیره از آغاز رو به سوی اسلام گزارده بود.

مادر عبد الله بن ابی ، و یا مادر بزرگش از خزاعه بوده و ابو عامر راهب پسر خاله او و همسرش خوله دختر منذر از بنی نجار [358] بود.

یکی از خواهران او، با مردی از اوس و دیگری با مردی از بنی حارث بن خزرج [359] ازدواج

Bia2book.blogfa.com

نمودند. دختر او جمیله با مالک بن دخشم که از قوافل به شمار می آمد ازدواج کرد. مالک در عقبه و بدر و احد حضور داشت و در ویرانی مسجد ضرار شرکت نمود[360] .

عبد الله بن ابی در میان قوم خویش از جایگاهی برخوردار بود [361] .ساکنان یثرب قصد آن داشتند که به سوی او رفته و او را به سرکردگی خویش انتخاب نمایند [362] .او نخستین شخصی بود که یثربیان به ریاست او بر خود اجماع نمودند [363] .به نظر می رسد که او به هنگام پیمان عقبه در مکه حضور داشته ، اما در آن شرکت ننموده است[364] .

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کردند، وی اسلام نیاورد، اما در مجلس حضرت که آمیزه ای از مسلمانان و مشرکان بت پرست و یهودیان بود شرکت می جست . نامبرده درخواست پیامبر نسبت به پذیرش اسالم را اجابت نکرد؛ [365]تا این که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند؛ آنگاه وی اسلام خویش را آشکار نمود[366] .

بنی قینقاع هم پیمان او بودند و هنگامی که پیامبر با آنان از در جنگ در آمد، به یاری آنان نشتافت و تنها رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کرد که نسبت به آنان خوش رفتاری کند. در پایان نیز پیامبر به اخراج آنان از مدینه بسنده نمود [367] .هنگامی که در جنگ احد، لشکر مشرکین مکه به سوی مدینه حرکت نمود، عبد الله بن ابی هنگامی که در جنگ احد، لشکر مشرکین مکه به سوی مدینه حرکت نمود، عبد الله بن ابی نظر داد که نباید برای مصاف با آنان از مدینه خارج شد، بلکه باید از درون شهر به دفاع از آن برخاست . و آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم بر بیرون رفتن و جنگ با آنان را در احد گرفت ، در آغاز او به همراه

Bia2book.blogfa.com

مسلمانان بیرون رفت ، اما پیش از رسیدن به میدان جنگ ، از حرکت باز ایستاد و به همراه او، یک سوم لشکر مراجعت کردند. در منابع اشاره ای به هویت این افراد نشده است ، اما بی تردید اینان از عشیره او یعنی بلحبلی نبودند؛ زیرا تعدادی از مردان آنان در جنگ شرکت جسته و دو نفر از آنان به شهادت رسیدند[368].

هنگامی که پیامبر رو به سوی محاصره بنی نضیر نهاد، عبد الله یهودیان را به مقاومت در برابر مسلمانان ترغیب کرد و به آنان گفت : ثابت قدم و استوار باشید .او به آنان وعده یاری در جنگ داد؛ اما به آن عمل ننمود[369] .

او هم چنین در جنگ های پیامبر شرکت نمود، اما در برخی از آشوب ها نقش داشت از ترویج کنندگان حدیث افک [370]بود. در غزوه بنی المصطلق ، مشاجره ای میان فردی از مهاجرین و مردی انصاری روی داد که بیم آشوب و فتنه می رفت . عبد الله بن ابی در این میان به یاری انصاری برخاست و مهاجرین را تهدید نمود و گفت در صورتی که به مدینه بازگردیم ، عزیزان ، ذلیلان را بیرون می کنند[371] .

گفته می شود که او انصار را درباره پشتیبانی از مهاجرین ملامت کرده و به آنان گفت : سرزمین خود را به آنان بخشیده و دارایی های خود را با آنها تقسیم کردید به خدا سوگند اگر به آنان تنگ دستی نشان دهید و بر آنان سخت گیرید، به سرزمین دیگری جز سرزمین تان روی می برند .

[372]این آیه شریفه به او اشاره دارد :هم الذین یقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفضوا؛ یعنی : آنها کسانی هستند که می گویند به افرادی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید

Bia2book.blogfa.com

تا پراکنده شوند! منافقون ۷[373] .

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم به نبرد تبوک گرفتند، لشکریان خود را در ثنیهٔ الوداع مستقر کرده و عبد الله بن ابی لشکر خویش را در حده به موازات ذباب ، پایین تر از ثنیهٔ الوداع برپا ساخت ؛ [374]اما در جنگ شرکت ننمود. هنگامی که عبد الله بن ابی درگذشت ، پیامبر بر جنازه او حاضر شد، اما که این آیه بر ایشان نازل گردید :ولا تصل علی احد منهم مات ابدا و لا تقم علی قبره ؛ یعنی : هرگز بر مرده هیچ یک از آنان نماز نخوان ! و برکنار قبرش برای دعا و طلب آمرزش نایست ! توبه ۸۴[375] .

فرزند او عبد الله ، اسلام آورد و در بدر و احد و خندق و سایر جنگ ها شرکت جست و همواره از رفتار پدرش ناخرسند بود. او در جنگ مرتدین بحرین [376]شرکت جست و در جواثا [377]به قتل رسید.

با این توضیحات ، این گونه آشکار می گردد که عبد الله بن ابی شخصیتی نا آرام ، فرومایه ، دارای رفتاری ناپایدار و فاقد خواسته فکری واضح و روشن در رفتار بود.

فصل هشتم : یهود و ندای اسلام

بهودیان مدینه

هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه ، گروهی از یهودیان در آن زندگی می کردند که در این باره منابع یهودی هیچ گونه اشاره ای به آنها نکرده اند؛ اما منابع اسلامی ، آگاهی ها و اطلاعات گسترده ای از وضع آنان به هنگام هجرت و تاریخ این قوم به دست داده

Bia2book.blogfa.com

اند.

سمهودی در باره بنی قریظه می گوید :گفته اند هنگامی که روم بر شام چیره گردید، قریظه و نضیر و هدل از شام به سوی حجاز که در آن بنی اسراییل سکنی گزیده بودند گریختند. پس پادشاه روم ، گروهی را در پی آنان فرستاد که ناکام بازگشتند [378] .از این گفته ، آشکار می شود که کهن ترین گروه های یهودی که در مدینه سکونت داشتند، پس از تسلط رومیان بر شام ، در یثرب سکونت گزیده اند و احتمالا این هجرت ، به علت تسلط تیتوس بر دولت یهودیان و پراکندگی و از هم گسیختگی آنان به وجود آمده است.

سمهودی می گوید که یهودیان یثرب ، طی چندین بار هجرت به آن ، گرد هم آمده اند. کهن ترین هجرت آنان ، متعلق به بنی قریظه و هدل و عمرو بوده که از نسل هارون بن عمران به شمار می آیند .بنی نضیر پس از آنان در پی سکونت گاه های آنان به این سرزمین سرازیر شده و در عالیه فرود آمدند، اما بنی نضیر بر مذینیب ، و بنی قریظه و هذل بر مهزور وارد گردیدند[379] .

به نظر می رسد گروه های دیگری از یهودیان نیز از این هجرت پیروی کرده و به سوی یثرب مهاجرت کرده باشند، اما منابع هیچ گونه اشاره ای به تاریخ این هجرت های متوالی نکرده است.

سمهودی به نقل از رزین و شرقی گفته است که یهودیان بیست و چند قبیله بوده اند [380] .آنان برای خود اطم های داشته اند و ابن نجار درباره آنها می گوید :مدینه دارای پنجاه و نه اطم بوده ، و عرب های وارد شده بر آنان ، پیش از انصار دارای سیزده اطم بودند و ابن زباله نام اطم های زیادی را آورده است ، اما ما بعلت عدم آشنایی به آنها در زمان خود، آنها را حذف نمودیم [381] .

Bia2book.blogfa.com

یهودیان خود را در قبایل معینی به نظم آورده و در یثرب سکنی گزیدند .ابن زباله به نقل از سائب پدر بزرگ توبهٔ بن حسن روایت می کند هنگامی که اوس و خزرج به مدینه آمدند، قبایل یهودی باقی مانده در مدینه عبارت بودند از:

بنی قریظه ، بنی نضیر ، بنی ضخم محمم ، بنی زعورا، بنی ماسکه ، بنی قمعه ، بنی زیداللات که از پیروان عبد الله بن سلام بودند، بنی قینقاع ، بنی حجر، بنی ثعلبه ، ساکنین زهره ، ساکنین زباله ، ساکنین یثرب ، بنی غصیص ، بنی غصه ، بنی عکوه و بنی مرابه [382] .ابوالفرج اصفهانی نیز به هنگام سخن از یهودیان مدینه ، نام بیشتر عشایر آورده شده از سوی ابن رسته را ذکر کرده و اضافه می کند :در آن هنگام در یثرب گروهی از نسل یهودیان زندگی می کردند که دارای شرف و بزرگی و ثروت بر سایر یهودیان بوده و بنی مرابه در جایگاه بنی حارثه سکونت گزیده و دارای اطمی بنام خال بودند[383] .

نام های آورده شده در این باره از سوی ابن رسته به جز سه مورد همگی شامل عشایر یهودیان می گردد، این سه مورد عبارت اند از زهره ، زباله ، و یثرب .در مورد زهره ، سمهودی می گوید :اما ثعلبه و ساکنین زهره در منطقه زهره سکونت داشتند. اینان پیروان فطیون بودند که بزرگ و رییس آنان بود و او بود که با زنان مدینه پیش از ازدواجشان ، هم بستر می گردید. آنان دارای دو اطم در راه عریض به هنگام فرود به سوی حره بودند .در زهره گروه هایی از یهود زندگی می کردند و در آن هنگام یکی از بزرگ ترین دهکده های مدینه به شمار می آمد، که همگی از میان رفتند [384] .هم چنین می گوید که زهره یکی از بزرگ ترین دهکده های مدینه بوده که در آن

Bia2book.blogfa.com

سیصد زرگر مشغول به کار بودند، و همو می گوید که پس از عالیه قرار داشته و پایین تر از آن سافله نامیده می شده که نزدیک به جایگاهی به نام صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله [385]بوده است.

در نزدیکی زهره خانه های بنی زعورا، محمم ، ثعلبه ، حجره و مرابه قرار داشته است.

در مورد یثرب ، سمهودی می گوید :ساکنین یثرب را یهودیان تشکیل می دادند که همگی از میان رفته و کسی از آنان باقی نماند[386] .

هم چنین می گوید: یثرب ام القرای روستاهای مدینه به شمار می آمد که در میانه از سمت قناۀ تا سمت جرف قرار داشته و تا زباله امتداد می یافته است[387] .

اصفهانی می گوید :یثرب را گروهی از نسل یهودیان ساکن گردیده بودند که شرف و ثروت و بزرگی را به سایر یهودیان دارا بودند[388] .

اما زباله در شمال مدینه میان آن و یثرب قرار داشته است ؛ [389]یعنی در جنوب یثرب و در نزدیکی آن . در این منطقه راتج قرار داشته که سمهودی به نقل از ابن زباله می گوید اطم راتج از آن یهودیان بوده ، سپس از آن بن جذماء گردید .راتج در شرق زباب و در نزدیکی یثرب قرار داشته است [390] . او می گوید که بنی جذماء مردمانی از یمن بودند که از گورستان عبد الاشهل به راتج نقل مکان کردند[391] .

از عشیره های بزرگ یهودی در مدینه ، بنی حارثه بوده که محله های مسکونی آنان در ثمغ [392] بود .موسی بن عقبه به هنگام سخن از این گروه می گوید :رسول خدا صلی الله علیه و آله تمامی

Bia2book.blogfa.com

یهودیان مدینه را که شامل بنی قینقاع که قوم عبد الله بن سلام بودند، و یهود بنی حارثه ، و هر یهودی که در مدینه ساکن بود، تبعید نمود [393] .در جنوب آنان ، خانه های بنی عکوه [394] و در شمال آنها خانه های بنی مرابه که دارای اطمی بوده که به آن شبعان گفته می شد و در ثمغ که صدقه عمرو بن خطاب بود، قرار داشت [395] .

در بخش های جنوبی مدینه ، خانه های بنی قیقاع بر روی پل بطحان قرار داشت ، و بنی نضیر در دشت مذینیب ، و بنی قریظه در دشت مهزور سکونت داشتند. عشایر اوس با آنان در مسکن در هم آمیخته بودند، اما بنی مرید در منطقه درون بنی خطمه سکونت اختیار کرده و اطمی بنام خود داشتند و نیز بنی معاویه در بنی امیه بن زید منزل کرده بودند.

بنی هدل و بنی عمرو با قریظه در یک منطقه سکونت داشتند [396] .بنی هدل در همان شبی که بنی قریظه به حکم تبعید رسول خدا صلی الله علیه و آله سر تسلیم فرود آورد، ایمان آوردند، [397] که از ایمان آوردند، [398] که از میان آنان سجیت و منبه دو فرزند هدل ، و ثعلبه و اسد دو فرزند سمیه ، اسد بن عبید و رفاعۀ بن سموال را می توان نام برد [399] .

در این منطقه هم چنین بنی وائل اقامت داشتند که از میان آنان هوذۀ بن قیس وائلی ؛ ابو عمار وائلی و چند تنی که پیش از جنگ خندق ، گروه ها احزاب را بر علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله تدارک می دیدند، [400] زندگی می کردند.

در آن هنگام عشایر در جایگاههای متفاوتی از یکدیگر بودند .ابن اسحاق می گوید که بنی هدل از بنی قریظه و نضیر نبوده ، بلکه در جایگاه برتری از آنان قرار داشتند و تنها عموزادگان آنان به

Bia2book.blogfa.com

شمار می رفتند [401] .طبری به نقل از اسدی روایت می کند که : قریظه و نضیر در جاهلیت نسبت به یکدیگر این گونه بوده اند که هر گاه مردی از بنی قریظه به دست مردی از بنی نضیر از بنی قریظه را به قتل می رسید او را به خونخواهی مقتول می کشتند، اما اگر مردی از بنی نضیر از بنی قریظه را به قتل می رساند، شصت وسق خرما خون بهای او را می پرداختند؛ [402]یعنی بنی نضیر در رتبه ای برتر از قریظه قرار داشتند.

ابن عباس در تفسیر آیه : و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ؛ می گوید که پروردگار این آیه را برای دو طایفه یهود نازل گردانید؛ زیرا یک از آنان در دوران جاهلیت دیگری را مقهور گردانیده و توافق نمودند که هر کشته از ذلیله را که عزیزه مرتکب شود، دیه آن پنجاه وسق خرما باشد و هر کشته که به وسیله ذلیل از عزیز صورت گیرد، دیه آن یکصد وسق خرما باشد [403]و شاید اشاره او به بنی قریظه و نضیر باشد. پیش از این یاد کردیم که پادشاهی از آن بنی زهره بود که در میان آنان سیصد زرگر وجود داشت و این خود نشانگر جایگاه والای آنان در عهد کهن است . چنان که گفتیم ساکنان یثرب مردمانی دارای عزت و ثروت و مقام بوده اند احتمالا این جایگاه را پس از افول و زوال قدرت و سیادت بنی زهره به دست آورده اند.

کشاورزی

پراکندگی خانه های یهودیان در دشت های مدینه ، خود دلیلی بر اشتغال اکثر آنان در امر

Bia2book.blogfa.com

کشاورزی است . مصادره زمین های کشاورزی از سوی مسلمانان و ادامه کار کشاورزی بر روی آن نیز، تاییدی بر این گفته است . از سوی دیگر تعداد فراوان آنان و کمبود زمین ها قابل کشت در مدینه ، شاید خود دلیلی بر این حقیقت باشد که زمین های مورد نظر، از آن افرادی بوده است که بر روی آن کار می کرده اند و به قطعات کوچکی تقسیم شده بوده که تنها کفایت گذران زندگی هر یک از مالکین را داشت ؛ طوری که محصول کشاورزی به ندرت اضافه باقی می ماند .

ابن سعد روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه بنی قریظه را از سرزمینشان بیرون راند، نزد آنان شترهای فراوانی اعم از شترهای آبکش و شترهای پرواری [404] یافت.

در این میان نیز به افرادی اشاره شده است که دارای زمین های وسیعی بوده اند. از آن میان مخیرق را می توان نام برد که گفته می شود مالک صدقات هفت گانه پیامبر صلی الله علیه و آله [405] بوده است و طبیعی است که چنین مالکینی ، کارگرانی را برای کار بر روی زمین خود به استخدام در آورده باشند و با توجه به کم آمدن نام برده در منابع مدینه ، آشکار می شود که اینان نقش مهمی در کار کشاورزی نداشته اند، بلکه بیشتر کارگرانی بوده اند که در برابر مزد و یا سهمی از محصول مشغول به کار بوده اند. یهودیان نظام ویژه ای برای کار بر روی زمین نداشتند و بر طبق نظام معمول آن زمان در میان اعراب ، عمل می کردند.

بازرگانی

در کتاب ها، به اشتغال یهودیان مدینه به امر بازرگانی اشاره شده است . واقدی در تفسیر ایه و لقد

Bia2book.blogfa.com

آتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم ؛ یعنی : ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم ! حجر ۸۷، می گوید حسن بن فضل گفت : در یک روز هفت کاروان از بصری و اذرعات برای یهودیان بنی قریظهٔ و بنی نضیر رسید که در آن انواع جامه های پنبه ای و کتانی و ظرف های عطر و جواهر و فرآورده های دریایی قرار داشت . مسلمانان گفتند: اگر این اموال از آن ما بود توانمند گشته و آنها را در راه پروردگار انفاق می کردیم . پس خداوند این آیه را نازل فرمود که به شما هفت آیه را عطا کردم که آن برای شما از این هفت فاصله نیکوتر و برتر است[406] .

از این سخن ، آشکار می شود که بنی قریظه و نضیر دارای روابط بازرگانی گسترده ای با سرزمین شام بوده و کالاهایی هم چون جامه پنبه ای و کتانی و عطر و جواهر و فرآورده های دریایی در تجارت آنها بوده است . اطلاعی از درستی کالاهای آمده در این گفتار نداریم ، زیرا اینها همگی از فرآورده های یمن و تجارت آن سرزمین اند. و آنچه مشهور است ، تجارت با سرزمین شام در انحصار مردمان مکه بوده و در این باره هیچ گونه اشاره ای به نقش یهودیان نشده است ؛ به ویژه آن که شرایط عمومی آن دورزه ، این را اقتضا می کرده که یهودیان در تجارت بیشتر متوجه سرزمین فارس شوند، زیرا در آنجا از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده و از هم کیشان خود نیز در آن بسیار داشته اند. البته اشتغال گروهی از یهودیان مدینه به تجارت طلا؛ دور از نظر نیست . آنان طلا را از معادن آن در مدائن صالح و فران و ضنکان به سرزمین فارش که به آن نیازمند بود، صادر می کردند.

نام تعدادی از ثروتمندان یهودی که دارای پول فراوانی بودند، در منابع آمده است و مشهورترین

Bia2book.blogfa.com

آنان ابن ابی الحقیق می باشد.

یهودیان ، اموال خویش را به صورت ربا قرض می دادند. منابع نام تعدادی از قرض دهندگان یهودی را ذکر کرده اند .بکری گفته است که قرض کننده جابر بن عبد الله بود. او اصل مال و سود آن را به یک یهودی که به پدر عبد الله قرض داده بود ارایه کرد؛ اما او از گرفتن آن امتناع کرد [407] .و خواهان پول بیشتری بود .تسلط یهودیان بر معادن گران قیمت ؛ نشان آشکار حرفه و تخصص انحصاری آنان یعنی زرگری است . پیش از این گفتیم که در دوره های کهن ، در میان زهره سیصد زرگر داشتند و تردیدی نیست که حرفه زرگری ، تکیه بر معامله با معادن گران قیمت دارد و شاید ارتباط تنگاتنگی با قرض دادن و تجارت طلا نیز داشته باشد.

عادت ها

یهودیان دارای عادت ها و رسوم ویژه ای بودند که آنها را از دیگران جدا می ساخت . آنها موی سر خویش را بلند می کردند، در حالیکه مشرکین همگی ، میان موهای خویش ، را بلند می کردند، در حالی که مشرکین همگی ، میان موهای خویش ، فرق باز می کردند و بدین گونه از دیگران شناخته می شدند [408] .آنان هیچ گاه موهای خویش را رنگ نمی کردند [409] و زن را در دوران قاعدگی از خانواده اش دور می ساختند [410] .

زنا نزد آنان حرام به شمار می آمد و حد آن رجم بود، اما گسترش فساد اخلاقی نزد آنان ، موجب گردیده بود که حد را بر بزرگان و اشراف خود جاری نسازند. از آن پس ، مجازات زنا را به سیاه کردن و تازیانه زدن آنها محدود کرده و سپس آن را به همه گسترش دادند .براء بن عازب در

Bia2book.blogfa.com

این باره روایت کرده است که آنان گفتند مجازات زناکار در کتاب ما رجم است ، اما با فزونی زنا در میان اشراف و بزرگان ، آن گاه که شریفی را در حال زنا می گرفتیم ، او را رها ساخته و اگر بر ضعیفی دست می یافتیم حد را بر او جاری می ساختیم . پس گفتیم مجازاتی را قرار دهیم که بر شریف و ضعیف جاری شود. بنابراین بر سیاه کردن و تازیانه زدن همگی نظر دادیم [411]؛

البته سیاه کردن ، در اینجا به معنی مالیدن خاکستر به صورت بوده است[412] .

آنان برای نماز در شیپوری شبیه شاخ می دمیدند [413]و رو به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند، و در دهم از ماه تشرین اکتبر، ماه دهم میلادی روزه می گرفتند.

سازمان های دینی یهودیان

قرآن کریم در دو جا فرموده است الذین اوتوا الکتاب و الذین اوتوا نصیبا من الکتاب ؛ مفسرین ریشه تفاوت میان این دو را روشن نساخته اند. اینکه آیا این تفاوت ، بر اساس گستردگی و عمق اعتقادات آنان است و یا اوتوا نصیبا من الکتاب ، گروهی از یهودیان بوده اند که به برخی از احکام کتاب مقدس خود و نه تمام آن اعتقاد داشته اند، مشخص نیست . در هر حال ، منابع نگفته اند که یهودیان مدینه به فرقه های متفاوتی تقسیم شده بودند، بلکه گفته های آنان دلالت به این مطلب دارد که آنان همگی تابع عقیده یگانه ای بوده اند.

بیت المدارس و احبار

منابع اشاره ای به وجود کنیسه ای از آن یهودیان در مدینه نکرده اند و تنها آورده اند که آنان دارای یک بیت مدارس [414]بوده اند. به نظر می رسد که این جایگاه ، پایگاه عمده آنان - اگر

Bia2book.blogfa.com

نگوییم تنها جایگاه تجمع آنان - به شمار می رفته است.

ابن حنبل می گوید هنگامی که پیامبر قصد اخراج یهودیان از مدینه را داشت ، به این محل آمده و تصمیم خویش را به آنان اعلام نمود[415] .

از نام بیت مدارس این گونه بر می آید که در درجه نخست ، این محل مرکزی برای تدریس دینی آنان به شمار می آمده است . اصفهانی در این باره گفته است ابو شعثاء بزرگ یهودیان بود که بیت الدراسه را برای تعلیم تورات به وجود آورد، [416]و نیرز ابن اسحاق ذکر کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به بیت المدارس وارد شد، در آن نعمان بن عمرو، حرث بن زید [417]، عبد الله بن صوری ، ابو یاسر بن اخطب و وهب بن یهوزا را یافت که یهودیان گفتند این افراد احبار [418]و علمای ما هستند [419].هم چنین می گوید :ابو بکر به بیت المدارس وارد شد، در حالی که جمعیت بسیاری پیرامون مردی که به او فنحاص گفته می شد و از علما و احبار آنها به شمار می آمد، گرد آمده بودند و همراه او حبری از احبار آنها که به او اشیع گفته می شد بود[420] .

ابن اسحاق ، عبد الله بن صوری را اینگونه وصف کرده است : که او داناترین مرد به تورات بود [421]و آن دوران در حجاز کسی داناتر از او به تورات وجود نداشت [422] .

وی درباره عبد الله بن سلام گفته است : او حبر و داناترین آنان به شمار می آمده است [423] .

طبری به روایت از ابن عباس نقل می کند که کعب بن اشرف ، هنگامی که برای شورانیدن مردم مکه بر پیامبر به این شهر وارد شد، به او گفتند تو حبر مردم مدینه و بزرگ آنان هستی ، [424]و

Bia2book.blogfa.com

نیز در تفسیر آیه شریفه : الذین اوتو نصیبا من الکتاب یومنون بالجبت و الطاغوت ؛ یعنی : آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب خدا به آنان داده شده ، با این حال به جبت و طاغوت بت و بت پرستان ایمان می آورند، نساء ۵۱، طاغوت کعب بن اشرف و جبت ، حیی بن اخطب بوده است . در روایات دیگری جبت را کعب بن اشرف و طاغوت را شیطان معرفی کرده اند[425].

ابن اسحاق نام بیش از بیست نفر از یهودیان را ذکر کرده است که همواره با رسول خدا صلی الله علیه و آله جدال و گفت گو کرده و آنان را احبار یهود [426]نامیده است . دوازده تن آنان از بنی نضیر بوده اند؛ از آن جمله اند سه فرزند اخطب ، و فرزندان ابن حقیق که سه نفر بوده اند. وی هم چنین از قریظه هفده نفر، از قینقاع سه نفر، و از بنی ثعلبه نیز سه نفر را یاد کرده که به جز برخی از آنان که نام عبری داشته اند، بقیه دارای نامه های عربی بوده اند [427] .به نظر می رسد آنان نفوذ فراوانی بر یهودیانی داشته اند، زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود : اگر ده نفر از احبار یهود به من ایمان آورند، تمامی یهودیان روی زمین به رسالت من ایمان می آوردند .بعضی از حبرهای یهودی ، از ثروتمندان آنان به شمار بودند. یکی از آنان مخیرق بوده است که راهبی دانشمند بود، و مردی ثروتمند و دارای مال فراوان به شمار می آمده .قرآن کریم در این باره فرموده است ان کثیرا من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس اموال بالباطل ؛ یعنی بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و راهبان ، اموال مردم را به باطل می خورند توبه ۳۴ و لولا ینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و الکهم السحت ؛ یعنی : چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام ، نهی نمی کنند؟ مائده ۶۳.

Bia2book.blogfa.com

در میان اهل کتاب ، کسانی هستند که اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله ؛ یعنی : آنها دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند مائده ۳۱ .یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا و الربانیون و الاحبار؛ یعنی : و پیامبران ، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن یهود حکم می کردند؛ و هم چنین علماء و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و به آن گواه بودند، داوری می نمودند مائده ۴۴.

شرایط سیاسی یهودیان

در قدیم قدرت و حکومت مدینه در دست یهودیان قرار داشت . آنان برای پادشاهی انتخاب کرده بودند که بر آنان حکومت کرد. از میان پادشاهان آنان ، فطیون مشهور است که مرکز حکومت وی در زهره بوده و به پشتوانه آنان حکومت می کرد. بعدها عرب ها بر او تاخته و وی را به قتل رسانیده و بساط پادشاهی او را در هم نوردیدند. پس از آن دوره بود که هر عشیره استقلال یافته و خود، کارهای خویش را اداره می کرد. به هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه ، یهودیان از نظر سیاسی از یکدیگر جدا بودند. در آن هنگام ، هر عشیره ، به تنهایی عهده دار کارهای خویش بود و هر یک از عشایر دارای یک یا چند اطم بودند که به هنگام جنگ به آن پناه می بردند .منابع روسای تعدادی از این عشایر را نام برده اند که اعتقاد دینی مشترک ، فاقد روابط سیاسی فیمابین و یا همکاری گسترده داشتند؛ گو این که آنان همراه در آرزوی برگرداندن جایگاه و قدرت سیاسی کهن خویش بودند. آنها معتقد بودند که عاقبت روزی پیامبری در میانشان ظهور می کند و جایگاه پیشین آنان را به آنان باز می گرداند [428] .قرآن کریم در این باره می

Bia2book.blogfa.com

فرماید :ولما جاءهم کتاب من عند الله مصدق لما معهم و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنة الله علی الکافرین ؛ یعنی : و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، پیش از این ، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند که با کمک آن بر دشمنان پیروز گردند با این همه ، هنگامی که این کتاب ، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند، لعنت خدا بر کافران باد بقره ۵۸.

قرآن به دشمنی میان آنان که گاهی به جنگ و جدال می انجامید نیز اشاره کرده و می فرماید ثم انتم هولاء تقتلون انفسکم و تخرجون فریقا منکم من دیارهم تتظاهرون علیهم بالاثم و العدوان و ان یاتوکم اساری تفادوهم یعنی : اما این شما هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید، و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می نمایید، و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه می دهید. و آنان را آزاد می سازید بقره ۸۵.

ابن اسحاق می گوید یهودیان دو گروه بودند: گروهی به نام بنی قینقاع که هم پیمان خزرج به شمار می آمدند و گروه دیگر نضیر و قریظه که پیمان اوس بودند و در صورتی که جنگی میان اوس و خزرج اتفاق می افتاد، بنی قینقاع به همراه و در صف خزرجیان و نضیر و قریظه بهمراه اوسیان و در صف آنان می جنگیدند. در این حال هر یک از افراد دو گروه ، به همراه دیگر افراد قبیله خود، از هم پیمان خود پشتیبانی می کرد[429] .

Bia2book.blogfa.com

ملاحظه می شود که در این پیمان ها، سکونت گاه نقش مستقیمی داشته است ، زیرا محله های مسکونی بنی قینقاع در نزدیکی خزرج و محله های مسکونی نضیر و قریظه در نزدیکی خانه های اوس قرار داشت.

منابع تنها به نام یک نفر به عنوان رییس بنی قریظه اشاره کرده اند که کعب بن اسد قرظی سلسله جنبان بنی قریظه [430]است . شاید سایر عشایر نیز هر یک رییس یا بالاتر از آن را داشته اند، اما منابع هیچ گونه ذکری از آنها نکرده است . در واقع هنگامی که پیامبر به تدریج به جنگ سه قبیله بزرگ آنان قینقاع و نضیر و قریظه رفته و آنها را از مدینه تبعید کرد، هیچ یک از قبایل یهودی دست به اقدام جدی علیه حمله پیامبر به آنان نزد، تا آن که عاقبت پیامبر آنان را بیرون راند.

از هم گسیختگی یهودیان ، سبب گردید که عشایر آنان با برخی مردان سرشناس و یا عشایر عرب مدینه هم پیمان شوند. با این ال ، منابع اشاره ای به اقدام آنان به بستن پیمان سیاسی با طرف های نیرومند در حجاز، پیش از آمدن پیامبر نکرده اند. در این میان بنی قینقاع هم پیمان عبد الله بن ابی بودند و روایت شده است که هنگامی که پیامبر قصد بیرون راندن آنان از مدینه را نمود، وی به حضرت عرض کرد :ای محمد! به هم پیمانان من نیکویی نما! زیرا آنان در یک روز از سرخ و سیاه خود گذشته و از من پشتیبانی کردند[431] .

در آن هنگام بنی قریظه نیز از موالی سعد بن عبادهٔ و هم پیمانان او در جاهلیت به شمار می آمدند .

(432)

این گونه پیمان های فردی ، در نهایت موجب پیمان با عشیره آن شخص می شد؛ از این رو، بنی

Bia2book.blogfa.com

قریظه هم پیمانان اوس [433] یا هم پیمانان بین عمرو بن عوف از اوس به شمار می آمدند[434] .

در این گونه پیمان ها، همواره عرب ها دست بالا را داشته و با توجه به شرایط سیاسی و منافع خود، موضع گیری های سیاسی مناسب وضعیت خود را اختیار می کردند و در این میان ، یهودیان از نزدیکان آنان به شمار می رفتند [435] .قرآن کریم به این مطلب این گونه اشاره نموده است : یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانۀ من دونکم یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید آل عمران ، ۱۱۸.

منابع هیچ گونه اشاره ای به دخالت عشایر عرب و یا روسای آنها برای پشتیبانی از عشایر یهودی نکرده اند. علاوه بر آن که گزارش هایی از بروز دشمنی میان یهودیان نیز در دست نداریم . بنابر این ، بسیار مشکل است که چگونگی و مقدار همکاری مخفیانه میان آنان در دین را که از سوی بزرگان دینی آنان تقویت می شد و آنها را به دور هم گرد آورده بود تعیین نماییم.

در حقیقت ، عامل به وجود آمدن پیمان ها، جدا شدن عرب ها از یکدیگر بوده است . این دوری و جدایی ها، که روز به روز بر دامنه آن افزوده می شد، تاثیر فراوانی در از میان رفتن موازنه سیاسی آن دوران و گسترش بیم و هراس و از میان رفتن آرامش عشایر داشته است . بدون شک ، یهودیان از این پیمان ها در راه منافع و حمایت خود استفاده کردند؛ اما این موضوع ، چندان موثر و قدرتمند نبود؛ طوری که بنی قینقاع نتوانستند نسبت به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد اخراج آنان از مدینه عکس العملی نشان دهند. و بنی قریظه نیز در این راستا مقاومتی ننمودند. هم چنین برتری عرب ها در پیمان ها، نتوانست مانع تفکیک و تفرقه آنها گردد و آنان

Bia2book.blogfa.com

را به جریان سیاسی یگانه ای سوق دهد. هنگام ورود پیامبر و پشتیبانی عرب ها از وی و دین اسلام نیز، یهودیان از پیروی او سرباز زده و به مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداختند.

قرآن کریم در این مورد می گوید :ود کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارا؛ یعنی : بسیاری از اهل کتاب ، از روی حسد- که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان ، به حال کفر بازگردانند بقره ۱۰۹.

یهود در قرآن کریم

در قرآن کریم آیات بسیاری درباره بسیاری یهودیان و اهل کتاب نازل شده که در بسیاری از آنها به تاریخ یهود، پیامبر انشان و موضع گیریهای آنان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است . بیشتر این آیات ، منعکس کننده بوده و پیامبر همواره با آنان در تماس بوده ، می باشد. بدون شک ، آیاتی که در آنها نام بنی اسراییل و یهود و الذین هادوا و هود آمده است ، شامل آنها می شود. قرآن در ۴۱، نام بنی اسراییل را ذکر کرده و آنها را پیروان حضرت موسی علیه السلام شمرده است [436] . هم چنین فرموده است که آنان در پشتیبانی و تایید حضرت موسی ، شور و هیجانی از خو نشان نمی دادند [437] .سپس خداوند حضرت عیسی [438]را برای آنان فرستاد و آنان با سرپیچی خود، مورد لعنت حضرت مسیح و داود علیه السلام قرار گرفتند [439] . خداوند آنان را در جایگاه ویژه ای قرار داد [440]اما گمراه گردیدند [441] .یکی از آثار گمراهی های آنان ، دشمنی های خونی میان آنان بود [442]و زیاده روی در قتل و خونریزی ، [443]و

Bia2book.blogfa.com

تحریف دستورات الهی و فراموشی بعضی از احکام کتاب خود، [444]و دشمنی با پیامبر و جنگ با وی [445]و پشتیبانی بسیاری از آنان از کفار، در حالی که باید از مسلمانان حمایت نمایند[446] .

بنابر این ، اصطلاح بنی اسراییل ریشه ای نژادی و مقصود آن ، قوم حضرت موسی علیه السلام است.

تمام آیاتی که از آنان یاد کرده ، اشاره به رفتار ناهماهنگ آنان با حضرت موسی علیه السلام دارد.

قرآن در چهار آیه به نام هود [447]و در ده آیه به نام و الذین هادوا اشاره کرده است . یکسانی رفتار قرآن با آنان ، نشان دهنده و گواه این است که آنان یک جماعت هستند.

قرآن در یازده آیه ، از آنان به همراه مسیحیان یاد کرده است که آشکار می شود آنان مشترکا با اسلام به مخالفت برخاسته و هردو گروه ، به نظر خود معتقد بوده اند که تنها خود رستگار بوده و به بهشت وارد می شوند؛ در حالی که اسلام پیامبران پیشین را که پروردگار برای هدایت بشر ارسال نموده بود، تایید می نماید. قرآن در این آیات ، اشاره به آن دارد که این دو ملت با یکدیگر اختلاف داشته و همین اختلاف و شکاف ، آنان را از یکدیگر جدا می سازد [448].تمامی این آیات ، درباره عقاید و رفتارهای دینی و سیاسی آنان است.

اصطلاح یهود در هشت آیه از قرآن آمده است و در آنها نسبت های آنان بازگو شده است ؛ هم چون ادعای آنها که دست خدا با زنجیر بسته است ، [449]و عزیز فرزند خداست ، و در همان حال مسیحیان ادعا می کنند مسیح فرزند خداست [450] . آنها یهودیان و مسیحیان حبرها و راهبان

Bia2book.blogfa.com

خویش را معبود قرار دادند و با این کار به شرک نزدیک ترند[451] .میان این دو ملت اختلافات عمیقی وجود دارد و خداوند است که میان آنان حکم می نماید، پس نیکوتر آن است که مسلمانان در آن دخالتی ننمایند. قرآن هم چنین اشاره می کند که مسیحیان در برابر حق تکبر نمی ورزند و نزدیک ترین دوستان به مسلمان اند؛ در صورتی که یهود دشمن ترین مردم نسبت به مومنان و اسلام هستند [452] .یهودیان پراکنده هستند و برای فساد در زمین و به وجود آوردن فتنه ، هر زمان ، آتشی به پا می کنند و تلاش می کنند جنگ برافروزند، اما موفق نمی شوند[453] .

یهود و مسیحیان در این گفته مشترک هستند به اعتقادی خطا که فرزندان خدا و دوستان خاص او هستند [454] .آنان از اسلام راضی نخواهند شد، تا مگر پیرو آنان شوید [455] .قرآن ، پیامبر و مسلمانان را از دوستی با آنان دوری جویند [456] .قابل توجه آن که ، در تمام این آیات ، تنها به عقاید و رفتارهای دینی و سیاسی این گروه اشاره شده است و هیچ گونه اشاره ای به ماهیت انسانی آنها نشده است.

کلمه ای که با یهود ارتباط داشته و در قرآن کریم فراوان ذکر شده ، کلمه موسی است . در قرآن در ۱۲۵ آیه به ویژه در سوره اعراف 21آیه و قصص هشت آیه و طه هفده آیه و بقره سیزده آیه و سوره های شعراء و یونس هشت آیه و غافر پنج آیه و نیز به صورت پراکنده در آیات دیگر، این نام تکرار شده است.

در این آیات ، شرحی از زندگی حضرت موسی علیه السلام و آنچه یهودیان بر او روا داشته و نافرمانی آنان از او و فریب و نیرنگ و تحریف آیات خدا آمده است . قرآن کریم در جایگاه

Bia2book.blogfa.com

های گوناگونی ، اشاره به نام پیامبران دیگری که برای بنی اسراییل فرستاده شده اند، نموده است. در سه جا از زبور که بر داود نازل گردیده یاد نموده و در هفت جا به کلمه زبر اشاره شده است . قرآن به هنگام سخن درباره یهودیان ، گاه کلمه اهل الکتاب را به کار برده است . کلمه کتاب در ۲۴۴ آیه آمده است که دارای معانی متعددی است ؛ گاه مقصود آیه از آن نامه یا شی ء نوشته شده بوده چهل بار و گاه به معنی کتابی که بر موسی نازل گردید پانزده بار که در آن اشاره یه یهودیان رفته که در آن اختلاف کرده و نسبت به حقانیت آن مشکوک هستند.

نام تورات در قرآن کریم هیجده بار وارد گردیده که نه بار تنها و نه بار دیگر با انجیل آمده است . کلمه انجیل بصورت تنها در چهار موضع از قرآن آمده است . لازم به تذکر است که تعداد بسیاری از آیات ، کلمه الکتاب را به آنچه بر پیامبر نازل شده ، اختصاص داده است 72بار؛ اما کلمه قرآن را در این باره بیشتر به کار برده است که منظور، آن چه که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردیده است می باشد. این مورد هشتاد بار تکرار شده و البته تعبیرهای دیگری مانند الذکر نیز به این منظور به کار رفته است .

در قرآن کریم آمده است که قرآن کتاب های پیشینیان [457]و کتاب های ابراهیم و موسی را تصدیق نموده است [458] . از این رو، قرآن تایید کننده کتاب های مقدس پیشینیان است[459] .

قرآن اشاره کرده است تنها آنانی ایمان دارند که برای آنها کتاب فرستاده شد و آنان الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته اولئک یومنون به ؛ هر گاه آن را چنان که شایسته آن است بخوانند هستند و هم یعلمون انه منزل من ربک بالحق ؛ [460]یعنی : زیرا می دانند که این کتاب ،

Bia2book.blogfa.com

بحق از طرف پروردگارت نازل شده است .

هم چنین قرآن درباره گروهی از اهل کتاب فرموده است : یومن بالله و ما انزل الیکم ما انزل الیهم خاشعین لله لا یشترون بایات الله ثمنا قلیلا؛ یعنی و از اهل کتاب ، کسانی هستند که به خدا و آنچه به شما نازل شده و آنچه بر خودشان نازل گردیده ، ایمان دارند؛ در برابر فرمان خدا خاضع اند و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند آل عمران ۹۹.

و ان من اهل الکتاب الا لیومنن به قبل موته ؛ یعنی : و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او حضرت مسیح ایمان می آورد آل عمران ۹۹

و ان منهم امۀ قائمۀ یتلون آیات الله آناء اللیل و هم یسجدون ؛ یعنی : از اهل کتاب ، جمعیتی هستند که به حق و ایمان قیام می کنند، و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را می خوانند، در حالی که سجده می نمایند آل عمران ۱۱۵- ۱۱۳.

و ان منهم المومنون و اکثرهم الفاسقون ؛ یعنی ... : ولی تنها عده کمی از آنها با ایمان اند، و بیشتر آنها فاسق اند، وخارج از اطاعت پروردگار

آل عمران ۱۱۰.

هم چنین در قرآن آمده است ان فریقا من اهل الکتاب یلون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب و یقولون هو من عند الله ، و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون ؛ یعنی : در میان آنها یهود کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب خدا، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید آنچه را می خوانند، از کتاب خداست ، در حالی که از کتاب خدا نیست ! و با صراحت می گویند :ا: از

Bia2book.blogfa.com

طرف خداست ! با این که از طرف خدا نیست ، و به خدا دروغ می بندد در حالی که می دانند آل عمران ، ۷۸.

و هم یلبسون الحق بالباطل و یکتمون الحق و هم یعلمون ؛ یعنی ... :آنان حق را با باطل می آمیزند و مشتبه می کنند تا دیگران نفهمند و گمراه شوند و حقیقت را پوشیده نگاه می دارند در حالی که می دانند آل عمران ۷۰.

و کانوا یحاجون فی ابراهیم ؛ یعنی : آنان درباره ابراهیم گفت گو و نزاع می کردند و هر کدام ، او را پیرو آیین خود معرفی می کردند آل عمران ۶۵.

فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قلیلا یعنی :آنها کتاب آسمانی را پشت سر افکندند، و به بهای کمی فروختند آل عمران ، ۱۸۷، بقره ۱۰۱

و هم یکفرون بایات الله ؛ یعنی : اهل کتاب به آیات خدا کفر می ورزند آل عمران ۹۸ و ..

و ان کثیرا من اهل الکتاب یصدون عن سبیل الله من آمن یبغونها عوجا؛ یعنی : بسیاری از اهل کتاب افرادی را که ایمان آورده اند، از راه خدا باز می دارند آل عمران ۹۶.

و هم یودون لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبین لهم الحق ؛ یعنی : بسیاری از اهل کتاب آرزو می کنند از روی حسد که در وجود آنها ریشه دوانیده ، شما را بعد از اسلام و ایمان ، به حال کفر بازگردانند، با این که حق برای آنها کاملا روشن شده است بقره ۱۰۹.

وقد ودت طائفة من اهل الکتاب لو یضلونکم ؛ یعنی : جمعی از اهل کتاب از یهود دوست داشتند و

Bia2book.blogfa.com

آرزو می کردند شما را گمراه کنند آل عمران ۶۹.

وقالت طائفة من اهل الکتاب آمنوا بالذی انزل علی الذین آمنوا وجه النهار واکفروا آخره لعلهم یرجعون ، و لا تومنوا الا لمن تبع دینکم ؛ یعنی : و جمعی از اهل کتاب از یهود گفتند :برویده در ظاهر به آنچه بر مومنان نازل شده ، در آغاز روز ایمان بیاورید، و در پایان روز، کافر شوید و بازگردید !شاید آنها از آیین خود باز گردند و جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، واقعاتت ایمان نیاورید آل عمران ۷۲- ۷۱.

در قرآن سه بار آمده است : الذین اوتوا نصیبا من الکتاب ؛ یعنی : کسانی که بهره ای از کتاب آسمانی داشتند آل عمران ۲۳.

این آیات آشکار می سازد که یهودیان با مشرکین در تماس بوده ، در برخی از عقاید بت پرستی آنان شریک بوده اند و با مسلمانان با درشتی رفتار می کرده اند. از آیات ، این گونه می توان فهمید که آنان گروهی مذهبی ویژه ای بوده اند که از اهل کتاب جدا شده ، نظریات خاصی داشته اند و دارای موضع گیری های مستقلی بوده اند .آنان ادعا می کردند که آتش دوزخ جز چند روزی به آنان نمی رسد. آنان دیگران را به داوری به کتاب خدا دعوت می کردند، سپس گروهی از آنان ، با علم و آگاهی روی می گردانند [461] .آنان یشترون الضلالة و یریدون ان تضلوا السبیل ؛ یعنی : به جای این که از آن ، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش گمراهی می خرند، و می خواهند شما نیز گمراه شوید نساء 44بوده اند.

آنان یومنون بالجبت و الطاغوت و یقولون للذین کفروا هولاء اهدی من الذین آمنوا سبیلا ؛ یعنی :

Bia2book.blogfa.com

به جبت و طاغوت بت و بت پرستان ایمان می آورند، و درباره کافران می گویند :آنها از کسانی که ایمان آورده اند، هدایت یافته ترند نساء ۵۱ بوده اند. و نیز از و من اهل الکتاب یکفرون بایات الله ؛ [462]یعنی : گروهی از اهل کتاب به آیات پروردگار کفران می ورزیدند آل عمران ۷۰، ۹۸ و ...به شمار می آمده اند.

در برخی از آیات ، به موضع گیری های آشکار آنان علیه السلام اشاره شده است . از آن جمله است : فهم یلبسون الحق بالباطل ؛ یعنی : آنان اهل کتاب حق را با باطل در آمیخته و مشتبه می سازند آل عمران ، و یکتمون الحق و یحاجون فی ابراهیم ؛ یعنی : آنان حقیقت را پوشانیده و درباره ابراهیم ، گفتگو و نزاع می کنند و هر کدام ، او را پیرو آیین خود معرفی می نمایند آل عمران ۶۵ ؛ و یتخذون الملائکة و النبیین اربابا؛ یعنی : آنان فرشتگان و پیامبران را، و پروردگار خود قلمداد می کنند آل عمران ۸۰ .آنان از پیامبر می خواهند که کتابی از آسمان یکجا بر آنها نازل کند. آنان افرادی را که ایمان آورده اند، از راه خدا باز می دارند [463] .آنان نماز مومنان را به مسخره و بازی می گیرند [464] .آنان از خوردن مال حرام و ربا ابایی ندارند [465] .آنان با کفار هم پیمان شده و از آنان پشتیبانی می کنند [466]و نفرت آنان از مسلمان به جهت یکتا پرستی آنهاست[467] .

از ظاهر آیات قرآن کریم ، این گونه بر می آید که تشدید موضع گیری اسلام در برابر یهودیان و اهل کتاب ، به اقتضای موضع گیری آنان تغییر می کرده است ؛ زیرا اسلام ، ابتدا موضع گیری معتدلی نسبت به آنان داشت و در این راستا از مسلمانان درخواست نمود که عناصر پیوستگی میان

Bia2book.blogfa.com

ادیان یکتا پرست را آشکار ساخته و در بحث و گفتگو با آنان به آرامی سخن گویند :قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمۀ سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئا و لا تیخذ بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون ؛ یعنی : بگو: ای اهل کتاب ! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است ، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم ، و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد. هر گاه از این دعوت ما سرباز زنند، بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم آل عمران ۶۴، ۸۴، ۵ و ...و نیز در این باره آمده است : و لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم و قولوا آمنا بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحدا و نحن له مسلمون ؛ یعنی : با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند، و به آنها بگویید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم ، و معبود ما و شما یکی است ، و ما در برابر او تسلیم هستیم عنکبوت ۴۶.

فان حاجوک فقل اسلمت وجهی لله و من اتبعنی وقل للذین اوتوا الکتاب و الامیین ااسلمتم فان اسلموا فقد اهتدوا و ان تولوا فانما علیک البلاغ و الله بصیر بالعباد ؛ یعنی : اگر با تو، به گفت گو و ستیز برخیزند، با آنها مجادله نکن و بگو: من و پیروانم ، در برابر خداوند و فرمان او تسلیم شده ایم .و به آنها که اهل کتاب هستند یهود و نصاری و بی سوادان مشرکان بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ اگر در برابر فرمان و منطق حق ، تسلیم شوند، هدایت می یابند، و اگر سرپیچی کنند، نگران مباش ؛ زیرا بر تو تنها ابلاغ رسالت است ، و خدا نسبت به اعمال و عقاید بندگان بیناست

Bia2book.blogfa.com

آل عمران .

هم چنینی پروردگار به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد که از لغزش های اهل کتاب درگذشته و آنان را عفو نماید. و نیز به مسلمانان دستور داد که عفو کنند و از کارهای ناشایست آنان گذشت نمایند تا خداوند فرمان خویش را فرمان جهاد بفرستد [468] .هم چنین در آیه ای مسلمانان به استقامت و تقوا در برابر اذیت و آزار اهل کتاب فرمان داده شده اند [469] .آن گاه قرآن کریم ضعف و زبونی آنان را به مسلمانان یاد آوری کرده می فرماید :لن یضروکم الا اذی و ان یقاتلوکم یولوکم الادبار ثم لا ینصرون ضربت علیهم الذلة این ما ثقفوا الا بحبل من الله و حبل من الناس و باءوا بغضب من الله و ضربت علیهم المسکنة ؛ یعنی آنها اهل کتاب ، مخصوصا یهود هرگز نمی توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر، و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد و شکست می خورند، سپس کسی آنها را یاری نمی کند. هر جا یافت شوند مهر ذلت بر آنان خورده است ، مگر با ارتباط به خدا و تجدید نظر در روش ناپسند خود و یا با ارتباط با مردم وابستگی به این و آن و به خشم خدا گرفتار شده اند و مهر بیچارگی بر آنها زده شده است .آل عمران ۱۱۲- ۱۱۱.

قرآن کریم سپس از مسلمانان خواست که با آنان قطع رابطه کرده و به عنوان یاور از آنها استفاده ننماید [470] و نیز فرمود :ان تطیعوا فریقا من الذین اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین ؛ یعنی : اگر از گروهی از اهل کتاب که کارشان نفاق افکنی و شعله ور ساختن آتش کینه و عداوت است اطاعت کنید، شما را پس از ایمان ، به کفر باز می گردانند آل عمران ۱۰۰ و در

Bia2book.blogfa.com

پایان ، پروردگار فرمان جنگ و فرونشاندن فتنه آنان را داد :قاتلوا الذین لا یومنون بالله و لا بالیوم الاخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیهٔ عن ید و هم صاغرون ؛ یعنی با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمرند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم ، جزیه را به دست خود بپردازند توبه .

فصل نهم : پاکسازی مدینه از یهودیان

رفتار یهودیان در برابر هجرت و اسلام

منابع به دخالت یهودیان در تماس های نخستین پیامبر با مردم مدینه و پیمان عقبه و نیز نفوذ اسلام در مدینه و هجرت پیامبر به آن ، هیچ گونه اشاره ای نکرده اند. تنها روایت شده است که پیامبر و مسلمانان قریش ، به صورت هم پیمان و برادر انصار به مدینه هجرت کرده اند و در آن هنگام ، هنوز قدرت و تسلط آنها بر یهود آشکار نگردیده بود .رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت خود، در آغاز، با هدف فراخوانی یهودیان به اسلام و کسب پشتیبانی آنان ، با ملایمت رفتار می نمود. در این راستا، ایشان همواره بر این حقیقت تکیه می نمود که دعوت اسلام در اساس ، دعوت به یگانگی ، یعنی پرستش پروردگار یگانه و یکتاست . رسول خدا، سال های اولیه دعوت را در مکه و در میان عرب ها سپری کرده و فعالیت زیادی در زمینه نشر رسالت خویش میان اهل کتاب به عمل نیاورده بود. در این دوره آیات فراوانی در مکه نازل شده بود که همگی بر متابعت و همسو بودن دعوت اسلامی با دعوت سایر پیامبران نخستین در اهداف و ارزش ها

Bia2book.blogfa.com

تاکید داشت و نیز بر این نکته که شریعت اسلام برای تکامل و نه ضدیت با آنها آمده است . هم چنین آمده بود که بیشتر آن چه که به آن دعوت می نماید. در کتاب های نخستین ، یعنی کتاب های ابراهیم و موسی وجود داشته و دعوت اسلامی ، بر کتاب خدا قرآن تکیه دارد که تکمیل کننده کتابه های نخستینی است که امت های قبل ، آنها را مورد تقدیس قرار می دهند.

در هنگام هجرت ، بعضی از فریضه های اسلامی در صورت ظاهر، شبیه به فرایض یهودیان بود؛ قبله به سوی بیت المقدس بود، روزه در دهم ماه تشرین ماه اکتبر ، از هنگام سپیده دم تا درخشش ستارگان در شب انجام می شد و خوردن خوراک آنان نیز بر مسلمانان روا بود. البته این به آن معنی نیست که دو دین ، با یکدیگر مطابقت داشته اند؛ زیرا یهودیان درک می کردند که ریشه های دعوت اسلامی ، قدیمی و کهن است و پیامبر احکام و فرایض آن را با توجه به سنت های جاهلانه جامعه عرب و با هدف زدودن اعتقادات فاسدی ، هم چون شرک و کفر و بت پرستی اصلاح و پایه ریزی نموده است . از این رو، هدف عمده ، دعوت عرب ها بود؛ یعنی توجه دعوت اسلامی ، محدود به عرب ها بود و زبان عربی نیز این پیوند را کامل کرده بود.

قرآن کریم در اشاره به برخی از یهودیان دوست دار اسلام ، چنین می فرماید:

لیسوا سواء من اهل الکتاب امۀ قائمۀ یتلون آیات الله آناء اللیل و هم یسجدون ، یومنون بالله و الیوم الاخر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعوت فی الخیرات و اولئک من الصالحین ؛

یعنی : آنها همه یکسان نیستند، از اهل کتاب ، جمعیتی هستند که به حق و ایمان قیام می کنند، و پیوسته در اوقات شب ، آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند؛ به خدا و روز

Bia2book.blogfa.com

دیگر ایمان می آورند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و در انجام کارهای نیک ، پیشی می گیرند، و آنها از صالحان اند.

در سال های نخستین ، تعدادی از یهودیان اسلام آوردند. از میان آنان می توان اسید بن سعیهٔ ، ثعلبهٔ بن سعیهٔ و اسید بن عبید، که همگی از بنی هدل [471] به شمار می آمدند، را نام برد. به گفته ابن اسحاق ، علاوه بر این افراد می توان نام عبد الله بن سلام و مخیریق و گروهی دیگر [472] را اضافه نمود؛ اما تعدادی از آنان نیز از وفاداری خود به اسلام و دولت آن دست برداشتند. در این باره ، طبری می گوید :مردمی از یهودیان اسلام آوردند که برخی از آنان نفاق ورزیدند[473] .

رفتار عامه یهودیان ، در جدایی از اسلام و عدم همکاری با پیامبر بود و نه تنها در هیچ یک از کارهای ایشان شرکتی نداشتند، حتی تعدادی از مردان مشهور آنان با پیامبر درشتی و جدال می نمودند و برای در تنگنا قرار دادن ایشان و دسیسه گری برای حضرتش تلاش می نمودند. آنان با پیگیری های خود در جدال و کاشتن تخم شک ، کانون خطری در برابر قدرت اسلام و حاکمیت آن در مدینه به شمار می آمدند. از این رو پیش گرفتن اقدامات قطعی و موثر علیه آنان ، ضروری به نظر می رسید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر موضع گیری های خصمانه یهودیان ، اقدامات متعددی در پیش گرفت . نخست آن که به صحابه خود دستور داد در گیسوان خود فرق باز کرده و موی سر و صورت خود را در مخالفت با یهودیان که آنها را رنگ نمی کردند، خضاب نمایند [474] .هم چنین به پیروان خویش دستور داد آغاز به سلام بر یهودیان نکنند و در صورتی که یهودیان به

Bia2book.blogfa.com

آنها سلام کنند تنها به جواب علیکم بسنده نمایند. سپس قبله به سوی مکه بازگردانده شد و به این وسیله ، راه بر بهانه جویی یهودیان از قبله بسته شد. آنگاه روز ماه رمضان واجب گردید و روزه عاشورا منسوخ شد. هم چنین به اشاره پیامبر دو تن از تحریک کنندگان علیه السلام ، به قتل رسیدند. مخالفت ها در اواخر سال اول هجری ، آشکار گردید، و هنگامی که در ماه چهاردهم هجری قبله تغییر یافت ، پایه های اختلاف عمیق تر شده و مظاهر آن گسترش یافت . ابن اسحاق می گوید پس از تغییر یافتن قبله احبار یهود دشمنی و حسد و کینه ورزی خود را علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز نمودند. آنان از برگزیده شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان ، رتافر مردانی از اوس و خزرج که هنوز قلبشان در تاریکی جاهلیت قرار داشت ، بر آن افزوده شد. اینان در شمار منافقین بودند که هم چنان بر دین پدرانشان از شرک و انکار قیامت پا برجا بودند، اما ظهور اسلام و پیروی قوم آنان از اسلام و بیم از کشته شدن ، آنان را وادار به پذیرفتن اسلام نمود؛ در حالی که میل باطنی آنان ، هم چنان بر دین یهود بود. از این رو مخفیانه به نفاق پرداختند و از یهودیان منکر پیامبر حمایت کردند. احبار یهود؛ کسانی بودند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال های مغرضانه کرده و از او سرپیچی می کردند و سعی در شبهه انداختن و حق را با باطل جلوه دادن داشتند. همواره درباره آنان و آنچه که از آن سوال می کردند، به جز مسایلی چند از حلال و حرام که مسلمانان از حضرت جویا می شدند، آیاتی نازل شد[475] .

ابن اسحاق و بلاذری [476]نام تعدادی از یهودیانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله به بحث و جدال برخاستند را آورده اند که تقریبا همگی آنان از عشایر سه گانه بزرگ یهود، یعنی قینقاع ،

Bia2book.blogfa.com

نضیر و قریظه بوده و جدول نام این افراد از سوی این دو نفر، تقریبا شبیه به هم بود. تنها مورد اختلاف آنان ، این است که ابن اسحاق تعدادی از این افراد را منسوب به قینقاع پنداشته و بلاذری آنان را به نضیر نسبت داده است.

ابن اسحاق نام هفده نفر یهودی را آورده است و آنان را به بنی قینقاع نسبت داده ؛ در حالی که بلاذری هفت تن دیگر را نام برده و آنان را از بنی نضیر به شمار آورده است . وی هم چنین به نام هفت تن دیگر اشاره کرده است که اسلام آوردند، در حالی که در شمار منافقین بودند. این یهودیان چند رگه بوده و گروه زیادی از آنان دارای نام های عربی بودند.

اما از میان بنی نضیر، ابن اسحاق نام نه تن از آنان را آورده و بلاذری هفت تن دیگر را به آن افزوده است . برجسته ترین این یهودیان ، سه برادر از فرزندان اخطب و چهار تن از فرزندان ابو حقیق بودند؛ اما او اشاره ای به اسلام و نفاق آنان نمی کند.

بلاذری نام هشت تن از بنی قریظه را آورده و ابن اسحاق شش نفر را به آنان افزوده است ؛ در حالی که تنها بلاذری نام پنج تن از آنان را به تنهایی در این عشیره قرار داده است ؛ یعنی بلاذری نام سیزده نفر و ابن اسحاق چهارده نفر را از مین بنی قریظه ذکر کرده است . چنان که ملاحظه می شود شش تن از آنان ، همگی برادر و از فرزندان زید بوده اند.

ابن اسحاق نام بیشتر یهودیانی که با پیامبر جدال کرده و آیاتی درباره آنان نازل گردیده را آورده و در بسیاری از تفسیرها نیز نام آنان آمده است . این افراد همواره برای صدمه رساندن به پیامبر در کمین بودند. مجموعه این رفتارها که نشان دهنده مخالفت یهودیان با اسلام ، تلاش آنان در

Bia2book.blogfa.com

جلوگیری از تشکیل دولت اسلامی و تقویت پایه های آن و سعی در ضدیت و دشمنی با آن بود موضع گیری قاطعانه ای را در برابر آنان می طلبید.

راندن بنی قینقاع

خانه های بنی قینقاع در فاصله دوری از مسجد پیامبر، یعنی در جنوب شرقی آن و در کنار پل بطحان که راه به قبا و خانه های اوس می برد، قرار داشت .مردان این قبیله هفتصد تن [477]بودند. از این رو، می توان تعداد افراد قبیله آنان را نزدیک به سه هزار و پانصد نفر دانست . پیشه آنان زرگری بود و علاوه بر آن به کار صرافی و قرض طلا و کارهای بانکداری نیز اشتغال داشتند. در هیچ یک از منابع ، اشاره ای به دارا بودن زمین کشاورزی آنان نشده است و این نشان دهنده عدم اشتغال آنان در امر زراعت و کشاورزی است . در منطقه آنان ، در کنار پل بطحان بازاری بر پا می شد که از مشهورترین بازارهای مدینه به شمار می آمد[478] .

بنی قینقاع دارای بیشترین تعداد افرادی بود که همواره با رسول خدا صلی الله علیه و آله به بحث جدال بر می خاستند .ابن اسحاق نام بیست و یک نفر [479]را از میان آنان آورده ، که این تعداد، بیشتر از دیگر عشایر یهودی است . چهار نفر از اینان اسلام آوردند؛ اما شمار منافقین باقی مانده ، به مجادله با پیامبر ادامه دادند. مفسرین تعدادی از آیات نازل شده را در شان مردان این عشیره دانسته اند [480] .شاید ثروتمندی آنان ، که از آثار پیشه آنها بود، و نزدیکی خانه های آنان به سکونت گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجرین ، موجب شده بود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله برخورد فراوانی داشته باشند.

Bia2book.blogfa.com

بنی قینقاع پیش از اسلام از هم پیمانان عبد الله بن ابی و عبادهٔ بن صامت ، [481]دو رییس عشیره بلحبلی که در نزدیکی آنان سکونت داشتند به شمار می آمدند. منابع ، از پیمان داشتن آنان با عشایر دیگر یهودی ، هیچ گونه سخنی به میان نیاورده اند. از این رو، هنگامی که پیامبر به مدینه وارد شد. و آنها را از آن بیرون راند، هیچ گونه پشتیبانی و حمایتی از آنان ابراز نشد. شاید موقعیت سکونت گاه آنان و فراوانی متعصبین و مخالفین اسلام در میان آنان و شدت آزار رساندن آنان به پیامبر موجب شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله اقدامات خود را از آنان آغاز کند. پیامبر در شوال سال دوم هجری ، پس از پیروزی در جنگ بدر، به پیکار با بین قینقاع برخاست . ابن اسحاق روایت می کند که حادثه ای که پیامبر را برای پیکار با آنان مهیا ساخت ، این بود که زنی از عرب ، پیراهنی از آن خود را آورده و آن را در بازار قینقاع فروخت . سپس در کنار زرگری در آن بازار نشست . آنان به او اصرار داشتند که پرده از صورت خویش بردارد و زن امتناع می نمود. پس زرگر پنهانی گوشه ای از لباس او را به پشتش گره زد. هنگامی که زن به پاخاست شرمگاه او آشکار گردید و پس به او خندیدند. زن فریادی کشید و در این هنگام مردی از مسلمانان ، بر زرگر یهودی چیره شد و او را به قتل رساند. یهودیان نیز همگی بر آن مسلمانان ، بر زرگر یهودی چیره شد و آرا به قتل رساند. یهودیان نیز همگی بر آن مسلمان حمله کرده و او را کشتند. خانواده آن مسلمان ، با صدای بلند علیه یهودیان از مسلمانان یاری طلبیدند. در این هنگام ، مسلمانان به خشم آمدند و این سر آغاز درگیری میان آنان و بنی قینقاع بود [482] .بدون شک ، این حادثه بهانه ای برای به انجام رساندن شرایط خصومت آمیزی گسترده ای بود که از

Bia2book.blogfa.com

دیر باز آغاز شده بود.

هنگامی که پیامبر و مسلمانان برای جنگ حرکت کردند، بنی قینقاع در قلاع خویش پناه گرفتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پانزده روز آنان را محاصره خویش قرار داد و در این زمان کسی برای یاری آنان قدم پیش نگذارد. بنابر این مجبور شدند به حکم پیامبر گردن نهند .عبد الله بن ابی برای تخفیف مجازات آنان وساطت نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله مقرر فرمود که آنان پس از رها نمودن اموال خویش ، از مدینه خارج شوند. از آن پس ، یهودیان بنی قینقاع مدینه را به سوی اذرعات [483]ترک کردند و بعد از آن ، هیچ خبری از آنان شنیده نشد[484] .

وساطت عبد الله بن ابی در موضوع بنی قینقاع ، خطر وجود پیمان میان اعراب و یهودیان را آشکار نمود. از این رو قرآن کریم فرمان لغو این گونه پیمان ها را با نزول این آیه ها صادر نمود :یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصاری اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدی القوم الظالمین ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولی و دوست و تکیه گاه خود؛ انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند، و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند. خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند.

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و الکفار اولیاء واتقوا الله ان کنتم مومنین ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی را که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند- از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید! و از خدا بپرهیزید، اگر ایمان دارید!

Bia2book.blogfa.com

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یوتون الزکاة و هم راکعون ؛ یعنی : سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند. همان ها که نماز را بر پا می دارند، و در حال رکوع ، زکات می دهند.

و من یتول الله و رسوله الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون ؛ یعنی : و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند، زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است مائده ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷.

بنی نضیر

خانه های بنی نضیر در مذینیب [485] که دشت کوچکی در جنوب شرقی مدینه است و به بطحان ختم می شود قرار داشت . زمین های آنان متصل به قبا و خانه های اوسیان بود. آنان دارای تعدادی چاه بودند و برای خود تعدادی اطم همچون فاضجه ، منور، برج ، و نویر بر پا داشته بودند. از مردان آنها حیی بن اخطب ، و سلام و حیی دو فرزند ابی حقیق را می توان نام برد که از اعیان و ثروتمندان یهود مدینه به شمار می آمدند. آنان به مقاومت و مخالفت با رسول خدا معروف بودند. احتمالا آنها ثروت خویش را از راه تجارت و قرض دادن به دست آورده بودند. آنان هم پیمان غطفان [486] به شمار می آمدند.

ابن اسحاق می گوید علت پیکار پیامبر با بنی نضیر این بود [487] که رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه بعضی از صحابه برای یاری خواستن در گرفتن دیه دو نفر از بنی عامر که به اشتباه از سوی یکی از مسلمانان کشته شده بودند، بر آنها وارد شدند. آنان برای مشورت میان خود، حضرت

Bia2book.blogfa.com

را در انتظار قرار دادند. پیامبر حس نمود که آنان در پی قتل وی هستند؛ پس خانه های آنان را ترک نموده و فرمان آماده باش مسلمانان را برای جنگ با آنان صادر کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله شش روز آنان را محاصره کرد [488] و سپس دستور داد نخل های آنان را قطع کرده و آتش زنند. در این حال ، هیچ کس برای کمک و نجات آنان قدم پیش نگذارد. بنابراین ناچار به تسلیم شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز موافقت نمود که آنان به همراه کلیه اموال منقول خود، به جز اسلحه ، مدینه را ترک نمایند.

بنی نضیر در کاروانی از شادی ، رقص کنان و پای کوبان ، در حالی که در پس آنان کنیزکان به آواز خواندن و سرور مشغول بودند، از مدینه دور شدند [489] .آنان به خیبر رفته و بعضی از آنها به سوی شام حرکت کردند.

بنی نضیر هنگام ورود به خیبر از سوی مردم آن مورد استقبال گرمی قرار گرفتند و بعدها برخی از روسای آنان به ویژه حیی بن اخطب و سلام فعالیت سیاسی علیه پیامبر را در میان آنها آغاز نموده و زمینه را برای جنگ خندق مهیا ساختند .بنی نضیر تا دوران خلافت عمر، هم چنان در خیبر باقی ماندند و در این دوران ، به تیماء و اریحا رانده شدند[490] .

بنی نضیر به هنگام جنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها، برای کمک گرفتن از هم پیمانان خویش تلاش زیادی نمودند .ابن اسحاق روایت می کند که گروهی از وابستگان بنی عوف بن خزرج ، که از میان آنها دشمنان پروردگار، یعنی عبد الله بن ابی بن سلول ، ودیعه ، مالک بن ابی قوقل ، سوید و داعس قرار داشتند، پیکی به سوی بنی نضیر فرستادند که مقاومت کرده و تسلیم

Bia2book.blogfa.com

نشوید، زیرا ما شما را رها نمی کنیم ؛ اگر جنگیدید ما نیز با شما می جنگیم ، و اگر از آن بیرون رفتید، ما نیز ما نیز به همراه شما بیرون خواهیم رفت [491] .

ابن سعد می گوید عبد الله بن ابی به آنان وعده داد اگر در برابر پیامبر استقامت کنند، بدانان کمک رسانده و قریظه و غطفان را نیز به کمک آنان خواهد آورد [492] .اما آنان هیچ گونه کمکی از این عشیره ها دریافت نکردند و بدون شک ، عقب نشینی آنان ، در نتیجه اقدامات هوشمندانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که منابع از آن یادی نکرده اند. در هر صورت آنان هنگامی تسلیم شدند که از رسیدن هر گونه کمک و پشتیبانی مایوس شدند.

بریدن نخل های آنان و آتش زدن آنها، بی تردید یکی از مهم ترین دلایل تسلیم آنان به شمار می آمد، زیرا این کار از سنت های عرب پیش از اسلام نبود .قرآن در اشاره ای به این رخداد می گوید :ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها فباذن الله ولیخزی الفاسقین ؛ یعنی : هر درخت با ارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه به فرمان خدا بود، و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند حشر ۵.

بنی نضیر پس از محاصره کوتاهی که در آن جنگی صورت نگرفت ، تسلیم شدند و از این رو، زمین های آنان غنیمت به شمار نیامد تا در میان جنگجویان تقسیم شود، بلکه به عنوان فی ء به ملکیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد و حضرت بر اساس میل خویش ، در آن تصرف کردند. قرآن کریم در این باره اشاره کرده است : ما افاء الله علی رسوله منهم فما اوجفتم علیه من خیل ولا رکاب ؛ یعنی : و آنچه را خدا از آنان یهود به رسولش بازگردانده بخشیده چیزی است

Bia2book.blogfa.com

که شما برای به دست آوردن آن زحمتی نکشیدند نه اسبی تاختی و نه شتری حشر ۶ .بنابراین ، زمین های بنی نضیر از آن پیامبر به شمار آمد و او آنها را تقسیم بندی نموده و خمس آنها را جدا ننمود هم چنین سهمی از آنها را در اختیار کسی قرار نداد و تنها از آن بر خانواده خود انفاق نمود. آنچه باقی ماند نیز، برای خرید چهارپایان و سلاح مصرف شد و از این رو، بخشی از زمین های آن در اختیار تعدادی از مهاجرین قرار گرفت . از جمله به ابوبکر چاه حجر، به عمر چاه جرم ، به عبد الرحمن بن عوف ، سواله ، به صهیب ضراطه ، به زبیر بن عوام و ابو سلمۀ بن اسد، بویله ، و به سهیل بن حنیف و ابو دجانه ، املاک ابن خرشه ، بخشیده شد.

پیامبر زمین های بنی نضیر را در اختیار هیچ یک از انصار به جز سهل بن حنیف و سماک بن خرشه که هر دو تنگدست بودند، قرار نداد[493] .

قرآن حکم زمین های بنی نضیر را این گونه آورده است : ما افاء الله علی رسوله من اهل القری فلله و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لا یکون دولۀ بین الاغنیاء منکم و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب ، للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم و اموالهم یبتغون فضلا من الله و رضوانا و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون ؛ یعنی : آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا ورسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است ، تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد؛ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید، و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش

Bia2book.blogfa.com

شدید است . این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند، در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش رایاری می کنند، و آنها راستگویانند حشر ۸- ۷.

بدون شک ، تقسیم این زمین ها بین مهاجرین ، کمکی به فراهم آمدن زمینه کار و در نتیجه بهبود زندگی آنان بود. آنان با کار کشاورزی بر روی زمین ها، گرفتاری های موجود را که در نتیجه ازدیاد مهاجرین و سکونت آنان در مدینه و افزایش کارگر در آن به وجود آمده بود، تا اندازه ای سامان بخشیدند.

قریظه

خانه های قریظه در اطراف بخش های جنوب شرقی مدینه و در نزدیکی خانه های بنی حارثه قرار داشت . آن بالغ بر ششصد و یا هفتصد نفر بود و برخی آنان را افزون بر این عدد، یعنی مان هشتصد و نهصد نفر دانسته اند. از سنگرهای آنان ، هزار و پانصد شمشیر، سیصد زره ، هزار نیزه و هزار و پانصد سپر و چماق به دست آمد[494] .

قریظه در شرف از بنی نضیر پایین تر بودند [495] .آنها از دو تیره به نام های کعب و عمرو [496] تشکیل شده بودند و یک رییس بنام کعب بن اسد ستون بنی قریظه و پشتیبان آنان بود. پیامبر از این فرد پیمان وفاداری قومش را پذیرفت و با او، بر آن عهد و پیمان نمود [497] .آنان در جاهلیت هم پیمان و پشتیبان سعد بن عباده اشهلی [498] بودند، اما در اسلام ، با بنی عمرو بن عوف [499] هم پیمان شدند.

Bia2book.blogfa.com

ابن اسحاق به ذکر نام تعدادی از مردان بنی قریظه که در برابر پیامبر مقاومت کرده و بر علیه اسلام فعالیت می کردند، پرداخته است که از میان آنان ، می توان به زبیر بن باطا، عزال بن سموال ، کعب بن اسد ، شمویل ، نحام ، ظوهب و عدی و کردم فرزندان زید، جمل بن عمرو ، قردم بن کعب ، ابو نافع و فرزندش نافع ، حرث بن عوف ، اسامۀ بن حبیب ، رافع بن زمیله ، جمل ابن ابوقشیر، وهب بن یهود [500]اشاره نمود .موسی بن عقبه از ابن عمر روایت می کند که قریظه به بنی نضیر هنگام جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله کمک نمود. هنگامی که پیامبر بر بنی نضیر پیروز شد، آنها را از مدینه بیرون راند، اما بر بنی قریظه منت گذاشت و آنها را عقوبت ننمود[501] .

ابن سعد می گوید میان آنان و رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار دادی [502]وجود داشت و به احتمال قوی ، این قرار داد پس از پیروزی پیامبر بر بنی نضیر منعقد شده بود. هنگامی که مشرکین قریش و هم پیمانان آنان مدینه را در جنگ خندق محاصره کردند؛ اما موفقیتی در پیروزی بر مسلمانان به دست نیاوردند، ابو سفیان دست به تلاش های سیاسی زده و از این راه سعی در تضعیف مسلمانان نمود. بنابر این از بنی قریظه خواست که پیمان خود را با پیامبر نقض کرده و در صف مشرکین قرار گیرند؛ آنان نیز پس از تردید، موافقت نمودند.

این رفتار بنی قریظه موجب شد که ضربه روحی شدیدی بر مسلمانان وارد شود؛ طوری که نفاق آشکار گردید، و مردم ناامید شده ، و مصیبت و غم زدگی فراوان گردید؛ ترس همه را فراگرفت و ترس بر جان کودکان و دودمان خویش داشتند [503].قرآن کریم در اشاره به این موضوع چنین

Bia2book.blogfa.com

فرموده است : اذ جاءوکم من فوقکم ومن اسفل منکم و اذا زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر؛ یعنی : به خاطر بیاورید زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین شهر بر شما وارد شدند و مدینه را محاصره کردند و زمانی را که چشم ها از شدت وحشت خیره شده و جان ها به لب رسیده بود احزاب ۱۰.

این نگرانی ها در مورد بنی حارثه از شدت بیشتری برخوردار بود، زیرا خانه های آنان در نزدیکی بنی قریظه قرار داشت و از این رو این منطقه در معرض خطر بیشتری قرار گرفته بود.

اما قریظه به هنگام جنگ ، به هیچ گونه اقدام موثری دست نزد. مشرکین هم از پیوستن بنی قریظه به خود بهره برداری نکرده و میدان جنگ را به جنوب مدینه نکشانیدند. در این حال ، میدان اساسی جنگ همان منطقه خندق باقی ماند. در این شرایط، خطر به وجود آمده ، آنچنان شور و هیجانی در دل مسلمانان به وجود آورد که آنان را در جنگ و پیروزی بر مشرکین ، به پیش راند و تا پراکنده شدن سپاه آنان و بریدن امید از پیروزی مشرکین و به دست کشیدن آنان از محاصره و روی گرداندن از جنگ و پیکار، باز نایستادند.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از خطر مشرکین آسوده شد، به سوی بنی قریظه رفت . ابن اسحاق روایت می کند که پیامبر رو به سوی آنان نهاد و چهارده روز آنان را محاصره نمود و عاقبت آنان مقاومت را بی ثمر دانستند و [504]به حکمیت سعد بن عباده در سرنوشت خویش تن دادند. با وجود آن که ابو لبابه با اشاره به آنان فهمانیده بود که سعد حکم به قتل آنان خواهد داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله حکم سعد نسبت به کشتن جنگجویان آنان و اسیر کردن زن و

Bia2book.blogfa.com

فرزندشان را تایید نمود. پس بفرمان پیامبر، آنان را به احجار الزیت واقع در بخش شمالی مسجد پیامبر آورده و در آغاز جنگجویان را که تعداد آنان میان ششصد تا هشتصد تن بود کشتند و سپس زنان آنان را به اسارت گرفته و عاقبت کودکان نابالغ آنان را در نجد به فروش رساندند . (505)

ابن هشام روایت می کند برای من نقل کرد ابو عبیده از ابی عمرو مدنی که گفت هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بنی قریظه پیروز شد، از آنان در حدود چهار صد مرد یهودی که هم پیمان اوس بر علیه خزرج بودند را دستگیر نمود. پیامبر فرمان داد که گردن آنها زده شود. پس خزرج با شادمانی شروع به گردن زدن آنها نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله به خزرجیان نظر افکنده و چهره آنان را شادمان دید و نظر به اوس انداخته ، آن حالت را در چهره آنان ندید. پس حضرت دانست که این رفتار بر اثر پیمان میان اوس و بنی قریظه بوده ، از این رو در حالی که تنها 12تن از بنی قریظه باقی مانده بود آنان را میان اوسیان تقسیم نمود و پس به هر دو نفر از اوس ، مردی از قریظه داده شد[506] .

کتاب های حدیث ، اشاره ابو لبابه نسبت به سرنوشت آنان و حکم سعد بن عباده نسبت به آنها را آورده اند [507] .تنها ابن اسحاق گفته است که تمامی جنگجویان آنان را به قتل رسانیدند .عروۀ بن زبیر به خبر کشتن آنان اشاره کرده و دراین باره گفته است : برخی از مردم ادعا کرده اند[508] . موسی بن عقبه از ابن عمر روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردان آنان را به قتل رسانید و زنان [509]و فرزندان و اموال آنها را میان مسلمانان تقسیم نمود که تنها برخی از

Bia2book.blogfa.com

آنان خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانیده ، و امان گرفته و مسلمان شدند. اما ابو عبید گفته است فلان و فلان را از میان آنان به قتل رسانید، بدون آن که تعداد کشته شده ها را معین نماید. اما ناشر کتاب الاموال در پاورقی نوشته است که در نسخه شامی کتاب آمده است که تعداد کشته شدگان از بنی قریظه به فرمان پیامبر، چهل و سه نفر بوده است[510] .

واقدی گفته است که آنان در خواست کردند. همانند شرایط نضیر یعنی بیرون رفتن از مدینه پس از تسلیم اسلحه ها و املاک آنها تسلیم شوند؛ [511]و اوس نیز همین را خواستار بود [512].ابو لبابه آنان را از سرنوشتی که برای آنان در نظر گرفته شده بود، که همان کشتن بود، بر حذر داشت ، [513]و سعد بن معاذ حکم به قتل جنگجویان آنان داد. هم چنین وی می گوید که اسیران به سوی خانه اسامۀ بن زید سبقت گرفتند و زنان و کودکان به سوی خانه دختر حرث شتافتند.

او، از عبد الله بن ابی بکر بن خزم روایت می کند که تعداد آنان ششصد نفر بود [514].اما سخن او درباره کشتار آنان ، مضطرب و ناهماهنگ است . او در جایی می گوید: آنان را میان جایگاه خانه ابی جهم عدوی تا احجار الزیت در بازار هدایت کرده ، آنگاه گروه گروه برای کشتن بیرون می آوردند[515] .

می گوید پیامبر فرمود به اسیران خود نیکویی کنید و آنان را فراهم آورده و آب دهید تا خنک شوند. باقی مانده های آنان را جمع کنید و گرمای خورشید و گرمای سلاح را بر آنان جمع نکنید . و در جای دیگر می گوید: پیامبر بزرگان را کشته و سپس به سعد معاذ فرمود باقی مانده هابه هده تو باشد. پس سعد گروه گروه آنان را بیرون برده و به قتل می رسانید[516] .

Bia2book.blogfa.com

وی در این باره هم چنان می گوید: پیامبر بین هر یک از عبد الاشهل ، ظفر، عمرو بن عوف ، و امیهٔ بن زید دو تن [517]تقسیم نمود.

آنگاه او هشت تن را شمرده و می گوید زنان و کودکان اسیر هزار تن بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله تعدادی از زنان را بر مسلمان تقسیم نمود، و خود ریحانه را برگزید [518] .برکات احمد در بخش چهارم از کتاب خود محمد و الیهود موضوع سرنوشت بنی قریظه را مورد بررسی قرار داده و دلایل قانع کننده ای در تشکیک پذیرش آنان به حکمیت سعد بن عباده و کشتن تمامی جنگجویان آنها ارایه نموده است . او ضمن بررسی به این نتیجه می رسد که خیانت آنان چندان سنگین نبوده است که دلیل قتل تمامی جنگجویان آنان را فراهم آورد .رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه رفتارها را حتی در برابر دیگرانی که دشمنی و مخالفت آنان شدیدتر از این گروه بود انجام نداد؛ به ویژه آن که پیامبر به گذشت و نرم خویی در برابر دشمنان تسلیم شده خویش شهره بود؛ او تعداد کشته شدگان از این گروه را فراتر از ده و اندی نمی داند.

در حقیقت ، سیر طبیعت حوادث ، ادعای ابن اسحاق را درباره کشتن تمامی جنگجویان آنها تایید نمی کند؛ به ویژه آن که دو تن از نه همسر پیامبر، از بنی قریظه بوده اند. آن دو تن یکی ریحانه دختر زید بود که نخست او را پس از تسلیم بنی قریظه برگزید و سپس به ازدواج خویش در آورد؛ [519]و دیگری صفیه دختر حیی بن اخطب رهبر آنان بود که پس از چیرگی بر خیبر، با او ازدواج نمود[520] .

Bia2book.blogfa.com

بخش سوم : جهاد و به کاربردن سلاح

فصل دهم : جهاد و استفاده از سلاح

آموزش اعراب برای جنگ

به هنگام ظهور اسلام ، شبه جزیره عرب دارای نیروی برتر متمرکزی که بتواند امتیت و استقرار و تسلط بر قبایل و تسلیم نمودن آنان در برابر نظام و نیز حل اختلافاتی که در میان آنان به وجود می آمد را تثبیت نماید وجود نداشت . از این رو، وقتی که مردم در معرض آسیب های گوناگونی هم چون قحطی و خشکسالی و گرسنگی قرار می گرفتند و زندگانی آنان مورد تهدید واقع می شد، وقوع جنگ و کشتار اجتناب ناپذیر بود.

در بین آنها برای به دست آوردن غنایم و یا تسلط به چراگاه ها و چاه های آب و زمین های حاصل خیز یا دفاع از خویش ، همواره جنگ و شبیخون رخ می داد. گذشته از آن که برخی از جنگ ها برای به زیر سلطه در آوردن دیگر قبایل و یا کسب شهرت رییس قبیله یا دیگر جنگجویان ، که به پیکار می پرداختند، به وقوع می پیوست.

این جنگ های فراوان ، موجب شده بود که هر قبیله ای همواره آماده جنگ و کارزار باشد، زیرا شرایط جنگ ، همواره در جزیره العرب برقرار بود. در آن دوران ، هر فرد دشمنی بالقوه برای همه افراد و قبایل دیگری که با قبیله اش ارتباط و پیمانی نداشتند به شمار می آمد. از این رو، همواره زندگی او در معرض تهدید، املاک و سرزمین او در معرض غارت و زن و فرزندش در معرض هجوم و تجاوز بودند؛ مگر در ماه های حرام که استثنا بود. در این ماه ها، آتش بس برقرار

Bia2book.blogfa.com

بود و جنگ جایز به شمار نمی آمد. در آن محیط، تنها قبیله بود که می توانست شخص را مورد حمایت خویش قرار دهد. در حقیقت افراد هر قبیله با یکدیگر تبادل منافع داشتند، آن گونه که هر فرد، جزیی از قبیله به شمار می آمد و قدرت او، همان قدرت قبیله و پشتیبانی او از قبیله اش ، در نهایت ، حمایت از خود به شمار می رفت . بنابراین ، فرد ناگزیر به همبستگی با قبیله اش بود و می بایست همواره آماده کارزار باشد. همه افراد قبیله ، باید همواره در حالت جنگ دایمی و آمادگی برای پیکار بودند؛ با این تفاوت که جنگ های اعراب بدوی ، به هدف تاراج ، دفاع یا خونخواهی بود که هدفی دنیایی ، مادی و محدود به شمار می رفت و از شور و شوق کمی برخوردار بود. این جنگ ها همواره بر سرعت و شتاب ، یعنی جنگ و گریز استوار بود؛ از این رو، جنگ پایدار و دراز مدت کمتر رخ می داد.

جهاد اسلامی

اسلام سعی نمود از جنگ دوستی و مهارت و جنگ آوری اعراب استفاده کرده و آن را برای اعتلای نام پروردگار و جایگاه والای دولت اسلامی و حمایت جامعه به خدمت خود درآورد. از این رو تلاش نمود از این راه عرب را وحدت و یگانگی بخشیده و به سوی هدف والا و گسترده ای سوق دهد. بنابراین مسلمانان را از جنگ میان خود منع کرد:

و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بیتهما فان بغت احداهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفی ء الی امر الله فان فاءت فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون ؛ یعنی : و هر گاه دو گروه از مومنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو بر

Bia2book.blogfa.com

دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد، و هر گاه بازگشت و زمینه صلح فراهم شد، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید)حجرات ۱۰-۹.(

اما اسلام جنگ در راه خدا، یعنی برای هدفی دینی را مشروع می دانست . بنابراین ، جنگ جهادی مقدس و فریضه ای مذهبی برای خدمت به پروردگار و در راه مالک جهان ها، و یگانه ای که دین او دین حق است بود. جهاد در اسلام برای حق و عدالت بود:

الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاءالشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا ؛ یعنی : کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند، و آنها که کافرند، در راه طاغوت بت و افراد طغیان گر. پس شما با یاران شیطان ، پیکار کنید و از آنها نهراسید، زیرا نقشه شیطان ، همانند قدرتش ضعیف است)نساء ۷۶.(

هنگامی که پیکار، در راه خدا باشد، خداوند قادر توانا، کسانی را که در راه او پیکار می کنند یاری داده و گام های پیکار کننده را استوار می نماید و این به بالا رفتن خصوصیات جنگجویان می انجامد. خداوند در این باره در آیات متعددی می فرماید :یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید !اگر آیین خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد)محمد ۷ .(اذ یریکهم الله فی منامک قلیلا و لو اراکهم کثیرا لفشلتم و لتنازعتم فی الامر و لکن الله سلم انه علیم بذات الصدور، و اذ یریکموهم اذ التقیتم فی اعینکم قلیلا و یقللکم فی اعینهم لیقضی الله امرا کان مفعولا و الی الله ترجع الامور ؛

Bia2book.blogfa.com

یعنی : در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد، و اگر فراوان نشان می داد، مسلما سست می شدید و درباره شروع جنگ با آنها کارتان به اختلاف می کشید، ولی خداوند شما را از شر اینها سالم نگه داشت ، خداوند به آنچه درون سینه هاست ، داناست . و در آن هنگام که در میدان نبرد با هم رو به رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می داد، و شما را نیز به چشم آنها کم می نمود، تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، صورت بخشد شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و اقدام به جنگ شوند، و سرانجام شکست بخورند و همه کارها به خداوند باز می گردد)انفال ۴۴-۴۳.(

فلم تقتلوهم و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی و لیبلی المومنین منه بلاءحسنا ان الله سمیع علیم ، ذلکم و ان الله موهن کید الکافرین ؛ یعنی : این شما نبودید که آنها را کشتید، بلکه خداوند آنها را کشت و این تو نبودی ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها انداختی ، بلکه خدا انداخت ! و خدا می خواست مومنان را به این وسیله امتحان خوبی کند. خداوند شنوا و داناست . سرنوشت مومنان و کافران ، همان بود که دیدید! و خداوند سست کنند نقشه های کافران است)انفال ۱۸-۱۷.(

یا ایها النبی حرض المومنین علی القتال ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفا من الذین کفروا بانهم قوم لا یفقهون ، الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم مائة صابرة یغلبوا مائتین و ان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله و الله مع الصابرین ؛ یعنی : ای پیامبر! مومنان را به جنگ با دشمن تشویق کن ! هر گاه بیست نفر با

Bia2book.blogfa.com

استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند، و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی فهمند! هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است . بنابراین ، هر گاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند، و اگر یک هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد، و خدا با صابران است)انفال ۶۶-۶۵.(

و لوتری اذ یتوفی الذین کفروا الملائکۀ یضربون وجوههم و ادبارهم و ذوقوا عذاب الحریق ؛ یعنی :و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان مرگ ، جانشان را می گیرند و بر صورت و پشت آنها می زنند و می گویند بچشید عذاب سوزنده را به حال آنان تاسف خواهی خورد)انفال ۵۰.(

قد کان لکم آیۀ فتین التقتا فئۀ تقاتل فی سبیل الله و اخری کافرۀ یرونهم مثلیهم رای العین و الله یوید بنصره من یشاءان فی ذلک لعبرۀ لاولی الابصار ؛ یعنی : در دو گروهی که در میدان جنگ بدر، با هم رو به رو شدند، نشانه و درس عبرتی برای شما بود: یک گروه ، در راه خدا نبرد می کرد، و جمع دیگری که کافر بود، در راه شیطان و بت ؛ در حالی که آنها گروه مومنان را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد و خداوند، هر کس را بخواهد و شایسته بداند، با یاری خود، تایید می کند. در این ، عبرتی است برای بینایان)آل عمران ۱۳.(

آن کسی که در راه خدا کشته شود، شهید به شمار می آید و خداوند از او راضی شود و رزق نیکویی را از آن او کرده و در بهشت برین خود او را وارد می سازد و فل یقاتل فی سبیل الله

Bia2book.blogfa.com

الذین یشرون الحیاۀ الدنیا بالاخرۀ و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجرا عظیما ؛ یعنی : و کیانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد)نساء ۷۴).

و لا تقلوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون ؛ یعنی : و به آنها که در راه خدا کشته می شدند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید)بقره ۱۵۴.(

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یزرقون ، فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون ، یستبشرون بنعمۀ من الله و فضل و ان الله لا یضیع اجر المومنین ؛ یعنی : ای پیامبر هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. آنها به خاطر نعمت های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است ، خوشحال اند، و به خاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند مجاهدان و شهیدان آینده ، خوشوقت اند زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند، و می دانند که نه ترسی به آنهاست ، و نه غمی خواهند داشت)آل عمران ۱۷۱-۱۶۹.(

والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم ، سیهدیهم و یصلح بالهم و یدخلهم الجنۀ عرفها لهم ؛ یعنی : و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی برد! بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند! و آنها را در بهشت جاودانش که اوصاف آن

Bia2book.blogfa.com

را برای آنان بازگو کرده وارد می کند محمد ۶- ۴.

روش های جنگ در اسلام ، تحت تاثیر اهداف و مقاصد نوین قرار گرفت و از آن پس پیکار تنها بر پایه حمله و گریز نبود، بلکه بر پایه نظام ویژه ای قرار داشت که پایداری و استواری و همکاری را طلب می نمود. در قرآن آیاتی وجود دارد که روش مطلوب و مورد پسند اسلام و برخی تغییراتی را که در آن به وجود آمده را آشکار می سازد. این آیات چنین است:

یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فئة فاثبتوا واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون ، و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرین ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در میدان نبرد با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید! و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع و کشمکش نکنید، تا سست نشوید، و قدرت و شوکت شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است انفال ۴۶- ۴۵.

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص ؛ یعنی : خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او پیکار می کنند چنان که گویی بنایی آهنین اند صف ۴.

یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الادبار، و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحیرا الی فئة فقد باء بغضب من الله و ماواه جهنم و بئس المصیر ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رو به رو شوید، به آنها پشت نکنید وفرار نکنید .و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند، مگر آن که هدفش کناره گیری از

Bia2book.blogfa.com

میدان برای حمله مجدد؛ و یا به قصد پیوستن به گروهی از مجاهدان بوده باشد -چنین کسی به غضب خدا گرفتار خواهد شد، و جایگاه او جهنم ، و چه بد جایگاهی است انفال ۱۶- ۱۵.

جنگ های اسلامی ، بخشی از سیاست عمومی دولت بود و در نتیجه ، متاثر از جریان کلی آن ، که مان اعتلای حاکمیت پروردگار و قدرت و فرماندهی برای پیامبر که پیروی و اجرای فرمان های او واجب است ، بود. گرچه همواره رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب و یاران خود مشورت می نمود، اما تنها او مسئولیت نخست را عهده دار بود و فرمان ها را صادر می نمود و باید از آن اطاعت و فرمانبرداری می شد. پیامبر، رهبر و فرمانده عالی مقامی که تنظیم کننده عملیات جنگ و اطاعت از او واجب است ، به شمار می رفت . از سوی دیگر او ریاست امور سیاسی را نیز به عهده داشت و با چنین وضعی بود که هماهنگی میان جنگ و کشورداری نیز بر عهد او بود و توانست عوامل برخورد، شکاف و خطر آفرینی را از میان بردارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندهی تقریبا شصت جنگ را به عهده داشت ؛ اما گاهی نیز به نیابت از خویش ، افرادی را جهت رهبری برخی لشکرکشی ها تعیین می نمود. این پیکارها تقریبا به سی و پنج عدد می رسد. جنگ هایی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصا آن ها را رهبری می نمود غزوه و جنگ هایی را که در آن از سوی خود فرماندهی قرار می داد؛ سریه نام دارد.

در آن دوره شرایط و اوضاع اقتضا می نمود که برخی از سنت های مورد احترام عرب ها بی ارزش شود؛ هم چون حرمت ماه های حرام که سلام حرمت آن ها را از میان برداشت در این باره

Bia2book.blogfa.com

در قرآن آمده است : یسالونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صد عن سبیل الله و کفر به والمسجد الحرام و اخراج اهله منه اکبر عندالله و الفتنهٔ اکبر من القتل و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخرهٔ و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ؛ یعنی : از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام ، سوال می کنند، بگو: جنگ در آن ، گناهی بزرگ است ، ولی جلوگیری از راه خدا و گرایش مردم به آیین حق و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام ، و اخراج ساکنان آن نزد خداوند، مهم تر از آن است ، و ایجاد فتنه ، و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و ازایمان باز می دارد حتی از قتل بالاتر است ، و مشرکان ، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند، ولی کسی که از آیینش برگردد و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک گذشته او در دنیا و آخرت ، بر باد می رود، و آنان اهل دوزخ اند، و همیشه در آن خواهند بود بقره ۲۱۷.

از این آیه آشکار می شود که علت شکستن حرمت ماه های حرام ، ناشی از عوامل قدرتمندی بود که مسلمانان را ناگریز به جنگ می نمود؛ زیرا این تنها روش برای پی ریزی اسلام و پشتیبانی از هستی آن به شمار می آمد. بنابراین پشتیبانی از اسلام ، مهم تر از احترام ماه حرام به شمار می آمد. در واقع ، حرمت ماه های حرام در مناسبت های دیگری که دارای اهمیت کمتری از این مناسبت مهم بود شکسته شده بود. علاوه بر این شکستن حرمت ماه های حرام ، عکس العمل نسبت به رفتار قریش در کفر به خداوند و جلوگیری از استقرار اسلام و روی گردان از ندای اسلام به یکتا

Bia2book.blogfa.com

پرستی بود.

افزون بر این ها، آنان مسلمانان را از مسجد الحرام بیرون رانده و از پناه جستن به آن جلوگیری نمودند. بنابراین خود آغاز کننده بودند و اقدام به جنگ مسلمانان در ماه حرام ، عکس العملی بود که شرایط، آنان را به انجام آن وادار ساخت . پس پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز گر آن به شمار نمی آید و این به آن معنی نیست که اسلام حرمت ماههای حرام را نادیده می انگارد؛ زیرا آیات دیگری وجود دارد که حرمت آن را در اسلام یاد آوری می کند. با آگاهی از این که این آیه در سال های نخست نازل شده ، می توان گفت آیات دیگری که در آن احترام به ماه های حرام تایید شده ، دلیلی بر ادامه اعتبار و حرمت آن ماه ها در اسلام است.

اسلام هم چنین بریدن درختان را روا داشت ؛ در حالی که این مسئله نزد اعراب سابقه نداشته است و برای نخستین بار به هنگام جنگ بنی نضیر انجام شده است و راهکاری اضطراری در برابر مقاومت سر سختانه و لجوجانه یهودیان بوده است . خداوند می فرماید :ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة قائمة علی اصولها فباذن الله و لیخزی الفاسقین ؛ یعنی : هر درخت با ارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه به فرمان خدا بود، و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند حشر ۵.

در واقع این کار هرگز تکرار نشد، اما خداوند متعال آن را مباح گردانید. بنابراین ، عدم تکرار آن گواه آن است که این عمل ، از روی ناچاری در جنگ بنی نضیر انجام شده است.

واجب شدن جنگ و پیکار، مسئولیت سبک و آسانی برای مردم نبود و برای برخی مردم ،

Bia2book.blogfa.com

مسئولیت سنگینی داشت ، خداوند می فرماید :کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون ؛ یعنی :جهاد در راه خدا بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است ، چه بسا چیزی نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می داند و شما نمی دانید بقره ۲۱۶.

و یقول الذین آمنوا لولا نزلت سورة فاذا انزلت سورة محکمة و ذکر فیها القتال رایت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون الیک نظر المغشی علیه من الموت فاولی لهم طاعة وقول معروف فاذا عزم الامر فلو صدقوا الله لکان خیرا لهم ؛ یعنی : کسانی که ایمان آورده اند می گویند :چرا سوره ای نازل نمی شود که در آن فرمان جهاد باشد؟ اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می شود که در آن سخنی از جنگ است ، منافقان بیمار دل را می بینی که هم چون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند، پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است . ولی اطاعت و سخن سنجیده برای آنها بهتر است ، و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعتی می شود به خدا راست گویند و از در صدق و صفا در آیند برای آنها بهتر است محمد ۲۱- ۲۰.

الم تر الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلاة و آتوا الزکاة فلما کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون الناس کخشیة الله او اشد خشیة و قالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب قل متاع الدنیا قلیل و الاخرة خیر لمن اتقی و لا تظلمون فتیلا، اینما تکونوا یدرکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیدة و ان تصبهم حسنة یقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سیئة یقولوا هذه من

Bia2book.blogfa.com

عندک قل کل من عند الله فمال هولاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا ؛ یعنی : آیا ندیدی کسانی را که در مکه به آنها گفته شد :فعلا دست از جهاد بردارید و نماز را بر پا کنید و زکات بپردازید ! اما آنها گفته شد :فعلا دست از جهاد بردارید و نماز را بر پا کنید و زکات بپردازید !اما آنهااز این دستور، ناراحت بودند ولی هنگامی که در مدینه فرمان جهاد و به آنها داده شد، جمعی از آنان ، از مردم می ترسیدند؛ همان گونه که در مدینه فرمان جهاد و به آنها داده شد، جمعی از آنان از مردم می ترسیدند؛ همان گونه که از خدا می ترسند، بلکه بیشتر و گفتند :پروردگار! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی ! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تاخیر نینداختی ؟ !به آنها بگو :سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است و سرای آخرت ، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی ، به شما ستم نخواهد شد. هر جا باشید، مرگ شما را در می یابد، هر چند در برج های محکم باشید و اگر به آنها منافقان حسنه و پیروزی برسد، می گویند :این ، از ناحیه خداست و اگر سیئه و شکستی برسد، می گویند :این ، از ناحیه توست . بگو :همه اینها از ناحیه خود است پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درک کنند)نساء ۷۸-۷۷.(

قد یعلم الله المعوقین منکم و القائلین لا خوانهم هلم الینا و لا یاتون الباس الا قلیلا، اشحة علیکم فاذا جاءالخوف رایتهم ینظرون الیک تدور اعینهم کالذی یغشی علیه من الموت فاذا ذهب الخوف سلقوکم بالسنة حداد اشحة علی الخیر الولئک لم یومنوا فاحبط الله اعمالهم و کان ذلک علی الله یسیرا، یحسبون الاحزاب لم یذهبوا و ان یات الاحزاب یودوا لو انهم بادون فی الاعراب یسالون عن انبائکم و لو کانوا فیکم ما قاتلوا الا قلیلا ؛ یعنی : خداوند کسانی که مردم را از جنگ باز می

Bia2book.blogfa.com

داشتند و کسانی را که به برادران خود می گفتند :به سوی ما بیایید و خود را از معرکه بیرون کشید به خوبی می شناسد، و آنها مردمی شعیف اند و جز اندکی پیکار نمی کنند! آنها در همه چیز نسبت به شما بخیل اند، و هنگامی که لحظات ترس و بحرانی پیش آید، می بینی آنچنان به تو نگاه می کنند، و چشمهایشان در حدقه می چرخد که گویی می خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست ، زبان های تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می گشایند و سهم خود را از غنایم مطالبه می کنند در حالی که در آن نیز حریص و بخیل اند، آنها هرگز ایمان نیاورده اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد، و این کار بر خدا آسان است . آنها گمان می کنند هنوز لشکر احزاب نرفته اند، و اگر برگردند از ترس آنان دوست می دارند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده و پنهان شوند و از اخبار شما جویا گردند. و اگر در میان شما باشند جز اندک پیکار نمی کنند)احزاب ۲۰-۱۸.(

جهاد و اسلام

اسلام دینی است که صلح و صفا را یکی از پایه های مهم شریعت خود به شمار می آورد .لفظ سلام و مشتقات آن ، در قرآن مکرر یاد شده است . خداوند سلام است ، [521]و بهشت جایگاه سلام است ، [522]و دین نامش اسلام است [523] . بنابراین زیر بنای اساسی در اسلام ، همان سلام است ، و رسالت دینی بر اساس صلح طلبی و آرامش است : لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی ؛ یعنی : در قبول دین ، اکراهی نیست ، زیرا راه درست از راه انحرافی روشن شده است)بقره 256).

Bia2book.blogfa.com

ادع الی سبیل ربک بالحکمۀ و الموعظۀ الحسنۀ ؛ یعنی : با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است ، استدلال و مناظره کن)نحل ۱۲۵). اما جنگ شرایط ویژه ای است که در برخی از زمان های خاص به وقوع می پیوندد. در دوران های نخستین ظهور اسلام ، این شرایط بسیار سخت و دشوار بود، زیرا دشمنان مسلمانان قدرتمند بوده و برای ایجاد فتنه و از میان برداشتن اسلام در کمین بودند به همین دلیل در قرآن آمده است:

و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله لله فان انتهوا فان الله بما یعملون بصیر، و ان تولوا فاعلموا ان الله مولاکم نعم المولی و نعم النصیر ؛ یعنی : و با آنها پیکار کنید، تا فتنه شرک و سلب آزادی برچیده شود، و دین و پرستش همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها از راه شرک و فساد باز گردند، و از اعمال نادرست خودداری کنند، خداوند آنها را می پذیرد خدا به آنچه انجام می دهند بیناست . و اگر سرپیچی کنند، بدانید ضرری به شما نمی رسانند خداوند سرپرست شماست ! چه سرپرست خوبی و چه یاور خوبی)انفال ۴۰-۳۹.(

و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالیمن ؛ یعنی : و با آنها پیکار کنید تا فتنه و بت پرستی ، و سلب آزادی از مردم ، باقی نماند، و دین ، مخصوص خدا گردد، پس اگر از روشن نادرست خود دست برداشتند مزاحم آنها نشوید! زیرا تعدی جز بر ستمکاران روا نیست)بقره ۱۹۳.(

یسالونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صد عن سبیل الله و کفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله منه اکبر عندا الله و الفتنه اکبر من القتل و لا یزالون یقاتلونکم حتی یرودکم

Bia2book.blogfa.com

عن دینکم ان استطاعوا و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخرة و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ؛ یعنی : از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام ، سوال می کنند. بگو جنگ در در آن ، گناهی بزرگ است ، ولی جلوگیری از راه خدا و گرایش مردم به آیین حق و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام و اخراج ساکنان آن ، نزد خداوند مهم تر از آن است ، و ایجاد فتنه و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان باز می دارد حتی از قتل بالاتر است . و مشرکان ، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند، ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک گذشته او، در دنیا و آخرت بر باد می رود، و آنان اهل دوزخ اند، و همیشه در آن خواهند بود)بقره ۲۱۷.(

فما لکم فی المنافقین فئتین و الله ارکسهم بما کسبوا اتریدون ان تهدوا من اضل الله و من الله فلن تجد له سبیلا، و دوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواءفلا تتخذوا منهم اولیاء حتی یهاجروا فی سبیل الله فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجد تموهم و لا تتخذوا منهم ولیا و لا نصیرا ؛ یعنی : چرا درباره منافقین دو دسته شده اید؟ بعضی جنگ با آنها را ممنوع ، و بعضی مجاز می دانید در حالی که خداوند به خاطر اعمالشان ، افکار آنها را کاملا وارونه کرده است . آیا شما می خواهید کسانی را که خداوند بر اثر اعمال زشتشان گمراه کرده ، هدایت کنید؟ در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت . آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابراین ، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر این که توبه

Bia2book.blogfa.com

کنند، و در راه خدا هجرت نمایند. هر گاه از این کار سرباز زنند، و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند، هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید و در صورت احساس خطر به قتل برسانید و از میان آنها، دوست و یار و یاوری اختیار نکنید)نساء ۸۹-۸۸.(

آمادگی پیکار با قریش

مشرکین قریش در امر جهاد دارای وضعیت خاصی بودند. آنان دشمنان سر سخت دعوت اسلامی به شمار می آمدند که در برابر آن مقاومت نمودند و سبب هجرت مسلمانان به مدینه شدند. از آن پس ، مشرکین قریش هم چنان به عنوان بزرگ ترین دشمنان اسلام باقی ماندند :اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر، الذین اخرجوا من دیارهم بغیر حق الا ان یقولوا ربنا الله و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز ؛ یعنی : به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده ، اجازه جهغاد داده شده است ؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا بر یاری آنها تواناست.

همانا که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز این که می گفتند :پروردگار ما، خدای یکتاست ! و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می شود و خداوند کسانی را که یاری او کنند و از آیینش دفاع نمایند یاری می کند. خداوند قوی و شکست ناپذیر است .

Bia2book.blogfa.com

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساءو الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القریهٔ الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا ؛ یعنی : چرا در راه خدا، و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟ همان افراد ستمدیده ای که می گویند :پروردگارا! ما را از این شهر مکه ، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما)نساء۷۵.(

لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین ، انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون یعنی : خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است ممته ۹ - ۸

و قاتلوا فس سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین ، و اقتلوهم حیث ثقفتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و التنهٔ اشد من التقل و لا تقاتلو هم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان قاتلوکم فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین ، فان انتهوا فان الله غور رحیم ؛

Bia2book.blogfa.com

یعنی : و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد! و آنها را بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از آن جا که شما را بیرون ساختند مکه ، آنها را بیرون کنید و بت پرستی از کشتار هم بدتر است و با آنها، در نزد مسجد الحرام در منطقه حرم جنگ نکنید. مگر این که در آن جا با شما بجنگند پس اگر در آن جا با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است بقره ۱۹۲- ۱۹۰.

یسالونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صد عن سبیل الله و کفر به والمسجد الحرام و اخراج اهله منه اکبر من القتل و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا و من یرتدد منکم عن دینه قیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخرة و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ؛ یعنی : از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام ، سوال می کنند. بگو :جنگ در آن گناهی بزرگ است ، ولی جلوگیری از راه خدا و گرایش مردم به آیین حق ، و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام و اخراج ساکنان آن ، نزد خداوند مهم تر از آن است ، و ایجاد فتنه و محیط نامساعد، که مردم را به کفر تشویق و از ایمان باز می دارد حتی از قتل بالاتر است . و مشرکان ، پیوسته با شما می جنگند تا شما را از آیینتان برگردانند، ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد تمام اعمال نیک گذشته او؛ در دنیا و آخرت بر باد می رود؛ و آنان اهل دوزخ اند، و همیشه در آن خواهند بود بقره ۲۱۷، ۱۹۴[524] .

قدرت قریش بر عامل مذهبی و نفوذ سیاسی آن در میان قبایل و تجارت ، که عایدات مالی نه

Bia2book.blogfa.com

چندان کمی را برای آنان به ارمغان می آورد، استوار بود؛ اما موقعیت دینی آنان برگرفته از جایگاه خانه خدا بود که از سوی پدر عرب ها یعنی ابراهیم خلیل بنا شده و برای انجام حج به زیارت آن می رفتند .رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست با تغییر قبله به سوی مسجد الحرام و واجب نمودن روزه ماه رمضان ، اثر این عامل را تضعیف نماید. هم چنین برای تضعیف جایگاه سیاسی آنان ، به عقد پیمان هایی با قبایل هم پیمان خود دست زد. فرآیند این پیمان ها، جانب داری قبایل از پیامبر یا پیش گرفتن بیطرفی میان پیامبر و قریش بود. طبیعی به نظر می رسید که حضرت از قبایل نزدیک به مدینه آغاز کند و قبایلی را که کاروان های قریش از آن عبور می نمود؛ در نظر قرار دهد.

از این رو، با مجدی بن عمر جهنی قرارداد بست که هم پیمان دو گروه گردید [525] .در ماه دوازدهم هجری ، پیامبر با محشی بن عمرو ضمری بزرگ ضمره که در ابواء زندگی می کردند، قرارداد دوستی بست که با آنان پیکار نکرده و آنها نیز با او از در جنگ در نیایند. آنان جزء سیاهی لشکر دشمنان او در نیامده و هیچ دشمنی را کمک ننمایند. پیامبر این پیمان را در نوشته ای ثبت نمود [526] .در ماه شانزدهم ، ایشان با بنی مدلج و هم پیمانان آنها از بنی ضمره ، پیمان دوستی برقرار نمود[527] .

قریش به بازرگانی تکیه فراوانی داشت . آنان برای تجارت کلان خود با سرزمین شام ، اهمیت خاصی قایل بودند. کاروان های تجارتی قریش ، هنگام حرکت به سوی سرزمین شام ، مسیری را طی می کردند که از میان دشت هایی درون کوه های رضوی از میان مدینه و دریا می گذشت .

Bia2book.blogfa.com

گذر کاروان ها از مدینه نبود؛ اما از نزدیکی آن بود؛ طوریکه پیامبر می توانست بر کاروان های قریشی شبیخون زده و تکیه گاه عمده مادی آنان را که به آن اعتماد می نمودند؛ مورد تهدید قرار دهد. بنابراین منطقی به نظر می رسید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فعالیت خویش را علیه این راه متمرکز نماید. به این منظور، ایشان این گونه تحرکات را عملا از ماه هفتم هجری آغاز نمود و سه سریه را یکی به عیص در کنار ساحل دریا، و دیگری را به رابغ و سومی را به خرار اختصاص داد. در این راستا، ایشان خود فرماندهی دو گروه را به عهده گرفته و به بواط و دیگری به ذی العشیره حمله نمود. تمامی این حملات ، نخستین بر نیروی مهاجرین تکیه داشت و هیچ یک از انصار در آن شرکت نداشتند. این حملات هم چنین هیچ غنیمتی را به همراه نداشت.

در آغاز هجرت ، جنگ با قریش برای پیامبر کار ساده ای نبود؛ زیرا در آن هنگام ، مهاجرین دچار سختی های گوناگون ناشی از استقرار در محیط تازه بودند و با آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای کاستن این مشکلات ، تدابیری را اتخاذ نموده بود، به نتیجه رسیدن این تدابیر و پیش بینی ها، نیاز به زمان درازی داشت . از سوی دیگر، تعدادی از مردمان مدینه هم چنان مشرک باقی مانده و گروهی دیگر نگران و آشفته بودند و در برابر دستورات پیامبر سر تعظیم فرود نمی آوردند. برخی از آنها نیز از کسانی که مورد قبولشان بودند؛ اطاعت می کردند. علاوه بر آن ، مسلمانان انصار نیز که با گشاده رویی از رسول خدا صلی الله علیه و آله استقبال کرده بودند، هنوز با روش های تازه ای که اسلام بر آن تاکید داشت و همه را به آن دعوت می نمود، آشنایی پیدا نکرده بودند. بدون شک ، پیش از استقرار این نظام در میان آنان ، مشکلاتی رخ داده بود و روز

Bia2book.blogfa.com

به روز نیز روابط آنان با یهودیان تیره تر می شد.

از سوی دیگر، بسنده کردن پیامبر به ماندن در مدینه ، بدون آن که دست به تعرضی بزند، هیچ گونه پیروزی را بر قریش که نفوذی بر مدینه نداشت ، به همراه نمی آورد. یعنی تسلط پیامبر بر مدینه ، برخورد و یا ضربه ای به منافع قریش وارد نمی ساخت . از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله می بایست توجه خود را به بیرون مدینه معطوف کند. این کار ساده ای به نظر نمی رسید، زیرا قریش روابط حسنه ای با قبایل حجاز و خارج آن ، از راه قراردادها و پیمان ها و دوستی برقرار ساخته بود. هم چنین وجود مکه به عنوان مرکزی برای حج ، جایگاه آنان را در میان قبایل ارتقاء می داد.

تکیه گاه زندگی مردم مکه ، بازرگانی بود؛ بنابر این ، نابودی آن ، نابودی قریش را به همراه داشت و به انجام رسیدن آن کار ساده ای نبود؛ زیرا تجارت مکیان ، تنها محدود به یک جهت و یا یک فصل نبود. آنان با سرزمین شام و عراق و حبشه و یمن و احتمالا با نجد و یمامه و بحرین در ارتباط بازرگانی بودند و این فعالیت ها در تابستان و زمستان ادامه داشت . بنابراین ، دست یافتن بر تمام آنها کاری بس مشکل بود واستیلا بر بعضی از آنها نیز ضربه کارسازی به شمار نمی رفت.

نخستین برخورد

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این راستا دست به سلسله اقداماتی علیه کاروان های قریش زد و به این منظور شخصا فرماندهی بیست و هفت غزوه را به عهده گرفت . ایشان حدود سی و پنج

Bia2book.blogfa.com

سریه را نیز به فرماندهی یکی از صحابه انجام نمود. هر دو تعبیر غزوات و سرایا آشکار می کند که این حمله ها، پیکارهایی جنگی بوده و در آن جنگ صورت گرفته است . اما در مواقع ، تنها در نه مورد به پیکار انجامید و شرکت کنندگان در برخی از آنها، از تعداد کمی بودند و در پایان ، نبرد آنها به عقد قراردادهایی منجر شد.

تمامی این گفته ها، گواه آن است که تعداد بسیاری از آنها، در حقیقت هیات های سیاسی بوده اند و هدف آنان پیکار و جنگ نبوده ، بلکه گفت و گو و بستن قرار داد بین دو طرف را در نظر داشته اند. این قرار دادها، اهمیت فراوانی در جنگ قدرت با مشرکین مکه داشت ؛ زیرا قریش نفوذ و جایگاه بلند خویش را از راه دوستی و معاشرت ، یعنی بستن قراردادهایی میان قبایل که کاروان های تجارتی آن از میان آنان عبور می نمود، به دست آورده بودند و وجود مرکز دینی در مکه ، تاثیر فراوانی در افزایش نفوذ آنها به همراه داشت . این عوامل موجب می شد که کاروان های تجارتی آنان به آسانی عبور نماید و در مقابل باعث می گردید فعالیت پیامبر در دست یابی بر قریش و گسترش قدرت اسلام بر حجاز و جزیره محدود و سخت شود.

در این راستا، طبیعی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخست توجه خود را به قبایل ساکن در بخش های غربی نزدیک به مدینه ، که کاروان های قریش از میان خانه های آنان عبور می کرد، معطوف نماید. در حقیقت حضرت این کار را از روزهای نخست آغاز نموده بود. او در ماه هفتم هجرت ، پیمانی را با مجدی بن عمرو جهنی بست . وی با قریش نیز هم پیمان بود. در ماه دوازدهم پیامبر به ابواء قدم گزارد و قرار دادی را با محشی بن عمرو ضمری بزرگ بنی ضمرة

Bia2book.blogfa.com

بست که بر اساس آن متعهد گردیدند با بنی ضمرهٔ پیکار نکرده و آنان نیز با مسلمانان از در جنگ در نیایند و سیاهی لشکر دشمنان نشوند و از دیگران علیه آنان پشتیبانی نکنند. در ماه شانزدهم نیز خود پیامبر به ذی العشیره رفت و با بنی مدلج و هم پیمانان آنها از بنی ضمیره قرار دادی بست.

از ماه هفتم هجری ، پیامبر حملاتی را علیه کاروان های قریش آغاز نمود و در این راستا سه سریه را یکی پس از دیگری انجام نمود که یکی از آنها، در عیص در کنار ساحل دریاو دومی در رابغ و سومی در خرار بود. ایشان شخصا دو حمله را، یکی به بواط و دیگری به ذی العشیره ، رهبری نمود. تمامی این جایگاه ها در بخش غربی مدینه در حد فاصل میان شهر و دریا که محل عبور کاروان های قریش بود قرار داشت . تمامی این حملات نخستین ، بر مهاجرین تکیه داشت و هیچ یک از انصار در آن شرکتی نداشتند. این حملات در تابستان و زمستان انجام می شد و هیچ گونه غنیمتی به همراه نداشت.

غزوه ها و سریه ها [528]

تاریخ غزوه به ماه موقعیت فرمانده

8بطن رابغ عبیدهٔ بن حارث بن عبد المطلب

9فرار سعد بن ابی وقاص

12ابواء شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

13بواط شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

Bia2book.blogfa.com

13طلب کرز شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

16ذی العشیره شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

17بطن نخل عبد الله بن جحش

19بدر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

19عصماء عمیر بن عدی

19ابی عفک سالم بن عمیر

20قینقاع شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

22سویق شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

23قرقرة الکت شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

25کعب بن الاشرف ؟

25غطفان ؟

27سلیم ؟

27قرده زید بن حارثه

28ربذه ؟

32حمراء الاسد شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

35قطن ابو سلمة بن عبد الاسد مخزومی

36قارة مرثد بن ابی مرثد غنوی

Bia2book.blogfa.com

37نضیر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

45بدر الموعد شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

47ذات الرقاع شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

49دومۀ الجندل ؟

58خندق شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

58قریظه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

59قرطاء محمد بن مسلمۀ

63لحیان شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

63غابه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

63غمر عکاشۀ بن محصن اسدی

64سلیم زید بن حارثه

65عیص زید بن حارثه

66طرف زید بن حارثه

66حسمی زید بن حارثه

66وادی القری زید بن حارثه

67دومۀ الجندل عبد الرحمن بن عوف

68فدک علی بن ابیطالب علیه السلام

Bia2book.blogfa.com

68ابن ابی رافع عبد الله بن عتیک

69اسیر بن رزام عبد الله بن رواح

69عرنیین کرز بن جابر فهری

؟ ابو سفیان عمرو بن امیهٔ غمری

68حدیبیه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

80خیبر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

80تربه عمر بن خطاب

80ضریهٔ بنی کلاب ، ابوبکر

80فدک بشیر بن سعد انصاری

81میفعه غالب بن عبد الله لیثی

82یمن و جبار بشیر بن سعد انصاری

84عمرهٔ القضیه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

84سلیم ابن ابی العوجاء سلیمی

84قدید بنی الملوح غالب بن عبد الله لیثی

85لسی بنی عامر شجاع بن وهب انصاری

85ذات اطلاع کعب بن عمیر غفاری

87موته زید بن حارثه

Bia2book.blogfa.com

88ذات السلاسل عمرو بن عاص

88بطن اضم ابو قتادة بن ربعی انصاری

88فتح مکه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

89حنین هوازن شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

89ذی الکفین طفیل بن عمرو دوس

89طائف شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

97سقیا تمیم عینیه بن حصن

98خثعم قطبة بن عامر

99کلاب ، ضحاک بن قیس کلابی

100حبشه علقمة بن مجزز مدلجی

100فلس : طی علی بن ابیطالب علیه السلام

100جناب عذرة و بلی عکاشة بن محصن اسدی

101تبوک شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

111نجران عبد المدان خالد بن ولید

117یمن علی بن ابیطالب علیه السلام

118عمرة شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

119حجة الوداع شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

Bia2book.blogfa.com

سریه نخله

در روزهای پایانی ماه رجب ، هفدهمین ماه پس از هجرت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله عبد الله بن جحش بن رئاب اسدی را به سرکردگی گروهی جنگجو گسیل داشت . پیامبر نامه ای را به دست او داد و به او امر کرد تا دو روز پس از حرکت ، آن را نخواند؛ آنگاه نامه را خوانده و فرمان را به اجرا در آورد و هیچ یک از همراهان خویش را وادار به همراهی نکند .عبد الله بن جحش دو روز حرکت کرد و سپس نامه را گشود، در آن نوشته شده بود :در صورتی که نوشته مرا خواندی همچنان حرکت نما تا به نخله میان مکه و طائف برسی و در آن جا در کمین قریش نشسته و آگاهی هایی از آنها برای ما بدست آورد .عبد الله بن جحش فرمان رسول خدا را به انجام رساند و تمامی یاران به جز دو نفر که از همراهی با او بازماندند به همراه او به حرکت در آمدند. هنگامی که به نخله رسیدند، کاروان شتران قریش در حالی که بار مویز و جو و کالاهای تجارتی دیگری که از آن بازرگانان قریش از جمله عمرو بن حضرمی بود، به همراه داشت ، از آن عبور نمود. کاروانیان که در نزدیکی آنان منزل کرده بودند، از دیدن آنان به هراس افتادند و دراین هنگام عکاشۀ بن محصن که سر خویش را تراشیده بود، خود را بر آنها آشکار ساخت. کاروانیان هنگامی که او را دیدند خیال کردند که او از افرادی است که قصد به جا آوردن عمره دارد. پس آسوده شدند و این هنگام ، آخرین روز ماه رجب بود. سپس مسلمانان درباره اقدام خود با یکدیگر به مشورت پرداختند. اگر آنان را رها کنند؛ کاروان نجات یافته و به سلامت به مکه

Bia2book.blogfa.com

می رسید، و اگر با آنان پیکار می کردند، حرمت ماه حرام را شکسته بودند و از اقدام این عمل وحشت داشتند. پس به دل های خویش امیدواری دادند و به کاروان حمله نمودند و همه آنان را به جز دو نفر کشته و بارهای آن را به همراه دو اسیر برداشته و به مدینه بازگشتند.

هنگامی که در مدینه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند، حضرت فرمود: شما را به جنگ در ماه حرام فرمان نداده بودم . پس آنها کاروان و دو اسیر را کناری نهاده و از دست زدن به مال التجاره خودداری نمودند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها گفته را فرمودند، آنان سرافکنده شدند و تصور نمودند که به گمراهی پای نهاده اند. در این میان ، آنها از سوی برادران مسلمان خود نیز در برابر کاری که انجام داده بودند، مورد عتاب و بی مهری قرار گرفتند. قریش نیز در این باره گفتند: محمد و یارانش ماه حرام را حلال کرده ، در آن خون ریزی کرده اند و اموال را به تاراج برده ، مردان را اسیر نموده اند.

فرستادن گروهی به نخله ، با در نظر گرفتن دوری آن از مدینه و قرار گرفتن آن در منطقه ای که ساکنان آن کافران مرتبط با اهل مکه بودند؛ اقدام مهم و غافلگیرانه ای به شمار می رفت . گذشته از آن که سامان دهی و اعزام آن در روزهای پایانی ماه حرام نیز بسیار حساس بود. از سوی دیگر، اعتراض مردم بر اقدام سریه نشان دهنده باقی بودن سنت های کهن و جاهلی در دل مسلمانان بود که تنها نزول آیه ای از قرآن و تایید کار آنان از سوی پروردگار آنان را نجات داد خداوند فرمود :یسالونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صد عن سبیل اله و کفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله منه اکبر عند الله و الفتنة اکبر من القتل و لا یزالون یقاتلونکم حتی

Bia2book.blogfa.com

یردوکم عن دینکم ان استطاعوا ؛ یعنی : از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام ، سوال می کنند؛ بگو :جنگ در آن گناهی بزرگ است و ولی جلوگیری از راه خدا و گرایش مردم به آیین حق و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام ، اخراج ساکنان آن ، نزد خداوند مهم تر از آن است ، و ایجاد فتنه و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان باز می دارد حتی از قتل بالاتر است . و مشرکان ، پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند بقره ۲۱۷ .این آیه موجب از میان رفتن غم و اندوه آنان و دست یافتن مسلمانان به غنایم جنگی شد و آنان را به شرکت در جهادی که آیات قرآن مشروعیت آن را تایید نمود، بیشتر تشویق کرد.

فصل یازدهم : پیکارهای گسترده

جنگ بدر

در رمضان سال دوم ، پیامبر آگاهی یافت که کاروانی از قریش با مال التجاره ای از کالاهای گوناگون به سرکردگی ابوسفیان ، از سوی شام حرکت کرده است . حضرت تصمیم گرفت که شخصا به سوی آن حرکت نمایند. به این منظور، ایشان به همراه هفتاد و شش نفر از مهاجرین ،، یعنی تمامی مهاجرین به جز هشت نفر از آنان ، و دویست و هفتاد نفر از مهاجرین ، یعنی تمامی مهاجرین به جز هشت نفر از آنان ، و دویست و هفتاد نفر از انصار، از مدینه بیرون آمد. این گروه ، دارای دو راس اسب و هفتاد نفر شتر [529]بودند. این نخستین غزوه ای بود که انصار در آن شرکت می نمودند و به همراه پیامبر، بیرون از مدینه پیکار می کردند [530] .آنان در راه

Bia2book.blogfa.com

بازگشت کاروان قریش از شام به کمین نشستند. اهل مکه از بسیج مسلمانان آگاه شدند و در میان آنان شایع شد که مسلمانان بر کاروان دست یافته اند. پس تصمیم بر بسیج و پیکار با مسلمانان برای دست یابی به کاروان ، آگاه یافت و کاروان را شتابان از بیراهه ای جز راه عمومی هدایت نمود و خود و کاروان ، آگاهی یافت و کاروان را شتابان از بیراهه ای جز راه عمومی هدایت نمود و خود و کاروان را نجات داد.

هنگامی که مکیان از نجات کاروان آگاهی یافتند، در میان آنان گفت و گو و نزاع پدید آمد . گروهی از آنان نظر دادند که دیگر حمله آنان توجیهی ندارد، زیرا رهایی کاروان ، موضوع را پایان داده است . برخی نیز بر این عقیده ودند که قریش بر مسلمانان ظلم و تعدی فراوانی نموده و انجام این حمله ، موجب افزایش ظلم به آنان خواهد شد و در نتیجه خون ریزی ای که صورت خواهد گرفت ، بر دشمنی و کینه مسلمانان افزوده شده و آنان را به اقدامات دیگری علیه قریش تحریک خواهد نمود. این اندیشه ها به ذهن برخی از دانایان مکه به ویژه گروهی از کافران که نزدیکانی در میان مهاجرین داشتند؛ گذشت . در این باره ، عتبۀ بن ربیعه به اهل مکه چنین خطاب نمود :هرگاه جنگ رخ دهد، تا دیر زمانی هر مرد در چهره مرد دیگر، کشنده پسر عمو یا پسر خاله یا یکی از مردان عشیره خود را خواهد دید. پس بازگردید و محمد را به دیگر عرب ها واگذارید، و هر گاه بر او غلبه جویند، خواسته شما برآورده خواهد شد؛ و اگر جز آن باشد، از دیدار شما روی نخواهد گردانید[531] .

گروهی نیز رای به انجام حمله و اقدامات نظامی پر قدرتی با به هدف حفظ جایگاه قریش و

Bia2book.blogfa.com

نگهداری شهرت و آوازه و بزرگی آن در میان قبایل دادند. آنان تاکید داشتند که با این کار، می توانند مسلمانان را از تکرار حمله و تهدیدهای دیگر علیه کاروان های قریش بازدارند. رای این گروه بر دیگران غالب شد و نیروهای مشرکین پس از جدا شدن بنی زهره و بنی عدی از آنان و بازگشتشان به مکه و شرکت نکردن آنها در جنگ [532]، به ۸ حرکت درآمد. نیروی نظامی قریش از ۹۵۰ نفر مرد، هفتصد شتر و یکصد اسب [533]تشکیل شده بود .ابن اسحاق نام تعدادی از افراد را که وادار به شرکت در این جنگ شدند، آورده است . که در میان آنان ، نام تعدادی افراد به چشم می خورد، که مسلمانان را به هنگام سختی در مکه ، کمک نموده بودند [534] .هم چنین نام بعضی از افراد که مسلمان شده بودند، اما اهل مکه آنان را از هجرت منع کرده و آنها را فریفته بودند [535] .طبیعی است که این گروه با روحیه بالایی در برابر اسلام نمی جنگیدند.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از رهایی کاروان و پیشروی قریش آگاهی یافت ، تصمیم به حرکت و رویارویی با مشرکین گرفت ، اما از موضع گیری انصار که بیشتر سپاه همراه او را تشکیل می دادند، اطمینان نداشت . ابن اسحاق می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :ای مردم ، نظر خود را به من بگویید .در اصل ، رسول خدا صلی الله علیه و آله خطایش به انصار بود، زیرا اکثریت را آنان تشکیل می دادند و در همان عقبه گفته بودند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله خطایش به انصار بود، زیرا اکثریت را آنان تشکیل می دادند و در همان عقبه گفته بودند :یا رسول الله ، دفاع از تو را بر عهده نمی گیریم ، مگر این که به خانه های ما قدم نهی و در صورتی که به ما رسیدی ، بر عهده ما هستی و از تو همچون فرزندان و زنان خود حمایت می کنیم .رسول

Bia2book.blogfa.com

خدا صلی الله علیه و آله بیم آن داشت که عهد و پیمان انصار، شامل هنگامی باشد که دشمن به او در درون مدینه حمله ور شود، نه آن که آنان را به همراه خود برای پیکار با دشمنان سرزمین خود بیرون برد. پس سعد بن معاذ گفت : به خدا سوگند که مقصودت ما هستیم یا رسول الله ، حضرت فرمود بلی سعد گفت : ما به تو ایمان آورده و تو را راست گو دانستیم و شهادت دادیم که آنچه را که با خود آوردی ، حق است ؛ بر آن با تو عهد بستیم که هر آنچه از شما شنیدیم اطاعت و فرمانبری بکنیم . پس یا رسول الله آنچه را که می خواهی انجام ده ، ما با تو هستیم [536] .

در حقیقت این پاسخ عاقلانه و درستی بود، زیرا رها نمودن پیامبر در چنین موقعیتی ، به معنای از دست دادن تمام چیزهایی بود که از هنگام ورود رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنان به دست آمده بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از این موضع گیری تشویق کننده انصار، برای رویارویی با سپاه مشرکین حرکت نمود. پیش روی ، وی را به بدر، که از دشت یلیل سرچشمه گرفته از ینبع دریای سرخ در منطقه صفراء که در آن تعدادی چشمه و تپه قرار داشت ، رسانید. پیامبر در بدر منزل نمود تا خود را آماده پیکار سازد. در آن هنگام ، بدر، [537]جایگاهی برای گردهمایی عرب به شمار می آمد و دارای بازاری بود که از آغاز ماه ذی القعده تا هشت روز پس از آن بر پا می شد و مردم پس از آن به سرزمین های خود باز می گشتند.

مسلمانان جایگاه خویش را حاشیه قلیب [538]انتخاب نمودند که نزدیک ترین چاه به مکانی بود که احتمالا مشرکین در آن گرد می آمدند [539] .مسلمانان با این جایگزینی ، بر همه آب های

Bia2book.blogfa.com

گوارای منطقه تسلط یافتند و مشرکین را از آن محروم ساختند .پیامبر سایبانی را در کنار قلیب بر پا ساخت و آن را مرکزی برای فرماندهی خویش قرار داد[540] .

حضرت در زیر این سایبان ، بر صحنه پیکار مسلط بود و اداره آن را از آن نقطه به عهده داشت.

نبرد آغاز شد. ابتدا به صورت تن به تن و سپس به صورت جنگی تمام عیار میان دو سپاه .

مسلمانان با شور و هیجان و توانایی ، جنگ را آغاز نمودند و به برتری و پیروزی دست یافتند. در این هنگام ، سپاه مشرکین پس از به جای گذاشتن بیش از هفتاد کشته و حدود هفتاد اسیر، صحنه نبرد را ترک کرده و گریخت . در این جنگ مسلمانان چهارده کشته داند و رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاه شکست خورده مشرکین را دنبال نکرد. ایشان دستور داد کشته ها را دفع کرده و غنیمت ها را جمع آوری نمایند. پیامبر سه روز در آن منطقه باقی مانده تا پیروزی خود را جشن گیرد و سپس به مدینه مراجعت نمود. حضرت با اسیران مشرکین رفتار نیکویی داشت و به جز دو نفر از آنان ، که سعی فراوان در اذیت و آزار [541]ایشان نموده بود، هیچ یک را به قتل نرسانید. در این میان ، بر تعدادی از آنان منت نهاد و آزادشان ساخت ، و مقرر نمود از باقی مانده ها هر اسیر در ازای جان خود، مبلغ چهار صد تا هزار درهم پرداخته و آزاد شود و در غیر این صورت ، دو نفر از کودکان انصار را خواندن و نوشتن آموزد[542] .

اهمیت جنگ بدر

جنگ بدر نخستین برخورد مسلحانه با نیروی نسبتا گسترده نظامی قریش بود که به عزم جنگ و پیکار با مسلمانان حرکت کرده بودند. بنابر این ، جنگی بود که قریش از قبل برای آن آماده شده

Bia2book.blogfa.com

بودند. از این رو، برای مسلمانان بسیار حساس و سرنوشت ساز بود، زیرا برای نخستین بار، مهاجرین تمام قدرت جنگی خویش برای پیکار با قریش را به معرض نمایش قرار می دادند. آنان قدرتی بودند که در آن هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آنها تکیه داشت . آنها اساس اسلام بودند و با درک پیامبر، بالاترین و قوی ترین همبستگی را با ایشان داشته و عمیق ترین کینه و دشمنی را نسبت به قریش که آنها را از خانه و سرزمینشان رانده بودند، پس شکست مهاجرین ، قدرت پیامبر را در معرض خطر فراوانی قرار می داد که به نابودی اسلام منتهی می شد. از این رو، شگفت نیست که پیامبر فرمود :بارالها، اگر این گروه را امروز هلاک گردانی ، هیچ گاه عبادت نخواهی شد[543] .

از سوی دیگر، جنگ بدر، نخستین پیکاری بود که در آن دست یابی به غنیمت مورد نظر نبود و چون در بیرون از مدینه صورت می گرفت ، جزیی از بندهای پیمان عقبه نبود .بنابراین ، انصار قانونا ملزم به شرکت در جنگ نبودند. علاوه بر آنکه این جنگ ، فاقد هر گونه توجیهی برای قریش بود، زیرا آنان در حقیقت برای نجات کاروان خود و پیکار با اسلام بسیج شدند. در پایان نیز میان آنان و اهل مدینه ، دشمنی گسترده ای وجود نداشت . انصاری که با رسول خدا صلی الله علیه و آله خارج شده بودند، هم با قبایل خود همبستگی داشتند و این واقعه آزمایش بود که پشتیبانی آنان از اسلام و آمادگی آنها بر جنگ و پیکار برای گسترش آن را نشان می داد. بنابراین ، سزاوار است جنگ بدر را جنگی سرنوشت ساز که در آن آینده اسلام آشکار شد، بنامیم و شگفت انگیز نیست که مسلمانان همواره در سال روز این جنگ ، جشن گرفته و خشنودی کنند

Bia2book.blogfa.com

و قرآن نیز آشکارا از آن به عنوان تنها جنگ یاد نماید[544] .

جنگ بدر، تاثیر فراوانی بر روحیه و معنویات مسلمانان گذاشت . این جنگ ، اعتماد به نفس آنان را نسبت به خود و پیامبر صلی الله علیه و آله افزایش داده و موجبات یکپارچگی و همبستگی و بالا رفتن امیدواری و حماسه و آمادگی آنان برای جنگ شد و این توانایی را به پیامبر داد که بتواند موقعیت خود را در مدینه مستحکم نموده و در برابر یهودیان ، موضع گیری کرده ، سیاستهای مناسب شرایط را اعمال کند و نظام نامه ای را که در آن به حدود و اختیارات او اشاره دارد، صادر نماید. جنگ بدر، قدرت نظامی را به عنوان یک فرمانده نظامی آشکار ساخت . ایشان در این جنگ فرمانده کل بود و اقدامات پیشین ایشان ، تنها اقداماتی سیاسی و اداری به شمار می رفت . رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از این ، دو حمله را رهبری کرده بود، اما در آن ها برخوردی جنگی ، به وجود نیامده بود و اگر هم به وجود می آمد، به این اندازه قدرت ایشان در اداره نظامی لشگر، مانند آنچه را که در این پیکار در مقیاسی گسترده پیش آمد، آشکار نمی ساخت.

تاثیر جنگ بدر بر قریش تنها آشکار شدن نیروی نظامی و همبستگی مخالفین در دشمنی با آنان نبود؛ زیرا در پی حملات پیشین ، این حقایق برای آنان آشکار شده بود. هم چنین این تاثیر نه محدود به کاروان نجات یافته و تجارت آنان بود و نه زیان های جسمی آن ، که نسبتا فراوان نبود؛ با آنکه افراد بزرگی از آنان هم چون ابوجهل به هلاکت رسیدند. هم چنین خون های ریخته شده و در نتیجه بالا گرفتن روحیه کشتار و انتقام هم اثر اصلی این جنگ نبود. مهم ترین تاثیر

Bia2book.blogfa.com

جنگ بدر بر قریش ، از ناحیه معنوی صورت گرفت و درنتیجه ، هیبت و بزرگی آنان را در برابر عشایر دیگر تضعیف کرد. از این پس بود که بسیاری از عشایر سعی در نزدیکی به رسول خدا صلی الله علیه و آله نمودند.

هنگامیکه پیامبر به مدینه بازگشت ، پاکسازی جبهه داخلی را در مدینه آغاز نمود. ایشان برای این کار، ابتدا از افرادی که در استقرار امنیت تاثیر سوء زبان های زیان آور آنان موجب گسترش شایعات و به وجود آمدن آشوب می شد، آغاز نمود. ابتدا عصماء دختر مروان را که با اسلام دهن کجی کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله را اذیت و آزار نموده و افراد را بر علیه ایشان می شورانید به وسیله شخصی به قتل رساندند. به دنبال او، ابو عفک را که مردی یهودی بود و اشعاری را بر علیه پیامبر به نظم در می آورد، کشته و سپس به دنبال کعب بن الاشرف که اشعاری را در هجو پیامبر و یاران او سروده و آنان را آزار و اذیت می نمود، فرستاده ، او را نیز به قتل رساند . (545)

این تدابیر موجب شد یهودیان بترسند و روابط خویش را با پیامبر، بر پایه های روشن و واضحی تنظیم نمایند .ابن سعد می گوید: پیامبر پس از کشته شدن کعب بن الاشراف ، از یهودیان خواست میان پیمان صلحی امضا کنند. پیمان نامه نیز نزد علی بن ابیطالب علیه السلام نگاه داشته شد[546] .

سپس پیامبر لشکرکشی هایی را علیه برخی از قبایل ساکن در شرق و جنوب مدینه آغاز نمود. از آن جمله ، حمله بر محارب و ثعلبه در ذی امر، بنی سلیم در بحران و هلال در ذات عمق [547]را می توان نام برد. بیشتر این قبایل ، از هم پیمانان مشرکین قریش به شمار آمده و بعضی از کاروان

Bia2book.blogfa.com

های قریش ، از میان سرزمین آنان عبور می کرد.

جنگ احد

جنگ بدر، ضربه سهمگین و جبران ناپذیری بر قریش وارد ساخت .پس از آن ، ابو سفیان سعی نمود اثر این شکست را کاهش دهد و اعتماد به نفس قریشیان را مجددا بازگرداند. به این منظور فرمان ممنوعیت گریستن بر کشته های قریشیان را صادر نمود و تا هنگام گرفتن انتقام ، کشتگان ، زینت و شادی را بهمه حرام کرد [548] .سپس در اواخر سال دوم سپاهی را برای حمله به مدینه آماده ساخت . سپاهیان به اطراف جنوب شرقی مدینه حمله برده و شبی را در بنی نضیر ماند و سپس شتابان بازگشتند .هدف این لشکرکشی ، رساندن این پیام به پیامبر بود که جنگ بدر، قریش را از میان نبرده و پیکار میان آنان و پیامبر پایان نیافته است . اما ابو سفیان با وجود رسیدن به مدینه ، هیچ گونه پشتیبانی را از منافقین ویهودیان مدینه دریافت نکرد.

در شوال سال سوم ، یعنی پس از گذشت شانزده ماه از جنگ بدر، ابوسفیان سپاهی گرانسنگ را با سه هزار مرد جنگجو به همراه سه هزار شتر و دویست اسب که در میان آنان نیز زنانی برای ایجاد شور و هیجان در جنگجویان وجود داشتند، برای حمله به مدینه فرماندهی کرد. تکیه گاه این سپاه ، مشرکین قریش بودند؛ اما در میان آنان ، هم پیمانانی از کنانه و ثقیف [549]نیز به چشم می خورد .ابو عامر راهب نیز که پیامبر پیش از این او را از مدینه رانده بود، به همراه پنجاه نفر از پیروانش در میان آنان بود [550] .هدف این حمله ، گرفتن انتقام شکست قریش در جنگ بدر بود. سپاه به ذی الحلیفه در جنوب غربی مدینه ، که نخستین ایستگاه در راه مکه به شمار می آید، رسید.

Bia2book.blogfa.com

بنابراین مشخص شد که آنان راه معمول را انتخاب کرده بودند.

آنان مدینه را دور زدند و به احد که کوهی است در سه مایلی شمال مدینه رسیدند. چهارپایان آنها در کشتزارهای آن منطقه به چرا مشغول شدند.

موضع گیری مسلمانان در جلوگیری از ورود مشرکین به مدینه و چیره شدن آنان بر مسلمانان ، واحد بود و همه ، دفاع را ضروری و واجب می شمردند. اما بحث و گفت و گوی فراوانی درباره بهترین راه نبرد در جریان بود. برخی رای به پایداری در داخل مدینه و دفاع از آن دادند. آنان استحکامات مدینه کشتزارها و باغ ها در نظر گرفته بودند که همگی موانعی در برابر پیشرفت مهاجمین به شمار می آمد؛ علاوه بر آن که این دفاع ، شور و هیجان بیشتری به انصار در راه دفاع ، از خانه ها و کاشانه و کشتزارهای خویش می داد و هیجان بیشتری به انصار در راه دفاع ، از خانه ها و کاشانه و کشتزارهای خویش می داد و همبستگی ساکنین آن را در پیشگیری از خطر قریش می افزود و اجازه نمی داد ستون پنجم که تهدیدی برای مدافعین درون مدینه به شمار می آمد، فعالیتی داشته باشد. این ها مواردی بود که با تکیه بر آنها، عده تصمیم به جنگ در درون مدینه داشتند. این رای از سوی کهنسالانی از انصار و مهاجرین صادر شد و مقرر شد زنان و فرزندان در اطم ها باقی بمانند و جنگجویان در کوچه های مدینه با مهاجمین بجنگند. در مقابل این گروه ، گروه دیگری بود که موضع گیری نظام داشت . گروه دوم ، شور پیکار با قریش را داشت و معتقد بود مسلمانان در صورت پیروزی در این جنگ ، به معنویت بزرگی دست می یابند. این گروه ، دارای تاثیر قوی تری بودند و بر این اساس ، رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر آنان را

Bia2book.blogfa.com

عملی ساخت و تصمیم به بیرون رفتن از مدینه و جنگ با مشرکین گرفت[551] .

لله بن ابی به همراه یک سوم از مردم ، یعنی در حدود سیصد نفر، [552]

بدون شک ، این عقب نشینی ، نیروی جنگاوری سپاه مسلمانان را تضعیف کرد، اما این تضعیف به آن حد نبود که به پیروزی قریش بیانجامد و شور و هیجان شرکت کنندگان در جنگ و وابستگی آنان به پیامبر را بکاهد.

عقب نشینی این افراد، ناشی از عدم پذیرش رای آنان در روش رویارویی با دشمن بود .آنان پس از عقب نشینی ، به هیچ گونه اقدامی که عقبه لشکر مسلمانان را تهدید نماید و یا خطری را درون مدینه به وجود آورد، دست نزدند .ابن اسحاق روایت می کند که عبد الله بن ابی در جمعه بعد، بر پشتیبانی خود از پیامبر و اسلام تاکید نمود.

از سوی دیگر، ابن اسحاق می گوید: به همراه عبد الله بن ابی گروهی از قوم او که از اهل نفاق به شمار می آمدند، عقب نشینی کردند [553] .این سخنی کلی است و منابع به شرح و تفصیل آن نپرداخته اند؛ اما می توان با بررسی نسبت کشته شدگان احد درمیان عشایر، بر آن استدلال هایی نمود. کشته شدگان احد هفتاد نفر بودند .ابن اسحاق آنها را بر اساس عشایر وابسته به آنها، طبقه بندی نموده است . نامبرده از عشایر اوس ، دوازده نفر شهید را از عبد الاشهل ، سه نفر را از ساکنین راتج بنی زعورا، دو نفر را از ظفر و عبید، و یک نفر را از سلم و معاویه بن مالک [554]نام برده است . از خزرج نیز پنج نفر از بنی عوف ، چهار نفر از بنی نجار و سلمه ، سه نفر بنی سواد، و حرث ، و ابجر، و دو نفر از بنی دینار، زریق ، مبذول ، ساعده ، طریف و سواد و یک نفر از عمرو

Bia2book.blogfa.com

بن مالک ، و عدی ، و مازن و حبلی ، ذکر شده اند.

از این گفته آشکار شود که تعداد عشایر خزرجی شرکت کننده در پیکار و شهدای آنان 38نفر بسیار بوده است و این خود گواهی بر فزونی تعداد شرکت کنندگان آنان در جنگ است . تعداد کم کشته شدگان اوس نیز، نشان دهنده این واقعیت است که شرکت کنندگان آنان در جنگ ، کمتر از خزرجیان بوده است . نکته قابل توجه آن است که نام برده از کشته شدگان بنی حارثه و بنی عمرو بن عوف که از اوس به شمار می آمدند، یادی نکرده است ؛ در حالی که شهیدی از بنی حبلی از پیروان عبد الله بن ابی را یاد نموده است . تمامی این مطالب ، نشان دهنده این حقیقت است که گروهی که هنگام پیشروی به احد، عقب نشینین کردند، تنها از قوم عبد الله بن ابی نبوده و شاید اکثریت آنان از اوس به شمار می آمدند. در هر صورت ، عقب نشینی آنان ، تنها به علت چگونگی رویارویی در جنگ بود و هیچ گونه جنبه مخالفت یا رویارویی با اسلام را نداشت.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به کوه احد رسید، در پشت آن موضع گرفت و تعدادی از تیراندازان را به هدف حمایت از عقبه لشکر در آن مستقر نمود و آنان را به پایداری و استقامت ، بدون در نظر گرفتن وضعیت صحنه پیکار و تغییرات آن فرمان داد .سپس پایگاه خویش را در دشتی که از میان آن می گذشت بر پا نمود. مشرکین نیز خالد بن ولید را فرمانده سمت راست سپاه و عکرمۀ بن ابوجهل را فرمانده سمت چپ آن قرار دادند دو سوی لشکر خویش را به وسیله دویست اسب تقویت کردند.

جنگ با حمله ابو عامر راهب و پیروانش آغاز شد و آنگاه سایر مشرکین از قلب سپاه حمله ور

Bia2book.blogfa.com

شدند. مسلمانان پایداری و استقامت کردند و مشرکین شکست خورده و صفوف آنان به هم ریخت . در این هنگام ، تیراندازان مسلمان مسئول نگهداری کوه ، این وضع را پایان جنگ تلقی نموده و برای شرکت در صحنه جنگ به حرکت در آمدند. بنابراین جایگاه خویش را رها ساخته و بدین ترتیب عقبه سپاه مسلمانان را خالی کردند .خالد بن ولید که نظاره گر این صحنه بود، بی درنگ با تعدادی از اسب سواران مشرکین ، سپاه مسلمانان را دور زد و جایگاه تیراندازان آنها را اشغال نمود. سپس از پشت به سپاه اسلام حمله ور شد و صفوف آنان را از هم پاشیده و صفوف سپاه آنان را متزلزل کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه گروهی از یاران ، هم چنان در مقابل مشرکین پایداری می نمود؛ طوری که بعضی از مشرکین به ایشان نزدیک شده و زخمی بر صورت ایشان وارد ساختند. در این هنگام میان مسلمانان شایعه کشته شدند پیامبر منتشر شد. این خبر، اضطراب و بیم را در میان صفوف مسلمانان افزایش داد و آنان پس از به جای گذاشتن هفتاد شهید، تن به شکست دادند. تاریکی شب دو لشکر را از جنگ بازداشت و این گونه ، جنگ پایان یافت . مشرکین این پیروزی را به عنوان انتقام جنگ بدر کافی دانسته و ابوسفیان ، فرمانده مشرکین فریاد زد: یک روز در برابر روز بدر، و پیکار هم چنان ادامه خواهد یافت [555] . سپس میدان جنگ را ترک کرد و سپاه آنان بدون آنکه از این فرصت برای حمله به مدینه استفاده نماید، به سوی مکه بازگشت . شاید آنان بیم آن داشتند که اگر مسلمانان را تا درون مدینه تعقیب نمایند، ساکنین آن دست به دست هم داده و به جنگ با مشرکین در آیند و پیروزی را به شکست مبدل سازند؛ به ویژه آنکه آنان تعدادی کشته و اسب های فراوانی را از دست داده بودند .در روز

Bia2book.blogfa.com

بعد، پیامبر سپاه مشرکین را تعقیب نمود تا این که به حمرا الاسد در ده مایلی مدینه و درسمت چپ راه عمومی که مشرکین [556]انتخاب کرده بودند رسید. هدف از این تعقیب ، ترسانیدن دشمن و آگاه ساختن آنان از این بود که مسلمانان به دنبال آنان آمده اند. هم چنین پیامبر می خواست نشان دهد که ضربه آنان موجب از هم پاشیدگی مسلمانان نشده است . ابوسفیان نیز سعی کرد برخورد مجددی با مسلمانان پیدا نکند، زیرا بیم آن داشت که پیروزی به دست آمده را از دست بدهد.

قرآن کریم خبر جنگ را به تفصیل آورده است : هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین ، و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین ، ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله و تلک الایام نداولها بین الناس و لیلعم الله الذین آمنوا و یتخذ منکم شهداء و الله لا یحب الظالمین ، و لیمحص الله الذین آمنوا و یمحق الکافرین ، ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصابرین ، و لقد کنتم تتمنون الموت من قبل ان تلقوه فقد رایتموه و انتم تنظرون ، و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین ، و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا موجلا و من یرد ثواب الدنیا نوته منها و من یرد ثواب الاخرة نوته منها و سنجزی الشاکرین ، و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما و هنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا و الله یحب الصابرین ؛ یعنی : این ، بیانی است برای مردم ، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران . و سست نشوید و غمگین نگردید. و شما هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران .

Bia2book.blogfa.com

و سست نشوید و غمگین نگردید .و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! اگر در میدن احد به شما جراحتی رسید و ضربه ای وارد شد، به آن جمعیت نیز در میدان بدر ، جراحتی همانند آن وارد شد. و ما این روزهای ی پیروزی و شکست را در میان مردم می گردانیم و این خاصیت زندگی شماست تا خدا، افرادی را که ایمان آورده اند، بداند و شناخته شوند، و خداوند از میان شما شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی دارد. و تا خداوند، افراد با ایمان را خالص گرداند و ورزیده شوند، و کافران را به تدریج نابود سازد. آیا چنین پنداشتید که تنها با ادعای ایمان وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما صابران را مشخص نساخته است ؟! و شما مرگ و شهادت در راه خدا را، پیش از آنکه با آن رو به رو شوید، آرزو می کردید. سپس آن را با چشم خود دیدید، در حالی که به آن نگاه می کردید و حاضر نبودید به آن تن در دهید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است ؟ !محمد صلی الله علیه و آله فقط فرستاده خداست ، و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند. آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب بر می گردید؟ و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟ و هر کس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند، و خداوند به زودی شاکران و استقامت کنندگان را پاداش خواهد داد. هیچ کس ، جز به فرمان خدا، نمی میرد، سرنوشتی است تعیین شده ، بنابراین ، مرگ پیامبر یا دیگران ، یک سنت الهی است . هر کس پاداش دنیا را بخواهد و در زندگی خود، در این را گام بردارد؛ چیزی از آن به او خواهیم داد، و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می دهیم ، و بزودی سپاس گزارن را پاداش خواهیم داد. چه بسیار پیامبران که مردان الهی

Bia2book.blogfa.com

فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند و تن به تسلیم نداند، و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد .آل عمران ۱۴۶- ۱۳۸.

آثار جنگ احد: شور و نشاط مخالفان

پیروزی مشرکین قریش در جنگ احد، قطعی نبود و تاثیر محدودی داشت ؛ زیرا آنان نتوانستند همراهی مخالفین اسلام و منافقین را با خود به دست آورند و موفق به تحریک آنان بر ضد اسلام شوند. آنان بدون آن که سپاه اسلام را دنبال کنند، به سرعت عقب نشینی کرده و در روز بعد، با حرکت پیامبر به دنبال آنان ، پایداری نکردند. بنابراین جنگ احد را تنها می توان اقدامی برای انتقام جستن از شکست بدر و نه تلاشی برای نابودی اسلام به شمار آورد.

اما آنچه بر مسلمانان در جنگ احد وارد شد، موجب شد مخالفینی که دلی بیمار داشته و یا از شمار منافقین بودند، نیرو یافته و تلاش خرابکارانه آنان بر آشفتگی وضع بیفزاید. چیزی که موجب شد رسول خدا صلی الله علیه و آله برای استقرار یگانگی و همبستگی ، دست به اعمالی زند و شالوده ای را که از هنگام ورود به مدینه سعی در برقراری آن داشت ، استوار سازد.

جنگ احد و پی آمدهای آن ، پیامبر را بر آن داشت که به مناطق اطراف مدینه اهمیت بیشتری داده و برای تثبیت جایگاه دولت در آن مناطق تلاش نماید؛ زیرا سکوت و بی توجهی به آن ، موجب محدودیت دولت اسلام و تضعیف جایگاه مسلمانان در مدینه می شد.

Bia2book.blogfa.com

در این هنگام برخی قبایل ، از شکست مسلمانان در احد، سوء استفاده کرده و دست به تلاش بر ضد اسلام زدند؛ طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله مجبور شد در اول محرم ماه سی و پنج هجری ، یعنی تقریبا دو ماه پس از جنگ احد، برای گوشمالی طلحه و سلمۀ فرزندان خویلد از قبیله بنی اسد، به قطن [557]حمله نماید. اقدام دیگر پیامبر، آمادگی برای حمله به سفیان بن خالد هذلی بود که بعد به جای حمله ، شخصی را به سوی او فرستاد و وی را به قتل رساند[558] .

این در حالی بود که طلحه و سفیان هر یک به جمع آوری نیرو برای حمله به مسلمانان مشغول بودند. در آن سال ، جزیره با خشکسالی نیز روبه رو بود. ماه بعد، دو حادثه دیگر اتفاق افتاد و خیانت به مسلمانان موجب از دست دادن تعدادی از آنان شد. در حادثه نخست ، هنگامی که عامر بن مالک کلابی به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمد تا از ایشان بخواهد هفتاد نفر از مسلمانان را برای آشنایی مردم نجد به دین و هدایت آنان ، به آن جا گسیل دارد، در نزدیکی بئر معونه ، بنی سلیم ، بنی سلیم به او همراهانش حمله ور شده و همگی را به شهادت رساندند[559] .

در حادثه دوم ، نمایندگانی از بنی هون بن خزیمه به حضور پیامبر رسیده و گروهی را برای آموزش اسلام در میان خود از ایشان درخواست نمودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله ده نفر را جهت خواندن قرآن و آموزش دستورات اسلامی به همراه آنان گسیل داشت . هنگامی که آنان به رجیع [560]در دشت هد، که به میل عسفان ختم می شد، رسیدند، بنی لحیان به آنان حمله کرده ، همگی را به اسارت در آوردند و به مکیان فروختند و بیشتر این افراد در آنجا به قتل رسیدند[561] .

بدون شک این دو واقعه نشان دهنده سبک شمردن نیروی اسلام و کینه افراد از آن بود و دست

Bia2book.blogfa.com

زدن به این گونه کارها، موجب خوشنودی قریشیان می شد. شاید هم ، این اقدامات ، به تحریک قریش و یا برای جلب رضایت آنان انجام می شد .رسول خدا صلی الله علیه و آله به هیچ گونه کار تلافی جویانه ای دست نزد، زیرا گرفتار مشکلات درونی ، از جمله گرفتاری بنی نضیر که محاصره شده و در ماه بعد از مدینه رانده شدند؛ بود.

در ماه چهل و هفتم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را که از چهارصد جنگجو تشکیل شده بود، رهبری نمود و به سوی دو عشیره مرۀ و ثعلبه که هر دو از محارب به شمار می آمدند، رهسپار شد [562] .این دو، در تدارک نیرو برای درگیری با مسلمانان بودند. در این لشکرکشی ، جنگی صورت نگرفت و تنها تلاش ناکامی برای ترور پیامبر صورت گرفت[563] .

حارث بن ابی ضرار نیز گروهی از قوم خویش را به همراه تعدادی از عرب ها برای جنگ با پیامبر گرد آورده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله با نیروی بسیاری به سوی آنان روانه شد . تعداد فراوانی از منافقین با ایشان به حرکت در آمدند که تا آن روز در هیچ غزوه ای این چنین شرکت نکرده بودند. آنان در مریسیع نزدیک مشلل ، با نیروهای یاد شده پیکار کردند و تعدادی از مردان و زنان و کودکان را کشته ، و هزار شتر و پنج هزار گوسفند را به غنیمت گرفتند. در این هنگام ، لشکر شکست خورده اقدام به پرداخت فدیه و آزادی اسیران خود نمود و بدین ترتیب این جنگ با غنیمت بسیاری به پایان رسید [564] .در راه اسیران خود نمود و بدین ترتیب این جنگ با غنیمت به مدینه ، مشاجره ای و انصار، اختلاف پیش آمد و منافقین نیز در این هنگام فرصت را غنیمت شمرده ، به اختلاف دامن زدند و بر مهاجرین تعدی نمودند. اما پیامبر آن را با

Bia2book.blogfa.com

درایت حل نمود و به سپاه فرمان داد بر سرعت حرکت خود بیفزاید و با این کار، اختلاف به وجود آمده ، فراموش شد. پیش از رسیدن به مدینه ، عایشه برای قضاء حاجت ، از کاروان عقب ماند .صفوان بن معطل با او برخورد نموده و او را در حالی که سوار بر شتر بود بازگردانید. این کار موجب به وجود آمدن گفت گوهایی فراوان میان مردم شد، تا این که آیه کریمه نازل گردیده و برائت عایشه [565]را در آن تصریح نمود و این گفت گوها را کذب محض خواند[566] .

اگر چه شرایط حساسی که منجر به بروز حوادثی که از آن یاد نمودیم شد، پیامبر را با مشکلاتی رو به رو کرد، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله هم چنان از انجام کارهایی که در آن قدرت خویش و تامین مصالح دولت و جایگاه آن را استحکام می بخشید، غافل نبود و در این راستا، در روزهای پایانی ماه چهل و پنج ، یعنی هفت ماه پس از راندن بنی نضیر، سپاهی را که هزار و پانصد مرد تشکیل شده بود، فرماندهی کرد و به سوی بدر حرکت نمود. آنان در کمین کاروانی از قریش نشستند که گزارش هایی از حرکت نمود، آنان در کمین کاروانی از قریش نشستند - گزارش هایی از حرکت آنان به سوی شام به وی رسیده بود؛ اما کاروان از مکه خارج نشد. ایشان هم چنین در ماه چهل و نهم ، سپاهی را که از هزار مرد تشکیل شده بود، به سوی دومۀ الجندل [567]برای گوشمالی اعراب آن منطقه که به حاملان کالاهای عبور کننده از سرزمینشان ، ظلم و اجحاف روا می داشتند، [568]گسیل کرد. بدون شک دخالت پیامبر در تامین راه تجارتی شمالی ، گواه این است که مسلمانان مدینه ، به ویژه بازرگانان آن ، تجارت میان مدینه و شام را آغاز نموده و با این که این تجارت در حکم رقابت با تجارت اهل مکه که ، هیچ گونه ارتباطی با مدینه

Bia2book.blogfa.com

نداشتند، نبوده ، اما به وجود آوردن زمینه های امنیت ، خود خدمتی به صلح و امنیت عمومی بوده و موجب می شد، قریش پی ببرد که گسترش قدرت پیامبر و همکاری با او، هیچ گونه ضرر و زیانی برای آنها نخواهد داشت.

این حمله نشان دهنده آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از همان روزهای نخستین آگاه بود که تنها راه ارزشمند برای گسترش اسلام در آینده ، شمال خواهد بود. در همین دوران پیامبر قرار دادی را با عینیهٔ بن حصن برقرار نمود که بر اساس آن ، به ایشان حق استفاده از چراگاه تغلمین و دشت های پایین دست آن تا دشت مراض داده می شد. این منطقه ، در حدود چهل مایلی مدینه بود و بدون شک ، منظور از این قرار داد، برقراری امنیت در نواحی شمال مدینه بوده است.

فصل دوازدهم : محاصره مدینه : جنگ خندق

زمینه های اولیه و نیروهای شرکت کننده

در ماه ذی القعده سال پنجم ، مشرکین قریش به همراه تعدادی از هم پیمانان خویش برای جنگ با مسلمانان ، رو به سوی مدینه گزاردند .ابن اسحاق و واقدی این حمله را تحریکی از سوی یهود بنی نضیر ، که به وسیله پیامبر از مدینه رانده شده و جمعی از آنان به خیبر پناه برده و تعدادی از بزرگان آنها به سوی قریش و برخی به سوی قبایل دیگر آورده بود، می دانند .ابن اسحاق می گوید :تعدادی از یهودیان از جمله سلام بن ابی الحقیق نضری ، حیی بن اخطب نضری ؛ کنانهٔ بن ربیع بن ابی الحقیق نضری ، هوذهٔ بن قیس وائلی و ابو عمار وائلی ، با گروهی از بنی نضیر و

Bia2book.blogfa.com

جماعتی از بنی وائل ، که تشکیل دهنده احزاب علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، حرکت کرده و بر قریش وارد شدند و از آنان خواستند تا به جنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله بروند و گفتند ما با شما علیه او متحد می شویم تا او را نابود کنیم.

سپس ، گروه یهودیان از میان آن ها بیرون رفته و رو به سوی غطفان که از قیس عیلان به شمار می آمدند نهاده و آنان را به همراهی خویش برای جنگ با پیامبر فرا خواندند. قریش نیز از آنان پیروی کرده و در این مهم گرد هم آمدند[569] .

واقدی نیز همین گفته را به جز آنکه ابو عامر راهب را به جای ابو عمار وائلی نام برده ، تکرار نموده است [570] . هر دو منبع ، تحریک کنندگان را مردانی از بنی نضیر و بنی وائل دانسته اند.

روشن است که قیام بنی نضیربه تحریک علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله ، انگیزه انتقام عشیره ای داشته است ؛ زیرا آنان به وسیله پیامبر از مدینه رانده شده بودند.انگیز سیاسی دینی محدود به عشیره معینی آنان را بر این تشویق می کرد و بنابر این نمی توانست مردان بنی وائل را که هر یک از ابن اسحاق و واقدی شرکت آنان را علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد کرده اند، تحریک نماید. زیرا بنی وائل از آن هنگام که عصماء کشته شد، اسلام آورده و پیامبر نیز پیش از اسلام در مورد آنان سخت نگرفته بود و پس از اسلام نیز فشار سختی به آنها وارد نساخته بود. از این رو، ممکن است تحریک کننده آنان در این تجمع ، ابو عامر راهب بوده باشد .ابو عامر از رسول خدا صلی الله علیه و آله که اهل مدینه را به اسلام دعوت کرده و او را از ریاست و بزرگی بر آنها محروم ساخت ، کینه عمیقی به دل داشت . هیچ یک از منابع اشاره ای به گرد هم آمدگان

Bia2book.blogfa.com

بنی نضیر و بنی وائل و این که آنان سعی در کمک گرفتن از یهودیان یا مخالفین و منافقین در مدینه داشته اند، نکرده اند. بدون شک ، اقدام آنان با شکست و ناکامی روبه رو می شود، زیرا مردم مدینه هم چنان متحد و هماهنگ بودند و- به جز رفتار یهود بنی قریظه در روزهای پایانی - در هنگام محاصره دست به کاری که هماهنگی و اتحاد آنان را سست نماید، نمی زدند.

از سوی دیگر، پذیرفتن گفته ابن اسحاق و واقدی درباره قیام مشرکین مکه در جنگ خندق به عنوان پذیرش درخواست بنی نضیر، مشکل به نظر می رسد؛ زیرا بزرگان قریش مردانی کار آزموده در سیاست و اگاه به منافع خویش بودند. آنان همواره بدون در نظر گرفتن دیگران ، منافع خویش را در نظر می گرفتند و پیش از آن نیز سابقه نداشته است در جنگی که تنها منافع دیگران در آن باشد شرکت نمایند. هیچ گونه اشاره ای به همبستگی عمیق و گسترده میان قریش و یهود نشده است . در حقیقت ، قریش انگیزه های درونی خاصی برای پیکار با پیامبر داشت ؛ زیرا جنگ بدر موجب امنیت عبور کاروان ها نشده بود و برعکس ، شور و فعالیت مسلمانان را در گسترش امنیت بر قبایل ساکن در راه کاروان های شمال حجاز افزایش داده بود .ابو سفیان نیز آگاه بود که جنگ احد پیروزی چشمگیری در بر نداشته است ؛ بنابراین ، شرایط موجود، اقتضای دست زدن به حمله تازه ای را داشت . اما خشکسالی که در سال پس از جنگ احد، سر تا سر حجاز را فرا گرفت ، موجب شد آنان حمله خویش را به تاخیر اندازد. پس بهتر است بگوییم تلاش قریش برا آمادگی به جنگ ، در حقیقت برای تامین خواست های ویژه مورد تهدید خویش بود و نه پذیرش درخواست عاطفی گروهی از یهودیان غریب و میهمان . در صورتی نیز که

Bia2book.blogfa.com

رایزنی های یهودیان با قریش واقعیت داشته باشد، می توان آن را به عنوان آمادگی و زمینه چینی قریش برای انجام کاری بزرگ که منافع دیگران را در آن تامین شود، به شمار آورد.

غطفان دومین قدرت بزرگ نظامی شرکت کننده در جنگ خندق به شمار می آمد .واقدی می گوید: تحریک کنندگان یهودی ، که پیش از این به آنها اشاره شد، پس از رایزنی با قریش و بنی سلیم ، به میان غطفان حرکت کرده و محصول یک سال خرمای خیبر را در برابر یاری آنان و همراهی با قریش در جنگ با محمد به آنها وعده دادند، و غطفان را به پذیرش این اقدام تشویق نمودند و نخستین کسی که آن را اجابت نمود عینیهٔ بن حصن بود[571] .

از این گفته آشکار می شود که شرکت غطفان ، به همت تحریک کنندگان یهودی صورت پذیرفت و اهل مکه با این قبیله یا رییس آنان گفت گویی نداشته اند.

در حقیقت ، پیش از این هیچ گونه ارتباط محکمی میان قریش و غطفان ، که سرزمین مسکونی آنان در شمال شرقی حجاز در منطقه ای فقیر و دور افتاده از راه تجارتی مکه یا قبایل هم پیمان با مردم آن بود، شناخته نشده است . بدون شک عنصر موثر و اساسی شرکت غطفان در این پیمان ، رییس آنان یعنی عیینهٔ بن حصن بود که نفوذ فراوانی بر قبیله خویش داشت و از شخصیت آزمند، حریص و ناپایداری برخوردار بود و ارتباط چندان دوستانه ای نیز با رسول خدا صلی الله علیه و آله نداشت.

واقدی در جمله ای که پیش از این گذشت ، می گوید که تحریک کنندگان ، غطفان را فریفته و به آنان وعده یک سال خرمای خیبر را دادند. پس ، شرکت آنان دارای اهداف مادی نیز بوده و

Bia2book.blogfa.com

ارتباطی با قریش نداشت است و در صورتی که این گفته حقیقت داشته باشد، نشان از فریب خوردن عینیه دارد؛ زیرا تحریک کنندگان وعده ای را به او دادند که توانایی انجام آن را نداشتند؛ چون آن وعده ، خرمای خیبر بود. در حالی که ساکنین خیبر در جنگی شرکتی نداشتند و اخبار نیز به قیام آنان برای کمک به قریش و هم پیمانان آنها اشاره ای نکرده است . دستیابی به محصول خیبر نیز بدون جنگ های تازه ای که باید از سوی عینیه بر ضد خیبر صورت می گرفت ، عملی نبود.

بنابر این ، درست آن است که بگوییم غطفان به تحریک قریش ، در جنگ شرکت نمود و به آنها وعده داده شد که غنیمتی را از محصول خیبر در اختیار گیرند .واقدی می گوید: عینیهٔ بن حصن گفت به خدا سوگند ما برای یاری قریش نیامدیم ، زیرا اگر ما از آنها یاری می جستیم آنان به کمک ما نشتافته و از حرم پا را فراتر نمی گذاشتند. اما قصد داشتیم که خرمای مدینه را به دست آوریم و در آن یادی از ما باشد و ما نیز به منفعتی رسیده باشیم [572] .از این گفته آشکار می شود که شرکت آنان تنها جنبه مادی با تکیه بر پیمانی منفعت جویانه و کوتاه مدت ، که فاقد زمینه های استوار و بادوام بوده ، داشته است.

نیروهای شرکت کننده با قریش

ابن اسحاق از نیروهای شرکت کننده در جنگ خندق این گونه یاد می کند: قریش به رهبری ابو سفیان بن حرب به حرکت در آمد و غطفان به فرماندهی عینیهٔ بن حصن از بنی فرازه و مسعر بن رخیله به رهبری گروهی از قوم خویش از اشجع [573] .

Bia2book.blogfa.com

واقدی نیز در این باره می گوید: قریش چهار هزار برده حبشی و سیصد اسب به همراه داشت . هم چنین تعداد هزار و پانصد شتر را به عنوان پشتوانه سپاه آورده بود .همگی به رهبری ابو سفیان بن حرب بن امیه به حرکت در آمدند.

بنی سلیم نیز با هفتصد نفر به فرماندهی سفیان بن عبد شمس هم پیمان حرب بن امیه که پدر ابوالاعور سلمی [574]به شمار می آمد، حرکت کرده و در مرالظهران به سپاه قریش رسیدند. هم چنین بنی اسد به رهبری طلحۀ بن خویلد اسدی ، فزاره در میان هزار نفر به فرماندهی عیینۀ بن حصن ، اشجع که تعدادشان چهار صدر نفر بود به رهبری مسعود بن رخیله این گروه شامل تمامی افراد اشجع نمی شد و حارث بن عوف به فرماندهی قوم خود بنی مرۀ که چهار صد نفر بودند، پیش آمدند. در این میان ، ابو الحارث بن عوف به جنگجویان غطفان گفت:

در سرزمین خود پراکنده شوید و به سوی محمد حرکت نکنید، زیرا می بینم آینده محمد روشن است ؛ در صورتی که از میان شرق و غرب در برابر او ایستادگی کنند باز پیروزی از آن او خواهد بود. پی همگی در سرزمین خود پراکنده شدند و هیچ یک از آنان در جنگ حاضر نشد .

زهری و بنی مره این گونه روایت کرده اند.

اما او از عبد الله بن ابوبکر بن عمرو بن حزم و عاصم بن عمر روایت می کند که بنی مره را خندق در حالی که آنان چهار صد نفر به فرماندهی حارث بن عوف مری بودند دیده است و حسان نیز او را شعری نکوهش کرده است ، و این روایت نزد ما درست تر است که او با قوم خویش در خندق حضور داشته است[575] .

Bia2book.blogfa.com

منابع به کوشش هایی که در نتیجه آن بنی سلیم ، و بنی اسد، اشجع ، و مره به جنگ آمدند، اشاره ای نکرده اند؛ زیرا این قبایل سه گانه ، در مناطق شمالی مدینه ساکن بودند و هیچ گونه ارتباط تنگاتنگی با مردم مکه نداشتند. آنان هم چنین به وابستگی به احکام دینی مشهور نبودند که آنان را به مخالفت با اسلام سوق دهد. بنابر این به نظر می رسد که شرکت آنان به تحریک غطفان برای به دست آوردن غنیمت بوده است . از این رو، آنان در این جنگ فعالیت چشمگیری نداشتند، تا آنجا که برخی منابع ، از ذکر نام آنان به عنوان شرکت کننده در جنگ غفلت کرده اند.

از آنچه بیان شد، آشکار می شود که بیشتر قبایل شرکت کننده در جنگ خندق و پیکار با مسلمانان ، دلایل قانع کننده یا انگیزه های مهمی نداشته اند و در پیکار نیز از خود شور و هیجان نشان نداده اند.

واقدی تعداد نیروهایی را که برای پیکار با مسلمانان گرد هم آمده بودند، این گونه آورده است:

مرد اسب شتر

قریش و بردگان حبشی آنها ۴۰۰۰ ۳۰۰ ۱۵۰۰

سلیم ۷۰۰ ؟ ؟

اسد ؟- -

فزاره ۱۰۰۰ ۳۰۰-

اشجع ۴۰۰- -

مره ۴۰۰- -

Bia2book.blogfa.com

آمادگی رسول خدا صلی الله علیه و آله

بدیهی است که پیامبر از تحریکات و رایزنی هایی که برضد اسلام در جریان بود، آگاهی داشت ؛ زیرا آمادگی گسترده آنان ، نیاز به وقت چندان کوتاهی نداشت و ضمنا مخفی نگاه داشتن آن نیز کار آسانی نبود. حضرت در برابر آنان ، به استحکام جبهه داخلی و آمادگی آن برای رویارویی با خطر پرداخت و این پیشگیری را به گونه ای آغاز نمود که مانع از به وجود آمدن اضطراب و آشوب در مدینه شود و مخالفین برای برپایی آشوب در وضعیت مسلمانان مدینه فرصت یابند تا مسلمانان به دلیل همبستگی داخلی ، قدرت کافی برای رویارویی با نیروهای مهاجم را داشته باشند .

از این رو، پیامبر، اقدام به استمداد و کمک از عشایر ساکن پیرامون مدینه ننمود؛ زیرا به کمک آنان احساس نیاز نمی شد. علاوه بر آن ، استمداد از آنان ، موجب می شد آمادگی ایشان در درون مدینه ، آشکار شده و بسیج آنان ، سنگینی بار هزینه مالی و خوراک آنان را به عهده ایشان گذارد.

واقدی می گوید :هنگامی که قریش از مکه به سوی مدینه عزیمت نمودند، گروهی از خزاعه به سوی پیامبر آمده و عزیمت قریش را به آگاهی ایشان رساندند .آنان فاصله میان مکه تا مدینه را چهار روزه طی نمودند و در آن هنگام ، رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مردم ندا داد و آنان را از حمله دشمن آگاه نمود[576] .

می بینم که پیامبر، ندای خطر را پس از گذشت چهار روز از عزیمت اهل مکه به مردم داد.

بنابراین ، آمادگی علنی حضرت برای رویارویی با دشمن چندان طولانی نبود.

Bia2book.blogfa.com

پیامبر تصمیم گرفت دفاع از مدینه را از درون آن انجام دهد. از این رو، به تنظیم دفاع از مدینه از درون پرداخت و در نخستین اقدام ، زنان و کودکان را در میان اطم ها تقسیم کرد. همسرش عایشه را به همراه مادر سعد بن معاذ در دژ بنی حارثه و صفیه دختر عبد المطلب عمه خود را در دژ فارع [577] پناه داد.

واقدی می گوید :رسول خدا صلی الله علیه و آله ، سلمهٔ بن اسلم را به همراه دویست مرد و زید بن حارثه را بر سیصد نفر مرد جنگی قرار داد .آنها از مدینه محافظت نموده و حضور خویش را با تکبیر به یکدیگر اطلاع می دادند؛ زیرا پیامبر، بر جان کودکان ، از سوی بنی قریظه بیم داشت . عباد بن بشر به همراه برخی انصار، وظیفه پاسداری از قرارگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عهده داشتند و هر شب پیرامون آن پاس می دادند [578] .بنی عمرو بن عوف ، زنان و کودکان خود را در اطم ها قرار داده و برخی در اطراف اطم های قبا سنگر گرفتند .بنی عمرو بن عوف و دوستانشان ، و خطمه و بنی امیه و وائل و واقف ، نیز کودکان خود را در اطم های خویش پناه داده و نیمی از روز را با موافقت پیامبر، به نگهبانی از آنان می پرداختند [579] .هنگامی که نیروهای مشرکین به مدینه رسد، مسلمانان بر جبهه داخلی مدینه چیرگی داشتند. مخالفین و منافقین نیز به هیچ گونه اقدام جدی ای که موضع مسلمانان را تهدید کرده یا آسیبی به آن برساند، دست نزدند. پیامبر سه هزار جنگجو آماده کرده بود و قدرت جنگی ای در حدود نه برابر نیروی اسلام در جنگ بدر و سه برابر جنگ احد در اختیار داشت در آن دوران ، مناطق جنوبی و غربی مدینه ، دشت ها، کشتزارها و خانه های نزدیک به هم بسیاری داشت که در پشت آنها دشت عقیق قرار

Bia2book.blogfa.com

داشت و می توانست خط دفاعی ، عرصه را بر مهاجمین تنگ کند. زمین سمت شمال شرقی مدینه نیز ناهموار بود و در آن کوه احد قرار داشت . تنها سمت شمال غربی مدینه دارای سرزمینی هموار بود که می توانست مورد تهدید قرار گیرد. در حقیقت سه لشکری که در سرزمینی هموار بود که می توانست مورد تهدید قرار گیرد. در حقیقت سه لشکری که در دوران های اسلامی برای پیکار با مردم مدینه به آن حمله ور شدند، یعنی قریش در جن خندق در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله ، لشکریان یزید در واقعه حره ، و سپاه عباسیان که برای سرکوبی قیام محمد نفس الزکیه آمدند، همگی این منطقه را برای حمله به مدینه انتخاب کردند و دستیابی به آن ، ضامن پیروزی و تسلط آنان بر مدینه به شمار می آمد.

پی بردن به اهمیت این منطقه در دفاع از مدینه ، به رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می گردد؛ زیرا جنگ هایی که پیش از این در مدینه اتفاق افتاده بود، یا درگیری های محلی درون مدینه بود و یا پیکارهایی در مناطقی دور از مدینه ؛ اما در جنگ خندق ، مدینه برای نخستین بار در تاریخ خود، مورد تهدید و محاصره کامل قرار گرفت.

مدینه در سال سوم هجری نیز مورد تهدید قرار گرفته بود و آن هنگامی بود که سپاه مشرکین به این شهر نزدیک شد و منطقه احد را صحنه پیکار خویش قرار داد و ضمن وارد کردن حملات سهمگین بر سپاه مسلمانان ، به پیروزی چشم گیری دست نیافت.

خندق و محاصره مدینه

پیامبر، برای مصونیت منطقه یاد شده ، فرمان به حفر خندق دادند تا به این وسیله از پیشروی

Bia2book.blogfa.com

سپاهیان مهاجم ، جلوگیری بعمل آورند و مسلمانان بتوانند آسان تر از مدینه دفاع نمایند. به این ترتیب ، حضرت میدان نبرد را تعیین نمود و مشرکین را به آن منطقه کشاند. خندق در زمینی سخت و سنگلاخی حفر شد. عملیات حفر آن ، پس از حرکات لشکریان مشرک از مکه آغاز شد . مسلمانان با سرعت اقدام به آن کردند، زیرا بیم آن داشتند که دشمنان از راه برسند .رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تشویق مسلمانان ، خود نیز مانند دیگران کار کردند و قسمت دیگری از آن را به گروه دیگر واگذار کردند .راتج تا ذباب را مهاجرین و از ذباب تا کوه بنی عبید را انصار حفر نمودند. سایر قسمت های مدینه را از خانه های مسکونی ، هم چون دژی در برگرفته بود .بنی عبد الاشهل در امتداد محله های خود، حفر خندق را آغاز نموده و تا پشت مسجد [580]ادامه دادند و بنی دینار نیز از کنار خربی [581]حفر خندق را آغاز کردند و تا جایگاه کنونی خانه ابن ابی الجنوب آن را ادامه دادند. آنان در شش روز خندق را آماده ساختند [582] .شش روزی که در آن خندق حفر شد، مدت کوتاهی بود، اما تعداد فراوان شرکت کننده در حفر آن و شور و هیجان آنان در کار، کافی بود که خندق را به عنوان مانعی نظامی در برابر یورش نیروهای مهاجم ، آماده سازد. خندق ، هم چنین توانست دو گروه را در برابر تیرهای پرتاب شده از سوی یکدیگر در امان نگاه دارد.

از توصیف خط سیر خندق ، این گونه آشکار می شود که سرتاسر اطراف مدینه را در برنگرفته و تنها منطقه ای محدود را شامل می شده است . بدون شک ، گفته واقدی در این باره که : سایر مناطق مدینه را خانه ها در برگرفته بود، به گونه ای که به صورت حصاری به شمار می آمد سخنی

Bia2book.blogfa.com

به گزاف است ، زیرا خانه ها به گونه ای بوده که دشمن می توانسته از میان تعداد نه چندان کمی از آنها، به درون مدینه رخنه کند. بنابر این ، بالاترین سد دفاع از مدینه ، همبستگی افراد آن بود، نه پیوستگی خانه های آن . قرآن کریم سخن یکی از قبایل را که گفته بود خانه های آنان بی حفاظ است ، در سوره احزاب آورده است ؛ یعنی خانه های آنان به گونه ای بوده است که مهاجمین می توانسته اند از میان آنها رخنه نمایند.

واقدی می گوید لشکریان مهاجم که به سوی خندق آمدند، از قریش ، سلیم ، غطفان ، و اسد، ده هزار نفر در قالب سه لشکر تحت فرمان ابوسفیان بودند؛ اما آنچه درباره فرود این لشکریان آمده است ، گواه بر آن است ؟ آنان در قالب دو لشکر بوده اندت نه سه لشکر، ابن اسحاق می گوید : هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کندن خندق فارغ شد، قریش در قالب ده هزار نفر از بردگان حبشه ای و همراهانشان از کنانه و مردم تهامه در مسیر رومه ، میان جرف و زغابه و غطفان و پیروان آنها از مردم نجد همگی در نقمی در دامنه احد، فرود آمدند.

واقدی می گوید :قریش در رومه و دشت عقیق به همراه بردگان حبشی و دیگرانی از عرب که به آنها پیوسته بودند، و غطفان به همراه سپاه خود در زغابه در کنار احد فرود آمدند. سپس قریش چهارپایان خویش را در میان دشت عقیق در [583]عضاهه به چرا رها ساخت [584] ... غطفان نیز شتران خود در غابه [585]میان درختان و سبزه زارهای آن ، در عضاه الجرف رها ساخت .از این گفته آشکار می شود که نیروهای مشرکین در قالب دو سپاه اصلی بوده اند. یکی لشکریان قریش و پیروان آنها از قبایل پیرامون مکه ، که اردوگاه این لشکر در اطراف غربی مدینه بوده ، و فضای

Bia2book.blogfa.com

وسیعی را به اشغال در آورده بودند. آنان همگی در کنار خندق که محور اصلی پیکار به شمار می آمد، جمع نشده بودند.

سختی های محاصره

محاصره شهر، یک ماه به طول انجامید [586]میان آنان پیکار و جنگ و خون ریزی نبود و تنها به پرتاب تیر و محاصره بسنده کرده بودند. در این میان ، تنها تعدادی از سواران قریش با یافتن روزنه باریکی ، توانستند از خندق عبور کنند و به شن زار میان خندق و سلع راه یابند؛ اما به علت تعداد اندک آنان ، مسلمانان توانستند آنان را به محاصره کشیده و وادار به عقب نشینی نمایند . [587]آنها سرانجام یک روز با جمع آوری تمام نیروهای خود، به حمله گسترده ای در سرتاسر خندق دست زدند؛ اما با شکست و ناکامی روبه رو شدند. دست آورد. این محاصره طولانی ، سه کشته از مشرکین و شش کشته از مسلمانان بود [588] .این تعداد با توجه به حجم نیروهای شرکت کننده در جنگ و مدت زمان محاصره آن ، بسیار ناچیز به نظر می رسد. نیروهای مشرکین هنگامی به مدینه رسیدند که مردم آن محصولات خویش را چیده و کشتزارها را درو کرده بودند . فصل سرما از راه رسیده و زمین تهی از علف بود، از این رو، آنان با مشکل تغذیه نیروهای خود و چهار پایان روبه رو شدند. به همین منظور، قریش چهار پایان خود را در دشت عقیق در عضاهه به چرا رها ساخت . زیرا برای اسبان خوراکی جز علف وجود نداشت وعلفی که همراه آورده بودند، ساقه های گندم بود .غطفان نیز شترهای خود را در غابه در میان درختان و سبزه زارها در عضاه الجرف رها کردند. آنان هنگامی به این منطقه آمده بودند که زمین هیچ گونه محصولی نداشت ؛

Bia2book.blogfa.com

زیرا مردم یک ماه پیش ماه همه را درو کرده و محصول و کاه های به دست آمده را به درون شهر برده بودند .غطفان ، اسبان جنگی خود را که سیصد عدد بود در پی یافتن محصول های درو شده و بر زمین ریخته ، رها کردند که این کار از تعداد آنها کم می کرد.

هم چنین ضعف شدیدی ، شتران آنان را فراگرفته و نزدیک بود که از گرسنگی هلاک شوند. این در حالی بود که مدینه دوره خشکسالی را می گذراند [589] و مردم دوره محاصره و واقعه خندق را در نهایت سختی و گرسنگی طی می کردند[590] .

در حقیقت ، با گذشت روزها، مسئله تغذیه سپاه و چهارپایان سخت تر می شد، به طوری که مهم ترین عامل عقب نشینی آنان ، بیش از دست یابی به نتیجه ای چشم گیر، همین مسئله بود. از سوی دیگر در تمامی دوران طولانی محاصره ، هیچ گونه نیروی کمک و یا جیره غذایی از هیچ یک از مناطق کشاورزی که خیبر و یمامه نیز جزو آنها به شمار می آمد، به آنان نرسید. به یقین ، محرومیت آنان نشان از دورویی و تقلب یهودیان بود که وعده های فراوانی را به مشرکین داده بودند .ابو سفیان درباره بحران جیره غذایی و تاثیر آن در عقب نشینی قریش می گوید :ای گروه قریش ! شما مردان ماندگاری نیستید، شتران و اسبان همگی مردند و مراتع خشک شده . پس برخیزید کوچ کنید که من درگذرم [591] .

اما مسلمانان در برابر مسئله جیره غذایی در سختی کمتری بودند؛ زیرا در درون مدینه ، آب های فراوان و کشتزارهای گسترده ای بود که به یقین ، آنان برای تقویت پایگاه های خود و پایداری در برابر دشمن از آنها استفاده می کردند. کشتزارهای خارج از منطقه محاصره شده ، بسیار اندک

Bia2book.blogfa.com

بود.

قریش که به همبستگی مردم مدینه و پایداری مسلمانان پی برد، سعی نمود این همبستگی را از راه های سیاسی ضعیف گرداند. از این رو، با یهود بنی قریظه که به وسیله پیمانی با رسول خدا ارتباط داشتند، گفت گو نمود و توانست آنان را به نقض پیمان و پیوستن به مشرکین وادار سازد. همبستگی آنان با قریش ، موجب اضطراب شدیدی در لشکریان مسلمان گردید .نفاق آشکار شده ، و مردم را بیم فرا گرفت ، گرفتاری عمومی شده ، و ترس فراگیر گردید. و بر کودکان و زنان بیم رفت [592] .... قرآن کریم در این باره اینگونه می گوید :اذ جاءوکم من فوقکم و من اسفل منکم و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحنابر و تظنون بالله الظنون ؛ یعنی : به خاطر بیاورید زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین شهر به شما وارد شدند و مدینه را محاصره کردند و زمانی را که چشم ها از شدت وحشت خیره شده و جان ها به لب رسیده بود، و گمان های گوناگون بدی به خدا می بردید احزاب ۹.

مسلمانان از پیمان شکنی بنی قریظه که دارای قدرت نظامی گسترده ای نبود و هیچ یک از مردم مدینه نیز به آنان نپیوستند، بیم نداشتند، بلکه از ایجاد شکاف در خط دفاعی مسلمان می ترسیدند . ابن هشام می گوید :اوس بن قیضی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست نمود که به قوم او از بنی حارثه اجازه دهد که برای دفاع از خانه های خویش که در معرض تهدید قرار گرفته است بیرون آیند [593]اما قریش از این فرصت استفاده نبرد و تنها به درخواست بنی قریظه برای فعالیت های نظامی بر علیه مسلمانان بسنده کرد، و بنی قریظه نیز به بهانه احترام روز شنبه نزد آنان ،

Bia2book.blogfa.com

دست به هیچ گونه اقدامی نزدند. شاید این بهانه ای بود که بر ضعف خویش پوشش گذاشته و نشان دهند که قریش نیز به یاری آنان نخواهد آمد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در مقابل ، به فعالیت سیاسی پرداخت و برای بر هم زدن اتحاد دشمن ، به غطفیان پیشنهاد کرد با گرفتن یک سوم محصول خرمای مدینه ، بازگردند .عینیهٔ بن حصن یک دوم آن را خواست ؛ اما انصار از پیامبر خواستند به او جواب رد داده و به مقاومت و جنگ در برابر آنان ادامه دهد[594] .

تاثیر جنگ خندق

طولانی شدن مدت محاصره ، باعث به وجود آمدن برخی تنش ها و درگیری ها در مدینه شد. قرآن کریم با اشاره به این وقایع ، می فرماید :انما المومنون الذین آمنوا بالله و رسوله و اذا کانوا معه علی امر جامع لم یذهبوا حتی یستاذنوه ان الذین یستاذنوک اولئک الذین یومنون بالله و رسوله فاذا استاذنوک لبعض شانهم فاذن لمن شئت منهم و استغفر لهم الله ان الله غفور رحیم ... قد یعلم الله الذین یتسللون منکم لواذا فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنهٔ او یصیبهم عذاب الیهم ؛ یعنی : مومنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند. کسانی که از تو اجازه می گیرند، به راستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند! در این صورت ، هر گاه برای بعضی کارهای مهم خود از تو اجازه بخواهند، به هریک از آنان که می خواهی وصلاح می بینی اجازه ده ، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است ... خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان

Bia2book.blogfa.com

می شوند؛ و یکی پس از دیگری فرار می کنند می داند !پس آنان که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از این که فتنه ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد نور- ۶۳- ۶۲.

ابن هشام می گوید این آیه درباره مردانی از منافقین نازل شد که به هنگام کار، خود را ضعیف نشان داده و بدون اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به سوی خانواده خویش می گریختند. اوس بن قیظی از بنی حارثه ادعا نمود که خانه های آنان باز و بدون حفاظ است و خندق آنها را حمایت نمی کند :خانه ها در بیرون از مدینه بی حفاظ است .در این هنگام بود که نفاق برخی منافقین ظاهر شد.

عقب نشینی قریش

طولانی شدن دوران محاصره ، بالا گرفتن مشکل جیره غذایی و نرسیدن به نتیجه ای مشخص ، باعث خستگی نیروهای مهاجم شد، وزش طوفان و باد سرد بر آنان نیز: موجب شد ابوسفیان دست از محاصره بردارد و عقب نشینی کند، قرآن کریم با اشاره به طوفان و تاثیر آن بر شکستگی قریش : می فرماید :یا ایها الذین امنوا ذکروا نعمه الله علیکم اذ جاءتکم جنود فارسلنا علیهم ریحا و جنود لم تروها ، یعنی ، ای کسانی که ایمان آورده اید. نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند، ولی ما باد سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدند و به این وسیله آنها را در هم شکستیم احزاب .

عقب نشینی یک روز انجام شد و خالد بن ولید و عمرو بن عاص به همراه دویست اسب سوار به

Bia2book.blogfa.com

حمایت نیروهای در حال عقب نشینی پرداختند سپاهیان قریش به هنگام عقب نشینی ، راه همیشگی و معمولی را در پیش گرفتند و از مسیر ملل و سیال رسیدند عقب نشینی غطفان را نیز مسعود بن رحلیه و حارث ابن عوف به همراه گروهی اسب سوار از سلیم ، پشتیبانی کردند و نیروهای آنان به همراه اشجع و مره و سلیم همگی به مراض عقب نشینی کرده و سپس پراکنده شدند، رسول خدا ص نیز به تعقیب نیروهای عقب نشینی کننده نپرداخت.

اهمیت جنگ خندق

رخ ندادن پیکاری جدی در دوره محاصره طولانی شهر به ضعف قدرت جنگی دو گروه برنمی گردد، زیرا هر یک از آن دو، پیشتر دست به پیکارهای متعددی زده بود که در ضمن آنها قدرت و کفایت خویش در جنگ را نشان داده بود، حفر خندق که فاصله کوتاهی در منطقه ای محدود را در برگرفته بود نمی تواند دلیل آن باشد، زیرا در صورتی که کفار اقدام جدی به عمل می آورند می توانستند از آن عبور نمایند، اضافه بر آن مناطق ، دیگری نیز وجود داشت که نیروهای مشرکین قدرت نفوذ به آنها را داشتند و می توانستند مسلمانان را تهدید کرده و آنان را وادار به ورود به جنگ و پیکار نمایند.

اتخاذ تدابیر دفاعی هوشمندانه از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله ، آشکار می نماید که حضرت احتمال بروز حادثه و ورود آنان به درون مدینه را می داد. ساکنین مدینه نیز دست به عمل ارزشمندی که امنیت مدینه و همبستگی آنان در پایداری را تهدید نماید، نزدند. آیات ارزشمندی که امنیت مدینه و همبستگی آنان در پایان را تهدید نماید، نزدند .آیات ارزشمندی که

Bia2book.blogfa.com

امنیت مدینه و همبستگی آنان در پایداری را تهدید نماید، نزدند. آیات قرآن نیز، فعالیت و نشاط منافقین مخالف را تنها به عدم همکاری در حفر خندق و ازدیاد رفت و آمد آنان به خانه هایشان بدون انجام عملی که موجب از هم گسیختگی همبستگی مدینه شود، محدود کرده است . این موضع گیری در یهودیان به این شکل بوده که آنان به نیروهای مهاجم یاری نداده و با این که بنی قریظه پیمان خویش با رسول خدا صلی الله علیه و آله را شکست و در آخرین روز قرار بر پیوستن به مهاجمین گذاشت ، اما در جنگ دست به عملی جدی نزد. بنابراین ، رخ ندادن پیکاری جدی و گسترده در دوره جنگ ، به ضعف انگیزه پیکار در میان نیروهای مهاجم و ضعف اعتقاد آنان در توجیه جنگ باز می گشت . در مورد قریش هم ، پیامبر تا آن هنگام دست به کار جدی ای ، که در نتیجه آن اساس و وجود آنان را تهدید نماید، نزده بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آن هنگام تنها به فعالیت هایی مختصر بر ضد آنها، از جمله سه مورد تلاش برای حمله به کاروان های آنان به هنگام عبورشان از نزدیکی مدینه ، دست زده بود و جنگ بدر، بر قدرت و منزلت آنان تاثیر گذاشته بود. اگر چه پیروزی کفار در جنگ احد، این اثر را از میان برداشته و آنها جایگاه اصلی خویش را بازیافته بودند، بنابر این ، قبایل حجاز علیه آنان با یکدیگر هم پیمان نشدند و بر عکس ، علیه مسلمانان با یکدیگر جمع شدند.

بدون شک تاکید اسلام بر ادامه دین ابراهیم علیه السلام که خانه خدا را در مکه بنا نمود و آنرا جایگاهی برای عبادت پروردگار قرار داد و نیز تغییر قبله به سوی مکه ، قریش را نسبت به توجیه پذیری مشروعیت دشمنی با مسلمانان ، متزلزل ساخت . ابن اسحاق می گوید: مشرکین مکه

Bia2book.blogfa.com

یهودیانی که برای تحریک آنان در پیکار با رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده بودند، سوال کردند :ای گروه یهود! شما صاحب کتاب نخستین بوده و از اختلافات برآمده میان ما و محمد آگاه می باشید! آیا دین ما صحیح است یا دین او؟ (595)

به تحقیق ، پاسخ یهودیان به حقانیت دین مشرکان ، نمی توانست شک و تردید آنان در ایمان به درستی اعتقاداتشان را پایدار نگه دارد. از سوی دیگر، سیاست قرن بر آن نبود که دولت گسترده ای را به وجود آورد تا دولت اسلام را مانعی در راه آن بپندارد؛ بلکه آنچه که آنها در نظر داشتند، تنها ادامه برقرار بودن جایگاه بلند خویش در میان قبایل و داشتن ارتباط، که تامین منافع آنها را آسان و همواره نماید، بود.

رویدادهای بعدی نشان از درستی شک و تردید قریشیان داشت و این موضوع هنگامی آشکار شد که جمعی از بزرگان ، اسلام خویش را آشکار ساختند.

دیگر قبایلی که با قریش در جنگ خندق همکاری نمودند، عبارت اند از اسد؛ غطفان و سلیم .تا آن هنگام ، این قبایل نه تنها از سوی پیامبر مورد حمله قرار نگرفته بودند، بلکه تهدید نیز نشده بودند. آنها از جنگ با مسلمانان به جز در به دست آوردن غنیمت ، هیچ گونه سودی نمی بردند و غنیمت به دست آمده نیز در آن حد نبود که برای به دست آوردن آن ، خون ریزی کرده و دشمنی با مردم مدینه را که توجیه پذیر نبود برای خویش به ارمغان آورند .علاوه بر آن که همبستگی های آنان با قریش نیز دارای استحکام و پایداری نبود .سعد بن معاذ درباره ارتباط عمیق و سالم میان مردم مدینه و قبایل مجاور آن ، این گونه اظهار نظر کرده است : آنان در دوران

Bia2book.blogfa.com

جاهلیت از شدت تهیدستی خوراک علهز [596]می خورند، خوراکی که هرگز ما به آنها نخوراندیم ؛ و خوراکی ما را نخورند مگر با خریدن یا هنگام مهمانی [597] .

عقب نشینی از جنگ ، به ، دست نیافتن قریش به غنیمت های کافی و گرفتاری های تامین خوراک باز می گردد؛ زیرا تعداد بسیار اسب ها و شتران و جنگجویان و نیز قرار داشتن اردوگاه آنها در بیرون از مدینه ، که فاقد کشتزار بود و فصل سرما که در آن سال پس از خشکسال رخ داد، موجب شده بود مشکل تامین خوراک در طول دوره جنگ بیشتر شود .ابو سفیان از این مطلب آگاهی داشت و به همین مناسبت ، ورزیدن طوفان شن را بهانه قرار داد و عقب نشینی را آغاز نمود و به این صورت ، مدینه از بزرگ ترین خطری که تا آن هنگام آن را تهدید می نمود، نجات یافت . هم چنین قریش به ناتوانی خویش برای نابودی ریشه اسلام آگاه شد و قبایل دیگر نیز این معنا را درک نموده و از حمله گسترده و فراگیر دست کشیدند.

پایداری مسلمانان ، ثمره سیاست پیامبر در به وجود آوردن پایگاهی استوار برای اسلام را آشکار ساخت و نشان داد که وجود افرادی در میان آنان ، که هم چنان حقیقت اسلام را درک نکرده و در آن ذوب نشده بودند، نمی تواند خطری داخلی به شمار آید. بنابراین ، این حقایق موجب افزایش معنویت آنان و نیز درک اهمیت یگانگی و همبستگی میان آنها شد. از این پس بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه شد دارای قدرت تعرض و قیام گسترده ای است و در اشاره ای به این حقیقت بود که فرمود :قریش پس از این سال ، دیگر با شما از در جنگ در نخواهد آمد، اما شما با آنان پیکار خواهید کرد[598] .

Bia2book.blogfa.com

جنگ خندق آخرین تلاش قریش برای پیروزی بر پیامبر و از میان بردن اسلام بود .قریش در این حمله ، از تمام امکانات خویش و هم پیمانانش سود جست و برای دست یابی به مقاصد خود، مدتی نسبتا طولانی در میدان پیکار باقی ماند و در این میان ، به فعالیت های سیاسی برای از هم پاشیدن جبهه داخلی مسلمانان نیز دست زد. هنگامی که تمام این کوشش ها به شکست منتهی شد، قریش به واهی بودن تحرکات خود برای محو اسلام و از میان بردن دولت آن آگاهی یافت و تردیدهایی در ناصحیح بودن موضع گیری خصمانه در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم آن پدید آمد و پرسش های فراوانی ایجاد شد. سوال هایی چون : آیا پیامبر و مهاجرین نخستین ، که اساس اسلام به شمار می آمدند، از میان قریش نبودند، آیا به پروردگار ایمان نداشته و بیت الله الحرام را در مکه مقدس نمی شمارند و خانواده و خویشان آنان در پناه آن زندگی نمی کنند؟ آنان دست به کار چندان ناشایستی نزده بودند که سبب شود حرمت و امنیت مکه شامل حال آنها نشود، و یا استحقاق چنان رفتار خشنی را داشته باشند و گرفتار چنان جنگ ها و پیکارها و تهدیدهای مداومی باشند. آیا اسلام و دولت در حال گسترش آن می توانست با مصالح و خواسته های تجاری مردم مکه ، تضادی داشته باشد؟

عقب نشینی قریش و متوقف شدن فعالیت های نظامی علیه اسلام ، زمینه مساعدی را برای پیامبر به وجود آورد به تقویت دولت اسلام پرداخته و نفوذ خود را بر قبایلی که تا خطری امنیت دولت و قدرت آن به شمار می آمدند، گسترش دهد. به همین مناسبت رسول خدا صلی الله علیه و آله حملات پی در پی خویش را بر آن قبایل متمرکز ساخت.

Bia2book.blogfa.com

حمله های پیامبر در حجاز

رخدادهای جنگ احزاب و حوادث حاشیه ای آن ، آشکار ساخت که مدینه در معرض خطر قبایل ساکن در مناطق شرقی و شمالی است . مشهورترین این قبایل عبارت بودند از: قبایل غطفان ، اسد، بنی کلاب و بنی سلیم که همگی در سرزمین های کم آب ، فاقد چراگاه و با پستی و بلندی بسیار زندگی می کردند.

در سال ششم هجری ، پیامبر نزدیک به بیست حمله انجام داد که خود فرماندهی دو حمله را به عهده داشت . نخستین حمله علیه بنی لحیان که در نزدیکی عسفان در کشته های بئر معونه بود. هنگامی که آنان از نزدیک شدن پیامبر آگاه شدند، به کوه های مجاور فرار کرده و در آن پناه گرفتند. در این حمله ، هیچ گونه درگیری به وجود نیامد و پیامبر فرصت را غنیمت شمرده و گروهی از سپاهیان خویش را به سوی گراع الغمیم در نزدیکی مکه فرستاد و با این حرکت ، قدرت خویش را بر آنان نمایان ساخت.

پیامبر فرماندهی گروهی را بر عهده گرفت و به تعقیب عینیهٔ بن حصن که بر گله ای از چهارپایان مسلمانان که در غابه در نزدیکی مدینه به چرا مشغول بودند چیره شده بود پرداخت . قسمتی از این سپاه به دنبال عینیهٔ بن حصن تا ذی قرد در نزدیکی خیبر حرکت کرد و در آنجا با آنان پیکار نمود. هم چنین پیامبر گروهی دیگر را به فرماندهی زیدن بن حارثه به عیص اعزام نمود و آنان موفق شدند بر کاروانی از قریش دست یافته و مردان آنها را به اسارت در آوردند. اما بیشتر حملاتی که در این سال صورت گرفت ، متوجه قبایل ساکن در مناطق شرقی مدینه بود.

Bia2book.blogfa.com

سریه هایی نیز انجام شد که در آنها مردانی از صحابه ، فرماندهی را به عهده داشتند .زید بن حارثه ، فرماندهی هشت حمله را به عهده داشت که در برخی از آنها غنیمت هایی از گوسفند و شتر به دست آورد. پیامبر در هر ماه از این سال ، یک حمله و یا بیش از آن انجام داد.

از این حمله ها، سریه ای در مقابل بنی اسد انجام شد که وقتی سپاه به نزدیکی فید رسید، بنی اسد همگی متواری شدند و مسلمانان دویست شتر به دست آوردند. سریه به شکست شد و پیامبر با ارسال نیروی کمکی دیگری ، توانست دشمنان را متواری سازد.

رسول خدا، سپاه دیگری را به سوی طرف که در سی و شش مایلی شرق مدینه در راه نقره قرار داشت فرستاد که در پایان ، گله هایی از گاو و گوسفند و میش را به غنیمت آوردند.

هم چنین حمله ای به بنی سلیم انجام شد که آنها به جموم در بطن نخل رسیدند. مسلمانان در این حمله به تعدادی ، اسیر و گاو و گوسفند و میش دست یافتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن سال ، شش حمله به مناطق واقع در حسمی و وادی القری ، دومۀ الجندل و فدک انجام داد که هدف از آنها، یا گوشمالی دادن تجاوزگران به کاروان های تجارتی مسلمانان در این مسیر بود و یا ایجاد امنیت راه تجارتی برای مسلمانان . از این مطلب ، آشکار می شود که مسلمانان از هنگام ورود به مدینه ، تجارت خویش را با سرزمین شام به صورت فعال و دایمی انجام می داده و این مسئله ، تدابیر امنیتی و پشتیبانی ویژه ای را نیاز داشته است . رسول خدا صلی الله علیه و آله حمله ای نیز به بنی سعد بن بکر که آماده کمک به یهود خیبر برای مقاومت در برابر مسلمانان شده بودند، نمود و گروهی را نیز برای کشتن ابو رافع بن

Bia2book.blogfa.com

ابی الحقیق و اسیر بن رزام فرستاد. این دو فعالیت هایی را برای به وجود آوردن جبهه ای از غطفان و برخی قبایل عرب برای مقاومت در برابر پیامبر و تهدید اسلام ، آغاز کرده بودند.

فصل سیزدهم :

پیمان صلح حدیبیه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذی القعده سال ششم هجری ، تصمیم به انجام عمره گرفت و قبایل عرب ساکن میان راه مکه را تشویق به همراهی نمود. آنان نیز ناخشنودی خود را نشان دادند و بیشتر افرادی که با ایشان به راه افتادند، کسانی بودند که اسلام آورده بودند. گروهی در حدود هزار و چهارصد مرد، اطراف پیامبر گرد آمده و همگی با لباس احرام به حرکت در آمدند؛ در حالی که پیشاپیش خود هفتاد شتر علامت گذاری شده در ذی الحلیفه -که در فاصله کمی از مدینه قرار داد- را برای قربانی به راه انداخته بودند [599] با این کار هدف انجام شد که نشان داده شود آنها برای انجام یک فریضه مذهبی در ماه حرام به سوی مکه می روند.

هنگامی که مشرکین قریش در مکه از حرکت پیامبر آگاه شدند، به خشم آمده و تصمیم به ممانعت از ایشان گرفتند. پس نیرویی را برای جلوگیری از ایشان به خارج از حرم مکه فرستاده و در آنجا مستقر نمودند. اما پیامبر، راهی غیر از راه حج را پیش گرفت و به حدیبیه [600] که در یک سوی حرم مکه و در فاصله نه مایلی آن قرار داشت ، رسید [601] .در این هنگام ، مردم مکه ، افرادی را به سوی پیامبر فرستاده ، ایشان را از خشم قریش بر حذر داشته و از او درخواست مراجعت کردند. مشهورترین این افراد، حلیس بن علقمه بزرگ بنی کنانه ، هم پیمان قدرتمند

Bia2book.blogfa.com

قریش در جنگ ها بود. پیامبر با عزم راسخ خویش نسبت به حرکت به سوی مکه و انجام مراسم عمره و اصرار بر انجام آن به صورت مسالمت آمیز با علامت گذاری شتران قربانی خود، قریش را در تنگنا و مخاطره بزرگی قرار داد. اگر قریش راه را برای انجام عمره او باز می کردند، در حقیقت در برابر خواسته او سر تعظیم فرود آورده و اطمینان مردم نسبت به ادعای خود درباره خروج آنان از تمامی مقدسات و تصمیم آنان بر پیکار با او را از دست می دادند. آنان گفتند :اگر عرب بشنود که با آن جنگ هایی که میان او و ما رخ داده ، به زور بر ما وارد شده است است چه می گوید! به خدا سوگند تا هنگامی که چشمی از ما پلک زدند، چنین واقعه ای رخ نخواهد داد[602] .

از سوی دیگر ممانعت پیامبر از زیارت مکه ، به منزله نقض گفتار قریش در دفاع از بیت الله الحرام و تلاش برای فراهم آوردن رفاه برای حجاج و زیارت کنندگان آن به شمار می آمد .حلیس بن علقمه بزرگ کنانه و هم پیمان قریش ، در این باره گفته ای دارد. او که از سوی قریش برای آگاه ساختن پیامبر از قصد آنان نزد وی آمده بود، پس از آن که نظر رسول خدا را شنید و قانع شد، به سوی قریش بازگشت و عدم تایید قریش از سوی کنانه را در صورتی که با پیامبر پیکار نمایند، به آنان ابلاغ نمود و به آنان گفت : ای مردم قریش ! به خدا سوگند ما بر این با شما پیمان نبستیم و بر این با شما توافق نکردیم که کسی را مانع از زیارت بیت الله گردیم ، در حالی که آن را بزرگ می شمارد. آیا راه بر کسی که به سوی خانه خدا آمده بسته می شود؟ سوگند به کسی که جان من در دست اوست ، یا دست از محمد و از آنچه که او برای آن آمده است بر می دارید

Bia2book.blogfa.com

یا که به همراه بردگان حبشی یک تنه به جنگ شما بر می خیزیم [603] .

قریش با وجود نشان دادن خشم خود و تلاش برای بازگرداندن پیامبر از زیارت مکه ، اعتقاد خود نسبت به ضروری بودن جنگ با پیامبر را از دست می داد؛ زیرا موفقیتی را که در سال های پیش برای رسید به آن به خرج داده بود، بر باد رفته می دید. از سوی دیگر، پیکار با آنان ، توجیه پذیر نبود، زیرا آنان کعبه را بزرگ داشته و همه روزه به هنگام نماز خود، پنج بار به سوی آن می ایستادند و اکنون نیز آمده بودند که بر جهان آشکار سازند که در این خانه ، حج به جای می آورند. پس پیکار با آنان ، نمی توانست هیچ گونه توجیه عقیدتی داشته باشد.

البته ، در گذشته ، با مهاجرین برخوردی سخت و خشن شده بود. آنان دارای نزدیکان و خویشاوندانی بودند که کم کم در برابر آنها موضع مهربانی و شفقت در پیش گرفته و نسبت به این گونه رفتار با آنها ناراحت بودند. بنابراین ، جنگ با آنان را نیز توجیه پذیر نمی دانستند. علاوه بر این ، گروهی از مومنین که در مکه اقامت داشتند، آرزوی پیروزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتند [604] .

پیشرفت مذهبی و سیاسی اسلام که تا آن هنگام مدینه و اطراف آن و مناطق شمالی حجاز را در برگرفته بود و در بخش هایی که قریش از نفوذ وسیع و رابطه مستحکمی برخوردار نبود آسیبی به قریش نمی رساند؛ زیرا در برای قریشیان ، راه ارتباط با یمن و حبشه و نجد و سواحل خلیج فارس و عراق باز بود. آنان هم چنین به تجارت با سرزمین شام نیز دست نیافته بودند. فعالیت اقتصادی که مهاجرین در مدینه به آن عمل می کردند، تهدیدی برای قریش به شمار نمی آمد، زیرا در

Bia2book.blogfa.com

مناطقی که اسلام در آن نفوذ کرده بود، قریش هیچ گونه بهره اقتصادی نداشت.

واقدی روایت می کند که بدلیل بن ورقاء خزاعی پیامبر آمده تا او را آگاه سازد که قریشیان ، بردگان حبشی و دیگر هم پیمانان خود را به همراه کودکان و زنانشان بر علیه تو بسیج نموده و سوگند خورده اند که میان تو و خانه خدا جدایی افکنند تا جنگ همه را بسوزاند. حضرت فرمود ما برای جنگ با کسی نیامده ایم ، ما برای طواف این خانه آمده ایم ؛ اما اگر کسی راه را بر ما ببندد، با او از در جنگ در خواهیم آمد .جنگ ، قریش را به سختی انداخته است ، اگر خواستند و می توانند قرار داد مدت داری با ما ببندند که در زمان ان ، قریش از امنیت برخوردار باشند و میان ما و مردم را آزاد بگذارند. این در حالی است که اکثریت مردم از آنها هستند. اگر من چیره شدم ، قریش در پیوستن به سایر مردم یا کارزار با من آزاد است . به خدا سوگند تا در من رمقی باشد برای این کار تلاش خواهم کرد و یا پروردگار فرمان خویش را به اجرا در آورد[605] .

این سخن آشکار می سازد که رسول خدا صلی الله علیه و آله آمادگی پیکار با هر کسی که مانع از رسیدن او به خانه خدا شود، را به آگاهی رسانده است . او آتش بسی را عرضه نمود که امنیت را در پی خود به ارمغان می آورد. بنابراین انگیزه دینی او از آمدن و آمادگی او برای پذیرش آتش بس ، می توانست برای هم پیمانان قریش از ثقیف و کنانه کافی باشد که اعلان نمایند در صورت پیکار قریش با پیامبر، از آنه پشتیبانی نمی کنند.

سپس پیامبر، عثمان بن عفان [606]را برای انجام گفت و گو درباره اجازه دادن به مسلمانان برای زیارت خانه خدا و قربانی کردن شتران ، به مکه فرستاد. هم چنین ده نفر از مهاجرین به مکه رفته

Bia2book.blogfa.com

و با اقوام خود دیدار کردند. عثمان سه روز در شهر باقی ماند و احوالات او بر مسلمانان پوشیده ماند. تا آن جا که گمان بردند مشرکین ، عثمان و مسلمانانی را که با او به مکه وارد شده بودند، کشته و عزم جنگ دارند [607] .در این هنگام ، مسلمانان دچار اضطراب شدند[608] .

در این زمان ، پیامبر ضرورت یک بیعت دوباره را احساس نمود و فرمان داد مسلمانان بیعت خویش را تجدید نمایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر درخت سدری نشست و مسلمانان با ایشان بیعت کردند که در صورت جنگ با قریش ، [609]از صحنه نبرد نگریزند.

تنها شمار اندکی از منافقین از بیعت سر باز زدند. قریش هنگامی که از بیعت مسلمانان و آمادگی آنها بر جنگ ، آگاهی یافت ، نرمش نشان داد و موافقت خویش را بر عدم جنگ و خون ریزی با پیمان قرار داد و مذاکره با پیامبر، اعلام نمود. آنان سه نفر از مردان خویش را برای گفت گو درباره پیمان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستادند. توافق به پایان رسید و صلح نامه ای این چنین تنظیم شد :باسمک اللهم . این توافقی است میان محمد بن عبد الله و سهیل بن عمرو .توافق نمودند که ده سال جنگ متوقف شود تا مردم در امنیت باشند و هر طرف از دشمنی با دیگری دست بردارد و فریب کاری و جنایت و دشنام گویی نباشد. هر کس دوست داشت با محمد صلی الله علیه و آله هم پیمان شده و با او قرار داد ببندد آزاد است . و نیز هر کس دوست داشت در پیمان قریش وارد شده و با او عهد ببندد آزاد است . اگر کسی از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله به سوی قریش بازگردد، به سوی محمد صلی الله علیه و آله بازگردانده نمی شود، اما اگر کسی بدون اجازه ولی خود نزد محمد صلی الله علیه و آله رفت باید به مکه بازگردانده شود. محمد

Bia2book.blogfa.com

صلی الله علیه و آله و اصحابش این سال را به مدینه بازگردند، و سال آینده برای سه روز در مکه می مانند و سلاحی جز شمشیرهای در غلاف به همراه نخواهند داشت [610] .

هنگامی که نوشتن این پیمان نامه به پایان رسید، خزاعیان حاضر در آن اعلام نمودند که به پیمان پیامبر وارد می شوند کنانیان نیز گفتند که کنانه در پیمان قریش وارد می شود.

پیمان نامه حدیبیه ، اضطرابی در میان صفوف مسلمانان به وجود آورد .واقدی در این باره می گوید :یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله از پیمان صلح اکراه داشتند، زیرا در آغاز با اطمینان به پیروزی آمدند، اما در پایان نا امید شدند[611] .

وی هم چنین روایت می کند که عمر بن خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله آیا تو پیامبر خدا هستی ، آیا ما بر حق می باشیم ؟ آیا دشمن ما بر باطل نیست ؛ پس چرا شما در دین ما به فرومایگان امتیاز می دهی ؟[612] .

واقدی می گوید پس از نوشته شدن صلح نامه ، رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاران خویش فرمود: بلند شوید و شتران خود را قربانی کنید، سر خویش را بتراشید، اما کسی از جای خود برنخاست . رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار این را تکرار کرد، اما هیچ یک از آنان فرمان ایشان را اجابت نکرد. حضرت نگران و ناراحت آنان را ترک کرده و بر ام سلمه همسر خویش که در آن سفر با ایشان بود، وارد شد. او از ناراحتی پیامبر متاثر شده و گفت : یا رسول الله صلی الله علیه و آله ؛ شما را چه شده است و چندین بار این جمله را تکرار کرد تا این که پیامبر فرمود: در شگفتم ای ام سلمه ! من به مردم گفتم شتران خود را قربانی کنید و سر خویش را بتراشید و

Bia2book.blogfa.com

لباس احرام از تن برگیرید و چندین بار آن را تکرار کردم ، اما هیچ یک از آنان گفته مرا اجابت نکرد. آنان صدای مرا شنیده و هم چنان در صورت من نگاه می کنند. پس ام سلمه گفته به ایشان عرض کردم یا رسول الله ! شما به سوی شتر خویش رفته و آن را قربانی کنید، آنان به دنبال شما چنین خواهند کرد[613] .

رسول خدا برخاست و شتر خویش را قربانی کرد و مسلمانان نیز از ایشان پیروی کرده و شتران خویش را قربانی کردند و این پایان نگرانی بود که پیش آمد [614] .افرادی که از پیمان ناراحت بودند دربندهای صلح نامه ، عقب نشینی فوق العاده را دیدند ، زیرا در نظر آنان ، رسول خدا صلی الله علیه و آله راضی شده بود که از انجام کاری که به هدف تحقق آن - زیارت بیت الحرام - بیرون آمدند، چشم پوشی نماید، شروطی را نسبت به بازگردان افرادی که به او پناه می آورند، بپذیرد و قریش را نسبت به افرادی که به آنها پناه می آورند آزاد گذارد و گذشته از آن ، با قریش ، پس از آنکه آنان آن همه بر ضد اسلام و مسلمانان فعالیت کرده بودند آتش بس نماید. بهانه هایی که اعتراض کنندگان به پیمان حدیبیه بر آن تکیه کردند، ناشی از عدم درک صحیح آنها و برداشتی سطحی از جوهره پیمان و حقیقت آن است.

1.آنان ادعا کردند که موافقت پیامبر بر عدم زیارت خانه ، نقض غرض حرکت او به سوی حدیبیه است ؛ در صورتی که حقیقت آن است که پیامبر از زیارت خانه چشم پوشی نکرد، بلکه انجام آن را پس از به دست آوردن اقرار قریش در حق خود، نسبت به زیارت آن ، به سال بعد موکول نمود. به این ترتیب ، سال بعد حضرت عملا برای انجام عمره حرکت کرد و برگرد کعبه

Bia2book.blogfa.com

طواف انجام داد، نماز را در فضای پیرامون آن اقامه نمود و سه روز در مکه اقامت کرد.

بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله از گفته خویش عقب نشینی نکرد، بلکه این قریش بود که عقب نشینی نمود و پس از مدت ها سوء ظن به اسلام و ممانعت از ورود مسلمانان به مکه ، زیارت پیامبر از خانه خدا را پذیرفت.

2.اعتراض کنندگان بر این عقیده بودند که موافقت پیامبر بر بازگرداندن هر شخصی از قریش که به ایشان پناه آورد و باز نگرداند هر شخصی که از یاران پیامبر به آنان پناه برد، اقرار به عدم توانایی ایشان و دادن امتیازاتی به قریش است . در صورتی که این اعتراض ، بسیار سطحی است ؛ زیرا محافظت پیامبر از شخصی که اسلام را نمی پذیرد، توجیه پذیر نیست و در صورتی که مسلمانی که قصد پناه آوردن به او را دارد، با قلبی سرشار از عشق رو به سوی او نماید، به اسلام اخلاص دارد و بازگرداندن وی به قریش ، موجب از میان رفتن عقیده او نمی شود. بر عکس ، فعالیت او در میان صفوف قریش ، موجب می شود که علاقه مندان به اسلام و تایید کنندگان آن را افزایش دهد و ضعف ها و مشکلاتی را در میان قریش فراهم آورد[615] .

از جمله ، پس از پایان قرارداد در حدیبیه ، مردی به نام ابو بصیر که از هم پیمانان زهره در مکه بود، به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه آورد. قریش مردی را به سوی پیامبر گسیل داشته و از او بازگردانیدن ابو بصیر را درخواست نمود. پیامبر نیز فرمان به باز پس دادن وی داد، اما ابوبصیر فرستاده قریش را به قتل رسانید و باگرد آوردن تعدادی از مردان ، شروع به شبیخون زدن بر کاروان های قریش در حجاز کرد. این کار، موجب اضطراب و زیان های فراوانی برای قریش

Bia2book.blogfa.com

شد؛ تا آنجا که قریش نماینده ای را به سوی پیامبر فرستادند و پذیرش پناهندگی او را از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواسته نمودند[616] .

3.بند ویژه ای که در آن پیامبر ملزم به بازگردانیدن مسلمانان از قریش که بدون اجازه ولی خود به او پناه آورده بودند، اختصاص به مردان داشت و هیچ گونه اشاره ای بر بازگردانیدن زنان در آن نشده بود. بنابراین ، پیامبر این بند را شامل زنان ندانست پس ایشان مردان را باز می گردانیدند. هنگامی که زنانی به سوی ایشان مهاجرت کردند، در صورتی که دچار سختی و محنت در راه اسلام شده بودند، که زنان پناه آورده به اسلام ، مهریه خود را به شوهرانشان باز پس گردانند، [617] از این پس ، بعضی از زنان ، مهاجرت کردند و نخستین آنان ، ام کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط بود.4 [618] .پذیرفتن پیمان حدیبیه از سوی قریش ، به معنای اعتراف به همسنگی پیامبر با قریش بود. علاوه بر آن که نشان دهنده پذیرفتن قدرت و نیروی رسول خدا از سوی قریش و سختی چیره شدن بر ایشان بود .از این رو، پیامبر آتش بس را قبول کرد تا بتواند صلح را جایگزین جنگی که توانایی برابری با آن را ندارد، نماید.

5.قرار داد ده ساله بود و بندهای آن به گونه ای کلی بود که نمی توانست تمامی احتمالاتی را که ممکن بود که با گذشت ایام به وجود آید، دربرگیرد. بنابراین ، عملا پس از گذشت دو سال ، رخدادهایی میان قبایل رخ داد که در نتیجه آن ، برای پیامبر راهی گشوده تا بتواند آن را به نفع خویش به پایان برد.

6.بیست روزی که پیامبر در حدیبیه گذرانید، به وجود آورنده رخدادهایی بود که عاقبت به

Bia2book.blogfa.com

بیعت رضوان یا بیعت شجره ختم شد. مسلمانان در این بیعت بر پایداری و استقامت با رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمان بستند. با این پیمان ، قدرت و جایگاه بلند پیامبر در هنگام اغتشاش و ناراحتی میان مسلمانان ، آشکار شد. به همین مناسبت ، تعداد بسیاری از مسلمانان ، تنها همین اقدام را یک پیروزی به شمار آوردند .بخاری به روایت از براء می گوید :شما پیروزی را تنها فتح مکه به شمار می آورید که البته فتح مکه پیروزی به شمار می آید، اما ما فتح و پیروزی را بیعت رضوان در روز حدیبیه می دانیم .واقدی نیز می گوید [619]که ابوبکر و عمر هر دو بعد از آن می گفتند :در اسلام هیچ پیروزی بالاتر از پیروز و فتح حدیبیه نبود[620] .

درباره آیه کریمه انا فتحا لک فتحا مبینا فتح را؛ یعنی : ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم نیز، اعتقاد دارند که منظور، حدیبیه است [621] . در حقیقت ، تمامی آیات سوره فتح شرایطی را که در حدیبیه حاکم بوده است ، توصیف می نماید و این فتح را اوج نعمت های الهی برای مردم می داند که به وسیله آن و با وجود شک و تردید منافقین و ناپایداری اعراب و ظن برخی از مردم که اسلام با وقوع جنگی از میان برداشته خواهد شد، آرامش را در میان مسلمانان پدید آورد و اعتماد آنها به دین خود را استوارتر گردانید. خداوند در این سوره می فرماید :لقد رضی الله عن المومنین اذیبا یعونک تحت الشجرۀ فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینه علیهم و اثابهم فتحا قریبا ؛ یعنی : خداوند از مومنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند- راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون دل هایشان از ایمان و صداقت نهفته بود می دانست ، از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود)فتح ۱۸.(

Bia2book.blogfa.com

ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیوتیه اجرا عظیما ؛ یعنی : کسانی که با تو بیعت می کنند در حقیقت تنها با خدا بیعت می نمایند. و دست خدا بالا تر از آنهاست . پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است ، و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد)فتح ۱۰.(

7.استقرار آتش بس به جای وضعیت جنگی ، که مدت شش سال ادامه داشت ، عامل به وجود آمدن آرامش و آزادی برای مردم شده و زمینه را برای افرادی که ایمان به اسلام داشتند فراهم نمود تا اسلام خویش را آشکار نمایند. هم چنین فرصت بیشتری را به وجود آورد که مسلمانان در گسترش دین اسلام همت گمارند؛ زیرا قریش پیش از آن ، تمام سعی و کوشش خویش را در جلوگیری مردم از پذیرش اسلام به عمل می آورد، ولی در این هنگام ، ترس از میان رفته بود و نیازی به احتیاط و پنهان کاری نبود.

واقدی در این باره می گوید :در آن هنگام جنگ فاصله ای را میان مردم به وجود آورده بود، و گفت گوها را قطع کرده بود، و تنها در میدان جنگ به یکدیگر می رسیدند .اما پس از آتش بس ، جنگ افزار خویش را بر زمین نهاده و مردم از یکدیگر ایمن بودند. در آن هنگام کمتر کسی وجود داشت که درباره اسلام با او صحبت شود و عکس العمل او، پذیرش اسلام نباشد. تا آنجا که در آن آرامش ، بزرگانی از مشرکین که سرکردگان شرکت و جنگ بودند همانند عمرو بن عاص و خالد بن ولید و دیگرانی مانند آنها، رو به سوی اسلام گزاردند. این آرامش ، برقرار بود تا

Bia2book.blogfa.com

این که پس از بیست و دو ماه که پیمان را شکستند؛ مردم همانند قبل بلکه بیشتر از آن رو به اسلام آوردند و اسلام در هر ناحیه ای از سرزمین عرب گسترش یافت [622] .و نیز می گوید : هنگامی که این اتفاق روی داد و آرامش حاکم شد تعداد افرادی که مسلمانان شدند، بیش از آن تعدادی بود که در روز حدیبیه پیامبر آنان را به آن دعوت نمود[623] .

در حقیقت از آزادی همه جانبه ای که محصول پیمان حدیبیه بود، مسلمانان بیش از قریش سود بردند؛ زیرا این مسلمانان بودند که به فعالیت برای پذیران و گسترش اسلام می پرداختند. هم چنین ایمان آوردگان به اسلام ، همان کسانی بودند که پیش از آن ، از آشکار شدن اسلام خویش ترس و واهمه داشتند. از این رو، دوران آرامش و آتش بس ، فرصتی را برای آنان پیش آورد که عقاید خویش را آشکار سازند. از سوی دیگر، پیامبر در این دوران فرصت را غنیمت شمرده و سعی و کوشش خویش را در بازگو کردن اصول اساسی اسلام و تحکیم قدرت خویش بکار برد تا به پایه آن ، جامعه ای همبسته و فعال و زنده را به وجود آورد.

پیمان حدیبیه برای تعدادی از مسلمانان که قریش از هجرت آنان ممانعت به عمل آورده بودند این فرصت را به وجود آورد که در مدینه به رسول خدا بپیوندند .ابن سعد روایت می کند که نعیم نحام که از پیشینیان اسلام در مکه بود، مهاجرت نکرد تا این که سال ششم آغاز شد. پس به همراه چهل نفر از خانواده خویش به سوی مدینه مهاجرت کرد... محمد بن عمرو گفت نعیم در ایام حدیبیه مهاجرت نمود[624] .

از این پس بود که قبایل بی شماری اسلام خویش را آشکار ساختند .واقدی می گوید هنگامی که

Bia2book.blogfa.com

رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیبیه را ترک نمود، از خزاعه کسی باقی نمانده بود مگر آن که مسلمانی ایمان آورده به محمد صلی الله علیه و آله بود[625] .

در سال بعد، پیامبر به همراه هزار و هفتصد نفر از مسلمانان برای انجام عمره و زیارت کعبه به سوی مکه رفت . آنان کعبه را شتابان هروله طواف کردند. رفتار آنان در طواف که نشان از نظم و همبستگی و شور و هیجان ناشی از ایمان قلبی آنان بود تاثیر فراوانی بر دل مردمان مکه گذاشت . سپس بلال در کنار کعبه اذان گفت و مسلمانان سه روز را در مکه گذراندند. و آن گاه پس از قربانی ، به مدینه بازگشتند[626] .

این عمر، تاثیر به سزایی بر مردم مکه گذارد. آنان تاثیر دین اسلام را در دل گروندگان به آن درک نمودند و عطوفت و مهربانی آنان بر مسلمانان افزایش یافت .مردم مکه پس از آگاهی از این حقیقت ، که پیکار با مسلمانان هیچ گونه توجیهی ندارد، و نیز قدرت بر اندازی آنها را نیز در خود ندارند، زمینه پذیرش اسلام را فراهم دیدند.

در این زمان ، که تعدادی از سرکردگان و بزرگان قریش به مدینه آمده و اسلام خویش را اعلان نمودند. مشهورترین این افراد خالد بن ولید، عمرو بن عاص و عثمان بن طلحه بودند که در صفر سال هشتم به اسلام رو آوردند. پیامبر آنان را به گرمی پذیرفت و از آنان در فرماندهی جنگ های بسیاری استفاده نمود و آنان نیز شجاعت و پایداری خود به اسلام را نشان دادند.

فصل چهاردهم : مطیع ساختن مناطق یهودی نشین درشمال خیبر و فدک و دشت قری

Bia2book.blogfa.com

خیبر: موقعیت و اهمیت آن

منطقه خیبر، در فاصله ۲۵۰ مایلی شمال مدینه قرار دارد. در این منطقه ، تعدادی دشت وجود دارد که وسیع ترین آنها، دشت سرر و دشت خاص است . این دو دشت به سمت جنوب کشیده شده و تا دریای سرخ ادامه می یابند. دشت های کوچک خیبر نیز دشت بعث و دشت رجیع اند که پیامبر به هنگام خیبر، پایگاه خویش را در آن ها قرار داد[627] .

در خیبر و اطراف آن ، آبها و چشمه های فراوانی وجود دارد که کشتزارهای جو و نخلستان ها را مشروب می کند. خیبر در آن دوران ، کشتزار حجاز از نظر خوراک و روغن و ثروت به شمار می آمد. طوری که صیحانی خیبر مرغوب ترین خرمای حجاز بود و تولید سالیانه آن چهل هزار وسق بود؛ [628]اما فراوانی آب در خیبر، موجب شده بود بیماری واگیر مالاریا [629]در آن گسترش یابد.

خبرهای مربوط به جنگ خیبر، روایت می کند که در دشت های آن ، هفت قلعه اصلی بنام های کتیبه ، وطیح ، سلالم ، شق ، غموص ، ناعم و نطات وجود داشته است.

کتیبه دشتی وسیع میان وطیح و خاص بود و فاصله آن تا مرکز خیبر یک برید یعنی چهار مایل بود و صهباء که یکی از مهم ترین مناطق زراعتی خیبر به شمار می آمد، در آن وجود داشت . [630]این سه قلعه ، در کنار و نزدیک هم قرار داشتند و این نزدیکی به حدی بود که برخی منابع ، وطیح و سلالم را دو قلعه فرعی کتیبه قلمداد کرده اند[631] .

اما شق و نطات دو دشتی بودند که میان آنها دو زمین به نام سبخه و مخاضه [632]قرار داشت . در

Bia2book.blogfa.com

نطات چشمه پرآبی قرار داشت که آلوده به مالاریا بود [633] .و در آن تعدادی قلعه که مشهورترین آنها قلعه مرحب و کاخ او و خانه برادرش یاسر، از سکونت گاههای بنی قسمه [634]قرار داشته است . هم چنین قلعه ناعم ، دژ قلعه زبیر [635]و قلعه نزار [636]نیز در آن قرار داشته است.

در شق چشمه ای متعلق به شمس الحمه قرار داشت که آب آن در شکاف زمین جریان پیدا می کرد [637] .در نزدیکی شق ، قلعه ناعم و غموص [638]قرار داشت . به نظر می رسد. این قلعه های سه گانه در سمت جنوبی خیبر قرار داشته اند، زیرا نخستین قلعه هایی بودند که از سوی پیامبر مورد حمله قرار گرفتند و در آغاز مقاومت سختی کردند، اما سرانجام تسلیم شدند.

یهودیان ، منطقه خیبر را از زمانی کهن برای سکونت خویش انتخاب کرده بودند. منابع تاریخی از تاریخ دقیق این سکونت یادی نکرده اند. شاید آنان به وسیله رومی ها در قرن اول پیش از میلاد، از فلسطین اخراج و به خیبر آمده باشند. مردم خیبر به کشت و زراعت مشغول بودند و بسیاری از قبایل ساکن در اطراف شمال حجاز را از نظر غذایی تامین می کردند.

خیبر، هم چنین پناهگاهی برای برخی از یهودیان که از سوی پیامبر از مدینه اخراج شده بودند، بود .در این میان می توان به بنی نضیر اشاره نمود که پس از پناه آوردن به خیبر، دست به فعالیت های سیاسی علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله زده و دشمنان او را با هم متحد ساختند.

پیامبر هنگام بازگشت از حدیبیه و عقد قرار داد صلح ، به اصحاب خویش که در حدیبیه به همراه ایشان بودند، فرمان داد برای تسخیر خیبر به سوی آن حرکت نمایند. در آن هنگام ، تعداد آنان هزار و هشتصد نفر [639]بود. بدون شک ، هدف ایشان از این حمله ، از میان برداشتن کانون

Bia2book.blogfa.com

خطری که همواره دولت اسلامی در مدینه را مورد تهدید قرار می داد، بود؛ زیرا خیبر پناهگاه بنی نضیر و پشتوانه فزاره به شمار می آمد و دستیابی به آن ، موجب از میان رفتن تحرکات و فعالیت های بنی نضیر و شکستن پیمانی که هم چون سدی در برابر گسترش اسلام به سوی شمال بود، می گردید. از سوی دیگر، سایر قبایل برای به دست آوردن امتیازی از فرآورده های خیبر، مجبور به تسلیم در برابر پیامبر می شدند.

پیمان حدیبیه ، اسلام را در برابر خطر تهدیدهای مشرکین مکه در امان قرار داده بود؛ اما این امنیت ، تنها شامل فعالیت های رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنوب بود .از این رو، این آرامش موجب می شد که پیامبر تمامی قدرت مسلمانان را برای گسترش دولت در شرق حجاز و شمال آن به کارگیرد. بدون شک ، گسترش اسلام به سوی شمال ، امنیت دولت اسلامی را از تهدیدات غطفان و رییس آشوب طلب آن عینیهٔ بن حصن آسوده می ساخت ؛ فرآورده های بسیار خیبر را در اختیار مسلمانان قرار می داد و سبب می شد عشایری که تکیه بر محصولات آن داشتند، از این پس دست نیاز به سوی پیامبر دراز نمایند و به فرمان او سر تسلیم فرود آوردند.

گسترش اسلام به سوی شمال ، هم چنین موجب دست یافتن مسلمانان بر راه های تجارت به سرزمین شام می شد و اهمیت آن را برای مهاجرینی که در مدینه استقرار یافته بودند، افزایش می داد. بنابراین ، روشن است که پیمان حدیبیه نتوانست پیامبر را به زیارت مکه که امید به دست آوردن سود معنوی فراوانی را از آن داشت برساند و دست آوردهای مادی را جایگزین دست آوردهای معنوی آن سازد و برخی را که نیازمند بودند، راضی کند .این فتح خیبر بود که کانون

Bia2book.blogfa.com

دست آوردهای مادی را، که مسلمانان پس از فتح آن به دست آوردند، در اختیار آنها قرار می داد .بخاری روایت می کند که عایشه گفت : هنگامی که خیبر فتح شد، گفتیم اکنون از خرما سیر می شویم !! و نیز از ابن عمر روایت شده است که گفته شد: ما سیر نشدیم مگر آنکه خیبر را فتح کردیم [640] .

تسخیر دژها

به روایت ابن اسحاق ، رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از حدیبیه به مدینه بازگشت ، بی درنگ فرمان حرکت به سوی خیبر را صادر نمود. در آن هنگام ، غطفان قصد داشت ساکنین خیبر را یاری کند، اما شایعاتی به گوش آنان رسید که پیامبر گروهی را بر علیه آنان روانه ساخته است . پس در خانه های خویش پناه گرفتند. اگر این گفته درست باشد، گواه ارتباط دارای استحکام نبوده است ، زیرا غطفان در طول هفته هایی که پیامبر با ساکنین خیبر پیکار می کرد، دست به هیچ گونه اقدامی برای یاری آنان نزد.

در این میان ساکنین فدک قصد یاری ساکنین خیبر را داشتند، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به فرماندهی علی بن ابیطالب علیه السلام روانه ساخت و ایشان بر فدک حمله برده و تعدادی از شتران و چهارپایان آنان را به غنیمت گرفتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ساکنین خیبر را در حمله ای غافلگیر ساخت ؛ طوری که مجبور شدند در دژهای خویش پناه گرفته و دور از هم از خویش دفاع نمایند. اطلاعات به دست آمده از فتح خیبر، آشکار می سازد که ساکنین آن همگی با هم در پیکار با مسلمانان شرکت نداشته اند؛

Bia2book.blogfa.com

زیرا پیامبر هر گاه دژی را محاصره می کردند، جز ساکنین آن دژ، هیچ کس با آنان به جنگ نمی پرداخت و یاری و کمکی از ساکنین قلعه های دیگر انجام نمی شد.

واضح است که آنان از یکدیگر جدا بوده و فاقد رهبری قدرتمند و دارای نفوذ بودند که بتواند برنامه ریزی گسترده ای در برابر مسلمانان بنماید. از این رو، به گروه های متعددی تقسیم شده بودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیکار خویش را با حمله به ناعم و نطات آغاز نمود. یهودیان ، زنان و کودکان خویش را در ناعم پناه داده بودند که به آسانی تسلیم پیامبر شدند.

در نطات ، پانصد جنگجو به همراه مقادیر فراوانی آذوقه و کالا مستقر بود [641] .آنان مدت ده روز مقاومت شدیدی نشان دادند، اما در پایان ، با پیکار گسترده ای ، تسلیم شدند [642] .سپس قله زبیر، پس از مقاومتی که سه روز به طول انجامید، [643]تسلیم شد. پیامبر سه روز بعدی را به محاصره شق گذارند و پس از جنگی شدید بر آنان مستولی شد. مسلمانان سپس رو به سوی کتیبه و غموص و طیح گزاردند که در آن هنگام ، اطراف آن ها، حاصلخیزترین زمین های خیبر قرار داشت.

در این سه قلعه بیش از هزار یهودی پناه گرفته بودند که پس از مقاومتی که چهار روز به طول انجامید، مجبور به تسلیم شدند. به دنبال آن ، قلعه سلام تسلیم گردید و این گونه خیبر به دست مسلمانان افتاد [644] .هنگامی که پیامبر، ساکنین خیبر را وادار به تسلیم نمود، آنان را بر زمین های خود باقی گذاشت و مقرر فرمود نیمی از محصولات سالانه کشتزارهای خویش را در اختیار ایشان

Bia2book.blogfa.com

قرار دهند. برای صلح رایزنی نمودند، قرار داده شد [645] .این مقداری بود که دولت های دیگر آن روزگار، از کشاورزان خویش دریافت می نمودند. به احتمال برتر، رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان درباره مالکیت زمین و تنظیم کار کشاورزی و تقسیم تولیدات آن گفتگو نکرده است.

غنیمت های به دست آمده از خیبر، تنها میان شرکت کنندگان در جنگ تقسیم شد. این افراد، کسانی بودند که پیشتر در حدیبیه شرکت یافته بودند. درباره تقسیم این غنیمت ها، دو روایت آمده است : نخستین روایت می گوید هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خیبر را فتح کرد، غنیمت ها را به سی و شش قسمت تقسیم نمود. سپس نیمی از آن سهم ها را برای احتیاجات و پیش آمدهای ناخواسته قرار داد[646] .

اما روایات دیگر می گوید تقسیم اموال خیبر، تنها در مورد دژهای شق و نطات و کتیبه صورت گرفت . در این میان شق و نطات در دو سهم برای مسلمانان قرار گرفت و کتیبه به عنوان خمس در راه خدا و سهم پیامبر [647] و نزدیکان او یتیمان و بینوایان و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و میانجیانی که میان پیامبر و مردمان فدک برای صلح رایزنی نمودند، قرار داده شد [648] .به گفته منابع ، هیجده سهم از سی و شش سهم ، میان شرکت کنندگان در فتح خیبر تقسیم شد. این افراد شامل هزار و چهارصد مرد پیاده و دویست سواره بود. پیامبر سهم هر سواره را دو برابر سهم پیاده قرار داد. هر سهم برای یکصد نفر بود .اموال به دست آمده در اختیار عشایر قرار گرفت و یک نفر، آنها را میان افراد عشیره خود تقسیم می نمود. هشت عشیره از خزرج ، یک عشیره از اوس ، و عشیره اسلم و ضفار از این اموال سهم بردند. تعدادی از مهاجرین نیز از این غنیمت ها سهمی

Bia2book.blogfa.com

بردند.

ساکنین خیبر هم چنان در زمین های خود باقی و به کار مشغول بودند. تنها در پایان ملزم بودند نیمی از محصول خویش را در اختیار مسلمانان قرار دهند. این وضع در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس ابوبکر و عمر و پس از او، این گونه ادامه یافت که شخصی را به آنجا گسیل می داشتند و نامبرده ، میزان محصول را برآورده کرده و مقدار سهم مسلمانان را تعیین می نمود. این وضع تا دوران عمر بن خطاب ادامه داشت و در این هنگام افزایش کارگران مسلمانان و توانایی آنان برای کار بر روی زمین ، موجب شد که عمر، یهودیان را به شام تبعید نماید و زمین ها را میان مسلمانان تقسیم نماید [649] .برخی از کتاب های حدیث ، روایت کرده اند که رانده شدن یهودیان خیبر از سوی عمر، به این علت بوده است که بعضی از مسلمانان هنگامی که به کار در آنجا مشغول می شدند، بیمار می شدند و آن را به افزایش نیروی کار در مدینه و امکان به کارگیری آنان برای عمران و آبادانی خیبر و در نهایت کاهش فشار و فزونی جمعیت مدینه از راه استخدام آنها در کار بود.

در دوره جنگ خیبر، حوادثی رخ داد که برخی از کتاب های حدیث ، به علت ارتباط آنها با بعضی از دستورات اسلامی ، مکرر از آن یاد کرده اند. از آن جمله ، تحریم خوردند گوشت درازگوش اهلی [650] و ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله با صفیه بدون مهریه را می توان نام برد [651] .

فدک

Bia2book.blogfa.com

فدک سرزمینی آباد و حاصلخیز واقع در شمال شرقی خیبر و به اضافه دو روز تا آن است و با کوه طی یک شب فاصله دارد [652] .در آن دژی معروف به شمروخ [653]و تعدادی دهکده و کشتزار قرار دارد. ساکنان فدک را یهودیان تشکیل می دادند که فدک رییسی به نام یوشع بن نون داشتند. به نظر می رسد که آنان روابط حسنه ای با ساکنین خیبر داشته اند. هنگامی که پیامبر دست به محاصره خیبر زد، ساکنان فدک به قصد یاری آنان بر آمدند، که در این هنگام ، رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به فرماندهی حضرت علی علیه السلام به سوی آنان گسیل داشت تا مانع از یاری آنها به اهل خیبر شوند.

هنگامی که پیامبر خیبر را وادار به تسلیم نمود، ساکنین فدک هراسان شدند و نمایندگانی را به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده و از ایشان درخواست نمودند که در برابر نمایندگانی را به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده و از ایشان درخواست نمودند که در برابر سازش با آنان ، نیمی از محصولات فدک را در اختیار گیرد. پیامبر نیز درخواست آنان را پذیرفت . از آنجا که منطقه فدک بدون جنگ در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت ، همانند دیگر غنایم میان مسلمانان تقسیم نشده و خالصله رسول خدا صلی الله علیه و آله شد [654] .

فدک بحث های عقیدتی فراوانی را برانگیخت ، زیرا حضرت فاطمه علیه السلام و عباس آن را ملکی خاص از آن رسول خدا دانسته و از ابوبکر خواستند تا آن را به ایشان باز پس دهد؛ اما ابوبکر نپذیرفت و آن را ملکی عمومی از آن مسلمانان پنداشت و احکام ارث را در آن جاری ندانست . این مشکل ، مدت ها باقی بود تا این که معاویه خلافت را در دست گرفت و فدک را

Bia2book.blogfa.com

در اختیار مروان بن عبد الملک قرار داد و سپس بعضی از فرزندان او، آن را به ارث بردند. وقتی عمر بن عبد العزیز ولایت را به دست گرفت ، آن را به جایگاه اولیه اش بازگرداند[655] .

هنگامی که خلافت به عمر بن خطاب رسید، یهودیان ساکن فدک را، پس از آن که نیمی از سهم ایشان را به خودشان واگذار نمود، از آنجا تبعید نمود. آنها به سوی شام حرکت کرده و در آن جا استقرار یافتند[656] .

دشت وادی القری

وادی القری حاصل خیز و دارای آب ها و کشتزارهای فراوان بود و این منطقه از بزرگ ترین دشت های حاصلخیز در جزیره به شمار می آمد که بزرگ ترین دهکده آن قرح بود و ساکنین آن را یهودیان تشکیل می دادند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از پایان جنگ خیبر به سوی وادی القری رفت و ساکنان آن را به اسلام دعوت کرد آنان دعوت پیامبر را نپذیرفته و به جنگ پرداخته اما رسول خدا ص بر آنان غلبه یافت و همه را وادار به تسلیم نمود، سپس با مردم آن همانند ساکنین خیبر رفتار کرد و نیمی از محصول آنان را از آن مسلمان قرار داد: ابن اسحاق می گوید: عمر بن خطاب قسمتی از زمینهای دشت وادی القری را در اختیار بعضی از یاران خویش قرار داد، اما دلیلی آشکار بر تبعید یهودیان آن منطقه را از سوی او در دست نیست مقدسی می گوید شهر قرح که بزرگ ترین منطقه مسکونی وادی القری به شمار می آمد بیشترین افراد آن را یهودیان تشکیل می دادند [657]

فصل پانزدهم : شرایط مردم در بخش مرکزی حجاز

Bia2book.blogfa.com

هنگامی ظهور اسلام نظام قبیله ای در شبه جزیره عرب حاکم بود، این نظام ریشه ای عمیق در زندگی مردم دوانیده و دارای نفوذی قدرتمند در همبستگی اجتماعی و سیاسی آنان بود، قرآن کریم ، اصل نظام قبیله ای عرب را مراعات کرده و به همین مناسبت در آغاز دعوت اسلامی به پیامبر فرمان داده که از نزدیکان و خویشاوندان عشیره خویش و سپس در ام القری مکه و پیرامون آن آغاز کنند از این رو گفته اند قرآن گفتاری است برای پیامبر و اقوام او اما با توجه به این که دعوت اسلامی عنایت ویژه ای به عقیده و فکر و روح افراد داده است ، پایه و اساس این دعوت بر اصلاح فرد و راهنمایی او استوار آمد.

به این جهت ، بیعت ، فردی بود، هم چنان که مسئولیت دینی واخلاقی نیز فردی به شمار می آمد. در اسلام ، هر کس در گرو اعمال خویش و در برابر کارهای خود مسئول است . در قیامت نیز کارهی او به حساب خود اوگذاشته می شود؛ روزی که به گفته قرآن : لا یجزی والد عن ولده و لا مولود هو جازعن والده شیئا لقمان ۳۳ یعنی :نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمیل می کند ، و نه فرزند چیزی از کیفر اعمال پدرش را لقمان ۳۳.

در بررسی وابستگی های قبیله ای مهاجرین ، آشکار می شود که آنان از عشایر گوناگونی بوده اند. هر یک از آنان ، بصورت فردی به اسلام رو آورده اند و هیچ گاه یک عشیره قریشی ، به طور کامل مهاجرت نکرده است . هم چنین هیچ خاندانی ، به جز خاندان ابی جحش که همگی هجرت را پیش گرفتند به صورت کامل هجرت ننمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام هجرت خویش به مدینه ، برای برقراری نظام ویژه ای در

Bia2book.blogfa.com

آن تلاش نمود؛ اما علاوه بر آن که نظام قبیله ای را مورد توجه خویش قرار داد، در تحکیم ارزش های اسلامی نیز، که در آن جایگاه فرد و عقاید و ارتباط او با جامعه از اهمیت خاصی برخوردار بود، کوشش نمود.

در سال های نخستین هجرت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله شرط نمودند که هر مسلمانی به مدینه هجرت نماید و در آن سکونت گزیند. به این ترتیب ، مدینه در کنار مهاجرین مسلمان قریش که به همراه پیامبر آمده بودند، مهاجرین دیگری را از قبایل گوناگون در خود جای داد. در پیشگفتار عهد نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره شده است : مومنان و مسلمانان از می پردازند .بدون شک ، این گروه سوم و دیگرانی که از آنان پیروی کرده و به آنها پیوسته است و با آنان به جهاد می پردازند همان افراد قبایل گوناگون بوده اند. هر یک از آنان بنا به ندای درونی خویش اسلام آورده ، و برای همراهی با مسلمانان به مدینه مهاجرت نمود تا در فعالیت آنان شرکت کرده و وظیفه خویش را نسبت به اسلام به انجام رساند. شمارش این گروه از مهاجرین بسیار دشوار به نظر می رسد؛ زیرا منابع تنها به ذکر نام افرادی که در جنگ بدر شرکت کرده و کشته شدگان آن و برخی از پیکارهای دیگر و نام فرماندهان سریه هایی که پیامبر گسیل می داشت و تعداد شرکت کنندگان در آن بسنده کرده اند. آگاهی های داده شده در این موارد، بسیار دقیق است ؛ اما ویژگی های آنان را درنظر نگرفته است ؛ زیرا اغلب ، نام آنان ، بدون آنکه اشاره ای به عشیره آنان شود، آمده است و مشخص نیست شرکت کننده خود شخصا و یا به همراه تمامی عشیره خویش در جنگ شرکت داشته است ؛ در حالی که معمولا چنین بوده است.

Bia2book.blogfa.com

بدون شک پیکارهای پیامبر و سریه های او، متوجه قبایلی بوده است که اسلام نیاورده بودند. اما در این میان گاه برخی از حملات به برخی از تیره های عشایر یک قبیله بوده ، نه تمامی آن ؛ زیرا گاه یک قبیله با اسلام ارتباط داشته ، اما برخی از عشایر آن هم چنان بر کفر باقی مانده بودند. بیشتر شرکت کنندگان در جنگ بدر را هم پیمانان قبایل انصار تشکیل می دادند. منابع به تاریخ سکونت گزیدن آنان در مدینه اشاره ای نکرده اند، اما نام ۳۲ نفر از آنان را- که تقریبا یک پنجم شرکت کنندگان انصار را تشکیل می دهند- آورده اند که چهار نفر آنان از قبایل مدینه ، دوازده نفر از بلی شش نفر از جهینه ، چهار نفر از اشجع ، و چهار نفر از غطفان و سلیم و حزینه و غسان و دو نفر از جهینه ، چهار نفر از اشجع ، و چهار نفر از غطفان و سلیم و حزینه و غسان و دو نفر از اسد یا یمن بوده اند.

در جنگ احد یک برده و یک آزاده غیر عرب مولی کشته شد و یک نفر از مزینه ، و جهینه و بلی .لازم به یاد آوری است که ساکنان صفه اهل الصفه همگی مردمی از عشایر گوناگون بوده اند. آنان با پیامبر ارتباط پیدا کرده و در مسجد او اقامت گزیدند. منابع نسبت به تعداد و تاریخ هجرت آنان هم نظر نبوده و برخی از آنان گفته اند که میان آنان ، یک نفر از بکاء، دو نفر از غفار و ده نفر از اسلم بوده اند.

پیامبر در پایان سال نخست هجرت ، فعالیت خویش را به بیرون مدینه معطوف نمود .ایشان غزوات و سریه های زیادی برای پیکار و یا بستن قرارداد و پیمان با اهداف سیاسی ، انجام داد که در بیشتر آنها، شرط اسلام و یا هجرت وجود نداشت . رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار آن

Bia2book.blogfa.com

، افراد و گروه هایی را برای دعوت به اسلام و گسترش آن در میان قبایل اعزام می نمود. سیره نویسان به بعضی از حوادث تلخی که در این راه بر فرستادگان پیامبر وارد اشاره کرده اند و به یقین فرستادگان دیگری در این راه به موفقیت های بی سر و صدایی دست یافته اند که سیره نویسان از آنان یادی نکرده اند.

هم چنین سیره نویسان از افرادی یاد کرده اند که به حضور پیامبر شرفیات شده و اسلام آورده اند و سپس به ایشان وعده داده اند که به نشر اسلام در میان خانواده و عشیره خود بپردازند. با این روش ها و به ویژه به دلیل ارتباط میان افراد و پیامبر، که پس از هجرت همواره در مدینه سکونت داشت و تنها در زمان جنگ از آن بیرون می رفت ، اسلام در حجاز و شبه جزیره عرب گسترش یافت.

اسلام آوردن یک عشیره ، به معنای نفوذ و قدرت پیامبر در آن عشیره بود و با توجه به این که اسلام یک عشیره با موقعیت جغرافیایی آن همسو نبود، با گسترش دولت اسلام ، تناسب مستقیم نداشت ؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله هدایت بشر و اجتماع و راهنمایی آنان را مهم تر از گسترش زمین های تحت نفوذ خویش و توسعه قدرت خود می دانست . از آگاهی های به دست آمده از منابع گوناگون ، می توان نتیجه گرفت که انتشار اسلام در حجاز و از آن پس در شبه جزیره عرب ، بر اسلام آوردن افراد و سپس گروه ها استوار بود. در این میان ، تعیین افراد، دشوار به نظر می رسد. اما اسلام گروه ها، که به معنای اسلام عشایر و قبایل بود، آشکارتر و گسترده تر به نظر است . البته این گسترش ، هیچ گونه ارتباطی با گسترش سرزمین اسلام نداشته است ؛ بلکه

Bia2book.blogfa.com

تاثیر آن بر عشایر و قبایل ساکن در اطراف غربی و جنوبی مدینه بود و سپس به قبایل مناطق دیگر نیز نفوذ می کرد. گسترش اسلام با زور و فشار صورت نگرفت ، بلکه به روش های صلح طلبانه و آرام قلبی همراه بود. انتشار اسلام ، هم چنین با غزوات و سریه های جنگی که به عللی دیگر و برای تحقق اهدافی جز نشر عقیده ، صورت می گرفت ، ارتباطی نداشت . بسیار دشوار است که بتوانیم خط سیری دقیق از چگونگی راه های گسترش اسلام ترسیم نماییم ، اما می توان گفت که دو حادثه اساسی ، تاثیر فراوانی بر این مسئله گذاشت . این دو حادثه ، صلح حدیبیه و فتح مکه بودند.

هنگام پیدایش اسلام ، نظام قبیله ای بر جزیرۀ العرب حاکم بود و این خود تاثیر به سزایی در انتشار دین میان مردم گذاشت . بنابراین لازم است موقعیت و چگونگی وضع عمومی عشایر حجاز پیش از فتح مکه ، که با رسول خدا صلی الله علیه و آله برخورد داشته و پس به آغوش اسلام در آمده اند، بررسی شود.

پیش از این ، گفتیم که دولت اسلام در آغاز هجرت ، تنها محدود به مدینه بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر هر تازه مسلمانی شرط می نمود که در مدینه اقامت نماید. اما حوادثی که دولت اسلام در مدینه با آن برخورد نمود، موجب شد که با عشایر و مناطق اطراف نیر تماس پیدا کند. از سوی دیگر، جهانی بودن دعوت اسلامی ، گسترش این فعالیت را در دایره های وسیع تری طلب می نمود. بنابراین ، طبیعی بود که محدوده فعالیت نخستین آن در مناطق اطراف مدینه و طبیعتا سرزمین حجاز متمرکز شود.

Bia2book.blogfa.com

حجاز و عشایر آن

حجاز سرزمین گسترده ای میان دشت های پست نجد و سواحل دریای سرخ است . این سرزمین ، بیش از نیمی از غرب بخش غربی شبیه جزیره عرب را در برگرفته است . این بخش ، ارتباط تنگاتنگی با سرزمین های دیگر شبه جزیره دارد؛ به گونه ای که نمی توان دید. کوه هایی که ارتفاع و جهت آنها با یکدیگر در تضاد است و دشت های اندکی که وسعت و طول آنها با یکدیگر متفاوت است . این بخش ، دارای جلگه های ساحلی گسترده ای به نام تهامه است [658]و در آن ، مناطق بیابانی بایر فراوانی دیده می شود. هم چنین بخش هایی از آن را مناطق پوشیده از علف و چراگاه ها تشکیل می دهد. قسمت هایی از آن نیز دارای آب های فراوان زیرزمینی است که برای کشت قابل استفاده است.

حجاز به هنگام ظهور اسلام دارای دولتی نبود که سرپرستی آنان را به عهده داشته باشد و زندگی اجتماعی را اداره کرده و راهنمایی نماید. جز مکه ، مدینه و طایف ، شهری نیز یاد نشده است که دارای تنوع جمعیت بوده و یا نظم اداری ویژه ای در آن وجود داشته باشد.

در آن دوران ، هر قبیله دارای منطقه ای برای خود بود که در آن سکونت کرده و سرپرستی آن را به عهده داشت و آن را سرزمین و سکونتگاه خویش به شمار می آورد. تعداد افراد قبایل و وسعت سکونت گاه آنان ، وابسته به قدرت همبستگی و نیروی دفاع آنان از سرزمین خود در برابر جنگ ها و دست اندازی های خارجی بود و چه بسیار از اختلافات ونزاع های درونی در یک قبیله ، که به جنگ های خونین و جدایی منجر شده و در پایان به بیرون رفتن گروه ضعیف تر و

Bia2book.blogfa.com

سکونت آنان در مناطق دیگر، بدون پای بندی به سلسله نسب خود شده است.

پیشه افراد هر قبیله ، بر اساس شرایط جغرافیایی منطقه ای که در آن زندگی می کردند تعیین می شد. در صورتی که آنها آب کافی برای کشاورزی در اختیار داشتند، همگی در کار زراعت ، به ویژه در کشت درختان نخل و جو و برخی از سبزیجات فعالیت می کردند. در حقیقت ، گاهی فراوانی آب سبب می شد گروه زیادی در یک محدوده زندگی کنند. جمعیتی که در این بخش زندگی می کردند، نام ویژه ای را برای خود انتخاب می کردند که به وسیله آن از دیگران شناخته شوند .اگر چه همواره در این مناطق یک عشیره زندگی می کرد و تمامی افراد آن در نسب یکی بودند، اما گاه اما نام این مناطق ، به نام عشیره ای که در آن زندگی می کرد، نام گذاری نمی شد، بلکه به نام های اصلی آن ، که معمولا ارتباطی با طبیعت آن و ساکنین آن و یا پیشینه آن نداشت و برای معرفی آن نیاز به دادن توضیحاتی هم چون ارتباط آن با کوه یا دشت یا آب داشت نامیده می شد. در نام گذاری های نیز کمتر به وضعیت اداری آن بخش ، هم چون شهر یا روستا بودند، اشاره ای می شد.

شهرنشینان و چادر نشینان

منابع به هنگام سخن از ساکنین بخش های جزیرۀ العرب ، از شرایط مدنیت ساکنین آن با دو نام شهرنشینان و چادرنشینان یاد می کنند. مقصود آنان از نام گذاری نخست ، افرادی است که در خانه های ساخته شده ثابت و به صورت دایمی زندگی می کردند و پیشه آنان عموما کشاورزی بود. آنان به دام داری و تربیت بعضی از چهارپایان و حیوانات از قبیل گوسفند و بز و شتر و الاغ

Bia2book.blogfa.com

و اسب می پرداختند. آنان گاه به انجام کارهای دستی خانگی و محلی نیز، برای رفع نیاز محدود خویش پرداختند.

اما چادر نشینان ، چوپانانی هستند که زندگی آنان بر پرورش دام ، به ویژه گوسفند و شتر تکیه داشت و غالبا در اطراف چاه ها زندگی می کردند. آنها با تغییر فصل ، به ویژه در فصل بهار از منطقه ای به منطقه دیگر که در آن علف یافت می شد کوچ می نمودند. محور اساسی سکونت آنان در منطقه ، چاه های آب بود که در فصل تابستان و زمستان در اطراف آن مستقر می شدند. آنها غالبا در زیر چادرهایی ساخته شده از پشم زندگی می کردند و به همین مناسبت چادرنشین نامیده می شدند.

فراوان دیده شده است که چادرنشینان گروهی متفاوت از شهرنشینان به شمار آیند. به عنوان مثال ، منابع یاد کرده اند که ساکنین فلان منطقه از فلان عشیره بوده و بادیه آنان از عشیره دیگری است که در نسب بسیار دور از عشیره شهرنشینان است . شهرنشینان غالبا به علت منافع مشترک ، با ساکنان چادرنشینی اطراف خود دارای روابط استوار و پابر جایی بودند. بیشتر درگیری ها، میان ساکنین سرزمین های گسترده و قبایل بزرگ به وجود می آمد.

شهر نشینان و چادرنشینان یک منطقه مسکونی ، معمولا با هم دارای روابط فرهنگی پایداری بودند؛ زیرا نسب ، زبان ، ارزش های اجتماعی و اخلاقی و مشترکات مشابهی داشتند.

از سوی دیگر، زندگی چادرنشینان در بیابان و نقل و انتقال آنان ، موجب می شد که این گروه بیش از دیگران در عزلت و سادگی به سر برده و عدم ثبات و استقرار آنان ، تاثیر فراوانی در

Bia2book.blogfa.com

موضع گیری و شرایط سیاسی آنان داشته باشد. از این رو، چادرنشینان را نیز اعراب نامیده اند، که با بیابان در ارتباط هستند. این شرایط ویژه ، موجب شد که آنان نسبت به اسلام و دولت آن موضع گیری نه چندان خوبی داشته باشند. از این رو، آیاتی در نکوهش رفتار آنان نازل شد؛ همچون آیه الاعراب شاد کفرا و نفاقا و اجدر الا یعلموا حدود ما انزل الله ؛ یعنی : بادیه نشینان عر؛، کفر و نفاقشان شدیدتر است ، و به نا آگاهی از حدود و احکامی که خدا نازل کرده سزاوارترند توبه ۱۹۷، قالت الاعراب آمنا قل لم تومنوا ولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم ؛ یعنی عرب های بادیه نشین گفتند :ایمان آورده ایم !بگو :شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم ، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است حجرات ۱۴.

برای هر عرب ، استقلال فردی و شخصیت او از ارزش والایی برخوردار بود، اما در میان جوامع عرب شهری و چادرنشین ، برخی از افراد به علل ویژگی های مشخص و فردی ، از دیگر مردان قبیله خود متمایز گردیده ، و بر دیگرانی هر چند محدود، برتری و آقایی می یافتند؛ به گونه ای که از جایگاه ویژه ای در میان آنان برخوردار می شدند. رفتار آنان مورد پذیرش عمومی قرار می گرفت و به تدریج سرپرستی و ریاست قوم خود را به عهده گرفته و رهبر آنان می شدند و گاهی سخن گویی آنان را نیز به عهد می گرفتند. جایگاه آنان بر اثر گذشت زمان مستحکم می شد و مورد اعتراف عملی و نه التجایی قرار می گرفت . نفوذ و اقتدار این سرکردگان ، متفاوت بود. گاهی محدود به گروه کوچکی بود که اطراف آنها زندگی می کردند، و گاه شامل تمامی چادرنشینان و یا تمامی قبیله می شد. اما افرادی که می توانستند قدرت خود را بر تمامی قبیله

Bia2book.blogfa.com

بگسترانند، بسیار اندک بودند و می توان آنان را به روسای جمهوری کنونی کشورها تشبیه نمود. آنها معمولا در سال های پیری به چنین موقعیتی دست می یافتند و نفوذ و تسلط آنها، به چگونگی رفتارهای شخصی آنها بستگی داشت.

عشایر حجاز مرکزی

بکری از محمد بن عبدالملک اسدی روایت می کند که حجاز دارای دو دوازده زیست گاه یا سکوت گاه بوده است که عبارت بودند از: مدینه ، خیبر، فدک ، ذوالمروه ، و سکونت گاه های بلی ، اشجع مزینه ، جهینه ، گروهی ازبنی بکربن معاویه ، جمعی از هوازن و تمامی افراد قبیله سلیم و قبیله هلال.

در این گزارش ، مقصود از حجاز، همان بلندی های پهناور سراه است که تهامه را که همانند قسمت ساحلی پست می باشد و از تپه های گسترده در شبه جزیره عرب که همان نجدا باشد و مرز جنوبی آن به مکه نمی رسد جدا می سازد، این تعریف ، تقسیم بندی جغرافیای عمومی گسترده ای است که می توان از آن به عنوان راهنما استفاده نمود اما به هنگام بررسی تغیرات و وضعیت جمعیت و زمان وقوع آن ، نمی توان تنها به آن تکیه کرد، زیرا برخی از مناطق مسکونی قبایل حجاز تا تهامه و نجدا امتداد یافته بود و عکس آن نیز صادق است ، بررسی تاریخ آنان در مرحله نخست بر چگونگی شرایط افراد و فعالیت آنان تکیه دارد، قابل توجه آن که اسدی که پیش از این او یاد کردیم دو دسته سکونت گاه را یاد کرده است ، نخست مناطق جغرافیایی که شامل مدینه خیبر، فدک ذوالمروه است و وی بدون آن که اشاره ای به ساکنین آن کند آنها را به

Bia2book.blogfa.com

عنوان سکونتگاه یاد کرده است دیگری سرزمین قبایل است که او تنها به قبایل مهم و اصلی آنان اشاره نموده و از ذکر قبایلی که نام آنها در منابع سیره پیامبر آمده است غفلت ورزیده است.

بکری به روایت از عمر بن شبه هنگام سخن از تاریخ جابجایی عشایر در مناطق غربی جزیره پس از سختی طولانی می گوید، پروردگار قادر متعال اسلام را برگزید در حالی که حجاز پوشیده از عرب اسد، عبس ، غطفان : فزاره ، مزینه : فهم ، عدوان و هذیل ، خثعم ، سلول ، هلال کلاب بن ربیعه : طی ، اسد، حلیفان و جهینه بود، وی در این گزارش ، تنها به نام دو قبیله که اسدی از آنان یاد کرده است اشاره نموده است این دو قبیله عبارت اند از: از مزینه و اءشجع ؛ اما او نام قبایل دیگری را که در جنوب مکه و شمال شرقی حجاز اقامت داشته اند، بدان ها افزوده است.

بکری هم چنین در قسمت های دیگری از مقدمه کتاب خود، به برخی از قبایل که در سراۀ واقع در جنوب مکه زندگی می کرده اند اشاره کرده است[659] .

از فشرده آگاهی های گسترده و پراکنده ای که بکری از آنها یاد کرده و نیز از آنچه که در کتاب های سیره و جغرافیا در این باره آمده است ، می توان وضعیت زیر را از قبایلی که در حجاز و مناطق غربی شبه جزیره عرب سکونت داشته اند، ترسیم نمود .مناطق پیرامون بخش غربی و جنوبی مدینه ، از دیرباز سکونت گاه قبیله جهینه بود .بکری می گوید: قبایل جهینه در کوه های اشعر، اجرد قدس ، آره ، رضوی و خدد پراکنده شده و در دشت ها و گردنه ها و کناره های آن زندگی می کردند .آنان در دشت های بطن اظم و کناره های آن که دشتی گسترده بوده و در آن دشت های دیگری بود که به دریا سرازیر می شد، اقامت گزیده بودند. آنان هم چنین در

Bia2book.blogfa.com

ذاخشب ، الحاضره ، لقفا، العیص ، بواط، بدرا، جفاف ، ودان ، ینبع و الحوراء فرود آمده بودند و قبلا عرج و جنبتین و رویثه و روحاء سکونت داشته ، سپس به سوی ساحل پیش رفته و در تهاجم و جز آن پراکنده شدند تا این که به قبیله بلیا و جذام در ناحیه حقل از سالح یماء برخورد نمودند و در مجاورت خانه های ایشان در کنار ساحل قبایلی از کنانه ، سکونت گزیدند. گروه هایی از جهینه نیز بر کوههای حجاز اشعر و اجرد و قدسا و اره و رضوی فرود آمده و به بطن اضم کشانیده شدند [660] .و می گوید که اشجع ، مزینه و سعد هذیم برخی از زمین های آنان را تصاحب نمودند؛ اما همچنان جهینه در آن سرزمین و بلندی های آن و مناطقی که به دست داشتند و حتی در خانه ها و محله هایی که اشجع و مزینه از آنان تصاحب کرده بود سکونت داشتند تا این که اسلام ظهور کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله هجرت [661]نمودند.

بکری و یاقوت اماکن فراوانی را که در گفته بکری آورده است یاد کرده اند. آنان اماکن یاد شده را به جهینه نسبت داده اند. از این اماکن می توان به اشعر، رضوی ، اضم ، بواط، بدر ینبع ، صفراء ، ابواء، ذوالمرۀ ، عرج ، ورقان ، مشجر، مشعر و قبلیه اشاره نمود؛ اما بیشتر این مناطق ، به عشایر معروفی که اغلب آنها از شاخه های جهینه به شمار می آمدند، منسوب بود.

اما سکونت گاه ضمره در جنوب غربی مدینه قرار داشت . مشهورترین مناطق آنان ، ودان نام داشت که در مسیر حرکت کاروان های قریش بود .رسول خدا صلی الله علیه و آله در نخستین غزوات خویش ، رو به سوی این منطقه گذاشت و در این غزوه ، با رییس آنان محشی بن عمرو پیمان دوستی منعقد ساخت [662] . از دیگر مناطق مسکونی آنان در نزدیکی ودان ، مرود، رابغ

Bia2book.blogfa.com

و بزواء است که همان شهر سفید است در جایگاه بلندی از ساحل میان جار، ودان و غیقه[663] قرار داشته و از گرم ترین سرزمین های پروردگار به شمار می آید[664] .سکونت گاه هایی آنان به سوی جحفه امتداد داشت و یکی از آنها گلیه بود که میان جحفه ، مشلل[665] و مرود واقع گردیده بود. دو کوه ثافل الاکبر و ثافل الاصغر[666] و دشت اثیر میان بدر و صفراء نیز به آنان تعلق داشت . هم چنین شراج ریحه ، حشا، ارثد وادی الدوم بغیبغه ، رکیه ، خرار و بواط از بطن ینبع[667] همگی از آن آنان به شمار می آمد.

در جنوب سکونت گاه ضمره ، سکونت گاه های غفار قرار داشته است . این مناطق عبارت بوده اند از صفراء و بدر که تا بعال در نزدیکی کوه عسفان امتداد داشته و نیز غیقه در نزدیکی جار، و دشت عبابید که در سقیا از آن آنان به شمار می آمد.

اسلم در کوه عرج وبین که در فاصله یک پست از مدینه در نزدیکی سیاله و جمدان میان قدید، عسفان ، شبکۀ شدخ و مرالظهران قرار داشت مسکن گزیده بودند.

منطقه مسکونی لیث در کوه شراء در نزدیکی کوه عسفان ، و برخی از بلندی های کوه نهبان ، تعهن ، ذوالریان ، و امج ، که همگی چشمه هایی در نزدیکی سقیا بودند، قرار داشته است . بنی الملوح که یکی از عشایر لیث به شمار می آمدند. در کدید زندگی می کرده اند.

مزینه در بلندی های میانی جنوب مدینه که با سکونت گاه جهینه در آمیخته بود، زندگی می کردند. آنان در کوه رضوی ، قدس ، آره و آنچه بالاتر از آن بوده اقامت گزیده بودند. هم چنین در کوههای نهبان الاسفل و الاعلی ، ثافل[668] و ورقان[669] اقامت داشتند. در منطقه مسکونی

Bia2book.blogfa.com

آنان ، نقیع و برخی از دشت های الفرع ، به همراه دشت های امتداد یافته در میان کوه های سرزمینشان قرار داشته است.

در جنوب سکونت گاه مزینه ، در بلندی های واقع در یک سوم راه میان مدینه و مکه ، خزاعه سکونت داشته اند. مشهورترین سکونت گاه های آنان عسفان [670]خیف سلام ، خیف ، [671]رابغ ، قدید [672]، وامج ، غزال و ذو دوران ، و کلیه دشت هایی جاری از کوه شمنصیر که میان هرشی و جحفه جریان داشت ، بود[673] .

کنانه ؛ در پیت های ساحلی نزدیک به مکه سکونت داشته اند. این منطقه به سوی سواحل واقع در جنوب غربی مکه امتداد می یافت . آنان با ضمره و غفار و خزاعه در شمال ، و هذیل در جنوب درهم آمیخته بودند.

فصل شانزدهم :

گسترش اسلام در میانه حجاز

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به مدینه مهاجرت کردند، آن را خانه هجرت یا دارالهجرۀ قرار دادند. در آن هنگام هر کس اسلام می آورد با او در مهاجرت به مدینه و استقرار در آن عهد بسته می شد. کتاب های حدیث ، روایاتی از پیامبر آورده اند که ایشان با هر کس اسلام را می پذیرفت ، هجرت را شرط قرار می داد و با آنان تنها بر هجرت بیعت می نمود.

روایت می کنند که ایشان فرمودند :هلاک می گردد کسی که هجرت نکند [674]و نیز :شما هستید که اسلام آوردید و هجرت کردید به سوی ما [675]...و از یکی از عشایر درخواست

Bia2book.blogfa.com

نمودند :که هجرت نمایید به سوی پروردگار و پیامبر او[676] .

منظور از عهد بستن بر هجرت مسلمانان به سوی مدینه ، این بود که آنان همگی در کنار هم و نزدیک پیامبر باشند. در نتیجه ، ارتباط آنان با یکدیگر افزایش می یافت . نزدیکی آنان به پیامبر، موجب هدایت آنان بر طبق اصول اسلام و عقاید آن می شد. بنابر این ، تاثیر مشرکین و دشمنی های قریش بر آنان قطع می شد. اضافه بر آن که اقامت دسته جمعی آنان در کنار پیامبر، موجب فراهم آمدن زمینه شرکت آنان در جنگ برای دفاع از دولت اسلام و فعالیت برای گسترش آن می شد.

شرط هجرت و جایگزینی مسلمانان در مدینه ، موجب افزایش تعداد مهاجرین سکونت یافته در آن شد. بنابراین ضروری به نظر می رسید که برای استقرار آنان ترتیبی داده شود. در این باره ، ابن شبه روایت می کند :در آن هنگام هر کس که به مدینه وارد می شد، در صورتی که آشنایی داشت بر او وارد می گردید و هر کس که آشنایی نداشت در صفه فرود می آمد[677] .

هر کس از عرب که هجرت می نمود، او را به مردی از انصار می سپردند تا دستورات دین را به او آموزش دهد و خواندن قرآن را به وی بیاموزد[678] .

تعدادی از مهاجرین که دارای عشیره ای نبودند، در سمت شمالی مسجد در قسمتی که در آن بلندی وجود داشت سکونت اختیار کردند که به آنان اهل الصفه گفته می شد. اینان با رسول خدا صلی الله علیه و آله در ارتباط مستقیم بودند وایشان پیمانه ای از خرما را سهم روزانه آنان قرار داده بود. آنها گاه از میوه بریر که شکوفه درخت اراک است ، به عنوان غذا استفاده می کردند و به

Bia2book.blogfa.com

علت فراهم نبودن نان و گوشت ، به ندرت از این دو استفاده می کردند. احتمالا جیره غذایی آنان از بخش صدقات پیامبر و آنچه مسلمانان به عنوان غنیمت از اموال بنی نضیر به دست آورده بودند، تامین می شد. به نظر می رسد هجرت مردم حجاز در اوایل پیدایش اسالم ، به صورت فردی صورت می پذیرفت و تعداد اندکی از آنان ، هجرت خویش را به همراه عشایر یا گروه هایی که در آن تعداد افراد فراوانی بودند، آغاز می نمودند. بعد از جنگ خندق ، تعداد آنان افزایش یافت و به دلیل کمبود آگاهی های لازم ، اکنون نمی توان تغییرات رخ داده در میان آن را پی گیری نمود؛ زیرا راویان ، در این خصوص تنها به تعداد محدودی از افراد اشاره کرده اند.

بدون شک بعضی از مهاجرت ها در ارتباط با شرایط دشوار زندگی در صحرا بوده است ؛ زیرا زندگی چادرنشینان همواره بر تعدادی چاه تکیه داشته که آنها به کار کشاورزی محدود خویش در اطراف آن مشغول بودند و اغلب نیز نیازمندی های آنان را کفاف نمی داد .علاوه بر آن ، چوپانان به علت خشکسالی در معرض قحطی و گرسنگی قرار داشتند .ابن سعد روایت می کند بنی ثعلبه که منطقه مسکونی آنان در شمال مدینه قرار داشت ، در سال ششم هجری ، [679] دچار خشکسالی شدند؛ تا آن جا که بعضی از چادرنشینان برای دستیابی به خوراک ، اقدام به حمله به رهگذران و کاروانیان نمودند[680] .

به این دلیل که اموال به دست آمده از غزوات اندک بود و زندگی مهاجرین را برآورده نمی ساخت ، آنان بر کمک های انصار مدینه تکیه می کردند. روایت شده است که عبد الله بن ابی در غزوه بنی مصطلق از مهاجرین خشمگین شد و رو به سوی انصار کرده و گفت : به خدا صوگند

Bia2book.blogfa.com

اگر کمک شما بر این گروه نادانان ، که هیچ چیزی از آن خود نداشته و تنها بر گردن های شما سوار شده اند، نبود، یک مرد از میان آنان بیرون نمی آمد، و همگی به سوی عشایر خویش رهسپار شده و در پی گذران زندگی خود بودند [681] .این همان گفته ای است که قرآن کریم در اشاره به آن ، می فرماید :هم الذین یقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفضوا؛ یعنی : آنها کسانی هستند که می گویند :به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند منافقون ۷.

در آگاهی هایی که از غزوات پیامبر و سریه های ایشان پیش از جنگ خندق موجود است ، غیر از انصار و مهاجرین قریش و تعدادی از افراد عشایر متفرقه ، به شرکت عشایر، هیچ گونه اشاره ای نشده است و این گواه بر آن است که دولت اسلام تا سال چهارم ، محدود به مدینه و انصار و گروه های آنان و مهاجرین قریش بوده است.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در پایان سال ششم برای انجام عمره به سوی مکه عزیمت نمود، بسیاری از عرب های ساکن و چادرنشین اطراف مدینه را برای همراهی با خود فرا خواند که اینان از همراهی با ایشان سرباز زده و بسیاری از اعراب نیز در این امر مهم درنگ نمودند؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه مهاجرین و انصار و گروهی پراکنده از اعراب حرکت کرد [682] .

آشکار است که پیامبر هنگامی که حرکت نمود، قصد پیکار نداشت ، بلکه خواهان انجام عمره بدون خون ریزی بود. منظور ایشان از عمره ، زیارت کعبه و انجام فریضه دینی بود؛ با این حال

Bia2book.blogfa.com

اعراب یاد شده از خود سستی نشان دادند.

ابن اسحاق می گوید به همین مناسبت آیاتی در نکوهش اعراب نازل شد سیقول لک المخلفون من الاعراب شغلتنا اموالنا و اهلونا ؛ یعنی : به زودی متخلفان از اعراب بادیه نشین عذر تراشی کرده می گویند حفظ اموال و خانواده های ما، ما را به خود مشغول داشت و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم فتح ۱۱ .سیقول المخلفون اذا انطلقتم الی مغانم لتاخذوها ذرونا نتبعکم یریدون ان یبدلوا کلام الله قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل ؛ یعنی : هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلفان حدیبیه می گویند :بگذارید ما هم در پی شما بیاییم ، آنها می خواهند کلام خدا را تغییر دهند، بگو :هرگز نباید به دنبال ما بیایید، این گونه خداوند از قبل گفته است فتح ۱۵.

ابن اسحاق می گوید افرادی که در عمره حدیبیه با پیامبر همراه شدند، تعدادشان به هفتصد نفر می رسید؛ امام در جای دیگر از زهری روایت می کند که تعداد آنان هزار و چهارصد نفر[683] بوده است . این تعداد لشکر رسول خدا در جنگ خیبر است ؛ زیرا حضرت با همراهان[684] خویش از حدیبیه به سوی این منطقه حرکت کردند.[685]

شاید اختلاف در این دو شمارش ، به این علت باشد که تعداد ۷۰۰ نفر، شامل افرادی است که از ساکنان مدینه با ایشان همراه بوده اند، اما تعداد دوم 1400نفر، شامل تمامی افراد و از جمله اعراب و چادرنشینانی باشد که مسلمان و پشتیبان اسلام بوده اند، اما همچنان در صحرا اقامت داشتند.

Bia2book.blogfa.com

منابع اشاره ای به شرکت عشایر حجاز در حدیبیه نکرده اند، اما از شرکت اسلم و غفار در جنگ خیبر که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیبیه [686]برای آن دو سهمی از غنایم در نظر گرفتند، یاد کرده اند. ابن هشام گفته است که در پیکارهای خیبر، یک نفر از غفار و دو نفر از اسلم [687]کشته شدند .ابن سعد در روایتی از ابی اوفی نقل می کند که سپاه مسلمانان در خیبر، شامل هزار و چهارصد نفر بود و در آن هنگام اسلم یک هشتم مهاجرین به شمار می آمد [688] .در صورتی که مقصود او از مهاجرین ، تمام لشکر باشد، بنابراین تعداد اسلم در حدود ۲۰۰ نفر بوده است.

تقسیم غنایم خیبر تنها بر اسلم و غفار، گواه بر آن است که این دو عشیره همگی اسلام آورده و شاید در این دوران مدینه را به عنوان اقامت گاه خویش قرار داده بودند. در حقیقت ، آگاهی هایی که ازمحله های مسکونی مدینه در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست آمده است ، عشایری را که به مدینه مهاجرت کرده اند، آشکار می سازد. از این آگاهی ها به دست می آید که مهاجرین قریش ، در اطراف مسجد و در سمت غرب و شمال و جنوب آن سکونت گزیدند؛ اما تعدادی از آنان میان عشایر انصار و دور از مسجد، پراکنده شدند. ابوبکر با همسر انصاری خود، در سنح در میان عشیره وی از بنی عبد الاشهل اقامت داشت . اما عشایر مهاجر از حجاز، منطقه مسکونی خود را در اطراف غربی مسجد، میان کوه فتح تا بنی قینقاع انتخاب کرده بودند. کتاب ابن شبه که گسترده ترین منبع کهن با آگاهی هایی از محله های مهاجرین در مدینه است ، می گوید: عشایر حجازی و محله های آنان و مساجد آنها که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله

Bia2book.blogfa.com

نماز خواند، عبارت اند از :اسلم و غفار، جهینه ، اشجع ، بنی یعمر، عتواره ، کعب بن عمرو از لیث ، بنی مصطلق ، بنی سکن از فزاره ، هوازن ، و مزینه ، که به همراه آنان بنی شیطان از نصر بن معاویه فرود آمدند، و عدوان بن عمرو بن قیس ، و بنی ذکوان از سلیم و سعد بن بکر .این گروه ها همگی به همراه مزینه فرود آمده و برخی از آنان در میان بعضی دیگر وارد شدند، اما همگی با هم فرود آمدند؛ زیرا مسکن آنان در صحرا یکی بود[689] .

هجرت به مدینه مستلزم آن بود که مهاجر، سرزمین و دارایی خویش را رها سازد [690] .روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از مهاجرین فرمودند :مهاجرت کرده و زمین و آسمانت را رها می کنی و او در پاسخ عرض کردم که خانواده و دارایی خود را ترک کرده و به سوی پروردگار مهاجرت کردم [691] .هجرت موجب بریدن تمامی روابط مهاجر با خانواده خود که در شرک باقی مانده بودند می شد و او از خانواده اش ارث نبرده و آنان نیز از او ارث نمی بردند[692] .

بدون شک ، شرط هجرت و لوازم و پیامدهای آن می توانست تنها بر افراد محدودی که در دیار نخستین خویش دارای ثروت فراوانی نبودند، آسان باشد، اما انجام آن برای گروه هایی که از جمعیت فراوانی برخوردار بودند، سخت و دشوار به نظر می رسید؛ به ویژه آن که آنان که در سرزمین خود دارای ثروت فراوان بودن و انتقالشان به مدینه سخت بود. در حقیقت ، هجرت موجب شد علاوه بر مشکل تهیدستی و فقر، مهاجر، فشار روحی سنگینی رابه دوش کشد و شاید همین گرفتاری ها بود که پیامبر در این باره فرمودند :هجرت بار سنگینی است [693] .

Bia2book.blogfa.com

از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن پس به هنگام پذیرفتن نمایندگان قبایل ، این قرار داد را آسان گرفته و تازه مسلمانان را بر ماندن در سرزمین خود و یا هجرت به مدینه ، آزاد می گذاشت . به گفته منابع ، این اختیار نخستین بار در سال پنجم رخ داد؛ آن هنگامی که گروهی از مضر و چهارصد نفر از مزینه در رجب سال پنجم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله هجرت را در سرزمین خود آنها قرار داده و فرمودند، شما مهاجر هستید هما جایی که بودید؛ پس بازگردید به سوی اموال خود. پس آنان به سرزمین خویش بازگشتند [694] .در این حال گروهی از مزینه هم چنان در سرزمین خود باقی مانده و درخواست خزاعی بن عبد را که یکی از بزرگان آنان به شمار می رفت ، پاسخ نگفتند. اسلام ای افراد تا زمان فتح مکه به تاخیر افتاد. آنان اندکی پیش از فتح ، به اسلام روی آوردند تعداد آنان در حدود هزار نفر و بیرق دار آنان ، خزاعی بود[695] .

چشم پوشی از شرط اقامت در مدینه پس از پیمان حدیبیه ، بی تردید دارای اثر فراوانی در گسترش نفوذ اسلام و افزایش تعداد مسلمانان بود.

قرآن کریم و روایان نیز به این مطلب اشاره کرده اند. ابن اسحاق روایت می کند که در پیمان حدیبیه ، این آیه کریمه نازل شد :انا فتحنا لک فتحا مبینا، لیغفرلک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر ؛ یعنی : ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم ! تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد فتح ۱.۲ -

وی می گوید در فاصله میان حدیبیه و فتح مکه تعدادی که در آن دو سال به اسلام روی آوردند،

Bia2book.blogfa.com

با افرادی که پیش از آن اسلام آورده بودند برابری کرده و بلکه افزون بر آن بودند[696] .

نتیجه این روی آوردن به اسلام ، در افزایش تعداد لشکریانی که رسول خدا با آنان به سوی فتح مکه حرکت نمود، آشکار شد؛ زیرا بنابر آنچه گفته اند تعداد این لشکر به ده هزار نفر می رسید .

[697]

ابن سعد می گوید: هنگامی که پیامبر قصد عزیمت به سوی فتح مکه را نمودند، نمایندگانی را به سوی اعراب اطراف خود، که بیشتر آنان از اسلم ، غفار، مزینه ، جهینه ، اشجع و سلیم بودند، گسیل داشت . گروهی از آنان در مدینه به او پیوستند و گروهی دیگر در میان راه . در آن هنگام مسلمانان در غزوه فتح ، ده هزار نفر بودند[698] .

دلیل شرکت این عشایر در فتح مکه ، آن است که پیامبر هنگامی که لشکر اسلام را برای ورود به مکه آرایش می دادند، در جناح راست اسلم ، سلیم ، غفار، مزینه ، جهینه و قبایلی از عرب را قرار دادند [699] .فاسی می گوید که فرمانده جناح راست ، خالد بن ولید بود که در آن ، اسلم از قضاعه ، سلیم و مردمی که پیش از آن اسلام آورده بودند، دیده می شدند [700] .این گفته آشکار می سازد که تعدادی از این عشایر، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آمادگی خویش را برای پیشروی به سوی فتح مکه اعلام نمود، به اسلام پیوسته و شاید مقصود او از قضاعه ، اسلم غفار، مزینه و جهینه بوده باشد.

منابع ، اطلاعاتی را از زمان هجرت برخی قبایل به ویژه اشجع ، که به نظر می رسد تا هنگام جنگ خندق در صف مشرکین قریش قرار داشته اند، به دست می دهد .ابن سعد در این باره می گوید

Bia2book.blogfa.com

که آنان با هفتصد جنگجو در کنار قریش در آن جنگ شرکت کردند [701] .و نیز :اشجع پس از غزوه قریظه در حالیکه تعدادشان هفتصد نفر بود، از پیامبر درخواست پیمان دوستی کردند. پس پیامبر با آنان پیمان بسته و بعد از آن ، اسلام آوردند .[702]ابن شبه می گوید که اشجع با هفتصد نفر که فرماندهی آنان را مسعود بن رخیله به عهده داشت ، در دره سکونت گاه خود فرود آمدند.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بارهایی از خرما به سوی آنان حرکت نموده و فرمود: ای مردمان اشجع بر شما چه آمده است . گفتند یا رسول الله آمدیم تا در نزدیک شما باشیم و از پیکار با شما بیزاریم ، و توانایی مبارزه با قوم خویش را به علت کمی تعدادمان نداریم .

پس خداوند این آیه را نازل فرمود :او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقاتلوکم او یقاتلوا قومهم ؛ یعنی : یا آنها که به سوی شما می آیند، و از پیکار با شما یا پیکار با قوم خود ناتوان شده اند؛ نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود نساء ۴.

منابع ، زمان ورود آنان را به درستی تعیین نکرده اند. به طور قطع ، این حادثه پس از جنگ قریظه و پیش از جنگ خیبر بوده است.

اما جهینه تا میانه سال هشتم ، هم چنان بر کفر باقی مانده بود .رسول خدا صلی الله علیه و آله در رجب سال هشتم در نس ریه خبط، لشکری را به سوی آنان بسیج نمود. در این سریه ، مسلمانان به سبب خشکسالی و ناچاری ، اقدام به خوردن خبط که نوعی میوه نارس گیاهی صحرایی است کردند و خود را از گرسنگی رهانیدند. به همین مناسبت ، این سریه به این نام نامیده شد[703] .

ابن شبه به نقل از کثیر بن عبد الله می گوید :مزینه و بنی کعب به نزد رسول خدا صلی الله علیه و

Bia2book.blogfa.com

آله آمده و از ایشان درخواست نمودند که همانند سایر قبایل ، مسجدی را برای آنان بسازد .رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود :مسجد شما مسجد من است ، شما صحرای من هستید، و من پایتخت مرکز شما هستم . پس بر شماست که اگر شما را دعوت کردم مرا اجابت نمایید[704] .

منابع هیچ گونه اشاره ای به زمان ورود آنان نمی کنند، اما مطمئنا این مطلب پس از جنگ خیبر اتفاق افتاده ، زیرا نام آنان در میان دریافت کنندگان غنایم خیبر نیامده است ؛ گو این که یکی از شرکت کنندگان در آن جنگ عبد الله بن مغفل مزنی [705]بوده است.

لشکر پیامبر تنها شامل بخشی از مسلمانان بود و تمامی آنان را در بر نمی گرفت ؛ زیرا زنان ، کودکان ، پیرمردان و افرادی که از بیم جنگ و گرفتاری های آن تمایلی به شرکت در آن نداشتند، به حساب نمی آمدند.

نیروهای اسلام شرکت کننده در فتح مکه ، از انصار و مهاجرین قریش و قبایلی که سکونت آنان میان مدینه و مکه در مسیر عبور کاروان های مکه به سرزمین شام قرار داشت تشکیل شده بود. به طور قطع این قبایل در قراردادهای تجاری که به نام ایلاف شهرت داشت ، با مکیان در ارتباط بودند. اما تهدید آن کاروان ها از سوی مسلمانان ، آثار ضعف را بر قریش نمودار ساخته و این قبایل را از منافع مادی که از سوی آنان برخوردار می شدند، محروم می ساخت . پس به اسلام روی آوردند و با دولت آن ارتباط برقرار ساختند.

هنگام فتح مکه ، روابط قبیله ای هم چنان مستحکم و قدرتمند بود. بنابراین ، پیامبر این مسئله را مورد توجه قرار داد و لشکر اسلام را بر اساس آن پایه ریزی نمود .ابن سعد می گوید رسول خدا

Bia2book.blogfa.com

صلی الله علیه و آله هنگامی که به قدید رسید، پرچم های لشکرها را بر افراشته و آنها را به قبایل واگذار نمود. سپس در مرالظهران فرود آمد[706] .

در جنگ حنین نیز لشکر اسلام به وسیله پرچم لشکرها آرایش داده شده بود؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله برای گروه مهاجرین ، خزرج ، اوس و هم چنین قبایل عرب ، پرچم ها و لشکرها را قرار داد که اشخاص معینی فرماندهی آنها را به عهده داشتند[707] .

پس از فتح ، شرط هجرت را از میان برداشته و فرمودند پس از فتح ، دیگر هجرت وجود ندارد . (708)

فصل هفدهم : اسلام در میان عشایر میانه حجاز

ضمره

نخستین عشیره ای که پیامبر پس از هجرت با آنان ارتباط برقرار نمود، ضمره بود. پیامبر در نخستین غزوه خویش در ودان با رییس آنان محشی بن عمرو پیمان بسته و عهد نامه ای را برای آنان نوشتند :آنان و اموالشان در امان بوده و یاری می دهیم آنان را بر هر کسی که به آنان ظالمانه یورش برد و بر آنان است که پیامبر را در حد توان خود کمک نمایند؛ مگر آنکه گرفتار جنگ در راه خدا شوند. و در صورتی که پیامبر از آنان یاری خواست ، ایشان را باید در جنگ بر علیه دیگران اجابت نمایند. بدین ترتیب در ذمه پروردگار و پیامبر او قرار داشته و پیروزی از آن کسانی است که خود را پاک ساخته و از گناه پرهیز نمایند[709] .

تعدادی از افراد آنان ، در پیکارهای پیامبر شرکت نمودند. آن جمله : جعال بن سراقه ضمری است

Bia2book.blogfa.com

که در احد و خندق و مریسیع و ذات الرقاع [710]حاضر بود .عمرو بن امیه ضمری که هنگامی که مشرکین از احد بازگشتند، اسلام آورد و در بئر معونه شرکت جست و از کشته شدن نجات یافت . رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به عنوان نماینده به حبشه [711]و مسیلمه [712]گسیل داشت .

شاید بنی ضمره ، در آن هنگام ، همراه او اسلام آورده بودند.

بنی ضمره در فتح مکه شرکت نمودند. آنان به همراه لیث و سعد بن لیث ، در گروهی دویست نفره قرار داشتند که پرچم آنان را ابو واقی حمل می کرد[713] .

غفار

دو عشیره اصلی و بزرگ حجاز، که هر دو در حدیبیه شرکت کردند و در شکست خیبر دست داشتند، عبارت بودند از غفار و اسلم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در ستایش آنان چنین روایت شده است : غفار، خداوند او را ببخشاید، و اسلم خداوند سلامت دارد او را [714] .درباره غفار، ابن سعد، ادعا می کند که ابوذر غفاری پیش از هجرت ، اسلام اختیار نموده و به سوی قوم خویش آمد. او نیمی از آنان را مسلمانان کرد در آن هنگام ایماء بن رحضه رهبر و بزرگ ایشان به شمار می آمد. نیمه دوم قوم او گفتند در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شود، مسلمانان می شویم . پس پیامبر به مدینه فرود آمده و آنان اسلام آوردند. آنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده عرض کردند: یا رسول الله ما اسلام می آوریم بر آن چه که برادران ما اسلام آوردند. پس همگی اسلام اختیار نمودند. سپس پیامبر فرمودند غفار، خداوند او را ببخشاید و اسلم خداوند سلامت دارد او را؛ [715]اما خود در روایت دیگری می گوید که ابوذر

Bia2book.blogfa.com

هنگامی که مسلمان شد به سوی سرزمین قوم خویش بازگشت و در آن باقی ماند تا این که بدر و احد و خندق رخ داد. سپس به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه آمد .در روایت دیگری آمده است که او پس از احد به مدینه آمد [716]و یکی از مردان شرکت کننده آنان در جنگ چاه های احد به شمار می آید [717].رسول خدا نامه ای را برای غفار نوشته بودند که آنان از مسلمانان به شمار می آیند و آنچه که برای مسلمانان ، است ، شامل آنان نیز هست و آنچه که بر مسلمانان است بر آنان نیز واجب می باشد. پیامبر با آنان پیمان بست که مال و جان آنها بر ذمه پروردگار و ذمه رسول اوست و در برابر هر ظلمی آنان را یاری نمایند و در صورتی که پیامبر از آنان درخواست یاری نمود، او را اجابت کنند و در حد توان خود کمک نمایند، مگر آن که گرفتار جنگ در راه خدا شوند، و این تعهد نامه رفتار گناهکاران را توجیه نمی کند، [718]و آنان در مدینه محله هایی دارا دارا خواهند بود.

سیزده نفر از آنان در حدیبیه و خیبر شرکت داشتند، که سه نفر از آنان به شهادت رسیدند. تعدادی از زنان غفار جزو شرکت کنندگان جنگ بودند که از غنایم خیبر سهمی به آنان داده شد [719].در جنگ تبوک هشتاد نفر از آنان به بهانه ای در پیکار شرکت نکردند[720] .

اسلم

ابن سعد می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه هجرت خویش از سرای اسلم گذر کرد. پس بریده بن حصیب به ایشان برخورد نمود. او همراهانش که در حدود هشتاد خانه بودند، اسلام آوردند و نماز عشاء را پشت سر پیامبر به جا آوردند[721] .

Bia2book.blogfa.com

این گفته ، اشاره به پیشینه اسلام در اسلم دارد؛ به ویژه آن که بریدهٔ پس از جنگ احد مهاجرت نمود.

هم چنین ابن سعد می گوید که مالک و نعمان فرزندان خلف ، که هر دو از اسلم به شمار می آیند، از جلوداران جنگ احد بودند که در آن روز هر دو شهید شدند [722] .هم چنین دیگرانی از بنی اسلم که در جنگ احد شرکت داشتند، عبد الله و عبد الرحمن فرزندان هبیب بودند که هر دو در صحنه پیکار به شهادت رسیدند [723] .ابو رهم غفاری نیز از میان آنان ، شاهد این پیکار بود.

بنابراین ، روشن می شود که از آغاز هجرت ، مردان مسلمان فروانی در بنی اسلم وجود داشته است.

از گفته ها هم چنین روش می شود که تعدادی از مردان اسلم از اهل صفه به شمار می آمده اند . ابن سعد در این باره اشاره به نام ربیعهٔ بن کعب و جرهد بن رزاح کرده است . ابو نعیم اصفهانی نام نه نفر از اسلم را از میان مجموع هشتاد نفر از اهل صفه یاد کرده است[724] .

ابن سعد می گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اسلمیان خزاعی نوشت : هر کس از آنان ایمان آورد و نماز را بپای داشت و زکات را پرداخت و در دین خدا دلسوز بود، در برابر ظلم و تعدی ، آنها را یاری داد و در صورتی که پیامبر از آنان درخواست یاری نمود، ایشان را اجابت نمایند و آنچه برای چادرنشینان آنان تعهد شد برای شهرنشینان آنان هم هست و آنان مسلمان مهاجر شمرده می شوند گرچه در سرزمینی جز مدینه باشند[725] .

هم چنین می گوید :عمیرهٔ بن افصی در میان گروهی از اسلم به حضور رسول خدا صلی الله علیه و

Bia2book.blogfa.com

آله رسیده و عرض کردند: ما به پروردگار و پیامبر او ایمن آورده و راه شما را پیروی می کنیم .

پس ما را در جایگاهی ویژه نزد خود قرار ده که عرب از فضیلت آن آگاه شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اسلم و دیگر عشایر عربی که در ساحل دریا و بیابان زندگی می کردند، نوشته ای فراهم کرد و در آن صدقه و زکات بر چهارپایان را یاد آوری نمود؛ اما در منابع یادی از تاریخ نوشتن این نامه نشده است.

در آن هنگام اسلم از کسانی بودند که به همراه پیامبر به سوی حدیبیه حرکت کردند و تعداد آنان یک هشتم مهاجرین ، یعنی در حدود دویست نفر [726]بود. آنها در پیکارهای خیبر نیز شرکت کرده و نطات و صعب و زبیر را به محاصره در آوردند[727] .

از میان کسانی که از اسلم ، شاهد حدیبیه بوده اند، می توان به عبد الله بن ابی اوفی و عامر و سلمه فرزندان اکوع ، و عبد الله بن ابی حدرد، و ناجیۀ بن اعجم و بشیره و حارث بن جمال و مالک بن جدیر بن جمال اشاره کرد[728] .

واقدی می گوید که از اسلم در خیبر هفتاد و اندی و گفته می شود یکصد و هفتاد نفر شرکت داشته است . آنان به همراه غفار دارای یک سهم بودند، [729]از میان آنان دو نفر کشته شد که این دو فاتحان قلعه صعب به شمار می آمدند[730] .

در فتح مکه ، چهار صد نفر از اسلم شرکت داشتند، آنان دارای سی اسب بوده و دو پرچم را به همراه داشتند که بوسیله بریدۀ بن حصیب و ناجیۀ بن اعجم حمل می شد.

مزینه

Bia2book.blogfa.com

در اوایل هجرت ، افرادی از مزینه اسلام را پذیرفتند .مالک بن نمیله در جنگ بدر شرکت داشت و در جنگ احد به شهادت رسید. هم چنین در احد، وهب بن قابوس مزنی و برادرزاده اش حارث بن عقبه کشته شدند[731] .

واقدی می گوید: نخستین گروهی که از مضر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند؛ چهار صد نفر از مزینه بودند. این واقعه در رجب سال پنجم اتفاق افتاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله هجرت ایشان را در سرای آنها قرار داد و فرمود :شما مهاجر هستید در سکونت گاه خود؛ پس نزد اموال خویش بازگردیده و آنان به سکونت گاه خود بازگشتند[732] .

ابن کلبی می گوید گروهی از مزینه ، از جمله خزاعی بن عبد نهم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از سوی قوم خود مزینه با ایشان بیعت نمود. به همراه وی ده نفر بودند که از میان آنان می توان به بلال بن حارث ، نعمان بن مقرن ، بلال بن حارث و عبد الله بن عمر حمل می کردند . [733]

آنان در محاصره طائف نیز شرکت کردند [734]و چهل نفر از مردان آنها، در غزوه دومۀ الجندل به فرماندهی خالد بن ولید که در سال نهم هجری اتفاق افتاد، نیز شرکت یافتند[735] .

لیث

بنی لیث از نخستین گروندگان به اسلام و ارتباط با پیامبر به شمار می آیند .عامر بن بکیر و سه برادرش به همراه مسلمانان در جنگ بدر پیکار نمودند .در جنگ احد نیز دو نفر از میان آنان به نام های عبد الله و عبد الرحمن فرزندان بنیت به شهادت رسیدند.

Bia2book.blogfa.com

از میان مردان آنان ، در آغاز هجرت ، می توان شداد بن هاد، و ابوواقد، عبید بن عمیر، قتاده ، عطاء بن یزید، جعونه بن شعوب ، و سائب بن مالک را یاد کرد.

طلحۀ بن عمر لیثی [736] و وائل بن اسقع [737] از این عشیره در میان اهل صفه به شمار می آمدند.

غالب بن عبد الله از مشهورترین مردان این عشیره به شمار می آمد .رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال هشتم او را به سریه بنی مرد و در سال هفتم به سوی بنی عوال در کنار نقره و به کدیه در سال هشتم اعزام نمود. هم چنین پیامبر وی را به هموار کردن راه در فتح مکه ماموریت داد[738] .

در سال هشتم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهیان را گسیل داشتند که ابو قتاده و محلم بن جثامه لثی را با آن همراه ساختند[739] .

در فتح مکه ، پرچمدار بنی لیث و ضمره ، ابوواقدلیثی بود .وی به همراه قوم خویش در جنگ تبوک شرکت داشت[740] .

جهینه

ابن سعد گفته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نامه ای برای بنی زرعه و بنی ربعه ، از تیره های جهینه نوشت و در آن تاکید فرمود که جان و مال آنان در امان بوده و هر کس بر آنان ظلم روا دارد و یا در دین به جنگ آنان در آید، به یاری آنها خواهیم شتافت . این عهد برای بیابان گردان آنان که نیکوکار و با تقوا بوده اند نیز هم چون شهرنشینان آنان است و خداوند یاری رسان است .

نیز در نامه دیگری برای بنی جرموز بن ربیعه ، که از جهینه به شمار می آمدند، نوشت آنان در

Bia2book.blogfa.com

سرزمین خود در امان بوده و بر آنان است که بر پیمان خود بر اسلام وفادار باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه دیگری نوشت : به عمرو بن معبد جهنی و بنی حرقه از قبیله جهینه ، و بنی جرموز که آن گروه اسلام آورده و نماز بر پاداشته و زکات را پرداختند و خدا و پیامبر او را فرمان بردند و یک پنجم غنایم به دست آورده خود را پرداختند و سهم خالصه پیامبر را نیز پرداختند، و آنانی که به اسلام خود گواه گرفته و از مشرکین دوری گزیدند، این گروه در امان خدا و رسول او هستند و آن چه را که در شریعت نوشته شده و برای هر فرد مسلمان می باشد گردن می نهند و برآنهاست که به سرمایه خود بسنده کرده و در رهن ، ربا را باطل بشمارند و زکات کشت آنها عشر می باشد و آن چه بر اینان است شمال آنانی که بر این گروه می پیوندند هم می شود.

هم چنین پیامبر برای بنی شمخ از جهینه نامه ای نوشت و در آن بخشی از سکونت گاه های صفینه را در اختیار آنان قرار داد، و نیز نامه ای برای عوسجۀ بن حرمله جهنی نوشت که در آن قطعه زمینی در ذی المروه [741] را به او بخشید.

آشکار است که نامه اول دارای محتوای سیاسی بوده است ، اما نامه دوم و سوم اسلام برخی از آنان را مشخص می نماید؛ گر چه محتوای این دو نامه گواهی بر اسلام همه آنان نیست . منابع هیچ گونه اشاره ای به تاریخ این دو نامه نکرده اند. در جنگ بدر، سه نفر از جهینه به همراه مسلمانان شرکت نمودند. آنان عبارت بودند از :کعب بن صحار، عدی بن ابی زغباء و ودیعه بن عمرو .این سه نفر همگی از هم پیمانان خزرج به شمار می آمدند. در جنگ احد ضمره جهنی هم پیمان بنی

Bia2book.blogfa.com

ساعده به شهادت رسید.

واقدی می گوید: ابوسفیان پس از جنگ احد، پیامبر را به پیکاری دیگر وعید داد .نعیم بن مسعود اشجعی آمادگی پیامبر را در برخورد با جنگ و احتمال جلب هم پیمانان اوس از بلی و جهینه و جز این ها به آگاهی ابوسفیان رسانید. این واقعه در ماه ذی القعده چهل و پنجمین ماه پس از هجرت صورت پذیرفت [742] . سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان هزار و پانصد نفر از یاران خویش حرکت کرد و به بدر وارد شد. وی هشت روز در آنجا اقامت گزید که نشان می دهد گروه های یاد شده در آن هنگام به همراه پیامبر بوده اند.

ابن سعد می گوید: پیامبر سکونت گاهی را برای جهینه تعیین نمود و آن را مسجد آنان قرار داد ، و این نخستین مسجدی بود که در مدینه تعیین می شد .البته ، مقصود، مساجد عرب مهاجر است . [743]هم چنین ابو نعیم نام سه تن از مردان آنان را که از اهل کوفه به شمار می آمده اند، آورده است . رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به - فرماندهی ابو عبیده جراح در قالب سیصد مرد به بخشی از مناطق مسکونی آنان اعزام نمود که بدون درگیری بازگشتند [744] .بی تردید، این گروه پیش از حدیبیه اسلام آورده بودند، زیرا از قبایلی بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را برای عمره به سوی مکه با خود همراه نمود [745] .آنها سپس در تسلیم خیبر شرکت جستند و سهمی نیز برای آنان تعیین شد [746] .از مردان شرکت کننده از آنان در جنگ خیبر، تمیم بن ربیعه ، رافع بن مکیث ، جندب بن کلیب ، ابو خیس و سوید بن صخر [747]را می توان نام برد. در فتح مکه نیز هزار و چهارصد نفر از مردان آنان [748]شرکت داشته ودارای چهار پرچم بوده

Bia2book.blogfa.com

اند. آنان در آرایش جنگی سپاه ، در جناح خالد بن ولید قرار داشتند[749].

سلیم

سلیم یکی از عشایر بزرگ حجاز به شمار می آمد که سکونت گاه آنان اطراف جنوب شرقی مدینه قرار داشت . آنان در سال های نخستین دارای موضع گیری خصمانه ای نسبت به اسلام بودند. پیامبر چندین بار به آنها حمله کرد که نخستین بار آن ، در آخرین ماه از سال دوم هجری بود که سپاه را به سوی قرقره الکدر واقع در منطقه آنان فرستاد. چهار ماه بعد، سپاه دیگری را به بحران در منطقه الفرع اعزام نمود. سرانجام آنان در ماه سی و ششم اسلام خویش را آشکار ساختند. اما بعد، به فرستادگان پیامبر که برای آموزش قرآن نزد آنان رفته بودند، خیانت کرده و آنان را که تعدادشان هفتاد نفر بود، به قتل رساندند.

در پی این حادثه ، رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به فرماندهی زید بن حارثه به سوی آنان فرستاد که با حمله بر آنان ، به گله های گاو و گوسفند آنان دست یافتند.

در جنگ خندق ، هفتصد نفر از سلیم به فرماندهی سفیان بن عبد شمس به همراه مشرکین قریش در پیکار شرکت نمودند؛ اما نقش ارزشمندی نداشتند و سپس عقب نشینی اختیار کردند.

در بهار سال ششم ، پیامبر سپاه دیگری را به سوی آنان فرستاد که در بطن نخل با آنها پیکار کردند و سپاه بعدی را در پایان سال هفتم به سوی آنان گسیل داشت . بنی سلیم تا این تاریخ در ردیف دشمنان اسلام و دولت آن به شمار می آمدند.

هنگامی که پیمان حدیبیه به پایان رسید، حجاج بن علاط سلمی نزد رسول خدا که با ساکنین خیبر

Bia2book.blogfa.com

به پیکار مشغول بود، آمد و اسلام خویش را اعلام نمود. به دنبال اسلام حجاج ، [750]تعدادی از افراد قوم او نیز اسلام آوردند. سپس آنان پی در پی به اسلام روی آوردند که در این میان عباس بن مرداس به همراه جمعی از قوم خویش ، اندکی پیش از فتح مکه ، اسلام را پذیرفتند. اما در این میان ، گروهی از آنان هم چنان بر شرک خود باقی بودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پایان سال هفتم سپاهی را که در آن پنجاه نفر به فرماندهی ابن ابی العوجاء سلمی حضور داشتند، به سوی آنان فرستاد[751] .

هنگام فتح مکه ، تمامی بنی سلیم اسلام را پذیرا شده بودند. آنان در این ، با هزار سوار به فرماندهی سه نفر که عبارت بودند از :عباس بن مرداس ،، خفاف بن ندبه و حجاج بن علاط شرکت کردند و همگی در پیشاپیش لشکر اسلام به همراه خالد بن ولید بودند[752] .

ابن سعد می گوید پیامبر زمین هایی را به سلمۀ بن مالک ، عباس بن مرداس ، هوذۀ بن نبیشه ، اجب ، راشد بن عبد، حرام بن عبد عوف و سلمۀ بن مالک بخشید و در این باره نوشته ای را به قلم آورد. وی به تاریخ این موضوع اشاره نکرده که به طور قطع ، پس از اسلام آوردن آنها بوده است .

هذیل و لحیان

سکونت گاه هذیل در بلندی های جنوب بود. آنان دارای کوه هایی از کوه های سراۀ بوده ، و دشت ها و گردنه های غربی را در اختیار خویش داشتند. آبراه آن گردنه ها و دشت ها، به سوی قبایل خزیمۀ بن مدرکه در خانه هایشان سرازیر می شد .همسایگان هذیل در کوه ها فهم و عدوان

Bia2book.blogfa.com

بودند، [753]اما سرزمین های پست ساحلی و قسمت کم ارتفاع دشت ها از آن کنانه به شمار می آمد.

از سکونت گاه های هذیل می توان از عرج [754]، و [755]شمنصیر، جدف در ودان [756]، و غران در عسفان [757]و کبکب [758]، ذوالمجاز که در پس کبکب بود [759]و نخلهٔ الیمانیه و نخلهٔ الشامیه [760]، و مراخ که در میان دو نخله [761]قرار داشت ، نام برد.

یکی از مشهورترین عشایر هذیل ، بنی لحیان [762]بود که از میان آنان ، بزرگان سواع در رهاط [763]بوده و سکونت گاه های آنان عسفان [764]، غران و هوداد بن امح بود که تا سایه [765]امتداد داشت . از سکونت گاه های آنان ، ذودمدان ،، که دشتی سرازیر شده از شمنصیر [766]بود، و رخمه و هزوم و بان [767]و هده که میان عسفان و قله بود و میانه آن رجیح قرار داشت را می توان نام برد [768] .احتمالا بیشتر قبایلی که پیش از فتح ، اسلام آوردند، به آنان اجازه ماندن در دیار خویش داده شد. به این ترتیب هجرت دو گونه شد: هجرت اقامت و هجرت بازگشت یا هجرت تاله ، و هجرت بادی ء .بنابراین گروهی از آنان اسلام آورده ، سپس به دیار خویش باز می گشت و اقامت می نمود[769] .

بیعت کنندگان بر هجرت بادی ء ، به سوی بادیه خویش مراجعت کرده و در سختی و گشاده دستی و شادمانی و ناراحتی [770]می بایست از پیامبر اطاعت نمایند. از سوی دیگر ضرورتی وجود نداشت که مهاجری که به مدینه آمده و در آن استقرار یافته است ، به بادیه بازگردد [771] .این افراد، مهاجرین نخستین ، افرادی بودند که به سوی دو قبله نماز خوانده ... و در پیمان رضوان و

Bia2book.blogfa.com

فتح مکه [772] حاضر بودند.

آنان سپس در پیکار با هوازن شرکت نمودند. هنگامی که ابوبکر خلافت را به دست گرفت ، برخی از آنان مرتد شدند و ابوبکر نیرویی را به سوی آنان فرستاده و آنها را پس از سرکوبی ، به آغوش اسلام بازگرداند.

بخش چهارم : گسترش اسلام در شبه جزیره عرب

فصل هیجدهم : فتح مکه

زمینه های فتح

پیمان حدیبیه رخدادی بود که در آن ، پیروزی سیاسی و منافع فراوانی برای پیامبر به صورت مسالمت آمیز و بدون خون ریزی به دست آمد. در این پیمان ، اسلام قدرت خویش و نزده بودن دولتش را نشان داد. از این پس بود که پیامبر به شمال توجه نموده و عزم خود را در پی گیری انجام رسالت و نشر اسلام و گسترش دولت آن به کار گرفت.

در این راستا، عشایر ساکن در میان مکه و مدینه ، به قدرت دولت اسلامی ، جایگاه عقیدتی آن و سلامت روش های به کارگیری آن پی بردند. از این بود که آنان به اسلام روی آوردند و پیوستن به دولت جدید را آغاز کردند. به این ترتیب ، نیروی همبستگی یعنی ایلاف قریش و آثار قراردادهایی که قریش برای تامین حرکت کاروان های خود به سوی سرزمین شام به وجود آورده بود، رو به ضعف گرایید. این می توانست موجب ضعف قدرت قریش و بزرگ نمایی آن شده و مقدمات از میان رفتن تجارت آنها، به ویژه با سرزمین های شمالی را فراهم سازد.

Bia2book.blogfa.com

قریش بر اجرای بندهای صلح حدیبیه و محافظت در برقراری صلح و آرامش داشت ، اما دست به هیچ گونه فعالیتی برای تامین قدرت خویش به هنگام از میان رفتن آرامش و از سرگیری جنگ با دولت اسلام نزد. این موضع گیری منفی ، نشان از دودلی و از دست دادن روح مقاومت قریش بود که حتی در دوران درخشان و شکوفایی قدرت خویش ، تنها توجه خود را بر تامین راه تجارتی خود و زمینه های ارتباط مسالمت آمیز با دیگران داشت . قریش ارتباطات تنگاتنگ میان سیاست و اقتصاد را درک نمی کرد و هیچ گاه برای گسترش قدرت سیاسی خود و ایجاد دولتی گسترده ، فعالیتی نشان نداد .رسول خدا صلی الله علیه و آله درایت و کاردانی خویش را از آغاز هجرت به مدینه آشکار ساخت . پیامبر از آغاز، به اهمیت فراوان عامل سیاسی و ایجاد در تامین زمینه های گوناگون زندگی عمومی ، از جمله شرایط اقتصادی ، پی برده بود. از سوی دیگر، محافظه کاری قریش و باقی ماندن بر اوضاع پیشین ، که تنها به تامین امنیت خویش و محافظت تجارت بسنده می شد، آنها را از اندیشیدن به نوگرایی در جامعه بود؛ در حالی که اسلام این موضوع ها را با گشاده رویی مورد توجه قرار داده و اهمیت به انسان و نیروی او در زندگی و ارتباط اجتماعی آن را یکی از تکیه گاه های خویش قرار داده بود و از قدرت به دست آمده از آن ، برای از میان بردن خطرها و جذب یاران و گسترش امنیت استفاده می برد.

بدون شک عوامل دیگری نیز وجود داشت که موجب تضعیف معنویات مشرکین اهل مکه می شد. از آن جمله اینکه اسلام اهمیت ویژه خویش را به صلح و آرامش ، و حسن نیت خود را نسبت به مراعات کنندگان آن آشکار ساخته بود و زمینه های پیشرفت را برای کسانی که به او

Bia2book.blogfa.com

روی می آوردند، به وجود می آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با رویی گشاده و اخلاقی نیکو از گروندگان به اسلام پذیرایی می نمود. ایشان برای تامین حیاتی نوین با بلند نظری از دشمنی های پیشین چشم پوشی می کرد و در این راه کرامت و بزرگواری فراوانی از خود نشان می داد .در حقیقت جایگاه ویژه مهاجرین مسلمان قریش ، بسته به وفاداری و تلاش آنان در راه استقرار جامعه و دولت اسلامی نوین بود. بدون شک ، مشرکین مکه ، زمینه جدید را درک کرده بودند و این ، اعتماد فراوان آنان نسبت به دولت اسلام را تقویت می نمود .رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال های پیش از آن آشکار نموده بود که هدف او مبارزه با سنن جاهلی و از هم گسستگی است و با مکه و ساکنان آنان سر جنگ ندارد. اسلام ، مکه را به عنوان قبله گاه مسلمانان در نماز و مقصد آن در حج اختیار کرد و با روی آوردگان به اسلام با مهربانی رفتار می نمود. بنابراین گسترش اسلام و توسعه دولت آن ، موجب تثبیت اخلاق عالیه انسانی به شمار می آمد که در نتیجه ، ایجاد صلح و آسایش را به همراه داشت . این شرایط و نیروی ایمان مسلمانان ، بر مردم قریش تاثیر گذاری مسلمانانی که در مکه باقی مانده و مهاجرت اختیار نکرده بودند، موجب کاهش دشمنی قریش نسبت به اسلام شد. مسلمانان با همبستگی عقیدتی خویش و اظهار مزایای آن ، تاثیر فراوانی بر دیگران می گذاشتند. هم چنین بسیاری از مهاجرین ، احساسات و عواطف خود نسبت به مکه را فراموش نکرده بودند؛ به ویژه پس از آن که دورنمای دین جدید و افق گسترده آن در زمینه فعالیت انسان و دفاع از ارزش های او و دیدگاه آن در مورد مکه و جایگاه خاص آن ، آشکار را دیدند که عاقبت به

Bia2book.blogfa.com

تامین صلح و آرامش و به وجود آمدن اقتصادی شکوفا و تجارتی امن می انجامد. این همه ، عواملی بود که در میان مشرکین قریش تاثیر فراوانی بر جای گذاشت.

این تاثیر تا آنجا بود که تعدادی از معروف ترین مردان مکه ، هم چون خالد بن ولید و عمرو بن عاص از روی میل باطنی و بدون هیچ گونه حادثه تحریک آمیزی ، رو به سوی مدینه آوردند. آنان در آنجا اسلام خویش را آشکار ساخته و آمادگی خود را برای خدمت به دولت اسلام اعلام نمودند. مسلمانان نیز در مدینه از آنان استقبال نموده و کارهای بزرگی که متناسب با روحیه آنان بود، به آنان واگذار کردند .تعداد دیگری ، که منابع اشاره ای به آنها نکرده اند، پس از پیمان حدیبیه به دولت اسلام گرویدند. این حرکت ، در نتیجه برخورد نیکویی بود که با این مردان مشهور صورت می گرفت.

بدون شک ابوسفیان که در آن هنگام بزرگ مکه به شمار می آمد، بر ضعف روحیه مردم مکه در برابر اسلام آگاهی داشت و از این رو، بر ادامه صلح اصرار داشت.

او در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله که سال بعد از صلح ، به مکه آمد و عمره به جای آورد و طواف کعبه نمود، هیچ گونه مقاومتی نشان نداد. هم چنین هنگامی که میان خزاعه که در صف مسلمانان بودند و کنانه که در صف مشرکین مکه قرار داشتند، نزاعی در گرفت . از بیم گسترش آن و عدم آمادگی برای مقاومت در برابر دولت اسلام ، خود شخصا به مدینه آمد و نسبت به تمدید زمان صلح برای استمرار امنیت ، تلاش کرد.

اما در ماموریت خود شکست خورد و به هنگام مراجعت به مکه نیز، هیچ گونه انگیزه ای برای

Bia2book.blogfa.com

مقاومت در برابر دولت اسلام در مردم مکه ندید. در این میان شاید تغییر عقیده تعدادی از امویان ، از جمله ام حبیبه دختر ابوسفیان و همسر پیامبر، که پیش از این به صف مسلمانان در آمده بودند در تغییر شرایط تاثیر گذاشته بود.

مسلمانان و مردم مکه ، قرار داد صلح حدیبیه را به اجرا در آوردند. در این راستا، رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال بعد، عمره خویش را به جای آورد و به طواف کعبه پرداخت . ایشان و اساس قرارداد، تنها سه روز در مکه باقی ماند و در این سه روز، دست به هیچ گونه حرکت تهدیدآمیز نزد و فعالیت خویش را به سوی شمال متوجه ساخت.

اما در حقیقت ، صلح به وجود آمده بسیار متزلزل بود؛ زیرا این پیمان میان طرفینی منعقد شده بود که از نظر عقیده ، در برابر یکدیگر قرار داشتند و نیرویی نیز برای تامین منعقد شده بود که از نظر عقیده ، در برابر یکدیگر قرار داشتند و نیرویی نیز برای تامین استمرار صلح در میان نبود. در آن هنگام ، حجاز دارای شرایط پیچیده ای بود که خود می توانست زمینه گسستن پیمان را فراهم آورد. در نهایت نیز، شکسته شدن پیمان بر اثر واقعه ای بود که هیچ یک از طرفین در به وجود آمدن آن دستی نداشتند. حادثه از این قرار بود که خزاعه بر بازرگانی از کنانه از دیار آنان عبور می کرد دست اندازی نمودند. پس کنانه به یاری او برخاسته و درگیری میان طرفین شروع شد. ابوسفیان از بیم گسترش درگیری ، شخصا به سوی مدینه حرکت کرد و خواستار ادامه صلح و عدم گسستگی آن شد؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست ابوسفیان را رد نمود؛ زیرا احساس می کرد چشم پوشی از این حادثه ، تضمینی جدی بر دوام پیمان در پی ندارد. بنابراین ، ناگزیر

Bia2book.blogfa.com

باید در پی درمان ریشه های مشکل بود. ایشان با ارزیابی از شکست روحیه قریش و افزایش قدرت خود، تصمیم به استفاده از آن ، برای پایان دادن به این مسئله گرفت . پیامبر تمام نیروی خود در مدینه و نیروهای عشایری که به او پیوسته بودند را بسیج کرده و رو به سوی مکه گزارد تا آن را به آغوش اسلام بازگرداند. ایشان با لشکری که هنگام رسیدن به مکه در حدود ده هزار مرد [773]بود، حرکت کرد. این بالاترین تعدادی بود که در جنگ های دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک سپاه جمع می شد. سپاه اسلام در این حمله معادل سه برابر لشکری بود که قریش در جنگ خندق مهیا ساخته بود. این سپاه شامل مردم مدینه و گروهی از عشایر حجاز بود. بدون شک احساس اعراب از ضعف مقاومت مکه و اعتقاد به پیروزی اسلام ، عواملی بود که جنگجویان عرب را بر آن داشت در لشکری با به پیروزی اسلام ، عواملی بود که جنگجویان عرب را بر آن داشت در لشکری با جنگجویان مرد و بدون زنان و کودکان ، شرکت جویند. مردم مدینه ، یعنی تمامی مهاجرین و انصار بدون آنکه یک نفر از میان آنان تخلف نماید، نیز همگی به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه افتادند [774]منابع ، نما تعدادی از افراد که پرچم های عشایر انصار را به دوش می کشیده اند، را آورده اند.

بدون شک ، عشایر دیگری از انصار نیز در فتح شرکت داشته اند که در منابع اشاره ای به نام آنها نرفته است . به طور خلاصه نیز اشاره ای به تعداد شرکت کنندگان انصار و مهاجر در فتح مکه ، یعنی کسانی که همگی بدون آنکه یک نفر سرپیچی کند، به راه افتادند نشده است.

از عشایر حجاز، از هر یک از سلیم و مزینه هزار جنگجو، و هر یک از اسلم و غفار چهار صد نفر،

Bia2book.blogfa.com

که در آن تعدادی از اشجع ، تمیم ، قیس و اسد [775]نیز بودند در فتح شرکت نمودند.

روح مقاومت در برابر دولت اسلامی ، در میان اهل مکه ، ضعیف شده بود. اسلام بر آن تعداد از مسلمانان که در آن باقی مانده و مهاجرت اختیار نکرده بودند، بر آنان اثر گذاشته و موجب کاهش دشمنی آنان نسبت به اسلام شده بودند. شاید پای بندی به اعتقادات خود، آن ها را به اظهار برتری اسلام و مزایای آن واداشت . هم چنانکه بسیاری از خویشاوندان مهاجرین ، احساسات و عواطف خود را نسبت به خویشان مهاجر از دست نداده بودند. به ویژه پس از آن که افق های دین تازه و نیرو و جاذبه های آن اشکارترشد و مکه را در جایگاه ویژه قرار داد و آن را به عنوان قبله گاه مسلمانان و مقصود حاجیان به شمار آورد.

هم چنین آشکار شده بود که دولت جدید، در صدد ایجاد امنیت برای کاروان های تجاری است و در شکوفایی اقتصادی که قدرتمندان قریش بر آن اصرار می ورزیدند، فعالیت می نماید.

بدون شک ، قدرتمندان قریش بی نتیجه بودند فعالیت های خویش را برای ریشه کن کردن اسلام و از میان بردن دولت آن درک کرده بودند؛ به ویژه آن که پس از شکست در جنگ خندق ، از کلیه امکانات قدرتی خویش و هم پیمانان خود در آن استفاده کرده بودند .آنها هم چنین متوجه شده بودند که در صورت پیوستن به دولت اسلام ، به چه منافعی دسترسی پیدا خواهند کرد و از این پس بود که بسیاری از چهره های برجسته آنان ، رو به سوی مدینه گذاشته و اسلام خویش را اعلام و آمادگی خود را برای خدمت به دولت آن اظهار نمودند.

در این راستا، موضع گیری خوش آمد گویانه پیامبر و خوش برخوردی ایشان با این این گونه

Bia2book.blogfa.com

افراد نیز تاثیر فراوانی بر ارتباط آنان با اسلام داشت و دیگران را برای پیوستن به آن تشویق می نمود. قابل توجه آن که ابو سفیان ، به هنگام نزدیک شدن نیروهای اسلام به مکه برای زیارت آن ، بیم و هراس خود را ابراز نمود و منابع هیچ گونه اشاره ای به تلاش او برای پای گیری مقاومت بر علیه آنان و کوشش وی در جریان قرار داد صلح حدیبیه نکرده اند. پیامبر در آن هنگام با دختر او ام حبیبه ازدواج کرده بود. ابوسفیان برای تجدید پیمان و استقرار آرامش میان قریش و مسلمانان [776]، خود به مدینه رفت ؛ اما منابع ، موضع گیری سختی را در مقاومت در برابر توسعه طلبی پیامبر و یا محدود ساختن ایشان به هنگام فتح مکه ، یاد نکرده اند. تمام اینها گواه آن است که او روح مقاومت را از دست داده بود.

شاید ابوسفیان اندکی پیش از آن با رسول خدا صلی الله علیه و آله به توافق رسیده بود، زیرا پیامبر هنگام ورود خویش به مکه ، ندا داد که هر کس به درون کعبه رود یا وارد خانه ابوسفیان شود، در امان است . به این ترتیب ، خانه ابو سفیان را، هم چون کعبه ، خانه امن قرار دارد.

نیروهای اسلام ، چه آنها که از مدینه خارج شده بودند، و چه دیگرانی که از سایر قسمت های حجاز همراه آنها شده بودند، همگی در قدید گرد آمدند. پیامبر آنان را آرایش نظامی داد لشکرها و بیرق های آنان را میان قبایل تقسیم نمود .منابع به تعداد افرادی که در زیر هر پرچم و لشکری بوده اند، اشاره ای نکرده اند؛ اما این گفته نشان دهنده آن است که تنظیم سپاه بر پایه قبیله ای صورت پذیرفته است.

احتمالا رسول خدا صلی الله علیه و آله در فرماندهی جناح های مختلف سپاه را که به هنگام ورود

Bia2book.blogfa.com

به مکه از آن یاد شد، قدید تعیین کرده است ؛ طوری که خالد بن ولید بر جناح راست فرماندهی داشته و مردان قبایل عرب در زیر فرمان او بوده اند .زبیر بن عوام بر جناح چپ ، که مهاجرین تحت فرمان او بودند و سعد بن عباده به همراه پیامبر در قلب سپاه ، قرار داشته است.

منابع ذکر کرده اند که حاطب بن بلتعه نامه ای مخفیانه به سوی قریش ارسال نمود و در آن ، آمادگی پیامبر برای پیشروی به مکه را به آگاهی آنان رسانید.

اما این نامه در میانه راه فاش شد. به نظر می رسد قریش از منابع دیگری ، بر آمادگی های فراوان پیامبر و حرکت او به سوی مکه آگاه شده بود. اما منابع به هیچ گونه اقدام تدافعی از سوی آنان اشاره ای نکرده اند. تنها به هنگام رسیدن لشکریان اسلام به مرالظهران ، که در فاصله چند مایلی مکه قرار دارد، ابوسفیان برای مذاکره با رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه خارج شد. او تعداد لشکریان را بالغ بر ده هزار نفر تخمین زد و آن را به آگاهی مردم مکه رساند و در این هنگام بود که اسلام خود را اعلام نمود و پیامبر نیز با گشاده رویی اسلام او را پذیرفت.

لشکر اسلام به سوی مکه پیشروی کرد و پس به بخش های شمالی آن رسید .زبیر در آن هنگام بر جناح چپ و رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه انصار ثنیه در بالاترین نقطه مکه قرار گرفتند. پیامبر خالد بن ولید را به همراه نیروهای تحت فرماندهی اش ، در جناح راست حرکت داد و حلقه محاصره مکه را از سمت غربی آن در منطقه حزوره در اطراف جنوبی مسجد الحرام تکمیل نمود. در این منطقه ، گروهی از مردمان مکه و کنانه به فرماندهی صفوان بن امیهٔ بن ابوجهل ، سهیل بن عمرو، و حماس بن قیس گرد آمده بودند. آنان به مقابله با مسلمانان پرداختند .

Bia2book.blogfa.com

خالد بن ولید بر آنان غلبه یافت و پس از آنکه نزدیک به پانزده نفر از مردان آنان را به قتل رساند، نیروهای آنها را وادار به فرار نمود. به این ترتیب مکه تسلیم شد. در این هنگام بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ثنیه ایستاد و پیروزی خویش را ندا داده ، فرمود :الحمد الله الذی صدق وعده ، و نصر عبده و هزم الاعداء وحده ؛ یعنی : سپاس پروردگاری که به وعده خویش وفا کرد، و بنده خود را یاری داد، و به تنهایی دشمنان را فراری داد.

در این هنگام مردمان مکه به سوی او آمده و پس از اظهار اسلام ، با ایشان بیعت کردند .رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا داد که مردم مکه همه در امان هستند و ابوسفیان را در جایگاه ویژه ای قرار داد و در این باره فرمود: و هر کس به خانه ابوسفیان پناه آورد، در امان است . و هر کس به درون مسجد الحرام پای نهد در امان است.

سپس پیامبر پایان شرک و بت پرستی را ندا داد و گروهی را برای پاکسازی مسجد الحرام و کعبه و مکه ، از هر آنچه که از آثار آنها بود، گسیل داشت . در این هنگام ، مردم مکه به شکستن بت ها و تندیس هایی که در خانه های خود داشتند، پرداختند. سپس رسول خدا رو به سوی مسجد الحرام گذاشت و به درون کعبه قدم نهاد. بلال در کعبه اذان گفت و پیامبر نماز را در مسجد الحرام اقامه نمود. سپس هجرت به مدینه را متوقف ساخت و حرمت مکه حرم است ، برای کسی روا نمی باشد در آن به کشتن یا شکار پردازد و یا شاخه درختان اذخر را بشکند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله مکه را با قدرت فتح کرد و از این رو، دارای قدرت گسترده ای بود که می توانست به پشتوانه آن ، هر فرمانی را صادر کرده و مردم آن را به کیفر برساند؛ اما

Bia2book.blogfa.com

پیامبر ورود خویش را پایان درگیری و دشمنی قلمداد کرد و عفو عمومی صادر نمود پیامبر به جز کشتن چهار نفر، به انتقام جویی از آنان که او را آزار داده و در برابر اسلام مقاومت کرده بودند، دست نزد. ایشان رهبران فراری قریش را مورد عفو قرار داد و آنان به سوی وی بازگشتند. هیچ یک از املاک مصادره شده از مسلمانان ، از جمله خانه خودش را باز پس نگرفت . بیشتر مناصب وابسته به مسجد الحرام را هم چنان در صاحبان آن باقی گذاشت و از این رو، سقایت در دست عباس بن عبد المطلب و کلیدداری کعبه در دست عثمان بن طلحه از بنی عبد الدار، باقی ماند.

پیامبر نزدیک به دو هفته را در مکه سپری کرد و سپس برای پیکار با هوازن و فتح طائف حرکت نمود. پس از آن نیز عتاب بن اسید اموی را به عنوان والی مکه تعیین و به سوی مدینه بازگشت.

فتح مکه ، به درگیری و نزاع طولانی که سال ها میان مسلمانان و مشرکین قریش جریان داشت ، پایان داد و همبستگی و اتحاد را به میان آنان باز گرداند. با این که مهاجرین زندگی به همراه پیامبر در مدینه را ترجیح می دادند،، اما ارتباط اجتماعی و قلبی دوباره آنان به مکه ، که هم اکنون بسیاری از آنان اقامت در مکه [777] را ترجیح داده و از جایگاه ویژه ای که نزدیکان آنان در دولت اسلام به دست آورده بودند، استفاده نمایند .در این راستا، مهربانی و گذشت پیامبر، مردم طائف را نیز در بر گرفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله دشت آنان یعنی دشت وج را حرم قرار داد و استقلال آنان و قبایلشان را تایید کرد. از این پس طائف نیز همچون مکه دنباله رو حوادث اسلام شد.

Bia2book.blogfa.com

رسول خدا صلی الله علیه و آله از دانایی های افراد مکه بهره فراوان برد و تعدادی از مردان بنی عبد شمس را در این مهم به خدمت گرفت . ایشان معاویه را به عنوان یکی از نامه نگاران خویش قرار داد، [778]و ابوسفیان را به چند ماموریت ویژه گسیل نمود. و عتاب بن اسید را والی مکه قرار داد و ابان و خالد فرزندان سعید بن عاص را به عنوان والی به برخی مناطق یمن [779]فرستاد. از بنی مخزوم نیز غافل نماند و عکرمهٔ بن ابوجهل را مورد عفو خویش قرار داد. در آن هنگام خالد بن ولید که پس از حدیبیه اسلام آورده و فرماندهی یکی از جناح های سپاه را در فتح مکه به عهده داشت ، از سوی حضرت به عنوان فرماندهی حمله ای به جنوب اعزام شد. نام برده ذالخلصه را منهدم ساخت و در تعدادی از سریه ها به بخش های شمال حجاز نیز از سوی پیامبر شرکت کرد و سپس پیامبر او را به نجران فرستاد.

مردم مکه شرایط تازه را مشاهده و درک نمودند و از این رو، دست به هیچ گونه مقاومتی نزده و آشوبی برپا نکردند. آنان به سرعت خود را با شرایط جدید هماهنگ ساخته و استعداد و آمادگی خویش را برای خدمت به آن آشکار ساختند؛ طوری که در کارهای سپرده شده به آنان ، جدیت و اخلاص نشان می دادند. آنها پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نه تنها مرتد نشدند و به یاری مرتدین بر نیامدند، بلکه مردان آنان ، فرماندهی نیروهای از میان برنده رده را به عهده داشتند[780] .

نکته قابل توجه آن که هنگام مکه ، مردم آن دارای فرماندهی منظم و تشکل یافته ای نبودند و بسیاری از چهره های برجسته و روسای پیشین آنان ، مانند خالد بن ولید عمرو بن عاص و عباس

Bia2book.blogfa.com

پس از صلح حدیبیه اسلام آورده بودند.

جنگ حنین و محاصره طائف

پس از پایان فتح مکه و بازگرداندن آن به آغوش اسلام و پاکسازی آن از بت ها و هر آنچه که در ارتباط با شرک بود، پیامبر صلی الله علیه و آله نیروهایی را گسیل داشت تا بت های عزی سواع ، مناۀ ، ذی الکفین و خلصه [781]را منهدم سازند. از آن پس ، آثار آنها از میان برداشته شد و عبادت آنها نیز محو گردید.

فتح مکه موجب به وجود آمدن بیم و ترس در بنی هوازن شد. آنان قبیله ای بودند که منطقه مسکونی آنها در جنوب مکه [782]واقع شده بود. این وحشت و ترس در بنی ثقیف ، که مردم طائف و اطراف آن بودند نیز به وجود آمد.

آنها تصمیم به مقاومت در برابر پیامبر گرفتند. از این رو به جمع آوری ده هزار جنگجو پرداختند که به وسیله شتران و گوسفندان فراوان پشتیبانی می شد [783] .آنان به سوی دشت حنین پیشروی کردند. این منطقه دشتی وسیع و پر دره تنگه بود .رسول خدا صلی الله علیه و آله با نیرویی فراوان ، که شامل تمام افرادی که در فتح مکه با ایشان همراه بودند، به همراه دو هزار نفر دیگر که پس از فتح مکه بر آنان افزوده شده بود، به سوی آنان به حرکت در آمد. پیامبر خالد بن ولید و بنی سلیم را در پیشاپیش لشکر قرار داد و مردم مکه در پس آنان قرار گرفتند. در پس آنان نیز نیروهای اصلی سپاه روانه بودند. سپاه اسلام با این آرایش رو به سوی دشت حنین گذاشت.

هنگامی که مقدمه سپاه به دشت حنین قدم گذاشت ، با نیروهای مشرکین هوازن درگیر شد؛ اما

Bia2book.blogfa.com

نتوانست در برابر آنان پایداری کند و پس از شکست ، عقب نشینی کرد.

این شرایط، در لشکر مسلمانان اثر گذاشت ، اضطراب و دودلی را درمیان آنان به وجود آورد و انبوه لشکر پا به فرار گذاشتند. در این هنگام رسول خدا در قرارگاه خویش پایداری کرد و گروه معدودی از صحابه و یاران نیز در اطراف ایشان استقامت کردند و این موضوع ، همبستگی را مجددا به سپاه اسلام بازگرداند .آنان حمله خویش را بر هوازن و هم پیمانان آن ها در پایان آنها را پراکنده ساخته و دشت حنین را از وجود آنان پاکسازی کردند. مسلمانان اموال فراوانی از اسیر و شتر و گوسفند جمع آوری کرده و همه را در جعرانه مستقر کرده ، سپس به تعقیب گروه های فراری پرداخته و آنان را تا اوطاس [784]دنبال کردند.

با وجود تعداد زیاد شرکت کنندگان در جنگ حنین و آنچه در آن اتفاق افتاد، مسلمانان به جز چهار کشته [785]، چیزی را از دست ندادند. این گفته نشان دهنده آن است که این جنگ ، تنها محدود به کرو فر و مانور لشکر هماره بوده و در آن برخوردی سخت و گسترده و رویارو صورت نگرفت.

فراریان حنین به سوی طائف پناه برده و در آن متحصن شدند.

طائف شهری با آب و چشمه های فراوان و درختان انبوه و باغ های خرم بود که حصار مستحکمی پیرامون آن قرار داشت . به ویژه که در آن تاکستان های [786]فراوانی وجود داشت و وجود این باغ ها، مانعی برای تحرک سپاه مهاجم به شمار می آمد.

در میان مردمان طائف که از ثقیف به شمار می آمدند، ثروتمندان و متمولینی زندگی می کردند

Bia2book.blogfa.com

ثروت های هنگفت و جایگاه اقتصادی آنان ، باعث شده بود اقدام به دادن وام های کلان در برابر ربای فراوان کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله محاصره طائف را تشدید نمود. ایشان در این محاصره از زره پوش استفاده کردند. این وسیله آلتی جنگی از پوست گاو بود که مهاجمین را درون خود، حمایت می نمود [787] .هم چنین از داس استفاده کرده و آنان را به قطع درختان باغ ها تهدید کردند. پیامبر اعلان نمود که غلامان آنان در صورت پناه آوردن ، آزاد خواهند شد[788] .

مردم طائف در برابر محاصره مقاومت کردند. این وضعیت حدود سه هفته ادامه یافت رسول خدا صلی الله علیه و آله در پایان تصمیم به ترک محاصره گرفت و به سوی مدینه بازگشت . مسلمانان در این محاصره دوازده شهید از دست دادند که بیشتر آنان از میان قریشیان بودند[789] .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه بازگشت در جعرانه توقف کرده و غنایم حنین را تقسیم نمود. پیامبر بر تعدادی از بزرگان مکه و تازه مسلمانان ، عطای بسیار نمود تا دل آنان را بیشتر به سوی خود جلب نماید. در جعفرانه نمایندگانی از هوازن به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و پذیرش اسلام قبیله خود را اعلان نمودند. پیامبر نیز اسلام آنان را پذیرفت و اسیران آنها را به ایشان بازگردانید [790] .مردم طائف نیز به مقاومت بی نتیجه خود در برابر اسلام پس از گسترش دولت آن و پیوستن مردم به آن پی بردند و ناگزیر پس از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه ، نمایندگانی را به سوی ایشان رهسپار نمودند که اسلام مردم طائف و پیوستن آنها به دولت اسلامی را به اطلاع ایشان برسانند[791] .

Bia2book.blogfa.com

فصل نوزدهم :

نامه های پیامبر به پادشاهان کشورهای همسایه

سیره نویسان نخستین ، با یکدیگر اتفاق نظر دارند که پس از فتح مکه ، رسول خدا صلی الله علیه و آله نامه هایی را برای پادشاهان کشورهای همسایه که عبارت بودند از قیصر روم ، کسری پادشاه ایران ، نجاشی پادشاه حبشه ، مقوقس حاکم مصر، حارث بن ابی شمر غسانی ، و هوذة ابن علی حنفی فرستاد.

برخی از این روایان ، به اسنادی که آگاهی های خویش را در این زمینه از آنها به دست آورده اند اشاره کرده اند .ابن اسحاق از یزید بن حبیب مصری ، روایت کرده است که او به نامه ای دست یافته است که در آن به نمایندگانی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره شده که به سوی کشورها و پادشاهان عرب و عجم اعزام شده اند. هم چنین در این نامه ، فرموده حضرت به یاران خود هنگام اعزام را آورده است . او گفت این نامه را برای محمد بن شهاب زهری فرستادم که آن را شناخت [792] .در سال ۱۸۵۰ میلادی در یکی از دیرهای اخمیم در مصر، سندی کشف شد که در آن ، متن نامه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. این سند سپس به گنجینه های قسطنطنیه انتقال یافت . در سال های اخیر، سند دیگری به دست آمد که در آن متن نامه رسول خدا دیده می شد. این سند از سوی دنلوپ در مجله الجمعیة الاسیویه الملکیه در سال ۱۹۴۰ میلادی منتشر شد. سپس ، از کشف دو سند دیگر که در آن متن نامه پیامبر صلی الله علیه و آله به منذر بن ساوی نوشته شده بود، خبر داده شد. صاحب نظران در مورد این دو سند کشف شده ، تحقیق و بررسی

Bia2book.blogfa.com

های گسترده ای را به انجام رسانیدند که در پایان ، این دو سند، معتبر شناخته نشد.

کتاب های سیره و برخی از کتاب های حدیث ، متن های فراوانی از این نامه ها را آورده اند . محمد حمید الله در کتاب مجموعۀ الوثائق السیاسیه کلیه این نامه ها را که در برخی از آنها تفاوت هایی میان کلمات و محتوا به چشم می خورد، جمع آوری کرده است . اما تمامی آنها، از ویژگی خاصی ، یعنی فشردگی و کوتاهی جملات برخوردارند. در بعضی از سندها و دیگر نامه های پیامبر، تعابیر خاصی به کار رفته است که در غریب الحدیث به عنوان ماده ای به کار رفته است و غریب بودن کلمات آن ، خود گواهی بر اصالت آن است.

مسئله این نامه ها، موضوع مورد بحثی بود که برخی از پیشینیان ، به ویژه آنان که به شرح کتاب های حدیث توجه خاصی داشتند و مشهورترین آنان زرقانی بود، به آن پرداخته اند. در روزگار ما، تعدادی از مستشرقین و دانشمندان عرب به بررسی و تحلیل نامه ها، برای دسترسی به اصالت و تاریخ ارسال و اهمیت آن پرداخته اند. دانشمند سودانی عون قاسم الشرین در کتاب دبلوماسیۀ محمد به بحث و بررسی عمیقی در این باره پرداخته که ما نیز در نوشتن این فصل از کتاب ، بر نوشته او اعتماد نموده ایم.

روایات در این که تمامی این نامه ها پس از صلح حدیبیه ارسال شده ، اتفاق نظر دارند؛ تنها در تاریخ ارسال آنها اختلاف است . طبری می گوید که نامه ها در ذی الحجه سال هفتم [793]فرستاده شده است . ابن سعد می گوید پیامبر آنها را در محرم سال هفتم [794]فرستاد اما نامه به مقوقس در سال ششم پس از حدیبیه [795]ارسال شد .بخاری می گوید: این نامه پس از بازگشت از تبوک

Bia2book.blogfa.com

ارسال شد؛ در حالی که ابو عبید آورده است که پاسخ قیصر هنگامی به دست رسول خدا[796] صلی الله علیه و آله رسید که ایشان در تبوک بودند.[797]

از سوی دیگر اشاره شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این دوران ، نامه هایی به برخی از بزرگان یمن و روسای آنان در جنوب فرستاد. هم چنین نامه هایی به مندر بن ساوی در بحرین و به آل جلندی در عمان ارسال نمود. تمامی این مناطق ، بخشی از سرزمین جزیرۀ العرب ؛ به شمار می آمد که حاکمان آنها عرب و دارای قدرت محدودی بودند. آنان همگی دعوت به اسلام را پذیرفتند.

اما نجاشی ، مقوقس ، پادشاه غسان ، قیصر و کسری شرایط دیگری داشتند آنان به جز کسری همگی بر دین مسیحیت بودند و بر سرزمینی دور از مدینه حکومت می کردند. برخی از آنان مانند حبشه و مصر، به جزیرۀ العرب متصل نبود؛ و برخی از فرمانروایان نیز بر سرزمینی گسترده و قدرتمند حکومت می کردند. زبان رسمی آنان نیز عربی نبود. آنان به جز کسری ، همگی نصرانی بودند و قرآن کریم از آنان با نام اهل کتاب یاد کرده و آنها را ملزم به پذیرفتن اسلام نکرده است.

این شرایط به همراه تفاوت هایی که در متن روایات نامه ها دیده می شود، برخی از مستشرقین را بر آن داشته است که در اصالت نامه ها با دیده شک و تردید بنگرند. این تردید از آنجا رخ می نماید که برتری رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن بود که کارهای ایشان همواره توام با دیده ای واقع گرایانه باشد و این رفتار نمی تواند با دعوت فرمانروایان قدرتمند سرزمین های پهناور به

Bia2book.blogfa.com

اسلام هماهنگ باشد؛ زیرا این دعوتی بود که می توانست دشمنی آنان را به همراه داشته و زمینه ای برای تجاوز آنان به دولت اسلام را، که هنوز در تمامی جزیرۀ العرب نفوذ نکرده بود، هموار سازد. از دلایلی که تردید کنندگان در درستی این نامه ها به آن تکیه کرده اند، این است که دعوت اسلامی دارای ارتباط تنگاتنگی با عرب بود؛ زیرا زبان قرآن کریم ، عربی است و نماز مسلمانان رو به سوی کعبه و حج آنان در خانه خدا در مکه است . تلاش رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در درجه نخست بر هدایت امت عرب متمرکز بود و سعی در فراخواندن آنان به اسلام داشت . قرآن کریم در این باره از پیامبر درخواست نمود که خویشان و نزدیکان خویش را به اسلام فراخواند [798] .سپس ام القری و پیرامون آن را به اسلام دعوت نماید [799] .او فرستاده ای در میان افراد درس نخوانده است [800] و قرآن کریم ، گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و قوم او است [801] .

این دلایل گرچه می تواند عاملی برای قوت برخی از شبهات یاد شده درباره ویژگیهای این نامه ها باشد، برای نفی کامل آن کافی به نظر نمی رسد، زیرا ارتباط اسلام با عرب زبانان و اهمیت دادن پیامبر صلی الله علیه و آله به نشر آن در میان امت عرب ، برگرفته از این واقعیت است که اسلام دیدگاهی واقعی داشته و گام های متعددی برای گسترش در جهان برداشته است . پایه و اساس اسلام ، ایمان به یگانگی خدا و دعوت به پرستش پروردگار یگانه است . پروردگار آسمان ها و زمین ، به وجود آورنده هر شی ء، و مالک هر شی ء.

در قرآن کریم ، آیات بسیاری وجود دارد، که خداوند، رب العالمین ؛ یعنی : پروردگار جهانیان

Bia2book.blogfa.com

خوانده شده است . آغاز قرآن با این آیه است : الحمد لله رب العالمین ؛ یعنی : ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است حمد ۱ .ولکن الله ذو فضل علی العالمین ؛ یعنی : ولی خداوند نسبت به جهانیان ، لطف و احسان دارد بقره ۲۵۱ .ان هو الا ذکر للعالمین ؛ یعنی : این قرآن تذکری برای همه جهانیان است ص ۸۷ .ان اول بیت وضع للناس للذی ببکۀ مبارکا و هدی للعالمین ؛ یعنی : نخستین خانه ای که برای مردم و نیایش خداوند قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است ، که پر برکت ، و مایه هدایت جهانیان است آل عمران ۹۶.

در قرآن کریم آیات آشکاری وجود دارد که نشان می دهد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله برای جهانیان است ؛ همچون : تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا؛ یعنی : زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد فرقان ۱ .و ما ارسلناک الا کافۀ للناس بشیرا و نذیرا؛ یعنی : و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا آنها را به پاداشهای الهی بشارت دهی و از عذاب او بترسانی سبا .28فما سالتکم من اجر ان اجری الا علی رب العالمین ؛ یعنی : من از شما برای این رسالت ، پاداشی نمی طلبم ، پاداش من ، تنها به پروردگار جهانیان است یونس ۷۲، هود ۲۹، ۵۱.

در حقیقت هدف پیامبر از برقراری پیمان صلح حدیبیه ، این بود که تمام سعی و کوشش خویش را همانند سال های نخستین پس از هجرت ، محدود به درگیری و کشمکش با قریش ننماید؛ بلکه ایشان در نظر داشت دعوت اسلامی را به میدان وسیع تری از جزیرۀ العرب و اطراف آن گسترش دهد. نامه هایی نیز که پیامبر پس از صلح حدیبیه به اطراف ارسال نمود، از این نقطه نظر منشا

Bia2book.blogfa.com

گرفته بود که دعوت خویش را میان تمام مردم گستردانده و محدود به گروه خاص و یا قوم و طایفه معینی نگرداند.

بنابر این ، وی عوامل گوناگونی را در نظر گرفته و به این منظور تعدادی از نامه های خویش را به سوی یمن و حضرموت در جنوب جزیرۀ العرب ، و نیز منذر بن ساوی و جلدی در شرق جزیرۀ العرب ارسال نمود و از نمایندگانی که منطقه مسکونی آنان در میانه جزیرۀ العرب و شرق آن قرار داشت ، نیز استقبال نمود.

دعوت اسلام بر پایه عقیده و دین استوار است . از این رو، طرف برخورد آن همواره گروه های دینی بوده و اصل اساسی در آن ، دشمنی و جنگ با شرک و بت پرستی ، و مهربانی و گذشت با دین های دیگر است:

ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء؛ یعنی : خداوند، شرک به او را نمی آموزد، ولی کمتر از آن را به هر کس بخواهد و شایسته بداند می آموزد نساء ۱۱۶، ۴۸.

لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی ؛ یعنی : در قبول دین ، اکراهی نیست ، زیرا، راه درست از راه انحرافی ، روشن شده است بقره ۲۵۶.

با توجه به این آیه ، آشکار می شود که اهل کتاب از یهود و نصاری آزادند بر دین خود باقی بمانند، بدون آنکه مجبور باشند اسلام را بپذیرند. از آغاز هجرت ، همواره دین و دولت با هم در آمیخت ؛ به گونه ای که پذیرفتن دین ، بالضرورۀ به معنای پذیرش دولت نیز بود. این پذیرش ، لازمه شرایط آن روزگار بود، زیرا هر گروه و قومی ، نیازمند پشتیبانی نیروی قدرتمندی بود که

Bia2book.blogfa.com

تنها در دولت خلاصه می شد و اسلام هر گروهی ،، بالضرورۀ به معنای گسترش دولت اسلام بر آنان بود. از این رو، دولت اسلامی مجبور بود سیاست خود را در برابر جوامعی که اسلام را نپذیرفته اند معین کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر سه قبیله یهودی مدینه ، در سال های نخستین هجرت موضع گیری ویژه ای در پیش گرفت . ایشان بنی قینقاع را در نیمه سال دوم و بنی نضیر را در میانه سال سوم تبعید نمود و در سال چهارم بر قریظه دست یافت و کار آنان را به پایان رساند. اما تمامی این برخوردها، نتیجه شرایط ویژه ای بود که به وجود آمد .زیرا پیامبر با سایر یهودیان مدینه و دیگر تجمع های یهودی که در سرزمین های خود در شمال حجاز و جزیرۀ العرب پراکنده بودند، این گونه برخورد نکرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حدیبیه برای دستیابی به مناطق شمال حجاز و مناطقی که در اطراف سرزمین شام واقع بود، سعی و کوشش فراوانی به خرج داد. به همین منظور حملات متعددی به این مناطق نمود تا این که بتواند تسلط خویش را بر این مناطق که امنیت حرکت بازرگانی مسلمانان و تزلزل حرکت تجارتی مشرکین را به همراه داشت ، گسترش دهد. حضرت در این حملات ، با گروه هایی که یهودی و یا مسیحی بودند، نیز برخورد نمود؛ اما هیچ گاه دین اسلام را بر ساکنین آن مناطق تحمیل نکرد و اگر چه تعدادی از این قبایل و سران آنها اسلام آورند، اما تعداد بسیاری از آنان ، هم چنان بر دین خود باقی مانده و به آغوش اسلام در نیامدند. منابعی که به نامه های نوشته شده از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخته اند، به سه نامه

Bia2book.blogfa.com

ایشان توجه ویژه ای نموده اند. نخست ، نامه به یوحنا بن رویه ، دوم به ساکنین اذرح و سومی به مردمان مقنا.

نامه پیامبر به یوحنابن روبه در مورد ثروتمندان ایلۀ بود. در این نامه ، از آنان خواسته شده بود که یا اسلام آورده یا جزیه بپردازند و در مقابل ، خواسته های اندکی را در برابر حمایت از آنان در برابر هر حقی از عرب ها و عجم ها- به جز حق خدا و رسول او- پذیرفته بود.

حضرت نامه دیگری نیز برای آنها نوشتند که در آن ، به آنها امان داده شده بود و در مقابل ، آنها موظف بودند مسلمانان را از آب منع نکرده و مانع حرکت آنان در راه نشوند.

در نامه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم اذرح نوشتند، در مقابل پرداخت سالیانه مبلغ یکصد دینار در ماه رجب و حمایت از مسلمانان پناه جو، به آنان امان داده شد.

در نامه دیگری که آن حضرت برای بنی جنبه و مردم مقنا نوشت ، در آن به آنها امان داد و ذمه آنان را بر خویش قرار داد و نیز به آنان اجازه داد هر کس را که تمایل دارند. به حکومت خود قرار دهند؛ به شرط آن که یک چهارم محصول خویش از درختان خرما و آنچه که از راه شکار به دست می آوردند و پشم بافته شده به وسیله زنان را، در اختیار مسلمانان قرار دهند.

از این نامه ، یک نسخه نوشته شده به خط عربی و عبری باقی مانده است که در آن توضیحاتی بیش از آن که منابع عربی به آن پرداخته اند، آمده است.

به گفته منابع ، پیامبر صلی الله علیه و آله نامه هایی را برای حارث بن ابی شمر غسانی ، و جبلۀ بن ایهم پادشاه غسان ، و نیز بنی ثعلبه از غسان ، حدس از لخم ، زیاد بن جهور لخمی ، و بنی جعیل از

Bia2book.blogfa.com

بلی [802]فرستاد که سرزمین مسکنی تمامی آنها، در بخش های جنوبی سرزمین شام قرار داشت . این مناطق در کنار مرز حجاز که در سال های پایان حیات پیامبر تحت نفوذ ایشان قرار داشت ، بود. حضرت مشابه این نامه ها را نیز برای منذر بن ساوی [803]، هجر [804]سیبخت حاکم بحرین ، [805]عبد القیس [806]اسبذیان در عمان و بحرین [807]، هوزۀ بن علی [808]حنفی ، ثمامۀ بن اثال [809]، آل جلندی در عمان [810]، ازد دبا [811]و حدان [812]، مردم دما [813]و هم چنین بزرگان یمن و تعدادی از سرشناسان آنان ارسال داشت.

کلیه نامه نگاری های پیامبر صلی الله علیه و آله ، با حاکمان و گروه هایی بود که در اطراف جزیرۀ العرب و در پیوند با دولت اسلام بودند. برخی از آنان تابع دو دولت روم و ایران بودند و هر یک از این دو با شورش های داخلی و ضعف هایی روبه رو بودند که نفوذ آنان بر فرمانروایان و گروه ها از قدرت کافی برخوردار نبود .رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایط آنان را درک نمود و با آنان مکاتبه کرد. آنان نیز با وجود اینکه اسلام را نپذیرفتند، خواسته های ایشان را اجابت کردند.

بدون شک ، این گونه نامه نگاری ها پس از صلح حدیبیه صورت پذیرفت و شاید بعضی از آنها، در سال پایانی حیات پیامبر عملی شده باشد. این نامه نگاری ها، در راستای گفته ایشان بوده که پیمان حدیبیه ، زمینه نشر دعوت اسلام و گسترش دولت آن را فراهم ساخت . هم چنان که گفته ابن اسحاق را تایید می نماید که می گوید :پس از صلح حدیبیه گروه هایی که به اسلام روی آوردند، چندین برابر افرادی بود که پیش از آن به اسلام روی آورده بودند.

Bia2book.blogfa.com

تشکیک کنندگان به نامه هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به پادشاهان کشورهای بزرگ نوشتند، این گونه استدلال کرده اند که : سرزمین های وابسته به پادشاهانی نظیر کسری و هرقل و نجاشی ، در فاصله ای تقریبا دور از دولت اسلام در جزیرۀ العرب قرار داشته است و حاکمان آنان ، در آن روزگار قدرتمندانه بر سرزمین خود حکومت می کرده اند؛ طوری که قدرت آنان موجب پیروزی روم در موته گردید و سبب شد رسول خدا صلی الله علیه و آله از درگیری با آنان در تبوک پرهیز نماید.

نامه نگاری پیامبر با آنان روی گرداندن از دیدگاه واقع بینانه اسلام به شمار نمی رفت . زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله عدم پذیرش اسلام از سوی آنان را مانع از نوشتن نامه برای آنها ندانست و بدین وسیله قدرت و گستردگی دولت و توانایی های خود و اهمیت آن را برای آنان آشکار ساخت تا آنان حساب خاصی برای اسلام و دولت آن بازکرده و به جای ارتباط با رهبرانی خرد و پراکنده ، با رسول خدا صلی الله علیه و آله ارتباط برقرار سازند که تمام آنان را تحت سیطره خود در آورده بود. اگر برخی محققین بتوانند درباره این نامه ها تشکیک کنند، نمی توانند درباره بی نتیجه بودن اصل آن سخن بگویند؛ زیرا نامه پیامبر به مقوقس موجب شد که نامبرده ماریه را به ایشان تقدیم نماید که ابراهیم را برای رسول خدا به دنیا آورد و در سال دهم ، در حالی که تقریبا دو سال از عمر او سپری شده بود، در گذشت . این مطلب هم چنین نشان می دهد که نامه نگاری پیامبر پیش از سال هشتم بوده است . در مورد نامه ای هم که حضرت برای نجاشی ارسال نمود و در آن توصیه کرد با مسلمانی که نزد او هستند خوش رفتاری کند، عملا این خواسته به وقوع

Bia2book.blogfa.com

پیوست.

فصل بیستم : گسترش اسلام در شمال حجاز

اهمیت سرزمین شمال حجاز

منطقه ای در شمال مدینه و در فاصله میان آن و سرزمین شام قرار دارد که شامل پستی و بلندی ها و ارتفاعات زیادی است . این بخش منطقه ای است صحرایی و ناهموار، که غیر از برخی آبادی های حاصلخیز در خیبر و فدک و دشت قری ، در آن روزگار از آب و چراگاه بی بهره بود و جمعیت اندکی در آن زندگی می کردند. راه تجارتی میان حجاز و سرزمین شام از میان این منطقه عبور می کرد. عشایر این منطقه ، در کمال سادگی و بدویت زندگی می کردند. آنان دارای شرایط اقتصادی پستی بودند و با توجه به دوری از مکه ، ارتباط قدرتمندی با قریش نداشتند. مشهورترین این قبایل : بلی ، عذره ، ثعلبه ، مره اشجع و جهینه بودند و در اطراف شرقی آن ، منطقه مسکونی غطفان و شاخه های آن فزاره ، عبس ، ذبیان ، اسد واقع بود.

اشجع در میان آنان ، نزدیک ترین قبیله به مدینه بودند که منطقه مسکونی آنان در اطراف شمال مدینه تا میانه راه تیماء قرار داشت . بالاترین و بیشترین مردمان فدک را نیز اینان تشکیل داده بودند. در مجاورت آنان ، از سمت غرب جهینه و در شرق عبس و ذبیان قرار داشتند. در بعضی از قسمت ها، خانه های آنان یکدیگر تداخل نموده و مشترک بود. در شمال سکونت گاه اشجع ، سرزمین عذره قرار داشت که یکی از بزرگ ترین عشایر این منطقه به شمار می آمد .آنان دارای بیشترین جمعیت و از شرافت والایی برخوردار بودند .رزاح برادر قصی لامه از آنان بود و خانه

Bia2book.blogfa.com

های عذره در میان آنان قرار داشت . خانه های آنان به اطراف سرزمین شام و به سوی حسمی و تبوک و دشت قری گسترش یافته بود. بخشی از منطقه مسکونی آنان نیز از راه میان مدینه و تیماء می گذشت[814] .

در شمال سکونت گاه عذره ، منطقه سعد بن هذیم بود و دشت قری و حجر و جناب و سرزمین های بالاتر از آن را [815]را شامل می شد.

در مناطق شمال شرقی مدینه ، منطقه مسکونی بنی مره قرار داشت که از مناطق آن می توان از حره لیلی ، حره نار [816]و حجر [817]یاد کرد.

در جنوب بنی مره ، منطقه مسکونی غطفان قرار داشت که از غرب تا خیبر و کوه طی [818]ادامه می یافت . در اطراف جنوبی منطقه مسکونی غطفان ، دشت رمه قرار داشت که طولانی بود و جزیرۀ العرب را از شرق به غرب قطع می ساخت . این دشت ، از اطراف بصره آغاز و به اطراف حجاز ختم می شد و در این فاصله ، از منطقه مسکونی بنی سعد بن زید مناۀ عبور می کرد که به دهناء معروف بود. این دشت ، سپس از منطقه مسکونی بنی اسد عبور می کرد که به منعج معروف بود. سپس از سرزمین غطفان می گذاشت که به رمه مشهور بود و در بالای آن بنی کلاب ، در [819]میانه آن عبس و دیگرانی از غطفان و در پایین آن بنی اسد [820]زندگی می کردند که ثلبوت و سربه [821]از آن آنها بود.

غطفان از تعدادی عشیره های بزرگ تشکیل می شد که مشهورترین آنان فزاره و عبس بود. معروف ترین منطقه مسکونی فزاره در ابان الابیض و ابان الاسود بود. این دو، نام دو کوه است که

Bia2book.blogfa.com

از میان آنها دشت رمه عبور می کرد [822] .و در شرق آنها حاجز قرار داشت . منطقه مسکونی فزاره به سوی حمی ضریه گسترش می یافت که آنان یازده میل و جریب از آن را تملک داشتند . [823]

در اطراف بخش جنوب شرقی منطقه فزاره ، خانه های عبس قرار داشت که میان ابانین و نقره و ماوان و ربذه [824]بودند و یکی از خانه های آنان که در نزدیکی رمه قرار داشت قطن بود .این منطقه کوه ململم است که از پشت آن چشمه های زیادی جریان داشت و میان رمه و منطقه بنی اسد، نیز نخلستان ها و آب های فراوانی دیده می شد. این کوه در شمال تیاسان واقع بود که در نزدیکی آن دشت خو، که به ذی العشیره کشیده شده و در نهایت به رمه وارد می شد، قرار داشت .

از خانه های عبس به اکمهٔ الخیمه می توان اشاره نمود که در شمال ابانین و در میانه رمه قرار داشت . منطقه عبس تا اطراف حمی الربذه [825]امتداد می یافت و ثادق نیز از آن آنان بود. منطقه مسکونی بنی اسد در شرق منطقه مسکونی فزاره و عبس قرار داشت . دشت رقه که در آن منطقه معروف به منعج [826]بود، از میان آن منطقه عبور کرد. هم چنین ثادق نیز که دشتی پهناور بود و در رمه گسترش می یافت ، از منطقه آنان عبور می کرد. بالای این منطقه ، از آن شاخه های بنی اسد بود و پایین آن را عبس [827]در دست داشتند. منطقه مسکونی بنی اسد تا سمیراء [828]امتداد داشت و یکی از ایستگاه های راه حاجیان به شمار می آمد. منطقه آنان سرانجام به دیار طی [829]می پیوست.

Bia2book.blogfa.com

در جنوب بنی اسد، منطقه مسکونی محارب در کنار جریب قرار داشت که دشتی بود که در رمه سرازیر شده بود. در میان آنها، شربه قرار داشت که در انتهای جنوبی آن حزیز بود و که جریان آبی از سمت چپ سمیراء [830] می گذشت . منطقه آنان تا معدن نقره امتداد داشت.

در جنوب غربی منطقه مسکونی بنی اسد، خانه های بنی سلیم قرار داشت که تا سرزمین های گسترده ای امتداد می یافت که خاستگاه بنی سلیم و فران بود.

هیچ یک از این قبایل ، اسلام را نپذیرفتند و رابطه ای با پیامبر صلی الله علیه و آله برقرار نکردند؛آنها حتی به حمله هایی علیه مدینه دست زدند.

برخی از آنان در جنگ خندق به یاری قریش برخاستند و با این که در آن محاصره از خود استقامت نشان داده و در استراتژی جنگی خود با قریش همبستگی داشتند، فعالیت چشم گیری ننمودند. آنان عاقبت به همراه قریش ، عقب نشینی کرده و به منطقه خویش بازگشتند، اما هم چنان دشمن رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی ماندند.

این رفتارها، رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر آن داشت که حمله هایی را علیه آنها انجام دهد تا بتواند از تجاوز این قبایل به مدینه جلوگیری نماید. پیامبر حرکت خویش را از سال سوم آغاز نمود. ایشان سه حمله پی در پی به ذی امر و علیه ثعلبه و محارب که قصد جنگ با مسلمانان را داشتند، نمود. سپس به ذی قرده ، و بعد به قطن که در آن هنگام طلحه و برادرش سلمه نیروهایی از بنی اسد را برای شبیخون زدن بر مسلمانان ، جمع آوری می کردند، لشگر کشی نمود. پس از پایان جنگ خندق و پاکسازی مدینه از بنی قریظه ، پیامبر صلی الله علیه و آله سریه ای را علیه

Bia2book.blogfa.com

بنی اسد و دو سریه را علیه بنی ثعلبه اعزام نمود و بعد از حدیبیه ، سریه دیگری را علیه غطفان در یمن و جبار انجام داد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای به پیوند دادن این منطقه با اسلام و ورود آن به دولت اسلام تلاش زیادی می کرد. این تلاش به عواملی مثل ضعف نفوذ قریش در این منطقه که خود سوی دیگر، سرزمین این عشایر، گذرگاه عبور کاروان های تجاری به سوی شام بود. سیره نگاران اشاره ای به حمله پیامبر صلی الله علیه و آله به کاروان های قریش در این مناطق نکرده اند و این خود گواهی بر این است که هدف اساسی پیامبر از حمله به این عشایر، گسترش دولت اسلام و آماده سازی حرکت تجاری مسلمانان که پس از هجرت در مدینه آغاز به رشد نموده بود، بوده است.

اشاره های فراوانی به گسترش فعالیت بازرگانی در مدینه پس از هجرت شده است [831] . قرآن کریم نیز در برخی آیات به آن اشاره دارد:

یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون ... فاذا قضیت الصلاة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید! و هنگامی که نماز پایان گرفت شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید.

و اذا راوا تجارة او لهوا انفضوا الیها و ترکوک قائما قل ما عندالله خیر من اللهر و من التجارة و الله

Bia2book.blogfa.com

خیر الرازقین ؛ یعنی : هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند، بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی دهندگان است)جمعه ۱۱-۹.(

رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلاة و ایتاءالزکاة یخافون یوما تتقلب فیه القلوب و الابصار، لیجزیهم الله احسن ما عملوا و یزیدهم من فضله و الله یرزق من یشاء بغیر حساب ؛ یعنی مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند. آنها از روزی می ترسند که در آن ، دل ها و چشم ها زیر و رو می شود. آنها به سراغ این کارها می روند تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده اند پاداش دهد و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید، و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد و از مواهب بی انتهای خویش بهره مند می سازد نور ۳۸-۳۷[832] .

بدون شک در میان مهاجرین افرادی بودند که هنگامی که در مکه زندگی می کردند، دارای آگاهی های گسترده ای در زمینه تجارت و بازرگانی بودند. این افراد، آگاهی های خویش در این زمینه را در مدینه به کار گرفته و شروع به کار بازرگانی نمودند. از این رو، کار انصار را که در کشاورزی مشغول بودند، تکمیل می کردند. روایت شده است که رسول خدا ص فرمودند :یاران من از مهاجرین ، با معامله در بازار خود را مشغول کرده بودند و یاران من از انصار، با کار بر روی زمین های خویش خود را به کار واداشته بودند [833] .بدون شک ، مسلمانان از ممنوعیت و حرمت ربا که ضربه مستقیمی بر استثمار یهودیان عرب در معاملات تجارتی آنان بود، استفاده کرده و از

Bia2book.blogfa.com

آن پس ، خود به تنهایی به انجام داد و ستدهای تجارتی و انجام خرید و فروش بدون ربا، که بر پایه های انسانی استوار شود بود، دست می زدند.

همبستگی میان مسلمانان در این باره ، عامل مهمی بود که معاملات میان مسلمانان رونق گیرد و آنان را از معامله به یهودیان باز دارد.

جنب و جوشی که اسلام در مدینه جایگزین رکود و گوشه گیری نموده بود نیز بر رشد فعالیت بازرگانی تاثیر می گذاشت.

تعیین نمودار رشد اقتصادی و بازرگانی مدینه پس از هجرت ، بسیار مشکل به نظر می رسد؛ زیرا با وجود اهمیت آن ، آگاهی های اندکی از آن در دست است . گفته می شود عبدالرحمن بن عوف یاری انصاری برادر خوانده خود را نپذیرفت و خود به تنهایی به فعالیت بازرگانی پرداخت و در نتیجه به چنان سودی دست یافت که با پشتوانه آن ، توانست زندگی خویش را هموار سازد[834] .

در تفسیر آیه : یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذرو البیع ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش ها را رها کنید جمعه ۹، می گوید :حسین بن فضل گفت که هفت کاروان از بصری و بعضی از قلمروهای یهود قریظه در یک روز وارد گردید که در آنها انواعی از فرآورده ها و گیاهان خوشبو و جواهرات و محصولات دریایی قرار داشت . مسلمانان گفتند در صورتی که این اموال از آن ما بود، در آن تقوا پیشه کرده و آنها را در راه خدا انفاق می کردیم . پس پروردگار این آیه را نازل نمود[835] .

Bia2book.blogfa.com

حمله های رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمال

پیامبر ص پس از پشت سر گذاشتن مشرکین قریش ، فعالیت های نظامی خویش را در شمال متمرکز نمود. حضرت این کار را از اوایل سال پنجم آغاز نمود. هنگامی که به رسول خدا ص اطلاع داده شد گروهی بسیار در دومۀ الجندل که بخشی از اطراف شام به شمار می آید گرد آمده و بر شتر بانانی که قصد آمدن به مدینه را دارند و از میان آنان عبور می کنند ظلم و تعدی می نمایند. پیامبر در میان مردم ندای جنگ داد و پنج شب گذشته از ربیع الاول ، در میان هزار نفر از مسلمانان از مدینه خارج شد. هنگامی که سپاه اسلام به نزدیکی آنان رسید همگی پنهان شدند؛ اما آثار شتران و گوسفندان آنان آشکار بود. پس مسلمانان به چهار پایان و چوپانان آنها حمله بردند و تعدادی از به چنگ آوردند و تعدادی نیز از هر سو گریختند. خبر این حمله ، به مردمان دومۀ الجندل رسید. همگی پراکنده شدند؛ طوری که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سکونت گاه آنان وارد شد، هیچ یک از آنان در آن دیده شدند. پیامبر چند روز در آنجا اقامت گزید و سپس افراد و گروه هایی را در پی آنها روانه ساخت ، اما آنان نیز دست خالی بازگشتند[836] .

در جمادی الاخر سال ششم ، گروهی از جذامی ها در حسمی به دحیه بن خلیفه کلبی که در راه سفر به سوی پیامبر [837]بود، تعدی نمودند. هنگامی که وی بر پیامبر وارد شد، ایشان را از آن اتفاق آگاه نمود .رسول خدا صلی الله علیه و آله زید بن حارثه را به همراه پانصد مرد، از جمله دحیه ، به سوی آنان روانه ساخت . این گروه بر بنی لخم شبیخون زده و هزار شتر و پنج هزار گوسفند آن را غنیمت گرفته ، یکصد نفر از زنان و کودکان آنان را نیز به سارت در آوردند.

Bia2book.blogfa.com

پیامبر به باز پس دادن غنایم بر طبق قراردادی که پیش از آن با زید بن رفاعه جذامی منعقد ساخته بود، فرمان داد. پیامبر همچنین سپاهی را به فرماندهی عبدالرحمن بن عوف به دومۀ الجندل گسیل داشت . در این هنگام اصبغ بن عمرو کلبی که بزرگ آنان و نصرانی بود، اسلام آورد. به همراه او مردم فراوانی از قوم او اسلام اختیار کردند و گروهی به دادن جزیه رضایت دادند[838] .

در همان ماه ، پیامبر، علی بن ابیطالب (ع) را به سوی بنی سعد بن بکر در فدک گسیل داشت .

در ماه رمضان فزاره بر کاروانی از مسلمانان به فرماندهی زید بن حارثه دست انداخت . هنگامی که زید به مدینه بازگشت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله را آگاه ساخت و پیامبر او را به همراه سپاهی به سوی آنان روانه ساخت . آنان بر بنی سعد حمله برده و ام قرفه [839]را به قتل رساندند.

این حملات ، کوشش پیامبر را در تسلط بر بخش های شمالی حجاز، یعنی مناطقی که کاروان های تجاری مسلمانان مدینه از آن عبور می کرد، آشکار می سازد.

پس از آنکه پیمان صلح حدیبیه منعقد شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه بازگشت ، در مهیا ساختن خود برای حمله به شمال درنگ نکرد و یهودیان ساکن در خیبر و فدک و وادی القری را وادار به تسلیم نمود. البته با ماندن آنان در منطقه خود و کار بر روی زمین های خویش موافقت نمود و آنان نیز متعهد شدند نیمی از محصول کشاورزی سالیانه خویش را در اختیار پیامبر قرار دهند.

در بهار سال هشتم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهی را به سوی ذات اطلاح در پشت وادی القری روانه ساخت . اما در این سریه ، تمامی مردان سپاه به جز یک نفر به قتل رسیدند. سپس

Bia2book.blogfa.com

پیامبر نامه ای به سوی حاکم بصری فرستاد و این فرستاده نیز به قتل رسید. در این هنگام رسول خدا سپاهی را با سه هزار نفر به فرماندهی زید بن حارثه بسیج نمود .نامبرده به معان رسید و سپس به سمت موته پیش روی کرده و در همان پیکار به شهادت رسید و تنها جابکی خالد بن ولید در عقب نشینی ، مسلمانان را از مهلکه نجات داد.

در ماه جمادی همان سال ، پیامبر گروهی را به فرماندهی عمر بن عاص به همراه سیصد مرد و گروهی دیگر که از آنان مدد خواسته بود، روانه ساخت . آنان تا دورترین نقاط سرزمین عذره و بلقین [840] پیشروی کردند.

در رجب سال نهم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله در غزوه تبوک شرکت کردند. به هنگام پیشروی در این غزوه ، ایشان گروهی را به فرماندهی خالد بن ولید به سوی اکیدر بزرگ دومۀ الجندل روانه ساخت.

اشجع

اشجع در جنگ احزاب در صف مشرکین قرار داشت و از آنان ، چهار صد نفر به فرماندهی مسعود بن رخیله [841] در این جنگ شرکت داشتند.

از میان آنان ، نعیم بن مسعود به هنگام محاصره مدینه اسلام آورد. وی در راه گستن پیمان مشرکین [842] تلاش زیادی نمود.

پس از پایان جنگ ، اشجع به همراه یکصد نفر که در راس آنان مسعود بن رخیله بود، به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و در شعب سلع فرود آمدند. پیامبر به سوی آنان رفته و

Bia2book.blogfa.com

بارهایی از خرما را به ایشان هدیه کرد. آنان گفتند: ای محمد ما کسی را از قوم خود نمی دانیم که خانه او از خانه تو به ما نزدیک تر باشد، و نفرات آنان از ما کمتر؛ ما از جنگ با تو و جنگ قوم تو به ستوه آمده ایم . پس به سوی تو آمده ایم که پیمان ببندیم .رسول خدا نیز با آنان پیمان بست ...آنان هفتصد نفر بودند که بعدها اسلام آوردند[843] .

ابن سعد می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله نامه ای به نعیم بن مسعود بن رخیله نوشته و در آن با او پیمان دوستی و پشتیبانی تا آخرین نفر و تا آخرین نفس منعقد نمود [844] .گفته می شود که این آیه درباره آنان نازل گردید :او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقاتلوکم او یقاتلوا قرمهم ؛ یعنی : یا آنها که به سوی شما می آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده اند؛ نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود نساء .9

سمهودی می گوید: آنان به هنگامی که به مدینه آمدند در شعب خود فرود آمدند [845] .راهنمای مسلمانان در جنگ خیبر نیز، مردی از [846]اشجع بود. آنان در پیکار خیبر شرکت کرده و مردی از میان آنان نیز به شهادت رسید[847] .

سیصد نفر از آنها در فتح مکه شرکت کردند و دارای پرچمی بودند که به وسیله عوف بن مالک حمل می شد. فرمانده آنان در این پیکار، معقل بن سنان بود[848] .

بنی مره

خانه های بنی مره در فدک قرار داشت . آنان هنگام محاصره ساکنین خیبر از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله ، برای یاری آنان به عینیهٔ بن حصن پیوستند .رسول خدا صلی الله علیه و آله

Bia2book.blogfa.com

پس از پیروزی بر خیبر، سپاهی را که شامل سی نفر بود، به سوی آنان روانه ساخت که در آن سریه ، فرمانده آنان به قتل رسید. پیامبر سپس حمله دیگری به آنها نمود که منجر به پیروزی شد و آنان را وادار به تسلیم نمود. سپس همگی آنها به اسلام پیوستند .ابن سعد می گوید :نمایندگان مره پس از بازگشت پیامبر از تبوک در سال نهم ، بر ایشان وارد شده و اسلام خویش را اظهار داشتند[849] .

بنی عذره

بنی عذره به علت دوری خانه هایشان از مدینه ، از ارتباط و تماس زیادی با اسلام برخوردار نبودند. مسلمانان نیز در سال های نخستین برای جلب آنان به سوی خود دست به کاری نزدند؛ اما افزایش فعالیت بازرگانی مسلمانان و حرکت کاروان ها از منطقه آنان ، موجب افزایش تماس آنان با مسلمانان شد[850] .آنان موضع گیری خصمانه ای در برابر اسلام نداشتند .ابن سعد می گوید :ضمرة بن نعمان بزرگ عذره به شمار می آمد. او نخستین فرد از اهل حجاز بود که زکات عذره را تقدیم پیامبر صلی الله علیه و آله زمینی را در وادی القری به او بخشید[851] .او هم چنین می گوید که نمایندگان عذره در سال نهم خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند .[852]

عبس

ابن سعد روایت می کند که تعدادی از مردان عبس به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و به ایشان عرض کردند :قاریان قرآن از قوم ما بر ما وارد شده و به ما اطلاع دادند که اسلام بدون

Bia2book.blogfa.com

هجرت ، مورد قبول نیست . ما اموال و چهارپایانی داریم که با آن زندگی خویش را می گذرانیم و اگر اسلام بدون مهاجرت درست نباشد، آنها را فروخته و مهاجرت می کنیم . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: تقوا پیشه کنید در هر کجا که هستید. گناهی بر شما نخواهد بود، گر چه در ضمد [853]باشید[854] .

در سال دهم ، نمایندگانی از عبس به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و اسلام خویش را مجددا اعلام نمودند[855] .

اسد

اسد از قبایل بزرگ و با طی و غطفان هم پیمان بود. هنگامی که عینیهٔ بن حصن آن پیمان را نقض نمود، اسد هم چنان با عینیه در ارتباط باقی ماند. از این رو، موضع گیری خصمانه ای در برابر اسلام داشت و درجنگ خندق به فرماندهی رییس خود طلحه ، در صف مشرکین قرار گرفت ؛ [856]اما پس از آن ، به حرکتی بر ضد اسلام دست نزد.

در منابع به نام هیچ یک از مردان آنان که اسلام آورده باشند، اشاره ای نرفته است ، مگر در اوایل سال نهم ، که ابن سعد می گوید ده نفر از گروه بنی اسد بن خزیمه بر پیامبر وارد شدند [857].وی هم چنین می گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله قطعه ای زمین را به حصین بن نضلهٔ اسدی بخشید؛ [858]اما به تاریخ آن اشاره ای نمی کند .اسد به علت نفوذ رییس آن طلحه هم چنان بر شرک باقی ماندند و خود او در دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله ادعای پیامبری نمود. او همچنان دشمن دولت اسلام باقی ماند تا این که در پیکار بزاخه به وسیله خالد بن ولید شکست

Bia2book.blogfa.com

خورد و نابود گردید.

محارب

محاربیان در سال های نخستین ، موضعگیری خصمانه ای نسبت به اسلام داشتند. آنان قصد داشتند با پیامبر در ذی القصد که در حدود ۳۰ مایلی مدینه قرار داشت ، پیکار کرده و بر گله ها و چهارپایان مسلمانان دست یابند .رسول خدا صلی الله علیه و آله در نیمه های سال ششم ، حمله به آنان را ترتیب داد و با یورش به آنها، همه را متواری گرداند.

پیامبر حمله دیگری را نیز علیه آنان در قرطاء انجام داد که به کسب غنیمت های فراوانی منجر شد .ابن سعد می گوید :نمایندگان محارب در حجة الوداع [859] به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند.

غطفان و فزاره

غطفان از بزرگترین قبایل در شمال حجاز به شمار می آمد. این قبیله ، بیشترین تماس را با دولت اسلام در مدینه داشت . از مشهورترین عشایر آنها فزاره است که رهبری آنها را عینیة بن حصن به عهده داشت . لشکر عینیه از سپاهیان جنگ احزاب در خندق به شمار می آمد و در نزدیکی احد اردو زده بود[860] .

آنان به چراگاه های مسلمانان در غابه شبیخون زدند. در ماه سی و پنجم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی را برای پیکار با غطفان [861] به ذی امر روانه ساختند.

فزاره ، هم پیمان یهودیان خیبر به شمار می آمدند [862] و هنگامی که یهودیان خیبر آگاهی یافتند

Bia2book.blogfa.com

که پیامبر با آنان پیکار خواهد کرد، کنانهٔ بن ابی الحقیق و هوذهٔ بن قیس را به سوی آنها فرستاده و در برابر محصول یک سال خیبر، [863]آنان را به یاری و پشتیبانی از خود فرا خواندند. در پی این دعوت ، عینیه به همراه چهار هزار نفر به سوی آنان حرکت کرده و وارد دو قلعه نطات و ناعم شدند و سپس از پیکار عقب نشینی کردند[864] .

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فتح مکه حرکت کرد، عینیه [865]به سپاه اسلام پیوست و به همراه مسلمانان در جنگ حنین شرکت نمود .[866]او در میان مؤ لفه قلوبهم [867]قرار داشت و قوم او نیز اسلام آوردند[868] .

بعدها رسول خدا او را برای پیکار با بنی تمیم روانه ساخت که بر آنان پیروز گردید[869].

ابن سعد می گوید :خارجهٔ بن حصن پس از جنگ تبوک در سال نهم به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و اظهار به اسلام نمود.

سپس فزاره مرتد شدند و به طلحه که مجددا با غطفان پیمان بسته و در دوران رسول خدا مرتد گردیدند، پیوستند.

عبس

عبس هیچ گونه ارتباط و تماسی با اسلام در سالهای اولیه نداشت . شاید عامل این امر، دوری منطقه مسکونی آنان از مدینه بود.

ابن سعد می گوید: نه نفر از وابستگان بنی عبس بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند. آنان از مهاجرین نخستین به شمار می آمدند .از میان آنان میسرهٔ بن مسروق ، حارث ابن ربیع که کامل

Bia2book.blogfa.com

نام داشت ، قنان بن دارم ، بشر بن حارث بن عباده ، هدم ابن مسعده ، سباع بن زید، ابو حصن بن لقمان ، عبد الله بن مالک و قررة بن حصن بن فضاله ، را می توان نام برد که همگی اسلام آورده و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنان دعای خیر فرمودند.

هم چنین از واقدی روایت شده است که : به آگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانیده شد که کاروانی قریشی از شام بیرون آمده است . ایشان بنی عبس را در سریه ای به آن سو روانه ساخته و فرمانده ای را بر آنان قرار داد.

وی هم چنین می گوید که گروهی از آنان اسلام آوردند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصی را برای آموزش اسلام به سوی آنان روانه کرد. به آنان خبر رسانیده شد که هر شخصی هجرت نکند مسلمان نیست ، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله ماندن ایشان در منطقه خود را بر آنان روا دانست و اسلام ایشان را پذیرفت [870] . این مطلب گواه آن است که اسلام پیش از حدیبیه ، در میان آنان وارد شده بوده ، زیرا در آن هنگام شرط هجرت هم چنان استوار و موضع گیری پیامبر نسبت به قریش خصمانه بود.

فصل بیست و یکم :

ورود نمایندگان و گسترش اسلام در جزیرة العرب

فتح مکه جایگاه ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در جزیره عرب استوار ساخت . از آن پس ، ورود نمایندگان به حضور ایشان ، پس از مراجعت به مدینه افزایش یافت ؛ طوری که سال نهم هجری را عام الوفود و یا سال هیات ها نامیدند.

Bia2book.blogfa.com

در حقیقت ، با وجود آن که بیعت در اسلام بر اساس فرد پایه گذاری شده بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله از آغاز پیمان عقبه ، بیعت نمایندگان را به این دلیل که بیعت آنان به عنوان نمایندگانی از عشایر شان بود، می پذیرفتند .ابن هشام ، ابن سعد ، طبری و ابن شبه ، هر کدام بخش ویژه ای را به نمایندگانی که به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و اسلام خویش را به نیابت از خود عشیره خود اعلام نمودند [871] .اختصاص داده اند. آنان تاریخ ورود بیشتر آنها را تعیین کرده اند. از آنچه آمده ، آشکار می شود که اشجع ، مزینه ، سعد بن بکر نمایندگان خود را در سال پنجم ، پس از جنگ خندق به حضور پیامبر روانه ساخته اند. اما سلیم نمایندگان خویش را در سال هشتم و هنگامی که پیامبر در راه فتح مکه بود، نزد ایشان گسیل داشته اند.

در سال نهم ، یعنی پس از فتح مکه ، نمایندگان اسد، فزاره ، مره ، ثعلبه ، تمیم ، کلاب ، قشیر ، بکاء، کنانه ، ثقیف ، و بهرء به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و در سال دهم ، نمایندگان محارب و عقیل بر ایشان وارد شدند. از نمایندگانی که پس از فتح مکه ، بدون آن که تاریخ ورود آنان تعیین شود، آمدند، می توان به نمایندگان محارب ، عبس ، هلال ، عامربن صعصعه ، جعده ، باهله ، طی ء ، جذام ، حنیفه ، بکر بن وائل و تغلب اشاره نمود.

به گفته منابع ، بعضی نمایندگان ، از سوی عشایر خود و به نمایندگی از آنان فرستاده شدند. ابن سعد گفته است که بنی سعد بن بکر در رجب سال پنجم ، ضمام بن ثعلبه را به سوی پیامبر روانه ساختند. او مسلمان به نزد قوم خویش بازگشت و در آن روز، هیچ یک از مردان و زنان برای

Bia2book.blogfa.com

خوش آمدگویی نزد وی نیامدند، مگر این که مسلمان شدند. آنان مساجد خویش را بر پا ساخته و بانگ اذان در میان آنان برخاست [872] . وی هم چنین گفته است که نمایندگان ثعلبه پس از بازگشت پیامبر از طائف ، به حضور ایشان رسیدند. آنان چهار نفر بودند و به حضرت عرض کردند :ما فرستادگان قوم خود هستیم . ما و آنان همگی اقرار به اسلام داریم .

هم چنین گفته است که نمایندگان محارب که شامل ده نفر بودند، در سال نهم به حضور پیامبر رسیدند .آنان اسلام آورده و گفتند ما نماینده ای از سوی بازماندگان هستیم [873] .در منابع اشاره ای به نمایندگی برخی از هیات ها از سوی عشایر شان نشده است . از جمله عمرو بن مالک کلابی است که به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و اسلام آورد و سپس نزد قوم خویش بازگشته و آنان را به اسلام دعوت نمود؛ اما در پیوستن آنها به اسلام موفقیتی به دست نیاورد [874] .از این گروه ، هیات بنی عقیل نیز قابل ذکر است که بیعت کرده و اسلام آوردند، و بر کسانی که از قوم او پس از آن اسلام می آورند، نیز به نیابت بیعت نمودند .ضحاک بن سفیان عقیلی نیز به حضور پیامبر رسید و اسلام اختیار کرد. سپس نزد قوم خویش بازگشته و آنان او را اجابت کرده و همگی به اسلام وارد شدند [875] .نیز لقیط بن عامر که از سوی خود و قوم خویش بیعت نمود [876] .مطرف بن کاهن هم پس از فتح به حضور پیامبر رسید و اسلام آورد؛ سپس امان نامه ای برای قوم خود از حضرت دریافت نمود[877] .

عشایر یمن ، نمایندگان خود را از سال هشتم اعزام نمودند. در آن سال ، نمایندگان صداء، خثعم ، نخع و خشین ، به حضور پیامبر رسیدند. سرزمین مسکونی این قبایل ، در اطراف شمالی یمن قرار

Bia2book.blogfa.com

داشت.

در سال دهم ، نمایندگان خولان ، زبید، رها و حمیر، که سرزمین آنها بر روی تپه های میانی یمن قرار داشت وارد شدند. هم چنین نمایندگانی از جعفی ، مراد، غافق ، حارث بن کعب ، همدان ، غس ، کنده و صدف به مدینه وارد شدند که منابع تاریخ ورود آنها را به دقت تعیین نکرده اند. این نمایندگان به صورت مسالمت آمیز و بدون هیچ گونه تهدیدی از سوی پیامبر، آمدند و این مطلب به این دلیل بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال های نهم و دهم ، هیچ حمله نظامی به سمت جنوب نداشت . تعداد افراد نمایندگان به یک اندازه نبود، برخی قبایل تنها یک نفر اعزام می داشت و اسلام می آورد و سپس او به میان عشیره خود بازگشته و آنان را به اسلام دعوت می نمود؛ همانند کاری که رفاعۀ بن زید جذامی انجام داد. وی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و سپس به میان قوم خود بازگشت و آنها را به اسلام دعوت نمود که همگی دعوت او را اجابت کردند [878] .اما تعداد نمایندگان اغلب عشایر، بین دو تا پنج نفر بود . رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه هایی که بیشترین مقدار آن دوازده وقیه [879]از جنس نقره بود و کمترین آنها در حدود پنج وقیه بود، به هیات ها می داد. این مقدار هدیه اندک ، بار سنگین مالی بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله نمی گذاشت ، بلکه نشان و یادبودی از پیامبر به آنان بود. بعضی از نمایندگان ، مانند نمایندگان بنی تمیم به مناظره ادبی و شعری پرداختند و برخی دیگر گفتگوهایی کردند که همانند نمایندگان نجرانیها به بسته شدن پیمان هایی انجامید.

برخی از نمایندگان خواسته های خود را نسبت به شکرت در قدرت به پیامبر می گفتند .از این

Bia2book.blogfa.com

گروه بنی حنیفه بودند که تقسیم مواضع قدرت را میان خود و پیامبر خواستار شدند. از این گروه ، عامر بن طفیل از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال نمود آیا پس از خود، این دو مهم را در اختیار من می گذارید؟ حضرت فرمود: آن نه برای تو خواهد بود و نه برای قوم تو. پس گفت : آیا وبر بادیه نشینان را برای من و مدر شهرنشینان را برای خود قرار می دهید؟ فرمود: خیر، اما فرماندهی اسب سواران را به تو می دهم[880] .

بنابر این آشکار می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این امر اصرار داشته اند که قدرت مرکزی دولت ، یکی باشد. در حقیقت اعلام اسلام از سوی نمایندگان ، اعترافی ضمنی به یگانگی دولت و قدرت مرکزی آن و نماینده آن یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله ، آن هم بدون هیچ گونه قید و شرطی بود.

فهرست طولانی قبایلی که پس از فتح مکه ، یعنی در دو سال آخر حیات پیامبر، نمایندگانی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستادند، آشکار می سازد که این هیات ها از سوی عشایری بوده است که منطقه مسکونی آنان در بخش های شمالی ، شرقی و جنوبی حجاز قرار داشته است ؛ هم چنین عشایر دشت های پس نجد و تعدادی از عشایر شرقی جزیره و نیز عشایر یمن . این مطلب نشان دهنده گستردگی دولت اسلام است که از راه مسالمت آمیز و با پیش قدم شدن هر یک از عشایر، نفوذ خود را در آن گسترش می داد. در آن هنگام ، اسلام نمایندگان ، از نظر عمومی ، نشان دهنده اسلام عشیره آنها بود و منابع به هیچ گونه برخوردی از سوی قبیله در برابر اسلام نمایندگان خود و یا مقاومت در برابر آن اشاره ای ننموده اند. اسلام نشانی بود برای

Bia2book.blogfa.com

ارتباط و پیوستگی آن قبیله به دولت اسلام احترام آنان به نماینده آن دولت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر قبایلی که اسلام آورده بودند، خواسته های سنگین و شرطهای سخت قرار نمی داد. از این رو، عشایر شالوده ، هستی ، سرزمین ، بزرگان و نظم خود را هم چنان محفوظ نگاه می داشتند. هم چنین شهرها و دهکده ها نیز تا آنجا که مخالفتی با اصول اساسی اسلام نداشتند، همانند قبل باقی می ماندند. بنابراین ، نظم کهن و روابط آنها میان عشایر و قبایل و ساکنان دهکده ها و شهرها، هم چنان پایدار بود.

این اصل درباره گروه هایی که در این مجموعه ها زندگی می کردند نیز صادق بود.

اسلام نسب و خویشاوندی را به عنوان رابطی در میان گروه ها محفوظ نگاه داشت و بسیاری از عادات و سنت های اخلاقی رایج میان آنان را همانند محبت به خویشاوندان و نزدیکان ، ارتباط و پایداری ، صله رحم ، رعایت همسایه ، دادرسی به مظلوم ، وفا به عهد و پیمان و احترام به کرم و شجاعت را مورد تایید و ستایش قرار داد.

نشان ها و رفتارهای قبیله ای ، از این پس شروع به تغییر کرد؛ زیرا خواسته های برتری که ناشی از روابط وسیع آن بر پایه عقیده و تفکر اسلامی بود بر آن سایه افکند و موجب پدید آمدن سنت ها و روش های نوینی برای تحقق منافع امت شد که منافع و ارزش های عشیره و یا رئیس آن را در مرتبه پایین تری قرار می داد. از این رو، خدمت در سپاه اسلام ، تنها به معنای اطاعت کورکورانه در جنگ به منظور به دست آوردن خواسته های شخصی روسا یا دست یافتن به اموال و غنیمت ها نبود، بلکه از نظر منافع عمومی جامعه و امت ، واجب به شمار می آمد. انفاق نیز از

Bia2book.blogfa.com

آن پس بر طبق خواسته های شخصی و داوطلبانه نبود؛ بلکه این امر برای تحقق مصلحت عمومی که همگی را در سایه دولتی یگانه با هم مربوط می ساخت ، واجب می شد. این مطلبی بود که در میان بیشتر قبایل حجاز و به ویژه نجد که خود را در زیر سایه لوای اسلام قرار دادند، در حالی که پیش از آن هر یک از آنها خود را مستقل به شمار آورده و حاضر به تسلیم در برابر هیچ قدرتی بالاتر از خود نبود، رخ نمود و ناشی از ایمان آنها به پروردگار یگانه یکتا بود.

پروردگار آسمان ها و زمین که تمامی آنها از آن او بودند و شریکی نداشت . حکومت از آن او بود و مردم همگی به او پناه می آوردند.

امت نیز در میان خود، دارای روابطی گسترده و ویژه ای بود که بر پایه عقیده و تفکر و دیدگاه عمومی اسلام استقرار می یافت . زبان یکسان ، ارزش های مشترک ، عادات و سنت های اخلاقی و مصالح عمومی همگی از عوامل تقویت ارتباط افراد امت به شمار می آمد. این روابط گسترده بود که موجب هم بستگی امت می شد بر روابط محدود قبیله ای چیره شده ، در نهایت افراد را به زیر نفوذ خویش در می آورد و مردم را بر اساس عقیده و هم فکری با یکدیگر جمع می نمود.

افراد امت برادرانی یکسان و برابر بودند؛ هیچ یک بر دیگری برتری نداشت مگر به پرهیزکاری و همگی دارای پاداش و جزا بودند .رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه ، در این باره فرمود :اسلام سنت های جاهلی و فخر فروشی به پدران را از میان برداشت ، زیرا تمامی مردم از آدم بوده و او نیز برخاسته از خاک است [881] .اسلام با پیمان برادری میان تمامی مردم از آدم بوده و او نیز برخاسته از میان برداشت ؛ لا اسلال و لا اغلال یعنی نه قیدی و نه بندی . هم چنین

Bia2book.blogfa.com

مانع از انتقام جویی گردید آگاه باشید که انتقام از هر خونی که در جاهلیت ریخته شده در زیر پای من است .بنابراین ، از این پس حفظ امنیت و پی گیری تجاوز کار و عقوبت او، از وظایف و واجبات دولت به شمار می آمد و افراد به تنهایی نمی توانستند در آن نقشی داشته باشند.

البته ، این مطلب نتوانست مانع از به وجود آمدن تفاوت میان افراد جامعه شود؛ زیرا این تفاوت بر اساس سابقه در اسلام و دوران تماس و همبستگی فرد با پیامبر و موهبت های فردی و طبیعت خدماتی که فرد نسبت به اجتماع و امت ارایه می داد، به وجود آمد.

همبستگی اسلامی جدید، افراد امت را بر اساس عقیده مشترک آنان ، دور یکدیگر جمع کرد و آنان را از بت پرستی و شرک و دیگر معبودهای بشری دور نمود.

اسلام ارتباط مسلمانان را با گذشته فاسد خود ضعیف کرد و سنت پدران پیشین آنان را با دیدگاه جهانی گسترده ای تعویض نمود :فاینما تولوا فثم وجه الله ؛ یعنی : به هر سو رو کنید، خدا آنجا است بقره ۱۱۵.

در وضع جدید، رفتار مردم به تناسب مطابقت آن با ارزش های الهی مورد ارزشیابی قرار می گرفت : ان الله اکرمک عند الله اتقاکم ؛ یعنی : گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست حجرات ۱۳ .از این رو، عقیده و سنت های اخلاقی و رفتار عمومی بود که همبستگی میان افراد امت را به وجود می آورد.

دولت واحد که دارای قدرت مرکزی عمومی بود و گستردگی آن همه را به زیر سایه خویش در آورد بود، موجب گرد هم آمدن امت شد. نفوذ و قدتر این دولت ، چنان بود که اطاعت از آن و

Bia2book.blogfa.com

حرکت در راستای فرامین آن بر همه واجب به شمار می آمد.

پیامبر صلی الله علیه و آله این قدرت را به پشتوانه آیات قرآنی که در آن وجوب اطاعت از پیامبر و اطاعت از اوالامر اوصیای پیامبر را تاکید کرده است ، به اجرا در آورد :اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ؛ یعنی : اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر اوصیای پیامبر را نساء ۵۹.

راهنمایی های نوین ، بر اساس میزان درک افراد و نیز ایمان آنان به آن بود تا بر پایه آن ، رفتار و کردار خویش را نیکو سازند .رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آشکار ساختن این دورنما و استواری آن در دل ها و نشر پندهای اخلاقی و روش های برخورد و رفتار با دیگران ، اهمیت والایی قائل بود. به همین منظور، آموزگارانی را به سوی بسیاری از عشایر که اظهار به اسلام کرده و استعداد خویش را برای پذیرش دستورات و عقاید اسلامی و پندهای اخلاقی او اعلام نموده بودند، روانه می ساخت . این آموزگاران ، به عشایر خواندن قرآن کریم را آموزش داده و اصول اولیه اسلام و تعالیم آن را می آموختند.

بدون شک ، شور و شوق این آموزگاران ، سادگی اصول اسلامی ، شفافیت و واقعیت آنها و نیز ارتباط عمیق آنها به راه و رسم تفکر و پندهای آنان ، موجب گسترش افکار اسلامی شد؛ اما تعداد اندک این آموزگاران و زمان کوتاهی که آنان در میان عشایر گذراندند، موجب شد این عشایر به اندازه کافی به روح اسلام و اصول آن آشنایی پیدا نکنند و به عبارت دیگر، میزان درک این تعالیم ، به حد اشباع نرسد. تعدادی از نویسندگان مسلمان ، به این حقیقت پی برده و یاران و

Bia2book.blogfa.com

صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله را در فهرست خود، بر اساس مدت زمانی که با حضرت بوده اند، طبقه بندی کرده اند. این فهرست از گروهی که از روزهای نخستین اسلام به آن گرویده و تا پایان در رکاب ایشان بودند، آغاز و به افرادی که با پیامبر همراهی کوتاهی داشته اند و یا در دوران حیات پیامبر، زنده بوده اند، پایان می پذیرد[882] .

از آموزگارانی که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به قبایل فرستاده شدند، دو نقل گزارش شده است:

نقل نخست . هنگامی که عصیه ، رعل و ذکوان که از عشایر سلیم به شمار می آیند، اسلام خویش را اعلام نمودند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کردند که افرادی را برای آموزش اسلام به سوی آنان روانه سازد. پس حضرت هفتاد نفر از حافظان قرآن را فرستادند. آنان در روز به سخنرانی پرداخته و در شب به نماز می ایستادند[883] .

نقل دوم . بنی عضل و قاره به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و اسلام اختیار نمودند. سپس به حضرت عرض کردند: به همراه ما شخصی از یاران خود را روانه ساز تا به ما آموزش دین داده و قرآن را به ما بیاموزد و ما را به دستورات اسلامی راهنمایی کند.

پس حضرت ده نفر را به سوی آنان روانه ساخت ؛ اما این دو عشیره به حافظان و فرستادگان پیامبر خیانت کرده و آنان را به قتل رساندند[884] .

گسترش سریع دولت اسلام ، دشواری تماس شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله با همه تازه مسلمانان و کمبود تعداد آموزگاران ، نیاز به زمان داشت تا مردم به عقاید اسلامی خو گرفته از آن

Bia2book.blogfa.com

بی نیاز شوند؛ به ویژه آنکه اعراب معروف به محافظه کاری و پیروی از سنت پدران خویش بودند.

فصل بیست و دوم : تحول نظم اداری در جزیرهٔ العرب

گواه های قرآنی

مسلمانان ، در آن روزگار با شکل های گوناگونی از نظم سیاسی و اداری آشنایی داشتند. قرآن کریم نسبت به شرایط تمدن و نظم ، اشاره های متعددی کرده است که گواه این آشنایی است. در قرآن کریم نام البلد و البلاد تقریبا در بیست آیه ذکر شده است .المدن نیز در پانزده آیه آمده است که سه بار آن ، اختصاص به مدینه منوره دارد .القری به صیغه مفرد و جمع در پنجاه و شش آیه ، و ام القری تنها در یک آیه قصص ۱۵، و در آیه دیگری که مقصود آن مکه است شوری و نیز القریهٔ التی کانت حاضرهٔ البحر اعراف ۱۶۳، و حاضری المسجد الحرام بقره ۱۹۶ یاد شده است .

قرآن کریم نام حاکمان تعدادی از سرزمین ها را نیز ذکر کرده است . از میان آنانی که نام آنها در قرآن آمده است . هم چنین عزیز مصر در چهار آیه از سوره یوسف و ملکه سبا را می توان نام برد. در قرآن به الملک در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام نیز اشاره شده است نحل ۳۳ .ذکر نام طالوت که پروردگار او را به عنوان پادشاهی بر بنی اسرائیل فرستاد و آنان بر این فرستاده اعتراض نمودند، چون از میان آنان نبود، نیز آمده بقره ۲۴۷، ۱۸، و به ملک مصر در دوران حضرت یوسف علیه السلام اشاره شده است یوسف ۴۳، ۵۰، ۵۴ ۷۲ پادشاهان بنی اسراییل ان

Bia2book.blogfa.com

الملوک اذا دخلوا قریهٔ افسدوها؛ و نام ملکه نمل ۲۳ نیز در قرآن آمده است.

از مردم بنی اسراییل هم در آیه : اولوا قوهٔ و اولوا باس شدید؛ یعنی : دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان بودند نمل ۳۳ یاد شده است . هم چنین قرآن کریم اشاره های متعددی به الملک شده به معنای کسی که حکومت گسترده دارد. این کلمه ، بیشتر به ذکر صفات پروردگار متعال اختصاص دارد.

قرآن کریم به هنگام سخن گفتن از تشکیلات سیاسی ، از الملا که در بیست و دو آیه آمده و بیشتر آنها مربوط به بنی اسراییل است ، یاد کرده است . نیز به ذکر النادی برای قوم هود عنکبوت ۲۹ و در مکه علق ۱۷ پرداخته است .قرآن ، هم هم چنین الولایهٔ را در تعداد بی شماری از آیات آورده ، که برخی از آنها شاهدی بر عموم بوده و بعضی دیگر دارای بار سیاسی است و اشاره به تسلط و پشتیبانی دارد. از جمله ، آیاتی وجود دارد که خداوند تبارک و تعالی را ولی المومنین ؛ یعنی : خداوند ولی و سرپرست مومنان است ، معرفی نموده است . در آیات دیگری آمده است که پروردگار و پیامبر او و مومنان سرپرست مسلمانان می باشند.

قرآن در جای دیگری به ذکر تحولات عمیقی که در نتیجه نعمت وجود پیامبران در اجتماع به وجود می آید، اشاره کرده و نام بیست و پنج پیامبر را آورده است . هم هم چنین شرح مفصلی از کارهای تعداد اندکی از این پیامبران ، به ویژه حضرت موسی علیه السلام ، به آن پرداخته است .

قرآن ، هم هم چنین الولایهٔ را در تعداد بی شماری از آیات آورده ، که برخی از آنها شاهدی بر عموم بوده و بعضی دیگر دارای بار سیاسی است و اشاره به تسلط و پشتیبانی دارد. از جمله ، آیاتی

Bia2book.blogfa.com

وجود دارد که خداوند تبارک و تعالی را ولی المومنین ؛ یعنی : خداوند ولی و سرپرست مومنان است ، معرفی نموده است . در آیات دیگری آمده است که پروردگار و پیامبر او و مومنان ، سرپرست مسلمانان می باشند.

قرآن در جای دیگری به ذکر تحولات عمیقی که در نتیجه نعمت وجود پیامبران در اجتماع به وجود می آید، اشاره کرده و نام بیست و پنج پیامبر را آورده است . هم هم چنین شرح مفصلی از کارهای تعداد اندکی از این پیامبران ، به ویژه حضرت موسی ، حضرت عیسی ، حضرت ابراهیم ، حضرت هود و حضرت سلیمان علیه السلام را آورده و به بعضی از رفتارهای سیاسی ای که پیامبران ، به ویژه حضرت موسی علیه السلام ، به آن پرداخته اند اشاره کرده است . البته بیشتر این ها، جنبه هدایت معنوی و توجیه اجتماعی دارد و اشاره به برخورد آنان با ملت ها و برقراری ارتباط با پادشاهان است . قرآن هیچ پیامبری را یاد نکرده است که با تکیه بر پادشاهان به نشر دعوت خود پرداخته باشد و یا اصلاحات خویش را به وسیله آنان پیاده کرده باشد.

وجود این تعابیر در قرآن کریم ، آشکار می سازد که عرب به هنگام ظهور اسلام ، به آن آگاهی هایی داشته است و اگر چه اشارات قرآن به دیگر اقوام - جز قوم عرب - است ، اما آگاهی ما از مقدار اجرا و گسترش آن در جزیرۀ العرب به هنگام ظهور اسلام اندک است.

بادیه نشینان و شهرنشینان

قرآن کریم به هنگام سخن از اعراب ، به گونه ای از آنان یاد کرده است که نشان می دهد آنان با دیگران تفاوت هایی دارند. در بیشتر آیات ، از آنان نکوهش شده و از جمله آمده است الاعراب

Bia2book.blogfa.com

اشد کفرا و نفاقا و اجدر الا یعلموا حدود ما انزل الله ؛ یعنی بادیه نشینان عرب ، کفر و نفاقشان شدیدتر است ، و به نا آگاهی از حدود احکامی که خدا نازل کرده سزاوارترند توبه ۹۷.

در احادیث نبوی ، مکرر به اهل بادیه اشاره شده است . برخی از آنها این گونه اشاره کرده اند که بادیه نشینان ، ویژگی هایی دارند که آنان را از دیگران متمایز می کند [885] !آنان جفا کار هستند [886] .احادیثی نیز وارد شده است که شهادت بادیه نشین در مورد شهرنشین مورد قبول قرار نمی گیرد [887] .در بسیاری از احادیث ، بادیه نشینان در برابر شهرنشینان یاد شده اند[888] .

روایت هایی نیز هست که در آن شهرنشینان را از معامله با بادیه نشینان منع نموده است [889] .

البته ، مقصود، طبیعتا معامله مدت دار بوده است . نام شهرنشینان یا حواضر ، بر اجتماع هایی که در کنار آب های دایمی استقرار داشته اند، اطلاق می شده است . میان شهرنشینان و بادیه نشینان همواره ارتباط برقرار بوده است ، طوری که بسیاری از شهرنشینان ، برای گذران چند روز به سمت بادیه می رفته اند[890] .

منابع نیز به دو گروه متقابل پرداخته اند که عبارت اند از :اهل الوبر یا بادیه نشینان و اهل المدر یا شهرنشینان ، که در قرآن کریم از این دو گروه با این نام ذکری به میان نیامده است . البته نام آنها در تعدادی از احادیث نبوی [891]آمده است . گاهی نیز با نام اهل الحجر و اهل الوبر [892]از آنان یاد شده است . از معنای لغوی این دو کلمه ، آشکار می شود که اهل وبر مردمانی هستند که درون چادرها یعنی بدویان زندگی می کرده ، و اهل حجر کسانی هستند که در ساختمان های ساخته شده زندگی می کرده و استقرار داشته اند.

Bia2book.blogfa.com

تفاوت بدویان ، اعراب و بادیه نشینان از شهرنشینان ، اهل مدر و اهل قری ، تنها به اختلاف در مسکن آنان نبود، بلکه به اختلاف در نظم زندگی و راه های آنان و آنچه به استقرار و جابه جایی آنان مربوط بود، بر می گشت . این دو، گرچه دارای تفاوت های گسترده ای بودند، اما مشترکاتی نیز داشتند .مثلا نظام قبیله ای بر هر دو حاکم بود. و در بسیاری از سنت ها و پندهای اخلاقی و نیز مصالح با یکدیگر اشتراک داشتند و زمینه ارتباط میان آنان ، عمیق بود. از سوی دیگر، امکان استقرار بدویان از میان نرفته بود. هم چنان که احتمال تغییر شهرنشینان به بادیه نشینان نیز وجود داشت . در شرایط دگرگونی کشاورزی و بازرگانی ، این وضعیت ممکن بود به وجود آید؛ بنابر این ، گونه ای تقسیم اجتماعی به شمار می رفت ، اما تغییر ناپذیر نبود. این تقسیم بندی به هنگام ظهور اسلام در جزیرۀ العرب ، آشکار و استوار بود. این صورت اجتماعی ، تاثیر زیادی در نظم سیاسی و اداری داشت . این گونه گروه گرایی همه گیر، به معنای آن نبود که شبه جزیره عرب تنها دو گروه به هم پیوسته و پایدار از بادیه نشینان و شهرنشینان داشته است ؛ بلکه در آن ، مجموعه های قبیله ای بود که هر یک از آنها دارای سکونت گاه خاص خود بوده و هر یک رئیس یا بزرگی داشتند که قدرت و وظایف خویش را بر اساس نظم و سنت های پایدار قبیله اختیار کرده و به اجرا در می آورد. ساکنان زیادی هم در دهکده ها و شهرها بودند که بدون شک ، در بین آنها نظم ویژه ای برقرار بود. در این باره ، اطلاعات و آگاهی های مفصل تری در دست نیست ؛ تنها آگاهی های ما مربوط به مکه و مدینه و طائف است که منابع ، در این زمینه ، تنها به ساکنان آنها اشاره کرده اند و کمتر به نوع مسکن آنها پرداخته اند.

Bia2book.blogfa.com

نظم حکومتی در شبه جزیره عرب

منابع به هنگام ظهور اسلام ، به تسلط برخی حکام بر بعضی از مناطق اشاره کرده اند که هر یک ، تعدادی از عشایر و شهرها را تحت فرمانروایی خود داشته اند. هر یک از آنها، دارای نظام های سیاسی و اداری ویژه ای بوده اند که آن را به اجرا می گذاردند. به آنها ملک ، امیر یا ذوالتاج گفته می شد. نام ملک در یمن و در نزد غسانیان و مناذره متداول بود که در آن هنگام ، حکومت را به طور موروثی از خانواده خود ارث می بردند. به همین علت ، از آنان با نام دولت یاد شده ، زیرا حکومت در انحصار خانواده ای معین و خاص قرار داشت.

کلمه ذوالتاج برای حکامی بود بر منطقه ای وسیع که در آن تعدادی از گروههای عشایری و شهرنشین زندگی می کردند، فرمانروایی داشتند. این حکومت ، معمولا ارثی نبود، اما تاج رمز و نشان حکومت به شمار می آمد. مشهورترین نامی که از دارندگان تاج در هنگام ظهور اسلام یاد شده ، هوذة بن علی حنفی در یمامه و جیفر و عباد در عمان می باشند.

نظام اداری پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه

دولت اسلام در چهار سال نخستین پس از هجرت ، تنها محدود به مدینه بود. در آن هنگام هجرت به مدینه و استقرار در آن ، شرطی بود که بر هر تازه مسلمانی قرار داده می شد .هنگامی که اسلام پس از سال چهارم به سمت عشایر حجازی نزدیک به مدینه گسترش یافت ، پیامبر صلی الله علیه و آله شرط هجرت را از جمعی که اسلام آورده بودند برداشت و به آنان اجازه داد در منطقه مسکونی خویش باقی بمانند و هنگام درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت او را اجابت

Bia2book.blogfa.com

نمایند. پس از این فتح مکه پایان پذیرفت ، دولت اسلام به بیشتر بخش های جزیرۀ العرب گسترش یافت . این توسعه از راه مسالمت آمیز و با رغبت شخصی گرویدگان به آن انجام گرفت . نمایندگان به صورت گروه هایی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و داوطلبانه اسلام خویش را اعلام می نمودند. این شرایط، برقراری نظم خاصی را برای دولت جدید که اهداف و دوام آن را در نظر می گرفت ، نیاز داشت . آن هنگام در پستی بلندی های حجاز، دولتی وجود نداشت که قدرت خویش را به تمامی آن گسترش دهد و مردم را به یگانگی دعوت کرده و کارهای آنان را به نظم در آورد. تنها تعدادی تجمع انسانی به شکل دهکده و شهر و عشیره وجود داشت که بر بیشتر آنها روسایی تسلط داشتند که گستره قدرت هر یک از آنان با یکدیگر متفاوت بود. هر یک از روسایی تسلط داشتند که گستره قدرت هر یک از آنان با یکدیگر متفاوت بود. هر یک از آنان ، در عملکردها و تصرفات خویش از استقلال برخوردار بودند. آنان هر یک به پیکارها و جنگ هایی دست زده و به عقد قرار دادها و وضع قوانین و اجرای حکم قضا بر طبق خواسته ها و رغبت های خویش عمل می کردند و مالیات هایی مطابق با نیازها و منافع خود و توانایی زیردستان و هم پیمانان خود برقرار می نمودند. این شرایط، اقتضا می نمود که نظم خاصی متناسب با شرایط و اوضاع محلی متعددی که در آن هنگام در جزیرۀ العرب حاکم بود، وضع گردد طوری که بتوان مردم آن را به سوی اسلام جذب نمود. این نظم باید به گونه ای می بود که ارتباط آنان را با دولت اسلام استوار و پابرجا نگه دارد و این ، مستلزم وضع مقرراتی بر پایه خواسته و رضایت مردم ، و نه برخاسته از جبر و اکراه بود. از این رو، این گونه تنظیم ها

Bia2book.blogfa.com

با یکدیگر متفاوت بودند، اگر چه همگی دارای هدفی وسیع و یگانه بودند که همان تثبیت دولت اسلام و سربلندی و عزت عقیده و خواسته های آن بود. بنابراین ، نظم اداری از این هدف والا پیروی کرده و آن را دنبال می نمود. از آنجا که شهرها و دهکده ها و گروه های قبیله ای و روسای آنها به اسلام و برتری دولت آن اقرار داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را برقرار داشت و فرمان عزل آنان یا دخالت در جایگاه آنان را نداد. روایت می شود که پیامبر فرمودند :گزینش شما در جاهلیت اختیار شما در اسلام است [893] .

تمامی این مطالب ، گواه آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مجموعه های مسکونی در جزیره را به همراه روسای آنان پایدار نگه داشت و فرمان عزل یا دخالت در جایگاه آنان را، تا وقتی که به اسلام و برتری دولت آن اقرار داشتند، نداد.

نتایج بررسی منابع تاریخی

منبع اساسی بررسی آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در تنظیم اداری و مالی شبه جزیره عرب بیان کرده است ، نامه و نوشته هایی است که از سوی ایشان صادر شده است .محمد حمید الله به جمع آوری این نوشته ها در کتاب الوثائق السیاسیه پرداخته است . او آنها را بر حسب ترتیب شماره گزاری کرده است و ما از این پس ، در بحث خود از آنها پیروی می کنیم.

این نامه ها بیشتر نوشته هایی است که از سوی خلفاء و والیان صدر اسلام صادر شده است . این نامه ها کوتاه و فشرده است و بسیاری از آنها، یک جمله و یا یک حکم بیشتر نیست .روش نوشتاری آنها بسیار ساده و آشکار است و در بسیاری از آنها کلمات غریبی به کار رفته که پس

Bia2book.blogfa.com

از آن ، این گونه سخن غریب است . استفاده از این سخنان غریب ، گواهی بر اصالت آنها است . این نامه ها گوناگون اند. طرف سخن برخی از آنها، افراد و برخی دیگر، مجموعه ها عشایر یا شهرها و بعضی متن هایی طولانی همانند قرارداد نجران است . تمامی آنها بدون تاریخ است و هیچ یک اشاره ای به حوادث هم زمان در آن هنگام ندارد که از این راه بتوان به زمان دقیق صدور آن پی برد. اما به طور کلی می توان گفت که این نامه ها عموما متعلق به سه سال پایانی زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از فتح مکه و هنگامی است که نمایندگان به حضور ایشان رسیده و اسلام خود و عشیره خویش را اعلام می نمودند.

این نامه ها برای افراد و گروه های مختلفی که در جای جای جزیره ساکن بودند، نوشته شده است . از میان تعدادی نامه برای بزرگانی از روسا، حکام یا افرادی که دارای جایگاه و نفوذ مشخصی بودند، ارسال شده است . گروه هایی که نامه به سوی آنان فرستاده شده نیز گوناگون اند. بعضی از آنها، عشایر یا قبایل بدوی مانند چوپانان اند و بعضی نیز گروه های استقرار یافته در مناطق کشاورزی هستند. برخی مربوط به گروه هایی که در مراکز صنعتی و بازرگانی زندگی می کردند، است و برخی مربوط به ساکنان مناطقی است که در آنها نظم سیاسی برقرار بوده است . به ندرت نام افراد در نامه ها آمده است و ترجیحا احکام این نامه ها بر عشایر آن افرادی که نامه برای آنان فرستاده شده ، صادر شده است.

این عشایر شامل همدان ، وازد بنی حارث ، مهد عقیل ، طی ء و اسلم ، است که همگی به جز اسلم ، پس از فتح مکه اسلام آورده اند و منطقه مسکونی آنان نیز از مدینه دور بوده است.

Bia2book.blogfa.com

برجسته ترین مطلبی که در این نامه ها آمده است ، دادن امان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به صاحبان نامه ها داده است . در این نامه ها، در این باره از سه تعبیر استفاده شده است: جوار، امان و ذمه .جوار در نامه ایشان به یوحنا بن روبه از ایله 30، و ربیعۀ بن ذی وهب 131 آمده است ؛ به این شرح : الله و محمد و من معه جار؛ یعنی شما در امان خداوند و محمد و هر کس که همراه او باشد هستید.

کلمه امان این گونه ذکر شده است : امان الله و امان رسوله للاسبذیین ؛ یعنی : شما در امان خداوند و محمد و هر کس که همراه او باشد هستید.

کلمه امان این گونه ذکر شده است : امان الله وامان رسوله للاسبذیین ؛ یعنی : امان پروردگار و امان پیامبر او از آن اسبذیان .66

از این تعبیر، در نامه های بزرگ عبد القیس 172، عمرو بن معبد حرقی 152، نمر بن کوکب عقیلی 233، قنان حارثی 83و زرعه ربعی 151نیز استفاده شده است.

کلمه ذمه برای یهودیان تیماء 19، طهفه و قوم او از بنی نهد 91، به کار رفته است . هم چنین از کلمه ذمۀ الله در نامه احمر بن معاویه 141استفاده شده و از تعبیر ذمۀ الله و ذمۀ محمد در نامه های یوحنا بن روبه ایلی 30، حنا از مقنا 31و حدس از لخم 48استفاده گردیده است . در نامه به غفار 116، حرقه 152، جناده عذری 155، گروه تهامیان 173و جناده ازدی 121نیز از این تعبیر استفاده شده است . سه مورد اول در شمال مدینه ، سه مورد بعدی در میانه حجاز و دو مورد اخیر در اطراف جنوبی حجاز زندگی می کرده اند.

Bia2book.blogfa.com

در قرآن کریم ، کلمه ذمه به همراه الا آمده است توبه ۸، ۱۰ و معنای آن وسیع مقصود از آن پشتیبانی و عدم تجاوز بوده که در آن اعتراف ضمنی به دولت اسلام ، به عنوان دست قدرتمند و والا در برتری و بزرگی است . مطالبی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیشتر نامه های خود آورده ، اقامه نماز و دادن زکات است . این درخواست ها در نامه به لخم ، طی ، عکل ، عبدالقیس ، بنی حارث بن کعب ، ازد، همدان ، و اسلم آمده است . پیامبر صلی الله علیه و آله در خواست یاری و نصرت خویش را، یعنی پشتیبانی از مسلمانان به هنگام برخورد با خطر را از ضمره (159)، غفار (191)و اسلم (165)کرده اند و نیز به آنان وعده دادند که لا یحشرون و لا یشعرون .

ایشان در نامه هایی که برای بنی جعیل از بلی (48)و نهشل بن مالک از باهله ، و یزید بن حمل ازدی (86)، غامد (122)عبد یغوث بن وعله همدانی (84)نوشتند، وعده داده شده که نظام قبیله ای آنان برقرار خواهد ماند. تمامی این افراد، به جز فرد نخستین ، همگی در اطراف شمالی یمن ساکن بوده اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه خود به ثقیف ، وعده داده است که آنان لا یستکرهون ؛ یعنی : وادار به کار ناخواسته ای نخواهند شد و برای بنی جعل از بلی اینگونه نوشته است : له ما لنا و علیه ما علینا (48)؛ یعنی : هر آنچه بر ماست برای آنان هم خواهد بود و برای نهشل بن مالک از این تعبیر استفاده کرده اند :عاملهم من انفسهم ؛ یعنی : سر کرده آنان از میان آنان خواهد بود.

آشکار است که خواسته هایی که در نامه های رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است ، همگی محدود به اسلام و اقرار به پیوستن به دولت آن و قبول حفظ و نگهداری و حمایت از آن به همراه

Bia2book.blogfa.com

باقی گذاردن گروه های قبیله ای و تایید نظم و روسای آنها تا آنجا که مخالفتی با اسلام و دولت آن نداشته باشند، بوده است.

در این میان ، هیچ گونه اشاره ای به فرستادن سرپرستانی بر قبایل و یا قرار دادن نظم ویژه ای از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنها نشده است . پیامبر صلی الله علیه و آله تنها در سال نهم ، تعدادی را برای جمع آوری صدقات زکات از عشایری که سرزمین مسکونی آنان در حجاز واقع بود، روانه ساختند .این مطلبی است که در فصل بعدی از آن سخن خواهیم گفت.

روشن است که این تنظیم ها، که استقرار را مورد هدف خویش داشت ، مرحله ای بود؛ زیرا پذیرفتن اسلام و پیوستن به دولت آن ، موجب می شد دستوراتی را که دولت و قدرت مرکزی صادر می نمود، قبول نمایند؛ زیرا اطاعت از پروردگار و پیامبر، فریضه ای دینی به شمار می آمد و به حکم قرآن ، همبسته به اسلام بود. در صورتی که در این مرحله آغازین ، تمرکز بر اقرار نسبت به برتری دولت و تامین صلح و آرامش باشد، این احکام ، زمینه ورود تحولات بعدی را که قدرت مرکزی صادر کرده و در آن مصلحت عمومی را، بدون آن که محدود به مصالح محلی متعدد باشد در نظر گرفته است ، به وجود می آورد.

هم چنین ، این احکام در مسیر راهنمایی اصول اساسی اسلام گام برداشته و به مصالح شخصی و یا محدودی که در آن خود پسندی و خود خواهی آشکار می شود، توجهی نمی کند.

فصل بیست و سوم : نظم مالی

1-هزینه ها و در آمدها

Bia2book.blogfa.com

نیازهای زندگی

طبیعت نظام سیاسی ، نیاز به هزینه هایی دارد که در راه افراد و نیازهای عمومی آنان خرج شود تا بتواند به حفظ، رشد و به ثمر رسیدن آن کمک کند.

از این رو، از آغاز مراحل نخستین ظهور اسلام ، نیاز به انفاق مال آشکار گردید. جامعه مسلمانان در آن هنگام بسیار اندک و تعداد افراد آن محدود بود و اغلب آنها دارای در آمدهای خاصی بودند که تنها برای زندگی و رفع نیازهای مادی آنها کافی بود. منظور اساسی از دعوت اسلامی ، فکری و اخلاقی بود و هدف آن گسترش عقیده و برقراری روابط اخلاقی نیکو و پسندیده در جامعه ، به عنوان ضامن اجتماعی سالم برای فرد و جمعیت ها بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در گسترش دعوت خویش ، هیچ گونه وعده مالی نداد و تنها بر شرح دادن و جلب رضایت مردم تکیه داشت . اما با تمام این خصوصیات ، از انفاق رفع نیاز نمی شد. این حقیقت در آیات بسیاری که در اوایل ظهور اسلام نازل گردید، متجلی است ؛ زیرا همه آنها تاکید بر نیکوکاری و خیرات و انفاق داشته و آن را فریضه ای دینی و اساسی قلمداد می کردند که انجام آن بر تمامی افراد جامعه اسلامی واجب است . این آیات ، مقدار و حدود انفاق را تعیین نکرده است و آن را بسته به توانایی های شخصی هر فرد دانسته ، بدون آن که نیازی باشد که آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم دارد. بنابراین ، انفاق مالیات عمومی نبود که از سوی رئیس جامعه دریافت شود، بلکه فریضه ای دینی بود که بر هر فرد جامعه واجب شده بود.

پس از هجرت به مدینه ، نیاز به انفاق به دلیل عوامل متعددی افزایش یافت . از آن میان ، بیشتر

Bia2book.blogfa.com

مهاجرینی که به مدینه وارد شدند .هیچ گونه ثروتی را با خود همراه نداشتند که از راه آن زندگی کنند. آنها زمینی نیز در اختیار نداشتند که از درآمد آن ، زندگی خویش را بگذرانند، جامعه اسلامی با پیوستن مردم مدینه و جز اینها به آن ، پی در پی در حال گسترش بود و همان طور که در فصل پیشین یاد کردیم ، جامعه مدینه بر پایه کشاورزی استوار بود و اساس آن بر پایه مالکیت فردی پا برجا بود. سطح زندگی افراد بسیار پایین و در آمد آنان چنان زیاد نبود و بدون شک ، در آن افرادی بودند که با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم می کردند. از سوی دیگر، جامعه مسلمانان به علت پیوستن افراد خارج از مدینه به آن ، پی در پی در حال توسعه بود. آنان مجبور بودند در مدینه اقامت کرده و وسایل زندگی خویش را فراهم نمایند. در این حال ، تنها کرم و مهمان نوازی انصار و پیمان برادری ، نمی توانست تمامی نیازهای مسلمانان را برآورده سازد. فعالیت در بازار و بازرگانی نیز که برخی از مهاجرین به آن مشغول بودند، درآمد و استفاده مختصری داشت که برای تعداد اندکی از افراد کافی بود. از این رو، بیشتر آنان ، با خوراکی اندک زندگی خویش را می گذراندند و با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم می کردند. کتاب های حدیث از فقر و تنگدستی صحابه در این دوران آغازین یاد کرده اند. بدون شک ، ایمان و عقیده آنان ، آن اندازه استوار و پا برجا بود که این کمبود، اعتماد آنان را به اسلام و رسالت آن تضعیف نگردند. در این شرایط، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه ، همچنان به توضیح جهان بینی دین و آشکار ساختن عقاید و اصول اساسی آن پرداخته و سعی در راهنمایی افکار خود گسترش آن داشت . پیامبر صلی الله علیه و آله با این حرکت ، ارتباط اجتماعی را

Bia2book.blogfa.com

استوار و تقویت می نمود و این خود راهی برای رشد افراد و همبستگی آنان در جامعه بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله اهمیت تامین زندگی مسلمانان را درک می نمود، اهمیت به جنبه های عقیدتی و اخلاقی جامعه ، موجب می شد که مسلمانان را درک می نمود، اهمیت به جنبه های عقیدتی و اخلاقی جامعه ، موجب می شد که مسلمانان به ثروت گرایی و جمع مال ، اهمیت کمتری نشان دهند. آگاهی ها و اشاره ها، گواه آن است که شرایط زندگی و مالی پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر از آنچه که صحابه دارا بودند، نبوده است . خانه و مسکن همسران او بسیار ساده و خوراک ایشان اغلب شامل اسودان [894] یعنی خرما و نان و جو [895] بود. لباس ایشان با وجود اهمیت دادن به ظاهر و لباس خود، بسیار ساده بود. حضرت تنها یک بار و برای مدت کوتاهی مالیات ویژه ای را تعیین نمود که به ایشان پرداخت شود و پس از آن ، به طور کلی آن را لغو نمود. آیه کریمه به این مطلب این گونه اشاره می نماید :یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقه ذلک خیر لکم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم . ءاشفقتم ان تقدموا بین یدی نجواکم صدقات فاذ لم تفعلوا و تاب الله علیکم فاقیموا الصلاۀ و آتوا الزکاۀ و اطیعوا الله و رسوله خبیر بما تعملون ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا نجوا کنید و سخنان در گوشی بگویید، قبل از آن صدقه ای در راه خدا بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است ! و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است ! آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقه قبل از نجوا خودداری کردید؟ اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت ، نماز را بپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را

Bia2book.blogfa.com

اطاعت نمایید و بدانید خداوند از آنچه انجام می دهید با خبر است)مجادله ۱۲-۱۱.(

ثروت از دیدگاه اسلام

این شرایط .در سال های نخستین هجرت ، اغلب مسلمانان مدینه با فقر و تنگدستی رو به رو بودند به علت کمبود بازار کار و درآمد اندک بود. بنابراین ، اسلام تاکیدی بر زهد و بی علاقگی به امور دنیا نداشت و مخالف کسب و کار نبود. اسلام مردم را دعوت به زندگی مادی استوار بر پایه های اخلاقی کرد و قرآن کریم ثروت و فعالیت برای به دست آوردن کسب حلال را مورد

المال و البنون زینة الحیاة الدنیا ؛ یعنی مال و فرزند، : ستایش قرار داد. پروردگار فرموده است کهف ۴۶). و نیز یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا)زینت زندگی دنیاست و لا تسرفوا انه لا یحب المسرفین ، قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق قل زینت خود را به هنگام ! هی للذین آمنوا فی الحیاة الدنیا خالصة یوم القیامة ؛ یعنی ای فرزندان آدم رفتن به مسجد، با خود بردارید! و از نعمت های الهی بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد! بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است :آفریده ، و روزهای پاکیزه را حرام کرده است ؟! بگو که ایمان آورده اند، اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی در قیامت ، خالص برای .(اعراف ۳۲-۳۱)مومنان خواهد بود

بدون شک ، افزایش ثروت و سرمایه در نتیجه گردش آن و تلاش در بالا بردن سطح زندگی مردم

Bia2book.blogfa.com

آنچه به شما : و ما اوتیتم من شی ء فمتاع الحیاۀ الدنیا و زینتها؛ یعنی : و فراوانی و تولید کالاست قصص ۶۰). از متاع دنیا صید البحر و طعامه ؛) .داده شده ، متاع زندگی دنیا و زینت آن است : یعنی [897]؛ میوه ها، و من اصوافها و اوبارها و اشعارها [896]یعنی صید دریا و طعام آن والفواکۀ .و پشم شتران و کرک و موی آنها، را برای شما قرار داد

بازار و تجارت

اسلام داد و ستد در بازار و کسب و درآمد ناشی از فروش و تجارت و آنچه که سود آور است را جایز شمرده است . قرآن کریم در این باره احکامی را وضع نموده که بر اساس آن ، داد و ستدها را بر پایه بنیادهای اخلاقی تنظیم کرده است . قرآن به جز معاملات منافی با اخلاق ، از فریب دادن و نیرنگ زدن و سوء استفاده ، هیچ گونه قید و شرطی را در معاملات قرار نداده است . لازم . به یادآوری است که اسلام بر تحریم ربا به شدت تاکید نموده است

گروهی از مهاجرین در این زمینه از آگاهی های خویش استفاده کرده و در معاملات گروهی از مهاجرین در این زمینه از آگاهی های خویش استفاده کرده و در معاملات سود آور بازرگانی و اذا راوا :کوشش نمودند؛ طوری که برخی از آنان خود را در آن محو گردانیدند. آیه می فرماید هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را : تجارۀ او لهوا انفضوا الیها و ترکوک قائما؛ یعنی جمعه)ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند ۱۱).

مردانی که نه تجارت و نه : و نیز رجال لا تلهیم تجارۀ و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلاۀ ؛ یعنی

Bia2book.blogfa.com

معامله ای آنان را از یاد خدا و بر پاداشتن نماز، غافل نمی کند نور ۳۷. هم چنین یا ایها الذین ای کسانی که ایمان : آمنوا اذا نودی للصلاۀ من یوم الجمعۀ فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ؛ یعنی هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و !آورده اید جمعه ۹. تمامی این آیات دیدگاه اسلام نسبت به تجارت را آشکار می سازد. .فروش را رها کنید اسلام داد و ستد را به گونه ای مباح دانسته است که اشتغال به آن ، تاثیر بر اصول اساسی که همه را دعوت به همبستگی نموده است ، نگذارد. در این میان ، تعدادی از بزرگان صحابه در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله فعالیت خویش را در تجارت متمرکز نمودند؛ بدون این که فعالیت .آنان تاثیری بر موضعگیری آنان نسبت به اسلام گذارد

از سوی دیگر، داد و ستدهای بازار و تجارت که از آغاز هجرت و به ویژه پس از منع ربا و تبعید یهودیان از مدینه ، فعال شد، همه مسلمانان را در بر نگرفت ؛ زیرا این فعالیت نیاز به سرمایه ای داشت که با آن معامله نمایند و این سرمایه ، معمولا در دست بخش خصوصی - نه بخش دولتی - .و مردم بود

زمین

مسکن به علت گستردگی زمین های خالی ، مشکل بزرگی برای مهاجرین به شمار نمی آمد. آنان اما در این میان .کمتر میل به اسراف و خوش گذارنی داشته و به زمین های کوچک قانع بودند وجود اصل مالکیت و تثبیت آن در مدینه ، موجب به وجود آمدن گرفتاری در به دست آوردن زمین های کشاورزی می شد و در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به صاحبان زمین ها

Bia2book.blogfa.com

دستور نمی دادند که از زمین های خود دست برداشته و یا بعضی از آنها را در اختیار قرار دهند و یا آنان را وادار به استفاده از مهاجرین برای کار بر روی آنها نمی کردند، می توانست مشکلاتی را در این زمینه به وجود آورد. در آن هنگام و در سال های نخستین ، نیاز صاحبان زمین به استخدام مهاجرین بسیار اندک بود. اما پس از تبعید بنی نضیر، شرایط دشوار رو به تخفیف گذارد، زیرا زمین های آنان بین تعدادی از مهاجرین تقسیم شد. منابع در این باره نام بیست و پنج نفر را آنان شخصا بر روی آن زمین ها کار می کردند و یا به استخدام شخصی از مسلمانان [898] .آوردند مدینه ، که دارای کار بود در می آمدند. هنگامی که مسلمانان بر بنی قریظه دست یافتند، زمین های آنان میان شرکت کنندگان در محاصره آنها تقسیم شد. در این میان ، مهاجرین از تعداد از این پس ، زمینه کار برای مهاجرین گسترش یافت و در نتیجه ، [899]بیشتری برخوردار بودند و .آنان به در آمد خود در گذران زندگی تکیه نمودند

در آن ایام ، خانه های مهاجرین قریش و حجاز در غرب مسجد الرسول قرار داشت ، که بر روی [900] .زمین های بایری که بیشتر کشت و یا مسکن کسی نبود، بنا گردیده بود

صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله

میثب ، دلال ، صافیه ، مشربهٔ ام : رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه دارای هفت باغ شامل ابراهیم ، حسنی ، برقه و اعواف بود. این باغ ها در اطراف شمالی دشت بطحان و در نزدیکی زمین . های بنی نضیر قرار داشت

بیشتر منابع ، این گونه یاد کرده اند که این باغ ها، در اصل از آن مخیرق بود؛ او شخصی یهودی

Bia2book.blogfa.com

. بود که اسلام آورد و پیامبر از او به نیکی یاد کرده است [901]

اشاره ای نکرده اند، اما گفته اند که در آمد آن ، زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از این گفته ، نشان دهنده آن است که در آمد . تسلیم خیبر را به حد کفاف تامین می کرده است آن ها زیاد نبوده است . شاید بعضی از محصولات آن را مهاجرینی که در آن کار می کرده اند، می گرفتند و قسمتی از آن ، در نیازهای دیگر دولت انفاق می شد.

تیول های مسلمانان

زمین هایی برای سکونت و کشاورزی به عنوان هدیه و بدون بازپرداخت در اختیار مسلمانان قرار داد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر هیچ یک از افرادی که به این زمین های دست یافتند، مالیاتی قرار نداد. منابع اشاره ای به جمع آوری دهگان آن از کشت کاران و یا زمین های کشاورزی مدینه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله نکرده اند. به این ترتیب ، آنها در آمدی برای بیت المال ، که هیچ گونه سخنی از وجود آن در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله به میان نیامده است ، نداشته اند.

در آمد آبادی های یهودی نشین

املاک یهودی نشین که در شمال حجاز قرار داشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را وادار به تسلیم نمود، در آمدهای ثابت و گسترده ای را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و تعدادی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پذیرفتند که مردم این آبادی ها در آن . مسلمانان به همراه داشت باقی مانده و بر روی زمین های خود به کار مشغول شوند، به شرط آن که نیمی از محصول خود را

Bia2book.blogfa.com

بود که این [902]در اختیار مسلمانان قرار دهند. در آن هنگام ، محصول خیبر بالغ بر چهل هزار بار که منابع به [903]اما پیامبر محصول فدک را خالصه خویش قرار دادند . مقدار برابر ۷۷۷۲ تن است مقدار آن ، هیچ گونه اشاره ای نکرده اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دژ شق و نطات را به شرکت کنندگان در تسلیم خیبر داده و آن ها را میان آنان به تساوی تقسیم نمود و دژ کتیبه را از آن خویش قرار داد.[904]

سلالم را وقف نمود. منابع اشاره کرده [905]ابو عبید می گوید پیامبر صلی الله علیه و آله وطیح و اند که در آمد آنچه که پیامبر آن را از آن خود قرار می داد، به مصرف خوراک همسران خود و می رسید [906]وابستگان و ابن السبیل.

در هر صورت ، این املاک در آمدهای ثابت و مشخصی را، بیش از گذشته برای رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه داشت .

هزینه جنگ ها

آمادگی برای جنگ به منظور دفاع از اسلام ، پشتیبانی از دولت و گسترش نفوذ آن ، امر واجب و بسیار مهم برای دولت اسلام بود. در آن هنگام ، ستون و پایه های لشکر را آزاد مردان مومن تشکیل داده بودند که همگی پیکار را بر خود واجب شمرده و آن را فریضه ای به مصلحت عموم به شمار می آوردند. گرچه غزوات و سریه ها، نیاز به آمادگی فراوانی نداشت ، اما شرایط آن هنگام ، به گونه ای بود که باید تعداد بسیاری را آماده می ساختند. علاوه بر آن ، می بایست آنان را به اسلحه و وسایل حمل و نقل مجهز سازند. بدون شک مسلمانان ثروتمند، اسلحه مورد نیاز

Bia2book.blogfa.com

خویش را خود آماده می ساختند، اما تعداد بسیاری از آنان نمی توانستند این اسلحه را خود در اختیار داشته باشند. از این رو، انفاق در راه رضای پروردگار تجلی نموده و در این لحظات حساس ، جامعه نیاز آن را درک می نمود. در این باره بسیاری از آیات ضمن تاکید بر انفاق ، به پاداش هر کس که به آن قیام نماید، اشاره کرده اند. بدون شک ، بخش های داوطلبانه افراد، بسیاری از این گونه نیازهای جنگ را برآورده می ساخت . اگر چه این گونه بخش ها، نمی توانست کافی به نظر برسد، زیرا اتفاقی و فاقد نظم خاصی بود. بنابر این ، دولت را بر آن می داشت که در زمینه آماده سازی اسلحه و چگونگی توزیع آن ، دست به اقدامی ریشه ای و جدی بزند.

بخش های دواطلبانه

قرآن کریم ، مسلمانان را تشویق به انفاق نموده است . این مهم در بیش از هفتاد آیه مورد تاکید قرار گرفته است ؛ طوری که مسلمانان را به انفاق از روزی خود که پروردگار نصیب آنان گردانیده ، برانگیخته است . قرآن می فرماید: و ان الله یعلم ما ینفقون ؛ یعنی پروردگار به آنچه که انفاق می کنند، دانایی دارد و یا پروردگار پاداش عمل آنان را خواهد داد. در جای دیگر می فرماید: و سیجزیهم علی عملهم ؛ یعنی که انفاق کنندگان دارای پاداش و اجری عظیم هستند. هم چنین در یکی از آیات ، به افرادی که انفاق بر آنان واجب است ، اشاره شده است: قل ما انفقتم من خیر فللوالدین و الا قربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و ما تفعلوا من خیر فان الله به علیم ؛ یعنی : بگو هر خیر و نیکی و سرمایه سودمند مادی و معنوی که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد و هر کار خیری که انجام

Bia2book.blogfa.com

قرآن کریم در آیاتی چند، بر انفاق در راه رضای .دهید، خداوند از آن آگاه است بقره ۲۱۵ ، تاکید نموده است . آشکار است که مقصود این آیات ، انفاق در راه آمادگی [907]پروردگار برای جنگ بوده ، زیرا حمایت و پشتیبانی از امت و محافظت و توسعه آن از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است . این بخشش ها شخصی بوده و مقدار آن تعیین نشده بود؛ بنابر این لازم نبود .برای تقسیم آنها، تنها در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شوند

غنایم به دست آمده از یهودیان مدینه

بدون شک اموال به دست آمده از غزوات و پیکارها، یکی از منابع اصلی دستیابی به مهمات جنگی به شمار می آمد. جنگ جویان علاوه بر استفاده از حق خود، لباس و اسلحه مقتول را از آن رسول خدا صلی الله .خود می ساختند. بنابر این ، بیشتر اسلحه ها، از آن پیروزمندان در جنگ بود علیه و آله به هنگام تبعدی هر یک از بنی قینقاع و نضیر، قید نمودند که آنان اسلحه و مهمات ابن سعد می . جنگی خود را به همراه نبرند. از این رو به اهمیت سلاح در آن هنگام پی می بریم گوید در جنگ به بنی قینقاع ، مسلمانان در قلعه های آنان به آلات زرگری و نیز مهمات جنگی فراوانی دست یافتند و پیامبر خالصه خود و خمس غنایم را گرفته و ۴۵ باقیمانده آن میان یاران خود تقسیم نمود. این نخستین خمسی بود که اسلام پس از جنگ بدر آن را به دست آورد. در آن هنگام ، شخصی که مسئول دریافت اموال شد محمد بن مسلمه بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله این کمان ها و [908] .از میان مهمات آنان ، سه کمان و سه شمشیر را از آن خویش ساختند .شمشیرها به همراه سه نیزه و دو سپر بود که پیامبر به خوبی از آنها اسلحه ها محافظت می نمودند

Bia2book.blogfa.com

پیامبر صلی الله علیه و آله در عهد خود با بنی نضیر شرط نمود که به آنان تمامی مایملک [909] باز پس دهد. آنها دارای ۵۰ سپر، ۵۰ کلاه خود و ۳۴۰ شمشیر بودند. [910]خود را به جز سپر تمامی متملکات بنی نضیر خالصه پیامبر شد و به مصرف نیازهای او و وابستگانش می رسید و .پیامبر هرگز خمس آنها را نمی پرداخت و از آنها سهمی برای کسی یا هدیه ای به کسی نمی داد

غنایم[911]

اموال به دست آمده در غزوات ، منحصر به سلاح نبود؛ بلکه منبع در آمد، موارد دیگری نیز بود که تمامی آن به طور مساوی میان شرکت کنندگان در جنگ تقسیم می شد. سواران سه برابر پیاده ها سهم می بردند، اما ضروری به نظر می رسد که در اهمیت اموال به دست آمده ، به گزاف سخن گفته نشود و آنها را به عنوان در آمدی ثابت برای دولت به شمار نیاوریم ؛ زیرا تقسیم آنها، تنها بر شرکت کنندگان در جنگ بود که تعداد آنان محدود بود. غنایم به دست آمده در میدان جنگ ، معمولا ویژگی خاصی داشت و شامل سلاح و گوسفند بود. از سوی دیگر، جنگ هایی که مسلمانان در آنها غنایمی به دست آوردند، اندک بود، زیرا به نخله ، قرقرهٔ کدر قرده ، قطن ، .مریسیع ، قرطا ، غمر ، ذی قصه ، جموم و فدک محدود می شد

بود. در غزوه [912]در سریه نخله ، اموال به دست آمده ، بارهایی از کالای تجاری ، پوست و مویز قرقرهٔ کدر ، مسلمانان شترانی را به غنیمت گرفتند که چهار پنجم آنها، را میان شرکت کنندگان [913] .در جنگ تقسیم نمودند. آنان دویست نفر بودند و به هر یک از آنها، دو شتر رسید

در سریه قرده ، مسلمانان به بار شترانی دست یافتند که ارزش آن بالغ بر یکصد و بیست و پنج

Bia2book.blogfa.com

هزار درهم بود.[914]

در سریه قطن ، که در ماه سی و پنجم صورت پذیرفت ، آنها بر شتران و گوسفندانی دست یافتند.

[915]

در غزوه مریسیع که در پنجاه و ششمین ماه از هجرت اتفاق افتاده ، آنها مردان ، زنان و کودکانی را اسیر کردند و به چهارپایان و گوسفندانی نیز دست یافتند.[916]

در سریه قرطاء که در پنجاه و نهمین ماه از هجرت صورت گرفت ، محمد بن مسلمه به چهارپایان و گوسفندانی شامل یکصد و پنجاه شتر و هزار گوسفند[917] دست یافت .

در سریه غمر که در ماه شصت و چهارم اتفاق افتاد، ابوعبیدۀ بن جراح چهارپایان و گوسفندانی را به غنیمت گرفت .[918]

در سریه بنی سلیم در جموم ، که در ماه شصت و پنجم صورت پذیرفت ، زید بن حارثه به چهار پایان و گوسفندان و اسیرانی دست یافت .[919]

در سریه فدک که در ماه هشتاد صورت گرفت ، علی بن ابیطالب علیه السلام پانصد شتر و هزار گوسفند به غنیمت گرفت .[920]

از وضع غنایم به دست آمده ، آشکار می شود که جمع آن بسیار اندک بوده است . این اموال میان افراد محدودی تقسیم می شد و در آمد ثابت یا فراوانی به همراه نداشت . از این رو، می توان گفت جنگ های نخستین ، بیشتر دارای پشتوانه عقیدتی بود و هدف مادی نداشت.

به بیان دیگر، اموال به دست آمده موضوعی عرضی و فرعی به شمار می رفت .

Bia2book.blogfa.com

مسلمانان بیشترین غنیمت را در جنگ حنین بدست آوردند. ابن اسحاق روایت می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از پیروزی ، شش هزار نفر از کودکان و زنان آنان را به همراه داشت و تعداد فراوانی از شتران و گوسفندان را که وی از شمارش آنها بی اطلاع است ، به غنیمت گرفته بود.[921]

هم چنین روایت می کند که مسلمانان بیست و چهار هزار شتر، بیش از چهل هزار راس گوسفند و چهار هزار وقیه نقره به غنیمت گرفتند و به هر یک از آنان ، چهار شتر، چهل راس گوسفند و سه وقیه[922] نقره رسید.

درباره اسرا، ابن اسحاق روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجرین و انصار، گروگان ها را آزاد ساختند، اما بنی تمیم و فزاره و سلیم از دادن آنها خودداری نمودند پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان دادند که در ازاء آنها تاوان بگیرند و پس از گرفتن شش سهم در برابر هر فرد، زنان و فرزندان را آزاد کردند.[923]

که به آنها مولفۀ قلوبهم گفته - پیامبر صلی الله علیه و آله به تعدادی از افراد برای جلب محبتشان ابن اسحاق نام دوازده نفر از مردانی را آورده است که .می شود مقداری از غنایم حنین را بخشیدند بیشتر آنان از قریش بودند و به هر یک یکصد شتر و شش نفر دیگر را که به هر یک پنجاه شتر بخشیده شد، ذکر می کند.[924]

ابن هشام به نقل از زهری نام نوزده نفر از اهل مکه و نه نفر از عشایر دیگر را آورده است که پیامبر از اموال به دست آمده در حنین ، مقداری به آنها داده است . وی هیچ گونه اشاره ای به

Bia2book.blogfa.com

. مقدار داده شده به هر فرد نکرده است [925]

انصار از بخشش فراوان رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردان تازه مسلمان از اهل مکه و قرار آیا :داده نشدن سهمی از اموال به آنها رنجیدند. پیامبر موضع گیری آنان را با این بیان جواب داد آنان .خرسند نخواهید شد که دیگران با شتر و گوسفند باز گردند و شما با رسول خدا بازگردید این گفته اشاره به آن دارد که بودن [926] .نیز از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله راضی شدند پیامبر صلی الله علیه و آله میان آنان و باقی گذاردن مدینه به عنوان مرکز دولت اسلام ، در آمد مادی و معنوی دایمی را برای آنان به همراه خواهد داشت ؛ طوری که در آینده استفاده بسیاری از .آنان ، بیشتر از غنایم این جنگ خواهد بود

2- زکات و صدقات پس از گسترش اسلام

فریضه زکات و صدقات

هنگام آغاز رسالت ، اسلام بر پایه پذیرش دعوت و ایمان به آن و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله استوار بود. به این ترتیب ، از آغاز دعوت ، مسلمانان جامعه ای منظم و قابل گسترش را تشکیل دادند که در راس آن ، رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت . او تنظیم کننده امور و راهنمای آنان به شمار می آمد. و به این شکل ، در جامعه اسلامی نخستین ، نظام خاصی برقرار شد. در همان دوره از دعوت اسلامی ، آیاتی نازل شد که در آن ، از مسلمانان درخواست شده بوده صدقه و زکات بپردازند، از این رو، ادای این فریضه ، بر هر مسلمانی واجب به شمار می آمد. در سی و یک آیه ، زکات به عنوان واجبی دینی قلمداد شده است که از آن میان ، در چهار آیه به

Bia2book.blogfa.com

صورت تنها و در بیست و نه آیه به همراه نماز از آن یاد شده است . این مطلب نشان دهنده اهمیتی است که قرآن کریم به زکات داده است ؛ گو این که قرآن کریم مقدار آن را تعیین نکرده است .

موارد .در مورد صدقه نیز، قرآن در سیزده آیه مطالبی را آورده است . در یکی از آیات ، توبه ۶۰ مصرف آن برای فقرا و مساکین و کارکنانی که برای جمع آوری آن زحمت می کشند که برای جلب محبتشان اقدام می شود و برای آزادی بردگان و ادای دین بدهکاران ، و در راه تقویت آیین خدا واماندگان در راه تعیین شده است . اشاره به مولفهٔ قلوبهم یعنی کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، گواه آن است که این آیه در اواخر زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه نازل شده است .

پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، کم کم دورنمایی از دولت اسلامی استوار شد و در این حال ، تعداد بی شماری به آنان پیوستند که منبع در آمدها و نیازها و دارایی های آنان متفاوت بود و کفاف آن را نمی داد. بنابراین درخواست دولت برای انفاق ، افزایش یافت . از این پس بود و کفاف آن را نمی داد. بنابراین درخواست دولت برای انفاق ، افزایش یافت . از این پس بود که الذین ان :آیات ، یکی پس از دیگری بر دادن زکات و صدقات تاکید می نمود. آیاتی نظیر مکناهم فی الارض اقاموا الصلاهٔ و آتوا الزکاهٔ و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبهٔ الامور ؛ یعنی همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم ، نماز را بر پا می دارند، و حج ! زکات می دهند، و امر به معروف و نهی منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست

Bia2book.blogfa.com

از اموال آنها : خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم وصل علیهم ان صلاتک سکن لهم ؛ یعنی صدقه ای به عنوان زکات بگیر تا به وسیله آن ، آنها را پاک سازی و پرورش دهی ! و به هنگام گرفتن زکات ، به آنها دعا کن ، که دعای تو، مایه آرامش آنهاست ، و خداوند شنوا و داناست 103.

آیا : الم یعلموا ان الله هو یقبل التوبة عن عباده و یاخذ الصدقات و ان الله هو التواب الرحیم ؛ یعنی نمی دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می پذیرد، و صدقات را می گیرد، و خداوند توبه پذیر و مهربان است104.

آیاتی که در آنها زکات و صدقه و انفاق به عنوان فریضه ای واجب به شمار آمده ، هیچکدام به اندازه ، یا چگونگی پرداخت آن و یا دارایی های مختلفی که به آن موارد تعلق می گیرد، اشاره ای نکرده اند. به نظر می رسد در سال های نخستین ، این موضوع محدودیتی نداشته است و مقدار آن با توجه به شرایط و اوضاع و نیازهای تعیین می شده است . بدون شک ، این موارد برای تامین زندگی فقرا و نیازمندان و یا توانایی و آمادگی آنان نسبت به انجام وظیفه خود در جنگ هزینه می شده است .

شرایط اقتصادی در جزیرة العرب

در آغاز هجرت ، جامعه اسلامی محدود بود و انصار اهل مدینه ، نیاز به مال فراوانی نداشتند که دولت به آنان پرداخت نماید. اما مهاجرین نیاز شدیدی به کمک داشتند که مقداری از آن با

Bia2book.blogfa.com

بخشش و کرم انصار و کمک هایی که تقدیم می شدند رفع می شد و اضافه بر آن با کار کردن برخی از آنان در تجارت و بازار، تا اندازه ای مرتفع می گردید. برخی از آنان ، نیاز خویش را با کار کردن برخی از آنان بر روی زمین هایی که مسلمانان به عنوان غنیمت از یهودیان تبعید شده مدینه گرفته بودند و هم چنین با اموال به دست آمده از غزوات و سریه ها که مقدار آنها چندان زیاد نبود، بر آورده می ساختند. از سوی دیگر، نیمی از محصول به دست آمده از خیبر و فدک و وادی القری ، که مسلمانان در سال ششم هجری به آن دست یافتند، توانست به عنوان در آمدی ثابت برای دولت به شمار آید.

به تدریج دولت اسلام در مناطق اطراف مدینه و به ویژه سرزمین میان آن و مکه توسعه یافت و پس از فتح و پس از فتح مکه این توسعه فزونی گرفت . این گسترش ، از راه صلح آمیز و با اقدام شخصی بود و مردم داوطلبانه در شکل هیات های نمایندگی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و اظهار به اسلام می نمودند. در این هنگام اسلام اکثریت جزیرۀ العرب را در بر گرفت و زمینهای گسترده ای را که دارای شرایط و احوال جغرافیایی و اقتصادی متفاوتی بود، به دست آورد. قسمتی از این مناطق خشک و بی حاصل و پوشیده از تپه های شنی بود و قسمتی دیگر شامل زمین های گسترده حاصل خیزی بود که هنگام افزایش آب در آن ، به چراگاه های وسیعی برای شتران و چهار پایان می شد.

هر یک از بخش های این مناطق ، منطقه مسکونی یکی از عشایر به شمار می آمد که آنان بر طبق فصل و چراگاه های موجود در آن ، از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ می نمودند. هم چنین در آن

Bia2book.blogfa.com

تعداد نه چندان اندکی از دشت ها و مناطق پر آب که دارای سفره های آب زیر زمینی فراوانی بود که برای کشت نخل ها و حبوبات و بعضی از سبزیجات کافی به نظر می رسید، قرار داشت . این شرایط موجب شده بود که مردم فراوانی ، به صورت دایمی در شهرها و دهکده ها زندگی کنند و محصولات به دست آمده به وسیله آنان ، بیش از نیاز ساکنان آن باشد.

هم چنین در شبه جزیره عرب مناطقی وجود داشت که معادن فراوانی در آن قرار داشت . مهم ترین آنها عبارت بودند از معدن مس در عمان آهن در یمن ، طلا و نقر در اطراف مدینه و جنوب مکه از حجاز و ضربه و اطراف یمامه از نجد؛ هم چنین در یمن معادنی از عقیق و جزع وجود داشت .

به ویژه یمن و بعضی از این مناطق ، به عنوان مرکز صنایع بافندگی و ریسندگی به شمار می آمد. صحار و قطر، که هر یک از آنها مقادیر فراوانی از تولیدات خود را به مناطق دیگری از جزیرهٔ العرب صادر می کردند. بدون شک صنایع دیگری نیز به ویژه آنچه که مربوط به مهمات جنگی از قبیل ساختن شمشیرها و نیزه ها و تیرها و دباغی پوست بود رشد کرده بود، که طائف و مناطق شمالی یمن در این زمینه از شهرت به سزایی برخوردار بودند.

در سواحل جزیره نیز کارگاه هایی تشکیل شد که ساکنان آن مشغول به ساختن کشتی ترمیم آن و نیز کشتیرانی در آب بودند. از مشهورترین این مناطق هنگام ظهور اسلام ، می توان به دراین در بحرین[927] ، صحار در عمان ، عدن در جنوب یمن و شعیبه در حجاز اشاره نمود.

شبه جزیره عرب راه های متعددی را برای عبور کاروان های تجارتی محلی و جهانی در خود به

Bia2book.blogfa.com

وجود آورده بود که مهم ترین آنها راه غربی به شمار می آمد و از عدن آغاز می شود و سواحل شرقی از یمن تا نجران ، را در برگرفته و سپس حجاز را به سوی مکه گشوده ، از آن پس به سوی شمال رفته و در پایان به بصری و غزه منتهی می گردید. راه دیگری نیز بود که از یمن عبور کرده ، سپس به دشت دواسر و یمامه و از آن پس به عراق راه می گشود. و راه دیگری که از یمامه عبور کرده به مکه می رسید و از بحرین به اطراف سرزمین شام ختم می شد. در برخی از ایستگاه های این راه ، تعدادی بازار گسترده موسمی بر پا می شد که از مشهورترین آنها می توان به مشقر در بحرین ، دبا در عمان و عکاظ در حجاز اشاره نمود.[928]

بررسی های انجام شده در زمینه میزان مالیاتی که حکام متعدد در این سرزمین ها دریافت می کرده اند، آگاهی همه جانبه ای را به دست نمی دهد، اما قرآن کریم به آنچه به بت ها و معبودهای بشر می پرداخته اند ، اشاره کرده و فرموده است : وجعلوا لله مما ذرا من الحرث و الانعام نصیبا فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشرکائنا فما کان لشرکائهم فلا یصل الی الله و ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم ساء ما یحکمون ؛ یعنی آنها مشرکان سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهار پایان آفریده ، برای او قرار دادند؛ و سهمی برای بت ها و به گمان خود گفتند: این مال آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی رسید، ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می رسید ! خداست ! و این هم مال شرکای ما یعنی بت ها است ! چه بد حکم می کنند!

آری ، اگر سهم بت ها با کمبودی مواجه می شد، مال خدا را به بت ها می دادند، اما عکس آن را مجاز نمی دانستند. و راه دیگری که از یمامه عبور کرده به مکه می رسید و از بحرین به اطراف سرزمین شام ختم می شد. در برخی از ایستگاه های این راه ، تعدادی بازار گسترده موسمی بر پا می شد که از مشهورترین آنها می توان به مشقر در بحرین ، دبا در عمان و عکاظ در حجاز اشاره نمود.[928]

بررسی های انجام شده در زمینه میزان مالیاتی که حکام متعدد در این سرزمین ها دریافت می کرده اند، آگاهی همه جانبه ای را به دست نمی دهد، اما قرآن کریم به آنچه به بت ها و معبودهای بشر می پرداخته اند ، اشاره کرده و فرموده است : وجعلوا لله مما ذرا من الحرث و الانعام نصیبا فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشرکائنا فما کان لشرکائهم فلا یصل الی الله و ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم ساء ما یحکمون ؛ یعنی آنها مشرکان سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهار پایان آفریده ، برای او قرار دادند؛ و سهمی برای بت ها و به گمان خود گفتند: این مال آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی رسید، ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می رسید ! خداست ! و این هم مال شرکای ما یعنی بت ها است ! چه بد حکم می کنند!

آری ، اگر سهم بت ها با کمبودی مواجه می شد، مال خدا را به بت ها می دادند، اما عکس آن را مجاز نمی دانستند. نن که علاوه بر شرک ، حتی خدا را کمتر از بت ها می دانند انعام ۱۳۶.

Bia2book.blogfa.com

نظم مالی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جزیرهٔ العرب : زکات و خمس غنایم

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای استواری نظامی که در آن زندگی اقتصادی از راه شکوفایی بازرگانی و صنعت و کشاورزی امکان پذیر بود، تلاش می نمود. اسلام حکومت مرکزی یگانه ای را برقرار نمود که سود و بهره عمومی را در نظر گرفته و بر همبستگی و نظم آن توجه خاص داشت ، ضامن گسترش صلاح و امنیت بود و مانع از پیکار و جنگ میان مسلمانان می شد؛ زیرا حکومت اسلام میان قلب های آنان الفت داده و به نعمت وجود آن ، آنان با یکدیگر برادر شده بودند. اسلام ربا را حرام کرده و راه های غیر اخلاقی و استثمار را ممنوع اعلام کرده بود. این حکومت هر گونه مالیات و دهگانی را که حکام از مردم دریافت می کردند، نیز ممنوع نمود. در نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله ، نسبت به آنچه بر تازه مسلمانان در شبه جزیره عرب قرار داده شده بود، تعبیرهای گوناگون آمده که بعضی از آنها تنها یکبار و فقط در یک نامه از آن یاد شده و بعضی دیگر، مکرر و در نامه های فراوان به صورت تنها و یا در یک نامه از آن یاده شده و بعضی دیگر، مکرر و در نامه های فراوان به صورت تنها و یا در کنار احکام دیگری ، آورده شده است . اغلب نامه ها، مختصر و کوتاه است و در آن به تفصیل از مقدار و چگونگی پرداخت و یا راه انجام آن سخنی به میان نیامده است . زکات نکته مهمی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله رسول .آن را در نامه های خود به تعداد نه چندان اندکی از گروه ها و افراد، درخواست نموده بود خدا از آنان تقاضا کرده بود که ان یوتوا الزکاة یعنی زکات بپردازند، بدون آنکه مقدار آن را تعیین کرده و یا راه دریافت آن را مشخص نماید. کسانی که این درخواست از آنان شد، عبارت

Bia2book.blogfa.com

، 216عقیل 165، اسلم 85بنی زیاد از طی 172و عبید القیس [929][930] 66اسبذی ها :بودند از

از افرادی که رسول خدا صلی الله .173و تجمعهای انسانی در کوه های تهامه 77، دما 81ضباب

، یزید بن 120علیه و آله از آنان تقاضای پرداخت زکات نمود، عبارتند از خالد بن ضماد ازدی

که از 91، طهفه و قوم او 90، قیس بن حصین 87قنان بن یزید 82، 81طفیل از بنی حارث

که هر دو از طی به شمار می 197و حبیب بن عمرو 194نهد به شمار می آمدند، عامر بن جوین

.و قیس بن مالک که هر دو از همدان به شمار می آمدند 111آمدند، و عمیر

در بعضی از نامه ها در کنار زکات ، به نکات دیگری نیز از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره

: گردیده است

91الف . حضرت از افرادی که جدس از لخم اسلام می آوردند، درخواست حظ الله و حظ الرسول

را نمودند، یعنی سهم خدا و سهم پیامبر ار تقاضا کردند، بدون آنکه ماهیت آن و یا اندازه آن را

.تعیین نمایند

و خمس الله یا خمس 177ایشان در کنار زکات ، صدقه و خمس را از جذام و قضاعه .

، و خمس المغانم فی الغزو یا خمس اموال به دست آمده در پیکار 217پروردگار را از بنی بکاء

ذکر کرده 105و نیز آن را در نامه خود به عمرو بن حزم 84را از بنی عبد یغوث از بلحارث

. است

یعنی از اموال .ج . اضافه بر زکات ، حضرت درخواست واعطوا من المغانم خمس الله و سهم النبی

به دست آمده خمس پروردگار و سهم پیامبر را بپردازید، را از جناده ازدی و قوم و هر کس از او

Bia2book.blogfa.com

.مطالبه نمود 195و بنی جوین 189پیروی می کرد

د. هم چنین حضرت تقاضای خمس المغنم و سهم النبی الصفی یعنی خمس غنیمت به دست آمده و از عمرو بن معبد جهنی و 40و سهم خالص پیامبر را، از صیفی بن عامر از بنی ثعلبۀ بن عامر ، و حارث و نعیم و 233، بنی زهیر بن اقیش از عکل 152بنی حرقه از جهینه ، و بنی جرمز .نمود 109نعمان از یمانیها

ه. ایشان درخواست الخمس من الغنم و سهم الغارمین و سهم کذا و کذا یعنی خمس اموال به دست .نیز نمود 173آمده و سهم زیان دیدگان و سهم فلان و فلان را از مالک بن احمد جذامی

خمس غنایم و خالصه ، معمولا از اموال به دست آمده در جنگ ها و غزواتی که اسلام آن را میان مسلمانان منع کرده است ، گرفته می شد؛ بنابراین حکم ایشان بر غنایمی که از جنگ با غیر مسلمانان به دست آمده صادق است . پیش از اسلام ، خمس و خالصه از آن روسای قبایل بود، از این رو تقاضای آن از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله نشان دهنده ریاست والای ایشان بود. این درخواست ، اشاره به جایگاه ایشان است ؛ پیش از که به آن به معنای منبعی برای در آمد توجه .شده باشد؛ زیرا پیکار میان گروه ها پس از اسلام متوقف شد

مالیات چهارپایان

رسول خدا صلی الله علیه و آله در نامه هایی به تعدادی از قبایل ، مقدار خمس و زکات بر چهارپایان را تعیین نمودند. در نامه ای ، پیامبر صلی الله علیه و آله از جهینۀ بن زید[931] :درخواست نمود که خمس بپردازند از هر راس قوچ و نرینه با یکدیگر دو گوسفند و از هر کدام

Bia2book.blogfa.com

جدا یک گوسفند. دام ها اگر از یک تن است دو گوسفند گرفته می شود و اگر از اشخاص مختلف و مثلا از دو نفر است ، دو گوسفند جداگانه دریافت می شود. بر گاوهای نری که شخم می زنند، زکاتی نیست ، و آنان متعهد نیستند به گروه هایی که آنجا وارد می شوند، چیزی بدهند. 157.

هم چنین در نامه برای بنی جناب از قبیله کلب در شمال حجاز و هم پیمان های ایشان و کسانی که در هر پنج شتر یک ماده گوسفند سالم :و بر ایشان است که ایشان را یاری می دهند، نوشتند و در روایت 192بپردازند. شتران بارکش که خوار و بار حمل می کنند از زکات معاف هستند در مورد شترانی که در مراتع به چرا مشغول اند و کره شتران ، در هر پنج شتر یک :دیگر گوسفند ماده سالم بپردازند و در مورد شتران بارکش که خوار و بار حمل می کنند از زکات 192معاف هستند؛ در مورد گوسفندان فربه باید یک گوسفند دو ساله شیری بپردازند پرداختن زکات در حد نصاب :، این گونه آورده اند[932]ایشان هم چنین در نامه ای برای بنی نهد بر عهده شماست . دام های سالخورده و دام هایی که تازه زاییده اند از آن خود شماست . هم چنین اسب های سواری شما و کره اسب هایتان از آن شما است از پرداخت زکات در این موارد 91.معاف هستید

از تو یک دهم گرفته شود و در این باره دو : در نامه برای وائل بن حجر از حضرموت آمده است 134.گواه عادل بر آن نظارت کنند

هم چنین در نامه به بزرگان عباهله از یمن این گونه حکم شده است بر چهل گوسفند چرا کننده

Bia2book.blogfa.com

تیعه سائمه زکات است ، و گوسفندان زیاده بر آن تیمه از آن صاحبش است . و خلاط مخلوط نمودند شتران و گوسفندان به گونه ای که صاحبان آن معین نباشد و بدین وسیله از پرداخت زکات بگریزند و وراط یعنی پنهان کردن شتران و گوسفندان از چشم مامور زکات به هدف گریز از پرداخت زکات و شغار پراکندن شتران و گوسفندان در صحرا به هدف گریز از دادن زکات ، بگونه ای که نتوان تعداد آنها را به دست آورد و جلب بار کردن مال مردم بر روی شتران و جنب وادار کردن صاحبان شتر به آوردن شتران و گوسفندان خود به جاهای دوردست برای شمارش و زکات در برابر مامور زکات و شناق گرفتن زکات از شتر، پیش از رسیدن به حد نصاب شرعی ممنوع است.

در روایت دیگری آمده است : بر چهل گوسفند چرا کننده زکات است ، اما گوسفندان بیمار و و مالیتهای ... و در شتران رها نشده خمس وارد است .لاغر و جز اینها، از زکات معاف هستند شرعی روشن و گویا است33.

هم چنین پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه خود به حارث بن عبد کلال ، نعیم بن عبد کلال و در مورد شتر در هر چهل شتر یک : نعمان بزرگ قبایل ذورعین و معافر و همدان فرموده است ماده شتر سه ساله ، و در هر سی شتر یک شتر نر سه ساله ، و در هر پنج شتر یک گوسفند، و در هر ده شتر دو گوسفند باید پرداخت . در هر چهل گوسفند چرا کننده یک گوسفند باید پرداخت . این مقدار، فریضه واجبی است که خداوند در زکات بر مومنان قرار داده است و هر کس افزون بر آن دهد، برای او نیکوتر است109.

Bia2book.blogfa.com

کارگزار خود در یمن دستور داده اند که از آنها این [933]هم چنین در نامه ای به عمرو بن حزم گونه دریافت کند: در مورد هر ده شتر دو گوسفند، و در هر بیست شتر چهار گوسفند، و در هر چهل گاو یک ماده گاو، و در هر سی گاو یک گاو ماده یا نر دو ساله ، و در هر چهل گوسفند چرا کننده یک گوسفند چرا کننده ، بپردازند. این مقدار فریضه ای است که خداوند در زکات بر مومنان واجب فرموده و هر کس افزون دهد برای او بهتر است .

بدون شک تعابیری که در این نامه ها آمده است برای ما نا آشناست ، در حالی که در میان چوپانان ، معمول و رایج بوده است . تفاوت احکام آنها نیز به زمان صدور آنها، پیش از تعیین اندازه زکات در سال نهم باز می گردد.

کشتزارها

در نامه های رسول خدا صلی الله علیه و آله به تعدادی از گروه ها، میزان زکات بر محصولات کشاورزی تعیین شده است . ایشان در نامه به عمرو بن معبد جهنی و بنی حرقه نوشته اند: میزان زکات در میوه ها یک دهم است و برای نمایندگان ثماله و حران [934]نوشته اند: در عمان 152 برای محصول خرمای ایشان ارزیاب فرستاده نخواهد شد و همانند معمول ارزیابی نمی شود تا خرمای خود را جمع کنند و در انبار قرار دهند و در هر ده خروار، خرواری از آن را باید بپردازند اگر آنان ایمان بیاورند... همانا در امان : و در نامه ای به مردم عمان و بحرین آمده است .78 خواهند بود و بر مسلمانان است یاری دادن آنان ، اما اموال آتشکده ها در اختیار خدا و رسول او خواهد بود. یک دهم محصول خرما و یک بیستم محصول حبوبات زکات است ... آسیاهای آنان

Bia2book.blogfa.com

66 .از ایشان است که هر چه می خواهند آرد کنند

در نامه ای به بن جناب در شمال حجاز و هم پیمانان ایشان و کسان دیگری که اسلام ، آنان را در مورد زکات محصول زمین های دیم و آبی ، کارگزار ویژه : دور هم گرد آورده ، آمده است 192. .آن را ارزیابی می کند و چیزی بر آن افزوده نمی شود

درباره محصولی که از : در نامه دیگری به بزرگان کلب در اطراف سرزمین شام آمده است آبیاری با آب چشمه های سیراب می شود، یک دهم آن باید پرداخت شود و در محصول دیم که بدون آبیاری است ، نیمی از آن طبق ارزیابی کارگزار امین باید پرداخت شود، وظیفه دیگری بر 192.آن افزوده نمی شود و نباید مال را پراکنده کرد

سرزمین های مشخص و :در اطراف سرزمین شام فرموده است [935]پیامبر در نامه ای به اکیدر آب های ان و زمین های بایر و ناشناخته و فراموش شده و سلاح و زره ها و اسبان و قلعه ها از 190.آن ماست و آب های روان گوارا و نخلستان های شما که آباد است از خود شما

نخلستان های دیم ، از آن ماست و نخل : در نامه ای دیگر و یا شاید به روایت دیگری آمده است های باروری که نیاز به آبیاری دارند از شماست . از محصول زمین هایی که با آب جاری رودخانه و باران سیراب می شود، یک دهم دریافت می شود و از محصولاتی که با آب چاه سیراب می شوند، یک بیستم . دام های شما به هنگام دریافت زکات ، یک جا جمع نمی شود و شتران زکات داده شما ضمیمه آن نخواهد شد... زکات را به حق بپردازید، برای شما منعی نخواهد بود که هر جا 191.می خواهید کشاورزی کنید، و از کالای شما یک دهم گرفته نمی شود

Bia2book.blogfa.com

بر عهده آنان است درباره محصولی که دیم است یک دهم و درباره : در نامه به خثعم آمده است و در نامه به عمرو بن .186کشاورزی که با وسایل آبیاری سیراب می شود یک بیستم بپردازند و آنچه بر مومنان درباره زکات محصول زمین ها، مقرر گردیده است ، از زمین : حزم والی یمن .105هایی که از چشمه و آب باران سیراب می شود یک دهم دریافت گردد

در نامه به حارث و نعیم دو فرزند عبد کلال ، نعمان بزرگ ذورعین و معافر و همدان تذکر داده شده است : زکات محصول زمینی که از چشمه ها و آب باران آبیاری می شود، یک دهم و زمینی .109که با چاه سیراب می گردد یک بیستم است

آنچه بر مومنان مقرر است در مورد زمین هایی که از آب باران و : در روایت دیگری آمده است سیلاب ها سیراب می شود یا در اتفاعات قرار دارد. هر گاه میزان محصول آن به پنج خروار برسد، یک دهم آن را بپردازند و آنچه با دلو و آب چاه سیراب می شود، هر گاه به پنج خروار برسد، .110یک بیستم آنرا بپردازند

از این گفته ها آشکار می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله زکاتی را که بر محصول کشتزارا قرار داده اند، با رعایت انواع آن محصولات و چگونگی آبیاری آنان بوده است . از این رو در نامه خود به مردم عمان فرموده اند که یک دهم محصول خرما و یک بیستم محصول حبوبات ، زکات است ، اما به خثعم نوشته اند زکات محصولی که از دیم به دست آمده یک دهم و درباره محصولاتی که با وسایل آبیاری می شوند، یک بیستم زکات بپردازند. و در یکی از روایات از آنچه که بر مردمان دومه الجندل واجب کرده اند نخلستان های دیم از آن ماست و نخل

Bia2book.blogfa.com

های بارور که نیاز به آبیاری دارند از آن شما. از محصول زمین هایی که با آب جاری سیراب می شود، یک دهم زکات دریافت می شود و از محصولاتی که با آب چاه سیراب می شود یک بیستم .. و از کالاهای شما یک دهم گرفته نمی شود

اما در برخی نامه ها به تنوع مقدار مالیات اشاره شده ، بدون آنکه مقدار کامل آن تعیین شود. در نامه ای که بنابر یکی از روایات به بنی جناب نوشته شده آمده است : درباره محصولی که از آبیاری با آب چشمه ها سیراب می شود یک دهم آن باید پرداخت شود و در مورد محصول دیم نیمی از آن طبق ارزیابی کارگزار امین باید پرداخت شود. بنابراین وظیفه دیگری به آن افزوده نمی شود و نباید مال را پراکنده کرد و به روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنان نوشتند: زکات محصول زمین های دیم و آبی را کارگزار امین که ارزیابی به وسیله او به صورت می گرفته به ما نداده اند و به چگونگی تعیین و صلاحیت های او بر اجرای این واجبات بر مردم شهرها و صنعت ها اشاره ای نکرده اند.

مالیات سرانه مردم شهرها و تولیدات

جزیره العرب دارای شهرها و مراکز صنعتی و تجارتی فراوانی بوده است وم پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه هلای خود دتسورات خویش را متوجه سه مرکز نمودند: نخست اطراف شمالی حجاز، دیگر، مردم نجران ، و سوم مردم بحرین . اما از مراکزی که در اطراف شمالی حجاز قرار دارند، منابع ، اشاره به سه نامه کرده اند که در آن مالیات های گروهی قرار داده شده است .

1- نامه ای که پیامبر به مردم جربا و اذرح نوشته اند: بر ایشان صد دینار است که در هر ماه

Bia2book.blogfa.com

.33رجب باید آن را به طور کامل و با طیب خاطر بپردازند

این مالیاتی گروهی و تعیین شده از پول نقد بود. مقدار آن زیاد نبوده و بدون شک دریافت آن به وسیله روسای آنان و بر طبق نظر و اجتهاد آنان صورت می گرفته است .

2- نامه ای که به یوحنه بن روبه و ساکنان کوهپایه ای ایله[936] نوشته اند: مسلمان شو یا جزیه بپرداز، و خدای و رسول او را و فرستادگاه رسول خدا را اطاعت کن ، آنان را گرامی بدار و جامه های نیکو غیر از جامه های جنگجویان به ایشان بپوشان ؟ زید را هم جامه نیکو بپوشان ، هر اندازه که فرستادگان مرا خوشنود سازی ، من راضی خواهم بود. میزان جزیه مشخص است ، به حرمله سه بار جو بده .30. این مالیاتی محدود و نه چندان فراوان بوده است

3- نامه ای که به مردم حنبه و مقنا نوشته اند: پارچه های شما و همه بردگان و اسلحه و اسبان شما به اندازه ای که مقرر گردیده است از آن رسول خداست ، مگر آن چه که رسول خدا یا فرستاده پس به عهده شماست که یک چهارم محصول نخلستان ها را .او شما را از پرداخت آن معاف کند که 32و یک چهارم از تولیدات ریسندگان شما و یک چهارم از آنچه زنان شما می بافند بپردازید نشان دهنده مقدار نسبتا زیاد آن است .

برای نجران نیز در نامه ای طولانی که برای آنان نوشتند، به شرح خراج درخواستی پرداخته اند. چون در مورد میوه ها و طلا و نقره و بردگان ، آنها صدور حکم را بر عهده حضرت حکم کردند: پیامبر واگذار کرده بودند، تمام آن را به ایشان بخشید و برای آنان رها فرمود. مشروط بر آن که سالیانه دو هزار حله که ارزش هر یک چند وقیه باشد، بپردازند، حله می بایست از نوع گران بها و

Bia2book.blogfa.com

نیکو باشد. در هر ماه رجب هزار حله و در هر ماه صفر هزار حله و باید ارزش هر حله چند وقیه نقره باشد. آنچه بیشتر و یا کمتر از میزان خراج ایشان باشد، محاسبه و منظور خواهد شد، و آنچه از زره و اسب و مرکوب و کالا که بپردازند، نیز از حساب ایشان گرفته خواهد شد.

هزینه فرستادگان من در مدت بیست روز و کمتر از آن بر عهده مردم نجران است و نباید فرستادگان مرا بیش از یک ماه در انتظار گذارند.

و بر عهده ایشان است که چون در یمن درگیری و یا مکری پیش آید، به مسلمانان سی زرده و سی اسب و سی شتر عاریه دهند و هر چه از آن زره ها و اسب و شترها و کالاهای دیگر که نمایندگان من به عاریه گرفته اند، از میان برود، ضامن خواهد بود که به ایشان بپردازند.[937]

از این متن این چنین آشکار می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مالیات سالیانه همه مردم را در دو قسط رجب و صفر تعیین نموده اند . رجب در دوران جاهلیت دارای جایگاه ویژه ای بود؛ طوری که در این ماه آنان هدایای خویش را به بت ها و خدایان خود تقدیم داشته و برخی از مراسم مذهبی خویش را در این ماه به اجرا می گذاشتند. شاید ماه رجب با اواخر فصل بهار از ماه های سال شمسی برخورد داشته است .

شاید در این خراج بر کشاورزان ، صنعت گران ، بازرگانان و احتمالا مالکان قرار داده می شد. اینجا مقصود از کلمه رقیق که در متن وارد شده است ، همین باشد رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام املاک و نظم آنان را هم چنان برای ایشان باقی گذارد. ایشان مقدار مالیات منسوجات حلل و معادن گران سنگ را تعیین نمود، اما ارزش منسوجات را که به نظر می رسد دارای قیمت های

Bia2book.blogfa.com

تعیین شده ای بوده است ، مشخص نکرده است . هم چنین مالیات بر معادن را، بر اساس ارزش پول و سکه تعیین نکرده ، بلکه آن چنان که در آن هنگام در حجاز معمول بود، بر اساس وزن تعیین نموده است .

ایشان خراج را با نقره تعیین نمود که به نظر می رسد در آن هنگام داد و ستد آن بیش از طلا معمول بوده است و مقدار مهریه و قیمت بسیاری از کالاها بر اساس آن تعیین شده است . مالیات وقیه معادل چهل درهم وزن یعنی معادل یکصد و بیست گرم [938] . ، با وزن نیز تعیین شده است به شمار می آید. بدون شک ، پرداخت خراج با نقره ، بیشترین هماهنگی را با مصلحت دولت اسلامی داشت ؛ زیرا دولت می توانست در راه مقاصد خود، آن را به آسانی خرج نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخت خراج از سوی مردم نجران را بر اساس آن قرار داد و در این باره مسئولیت آن را بر آنان آسان نموده و اجازه داد معادل آن را از جنس دیگری هم چون زره یا اسب یا مرکوب و یا کالای دیگر بپردازند؛ بدون آن که ارزش آنها را تعیین نماید. شاید تعیین آن برای آسان کردن پرداخت خراج از معادن بوده است .

اما عاریه کردن زره و اسب و شتر، تدبیری استثنایی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است . در آمد کلی از مالیات بر معادن ، معادل هشتاد هزار درهم بوده است که این معادل مقداری بوده است که برای نخستین بار از بحرین به دست آوردند.

نجران به حاصلخیزی زمین و فراوانی کشتزارهایی معروف بود. این سرزمین در اطراف شمالی یمن واقع و محل عبور کاروان های بازرگانی میان یمن و سرزمین شام بود. دین مسیحیت از سال های

Bia2book.blogfa.com

قرن چهاردهم میلادی در میان مردم آن منتشر گردیده بود و ساکنین آن همگی بر کیش مسیحیت بودند. آنان در برابر ذی نواس که به آزار و شکنجه آنان پرداخته و بسیاری از آنها را در اخدود به آتش کشید، مقاومت کردند. مطمئنا آنان در دوران حکومت حبشیان مسیحی ، از رفاه خوبی برخوردار بوده اند. هنگامی که اوضاع و احوال یمن پس از طرد حبشیان از هم گسسته شد، مردم نجران به استقلال دست یافتند.

آنان برای خود نظام ویژه ای در حکومت به وجود آورده بودند.

در این حکومت ، آنان دارای رییس و نایب و اسقف بودند و همان ها بودند که به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله نماینده روانه ساخته و با ایشان بیعت کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله سپس با آنان پیمان بستند. اغلب مردم آنان از بنی حارث بن کعب به شمار می آمدند. این عشیره توان و کفایت خاصی را داشت و مردان آن جایگاه ویژه ای در دولت پس از اسلام ، به خصوص در اوایل خالفت عباسیان داشتند.

از پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، با مردم نجران ، این گونه آشکار می شود که ساکنان آن ، دارای حرفه های متعددی بوده اند و در میان آنان کشاورزان و صنعتگران و بازرگانان وجود داشته اند. هم چنین به نظر می رسد آنان تعداد زیادی غلام را به استخدام خویش در آورده بودند و آنان دارای نظام سیاسی ویژه ای بودند .از نیروی آنان برای کار بر روی زمین استفاده می کردند که با نظام کهنسال بدویان اختلاف داشت . در میان آنان ، رییس عهده دار قدرت سیاسی بوده است و نایب او، شاید بر کارهای اداری نظارت داشته است .

Bia2book.blogfa.com

اگر مسلمان شدند .اسلام را برایشان عرضه دار : در یکی از این نامه ها، این گونه اشاره شده است با آنان کاری نداریم ... و هر کس نپذیرفت و بر یهودیت و یا مسیحیت خود باقی ماند، جزیه بر 61 . عهده اوست

در برخی از این نامه ، مقدار جزیه نیز تعیین شده است . در یکی از این نامه ها، این گونه آمده است : و هر کس چنان نکند یک دینار معافری بر عهد اوست که به عنوان جزیه بپردازد .59در نامه دیگر آمده است : به هر مردی که دارای زمین نیست ، پرداخت چهار درهم و یک عبا را 62.مقرر کن

از متن اول ، این گونه آشکار می شود که دینار، پول رایج میان آنان به شمار می آمده و مقصود از دینار با ارزش معافری ، همان پول رایج میان یمنی ها بوده است . اما در مورد درهم ، در آن هنگام درهم ساسانی در میان آنان معمول بوده است .

در اینجا از متن دو نامه یاد شده می توان نتیجه گرفت دینار، برابر با چهار درهم و یک عبا بوده است .

اسقف عهده دار مسایل دینی و مذهبی آنان بوده است . آنان دارای نیروی نظامی نیز بوده اند که از سرزمین آنان حمایت و حفاظت می کرده است . آنان به اسود عنسی پیوستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیرویی را برای جنگ با آنان گسیل داشت ، اما به جنگ نپرداختند.

تنها راویان نجرانی به پیمان خود اشاره کرده اند و شاید یکی از عوامل آن ، انتقال آنان در دوران خلافت عمربن خطاب به عراق و سکونت گزیدن در جنوب کوفه باشد. آنان با علمای کوفه که

Bia2book.blogfa.com

اخبار پیمان های خود را جمع آوری کرده و به تغییراتی که در آنها به وجود آمده بود، اشاره نموده بودند، ارتباط داشتند. آنان هم چنین اخبار بعضی از پیمان هایی که با شهرهای دیگر عراق منعقد شده بود را جمع آوری کرده اند.

راویان پیمان هایی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم طائف ، و نیز مردم ایله بسته اند، ذکر کرده اند. در این میان شاید شهرها و مراکز معروف دیگری نیز بوده است که مانند این پیمان ها با آنان منعقد شده اما آگاهی هایی از آن به ما نرسیده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله تمامی نامه های خود به بحرین را تنها به منذر بن ساوی فرستاده اند. در یکی از نامه هایی که به منذر بن ساوی فرستاده شده است ، به جزیه این گونه اشاره شده است قدامه و ابو هریره را نزد تو فرستادم . پس آنچه از جزیه سرزمین تو، نزد تو جمع شده است به آن دو تسلیم کن.63

کسی را نزد منذر بن ساوی فرستادم که آنچه جزیه پیش او جمع : و در دیگری اشاره شده است شده است ، بگیرد. در فرستادن آن عجله کن و هر چه از زکات و دهگان که نزد تو گرد آمده ، همراهش بفرست.64

در نامه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله به یهودیان تیماء نوشته ، احکامی را بر آنان قرار داده است به جزیه اشاره شده است 30و نیز در نامه به یحنه بن رویه و مردم ایله 19 .

در نامه هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به یمن نوشتند، در نامه به عمرو بن حزم آمده است : هر یهودی و مسیحی که خالصانه مسلمان شود و آیین اسلام را بپذیرد او از مومنان به شمار

Bia2book.blogfa.com

می آید. برای او آنچه برای مسلمانان است خواهد بود، و بر عهده او هم همانی است که بر عهده همه مسلمانان است ، و هر کس بر یهودیت و یا مسیحیت خود باشد او را از آن منع نمی کند و

بر عهده همه مسلمانان است ، و هر کس بر یهودیت و یا مسیحیت خود باشد او را از آن منع نمی

کند و به هر شخص بالغ خواه مرد و خواه زن و برده و آزاد، یک دینار جزیه است که باید آن را یا معادل آن را از پارچه بپردازد. 105

و هر کس بر کیش : هم چنین در نامه به حارث ، و نعیم ، و نعمان از بزرگان همدان نوشته شده یهودی یا مسیحی باقی بماند او را از آن منع نمی کنند و پرداخت جزیه بر عهده اوست و در آن صورت بر عهده هر فرد بالغ چه زن و چه مرد و آزاد و برده ، پرداخت یک دینار کامل به ارزش معافر است که می تواند معادل آن را پارچه بپردازد.109

استفاده از تعبیر جزیهٔ ارضک یا جزیه سرزمین تو، مستلزم آن نیست که مالیاتی گروهی باشد، بلکه ترجیحا چنین است که مالیاتی بر افرادی از مردم شهر بوده است .

کارگزارن صدقات

طبری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال نهم هجری کارگزاران خویش را بر صدقات گسیل داشت ، زیرا در این سال زکات و صدقه واجب شد... و در این سال بود که آیه از اموال آنها صدقه ای به عنوان زکات بگیر توبه ۱۰۳ نازل شد : یعنی [939]خذ من اموالهم صدقة.

نکته قابل توجه آن که در این سال ، ثقیف ، جرش ، تمیم ، و طی ، اسلام خویش را اعلام نمودند.

ابن سعد می گوید که رسول خدا تعدادی از کارگزاران صدقات خود را در اول محرم سال نهم

Bia2book.blogfa.com

از فهرست نام کارگزاران صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله ، آشکار می شود [940] . روانه ساخت که آنها از مردم حجاز از دورترین منطقه شمالی آن تا اطراف یمن بوده اند و نیز عشایری که این کارگزاران مردانی از همان .خانه های آنان در اطراف شرقی حجاز بوده ؛ مانند طی و تمیم عشیره بوده اند که به این کار منصوب می شدند.

بسیاری از آنان ، اگر نگوییم همه ، روسای عشایر خویش در پیش از اسلام بوده اند. در این میان عبد الرحمن بن عوف که به جمع آوری صدقات از کلب ، ابو عبیدۀ بن جراح : تنها چند تن چون که به جمع آوری صدقات از هذیل و کنانه و مزینه ، عبادبن بشیر اشهل که به جمع آوری صدقات از سلیم و مزینه ، و ولید بن عقبه که به جمع آوری صدقات بنی مصطلق تعیین شده بودند، از این قاعده مستثنی بودند. سه نفر اول از مسلمانان نخستین به شمار می آمدند و در غزوات و عباد بن بشر نیز مدت کوتاهی به کارگزاری صدقات بر سلیم منصوب .سریه ها شرکت داشتند بوده است ؛ زیرا پس از او، عباس بن مرداس جایگزین او شد و عباد به جمع آوری صدقات مزینه مامور شد.

بیشتر عشایری که بر آن ها کارگزارانی تعیین شد، همگی ساکن شمال حجاز و شمال شرقی آن بودند. برخی از این کارگزاران ، به جمع آوری صدقات بیشت از یک عشیره که نزدیک به یکدیگر زندگی می کرده اند، می پرداختند. تنها مناطق مستقر در شمال حجاز دهکده های عربی و مکه و طائف دارای والیان ویژه و ثابتی بودند. به طور کلی ، اطلاق تعبیر مصدقین یا کارگزاران جمع آوری صدقات بر این افراد خود گواه آن است که آنان برای هدفی تعیین شده بودند که تنها

Bia2book.blogfa.com

جمع آوری صدقات بوده است . بنابر این ضروری به نظر نمی رسد که آنان در آن مکان ها اقامت دایمی داشته باشند، زیرا صدقات ، هنگامی که عشایر در آغاز بهار در کنار آب ها گرد می آمدند، جمع می شد.

البته تعیین کارگزاران صدقات بر هر عشیره از میان مردان آن ضرورت اقامت دایمی آنان در عشیره را به همراه داشت ، که شاید این مطلب در ارتباط با تایید و بزرگ داشتن جایگاه اداری آنها و هدایتشان به سوی اسلام باشد. تمامی این حرکات ، موجب می شد که آنان برای خود چیزی نزدیک به استقلال ذاتی در رفتار تصور کنند. اسلام با این حرکت ، نظام معمول قبیله ای را نسبت به جایگاه رییس قبیله و بزرگ آن پاس داشت . منابع ، فهرستی از نام والیان را آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به سوی شهرها و مراکز تجمع های مسکونی ، از جمله مکه و طائف و بحرین و عمان و یمامه ، و هفت والی به سوی یمن فرستاد. شرح شرایطی که والیان به هنگام سخن از جنبش های رده و جدایی با آن برخورد نمودند نیز آمده است و ما در اینجا تنها به این گفته بسنده می نماییم که قدرت و اختیار آنان با کارگزاران صدقات متفاوت بوده است ؛ زیرا شرایط آن شهرها به گونه ای بوده است که نام والی را بر آن قرار داده اند.

فهرست نام کارگزاران و والیان که از سوی منابع ، یاد شده ، به بسیاری از عشایر نیز که از سوی خود نمایندگانی به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده و اسلام خویش را اعلان نمودند ، اشاره می کند؛ هم چنین به افرادی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به ریاست عشایر خویش تعیین نمود.

Bia2book.blogfa.com

فرمان زکات ، نشان از حق دولت قانونی در گرفتن اموال بر طبق قوانین معینی است ، اما این به این معنا نیست که آنها منبع ثابت در آمدهای بیت المال مرکزی بوده است . در این زمینه هیچگونه دلیلی وجود ندارد که پس از واجب شدن صدقات و فرستاده شدن کارگزاران ، در آمدها افزایش یافته باشد، زیرا این صدقات ، همواره از اموال ثروتمندان دریافت شده و به فقرا و نیازمندان داده می شد. به بیان دیگر، این در آمدها به مصرف محلی می رسید و هیچ گاه به مدینه فرستاده نمی شد، مگر آنکه چیزی اضافه باقی مانده باشد.

عهده داران جمع آوری صدقات

Bia2book.blogfa.com

مزه	حارث بن عوف مری	ع، بلاذ، شبه ۵۲۷
ذبیان	ابن لبئیه	سعد، مجمع الزواید ۸۷۵/۳
اشجع و غبس و انمار	مسعود بن رخیله اشجعی	ع، بلاذ (نعیم بن مسعود)
عذره (و سلامان و بلی)	اعجم بن سفیان بلوی	ع، بلاذ
تغلبه و نمیر و عبدالله بن غطفان	عبدالله بن عمرو	شبه ۳۷۳
حنظله (یربوع)	مالک بن نویره	بلاذ، محبر، ط، هشام ۳۷۱/۴، الام نوشته شافعی ۴/۵
عوف و ابناء	زبرقان بن بدر	ع، بلاذ، محبر، هشام ۳۷۱/۴، ام ۴/۵ شبه ۵۲۵
مقاعس و بطون	قیس بن عاصم	ع، محبر (بنی سعد)، ام ۴/۵
دارم	عفاره	ع، بلاذ (اقرع بن حابس)
جهینه	رافع بن مکیث	بلاذ، سعد
اسلم و غفار	بریدة بن حصیب اسلمی	بلاذ، سعد
مزینه و هذیل و کنانه	ابوعبیدة بن جراح	بلاذ
سلیم و مزینه	عباد بن بشر اشهلی	سعد ۳ ـ ۱۷/۳
سلیم	عباس بن مرداس	ع
مصطلق	ولید بن عقبه	ع، محبر، بلاذ (عبادین بشر انصاری)
سعد هذیم	(مردی از میان آنان)	سعد
عامر بن صعصعه	عامر بن جعفر	
هجز هوازن و ثقیف و سعد بن بکر	مالک بن عوف نصری	بلاذ
کلاب	ضحاک بن سفیان کلابی	ع، بلاذ، سعد، مجمع الزواید ۷۲/۳
بجیله و خولان	ابوسفیان	بلاذ
کعب	بشر بن سفیان	سعد

عهده‌داران جمع‌آوری صدقات

عشیره	سرپرست صدقه	متابع
کلب	عبدالرحمن بن عوف	ع، بلاذ (گفته می‌شود)
طی (و اسد)	عدی بن حاتم	ع، بلاذ، محبر، ط
اسد	ابله بن قیس اسدی	ع
فزاره	عیینة بن حصن	ع، بلاذ، ط
	عمرو بن عاص؟	سعد

والیان شهرها

دشت قریٰ	عمرو بن عاص	محبر
دهکده‌های عرب	حکم بن سعید	محبر
دهکده‌های عربی: خیبر و دشت قریٰ و تیماء و تبوک	عمرو بن سعید بن عاص	ع
مکه	عتاب بن اسید	بلاذ، محبر
طائف	سالف بن عثمان ثقفی	بلاذ، ابن شبه ۵۰۷
	عثمان بن ابی عاص	محبر، بلاذ
جرش	سعید بن قشیه حلیف بن امیه	ع
نجران	علی بن ابیطالب(ع)	ع، ط
	زید بن ابی سفیان	بلاذ، محبر
	عمر بن حزم انصاری	ع، بلاذ
	ابوسفیان	ع، بلاذ
صنعاء	خالد بن سعید بن عاص	ع، بلاذ، محبر
	مهاجر بن ابی امیه	بلاذ
جند	معاذبن جبل انصاری	ع، بلاذ، محبر
زبید و رمع و عدن و ساحل	ابوموسی اشعری	ع، بلاذ، محبر
کنده و صدف	مهاجر بن ابوامیه مخزومی	ع، بلاذ، ط
حضرموت	زیاد بن لبید بیاضی	ع، بلاذ، محبر
بحرین	علاء بن حضرمی	ع، ط
	ابان بن سعید	ع، بلاذ، ط
عمان	عمرو بن عاص	
یمامه	سلیط بن سلیط	ع

والیان شهرها

عشایری که گفته می شود رسول خدا صلی الله علیه و آله افرادی را برای جمع آوری صدقات به

Bia2book.blogfa.com

سوی آنان روانه ساخت ، شامل تمیم که سرپرستان صدقات از روسای آنان بودند، طی ، اسد، فزاره ، و عشایر حجاز بودند که دولت اسلام در تمامی این مناطق ریشه دوانده بود. اما مناطق دیگر در یمامه ، بحرین ، عمان ، یمن و حضرموت هر یک دارای شرایط ویژه ای بودند که در جلد دوم از آن سخن خواهیم گفت : هم چنین اینها عشایری نبودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنان ارسال نمود.

در منابع ، احادیث فراوانی از پیامبر ذکر شده که ایشان فرموده است : صدقات تواخذ من حواشی اموال الاغنیاء لترد علی الفقراء؛ [941] یعنی : از کنار دارایی های ثروتمندان صدقه دریافت می شود تا به نیازمندان باز گردانده شود .به بیان دیگر، دریافتی های آن به مصرف محلی می رسید و به مدینه فرستاده نمی شد، مگر آنکه از آن مقداری باقی بماند که این مقدار فراوان نبوده است ؛ زیرا منابع به افزایش در آمد پیامبر صلی الله علیه و آله در سال های پایانی عمر ایشان اشاره ای نکرده اند.

تقسیم صدقات به دست آمده میان مستمندان عشیره یا جامعه ای که از آن گرفته شده است ، هماهنگ با اصول انسانی بود که اعراب در یاری دادن به ضعیفان و بی پناهان داشتند؛ اما این اصول ، انسانی بود که اعراب در یاری دادن به ضعیفان و بی پناهان داشتند؛ اما این اصول ، در چهار چوب حکومت اسلامی ، از سوی قدرت مرکزی ، که تمامی گروه ها را بر پایه اعتقادات دینی و خواسته ها مرتبط ساخته بود، تعیین و واجب شد. با این که دریافت زکات و صدقات بستگی به همکاری و اجرای آن از سوی عشایر با پیامبر صلی الله علیه و آله داشت و کارگزاران

Bia2book.blogfa.com

صدقه ، کارمند نبودند و تنها وظیفه جمع آوری صدقات را به عهده داشتند که باید با رعایت سنت ها انجام می شد، این حرکت نشانه تسلط قدرت مرکزی بود که بر اساس نظم و سنت های آنان ، موجب تقویت روابط امت و ثبات و تحکیم قدرت خود می شد.

زکات ، هم از بدویان و هم چوپانان دریافت می شد؛ از این رو، همواره در چهارپایان محصور نبود. هم چنین اموال ساکت و در کشاورزی و بازرگانی با عشریه همراه بود.

قانون عشریه بر تجارت ، از پیش از اسلام معروف و متداول بوده است ، اما اسلام ، آن را از میان برداشت . رسول خدا صلی الله علیه و آله در نامه هایی که به بعضی از عشایر فرستاد، نوشت که آنان از جای خود کوچ داده نمی شوند و عشریه یک دهم ایشان دریافت نخواهد شد.

بخش پنجم : سخن و پیام اسلام

فصل بیست و چهارم : رسالت اسلام

قرآن کریم

جایگاه قرآن کریم

رسالت اسلام در قرآن کریم ، که الفاظ و معانی آن از سوی پروردگار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، نمودار شده است . پیامبر نیز آن را به آگاهی یاران خود و مسلمانان رسانید تا آن را خوانده ، حفظ نموده و از آنچه در آن آمده پیروی نمایند. بنابراین ، قرآن چشمه ای است که مسلمانان در دین خود از آن مایه می گیرند و همو است که جامعه اسلامی را مشخص نموده و ویژگی های و برتری های آن را می نماید.

Bia2book.blogfa.com

هر کس بخواهد عضوی از جامعه اسلامی باشد، باید از آنچه در قرآن آمده است سرپیچی نکند و مخالفت با آن را در حکم خروج از اسلام بداند.

بنابر این ، قرآن سر چشمه اولیه و اساسی اندیشه های قانونی و تشریعی به شمار می آید. از این رو، احکام و قوانین آن بر مسلمانان واجب است و بر آنان است که از آن پیروی کرده و در رفتار و کارهای خویش آن را به اجرا در آوردند. هم چنین بر مسلمانان است که در مواردیکه نص وجود ندارد، به اصول اساسی تکیه نمایند.

پس بطور کلی ، قرآن همان قانون اساسی سیاسی اسلام و مرجعی است که فرقه ها و مذاهب اسلامی ، برای نشان دادن درستی راه خویش ، به آن پناه جسته و تکیه می نمایند .قرآن سرچشمه ای است که فلاسفه و اندیشمندان و مسلمانان هنگام اثبات اندیشه ها و نظریات خویش به آن استناد می کنند. بیشتر علوم و دانش عربی به قرآن باز می گردد؛ به ویژه دانش های زبانی مانند دستور زبان و صرف و نحو که به همراه سخنوری و بیان و اعجاز و نقد ادبی ریشه در قرآن دارند.

از سوی دیگر، قرآن دارای اخبار و آگاهی هایی نسبت به امت های پیشین و فرستادگان و پیامبران و دولت های گذشته است که بیشتر کتاب های تاریخی نوشته شده در این زمینه تکیه به آن دارد. و حتی دانشمندان علوم طبیعی ، صحت گفتار خویش را به وسیله آن می سنجد.

تاریخ بشریت کتابی نظیر قرآن و به تاثیر گذاری آن سراغ ندارد. از هنگام نزول آن تا کنون و از این پس تا آنجا که پروردگار بخواهد، مردم در جای جای جهان روزانه آن را قرائت نموده و اندیشه ها و نظم خود را از آن خواهند گرفت . مردم با خواندن قرآن ، تحت تاثیر زبان ، روش ها

Bia2book.blogfa.com

و اندیشه های آن قرار می گیرند؛ طوری که می توان گفت در مورد هیچ کتابی به اندازه قرآن ، بررسی ، و شرح ، پاورقی ، و تحلیل ها و نقل قول به عمل نیامده است[942] .

نام ها و نزول قرآن

قرآن کریم کلمه قرآن را به حرف تعریف ال در پنجاه آیه و بدون آن در نوزده آیه ، آورده است . هم چنین در هفت آیه با نام الفرقان به آن اشاره نموده است . نیز از آن با نام الکتاب در نزدیک به هشتاد آیه یاد شده که منظور، آنچه به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده می باشد. البته در تعدادی از آیات دیگر، به لفظ الکتاب اشاره شده که مقصود آن ، کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان است و در قرآن از خود آنان به عنوان اهل الکتاب یاد گردیده است.

نیز نام الذکر در چهل و چهار آیه آمده است که در بیشتر آنها، مقصود همان قرآن کریم است . هم چنان که در آیه ای ، به نام الصحف از آن یاد گردیده است رسول من الله یتلوا صحفا مطهرة ؛ یعنی : پیامبری از سوی خدا بیاید که صحیفه های پاکی را برآنها بخواند بینه ۲.

در جای دیگر، از اصل قرآن کریم این گونه یاد شده است : فی لوح محفوظ؛ یعنی : در لوح محفوظ جای دارد بروج ۲۲ که در این لوح ، ام الکتاب ال عمران ۷، رعد ۳۹، زخرف ۴ یعنی اساس این کتاب قرار دارد.

پروردگار متعال ، قرآن کریم را به وسیله روح الامین شعراء ۱۹۳ و روح القدس نحل ۱۰۲ بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرده است.

Bia2book.blogfa.com

این کتاب قرآن به زبان عربی آشکاری نازل شده نحل ۱۰۳، شعراء ۱۹۵، یوسف ۲، رعد ۳۷، طه ۱۱۳، زمر ۲۸، فصلت ۳، شوری ۷، زخرف ۳، احقاف ۱۲ تا عرب بتواند به آسانی آن را فهمیده و درک نماید.

آیات و سوره ها

قرآن کریم ۷۷۶۳۹ کلمه دارد که ۶۷۲۵ آیه را تشکیل می دهد. کلمه آیه در سیصد و هشتاد جای قرآن آمده است که بیشتر آنها به معنای قدرت پروردگار متعال است که موجب ترس و شگفتی و تشخیص می شود و اغلب به همراه فعل اتی یعنی انجام داد، یا رای یعنی دید، یا جاء یعنی آمد، است . برخی آیه ها را با توجه به سیاق قرآن ، به دشواری می توان معنا نمود، اما معنای بیشتر آنها، مربوط به شکل ظاهری است ؛ هم چون آیه : ما ننسخ من آیۀ او ننسها نات بخیر منها او مثلها؛ یعنی : هر حکمی را نسخ کنیم ، و یا نسخ آن را به تاخیر اندازیم ، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم بقره ۱۰۶.

و یا این آیه : و اذا بدلنا آیۀ مکان آیۀ و الله اعلم بما ینزل قالوا انما انت مفتر ؛ یعنی : و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر مبدل کنیم حکمی را نسخ نماییم -و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند- آنها می گویند :تو افترا می بندی نحل ۱۰۱.

و نیز :هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات ؛ یعنی : او کسی است که این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن ، آیات محکم صریح و روشن است آل عمران ۷.

هم چنین : واذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمۀ ؛ یعنی : آنچه را در خانه های شما

Bia2book.blogfa.com

از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد کنید. در جای دیگر :تلک آیات الکتاب و الذی انزل الیک من ربک الحق ؛ یعنی اینها آیات کتاب آسمانی است ؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ، حق است موعد ۱.

یک آیه ، معمولا جمله مستقلی است ، اما گاه بیش از یک جمله است که به وسیله حرف ربط به یکدیگر متصل می شوند. هم چنین برخی آیات ، جزیی از یک جمله ، کلمه و یا دو کلمه به شمار می آیند.

آیات قرآن به صورت سوره ها تنظیم شده اند. تقسیم قرآن به سوره ها، به اوایل زمان نزول آن باز می گردد. کلمه سوره در ده آیه آمده است که در میان آن ، شش آیه با پسوند نزول آمده است . (943)

قرآن ، مشرکین را به آوردن یک سوره مانند خود آن و یا ده آیه به رقابت خوانده است[944] .

هر سوره نام مخصوصی دارد که بر گرفته از موضوع سوره و یا مهمترین محتوای آن است . این نام ها، گوناگون است و بیشتر از موضوع های انسانی گرفته شده است . در آغاز برخی سوره ها، حروف و یا کلمات گنگی دیده می شود که مفسرین در تفسیر آنها نظرات متفاوتی دارند. برخی سوره ها که تعداد آنها هم اندک نیست ، با سوگند، پرسش ، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا نیایش و تهدید آغاز می شوند.

تعداد آیات هر سوره متفاوت است . طولانی ترین سوره قرآن ، بقره است که 286آیه و حدود ۴۲۰۰ کلمه دارد. قرآن سوره هایی دارد که آیات آنها در حدود دویست آیه است و در مقابل ،

Bia2book.blogfa.com

سوره هایی که آیات آنها میان سه و هفت آیه است . کوتاه ترین این سوره ها، سوره کوثر است که شامل سه ایه و ده کلمه است.

سوره های دیگر در میان این دو دسته قرار دارند. به طور کلی ، سوره های طولانی در بخش های آغازین قرآن و سوره های کوتاه در بخش پایانی آن قرار دارند. بعضی از سوره ها در مورد یک موضوع سخن گفته اند؛ مانند سوره طه ، یوسف ، و سوره فاتحه به عنوان دعا و نیایش . دو سوره فلق ، و ناس هر دو معوذتان نامیده می شوند؛ زیرا در آغاز آنها، قل اعوذ آمده است . اغلب سوره ها دارای آیات متعددی در موضوع های گوناگون هستند.

زبان و شیوه قرآن

قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است . در تعدادی از آیات به این مطلب اشاره شده و زبان آن صحیح ، آشکار و خالی از عیب تعریف شده است : قرآنا عربیا غیر ذی عوج ؛ یعنی : قرآنی است عربی فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی زمر ۲۸ .و در جای دیگر بلسان عربی مبین ؛ یعنی : آن را به زبانی عربی آشکار نازل کرد نحل ۱۰۳؛ شعرا ۱۹۵.

زبان عربی آشکار و خالی از عیب قرآن ، گواه به اصالت و عدم اقتباس آن از دیگران است : لسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی مبین ؛ یعنی : در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است ، ولی این قرآن ، زبان عربی آشکار است یوسف ۳، زخرف ۴ و....

Bia2book.blogfa.com

هدف اساسی نزول قرآن به زبان عربی ، این است که عرب آن را فهمیده و درک نماید :انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون ؛ یعنی : ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم ، شاید شما درک کنید و بیندیشید مائده ۱۱۰؛ انعام ۷ و....

در چهارده جای قرآن جای قرآن اشاره شده است که کتاب مبین ، یعنی کتابی آشکار است و در هفت آیه ، البلاغ المبین یعنی ابلاغ آشکار معرفی شده است.

جایگاه فصاحت و سخنوری قرآن ، بر روشنی و تعبیرهای زیبا و بلیغانه آن ، که با روشهای آگاهی دهنده نوین و تاثیر گذار همراه است ، استوار است ؛ بطوری که مشرکین را به حیرت افکنده و آنان قرآن را جادویی آشکار شمردند.

مشرکین بلاغت زیبای قرآن را شعر می دانستند انبیاء ۵، صافات ۳۶، طور ۳ و قرآن کریم ، گفته آنان را این چنین پاسخ داد :ما هو بقول شاعر حاقه ۴۱ [945]یعنی : وگفته شاعری نیست .و یا در جای دیگر می فرماید :و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له ان هو الا ذکر وقرآن مبین ؛ یعنی : ما هرگز شعر به او پیامبر نیاموختیم ، و شایسته او نیست شاعر باشد؛ این کتاب آسمانی فقط ذکر و قرآن مبین است یس .69

روش جدی و مصمم به همراه زیبایی جاودانه قرآن ، چنان بود که خداوند مشرکین را به رقابت با آن فرا خواند و فرمود :فلیاتوا بحدیث مثله ان کانوا صادقین ؛ یعنی : اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند طور ۳۴ .و یا :قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لا یاتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا؛ یعنی : بگو اگر انسانها و پریان جن و انس اتفاق کنند

Bia2book.blogfa.com

که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد، هر چند یکدیگر را در این کار کمک کنند اسراء ۸۸.

این ویژگیهای قرآن ، عمومیت داشته و شامل جزئیات و کلیات آن نیز می شود :قل فاتوا بعشر سور مثله مفتریات وادعوا من استطعتم ؛ یعنی : بگو اگر راست می گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید، و تمام کسانی را که می توانید- غیر از خدا -برای این کار دعوت کنید !هود ۱۳.

یا :قل فاتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ؛ یعنی : بگو :اگر راست می گویید، یک سوره همانند آن بیاورید، و غیر از خدا، هر کس را می توانید به یاری طلبید !یونس ۳۸.

و یا :و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله ؛ یعنی و اگر درباره آن چه به بنده خود پیامبر نازل کرده ایم شک و تردید دارید، دست کم یک سوره همانند آن بیاورید بقره ۲۳.

این روشهای بلیغ و بی نظیر در قرآن کریم ، عامل یکتایی ، جاودانگی و اعجاز آن شده و تاثیر عمیقی در ادبیات و سخن بر جای گذاشته است.

تاریخ نزول

قرآن یکباره بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشد، بلکه به صورت تدریجی نازل گردید. به عبارت دیگر، قرآن در فاصله بیست سال به صورت پراکنده نازل شد. فاصله میان دو نزول ، متفاوت بوده است . گاه کوتاه مدت بود و گاه یک سال هب درازا می کشید. زمان فرود آمدن

Bia2book.blogfa.com

قرآن نیز به وقت معینی ارتباط نداشت . قرآن در هر فصل و ماه یا در شب و روز نازل می شد. و مقدار نزول هم یکدیگر متفاوت بود، گاه آیه کوتاهی نازل می شد و گاه چند آیه طولانی مانند آیات پایانی از سوره برائت و آیات دهگانه نخستین از سوره مومنین و نیز آیاتی که درباره حدیث افک فرود می آمد. جایگاه قرار گرفتن آیه به دلخواه پیامبر نبود، بلکه آنها نیز در اختیار وحی بود. هنگامی که آیه و یا آیاتی نازل می شد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می شد که آنها را در جایی معین میان آیات دیگر که از پیش نازل شده قرار دهد. بنابراین ، آیات قرآن کریم بر اساس زمان نزول مرتب نشده است . مفرسین گذشته و حاضر، همگی به بررسی و تحقیق درباره زمان نزول آیات پرداخته اند و توانسته اند میان آیات دوره مکه و دوره مدینه تفاوت هایی بیابند.

آنان سعی داشته اند زمان نزول آیات را با دقت بیشتری تعیین نمایند. در این راستا، مثل مفسرین از رخدادهای معروفی که تاریخ وقوع آن مشخص بوده ، پیکارهای بزرگ و برخی رویدادها همچون حدیث افک ، ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب دختر جحش ، مسجد ضرار، بیعت رضوان ، فتح مکه و گروه کناره گیران از جهاد کمک گرفته و زمان نزول برخی آیات را معین نموده اند. در این زمینه می توان زمان نزول بعضی از آیات متعلق به ناسخ و منسوخ را پیگیری نمود؛ زیرا با این که زمان هر یک از آنها را نمی توان به آسانی تعیین کرد، می توان گفت اولی پیش از دومی نازل شده است.

مفسرین در این زمینه به روایات فراوانی که درباره زمان نزول بسیاری از آیات به ما رسیده است

Bia2book.blogfa.com

اعتماد کرده اند، اما این روایات تمامی آیات قرآن را شامل نمی شود.

بسیاری از مفسرین معاصر، به ویژه تعدادی از مستشرقین ، سعین داشته اند که زمان نزول آیات را از راه بررسی موضوع های پرداخته شده به آن و یا روشهای سخن پردازی آیات ، تعیین نمایند.

در این راستا، برخی از آنان قوانین و قواعدی را برای خویش به وجود آورده و این گونه قلمداد کرده اند که آنچه در دوران مکه نازل شده ، موضوعا به داستان حضرت آدم علیه السلام ، آگاهی هایی از پیامبران و سخن گفتن با مردمان مکه و عرب مربوط است . در این آیه ها، از روز قیامت یاد شده و مردم از آن ترسانده شده اند و یا با سخنی موثر و قاطع ، توصیف بهشت و جهنم آمده و به قدرت نماییهای

پروردگار در طبیعت که معمولا همراه با سوگند و آیاتی با صفیرهای تعجب و سوال و یاد بتها است ، در آیاتی کوتاه و دارای سجع و قافیه و آهنگ یکنواخت - بویژه در کلمات پایانی - اشاره شده است.

اما در آیات مدنی ، به جهاد، منافقین ، مناظره با اهل کتاب و یهودیان و مسیحیان ، احکام ، حدود و قوانین اشاره شده است و اشاره مستقیم و ضمنی به رویدادها و حوادثی اسلام و نیز زندگی زناشویی رسول خدا صلی الله علیه و آله شده است . در این آیات ، بیشتر روش گزارش گونه با صفت های انشایی استفاده شده و بیشتر آیات نازل شده در این دوره ، طولانی است و هر آیه به بیش از یک جمله می رسد.

تکیه بر این اندیشه ها و روش ها، به عنوان پایه ای برای تعیین زمان نزول آیات ، قاعده ای قطعی

Bia2book.blogfa.com

و استوار به نظر نمی رسد، زیرا بسیاری از اندیشه هایی که در آیات مکی وارد شده است ، در آیات مدنی نیز تکرار شده است . از سوی دیگر، سبک و سیاق آیات ، ویژگی های برجسته و عمومی یکسانی دارد؛ همان طور که خود اسلام ، اصول اساسی و دیدگاه کلی ثابت و یکسانی دارد.

در مورد برخی از رویدادها، چندین آیه نازل شده است . بنابراین در این موارد، تعدد نزول در علت واحد را مشاهده می کنیم . از سوی دیگر، در بسیاری از آیات قرآن ، مضمون و محتوای عام را ملاحظه می کنیم . به ویژه آن که این آیات ، ناظر به ذات باری تعالی و قدرت و اعمال او، رفتار بشر و کارهای او، آگاهی ها و اخبار امت های گذشته و انبیاء پیشین و احکام عمومی در دین است.

تمامی آنچه گفته شد، نشان دهنده این حقیقت است که به دشواری می توان آیات قرآن کریم را بر طبق تاریخ نزول آن طبقه بندی نمود. با وجود آن که کشف زمان نزول آیات ، به آشنایی با اسباب نزول آن مربوط است . این حقیقتی است که برخی از مفسرین برای رسیدن به درک دقیق تر قرآن کریم و معانی آن ، به آن اشاره کرده اند[946] .

رسول خدا صلی الله علیه و آله آیات را خود دریافت می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله وحی را هنگام نزول قرآن کریم ، هم چون نوای زنگ می شنید [947]صلصلة الجرس و سپس آن را از راه زبان و نه از راه نوشته ، به مسلمانان منتقل می ساخت . به تواتر روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله توانایی نوشتن نداشت . در قرآن کریم نیز آمده است که ایشان وحی را برای

Bia2book.blogfa.com

دیگران تلاوت کرده و می خواند و یا آن را به گونه ترتیل به اصحاب منتقل می نمود. در این باره ، بیشتر اشاره به خواند پیامبر صلی الله علیه و آله شده است [948]و این خواندن در تعدادی از آیات به همراه کتاب آمده است [949] . از جمله : انه لقرآن کریم ، فی کتاب مکنون ؛ یعنی : که آن ، قرآن کریمی است ، که در کتاب محفوظی جای دارد واقعه ۷- ۷۷

در کتاب ها اشاره های فراوانی به این مطلب شده است که قرآن کریم در آن هنگام از سوی افرادی نوشته می شد. برخی از منابع نام تعدادی از نویسندگان وحی را آورده اند و برخی به نام چهل نفر از آنان اشاره کرده اند. به نظر می رسد هر یک از آنان آیات قرآن را برای خود می نوشته اند، بدون آن که همه در یک مجموعه واحدی جمع آوری گرنهج البلاغه . در این مورد به وجود قرآن کاملی پیش از مصحف عثمان ، اشاره نمی شود [950] .پیش از آن ، این آیات بر مواد گوناگونی نوشته شده بود. گفته می شود که ابن مسعود و ابن عباس هر یک دارای مصحف کاملی برای خود بوده اند. قرآن کریم به هنگام خلافت ابوبکر در مصحف یگانه ای جمع آوری شد.

نشر قرآن در آن هنگام ، همواره بر پایه گوش فرا دادن بود و مسلمانان همه روزه در نمازهای روزانه خود، مقداری از آن را می خواندند. در میان آنان ، تعداد بسیاری بودند که با نوشتن آشنایی نداشتند و بنابراین ضروری بود آیاتی از آن را حفظ نمایند. برخی در زمینه حفظ قرآن ، معروف شدند.

گفته می شود که هفتاد نفر از حافظان در جنگ یمامه به قتل رسیدند. برجسته ترین حافظان قرآن در آن هنگام ، چهار نفر از میان انصار بودند که عبارتند از: ابی بن کعب ، معاذبن جبل ، زید بن

Bia2book.blogfa.com

ثابت ، و ابوزید. انتشار قرآن به وسیله حفظ و شنیدن ، آن را در معرض اختلاف تلفظ به ویژه در بیان بعضی از حروف عله و کشیدن آن و گاه تغییر بعضی از کلمات که موجب تغییر در مقصود آن می شد، قرار می داد. این مطلب ، از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق می افتاد. روایت می شود که ایشان فرمودند :نزل القرآن علی سبعۀ احرف کلها کاف شاف ؛ یعنی : قرآن بر هفت حرف نازل شده است که همگی آنها ارزشمند و کافی است .این تفاوت و اختلاف ، پس از کشورگشایی اسلام و انتشار عرب و پراکنده شدن مسلمانان افزایش یافت . عرب و لهجه های خاص بدوی آن ، در این رهگذر مصون از لغزش و خطا نبود .عثمان بن عفان برای درمان این مهم ، چهار نفر را که معروف به دقت و توجه و ثبت دقیق قرآن بودند، انتخاب نمود. آنان عبارت بودند از زید بن ثابت ، سعید بن عاص ، عبد الرحمن بن حارث و عبد الله بن زبیر .زید بن ثابت از افرادی بود که قرآن را در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع آوری کرده بود. چهار نفر انتخاب شده ، از هیچ گونه سعی و کوشش در جمع آوری آیات نوشته شده و تطبیق آن یا آنچه که از حفظ داشتند، دریغ نکردند. به این ترتیب ، آنان قرآن کاملی را به وجود آوردند که بر اساس قرائت عامه مسلمانان بود. از این مصحف ، چهار نسخه تهیه شد و مورد تایید عثمان قرار گرفته ، به بصره و کوفه و شام و مصر ارسال شد تا مرجعی اساسی برای نوشتن قرآن باشد. جمع آوری قرآن از سوی عثمان ، مورد استقبال عموم قرار گرفت ؛ به گونه ای که معترضینی که عملکرد عثمان را نقد می کردند، نسبت به جمع آوری قرآن از سوی او اعتراضی نداشتند [951] و از آن پس ، مصحف عثمان مورد استفاده همه مسلمانان قرا گرفت و تا روزی که خداوند بخواهد،

Bia2book.blogfa.com

هم چنان مسلمانان روی زمین آن را مورد استفاده خویش قرارخواهند داد[952] .

مصحف عثمان بر روی پوست ، به خط کوفی و با حروف بدون نقطه نوشته شد. در این آن هنگام ، نسخه اصلی آن ، به عنوان نسخه مادر به شمار می آمد. به علت تعداد کم نسخه ها، تکیه گاه اصلی در خواندن قرآن ، بیشتر بر حفظ و شنیدن بود و این موجب تفاوت هایی در خواندن قرآن می شد؛ تفاوت هایی مانند: کش دادن حروف و یا ساکن کردن آنها و نیز ثبت حروف و موقعیت کلمات آن . این تفاوت ها با این که اندک و ساده بود، با قرائت بزرگان قابل اعتماد راسخ تر می شد. از همین رهگذر، کتاب های زیادی درباره چگونگی قرائت قرآن به رشته تحریر در آمد. در این میان مصحف عثمان ، مهم ترین تکیه گاه در ترتیب قرآن و قرائت اساسی آن بود.

پس از مدتی ، مسلمانان به خطر خواندن قرآن با حروف بدون نقطه آگاهی یافته و روش نقطه گذاری برای حروف را ابداع نمودند [953] .آنان با این تغییر، توانستند حروف شبیه به هم را از یکدیگر تشخیص داده و حرکات را برای ادای تلفظ صحیح کلمات ، به کاربرند[954] .

قرآن کریم با همان ترتیبی که عثمان به وجود آورد و تا کنون در دست ماست ، به سی جزء تقسیم شده و موقعیت قرار گرفتن سوره ها و عنوان آنها همگی بر گرفته از مصحف عثمان است . برخی از منابع گفته اند که عبد الله بن مسعود [955]خود دارای مصحف جداگانه ای بوده است که در ترتیب قرار گرفتن سوره ها با مصحف عثمان تفاوت داشته است[956] .

در قرآن کریم ، آیات محکم و متشابه و کلماتی وجود دارد که بعضی معنایی آشکار و واضح و

Bia2book.blogfa.com

برخی معانی متعدد دارند و برای درک آنها به آگاهی های وسیع تر و سطح فکر بالاتری نیاز است . بعضی از آیات نیز دارای تفسیرهای گوناگون و چند جانبه ای است که بر اساس گفته های متعدد، تاویل و تفسیر می شود.

تمامی این ویژگی ها، ضرورت شرح آیات قرآن و بیان اندیشه های آن را فزون تر می کرد. از این رو، کتاب های فراوانی در زمینه توضیح معانی قرآن و شرح و تفسیر محتویات آن تدوین شد که از لحاظ محتویات ، متنوع و متفاوت بود. برخی محدود به بعضی از قسمت های قرآن بود، همچون شرح و توضیح کلمات آیات ، ضبط و تعیین چگونگی خواندن و تلفظ کردن لفظ، و نکات دستوری متعلق به هر لفظ. برخی دیگر از نوشته ها نیز به بحث های موضوعی ، هم چون تاریخ ملت های پیشین ، تاریخ پیامبران و رخدادهای گذشته می پرداخت . برخی از نوشته ها به شرح معانی آیات و زمینه های آن پرداخته و در آن ها بسیاری از نویسندگان ، اندیشه ها و افکار و عقاید سیاسی خود را در معانی آیات شرکت داده اند. علاوه بر تمام اینها، گروه بسیاری نیز در تالیفات خود، به تمام جوانب قرآن پرداخته و آن را تفسیر کرده اند.

فصل بیست و پنجم : دین و امت

دین

دین در اصل ، پایه و اساس ارزشی دعوت اسلامی به شمار می آید. پس به معنای آیین خدا [957]، آیین حق [958]، آیین پابر جا [959]ور روز قیامت یا همان روز جزا [960]نیز هست . بنابراین ، بر مردم است که به پروردگار ایمان آوردند :مخلصین له الدین ؛ [961]یعنی : خدا را از روی اخلاص

Bia2book.blogfa.com

بخوانند .پایه و اساس دین ، توحید مطلق و ایمان به پروردگار یگانه است که این ایمان چگونگی تفکر در مورد جهان هستی را نیز در بر می گیرد؛ هم چنان که بر چگونگی رفتار و سنت های مردم و نیز روش های زندگی دنیایی آنها تاثیر می گذارد. فضیلت جهانی اسلام ، بر سایر ادیان ، به گونه ای است که تمامی ادیان گوناگون را در بر می گیرد و میان ثروتمند و مستمند یا قوی و ضعیف تفاوتی نمی گذارد. دین ، آیینی است که پیروی از آن ضروری است : ثم جعلناک علی شریعۀ من الامر فاتبعها؛ یعنی : سپس تو را بر شریعت آیین حقی قراردادیم ، از آن پیروی کن جاثیه ۱۸.

پروردگار این آیین را پیش از پیامبر بر مسلمانان و پیامبران ، تشریع نموده و واجب گردانده بود : شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک ؛ یعنی : آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود شوری .13

اسلام و ایمان

آیینی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن بشارت می داد و می داد و مردم را به آن دعوت می نمود، همان اسلام است : فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام ؛ یعنی : آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام ، گشاده می سازد انعام ۱۲۵.

هم چنین می فرماید :افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه ؛ یعنی :آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته همچون کوردلان

Bia2book.blogfa.com

گمراه است ؟ !زمر ۲۲.

و نیز در جای دیگر :و من احسن دینا ممن اسلم وجهه لله و هو محسن ؛ یعنی : دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد نساء ۱۲۵ .هم چنین : و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه ؛ یعنی : و هر کس جز اسلام و تسلیم در برابر فرمان حق آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد آل عمران ۸۵.

در روزهای پایانی زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه نازل گردید.[962]

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا؛ یعنی : امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم مائده ۳.

قرآن کریم از کلمه مسلم ، 529بار، از اسلم 24بار و از اسلام بار یاد کرده است.

هم چنین از سلام در ۴۳ مورد و والسلم در ۴ جا از قرآن یاد شده است . در واقع در آغوش گیرندگان دین که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها بشارت داده شد، همان مسلمانان می باشند.

ایمان ، پایه و اساس اسلام به شمار می آید. در حقیقت کلمه ایمان و مشتقات آن ، بیش از کلمه اسلام و پیوسته های آن در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است . فعل آمن در صیغه جمع در ۵۰۲ آیه ، و در صیغه مفرد در ۵۰ آیه ، و کلمه مومن در ۲۱۸ آیه آمده است.

تفاوت ایمان از اسلام ، در خاستگاه قبیله گی ایمان و ارتباط و انضمام به گروه مسلمانان با ویژگی

Bia2book.blogfa.com

های روابط سیاسی و اجتماعی - که نشان دهنده اعتقاد و نظام نامه است - می باشد. قرآن در اشاره به این حقیقت می فرماید :قالت الاعراب آمنا قل لم تومنوا ولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم ؛ یعنی : عرب های بادیه نشین گفتند :ایمان آورده ایم ! بگو: شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم ، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است حجرات ۱۴.

فکر گرایی

جوهره و شالوده اسلام بر ایمان پایه گذاری گردیده و تجلی گاه آن ، شخص با ایمان است . از این رو فرد مومن ، زیر بنای اعتقادات این امت را تشکیل می دهد.

قرآن کریم در این باره توجه بسیاری داشته که با وجود تعبیرهای گوناگون آن تنها به یک مقصود اشاره کرده است . قرآن به الانسان در هشتاد و شش آیه ، به الانس و الجن در هجده آیه ، به الرجل در شصت و یک آیه ، به البشر در سی و هشت آیه و به المرء در یازده آیه اشاره کرده است.

بیشتر آیاتی که در آن اشاراتی به فرد گردیده همگی تاکید بر مسئولیت های ویژه هر فرد در وظایف و رفتارهای اخلاقی و قانونی و دینی دارد. می فرماید و ان لیس للانسان الا ما سعی ؛ یعنی :و این که برای انسان بهره ای جزء سعی و کوشش او نیست نجم ۳۹ .و نیز در جای دیگر می فرماید :قیامت ۱۴ .هر شخص علی نفسه بصیرۀ ؛ یعنی خودش از وضع خود آگاه است قیامت 14. در روز قیامت لا یجزی والد عن ولده ؛ یعنی پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل نمی کند لقمان ۳۳ و لا تضار والدۀ بولدها و لا مولود له بولده ؛ یعنی : نه مادر به خاطر اختلاف با پدر حق ضرر

Bia2book.blogfa.com

زدن به کودک را دارد، و نه پدر بقره ۲۳۳.

قرآن در آیه دیگری می فرماید :لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شیئا؛ یعنی : ثروت ها وفرزندان کسانی که کافر شدند، نمی تواند آنان را از عذاب خداوند باز دارد، و از کیفر، رهایی بخشد آل عمران ۱۰، ۱۶؛ مجادله ۱۷ و نیز :لن تنفعکم ارحامکم و لا اولادکم یوم القیامة ؛ یعنی : هرگز بستگان و فرزندانتان روزقیامت سودی به حالتان نخواهند داشت ممتحنه ۳.

در این باره ، باز آمده است : و ما اموالکم و لا اولادکم بالتی تقربکم عندنا زلفی ؛ یعنی : اموال و فرزندانتان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی سازد سبا .و در روز قیامت کل نفس بما کسبت رهینة ؛ یعنی : آری هر کس در گرو اعمال خویش است مدثر ۳۸ و در آیه دیگری آمده است : لا تجزی نفس عن نفس شیئا؛ یعنی : کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد.

مجموعه اندیشه ها و باورهای انسان ، همان جان اوست 316مورد و دل او 118مورد و قلب او 16مورد و خرد او 15مورد و در بسیاری از آیات قرآن ، قلب با گوش و چشم او همراه است. احکام اسلام قوانینی خیال پردازانه نیست ، بلکه از یک واقعیت ممکن و عملی در خارج برخوردار است : لا یکلف الله نفسا الا وسعها یعنی : خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش ، تکلیف نمی کند[963] .

اختیار فرد

آزادی یکی از اصول اساسی اسلام است ، که بر آن تاکید فراوان شده است . این آزادی ، متعلق به اشخاص و رفتارهای آنان است . از این رو، مسئولیت پذیری افراد برگرفته از آزادی ای است

Bia2book.blogfa.com

که هر فرد در رفتارهای شخصی خود از آن برخوردار است و با پشتوانه این آزادی فردی است که دعوت به شریعت اسلام پایه ریزی شده و افراد از راه خواسته قلبی ناشی از بحث و منطق عقلی - که نشات گرفته از احترام به شخصیت انسانی افراد و آزادی آنان است ، به اسلام دعوت می شوند :لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی ؛ یعنی : در قبول دین ، اکراهی نیست . زیرا راه درست از راه انحرافی ، روشن شده است .

آزادی در دیدگاه اسلام ، از گستره وسیعی برخوردار است و تنها با ضرر رساندن به منافع دیگران یا تهدید جامعه و سلامت آن و یا تلاش در راه سست نمودن عقاید آن محدود می شود. این آزادی ، گستره وسیعی هم چون آزادی نقل وانتقال ، کسب در آمد از راه های مشروع ، بحث و بررسی اندیشه ها و اعتقادات و پذیرش آنچه را که موافق عقل و منطق و وجدان بدور از فشار خارجی و یا جبر و الزام قهری ، را شامل می شود. اسلام بر خلاف دیگر ادیان ، فاقد طبقه روحانیون یا کاهن و نظایر اینان است که آگاهی های دینی و مذهبی را در انحصار خود گرفته و به این وسیله فهم خود از دین را بر مردم تحمیل نمایند. البته باید توجه داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه ای برخوردار بود، زیرا او پیامبری بود که وحی بر او نازل می شد و او آن را به مردم ابلاغ می نمود. از این رو، او آگاه ترین مردم به شریعت اسلام و خواست خداوند بود. اما صحابه ، گرچه از جایگاه والایی برخوردارند و از احترام خاصی بهره دارند، همگی در حکم شارحان یا فتوا دهندگان و یا مجتهدین بوده و نظریات آنان هرگز جنبه الزام و وجوب ندارد.

Bia2book.blogfa.com

جایگاه اندیشه و باور قلبی

رسالت اسلام ، تکیه بر باور و اعتقاد قلبی فرد و تصدیق او دارد. در قرآن کریم همواره بر استفاده از عقل و تفکر تاکید شده و پیروی از آن مورد ستایش قرار گرفته است.

در آیات بسیاری از قرآن ، تعابیر گوناگون از مظاهر معرفت و مراحل آن آمده است که از آن میان به : فقه در ۲۰ آیه و فهم 1آیه و درس 16آیه و معرفت 47آیه و نظر 124آیه و بینش 149آیه و احساس 33آیه و تردید 15آیه و پندار ۷۲ آیه می توان اشاره کرد.

در قرآن کریم به کلمه عقل در ۴۸ آیه ، و اندیشه در ۱۹ آیه و خرد به معنای عقل در ۶ آیه اشاره شده است . از روش های گفتگو و مناقشه ، به مجادله در ۳۹ آیه ، احتجاج در ۱۹ آیه ، استدلال در ۸ آیه ، یقین کردن در ۲۹ آیه و دروغ و گمان نادرست زدن در ۵ آیه اشاره شده است.

هم چنین کلمه علم و مشتقات آن در هشتصد آیه وارد شده که آنها در ۵۸۶ آیه اشاره به ذات پروردگار داشته و در ۱۸۴ آیه در ارتباط با بشر و مردم است . قرآن کریم در نه آیه اشاره به الذین اوتوا العلم یعنی : کسانی که به آنان علم داده شده است 27نحل و دو بار به الراسخون فی العلم یعنی : آنها که به دنبال فهم و درک اسرار آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی هستند 7 آل عمران اشاره کرده است . هم چنین قرآن کریم دانشمندان را مورد ستایش قرار داده و فرموده است : انما یخشی الله من عباده العلماء؛ یعنی : از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می ترسند فاطر ۲۸ و در جای دیگر می فرماید :یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات ؛ یعنی :

Bia2book.blogfa.com

خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد مجادله .

قرآن کریم از حکمت در شانزده آیه یاد کرده است که از میان آنها، در ده آیه آن را به همراه کتاب و در یک آیه آن را به همراه دارایی و ثروت آورده است.

هم چنینی قرآن در آیه ای ، این گونه اشاره کرده است که به لقمان دانش و حکمت دادیم و نیز به سلیمان هم دانش دادیم و هم داوری کردن عادلانه را نصیب او گردانیدیم [964] . خداوند می فرماید :یوتی الحکمۀ من یشاء و من یوت الحکمۀ فقد اوتی خیرا کثیرا یعنی : خدا دانش و حکمت را به هر کس بخواهد و شایسته بداند می دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است بقره .269

نیز در آیه دیگری می فرماید که حکمت ها و دانش هایی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی کردیم اسراء ۳۹ و در آیه ای پیامبر را دعوت کرده است که : ادع الی سبیل ربک بالحکمۀ والموعظۀ الحسنۀ ؛ یعنی : با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما نحل ۱۲۵ .

پروردگار ذات خویش را به توانا و حکیم در ۴۵ آیه ، و دانا و حکیم در ۳۴ آیه ، و حکیم آگاه در ۴ آیه ، و بلند مقام و حکیم در ۴۵ آیه ، و داناو حکیم در ۳۴ آیه ، و حکیم آگاه در ۴ آیه ، و بلند مقام و حکیم در ۲ آیه توصیف نموده است . در آیه ای نیز ذات خود را به توبه پذیر و حکیم و دارنده فضل و کرم و حکیم توصیف کرده است.

تاثیر قرآن کریم تنها محدود به افق های گسترده و دیدگاه اصلاح گرانه آن در اجتماع و اخلاق

Bia2book.blogfa.com

و نیز تاکید بر آزادی فرد و استفاده از عقل و اندیشه نیست ؛ زیرا حرکت قدرتمند به وجود آمده ، میان مسلمانان محصور نگردید و در میان مشرکین نیز گسترش یافته و ظهور اسلام ، آنان را از رکود و جمود خارج گردانده و حرکت و تفکر را در میان آنان آشکار ساخت.

دیدگاه جهانی قرآن

ظهور اسلام و نزول آیات قرآن ، توجه به مسایل دینی و تفکر در آنها را پس از دوره ای رکود افزایش داد. استدلال مشرکین این بود که آنان اسلام را به این خاطر نمی پذیرند که پدران خود را این گونه ندیده و پیرو رفتار پدران خود هستند. نمود آشکار این طرز تفکر، رفتار مشرکین مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان بود که با فحش و ناسزاگویی و آزار و اذیت و یا مطرح کردن تشکیکات سبکسرانه و سطحی و دور از استدلالات عمیق - که نشانگر اعتقادات ارزشمند باشد- به مقابله با اسلام برخاستند .قرآن کریم تصورات و اندیشه های نوینی را درباره ذات خداوند و رفتار او و رابطه خالق و بشر و وضع جهان ارایه نمود و به اصول و قواعدی که تنظیم کننده این رفتارها بود امر کرد که این اندیشه ها، شامل تمامی فعالیت های جهان اعم از فلکی و مادی است. قرآن کریم اهمیت ویژه ای به حقیقت انسانیت در زمان های حال ، گذشته و آینده داده است . از این رو، به تعدادی از ملت ها و امت ها، پیامبران و پادشاهان ، تمدن ها و جامعه های کهن بشری ، مراحل رشد و توسعه و عوامل شکوفایی و سپس شکست آنها اشاره دارد، و بر لزوم و ضرورت تحقیقت و تفحص و نتیجه گیری و به دست آوردن اصول کلی - که تنظیم کننده سیر بشریت بوده و در فراز و نشیب آن نقش دارد- اصرار ورزیده است.

Bia2book.blogfa.com

اسلام الگوهای والای نوینی برای زندگی اجتماعی از جنبه های گوناگون سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی قرار داد که این الگوها، شامل اندیشه و رفتار به صورت توام است . اسلام به امت ، به عنوان حقیقتی که نمایانگر اندیشه یک مجموعه از مردم در پیوند با یکدیگر که منبع نیرو و سلامت جامعه است ، اهمیت فراوان داده و به خصوصیات و ویژگیها و شرایط آن پرداخته است.

قرآن کریم به برخی از مسایل زندگی روز مره نیز پرداخته ، آن ها را بررسی کرده و برای حل آنها، یا برخی از آنها را لغو و تعدیل کرده و یا متناسب با زندگانی جدید بازسازی نموده و سپس و مردم را به پیروی از آنان دعوت کرده است . این مسایل و راه حل ها، موضوعاتی است مربوط به آنچه که امروزه از آن با نام احوال شخصی ، که شامل شیر خوارگی ، ارث ، ازدواج ، طلاق ، معاملات خرید و فروش و اجاره و جز این موضوعات می شود، به تفصیل در کتاب های فقهی سخن رفته است.

رابطه دینی

چگونگی ارتباط میان انسان و خالق ، با آگاهی از این که خداوند تبارک و تعالی دارای آنچه در آسمان ها و زمین وجود دارد است و به آورنده هر شی ء، مالک هر شی ء توانا به هر شی ء، دانا به هر شی ء و پروردگار جهانیان و همه بندگان است ، اهمیت دارد و بر هر شخص است که از پروردگار بترسد و از عذاب روز جزا بیم داشته باشد

قرآن از مومن این گونه یاد کرده است : او از پروردگار بیم داشته و در برابر خداوند سر تعظیم فرود می آورد. در این باره می فرماید: انما المومنون الذین اذا ذکر الله و جلت قلوبهم ؛ یعنی :

Bia2book.blogfa.com

مومنان ، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دلهایشان ترسان می گردد.

برجسته ترین صفات مومن ، همانا ترس او از خداست ، و مومنان ، پرهیزکاران هستند، بر آنان است که پرهیزکار باشند، و داشتن تقوا، ترس و پرهیزکاری و دوری از آن چه که مورد رضایت پروردگار نیست را طلب می کنند. عدالت ، و گذشت ، بزرگ داشتن شعائر الهی و تزکیه مال و دارایی از نشانه های تقوا به شمار می آید. افراد پرهیزگار و متقی ، همان اولیاء الله بوده و گرامی ترین مردم نزد پروردگار با تقواترین آنهاست .

امت

قرآن کریم از گروهی که به وسیله ارتباط دینی با هم همبستگی پیدا کرده اند، به دو تعبیر یاد کرده است . این دو تعبیر ملت و امت است . نسبت هر فرد با یکی از این دو، گاه فردی و گاه گروهی است . این دو تعبیر دو کلمه عربی است . اما در معنای ریشه ای آن مورد استفاده نیست ؛ از این رو ارتباطی میان ملت و ریشه های آن ، و یا امت و ریشه آن ام وجود ندارد.

درباره ملت ، قرآن کریم اشاره به کافرین ، و یهود و نصارا و قوم شعیب کرده است ؛ اما در این باره ، بیشتر ملت را به همراه حضرت ابراهیم (ع) آورده ؛ چنانکه می فرماید ملت ابراهیم ، و ملت ابراهیم حنیف ، درباره ارتباط دین اسلام به ادین ابراهیم حنیف که به وسیله رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم بشارت داده شده ، پیش از این بحث کردیم.

از کلمه امت فراوان در قرآن کریم یاد شده است . این تعبیر، کلمه عربی اصیلی است و در قرآن در شصت و سه آیه به آن اشاره شده است . در پنجاه آیه از آن ، به صورت صیغه مفرد که از

Bia2book.blogfa.com

میان آنها در آیه ای به پرنده اشاره کرده و می فرماید پرندگان نیز امت هایی همانند شما هستند و نیز در آیه ای دیگر اشاره به آن دارد که ابراهیم خود امتی بود .و در سایر آیات اشاره گروهی از مردم دارد که به وسیله عقیده ای واحد با یکدیگر مربوط می شوند.

قرآن کریم می فرماید همه مردم امت واحدی بودند، سپس اختلاف کردند، و اختلاف آنان به خواسته پروردگار است : و لو شاء الله لجعلکم امۀ واحدۀ یعنی : و اگر خدا می خواست ، همه شما را امت واحدی قرار می داد ولی خدا می خواهد شما را در آن چه به شما بخشیده بیازماید و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد.

در جای دیگر می فرماید: برای هر امتی ، رسولی است و پیامبران از سوی امت خویش به مقاومت و آزار برخورد نمودند و همت کل امۀ برسولهم یعنی هر امتی در پی آن بود که توطئه کند هم چنین در جای دیگر می فرماید: و لکل امۀ جعلنا منسکا؛ یعنی : برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم و نیز می فرماید: و لکل امۀ اجل ؛ یعنی : برای هر قوم و جماعتی ، زمان و سر آمد معینی است

قرآن می گوید: که در روز قیامت ، افراد بر اساس وابستگی هایشان به امت های خود محشور می گردند و از هر امتی ، گواهی از خود آنها بر ایشان قرار داده می شود و نیز امت هایی پیش از امت اسلام وجود داشته اند، که رفتار هر یک از آنان ، مربوط به خودشان است و از امت ها، گروهی به حق هدایت می کنند و به حق اجرای عدالت می نمایند. مسلمانان ، امتی دارای جایگاه ویژه هستند: و کذلک جعلنا کم امۀ و سطا؛ یعنی شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم و کنتم خیر

Bia2book.blogfa.com

امۀ اخر جت للناس ؛ یعنی : شما بهترین امتی بودید که به سوی انسانها آفریده شده اید بنابراین ممکن است که از امت اسلام ، گروهی پدید آیند که امۀ یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر یعنی امت و گروه های انسانی آن : امتی که به نیکی دعوت می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند

البته به وجود آمدن المت پیوستگی های انسانی دیگر را در میان آن انکحار نمی کند.

قرآن کریم در این باره به تقسیم ها و طبقه بندی به وجود آمده در میان بشر اشاره کرده و می فرماید: یا ایها الناس انا خلقنا کم من ذکر و انثی وجعلنا کم شعوبا و قبائل لتعارفوا؛ یعنی : ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به کلمه شعوب یا مردم ، تنها در این آیه از قرآن اشاره شده است . درباره قبیله ، در دو آیه ، که هیچ گونه ارتباطی با انسان ندارد، اشاره شده است . یکی از این دو آیه ، درباره شیطان است و می فرماید: انه یراکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم ؛ یعنی : و او و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید

دیگری درباره پروردگار تعالی است : او تاتی بالله و الملائکۀ قبیلا؛ یعنی : یا خداوند و فرشتگان را در برابر مابیاوری.

قرآن کریم با تعدادی از تعابیر، به گروه های انسانی اشاره کرده است که در بیشتر آنها، از کلمه قوم استفاده نموده است ؛ طوری که از آن ، به همراه مشتقات آن در ۳۸۵ آیه یاد کرده است . از میان آنها، در حدود یکصد آیه ، به قوم پیامبری از پیامبران ، به ویژه حضرت نوح و حضرت

Bia2book.blogfa.com

موسی (ع) اختصاص داده شده است . در اغلب آنها، به مجموعه های بشری که از نظر سیاسی و اجتماعی به هم پیوند داده شده اند، اشاره شده است .قرآن کریم ، درباره پیکار با کفار و واجب بودن آن فرموده است:

مگر آنها که با هم پیمانان شما، پیمان بسته اند، یا آنها که به سوی شما می آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده اند، نه سر نگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود ناتوان شده اند، و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، بلکه پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آنان شوید. به زودی جمعیت دیگری را می یابید که می خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان که مشرکند. لذا نزد شما ادعای ایمان می کنند. ولی هر زمان آنان را به سوی فتنه و بت پرستی بازگردانند، با سر در آن فرو می روند اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و یا به قتل برسانید آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم.

آیاتی که نام قوم در آنها آمده است ، بیشتر در اشاره به موضع گیری دینی آن اقوام بوده است و از آنان این گونه یاد شده است : کسانی که از ستمکاران ، کافران ، تبهکاران و گمراهان هستند و یا گروهی از آنان که از ایمان آورندگان ، فاسقان ، آگاهان ، عاقلان ، فهمیدگان ، یادآوران ، تفکر کنندگان ، شکرگزاران هستند.

Bia2book.blogfa.com

از آنچه گذشت ، آشکار می شود که کلمه قوم بر افرادی که در یک منطقه زندگی کرده و روابط فکری و عقیدتی ویژه ای آنها را به یکدیگر پیوند داده ، اطلاق می گردیده است.

بنابراین ، آنان جدای از قبیله یا تیره بوده و افرادشان از راه ارتباط نسبی و خونی با یکدیگر مربوط می شده اند. البته این به آن معنا نیست که احتمال به وجود آمدن یک قوم از یک قبیله واحد را نفی نماید. بدون شک ، اشاره بسیار به کلمه قوم و در مقابل اشاره اندک به کلمه قبیله ، گواه آن است که این تعبیر را در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به کار می برده اند .کلمه قوم شامل افرادی بوده است که دارای افکار و عقاید مشابهی باشند؛ چه از یک عشیره به وجود آمده باشند و چه از تعدادی عشیره.

تفاوت میان مفهوم قوم و مفهوم قبیله یا عشیره آن است که افراد یک قوم ، همگی در یک جا با یکدیگر زندگی می کنند؛ اگر چه شاید با یکدیگر اختلاف داشته باشند. منطقه مسکونی افراد قبیله و عشیره ، در چندین نقطه تقسیم شده است ، طوری که مجبور به اقامت دسته جمعی در یک مکان نیستند.

در میان افراد قبیله و عشیره ، برابری آشکارتر است ، زیرا آنان از نیای مشترکی سرچشمه می گیرند. همبستگی و یگانگی افراد یک قوم ، تفاوت های میان آنان را چه از نظر نسب و یا در کارهای دیگر نفی نمی نماید. قرآن کریم در اشاره به عدم برابری در اجتماع می فرماید :و رفع بعضکم فوق بعض درجات ؛ یعنی : و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد انعام ۱۶۵ .در جای دیگر می فرماید :والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق ؛ یعنی : خداوند بعضی از

Bia2book.blogfa.com

شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد چرا که استعداد و تلاشهایتان متفاوت است نحل ۷۱.

هم چنین در این باره آمده است : یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات ؛ یعنی : خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد مجادله ۱۱.

و نیز :فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة ؛ یعنی : خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان ترک کنندگان جهاد برتری مهمی بخشیده است نساء ۹۵.

قرآن هم چنین می فرماید :الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض ؛ یعنی : مردان ، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند از نظر نظام اجتماع برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است نساء ۳۴ .شاید این برتری در اسلام ، جدای برتری در میان افراد یک قوم نبوده باشد. قرآن کریم به لاهل ، به معنای ساکنین مناطق معین در آیات گوناگون اشاره کرده است : اهل القری را در پانزده آیه ، اهل المدینه را در پنج آیه ، اهل یثرب را در یک آیه ، اهل مکه را در سه آیه ، اهل المدینه را در پنج آیه ، اهل یثرب را در یک آیه ، اهل مکه را در سه آیه ، اهل بیت را در دو آیه و اهل مدین را در دو آیه آورده است . هم چنین از کلمه لاهل که نشان دهنده گروهی از مردم دارای ارتباط دینی با هم است یاد کرده و به اهل الکتاب در بیست و نه آیه ، اهل الانجیل در یک آیه ، اهل الذکر در یک آیه ، اهل التقوا در یک آیه ، اهل

Bia2book.blogfa.com

المغفرة در یک آیه و اهل النار در یک آیه ، اشاره کرده است . هم چنان که کلمه اهلک در پنجاه و دو آیه آمده است . کلمه اهل اشاره به گروهی بوده که در یک منطقه معین یا با عقیده ای مشخص ، صرف نظر از نسبت آنان به یکدیگر، با هم در ارتباط بوده اند.

هم چنین قرآن در آیات مختلفی از تعبیر ذو استفاده کرده است که اشاره به صفاتی است که پروردگار دارای آن صفات و قدرت هاست . نیز از این تعبیر به همراه خویشاوندی یاد شده و فرمان داده است که به خویشاوندان نیکی کرده ، و حق آنان پرداخت شود [965]مگر آن که این نیکی با اصل عدالت در تعارض باشد [966] .آشکار است که خویشاوندی بر پایه هم خونی استوار است و این خود دعوت به هم بستگی دارد .اما حدود آن معین و مشخص نیست ؛ اگر چه می توان گفت که خویشاوندی ، مجموعه ای کوچک تر از قوم و قبیله و عشیره به شمار می آید.

قرآن کریم ، هیچ گونه اشاره ای به کلمه الاسره به معنای خانواده و کلمه العائله به معنای افراد خانواده ندارد و تنها در یک آیه به فعل تعولوا [967]که به معنای عائله مندی و تنگ دستی است اشاره دارد.

قرآن در سی و شش آیه کلمه البیت را به کاربرده است که به معنای پناهگاهی است که انسان به آن روی می آورد. هم چنین در یکصد و هفتاد و یک آیه ، اشاره به بیت الله در مکه کرده و نیز در یک آیه اشاره به اهل بیت دارد.

فصل بیست و ششم : اخلاق و روابط اجتماعی

اخلاق اسلامی

Bia2book.blogfa.com

قرآن کریم به اخلاق اهمیت فراوانی داده است . اخلاق رفتار فرد ناشی از اراده او و تعبیر کننده حالات درونی و آنچه که در قلب اوست می باشد که در محدوده افراد و مصلحت آنان است.

رفتار و اخلاق دارای جایگاه ویژه ای در اسلام است . از این رو، اخلاق جزیی از عقیده اسلامی است که پایه و اساس آن ، ایمان به خدای یکتا و مالک هستی و به نظم آورنده آن به شمار می آید. خدایی که مردم را پس از مرگ ، دوباره زنده می کند و آنان را به خاطر رفتارشان در دنیا حساب رسی نموده و مجازات می نماید. از این رو، رفتار اخلاقی جزیی از نظام یکسان خلقت است که دارای قدیسیتی بر گرفته از خداوند است که نظام جهان را بر این مسیر قرار داده است.

رفتارهای اخلاقی ، بر اصول عقلی قابل دفاع پایه ریزی شده است و دنباله روی و تقلید کور یا پیروی از سنت های موروثی ، بدون توجه به ارزش و اهمیت آنها نیست ؛ بلکه بر اساس توجه و تفکر و تدبر در پدیده های عام طبیعی و سیر رفتارهای بشر در گذشته ، و اعتقاد و ایمان به اندیشه جاودانگی زندگانی که محصور به این دنیا نبوده و تا جهان دیگر ادامه می یابد، پایه ریزی شده است . از این رو، اصول رفتارهای اخلاقی ، دیدگاهی جهانی با افق های گسترده به گستردگی آفاق جهانی دارد و این است که آرزوها را در انسان زنده نموده و امیدی را گسترش می دهد که به نفع منافع تمام انسانیت است ؛ نه محدود به حدود فرد یا قبیله و منافع پست و تنگ دنیایی آنان.

نیکوکاری و خیراندیشی

قرآن کریم رفتار مورد پسند اسلام را صالح یا نیکو نامیده است . این کلمه در جای جای قرآن

Bia2book.blogfa.com

آمده است : العمل الصالح یا کار شایسته در ۳۶ آیه ، و عملوا الصالحات یعنی کارهای شایسته انجام داده اند، در ۵۹ آیه و الصالحون یعنی بندگان شایسته در ۲۶ آیه.

هم چنین در قرآن کریم ، کار شایسته به همراه ایمان در ۶۹ آیه یاد شده و نیز به ان الذین یومنون و یعملون الصالحات لهم الجنۀ ؛ یعنی : کسانی که ایمان آورده اند و اعمال شایسته انجام می دهند، بهشت از آن آنان است در ۲۲ آیه ولهم اجرهم یعنی پاداش آن برای آنان است در ۱۹ آیه اشاره شده است.

نیز در این باره قرآن می فرماید :فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا؛ یعنی : پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد کهف ۱۱۰ و نیز :من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها؛ یعنی : کسی که عمل صالحی انجام دهد، سودش برای خود اوست ، و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است فصلت ۴۶ .در جای دیگر می فرماید :ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریۀ ؛ یعنی : اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات خدا هستند بینه ۷.

قرآن هم چنین در مورد کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند فرموده است : لهم الدرجات العلا؛ یعنی چنین کسانی درجات عالی دارند طه ۷۵.

قرآن به همراه کار شایسته ، توجه و اصلاح را در ۱۲ آیه همراه ساخته و از اصلاح و بهبودی بر روی زمین ، در ۶ آیه یاد کرده است.

در قرآن کریم خیر اندیشی و نیکوکاری - که مورد تقدیر اسلام است - البر تعبیر شده و در چنین

Bia2book.blogfa.com

آمده است : ان الابرار لفی نعیم ؛ یعنی : به یقین نیکان در باغهای بهشت قرار دارند انسان ۵ .هم چنین در آیه ای دیگر، کمک در کار نیک و تقوا را درخواست کرده است [968] . قرآن فرموده است که نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورد [969]و در این باره فرموده : لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون ؛ یعنی : هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید مگر این که از آنچه دوست می دارید، در راه خدا انفاق کنید آل عمران ۹۲.

قرآن به اخلاق اسلامی نیز اشاره می کند و در مقابل ، در خلاف آن را که از ویژگی های اخلاق کافران است نیز یاد کرده و در وصف صاحبان آن می فرماید: نافرمان است ، و ناپاک و اسراف کننده است . هم چنین او مفسد، دروغ گو و ستمگر، مغرور، گردنکش ، زورگو، جفاکار تجاوزگر و متکی به خود است . قرآن از کافران به عنوان افرادی که در دل های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند، یاد کرده است.

فروتنی

رفتار مسلمان تکیه بر درک عظمت پروردگار و بیم از او و حساب روز جزا دارد. این ترس ، موجب سعی و کوشش در زندگی و توسعه آن شده و انسان را به مهم شمردن مسئولیت اخلاقی - که تحقق کامل آن بدون ایمان به روز پاداش ممکن نیست - سوق می دهد. از این رو، این ترس دارای زمینه ای دینی و اخلاقی بر پایه وحدانیت و یگانگی است.

پس ، ترس ، مسلمان را به فروتنی و دوری از پستی ها و پاکی قلب رهنمون می سازد .قرآن می فرماید :و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما؛ یعنی

Bia2book.blogfa.com

بندگان خاص خداوند رحمان ، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند، و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند و سخنان نابخردانه گویند، به آنها سلام می گویند و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند فرقان .

در آیه دیگری می فرماید :واذا مروا باللغو مروا کراما؛ یعنی : و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از آن می گذرند فرقان .72

هم چنین قرآن در آیه ای خطاب لقمان به فرزندش را این گونه یاد آوری می کند :ولا تصعر خدک للناس و لا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختال فخور؛ یعنی : فرزندم با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد لقمان ۱۸.

پروردگار متعال در خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله که نمونه و سرمشق مسلمانان است می فرماید :و لو کنت فظا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک ؛ یعنی : و اگر خشن و سنگدل بودی ، از اطراف تو، پراکنده می شدند آل عمران ۱۵۹.

پس ، اسلام همان تسلیم در برابر پروردگار است که لازمه آن پرهیزگاری و ترس از خدا و دست به دامن او زدن و بیم داشتن از اوست و مسلمانان در نهان از پروردگار رحمان بیم دارند :اذا ذکر الله وجلت قلوبهم ؛ یعنی : مومنان تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دلهایشان ترسان می گردد انفال ۲.

به همراه فروتنی ، بردباری ، همکاری ، مهربانی ، شادابی و تلاش و صفای نفس جایگزین غرور

Bia2book.blogfa.com

جاهلی و دوری گزیدن از خشونت و بدرفتاری ولذت های رذیلانه و بی پروایی و تهور عاطفی می شود.

قرآن کریم جهل را که در اصل به معنای از میان بردن علم و دانش است ، مورد نکوهش قرار داده و از این دیدگاه در آیات متعددی آمده است : یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف ؛ یعنی : و از شدت خویشتن داری ، افراد نا آگاه آنها را بی نیاز می پندارند بقره ۲۷۳ .انما التوبه علی الله للذین یعملون السوء بجهالۀ ؛ یعنی : پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند نساء ۱۷؛ انعام ۵۴؛ نحل ۷۹ .و الا تصرف عنی کیدهن اصب الیهن و اکن من الجاهلین ؛ یعنی : و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من بازنگردانی ، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود !یوسف ۳۳.

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف واخیه اذ انتم جاهلون ؛ یعنی : گفت آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آنگاه که جاهل بودید؟ یوسف ۸۹.

قرآن به هنگام یاد از جهل ، همواره آن را به معنای عدم آگاهی از دین و پروردگار و آنچه که به آن دعوت می نماید، در نظر گرفته است.

در آیاتی از قرآن ، به کلمه الجاهلیه اشاره شده است که مقصود از آن ، مخالفت با دستور پروردگار اسلام است . همانند یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیۀ ؛ یعنی : آنها گمان های نادرستی - همچون گمان های دوران جاهلیت - درباره خدا داشتند آل عمران ۱۵۴ و نیز در آیه دیگر می فرماید :افحکم الجاهلیۀ یبغون و من احسن من الله حکما لقوم یوقنون ؛ یعنی : آیا آنها حکم

Bia2book.blogfa.com

جاهلیت را ازتو می خواهند؟ و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟ !مائده ۵۰.

هم چنین می فرماید :اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیۀ حمیۀ الجاهلیۀ ؛ یعنی : به خاطر بیاورید هنگامی را که کافران در دل های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند فتح ۲۶.

این خشم و نخوت ، جای خود را به آرامش و وقاری که خداوند بر قلب های آنان نازل می کند می دهد. در این باره می فرماید :فانزل الله سکینته علی رسوله و علی المومنین ؛ [970]یعنی : سپس خداوند سکینه خود را بر پیامبرش و بر مومنان نازل کرد.

آشکار است که سکینه به معنای آرامش ناشی از تسلط بر درون ، برخاسته از تعادل رفتاری است که از به کارگیری عقل ناشی شده و فرد در برخورد با حوادث و اتفاقات به مقتضای آن حرکت می نماید.

خانواده

آرامش و استقرار، عامل به وجود آمدن روابط شخصی دور و نزدیکی است ؛ اما روابط شخصی نزدیک ، معمولا به صورت همراهی ، دوستی ، مصاحبت یا برادری شکل می گیرد و خود را می نمایاند. درباره مصاحبت و همراه بودن ، آیات بسیاری در قرآن است که به معنای تسلط و آقایی است . در این مورد، به همراهان بهشتی و دوزخی ، همراهان در معنای تسلط و آقایی است . در این مورد، به همراهان بهشتی و دوزخی ، همراهان در اعراف ، [971]همراهان در راه و صراط مستقیم الصراط السوی [972]و سعادتمندان و خجستگان اصحاب المیمنه [973]و شقاوتمندان اصحاب

Bia2book.blogfa.com

المشئمه [974]و اصحاب برخی از جایگاه ها از جمله : اصحاب مدین ، اصحاب ایکه ، اصحاب حجر، اصحاب کهف ، اصحاب اخدود، اصحاب قریه اصحاب سبت و اصحاب فیل در آیات اشاره شده است.

در تعدادی از آیات از رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان همراه و دوست حق یاد شده است . قرآن کریم این تعبیر را در پاسخ ادعای آنان که نسبت گمراهی ضل ، و یا انحراف غوی یا دیوانگی انه مجنون ، به حضرتش می دادند، به کار رفته است . هم چنین در آیه ای از همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در غار یاد شده است [975]که ابوبکر است و با پیامبر صلی الله علیه و آله در هجرت از مکه به مدینه همراه بود.

قرآن کریم در آیه ای به گنهکار اشاره کرده و همسر او را صاحبته پس از فرزند و پیش از برادر قرار داده و می فرماید :یوم المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ، و صاحبته و اخیه ؛ یعنی : چنان است که گنهکار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند و همسر و برادرش را معارج ۱۲- ۱۱.

قرآن کریم به هنگام استفاده از کلمه برادر الاخ آن را برای گروهی که به گونه ای با یکدیگر همبستگی دارند، به کار برده و به همین تعبیر، از پیروان عاد، ثمود و مدین با پیشوند اخ یاد کرده است.

هم چنین در آیه هایی اشاره به برادری مسلمانان کرده و می فرماید:

فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا؛ یعنی : و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد، و به

Bia2book.blogfa.com

برکت نعمت او، برادر شدید آل عمران ۱۰۳.

ونزعنا ما فی صدورهم من غل اخوانا علی سرر متقابلین یعنی : هر گونه غل حسد و کینه و دشمنی را از سینه آنها بر می کنیم و روحشان را پاک می سازیم .در حالی که همه برادرند، بر تخت ها رو به روی یکدیگر قرار دارند حجر ۴۷.

فان تابوا و اقاموا الصلاۀ و آتوا الزکاۀ فاخوانکم فی الدین ؛ یعنی : ولی اگر توبه کنند، و نماز را بر پا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند توبه ۱۱.

پدران

قرآن کریم کلمه اب یا پدر را به صیغه مفرد و جمع در ۱۲۳ آیه آورده است که در ۲۸ آیه از یوسف یاد شده که در برخی از آیات ، این کلمه به معنای شخصی است که دیگران از او سرچشمه می گیرند. اما دائما در ردیف پدر قرار نداشته است و هیچ گاه به کلمه جد یا پدربزرگ اشاره ای نشده است.

قرآن به کلمه والد یا پدر در سه آیه و والده یا مادر در چهار آیه و والدان یا پدران و مادران در بیست آیه و الولد یا فرزند در پنجاه و شش آیه ، و الولدان یا کودکان در بیست آیه اشاره نموده است . هم چنین به کلمه الذریه و مشتقات آن ، که به معنای نسل و دودمان است در سی و سه آیه اشاره نموده است . قرآن با استفاده از این تعبیر، اشاره به وارثت خونی و توالی نسل ها نموده است.

آیاتی که در آن فرزندان یاد شده است ، جایگاه اساسی آنان در اجتماع را آشکار می سازد. قرآن

Bia2book.blogfa.com

کریم ، سرچشمه قدرت افراد را فرزندان و ثروت آنان به شمار آورده است [976] .هم چنین نیکی و احسان به پدر و مادر [977]را سفارش نموده و می فرماید :ما انفقتم من خیر فلوا الدین و الاقربین ؛ یعنی : هر خیر و نیکی و سرمایه سودمند مادی و معنوی که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان باشد بقره ۲۱۵.

قرآن اطاعت از پدر و مادر را واجب کرده و فرموده است : فلا تقل لهما اف ولا تنهر هما و قل لهما قولا کریما؛ یعنی : کمترین اهانتی به آنها روا مدارا و بر آنها فریاد مزن ! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو اسراء ۲۳.

اما اطاعت فرزند از پدری که به گمراهی و انحراف در عقیده کشانیده شده ، مورد قبول نیست در این باره قرآن می فرماید :و ان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما؛ یعنی : واگر آن دو مشرک باشند و تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری ، از آنها پیروی مکن عنکبوت ۸، لقمان 15.

در حقیقت ، پیروی فرزندان از عقاید و سنت های پدرانشان ، یکی از دلایل ادامه شرکت به شمار می آید و دوستی و محبت تنها برای اسلام است : یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا آباءکم و اخوانکم اولیاء، او لو جئتکم باهدی مما وجدتم علیه اباوکم ...؛ [978]یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! پدران و مادران را ولی یار و یاور و تکیه گاه خود قرار ندهید. آیا اگر من آیینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم باز هم انکار می کنید .

قرآن کریم در اشاره به دشمنی همسران و فرزندان در راه عقیده می فرماید ان من ازواجکم و

Bia2book.blogfa.com

اولادکم عدوا لکم فاحذورهم ؛ یعنی : بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید تغابن ۱۴ .در روز قیامت هر شخصی مسئولیت کارهای خویش را بر عهده دارد، و نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل می کند، نه فرزند چیزی از کیفر و اعمال پدرش را به عهده می گیرد[979] .

زن و خانواده

پایه و اساس خانواده بر مرد و زن تکیه دارد که با آن دو، خانه ای تشکیل شده و فرزندان به وجود می آیند.

قرآن می فرماید :الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم ؛ یعنی : مردان ، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند از نظر اجتماع برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است ، و بخاطر انفاق هایی که از اموالشان در مورد زنان می کنند نساء ۳۴.

بر مرد است با همسر خویش رفتار نیکو و اخلاق پسندیده داشته و در جدایی از او شتاب به خرج ندهد :و اللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع و اضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلا ان الله کان علیا کبیرا، و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما ان الله کان علیما خبیرا ؛ یعنی : و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! و اگر موثر واقع نشد، در بستر از آنها دوری کنید و اگر هیچ راهی جز شدت عمل ، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود، آنها را

Bia2book.blogfa.com

تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجویید بدانید خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است . قدرت او، بالاترین قدرتهاست ، و اگر از جدایی اختلاف میان آن دو همسر بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید، تا به کار آنان رسیدگی کنند. اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند، زیرا خداوند، دانا و آگاه است و از نیات همه ، با خبر است ، نساء ۳۵- ۳۴.

ازدواج ، پیمانی بر اساس رضایت است و بر زن است که با موافقت ولی خویش ازدواج نماید. زن به هنگام درگذشت همسر خود در صورت نداشتن فرزند، نیمی از دارایی او را به ارث می برد و در صورتی که فرزند داشته باشد، یک هشتم میراث او را به ارث می برد [980] و در صورتی که مرد همسر خویش را طلاق دهد، حق ندارد، مهریه او را پس بگیرد[981] .

زنی که همسرش فوت کرده باشد، تنها پس از گذشتن چهار ماه و ده روز از مرگ شوهر می تواند، ازدواج نماید [982] .زن دارای حق مالکیت و ارث است و حتی در آغازاسلام ، زنان خود و از طرف خود بر اسلام بیعت می کردند.

بر زن است که پاکدامنی اختیار کرده و از آلودگی زنا پرهیز نماید [983] .او نباید به زنا نزدیک شود و خود را به آن آلوده نماید؛ زیرا زنا کان فاحشة وساء سبیلا؛ [984] یعنی کار بسیار زشت ، و بد راهی است .

در آیه دیگری آمده است : الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة و الزانیة لا ینکحها الا زان او مشرک ؛ [985] یعنی : مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند، وزن زناکار را، جز مرد

Bia2book.blogfa.com

زناکار یا مشرک ، به ازدواج خود در نمی آورد .هم چنین یکی از شروط بیعت النساء این بود که زنان دامن خویش را به زنا آلوده نسازند[986] .

داشتن چهار همسر در اسلام برای مردان به شرط رعایت عدالت جایز است[987] .

هنگامی که مرد از زن خویش دوری می نماید، حرام است که با خودداری از طلاق ، مانع ازدواج او، با دیگری شود؛ همان گونه که طلاق بیش از دو بار نیز حرام است[988] .

اسلام ظهار را نیز که مرد به همسر خود بگوید: تو نسبت به من به منزله مادرم هستی سخنی زشت و باطل به شمار آورده و آن را منع کرده است [989] . ازدواج با همسر پدر را نیز حرام کرده است ؛ [990]ارتباط با هر تعداد از کنیزان آزاد شمرده شده است [991] . اسلام به زن اجازه نداده است که زینت خود را جز برای محرم خویش ، ظاهر نماید [992] .ازدواج با مادر و خواهر و عمه ها و خاله ها نیز در اسلام حرام شمرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نظام پیوسته و گسترده ای را برای خانواده و ارتباط میان افراد آن به وجود آورد که امروزه به آن قانون احوال شخصی گفته می شود. و ازدواج و طلاق و شیر دادن و ارث را شامل می شود. به این ترتیب ، روش های منحرف و بی قاعده بسیاری که از قبل بر اجتماع جاهلی حاکم بود، از میان برداشته شده است.

این نظام ، با اهداف همبستگی اجتماعی در زمان خود و زمان های بعدی هماهنگ بود. از این رو مسلمانان بدون هیچ گونه اغماض و گذشتی بر اساس آن عمل کرده و سرپیچی از آن را انحراف غیر قابل گذشتی به شمار می آوردند. آیات متعددی نیز آشکارا به تفصیل و تثبیت این نظام

Bia2book.blogfa.com

پرداخته و بر قدرت اجرایی آن افزوده است . از سوی دیگر، استقرار و پایداری این نظام ، علاوه بر آثار مفید آن در تنظیم خانواده و اجتماع ، به اعتبار الهی بودن آن و اساس وجود آن بر اساس معیارها و ارزش های اخلاقی مربوط بود.

در حقیقت بخش های زیادی از قسمت های زندگی مسلمانان به این نظام پیوسته ، که با وجود تحریکات و مخالفت ها، هم چنان ثابت وپابرجا باقی مانده است و این یکی از برجسته ترین ویژگی های جامعه اسلامی به شمار می آید. ادامه آن نیز با گذشت قرن های متوالی و به وجود آمدن پیشرفت هایی در آن ، نشانه و گواه واقعی بودن آن از سویی و همبستگی اجتماع و استقرار و جایگزینی آن از سوی دیگر است.

قرآن کریم در آیات فراوانی ، همبستگی خانواده را ارج نهاده و محافظت از آن را واجبی دینی به شمار آورده است . قرآن آن را نمونه کامل و برجسته اخلاقی که اسلام به آن فراخوانده ، تعبیر کرده است . آیات بسیاری تاکید بر اطاعت از پدر و مادر و خوش رفتاری با آنان و نیز رعایت نزدیکان و برتری آنان در کارهای نیک نموده است . خداوند می فرماید :الاقربون اولی بالمعروف ؛ یعنی : نزدیکان شایسته تر به شمار می آیند و بر واجب بودن سرپرستی یتیمان و نگهداری از دارایی های آنان و بذل محبت به آنها تاکید کرده و دسترسی و توجه به نیازمندان و ضعیفان را سفارش نموده است.

این همبستگی در خانواده و اجتماع ، پیرو قوانین عمومی حاکم بر امت است که بر اصول عقیدتی و اخلاقی اسلام مبتنی است . این اصول عبارت اند از: اولویت داشتن روابط خانوادگی بر هر گونه

Bia2book.blogfa.com

قوانین دیگر، که در هنگام تعارض ، اولویت و تقدم با روابط خواهد بود. در زمینه عقاید، اطاعت از والدین محدود به عقیده است ؛ یعنی فرزند ملزم به رعایت حرمت والدین و اطاعت از آنهاست تا جایی که به عقیده است ؛ یعنی فرزند ملزم به رعایت حرمت والدین و اطاعت از آنهاست تا جایی که به عقیده او آسیبی نرسانند و از این رو، اگر والدین او را به شرک خوانند نباید از آنان اطاعت نماید. در این باره خداوند می فرماید:

و ان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفا ...؛

یعنی : و هر گاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی ، که از آن آگاهی نداری بلکه می دانی باطل است ، از ایشان اطاعت مکن ، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن لقمان ۱۵.

در زمینه روابط زناشویی نیز اسلام حدودی را تعیین نموده است ؛ به این صورت که زن مسلمان حق ندارد شوهر کافری اختیار کند، اما مرد مسلمان می تواند با زن کافر ازدواج کند [993] و فرزندان تابع پدر خواهند بود.

روابط اجتماعی

روابط و دوستی میان مردم ، دارای مراتب متفاوتی است که از آشنایی با یکدیگر آغاز می شود و پس از الفت ، به دوستی می انجامد. آشنایی ، نخستین مرحله از مراحل تفاهم به شمار می آید و در دو آیه از آن به همراه الفت یاد شده است و در دو آیه نیز به آن اشاره شده است . درباره دوستی ، آیات بسیاری ، آیات بسیاری ، جایگاه پروردگار را به عنوان دوست احسان کنندگان ، توبه

Bia2book.blogfa.com

کنندگان ، عادلان ، خیرخواهان ، پاکان ، و جنگجویان در راه خدا آشکار ساخته است و در برابر آن ، این که خداوند کافران ، ظالمان ، مفسدان ، راحت طلبان ، و متکبران را دوست ندارد.

محبت به زندگی زود گذر دنیا و امور مادی از زنان و فرزندان ، در نظر مردم جلوه داده شده است تا در پرتو آن ، آزمایش و تربیت شوند. قرآن از والاترین درجه مهربانی با کلمه حمیم یا پر محبت یاد کرده است و در آیه هایی از آن به صدیق حمیم [994] یعنی دوست گرم و پر محبت و یا ولی حمیم [995] یعنی دوستی گرم و صمیمی یاد کرده است.

در مقابل بالاترین درجه دشمنی را به دشمن ستیزه جو عدو لدود، و دشمن آشکار عدو مبین تعبیر کرده است.

اسلام همه را به کمک و همیاری و دستگیری از ناتوانان فرا خوانده و بر مهربانی و خوش رفتاری با یتیمان و تهیدستان و بینوایان تاکید کرده است . اسلام این برخورد را یکی از ویژگی های مسلمانان قرار داده و به این وسیله آنان را از کفار متمایز گردانده است.

خداوند در این باره می فرماید :فاما الیتیم فلا تقهر، و اما السائل فلا تنهر؛ یعنی : حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن ، و سوال کننده را از خود مردان ضحی ۹.

در آیه ای دیگری می فرماید :ارایت الذی یکذب بالدین ، فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین ؛ یعنی : آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی ؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، و دیگران را به اطعام مسکین تشویق نمی کند ماعون ۲.

هم چنین می فرماید :کلا بل لا تکرمون الیتیم ، و لا تحاضون علی طعام المسکین ؛ یعنی : چنان

Bia2book.blogfa.com

نیست که شما می پندارید. شما یتیمان را گرامی نمی دارید، و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید فجر ۱۷[996] .

اسلام بر گشاده دستی و نیکویی به یتیمان تاکید کرده ، [997]پرداختن خمس به آنها را واجب گردانیده [998]و فرموده است کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند در حقیقت : انما یاکلون فی بطونهم نارا؛ یعنی : آنان تنها آتش می خورند نساء ۱۰ .اسلام بر نیکی به تهیدستان تاکید نموده و صدقات ویژه برای آن قرار داده است : للفقراء و المساکین و العالمین علیها و المولفۀ قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضۀ من الله ؛ یعنی : فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای جمع آوری آن زحمت می کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای آزادی بردگان ، و ادای دین بدهکاران ، و در راه تقویت آیین خدا، و واماندگان در راه ، این ، یک فریضه مهم الهی است توبه .60هم چنین بر مهربانی و خوش رفتاری با خویشاوندان تاکید نموده است.

اسلام ، مسلمانان را به صداقت در معامله و وفای به عهد نیز فراخوانده و در این باره می فرماید :و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا؛ یعنی : به عهد خود وفا کنید، که از عهد سوال می شود اسراء ۳۴.

هم چنین در آیه ای دیگر می فرماید :والموفون بعهدهم اذا عاهدوا؛ یعنی : و هم چنین کسانیکه به عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا می کنند.

قرآن کریم کلمه عهد را در هشت آیه و والذین یعاهدون الله یا آنانیکه با خدا عهد می بندند را در

Bia2book.blogfa.com

بیست و یک آیه آورده است.

قرآن ، مردم را به استفاده و بهره وری از دنیا و زینت های آن فراخوانده و می فرماید :و کلوا مما رزقکم الله حلالا طیبا؛ یعنی : و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است ، بخورید !مائده ۸۸[999] .

در آیه دیگری نیز می فرماید :قل من حرم زینۀ الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق ؛ یعنی : بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده ، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است ؟ اعراف ۳۲.

هم چنین : المال و البنون زینۀ الحیاۀ الدنیا؛ یعنی : مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست کهف ۳۶؛ نحل ۸.

فعالیت اقتصادی از دیدگاه اسلام

قرآن کریم مردم را به میانه روی در خرج و هزینه فراخوانده و از زیاده روی ، اسراف ، تلف کردن ، و حرص و تنگ نظری بر حذر داشته است . خداوند می فرماید :و لا تبذر تبذیرا، ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین ؛ یعنی : و هرگز اسراف و تبذیر مکن ، چرا که تبذیر کنندگان ، برادران شیاطین اند اسراء ۲۶- ۲۷.

هم چنین می فرماید :انه لا یحب المسرفین ؛ یعنی : خداوند مسرفان را دوست نمی دارد اعراف ۳۱.

در آیه دیگری نیز می فرماید :و ان المسرفین هم اصحاب النار؛ یعنی : مسرفان اهل آتش هستند

Bia2book.blogfa.com

غافر ۳۴ .و نیز مسومۀ عند ربک للمسرفین ؛ یعنی : سنگ هایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذشاته شده است ذاریات ۳۲.

قرآن کریم مسلمانان صالح را این گونه توصیف نموده است : و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا؛ و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف و نه سخت گیری فرقان ۶۷.

و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا؛ یعنی : و از نعمت های الهی بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید اعراف ۳۱.

و لا تجعل یدک مغلولۀ الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا؛ یعنی : هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن ، و ترک انفاق و بخشش منما و بیش از حد نیز دست خود را مگشای ، تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی ! اسراء ۲۹.

و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکۀ ؛ یعنی : و در راه خدا، انفاق کنید! و با ترک انفاق خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید بقره .195

قرآن هم چنین بخل و آزمندی را مورد نکوهش قرار داده و آن را سود به شمار نیاورده است : ولا یحسبن الذین یبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خیرا لهم ؛ یعنی : کسانی که بخل می ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده ، انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنهاست آل عمران ۱۸۰.

و نیز :و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون ؛ یعنی : کسانی که از بخل و حرص نفس خویش ، بازداشته شده اند رستگارانند حشر ۹؛ تغابن .16

Bia2book.blogfa.com

قرآن ، کسانی را که یکنزون الذهب و الفضۀ و لا ینفقونها فی سبیل الله ؛ یعنی : طلا و نقره را گنجینه و ذخیره و پنهان می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند توبه ۳۴، مورد نکوهش قرار داده است.

هم چنین می فرماید :و اما من بخل واستغنی ، و کذب بالحسنی ، فسنیسره للعسری ؛ یعنی : اما کسی که بخل ورزد و ازاین راه بی نیازی طلبد، و پاداش نیک الهی را انکار کند، به زودی او را در مسیر دشواری قرار می دهیم لیل ۸- ۹- ۱۰.

و در آیه دیگر و من یبخل فانما یبخل عن نفسه ؛ یعنی : و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است محمد ۳۸.

قرآن کریم ، انفاق عادلانه و میانه را، نیکوکاری به شمار آورده [1000] و فرموده است :الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ؛ یعنی : کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است ، و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند بقره 262.

هم چنین در آیه دیگری می فرماید :یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی کالذی ینفق ماله رئاء الناس و لا یومن بالله و الیوم الاخر فمثله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه و ابل فترکه صلدا لا یقدرون علی شی ء مما کسبوا و الله لا یهدی القوم الکافرین ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! بخشش های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را

Bia2book.blogfa.com

برای نشان دادن به مردم ، انفاق می کند، و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد. کار او هم چون قطعه سنگی است که بر آن ، قشر نازکی از خاک باشد، و بذرهایی در آن افشانده شود، و رگبار باران به آن برسد، و همه خاک ها و بذرها را بشوید، و آن را صاف و بذر رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند، و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند بقره ۲۶۴.

پروردگار بیع را حلال کرده [1001]، و داد و ستد را در میان مردم مباح گردانده است ، [1002] مشروط بر آن که این تجارت و دست به دست گشتن با رضایت آنان صورت پذیرد [1003] .قرآن ، داد و ستدهای بازرگانی را مشمول اصول اخلاقی که بر پایه عدالت بوده قرار داده و می فرماید : و اوفوا الکیل و المیزان بالقسط؛ یعنی : و حق پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید انعام ۱۵۲.

نیز در این باره می فرماید :فاوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیاءهم ؛ یعنی : بنابراین ، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید اعراف ۸۵.

هم چنین می فرماید :و اوفوا الکیل اذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم ؛ یعنی : و هنگامی که پیمانه می کنید، حق پیمانه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید اسراء ۳۵[1004] .

قرآن کریم فریب و نیرنگ در پیمانه را مورد نکوهش قرار داده و به اقدام کنندگان آن عاقبت ناخوشایندی را هشدار داده است : ویل للمطففین ، الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون ، و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون ؛ یعنی : وای بر کم فروشان ! آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند؛ حق خود را بطور کامل می گیرند، اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن

Bia2book.blogfa.com

کنند، کم می گذارند مطففین ۱، ۲، ۳.

قرآن ، ربا را حرام به شمار آورده و می فرماید :یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا الربا اضعافا مضاعفه ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا و سود پول را چند برابر نخورید آل عمران ۱۳۰ و نیز می فرماید :الذین یاکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا ؛ یعنی : کسانی که ربا می خورند در قیامت بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان ، دیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی بپا می خیزد. این ، به خاطر آن است که گفتند داد و ستد هم مانند ربا است و تفاوتی میان آن دو نیست . در حالی که خدا بیع را حلال کرده ، و ربا را حرام ! زیرا فرق میان این دو بسیار است بقره ۲۷۵.

در آیه دیگری چنین می فرماید :یمحق الله الربا و یربی الصدقات ؛ یعنی : خداوند، ربا را نابود می کند، و صدقات را افزایش می دهد بقره ۲۷۶ و نیز :و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله ؛ یعنی : آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت روم ۳۹.

جهاد

قرآن کریم در آیات بسیاری بر جهاد و پیکار در راه خدا تاکید کرده و مسلمانان را به پایداری و استقامت و اظهار شجاعت فرمان داده و گریز از میدان جنگ را مورد سرزنش قرار داده می فرماید :یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الادبار و من یولهم یومئذ دبره الا

Bia2book.blogfa.com

متحرفا لقتال او متحیزا الی فئهٔ فقد باء بغضب من الله و ماواه جهنم و بئس المصیر ؛ یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رو به رو شوید، به آن ها پشت نکنید و فرار ننمایید!، و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند- مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی از مجاهدان بوده باشد- چنین کسی به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم ، و چه بد جایگاهی است انفال ۱۵- ۱۶.

فصل بیست و هفتم : خلق و خوی رسول خدا صلی الله علیه و آله

ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله و اخلاق او

به روایت گروهی از اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که رنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله سفید متمایل به قرمز، با چشمانی گشاده و مویی نرم و بلند تا روی گوش ها، ریشی پر پشت ، گونه هایی نرم ، گردنی باریک هم چون لوله آفتابه ای از نقره بود و یک خط باریک مو از زیر گردن ، ناف او ادامه داشت و جز این بر سینه و شکم ایشان مویی نبود. پا و انگشتانی درشت داشت . هنگام راه رفتن ، همانند کسی بود که از بلندی می آید، یا از سنگی بر می خیزد. اگر نگاه می کرد با تمام صورت بود. قطرات عرق بر چهره ایشان هم چون دانه های مروارید می درخشید و عرق او، از عطر اذفر خوشبوتر بود.

پیامبر در زندگی همدم و معاشر دیگران بود و هیچ گاه ادعای رفتارهای خارق عادت بر خلاف سیر طبیعی جهان را نداشت . قرآن کریم در این باره می فرماید :و قالوا مال هذا الرسول یاکل الطعام و یمشی فی الاسواق لولا انزل الیه ملک فیکون معه نذیرا، او یلقی الیه کنز او تکون له جنهٔ

Bia2book.blogfa.com

یاکل منها و قال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ؛ یعنی : و گفتند: چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را !چرا فرشته ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند و گواه صدق دعوی او باشد؟! یا گنجی از آسمان برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از میوه آن بخورد و امرار معاش کند؟! و ستمگران گفتند :شما تنها از مردی مجنون ، پیروی می کنید !فرقان ۷- ۸.

و نیز قرآن می فرماید :و ما ارسلنا قبلک من المرسلین الا انهم لیاکلون الطعام و یمشون فی الاسواق ... و قالوا لن نومن لک حتی تفجر لنا من الارض ینبوعا، او تکون لک جنۀ من نخیل و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجیرا، او تسقط السماء کما زعمت علینا کسفا او تاتی بالله و الملائکۀ قبیلا، او یکون لک بیت من زخرف او ترقی فی السماء و لن نومن لرقیک حتی تنزل علینا کتابا نقروه قل سبحان ربی هل کنت الا بشرا رسولا ؛ یعنی : ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر این که غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند... و گفتند :ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا این که چشمه جوشانی از این سرزمین خشک و سوزان برای ما خارج سازی ... یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد، و نهرها در لا به لای آن جاری کنی ... یا قطعات سنگ های آسمان را- آن چنان که می پنداری - بر سر ما فرود آری ، یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری ... یا برای تو خانه ای پر نقش و نگار از طلا باشد، یا به آسمان بالا روی ، حتی به آسمان روی ، ایمان نمی آوریم مگر آنکه نامه ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم ! فرقان ۲۰؛ اسراء ۹۰- ۹۴ .بگو : منزه است پروردگارم از این سخنان بی معنی !مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم.

Bia2book.blogfa.com

بر این اساس ، زندگانی دنیایی رسول خدا صلی الله علیه و آله محدود بود و به مرگ پایان می پذیرد، قرآن می گوید :انک میت و انهم میتون ؛ یعنی : تو می میری و آن ها نیز خواهند مرد زمر ۳۰.

و ما جعلنا لبشر من قبلک الخلد افاین مت فهم الخالدون ؛ یعنی : پیش از تو نیز برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم ، وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می کشند، آیا اگر تو بمیری ، آنان جاوید خواهند ماند انبیاء ۳۴.

و نیز :و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ؛ یعنی : محمد صلی الله علیه و آله فقط فرستاده خداست ، و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب بر می گردید؟ و اسلام را رها کرده و به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟ آل عمران ۱۴۴.

تنها یک ویژگی رسول خدا را از دیگر مردمان متمایز و جدا می ساخت و آن این بود که پروردگار او را برگزیده و تنها بر او وحی خویش را نازل می گردانید :قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد؛ یعنی : بگو من فقط بشری هستم مثل شما، امتیازم این است که به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است کهف ۱۱۰

بر اوست که پیام های پروردگار خویش را ابلاغ نماید، [1005] و اوست تنها بشارت دهنده و بیم دهنده [1006] . هدایت مردم نیز تنها از سوی پروردگار صورت می پذیرد :لیس علیک هداهم و لکن الله یهدی من یشاء؛ یعنی : هدایت آنها به طور اجبار، بر تو نیست ، بنابر این ترک انفاق به

Bia2book.blogfa.com

غیر مسلمانان ، برای اجبار به اسلام ، صحیح نیست ، ولی خداوند، هر که را بخواهد و شایسته بداند، هدایت می کند بقره ۲۷۲.

انک لا تهدی من احببت ولکن الله یهدی من یشاء؛ یعنی : تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی ، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند قصص.56

پیامبر صلی الله علیه و آله از سر صدق و اخلاص در تبلیغ رسالت خویش کوشش می نمود :ولو تقول علینا بعض الاقاویل ، لاخذنا منه بالیمین ، ثم لقطعنا منه الوتین ؛ یعنی : اگر او سخنی دروغ بر ما می بست ، ما او را با قدرت می گرفتیم ، سپس رگ قلب او را قطع می کردیم حادقه ۴۳- ۴۵.

ایشان همواره از پروردگار طلب بخشش نموده و ثبات و پایداری خود را از او درخواست می نمود :وقل رب اغفر وارحم و انت خیر الراحمین ؛ یعنی : و بگو پروردگارا !مرا ببخش و رحمت کن ، و تو بهترین رحم کنندگانی مومنون ۱۱۸.

فاصبر ان وعد الله حق و استغفر لذنبک ؛ یعنی : پس ای پیامبر! صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است ، و برای گناه و تقصیر امت خود استغفار کن غافر ۵۵ .فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک ؛ یعنی : پس بدان که معبودی جز الله نیست ، و برای گناه و تقصیر امت خود استغفار نما محمد ۱۹ .هم چنین می فرماید :اذا جاء نصر الله و الفتح ، فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا؛ یعنی : پس بدان که معبودی جز الله نیست ، و برای گناه و تقصیر امت خود استغفار نما محمد ۱۹ .هم چنین می فرماید :اذا جاء نصر الله و الفتح ، فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا؛ یعنی : هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد، پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او

Bia2book.blogfa.com

آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است نصر ۳.

استغفار پیامبر دلیلی بر خطای او به شمار نمی آید، بلکه نشان از تواضع و فروتنی او دارد. قرآن می فرماید :و لو کنت فظا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک ؛ یعنی : و اگر خشن و سنگدل بودی ، از اطراف تو، پراکنده می شدند آل عمران ۱۵۹ .و در آیه دیگری آمده است : ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوۀ کانه ولی حمیم ؛ یعنی : بدی را با نیکی دفع کن ، ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است ، گویی دوستی گرم و صمیمی است فصلت ۳۴.

قرآن کریم در آیاتی اشاره به اخلاق عظیم و برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله و ثبات و پایداری او در ایمان و نیز هماهنگی میان عقیده و عمل ایشان دارد و ایشان دارد و ایشان را عنوان سرمشق و الگوی دیگر مردمان معرفی کرده است : و انک لعلی خلق عظیم ؛ یعنی : و تو اخلاق عظیم و برجسته ای دارای قلم ۴ .لقد کان لکم فی رسول الله اسوۀ حسنۀ ؛ یعنی : مسلما باری شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

حضرت زبانی مهربان و باگذشت داشت . زبان به دشنام و نفرین [1007] و بدگویی نمی گشود. شنیده نشد مسلمانی را لعن و نفرین کند. از دشمنی انتقام نگرفت . هرگز نوکر یا همسران خود را نیازرد و کسی را با دست خویش تنبیه نکرد. به خواهش کسی جواب رد ندارد. اگر از او سوالی می شد و قصد انجام را داشت می فرمود آری ، وگرنه سکوت اختیار می کرد.

هرگز میان دو اختیار قرار نگرفت ، مگر آن که آسان ترین آنها را اجابت نمود. چهره ای گشاده و خنده رو داشت . زیاده سخن نمی گفت . دعوت مردم را می پذیرفت و بر دراز گوش سوار می

Bia2book.blogfa.com

شد. بر اعتقاد خود پایدار بود، و ایمانی استوار داشت . هرگز در وظیفه پیامبری خویش کوتاهی نکرد و در راه آن سستی ننمود. بر دشمنان آن تاخت ، اما پس از تسلیم شدن دشمن ، با آنان به ملایمت رفتار می نمود آنان را عفو کرد و دشمنی های پیشین را می بخشید. صلابت و پایداری او هنگامی بر همگان آشکار می شد که کافران در مکه بر او سخت می گرفتند. آنها او را تطمیع نمودند تا دست از رسالت خود بردارد و حضرت پاسخ داد :بخدا سوگند اگر آفتاب را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهید، هرگز دست از این وظیفه بر نمی دارم .

پس از فتح مکه ، بزرگواری و گذشت او بر همگان ظاهر شد؛ هنگامی که قریش سر تسلیم فرود آوردند، او از آنان در گذشت و گناه آنان را بخشید و فرمود :بروید شما را آزاد کردم و حتی خانه خود را که کافران پیشتر مصادره نموده و فروخته بودند، باز پس نگرفت . او فرمان به قتل کسی نداد، مگر آن چهار تنی که پیشتر بر اثر لجاجت آنان ، بر کشتن آنان عهد نموده بود. کمترین بهانه را در عذر خواهی برای گذشت از گناه می پذیرفت و پس از فتح مکه ، بسیاری از دشمنان دیروز خود را پذیرفته و به آنها پست هایی واگذار نمود و مال هایی بخشید. حتی به برخی از آنها کارهایی در راه خدمت به امت سپرد.

زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و خوراک و پوشاک و مسکن او بسیار ساده بود .علاقه و رغبتی تمام به پاکیزگی و نظافت داشت و آن را دوست می داشت.

روایات متعددی در نکوهش زیاده روی در خورد و خوراک و لباس از ایشان نقل شده است . بیشترین خوراک ایشان - چنانکه در روایات آمده است - نان جو و خرما بود .در کارهای خانه

Bia2book.blogfa.com

کمک می نمود. لباس پاره خود را وصله زده و کفش سوراخ خود را پینه می انداخت.

این مجموعه از سجایای اخلاقی حضرت ، تنها اشاراتی گذرا به رفتار و سیره عملی اوست و می تواند مقدمه ای برای پژوهش های گسترده و عمیق درباره هر یک از آنها باشد؛ چنان که گروهی از سیره نگاران پیشین به این کار پرداخته اند؛ البته هم چنان راه برای معاصرین باز است.

ودر پایان هم طرح جدید مکه !